



تفسير القاضي البيضاوي ۴۷۵

کتابك درونده وقوعبولان خطا و صواب جدولیدر

صحیفه	سطر	خطا	صواب
٠٧٧	٠٨	مختمل	متحمل
٠٨٩	٠٨	مخزوله	مخذوله
١٠٠	٠٨	الوهبة	الوهبیه
١٠١	١٤	هزیان	هذیان
١٠٨	٠٢	ایلدیکی	ایلدیکه
١١٥	٢٥	سپهسار	سپهسالار
١١٧	١٩	شرجبل	شرحبیل
١١٧	١٧	چیقماغه	چیقمامغه
١٢٤	٠٢	تأخیری	تأخری
١٢٤	١٨	نحوثتلری	نحوستلری
١٣٢	٢٩	هزیلدن	هذیلدن
١٣٤	١١	مرادنه	مردانه
١٥١	٢١	نیجوب	نیجون
١٦٤	١٢	قلدیلر	قالدیلر
١٦٦	٠٢	نکث	نکس
١٨٠	٠٦	لعیین	لعین
١٨١	١٠	استفقاد	استبعاد
١٨٧	١٦	صاقیلك	ساقیلك
١٨٨	٢٦	مهادینه	مهادنه‌یه
١٨٩	٢٨	تذبیر	تزبیر
٢١٠	٠٩	ودایسنده	وادیسنده
٢١٠	٢٩	کذراشدنصکره	کذارشدنصکره
٢٢٠	١٨	اعقارلری	عقارلری
٢٣٨	٢٤	ساده	سادسه
٢٤٥	١٥	مسلتزم	مستلزم

صحیفه	سطر	خطا	صواب
٢٤٨	٢١	ولیدی	ولید
٢٤٩	٠٤	عامستان	عالمستان
٢٥٤	٣١	رکوت	رکود
٢٥٦	٢٩	بالکی	بلکه
٢٧١	٣١	مشتقلو	مشقتلو
٢٧٧	١١	هیکال	هیکل
٣٠١	٢٨	ازرقه	ازرو
٣٤٢	٣١	الاالا	الی الا
٣٥١	١٠	خویله	خوله
٣٦٣	٣١	ولادتمدنبرو	ولادتندنبرو

فهرست کتاب سیر حلبی

خلقت نبوی علیه الصلوة والسلام ٨	ولادت نبوی وقصهٔ فیل که بر تخریب کعبه آمده ٩	رضاعت نبوی ١٠
فضیلت قرائت مولد شریف ١١	ثانیهٔ ارضاع نبوی علیه السلام ١٢	شق صدر آن بدر عالیقدر ١٣
بدیعهٔ شق سینهٔ سید حصور ١٥	ولادت صدیق اکبر وذی النورین رضی الله عنهما ١٥	وفات مادر نبی ذیشان علیه السلام ١٦
مهمه دربارهٔ ابوین برگزیدهٔ ثقلین ١٧	احوال مجملهٔ عبدالله بن عبدالمطلب ٢٠	استسقای عبدالمطلب جد النبی علیه السلام ٢٣
کفالت عبدالمطلب بخدمت خلاصهٔ آل غالب ٢٥	وفود عبدالمطلب با ملك مملکت یمن ٢٥	لایحهٔ حضانت نبوی ٢٩
رمد چشم صاحب سعادت ٣٠	وفات عبدالمطلب وکفالت ابی طالب عم نبی غالب ٣٠	موت حاتم طائی وفوت کسری وبعض احوالش ٣٠
استسقای ابی طالب وشق ثانی صدر نبوی ٣٠	وقعهٔ فجار اول در میانهٔ عرب ٣٢	فجار ثانی وسفر بصری ٣٣
ولادت عمر بن الخطاب وفجار ثالث وحلف الفضول ٣٦	سفر یمن وفجار رابع ٣٧	شق ثالث ٣٩
سفر جرش وسفر بصری ٤٠	سفر ملك وتزوج خدیجة الکبری ٤٢	ولادت علی بن ابی طالب کرم الله وجهه ٤٣

بنای بیت الله الحرام ٤٤	سماع صوت وروئیت ضیا ٤٨	مهمهٔ نحویه در اسماء اعداد ٤٩
تعریف رؤیا وحی منام وشق رابع ٥٠	بدء وحی ٥١	فتور جبریل ٥٢
نزول اسرافیل ٥٣	مهمه در نزول جبریل ٥٣	اظهار دعوت ٥٤
ولادت عائشه وهجرت الی الحبشه ٥٥	عود مهاجرین وامنیت شیطان لعین ٥٥	اسلام حمزه ٥٦
اسلام فاروق اعظم ٥٧	مبدء عقوق ٥٨	معجزهٔ شق القمر ٥٩
موت ابی طالب ووفات خدیجة الکبری ٦٠	نکاح عائشه وسوده وسفر طائف ٦٠	وفد طائفهٔ جن وفائده در اکل وشرب اجنه ٦١
مبدء اسلام انصار وبعض احوال شان ٦٢	شق خامس ومعراج ٦٥	بیعهٔ اولی ٦٦
بیعهٔ ثانیه وهجرت ٦٧	بنای مسجد قبا ومسجد مدینه ٧٠	بدیعه دربارهٔ سعادتخانهٔ نبوی ٧١
حنین جذع ومواخات وبدء اذان ٧٣	تمام رباعی صلوة وخدمت انس ٧٤	سحر لبید وزفاف عائشه ٧٥
اسلام عبدالله بن سلام وامر جهاد ٧٦	مهمه در تعریف غزا وسریه وبعث ٧٨	سریهٔ حمزه وعبیده ٧٨

سریهٔ سعد وغزوهٔ ابوا وصورت صلحنامه ٧٩	غزوهٔ بواط وعشیرا وبدر اولی ٨٠	سریهٔ عبدالله بن جحش ٨١
تزوج امام علی ٨٢	اکتنایش علی بابی تراب ٨٣	تحویل قبله ومهمه در شان قبله ٨٣
فرضیت صوم وزکوة وصدقهٔ فطر وتضحیه ٨٤	وفات رقیه بنت النبی علیه السلام ٨٤	قتل عصماء الیهودیه ٨٥
وفات عثمان بن مظعون ٨٦	ومشروعیت صلوة عید وتجدید مسجد قبا ٨٦	غزوهٔ بدر ٨٦
امداد ملائکهٔ کرام ٩٣	مهمه در تزییف مذهب جبر ٩٥	فائده در اسماع قتلای بدر ٩٧
غریبه ١٠٢	غزوهٔ کدر وغزوهٔ سویق ١٠٣	غزوهٔ بنی قینقاع ١٠٤
بعث سالم ١٠٦	غزوهٔ غطفان ١٠٧	غزوهٔ بحران وغزوهٔ احد ١٠٨
معجزه ١٢٠	حکمت در سرانجام وقعهٔ احد ١٢٣	غزوهٔ حمراء الاسد وسریهٔ محمد بن مسلمه ١٢٤
سریهٔ قرده ١٢٩	سریهٔ رجیع ١٣٠	سریهٔ بئر معونه ١٣٢
سریهٔ عبدالله بن انیس ١٣٥	سریهٔ ابو سلمه ١٣٧	نکاح زینب وحفصه ١٣٨
نکاح ام کلثوم بنت النبی علیه السلام ١٣٩	ولادت امام حسن وامام حسین رضی الله عنهما وغزوهٔ بدر الموعد ١٤٠	غزوهٔ بنی النضیر ١٤١

غزوهٔ ذات الرقاع ١٤٥	غزوهٔ دومة الجندل ١٤٦	غزوهٔ بنی المصطلق ١٤٧
غزوهٔ خندق ١٤٨	صورت مکتوب همایون وغزوهٔ بنی قریضه ١٥٧	نزول آیت حجاب وفرضیت حج شریف وحادثهٔ افك عائشة الصدیقه ١٦٣
انجام کار مفتریان ١٦٧	نزول آیت تیم ونکاح زینب ١٦٩	نکاح جویریه ١٧١
سریهٔ زید بن حارثه شش بار ١٧٢	سریهٔ محمد بن مسلمه دوبار ١٧٥	سریهٔ عکاشه ١٧٦
سریهٔ ابو عبیده بن الجراح وکرز بن جابر ١٧٧	سریهٔ عبد الرحمن بن عوف ١٧٨	سریهٔ عبد الله بن عتیك ١٧٩
سریهٔ عمرو بن امیة الضمری ١٨٠	سریهٔ عبد الله بن رواحه ١٨٢	سریهٔ امام علی بن ابی طالب وغزوهٔ حدیبیه ١٨٣
فاجعه در انصراف از مکهٔ مکرمه ١٨٥	نبذه دربارهٔ مرتضی ١٨٩	غزوهٔ بنی لحیان وغزوهٔ غابه ١٩٦
وقعهٔ ظهار ١٩٩	نکاح ام حبیبه ٢٠١	منع وتحریم شراب ٢٠٢
غزوهٔ غزای خیبر ٢٠٥	اذن عالی برا رجوزه ٢٠٦	فائده در تعریف خمیس ٢٠٨
جواز اقتباس قرانی ٢٠٩	مهمهٔ نفیسه در تقسیم اموال غنیمت ٢١٣	بدیعهٔ حجاج بن علاط ٢١٦

غزوهٔ فدك وغزوهٔ وادی القری ٢١٩	عمرة القضا واحکامش در میانهٔ حنفی وشافعی ٢٢٠	سریهٔ بشیر دوباره ٢٢٣
سریهٔ حزم ٢٢٤	سریهٔ ابو بکر الصدیق وعمر بن الخطاب وغالب ٢٢٥	اتخاذ خاتم ومکتوب قیصر ٢٢٧
مکتوب مقوقس مصر ٢٢٩	مکتوب کسرای عجم ٢٣٢	مکتوب حارث ٢٣٤
مکتوب نجاشی ٢٣٦	مکتوب هوذه ٢٣٩	نکاح زینب ٢٤٠
نکاح بره ٢٤١	زفاف رمله ٢٤٢	وقعهٔ نسیم ٢٤٣
نهی اکل لحم حمار ٢٤٤	نهی نکاح متعه ٢٤٥	ورود مهاجرین ٢٤٧
اسلام خالد بن ولید ٢٤٨	غزوهٔ غزای مکهٔ مکرمه ٢٥٣	فاجعه در حق قیس بن سعد ٢٦٦
نبذه از حال احنف ٢٦٨	غزوهٔ حنین ٢٧٤	امداد ملائکهٔ کرام ٢٧٩
فائده در کلام نبوی بصورت شعر کلام موزون وعبرت ٢٨٠	غزوهٔ طائف ٢٨٤	بدیعه در شان مصطفوی ٢٨٧
مهمه در بیان مؤلفة القلوب ٢٨٩	قصهٔ قارون ٢٩٠	نبذه در بیان اصل الخوارج ٢٩١
سریهٔ شجاع ٢٩٦	سریهٔ کعب ٢٩٧	سریهٔ اشهلی وابو عامر الاشعری ٢٩٧
سریهٔ طفیل وسریهٔ عبد الله بن ابی حدرد ٢٩٩	سریهٔ زید بن حارثه ٣٠٠	سریهٔ قیس وسریهٔ ابو عبیدة بن الجراح ٣٠٥

فايده ماهى كه نامش عنبر بود ٣٠٦	سريهٔ خالد بن وليد دوباره ٣٠٦	فائده در تعريف مد ورطل ٣٠٩
سريهٔ ابو قتاده دوباره ٣١٠	سريهٔ غالب دوباره ٣١٢	سريهٔ عمرو بن العاص دوباره ٣١٥
اتخاذ منبر ٣١٨	لطيفهٔ لاحقه ٣١٨	سفارت علاء بن الحضرمى ٣١٩
سفارت عمرو بن العاص ٣٢٠	سفارت شجاع ٣٢٣	قصهٔ سد مارب ٣٢٥
قصهٔ عجيبهٔ جبله ٣٢٦	وفد قبيلهٔ هوازن ٣٣٠	وفد مالك بن عوف النضرى ٣٣٠
وفد قبيلهٔ صدا و بنى ثعلبه ٣٣١	ولادت ابراهيم بن النبى عليه السلام ووفات زينب بنت النبى عليه السلام ٣٣١	غزوهٔ تبوك ٣٣٢
بديعه درشان ابو ذر الغفارى ٣٣٦	تحيت جنى در اثناى راه ٣٣٩	سريهٔ عيينه وضحاك وخالد بن الوليد ٣٤١
سريهٔ وليد ٣٤١	سريهٔ قطبه وعلقمه ٣٤٤	سريهٔ عكاشه وعلى بن ابى طالب ٣٤٥
هدم مسجد ضرار ٣٤٦	وقعهٔ ايلاء ٣٤٧	امير الحاج شدن صديق اكبر ٣٤٨
قصهٔ لعان ٣٥٠	مهمه در حكم لعان ٣٥٢	قصهٔ رجم ٣٥٣

وفات معاويه الليثى ٣٥٤	مردن كسرى ووفات ذو البجادين ٣٥٥	هلاك رئيس المنافقين ابن ابى بن سلول ٣٥٥
بديعه در حق مرسوم ابن سلول ٣٥٧	وفات ام كلثوم بنت النبى عليه السلام ٣٥٨	وفات نجاشى ومكتوب قيصر ٣٥٨
احوال مخلفون ٣٦٠	بيان وفود ووفد قبيلهٔ ثقيف ٣٦٤	وفد قبيلهٔ بنى عامر ٣٦٦
وفد بنى تميم ٣٦	وفود فروة المرادى ٣٦٩	وفود سفير فروة الجذامى وضمام ٣٧٠
اسلام كعب بن زهير صاحب القصيدة ٣٧١	فايده درشان بردهٔ نبوى ٣٧٣	وفد بنى عذره ودارى ٣٧٤ وصورت تمليكنامهٔ نبوى ٣٧٥
بديعه در قصهٔ دجال ٣٧٥	وفد اهل بصرى ووفد بنى عبد القيس ٣٧٦	وفود اعشى ٣٧٦
وفد بنى مره وعبس ٣٧٧	فايده درشان خالد بن سنان ووفد اهل اذرح وجرباء وايلة ٣٧٨	وفد بنى كلاب ٣٧٨
وفود رسول ملوك حمير ٣٧٨	وفد بنى اسد ٣٧٩	فائده در تعريف عيافت وكهانت ٣٧٩
وفود ملك دومة الجندل ٣٧٩	وفد بنى زبيد ٣٧٩	وفد بنى الحارث ٣٨٠



٤٧٥

وفد قبیلهٔ تجیب ٣٨٠	وفد کنده ونصارای نجران ٣٨٢	تعریف مباهله ٣٨٢
وفد غسان واسلام عدی بن حاتم الطائی ٣٨٣	وفد بنی فزاره ٣٨٤	وفد همدان وخولان وبلی ٣٨٥
وفود رفاعه وصورت مکتوب شریف ٣٨٦	وفود طارق ووفد بنی سعد ٣٨٦	وفود صرد ووفد بنی بجیله ٣٨٧
وفد بنی عامر وازد ٣٨٨	وفد اهل جرش ٣٨٨	وفد بنی حنیفه وقصهٔ مسیلمه الکذاب ٣٨٩
وفود منتفق ووفد بنی محارب وبنی مزینه وبنی طی ٣٩٠	وفد سلامان ونخع ٣٩١	رؤیای زراره ٣٩١
وفود ثمامه وحجة الوداع ٣٩٢	وفات ابراهیم بن النبی علیه وآله السلام ٣٩٣	سریهٔ علی بن ابی طالب ٣٩٣
سریهٔ خالد بن الولید وابو موسی وجریر واسامه ٣٩٤	ادعای نبوت طلیحه ٣٩٦	ادعای نبوت عبهلهٔ العنسی ٣٩٦
ادعای نبوت سجاح ٣٩٨	ادعای نبوت مسیلمة الکذاب ٣٩٨	لطیفه درمیانهٔ سجاح ومسیلمة ٣٩٨

انتقال النبی صلی الله تعالی علیه وعلی آله وصحبه وسلم



بسم الله الرحمن الرحیم

سبحان من علم الانسان بالقلم * وزادهم بسطة بالعلم والحکم
فاثبتوا ما تلقوا من مأثر من * اتی بمحکم حکم العادل الحکم
محمد نور الافاق طلعته * لما تجلی کبدر فی دجی الظلم
لولا تنسم بالاقبال نسمته * لما تفتق نور الدهر من عدم
تقویم عنصره قد کان منطبعا * من جوهر الحسن والتنویه والعظم
محسن صورة مستحسن سیرة * مستجمع لکریم الخلق والشیم
اختص کف نداه للخصاصة ان * یکفها ویفك الکرب والالم
صلی علیه اله العالمین کما * جلا وحلاه بالاحسان والکرم
وآله الغر والصحب الکرام فهم * خیر الحماة له واقدم الخدم

امابعد اصحاب دریت ودرایت * وارباب رویت وروایت * عندنده امر مقرر وماننده مهر انور * اظهر وازهردرکه * فن سری سیر احکام شریعت غرایی حاوی * وامور ملك وملت سمحاپی محتوی * اولوب خصوصا مصالح غزو وجهادی حافل * وظفر ونصرتی منتج اولان مقدمات مرتبهٔ سعی واجتهادی کافل * وسبب نزول ایاتی مشتمل * ومنشا ورود احادیث سید الکائناتی متکفل * اولدیغندن بشقه * توغل وانهماکی * شاه سریر انا اعطیناك * وپادشاه کشور وماارسلناك * علیه الصلوة والسلام * مادارت دوائر الافلاك * حضرتلری طرف تابناکلرینه علقهٔ تعلق وانجذاب * ووصلهٔ توصل وانتساب اولمغله منهج ابهج عالیلرینه انسلاك وانتهاجله * اجل وعاجل ابتهاجی احتیازه طریقهٔ مثلی * وذریعهٔ علیا * اولمق ملابسه سی * جملهٔ فنون علمیه دن

معتبر

معتبر * وجمهٔ علوم متداوله دن برتر * اولمغین اشبو اوارهٔ نیه مثالب ومأثم * السیداحمدعاصم * عصمه الله تعالی عمایشینه * وجعله معتصما بمایزینه مدت مدیده * وازمنهٔ عدیده * دنبرو ازدل وجان * متمنی وجویان * ایدیکه امداد نفس رحمانی * واسعاد تنفس زمانی ایله * اول فن جلیل الافنان * روضهٔ اراضه سنده * مانند هزاردستان کویا * یعنی علم من بوره متعلق براثر ایداعنه تشبثله * خدمت پرمفخرت نبوی مجالنده پویا اوله * بوامنیه نیجه زمان * خاطر فاترده جولان * ایدوب آخر قرارداده ذهن قاصر اولدیغی اوزره * اسوة العلماء المتأخرین * قدوة الفضلاء المتبحرین * سیوطی الزمان * زیلعی الاوان * فحل الفحول * سعد المعقول والمنقول * موشی غرالاثار * محشی درالمختار * یعنی ابراهیم الحلبی که * بین الافاضل راغب پاشا خواجه سی دیمکله متعین * ذات عدیم الامائلدر * تغمده الله بغفرانه * ومهده فی بحبوحة جنانه * سال عمر سید الابرار ایله همشمار * التمش اوج بیت بلا اغتشعار * ضمننده معظمات وقایع * وحالات نبوی * ومهمات سرایا وغزوات مصطفوی یی درج وتضمین * وفی ذاته تحریر فاقد الاقران * وحکم وترجیح وادیسنده مطلق العنان * اولمغله مشغلهٔ اختلافدن ساده * ودغدغهٔ اعتسافدن ازاده * خیر الکلام ماقل ودل * مؤداسی مفید ومختصر * عبارت براعت پرور التزامیله شرح وتبیین ایدوب * لکن اول شاهد حلبی حله پوش عربی اولمق تقریبی هرکسه ابراز جمالدن استغنا کار * وایصال صلهٔ وصالدن سروسهی وار * دامنکش عز ووقار * اولمغله الباس لباس ترکی ایله * جلوه عرض دیدار * وحقایق ودقایق عشوه لرین اظهار * ایلمسی خصوصنه نصب نفس همت * وربط حبل عزیمت * اولنوب لکن بعض عوایق علایق سبیله * وابستهٔ عقدهٔ تسویف اولنمشیدی وقتاکه پادشاه اسلام * وشهنشاه انام * خلد الله سلطنته الی یوم القیام * حضرتلرینك * همت شاهانه وحمیت شهریارانه لریله * اعدای دین اوزره * سوق کتیبهٔ موحدین اولمغله بعد الاستخاره تفألا لنصرة المسلمین * وتوسلا الی النبی الامین * للفتح المبین * بی سکتهٔ توقف وبی وقفهٔ تسوف * مستعینا بالله تعالی ترجمهٔ مصممه یه * وضع خامهٔ ابتدا اولندی * قالدیکه عمدهٔ مرام * ضبط وقایع حضرت سید الانام * وافاده واستفادهٔ عامهٔ خواص وعوام اولمغله مرحوم ویسی ونابی کبی تکلفات منشیانه * وتشدقات سخنورانه وادیلرندن صرف لجام وهرکس شناس اولان زبانزد ومأنوس عبارت التزامیله

ترجمه سنه اعمال براعهٔ اهتمام * وبعون الله الملك العلام * ايسرايامده قرين
حسن ختام * اولمشدر * ورابطهٔ كمالى تقرير * وضابطهٔ افادهٔ مفهوماتى
تيسير * ايچون هر بيتك ذيلنده * تراكيب عربيه سى تصريح * ولوايح
وفوايح وفوائده تقسيم * وحسب المناسبه * برقاچ مجلده لاحقه وسميله
چند فقره ترقيم * اولنمغله * حقا كه اسلوب حسن * ونهج مستحسن * اوزره
ترشيح وتوشيح * اولنمشدر * بعدذا * وتيرهٔ مشروحه اوزره * اعلاى لواى اسلام
وتنكيس رايت اعداى خسران انجام * تفأليله شروع وابتدا اولنديغندن
بشقه * اول غزاى غرايه تجهيز جنود * وتيسير مهمات نامعدود * خصوصنده
صرف كنجينهٔ مجهود * ايدوب وهرحالده مستغرق بحر تيار عنايت
شاهانه * ومستفيض ابرمدرار عاطفت پادشاهانه لرى * اولديغمز ولى نعم
عالميان * روح جسد جهانيان * شاه اسلام * ظل الله على الانام * نوربينش
مسلمين * قوة الظهر مؤمنين * معز سلطنت * مقوم دين ودولت * خليفهٔ
روى زمين * ذريعهٔ عزت دين مبين * درهٔ درج جلالت * غرهٔ برج نبالت *
نقاوهٔ ملوك جهان * خلاصهٔ دودمان ال عثمان * صباحت صبح دولت *
صرامت سيف شريعت * معنئ نص جهانبانى * مفهوم آيت حكمرانى *
جشيد تهمتن دل كيخسرو سام آيين * اسكندر كسرى راى داراى فريدون فر
خورشيد فلك هيبت كردون قضا فرمان * نيسان سخاباران * درياى جهان لشكر
السلطان بن السلطان بن السلطان * ناشر البر والعدل والاحسان * قاهر
الكفر والفجور والطغيان * حافظ بلاد الله * بالرأى المنير * ناصر عباد الاله
بالسيف الشهير * نير سپهر مكارم * سپهر نجوم مراحم * عمان عنايت *
عيلم عطافت * قدردان هنرمندان * حيثيت شناس دانشوران * الكريم
ابن الكريم بن الكريم * زيبندهٔ ملك وتاج وديهيم * السلطان سليم الثالث
سلمه الله تعالى عن كوارث الحوادث * حضرتلرى طرف مستجمع
المجد والشرف ملوكانه لرينه خيردعا * وحسب الميسور جانب براپادن دخى
استدعا * طريقنه همت واعتنا * جملهٔ مسلمينه واجب * وكافهٔ مؤمنينه اهم
رواتب * اولمغله جانب جلى المناقب خسرويلرينه * محضا مجلبهٔ دعاوثنا *
اولمق عزم صادقنه مبنى نام نامى * واسم ساميلرى * اكليل بافوخ اثر * وقهٔ
ترجمه يه مدار زيب وفر * قيلنمشدر جناب آفرينندهٔ كون ومكان *
وروزى دهندهٔ جملهٔ انس وجان * جل شانه عن طروق الحدوث والامكان *
اول فرمايندهٔ كشوردين * وپيرايندهٔ تاج ونگين * شهريار كزين * تاجدار
عرش تمكين * خورشيد طلعت * عطارد فكرت * قمر تنوير * مشترى تدبير

يم سماحت * رستم حماست * قهرمان صولت * نريمان سطوت * پادشاه
اعظم * مالك معظم * كاشف الغمه * ملاذ الامه * محيى المملكة * مؤيد
السلطنه * قامع الجبابرة المتمردين * قالع اصول الملحدين * والمشركين *
غيث سماء الجلالة * ليث غابة البسالة * الملك المؤيد * القدموس المجد *
حامى الغزاة * ماحى الطغاة * غرة ايام الملوك والاكارم والاعالى * بهجة جمال
الممالك والمكارم والمعالى * اجل ملوك الخافقين * اعدل سلاطين المشرقين
حضرتلرينك وجود همايون * وذات هما همال مسعد تمقرون ملوكانه لرين *
حدوث احداث حدثاندن مصون * وعروض عارضهٔ اعراض ملواندن
مأمون * وعمر وشوكت وفر وحشمت خسروانه لرين افزون * بلكه حوزهٔ
حساب حسابدن بيرون * وفى كل الاحوال مظهر تأييدات سبحانى *
ومنظر عين عنايات صمدانى * ايلديكى حالده * منهل طبع لطافتنبع
داوريلرين كدرهٔ كرد كدردن مصفى * وسجنجل ذهن نزاهتملع خديويلرين
مصقلهٔ مسرت ايله دائما مجلى * ايليوب وشقهٔ لواى فلك فرسالرين *
اراحهٔ عساكر مسلمين ايچون * مروحهٔ نسيم نصرت * وصمصمهٔ رايات سدره
رسالرين احراق قلوب كافرين ايچون * پرتوسوز نكايت ونقمت وكنجينهٔ
سمع شريفلرين * مالامال جواهر بشر وسرور * وخزينهٔ قلب منيفلرين *
لبريز نقود انبساط وحبور * ايليه آمين * بجاه النبى الامين * اللهم اجعل
انحاء ممالكه * بوفود النصر والتاييد معموره * وحافاتها بسجال اللطف *
والافضال مغموره * ورياض سلطنته * بهطال الاقبال ممطوره
واعلام دولته * برياح الظفر منشوره * وانواع بغيته
بتوفيقك محصلة ميسوره * واجعل رايات بأسه
شهيرت فى الاقطار والاقطار * وايات
استيناسه * منيرة فى افاق الصين
والبلغار * بحرمة النبى المختار
واله الابرار * وصحابته
الاخيار * امين
ثم امين
م

ابدأ بسم الله والرحمن * ثم الرحيم منزل القران

ابدأ * كلمه سی شروع وابتدا معناسنه اولان بدأ لفظندن فعل مستقبل متكلم وحده در ومتعلق بای باسم الله در بای مزبوره نك مدلولی عند البيضاوی استعانت وعند الزمخشری مصاحبتدر * اسم * لفظنك اصلی خصوصنده مبانهٔ اعلام بصريانده تخالف ار أو اقع اولمشدر بصريه بصره علو معناسنه سمو اولمغی اختيار وكفاهٔ كوفه علامت معناسنه وسم اولمغی تلقی بالاعتبار ايلديلر * لفظهٔ جلاله نك * عدم اشتقاقی مرضی امام اعظم در * رحمن * اسماء صفاتيهٔ الهيه دندر غايتی مراد رحمتدن مأخوذ اسم مبالغه در حضرت حق سبحانه وتعالی نك شان الوهيتنه مستحيل الثبوت اولان اسماء سميه مبادی انفعال وغايات افعالدن اولمق ملابسه سی باعتبار الغايات الخذ واعتبار اولنور ولفظهٔ جلاله اوزرينه عطفی عطف الشئ علی مرادفه قبيلندندر كذلك رحيم * دخی اسم مبالغه در لكن اكثری زيادهٔ مبانی فزونئ معانی يه دلالتی مطرده سنه مبنی رحيمدن باعتبار الكم والكيف ابلغ در بناء عليه ثم ايله كه ترتيب وتدرجه دالدر عطفك صحتی مصون شائبهٔ اعتلالدر كرچه عند الاصوليين واودن مستعار اولمق دخی جواز ده قرينه در * منزل القران * وصفی مرتب علی الرحمة اولمق نكتهٔ بديعه يی مشتملدر * قران * فعلان وزنی اوزره جمع وضم ايتمك معناسنه اولوب بو مناسبتله سور شريفه وايات منيفه يی جامع منزل علی الرسول مكتوب فی المصاحف منقول عنه بالتواتر تعريفيله معرف كتاب مستطاب وتنزيل بی ارتيابده علم اولمشدر منزل القران عنوانی براعت استهلالی متضمن اولديغی ارباب بداعت واستيهاله عياندر واشبو منظومه رجزندر عند الخليل رجز شعردن معدود اولميوب بلكه انصاف واثلاث ابياتدر وجمهور عندنده شعردن برنوعدر ردرت عروضی بش ضربی مشتملدر بيت مرقومك صدری مطوی وعروض وضربی مقطوع وحشو ومصراع ثانی مخبوندر * ناظم عليه الرحمه برموجب حديث شريف اسم ربّ لطيفله ابتدا بعده حديث حمدی يه ده اعتنا واقتدا ايدوب بيوردر كه

وحمد من علمنا علم السير * وصلواته علی خير البشر

وحمد * قولی اسم اوزرينه معطوفدر بصريونه كوره اعادهٔ جار تقديريله وكوفيونه كوره بلا اعاده جائزدر * من كلمه سی موصول اسمی در علمنا صله در * سير * سيرتك جمعيدر سنت وطريقت وهيئت معناسنه

وصلواته * قولی دخی مجروردر وحمد اوزرينه معطوفدر جمع صلاتدر ضمير اسم موصوله عائددر * بشر * انسان معناسنه در اشبو بيتك صدری وحشو اخيری مخبون وابتداسی مخبولدر * ناظم مرحوم اذا صليتم فعمموا امر شريفنه امتثالا لامر اقدال واصحاب كرامه ده اتحاف كادستهٔ صلوة وسلام ايدوب بيورر كه

وصحبه نجوم الاهتدا * واله رجوم الاعداء

وصحبه قولی مجرور اخير البشر اوزرينه معطوفدر صحب صاحبك جمعيدر كه عرفده لقای سعد التقای حضرت رسول اللهله شرفياب اولان مؤمنلردن عبارتدر * نجوم الاهتدا * وصفی اصحابی كالنجوم بايهم اقتديتم اهتديتم حديثنه تلميحدر * واله * قولی وصحبه اوزرينه معطوفدر اصلی اهل اولديغنه مصغری اولان اهيل دالدر اشراف واخطارده مخصوص بالاستعمال اولمشدر * رجوم * رجمك جمعيدر قتل واهلاك ايچون اتيلان طاشلره دينور مثلا ابليس رجيم وكواكب رجوم در

وبعد فالسير ذو تيسير * للفقه والحديث والتفسير

فالسير * فعلم السير تقديرنده در وهو علم باحث عن سائر احوال المبالغ من مبدأ امره الی انتهائه من افعاله واخلاقه وانسابه واصحابه وغير ذلك * وموضوعی ثبوت شرعك متوقف اولديغی احوال حيثيتنه ملابس ذات مبالغدر ومبناسی تواتردر وغرضی احوال مرقومه يی ضبط ايلمكدر وفائده سی اكثر من ان يحصی در خصوصا علم فقه وحديث وتفسيره موقوف عليه درجه سنده در غزوات وسرايا وبعوث احوالنی مشتمل اولوب انلر دخی اسباب نزول ايات قرانيه ودواعی ورود احاديث نبويه يی حاوی * وتشريع احكام وتعيين حدودكبی اهم مهامی محتوی در

ضمنته الثالث والستينا * بيتا كعمر المصطفی سنينا

ضمير علم سيره راجعدر الثلث والستين فی الثلث والستين تقديرنده در الف اطلاقيه در سنين وستين بيتنده جناس ناقص وار در سنين جمع سنه در

وها انا ابدؤه مفوضا * لله امری طالبا منه الرضا

ها * كلمه سی اداة تنبيهدر تركيده بو مقامده اندن ايشته ايله تعبير اولنور ها انا ابدؤه * ايشته بن شروع ايديورم معناسنه در مفوضا ضمير فاعلدن حالدر طالبا حال متداخلدر رضا قصر ايله مصدردر مد ايله اسمدر بوراده مقصوردر

ولد طه عام فيل ورضع * فی الجيم شق وضع صديق وقع

ولد * کلمه سی ماضی مجهولدر * طه * اسمائ نبویه دندر * عام * سنه
معناسنه ظرفدر * فیل * حیوان معروفدر * رضع * باب رابعدن
ماضی معلومدر * مصدری رضاعتدر * اهل نجد لغتنده باب ثانیدن *
ومصدری رضع در * فی الجیم * مقدر وقع کلمه سنه متعلقدر * جیم حرفی که
مرادر تعمیدر * اوچ عدده * دالدر * شق * مؤخر مبتدادر * وضع صدیق
* عاطف تقدیریله شق اوزرینه معطوفدر * صدیق * فعیل وزنی اوزره *
اسم مبالغه در * ابوبکر رضی الله عنه حضرتلرینک لقبیدر * بیت
مرقومده درت لایحه مندرجدر * ولادت * رضاعت * شق صدر سعادت
* وضع صدیق * صاحب اصل مرحوم * کرچه بو مختصرده * ولادت
علیه دن بدأ ایلدی * لکن توطئه وتیره سی اوزره * افرینش نور نبوتک
بعض احوالنی * بطریق الاجمال * بیان ایلمک مناسب کورلمکله *
بر صحیفه قدر * کتب معتبره سیردن نقل والحاق اولندی * جابر بن عبدالله
رضی الله عنه * روایت ایلمشدر که * برکون سلطان انبیا علیه افضل التحایا
حضرتلرندن * یا رسول الله * اول مخلوق ندر دیو سؤال ایلدم * بیوردیلر که
* سنک پیغمبرکک نوریدر یا جابر * حق جل وعلا اول نوری خلق ایدوب *
جمله خیرات وبرکاتی اندن ایجاد ایلدی * سائر مخلوقات صکره صورت
خلقت بولدی * اول نور که رخصت ظهور بولدی * اون ایکی بیک سنه *
مقام قربده ارام ایلدکدنصکره * درت قسم ایدوب * برندن عرش *
وایکنجیدن کرسی * واوچنجیدن حملهٔ عرشی * وخزنهٔ کرسی یی خلق ایلدی
* قسم رابعی اون ایکی بیک سنه * مقام محبتده حفظ ایلیوب * بعده درت
قسم ایلدی * اوچ قسمندن جمله خلایق * ولوح * وبهشت * ابداع
اولندقدنصکره * قسم رابع کذلک * اون ایکی بیک سنه مقام خوفده قیام
ایدوب * ینه درت قسمه منقسم اولدی * برندن ملائکهٔ کرام * ایکنجیدن
شمس * اوچنجیدن * قمر وسائر کواکب مخلوق اولوب * قسم رابع تکرار
* اون ایکی بیک سنه مقام رجاده قرار ایلدی * ینه منوال اول اوزره * تربیع
اولنوب * ربع اولندن جوهر عقل * وثانیدن علم * وحلم * وثالثدن
عصمت * وتوفیق خلق اولندی * قسم رابع ینه اولقدر مدت مقام حیاده
اقامت ایدوب * انقضای زمانده * اقامتده حق جل وعلا * اول نوره نظر
ایدوب * بامر الله تعالی * وجودندن یوز یکرمی درت بیک قطره عرق
ترشح ایلدی * هر بری بر پیغمبره مادهٔ تعین اولوب * وهر برینک نفسندن
آخر زمانه قدر * کاشنسرای عالمه خرام اوراوله جق اولیا * وسعدا * وشهدا

* ارواحی متکون اولدی * پس عرش وکرسی * وبالجمله ذکر اولنان مخلوقات
* بنم نورمدن ظهور ایلدی * بیوردیلر * بعده حق سبحانه وتعالی کرامت *
وسعادت * وهیبت * ورحمت * ورأفت * وعلم * وحلم ووقار * وسکینه *
وصبر * وصدق * ویقین * نام اون ایکی حجاب خلق ایدوب اول نور هر برنده
بیکر سنه خدمت عبودیتی اکمالدنصکره * اذن باریله روی زمینه انزال
اولنوب * میانهٔ خافقینده آفتاب وار * نشر انوار ایلدی * حضرت آدم
علیه السلام * خلق اولندقده اول نور تابان * جبین مبیننده رخشان اولوب
* اندن بدشانی ثبشیده باهر اللمعان * اولدی * بو منوال اوزره جباه ابا وامهاته
انتقال ایدرک صاب عبدالله بن عبدالمطلبه بعده رحم آمنه یه * شرفبخشا
اولوب * اندن افاق وجوده مادهٔ روشنا اولدی * حضرت حق جل شانه نبی
سید المرسلین وخاتم النبیین ورحمت عالمیان * واسوهٔ اهل ایمان ایلدی *
لایحهٔ ولادت اول مهر سپهر لولاک * وماه سماء وما ارسلناک * علیه الصلوة
والسلام مادارت الافلاک حضرتلری * طقوز ماه مدت برج مشیمهٔ آمنه ده
اقامتدنصکره رسنهٔ قطبار عام الفیل اولان شهور عربیه دن * شهر ربیع
الاولک اون ایکنجی دوشنبه کونی که مایهٔ احسان اولان ماه نیسانک ابتداسی
اولوب * نیر اعظم برج حملک مجاور شرف اولان * یکرمی درجه سنده وقر
مقر سعادتی اولان غفر منزلنده تابان ایدی * علی السحر آفتاب جمال
انورلریله * ساهرهٔ غبرایی منور بیوردیلر * صلی علیه وسلم الرحمن * مادارت
الازمان والاحیان * ذکای ذات مکرملرینه بیت الشرف * یعنی صحن
سرای عالمه وضع قدم میامن مؤتلف بیوردقلری * خانهٔ اسمان استانه
شعب بنی هاشمدن * حجاجک برادری محمد بن یوسف الثقفی یه انتمایله *
شهرتیاب برخانهٔ کردون نقباب * اولدیغی رسیدهٔ صحتدر * قصهٔ فیل جناب
خیر المولود * اول وقعه دن اللی کون مرورنده * پرتوبخش عالم وجود
اولمشلردر * تفصیلی بودرکه * چون ابرهه بن صباح الاشرم * شهنشاه
اقلیم حبشه اولان * اصحمه النجاشی طرفندن سرعسکر اولوب * یمن
مملکتنی استیلا ایتدی * وفرمانفرمایان اقلیم فرسدن نزع واسترداد ایلدی
خلقک موسم حجده ملت حنیفهٔ براهیمیه اوزره * حج بیت الحرام قصدیله
مکه یه عزیمتلرین کوروب * وجهه وتوجهلرندن سئوالله واقف حال
اولدقده * اول مغرور بی شعور * زعم فاسد ورأی کاسدی اوزره * برکعبه
بناسنه طرح اساس نیت * ودار الملک یمن اولان صنعا نام بلده ده تکلفات
کثیره یی حاوی برکلیسا بنیادینه مبادرت * ایدوب بعد الاتمام * قلیس ایله

بنام ايلدى * وزائران بيت الحرامى جبر واكراهله * انك زيارت وطوافنه
صرف وتحويل ايتمكه بشلدى * بنوكنانه قبيله سندن بركسنه كه سائر اهل
سيرتعيينى اوزره نفيل بن حبيب خثعمى ايدى بركون انده واروب خلقك
اول خانهٔ ضلالته توقير وحرمتلرين كوردكده غيرت غلبه ايدوب بركيجه اول
جاى نابجايى همه سال بيت الخلا * وسكان سكان ومسكنلرى لوث محض
اولديغى كنديلره اشراب وايما ايلدى * ابرههٔ تبهكار وبدمذهبه بوقضيه
فروزينهٔ آتش خشم وغضب اولمغله * اخذ انتقام قصديله زعمنجه كعبه يى
تخريب ايتمك بابنده عين ايدوب * عسكر بيحساب * ومحمودى نام فيلى دخى
استصحاب ايله * مكه جانبنه عزيمت ايلدى * يقين واردقده دخوله اماده *
وكعبه يى پايمال فيلق وفيل ايتمك جسارت مستتبع الخسارتنه دل نهاده
اولوب * لكن فيل من بور تدبيرا كدايله * ابرههٔ نابشعوركبى حركتدن
روكردان * وحرم طرفنه سوق اولندقجه بردلك ايدوب * غيرى جانبه اماله
اولندقجه عزم وسلوكده شتابان * اولورايدى بوحالده اول كروه مستحق
التنكيل * اوزرلرينه قبل جبار جليلدن طيرا ابابيل تعيين وترسيل اولنوب *
هر برينك برى منقارنده وايكيسى پنجه لرنده اوچردانه بين العدسة والحمصة
طاش * وهر طاشده باشنه دوشجك كمسنه نك اسمى مسطور اولمغله * كفار
خاكسارى سنكسار حجارهٔ سجيل * ومظهر عذاب وبيل ايدوب * بامر الله
تعالى هر برينك فرقندن كيروب مقعدندن خروج ايدرايدى * وزيرندن غيرى
برفرد نجات بولميوب * اول دخى هول جانله جانب نجاشى يه كريزان اولدى
* اما باشى اوستندن برمرغ آيرلميوب بيله كيدرايدى * تاكه حضور
نجاشى يه واروب * سرفلاكت اثرلرينه نازل اولان آفتك كيفيتنى نقل واخبار
ايلدكدنصكره * مرغ من بورك برسنكپاره سيله انكدخى قوشجه جانى *
قوشخانهٔ جحيم طرفنه طيران ايلدى * لايحهٔ رضاعت * پيرايهٔ آغوش
بشريت اولان * اول عنصر عالى طينتك ابتدادرپستان مادرلرى * اوچ
على روايةٍ يدى كون غداى ذات مطهرلرى اولمشدر * لكن اشهر روايات اوزره
ثويبه نام جاريه كه * عتيقهٔ ابولهب درمسروح نام اوغلنك سودى بركاتيله
محرز سعادت ارضاع اولوب سيد الشهداء حمزه بن عبد المطلب مقدم * شير
ثويبه دن مستفيض اولمغله نائل شرف اخوت رضاعيه اولمشدر * مرويدركه
ثويبه ابولهبك جاريه سى اولوب * فخر عالم صلى الله عليه وسلم حضرتلرينك
* ولادت باسعادتلرنى ابولهبه تبشيرا يلدكده مژدكانه زنجير قيد رقيتن قطعله
اطلاق واعتاق ايلمشدى * ابولهب مرد اولدقدنصكره بركسنه سائر

كتب

كتب سيرتعيينى اوزره حضرت عباس آنى واقعه سنده كوروب * حالندن
استفسار ايلدى * جواب ايلديكه حالم بغايت مكدردر بجهيده كرفتار عذاب
اليم اولوب همه آن اكدخوار مؤكلان نيران اولمده يم انجق حضرت محمدك
ولادتلرنى اثنين كيجه سى ثويبه كلوب بكا تبشير ايلدكده * ازادايلديكم
ايچون اول كيجه عذابم تخفيف اولنوب * اشبو وسطى وسبابه پرمقلرمك
اراسنده صو نبع ايتمكله * امتصاصيله تسكين حرارت ايدرم * فائده
بومقامده علامهٔ زمان ابن الجزرى عليه الرحمة والرضوان * بورسمه اظهار
جزرومد بحربيان ايلمشدركه * ابولهب نابمذهب كه دوزخى اولديغى
منصوص تبت يدا ابى لهب در * ليلهٔ مرقومه ده مصدر اولديغى فعل جميل
مقابلى مظهر مكافات جليل اولنجه * مؤمن مخلصلر شب ولادت نبويده
هيجان حب مصطفويله * اظهار شادمانى ومسرت * وادرار صدقات
ومبرت ايلدكده * يوم اللقائه درجه مثلا فى احسن جزا اوله جقلرى ازادهٔ قيد
انهادر * منقولدر ابتدا رسم قرائت مولد شريف صاحب اربل ملك افضل
مظفر الدين * حضرتلرينك اثر همتلريدر * ملك مشاراليه * اسبغ الله
غفرانه عليه * التيوزدرت سنه سى ماه ربيع الاولنك اون ايكيسنده بوآيين
مبينى وضع واختراع ايدوب * بهرسال روزمرقوم حلولنده اجراسنه
ابتدار * وايام عيد وسوركبى اطعمه واشربه احضار ايدوب * بالجمله اهالئ
شهروقرايى ضيافت واقرا * وصلات وصدقاتله مسرتبخش قلوب فقرا *
اولورايدى * بوبابده علماى زمانى * رسائل عديده تأليف * وشعراى دورانى
قصائد نضيده ايله اصداف مسامع عالمبانى * تشنيف * ايلديلر بحمد الله
تعالى الى هذا الان * بلاد اسلاميه ده * خصوصا حرمين محترمين ومصر
وقسطنطنيه ده بوقاعدهٔ حسنه مرعى ومستمر الجريان * اولوب اول هنكام
خجسته انجامده * بالجمله اهل اسلام * ابداى سرور تام * واداى حق ادب
واعظام ايله دمساز قرائت مولد خير الانام * اولمغله اول شهر شرف اشتهار *
بين الاخيار * اقمكير ربيع الابرار * اولمشدر ابن حجر هيثمى فتاواى
حديثيه ده كه * فى الحقيقه كان جواهر اثار سنيه در * بوكونا كهرپاش
بيان اولمشدركه * اشبو مولد شريف قرائتى ضمننده اهالئ مصرك بذل
وايثار ايلدكلرى خرج كثير * داخل عداد تبذير * اولميوب بلكه شان
محمدى يه نسبت يسير * وركن ايمان اولان مهر ومحبت احمدى يه مقايسته
بغايت حقيردر * قالديكه مدخل مؤلفى ابن الحاج بومادده صورت
انكار اظهارى ابناى عصرينك بعض الات محرمه واسباب محظوره

اضافه‌لرینه مبنی اولمغله * نفس ماده‌یه رضا واقرارلرینه منافی اولمدیغی *
مرآت اذهان ذوی الابصاره بدیداردر * ثانیهٔ ارضاع * اول حضرت عالی
منزلتك * مرتبهٔ ثانیه‌ده شرف ارضاعلریله مستسعد اولان * سعدی کهر
ام کبشه حلیمه بنت ابی ذؤیب عبدالله بن الحرث بن شجنه بن جابر بن رزام
ابن ناصر بن سعد بن بکر بن هوازن بن منصور بن عکرمه بن حفصه
ابن قیس بن غیلان بن مضر * بوشیوه ایله شیردوش پستان خبر اولمشدر که
برسنه بامر الله تعالی * مقرو ماوامز * بازدهٔ آسیب قحط وغلا اولمغله *
قبیلهٔ سعدیه‌دن * بربلوك مرضعاتله بالاتفاق * مکهٔ مکرمه‌یه شد نطاق
عزیمت ایلدم * بربلنك ولاغرمرکبم زوار ایدی * زوجم وفرزندم ایله *
نوبتجه سوار اولوب * اماهر بندکجه جانه‌زدن بیزار اولنور ایدی * غایت
ناتوانلیغندن * جمله قافله‌دن کیرو قالوب * منزله هزار زحمت وعنا ایله
واصل اولور ایدی * وحسب الامکان * سودندن اغتذا * ملاحظه‌سیله
برناقهٔ ضعیفه‌دخی استصحاب ایلمشیدك * مخافته عارضهٔ پیری وهرم دخی
سربار اولمغله * پستانلری قوری چشمه‌دن نشان اولوب * کف بخیل مثال
برقطره افاضه‌سی ممتنع الاحتمال ایدی * برلردخی تهی جراب * واچلقدن
بی تاب * اولمشیدك * بوکونه اسباب ناتوانیله افتان وخیزان * دنباله دو
رهروان اولوب * نه حال ایسه مکه‌یه وصولمز میسر اولدی * لیکن رثاثت
ظاهره‌مز * ظهوربطنان امتیمزه * حائل اولوب * یعنی فقر وحقارتمزه بناء
متمولان قرانشدن برفرد بنم طرفه * امالهٔ لحظهٔ التفات ورغبت ایتمامکله
* حزن وخیبتله شکسته دل قالمشیدم * اما * ع * بسی مراد که درضمن
نامرادیهاست * لاجرم سنجه پیکر شاهد امید * زیر قناع نومیدیده * مستور
اولوب * بووجهله مشاهده‌دن مهجور ایمش * مکر اول دردرج نباهت *
علیه افضل التحیه حضرتلری * یکان یکان * همرهانمزه عرض واراءت
اولنوب وتیمی بهانه‌سیله * اول بدبختلر * بوسعادتدن امتناع ایتملریله *
اول همای همایون بال * بنم فرقه سایه‌انداز فر واقبال اولدی * اول سنه
زیاده‌سیله قحط اولوب * تأثیر جوعله * ثدیمده * سود اثری معدوم اولمغله
کندی فرزندم دخی محروم ایدی * اول کوهر عالیقدری * وشاح الصدر
ایلدیکم انده * هر پستانم برچشمهٔ سرشار شیر اولوب * ترشحه باشلدی *
ثدی یمینمه اقبال ایدوب * یسارندن ابا * وبالهام خدا * شریکنه ابقا *
ایلدیلر وهمیشه عادت علیه‌لری * بویله ایدی * زهی سجیهٔ رضیه که *
هنوز طفل شیرخواره ایکن * حلیهٔ عدل ونصفتله * آراسته وزیور مراعات

حق اخوت برله * پیراسته اوله * وپستان ایمنی اختیارك محاسنی * اشنای
حقایقه متبیندر * پس اول غرهٔ غرای سپهر عز وعلایی آلوب * نزد شوهرمه
کلدم * وجمال فائض الکماللریله * انکدخی چشم جاننی قریر ایلدم *
بوحالده زوجم اول زار وناتوان ناقه‌دن * چند قطره سود المق قصدیله *
ممه‌لرینه ال اوردقده اول منبع مکارمك * قدوم برکتلزوملریله * هر بری
برمشك شیر بولوب * همان استحلاب * ونوشانوش شیرناب * ایلدك زوجم
بوحالی مشاهده ایدیجك * کتمانی باینده بکا * توصیهٔ بلیغ ایلدی * بعدزان
اول روح روانی الوب * مرکب مزبوره راکب * وطرف وطنه آیب اولدیق
اول خرست اندام * زندکانی تام * بولوب آب روان کبی جریانه باشلدی *
شویله که * بالجمله رفقا * سایه اسا * کیروده قالوب * هرکس بوحاله متعجب
اولدی * منزلمزه وصولمزده * اول حضرت پرمیمنتك مقدم مسعودلری *
خانمانمزه مقدمهٔ نجاح امال وامانی * وطلعت خجسته لمعتلری * طلیعهٔ
طلاع اقبال وکامرانی اولمغله * دمبدم رفاه ورفاغتمز مزداد * واغنام
وحاصلات انافانا زیاد اولدی * اول خشکسالده قبیله‌مز خلقنك * پستان بز
وکوسفندلری * کفؤ ادام موسی فارغ وتهی * وبزم غنملرمز قرین سمن
وفربهی اولدیلر * چون ایکی سنه مدت * اول زیب کهوارهٔ نجابتك مهمهٔ
رضاعنه اهتمام * وبعد الفطام * حسب العاده * والدهٔ محترمه‌لرینه اعاده
ایچون * مکه‌یه اعتزام اولنوب * والده‌لری کوردکدنصکره * وخامت
هوای ام القرادن محافظه بهانه‌سیله * ینه آلوب قبیله‌مزه انصراف *
وکما فی الاول عین عشرتمز چشمهٔ خورشید صفت * کرد عسرتدن پاکیزه
وصاف اولدی * لایجه شق صدران بدر عالیقدر * ینه حلیمهٔ کریمه‌دن
منقولدر که * قبیله‌مزه وصولدن ایکی وعلی روایة اوچ ماه صکره * برکون
اخ رضاعیلری ضمره نام اوغلم ایله * قیونلری ورای بیوتمزده واقع چراکاهه
سورمشلر ایدی * وقت نصف نهارده نا کهان اوغلم * خوبجکان * چاك
کریبان * فریادکنان * کلوب مددای پدر ومادر * برادر والاکهر قرشی‌یه
التحاقه اقدام ایلیه‌سز که * غالبا بیجان اولدیغی حالده ملحق اولورسز
دیدکده * سببندن استفسار ایلدك * ناکاه برشخص دهشتناك ظهور ایدوب
حضرت محمدی قاپدی * وذروهٔ جبلده یاتروب سینهٔ پرسکینه‌سن شق ایلدی
دیمجك بن وزوجم کمال اضطرابله * اول جانبه شتاب ایدوب * کوردك که
لونی متغیر اولوب * برجانبده طوریور * همان زوجم اول دریکتایی *
ساحل آسا * درکنار ایدوب * چکونکی حال وبالندن استخبار ایلدی *

بيورديلركه * برعلى قول ايكى وعلى رواية اوچ شخص سپيدپوش * كاوب بنى
ياتورديلر * وسينۂ صافى * برخنجر شفافله شق ايدوب * دروغمدن برنسنه
چيقاروب اتديلر * بعده اللرين موضع شقه سوروب * كالاول ملتئم
ايلديلر * روايت ديكرده * بعد الشق برقطعه علقۂ سودا يعنى برپاره ايوشمش
سياه قان * چيقاروب ديديلركه * ياحبيب الله * اشبو علقۂ مطروده *
وجود بهبودكزده * علقۂ علاقۂ شيطانى * وعلى رواية مغمز وسواس
نفسانيدر * يعنى شيطانك وسوسه القا ايدجك محليدر * انكيچون جوفكزدن
ازعاج ايلدك * خصيصه * حضرت حى حكيم * اجزاى انسانيه يى تتميم *
حكمتنه مبنى * اول علقه يى خلق ايدوب * بعده اول جامع خلق كريم
ومستجمع خلق عظيم حضرتلرينه تكريما * قطعۂ مزبوره يى قلع وازاله
بيورديلر * بوماده اول وجود بهبودك حاوى * جواهر كمالات باطنى
اولديغنه * بالاستقلال محل استدلالدر * قالديكه * ملت حنيفۂ نظيفه
اقتضاسى * قلفه كه * حالت ختانده قطع اولنه جق دريدر * اهل اسلامده
قطعى لازم اولوب * لكن موجب كشف عورت اولمغله * اول وجود كامل
الموجود * بوقدرجه نقيصه شائبه سندن دخى مصون بيوريلوب * مختونا
شرف اراى عالم شهود * اولديلر * تتمۂ حال انشقاق * پس اول ذات فرشته
صفاتى * خانمزه كتوروب * شوهرم حارث بومعنايى خفت ملاحظه ايله
ظل ثقيل اصابتنه حمل ايلمكله * والده سنه ايصاله ارشادا تمكين * بنه آلوب
والدۂ ماجده لرينه كتوردك * آمنه جنابلرى * بوذات محترمه دركار اولان
مهر ومحبتكز جوهر ذاتكزده * عرض لازم كبى * مفارقتى ممتنعا تدن
ظن اولنورايدى * شمدى بى طلب مسارعت ارجاعه سبب ندر * ديو سؤال
ايلدكده * ارامكا همزباديه اولمغله * بعض احداث روزكار اصابتندن
تحاشى ايلدك ديو * بعض وجوه بيان ايلديكمزده * بردرلو مجاب اولمامغله
انجام كار واقع حالى نقل واخبار ايلدك * آمنه اى حليمه جن طائفه سى *
بوفرزند سعادتمنده * بروجهله كزند ايصالنه قادر دكللردر * بونك قدرى
عالى * وشانى عظيمدر ديوب * اول غنچۂ نوخيز لطافت اثارى * زيب شيشۂ
كنار ايلديلر * مهمه * صدر شريف محمدى * بش دفعه شق اولنوب * مرۂ
اولى انفا بيان اولندى * دفعۂ ثانيه سى * اول نير تافته مطالع سنيندن *
درجۂ عشره واصل اولدقده * وقوع يافته اولمشدر * ثالثه سى عشرينده
نوما * رابعه سى شب معراجده * خامسه سى بدء وحى هنكامده واقع اولدى
مجموعى اشبو بيتده مندرجدر * شق لرضع العشر ضعف وسرى * وحى

وثالث ره آه فى الكرا * ضعفدن مراد عشريندر ضعف عشردر * كرا اويقو
معناسنه دربديعه * شق سينۂ سيد حصور * ذكر اولنان اوقات خمسه يه محصور
اولمق خصوصنده خاطره بونكتۂ لطيفه خطور * ايلديكه ابتدا بر موجب
شريعت غرا * طفل شيرخواره ذمتنه رضاعت ملابسه سيله * ضمان
تلفكرده سنك * كندى مالنه تعلق كبى * خطاب وضع شرعى ترتيب ايدوب
وخطاب تكليفده منتهى اولديغى زمان * بعده اعداد سبعۂ سنينى *
رسيدۂ عقد عشر اولدقده * حسب المراهقه بعض احكامى متغير * ونوعا
لوايح تكاليف خفيفه ايله متأثر * اولديغى اوان اولمغله تقديسه مفتقر اولمشدر
وچونكه عنصر انسانيده دركار اولان * حرارت غريزيه * عنفوان
جوانيده قوى اولمغله * بدل دائما غالب * ورطوبت غريبه نك قلتندن
ناشى متحلل مغلوب اولوب * وهنكام پيريده حرارت غريزيه يه ضعف طارى
اولمغله * بدل مغلوب ورطوبت غريبه نك قوتندن ناشى * متحلل غالب اولمغله
انسان يكرمى ياشنه قدر نشو ونماده اولوب * يكرمى ياشنه كه موطن وقوف در
بالغ اولدقدنصكره كهولته متوجه اولمغله * زبول وانحطاطه ميلاندن
بشقه * هنكام شبابيده عقل اوزره طبيعت غالب * وزمان شيخوختده
امر برعكس اولمغين * بوايكى تحول جهتيله * سن مرقوم دخى موقع
خطاب اولوب * لكن بالفعل تجدد احكام اولمامغله * اضعف اقسام خمسه
اولديغنه بناء شق سينه * حالت منامده * واقع اولمشدر * ليلۂ معراجده
وبدء وحى هنكامنده واقع اولان شق وتصفيه نك * دقيقه سى بياندن
مستغنيدر * وعلقۂ مزبوره ساير اجزا واعضاء بدن انسانى كبى * كيفا وكما لايق
وملايمى اولان * نصيب ملازمنى استيفا * ايلدكجه دمبدم نشو ونما * بولوب
بعد الالقا * متعلق اولان غدا كندى مقامنه قائم اولمغله * غداى مزبور ايله
اولدخى * مغتذى اوله رق نما بولمغين * انكدخى ازاله سى لازم كلديكى *
اعادۂ ازعاجه داعى اولمشدر * پس هر دفعه ده ازعاج علقه اولمغله * ايهام
تعددى مندفع اولدى * انسان العيون صاحبى على بن برهان الدين الحلبى
مرحومك * علقۂ اخرايى اجزاى اولى دن باقى جزودر ديمسى * ياخود
علقه يه شبيه برشيئ ديكره حمل ايلمسى * بى محلدر * لايحۂ وضع صديق *
سنۂ مزبوره ده ابو بكر الصديق رضى الله عنه * خرام آور ساحۂ وجود
اولمشدر * ووضع عثمان وموت امنه * فى الواو وهى كاپيه آمنه *
واو حرفى كه التى عدده دالدر * مرادسنۂ سادسۂ ولادتدر * اثران ايچون
هاء وهى سكونله قرأت اولنور * ضمير آمنه يه راجعدر * واو حاليه در *

هی مبتدادر * کابیه قولی مؤخر آمنه کلمه سی تحتنده مستتر اولان ضمیر
مؤنثدن حالدر * آمنه اسم فاعلدر خبریتله مرفوعدر * یاخود کابیه لفظی
مبتدانڭ خبری و آمنه لفظی مجرورده مستتر ضمیردن حالدر * فعلی کلا
الترکیبین * حرکهٔ مقدره ایله که ظهورندن ضروب ابیاتده ملتزم اولان
سکون وقف مانع اولمشدر * متحرکدر زیرا * اصول عروضیه دندرکه *
هر نقدر ضرب اوزره وقف اولنمز ایسه ده * حکما * موقوف اولور * نته که
عروض اوزره هر نقدر وقف اولنورسه ده * حکما موصول اولور *
بیت مرقوم ایکی لایحه یی متضمندر * ولادت عثمان وفات مادر نبی ذیشان
لایحهٔ ولادت عثمان * ولادت باسعادتڭ التنجی سنه سنده حضرت عثمان
ابن عفان * قدمنهادهٔ صحن جهان اولمشدر * لایحهٔ وفات مادر نبی ذیشان
سادسهٔ ولادتده آمنه جنابلری حضرتنی الوب * مدینه ده ساکن بنو عدی
ابن النجار خزرجیدن * احوال سید الکائناتی زیارت قصدیله * مدینه
طرفنه عزیمت ایلدی * حضرتڭ قابله سی اولوب اول خلالده *
متکفل خدمت حضانتی اولان ام ایمن * برکهٔ حبشیه ده همرهلری ایدی *
ام ایمن پدر سید البشردن * بحسب الارث انتقال ایدوب * واصل سن
شباب اولدقلرنده * رقبه سنی ربقهٔ رقیتدن ازاد ایدروب * زید بن حارثه یه که
خدیجة الکبرا رضی الله عنها جنابندن * طرف نبوی یه چاکر مو هوب
ایدی تزویج ایوردیلر * خدیجه حضرتلری زیدی حضرته هبه
ایلدکدنصکره * زیدڭ پدری حارثه کلوب * استفدا ایلدکده * حضرت
علیه السلام فداسی قبول ایورمیوب * مکث و عزیمت بابنده زیدڭ
یداستقلالنه تسلیم زمام اختیار ایوردیلر * زید دخی پدریله کتمیوب
نزد رسول اللهده اقامتی اختیار ایلدی * بو وضعدن حارثه منفعل اولوب *
زید طرفنه ابراز صورت ردوتبری ایتدی * همان حضرت نبی ذیشان
حجر حطیم اوزره قیام * و زیدی مظهر شرف تبنی ایوردقلرینی * اعلام
ایلدیلر * و زیدڭ برکه فراشندن * اسامه که حب بن حب حبیب
رب العالمیندر * حاصل اولوب * و اسامه صلبندن عبدالله که * اشهر
صحابهٔ کرامدر متولد اولدی * بین الاصحاب قرن واحدده فرائد منظومه
کبی * سلسلهٔ وجودده مجتمع و منتظم * مومی الیهمدن غیری واقع اولمامشدر
تتمه * چون مرافقت توفیق رب العزتله * مدینه یه واصل * و دار النابغه
نام منزلده برای ارام ایدوب * بنر عدی بن النجارده تعلیم سباحت ایوردیلر
برکون اطفال مدینه ایله برمحلده اقامت ایدرکن * برقاچ یهودی کذر ایدوب

بریسی سائرلره حضرتی کوستروب * بو صبی آخر زمان پیغمبری اوله جقدر
اوبو بلده یه کاهجرتکاه اولسه کرکدر دیو تعیین ایلدیکنی * ام ایمن نقل
ایلمشدر * هجرتدنصکره اول نتیجهٔ اقتران * حوا و ادم * صلی الله علیه وسلم
حضرتلری * خانهٔ مز بوره نوریاش تکاه اولوب * انده نزیل * و شناورلك
هنرنی تحصیل ایوروب * و یهودلرڭ جابجا کندولرینه * امعان نظر
ایلدکلرنی * و سائر مشاهده ایوردقلری حالاتی * اصحاب کرامه نقل
ایوررلرایدی * پس برماه مدت اقامتدنصکره * ام القرا جانبنه عود
وقفوله مبادرت ایلدیلر * مرحلهٔ ابوا * محط رحال عز و علا * اولدقده مهد
علیا آمنهٔ عفت ارا * هودجران سمت بقا * اولوب اول دریتیم * علیه اتم
التسلیم * دستیاری خدمت ام ایمن بزله * موضوع حقهٔ حریم حرم رب رحیم
اولمشدر * مهمه دربارهٔ ابوین برکزیدهٔ ثقلین * فحول فضائل احتوادن *
حافظ محمد بن عاشق پاشا علیه الرحمة * الجنسة المحیرة * الخمسة المتحیرة نام
کتابنده ابوین سید الکونین حقنده * علمای اعلامڭ اقاویل مبسوطه لرینه
بورسمه مهرزن تلخیص اولمشدرکه * زمان فترتده دفین خاك هلاك اولان
اشخاص حقلرنده که * پدر و مادر سید البشر دخی * اول زمره ده داخلدر *
بعض علما نجاتلرینه متمسك * و بعضلری سمت خلافه منسلك * اولوب
خلاصه سی اوچ فرقه ده قرار بولمشدر * فرقهٔ اولی * اهل فترت * بارتکلیفی
متحمل اولدیغنه ذاهب * و فرقهٔ ثانیه * تحت تکلیفده داخل اولمدیغنه *
و فرقهٔ ثالثه * توقفه راغب اولدیلر * پس فرقهٔ اولی اهل فترت کفاردر
و اصولڭ کفر و ضلالتی * فروعه ایراث نقص و مذلت ایلمز دیوب * حضرت
ابراهیمڭ پدری آزرڭ کفریله * سندمدعالرنی تنویر ایلدیلر * و حتی
مفسرین کرام * و بارکنا علیه و علی اسحق و من ذریتهما محسن و ظالم لنفسه *
کریمه سنڭ تفسیرنده * نسبڭ قطعا ضلال و هدادە تأثیری اولمیوب * و اصول
و فروعدن هر برینڭ ظلم و مساوئی * آخره رسانندهٔ عار * و کذلك محبوب
غیر مهتدی طرف محب هدا یتنده مورث عیب و شنار * اولمز بلکه * انك
لاتهدی من احببت * مصداقی محب مهتدی * محبوب معتدی یی * بی توفیق
رب هادی * شرعهٔ رشادە هدایت ایتمکه مقتدر دکلدر * و اکر کمراهی اصل
نقیصه بخش فرع اولسه * ضروری عکس قضیه لازم کلور * زیرا صلاده
درکار اولان عیب و عار * علل عارضه دن داء الثعلب علتنه عدیل اولمغله *
ذات الجنب مرضنه مثیل اولان * نقیصهٔ فرعدن اعظم دکلدر * لکن ارباب
ادب و درایته پوشیده دکلدرکه * اشبو مذهبی احادناسه تعلیم ایتمیوب *

وعلى وجه المثل * ايرادايتمكدن دخى مجانبت واجبه ذمتدر * حتى خلفاء
امويه دن * عمر بن عبد العزيز عليه الرحمه * پيشكارانك برينه * عربى
الاصل بركاتب تداركيله امر بيوروب * حاضر بالمجلس كاتبك بر يسى *
مقام استجابده * پدر رسيد الشركك كفرنى * وتيرهٔ تمثيل اوزره تفوه ايتمكله
درساعت كتابتدن عزل وتنكيل * ورانده دورباش طرد وتذليل ايلدى *
طرازيدهٔ قلم بديع الرقم اولديغى اوزره * اهل فترتك مكلف بالايمان اولدقلرينه
ذاهب اولان * علمادخى اوچ فرقه اولوب * فرقهٔ اولى * قبل رحماندن
كشيدهٔ معرض امتحان اولملرينه ذاهب اولديلر * ومدعالرينى اشبو حديث
شريفله اثبات ايلديلر * وهو هذا قد اخرج البزار * عن ثوبان * رضى الله عنه
ان النبى صلى الله عليه وسلم قال * اذا كان يوم القيمة جاء اهل الجاهلية
يحملون اوثانهم على ظهورهم فيسألهم ربهم فيقولون ربنا لم ترسل الينا رسولا
ولم يأتنا منك امر ولو ارسلت الينا رسولا لكنا اطوع عبادك فيقول لهم ربهم
ارايتم ان امرتكم بان تطيعونى فيأخذ على ذلك مواثيقهم فيرسل اليهم
ان ادخلوا النار فينطلقون حتى اذا رأوها فرقوا فرجعوا فقالوا ربنا فرقنا منها
ولا نستطيع ان ندخلها فيقول ادخلوها داخرين فقال عليه السلام
لو دخلوها اول مرة كانت عليهم بردا وسلاما * مفهوم منيفى بودركه * برزخ
جاهليت اصحابى * روز محشرده صنملرينى ارقه لرينه يوكلنوب * حضور
ربانى يه مثول ايدرلر * حضرت حق جل شانه * سبب اشراكلرندن سؤال
بيوردقده * يارب العالمين * هرزه كرد بادية حيات اولديغمزده * طرف
شريفكدن * رهنماى رشد وصواب اولان رسل واوامردن حرمانمز * باعث
خزى وخسرانمز اولمشدر * اكر بزلره ده بر پيغمبر ارسال بيورلسه ايدى * جمله
قوللرندن زياده مطيع اولورايدك * ديو اعتذار ايده جكلر * اول وقتده
امتحان ايچون * حكيم على الاطلاق جل شانه طرفندن * سطر ناموزون
اعماللرينه * ضرب قلم نسخ وامحاق اولنوب * بوندن صكره بر تكليف
ضمننده فرمانم ايلسم * انقياد ايدرميسز ديو سؤال بيوردقده * انلر دخى
سرفرو بردهٔ اطاعت وامتثال اولمغه متعهد اولديلر * بوكونه اخذ ميثاق
اولندقدنصكره * اتشكدهٔ جحيمه دخوللرى بابنده * امر الهى صادر اولوب
حسب الامر * حافهٔ حفرهٔ نيرانه ورودلرنده * هول طاقتفرساى سعيره تحمل
ايده ميوب عودت ودخولدن انصرافلرى خصوصنده * بسط معذرت
ايلدكلرنده عهد وپيمانلرينه مبنى * يكسره داخل دار البوار اوله جقلردر * اكر
اول طائفه روكردان اولميوب دخوله اقدام ايلسه لر ايدى * كنديلره برد

وسلام

وسلام اولورايدى * علامهٔ عالى كهر * ابن حجر بو وجه معتبر اوزره جوهر
پاش تحقيق اثر اولديلركه * ديدبهٔ بعثت محمدى * ولوله بخش طاق زبرجدى
اولمزدن مقدم ابوطالبدن ماعدا وفات ايدن اقارب ومتعلقات سلطان
الانبيا * زمان امتحانده تكريما للرسول * توفيق لايزاله امره امتثال ايدوب
فرقهٔ ناجيه دن اولمق ظن اولنور * فرقهٔ ثانيه كه شيعه طائفه سيدر *
مسلوك قدم اختيار ايلدكلرى مذهب بودركه * حضرت ادم عليه السلامه
منتهى اولنجه * بالجمله اصول سيد المرسلين * اهل ايمان ويقين در * وآزر
حضرت ابراهيمك عميدر ديو بو مدعالرينه * برقاچ وجوهله احتجاج ايلديلر
ازجمله حديث لم ازل انتقل من الاصلاب الطاهرين الى الارحام الطاهرات
بودعوايه اقوى البينادر * زيرا انما المشركون نجس * نص مبينى اوزره اهل
اشراك لوث ناپاك اولمغله * طاهر ايله بينلرنده تضاد اولديغى ظاهر درديديلر *
فرقهٔ ثالثه نك مسلك معتبرلرى بودركه * كرچه پدر ومادر حضرت خيرالورا
نهج جاهليت اوزره عازم دار البقا اولديلر ايسه ده * دعاى رسول اللهله
حيات تازه بولوب * بلبل افسرده نواى زبانلرى نغمه پيراى توحيد ربانى
اولديلر * بو مذهب ابو شاهين وحافظ ابوبكر الخطيب البغدادى وسهيلى
وقرطبى ومحب طبرى وابن المنير مثللو حفاظ محدثيندن اكثرينك مختارى
اولوب * واشبو حديث شريفله استدلال ايلديلر * عن عائشة رضى الله عنها
حج بنا رسول الله صلى الله عليه وسلم حجة الوداع فمر فى عقبة الحجون * وهو باك
حزين * فنزل فمكث عنى طويلا ثم عاد الى وهو فرح متبسم * فقلت له
فى ذلك فقال ذهبت لقبر امى فسألت الله ان يحييها فاحياها فامنت بى * وردها
الله تعالى وعنها * ايضا * انه عليه السلام * سأل ربه ان يحيى ابويه فاحياهما له
فامنا به ثم اماتهما * مضمون شريفلرى بودركه * حضرت عائشه دن
مرويدركه * سلطان هردوسرا عليه افضل التحايا حضرتلرى * اداى حجة
الوداع بيوردقلرى سنهٔ عاشرهٔ هجريه ده * بنى دخى عمارى نشين همراه
بيورمشلر ايدى * عقبهٔ حجون نام محلدن كذارشلرنده * كابرلك رخسارلرنده
اثر ملالت نمودار * ونركس ديده لرى اشك نثار اولوب اول محلده نزول
بيوروب * برمدت نهان اولدقدنصكره كشاده وخندان عودت وقفول بيوردبلر
استفسار كيفيته اجتسار مده * والده ملك قبرينه واردم وحياتى ايچون
دركاه محيى الاموانه نيازمند اولدم * حضرت بارى عزوجل احيا ايدوب
بكا ايمان ايلدكدنصكره * ينه عالم بقايه رد ايلدى * وينه صديقه دن
مرويدركه * حضرت رسول عليه السلام دركاه رب الانامدن * پدر

ومادرلرینك حیاتلرین رجا ایتمكله * اذن باریله حیات تازه بولوب ایمان
واقرار ایلدكدنصكره * ینه واصل دار القرار اولدیلر * سلیمان بن مقاتل
ضحاكدن روایت ایدركه * حضرت خالق بیچون وچرا * تقدس شانه وتعالی
ابوین سلطان الانبیایی آخرزمانده احیا ایدوب حضور مسجاده اسلامه
كلدكدنصكره * برمدت دركاه كبریایه عبادت ایدوب * ینه عازم عقبا
اوله جقلردر * عیسی علیه السلامك نزوللرینه متعلق اولان حكم الهیه *
جمله سندن برحكمت دخی بودر * پس اهل فترتك مكلف اولمدقلری قوله
كوره كه مذهب اشاعره در * وما كنا معذبین حتی نبعث رسولا كریمه سی
موجبنجه * جمله سی اهل نجات اولوب * شكنجهٔ پنجهٔ عذاب وعقابدن
مأمونلردر * قول ثالث كه توقفدر * حكم قضادن عاری اولمغله * تطرق
قیل وقالدن مصون * ومحوّل ارادهٔ مریدبیچوندر * بنابرین * ابوین سید
المرسلین * اقوال خمسهٔ مرقومه نك بریله محكوم بالعذاب دكللردر * زیرا
تفصیل اولندیغی اوزره * اهل فترت حقنده بعضلر توقف ایلدیلر * وبعضلر
مكلف دكللردر دیدیلر * وبعضلر مكلفلردر لكن اصول رسول الله مؤمنلردر
دیدیلر وبعضلر امتحانده امره امتثال الله ناجی اولملرینه ذاهب اولدیلر *
وبعضلر دعای رسول الله ایله حیات بولوب ایمان كتوردكلرینه قائل اولدیلر *
ولله در الشهاب *

لوالدی طه مقام علی * فی جنة الخلد ودار الثواب *
فقطرة من فضلات له * فی الجوف تنجی من الیم العذاب *
فكیف ارحام له قدغدت * حاملة تصلی بنار العقاب *

اول دردری ضیا * علیه لوامع التحایا حضرتلری * دوماهه درج ارای
رحم مادرلری ایكن * پدرلری عبد الله بن عبد المطلب تجارت ایچون طرف
شامه عزیمت ایدوب * عودتده مدینه ده اخواللری بنو عدی بن النجاره
مهمان * واول اوانده اجل موعودی حلول ایدوب * كشور بقایه روان
اولمغله * دار النابغه نام خطیره ده دفن ایلدیلر * احوال مجملهٔ عبد الله بن
عبد المطلب * چون بركت مقدم اسمعیل علیه السلام * ایله مكهٔ مكرمه ده
چشمهٔ زمزم محترم ظاهر اولمغله * ساهرهٔ ام القرا چراكاه طوائف جرهم
وقطورا اولدی * حضرت اسمعیل واصل لقای رب جلیل اولدقدنصكره *
ایالت مكه وتولیت كعبه وریاست قبیله * مضاض بن عمرو الجرهمی یه
انتقال ایدوب * كیدرك بنو جرهم عتو وطغیان * وخطیرهٔ حرم محترمده
اظهار فساد وعصیان ایتدیلر * ماء زمزم ناضب اولوب * مضاض هرچند

ممانعت قیدنده اولدیسه * كاركر اولمیوب * كندلكچه آتش بغی وشقاوتلرین
اشعال ایلدیلر * مضاض ناچار بركیجه * خزینهٔ بیت اللهده مجتمع اولان *
اموال فاخره یی چاه زمزمه القا ایدوب * وسنك وخاك ایله انباشته ایتمكله *
اول چاه پر بركات * مانند عین الحیات * متواری عیون كائنات اولدی *
وكندوسی چیقوب برطرفه غیبت ایلدی * بعده جرهمیلر اوزرینه قوم
خزاعه مسلط اولوب * جمعیتلرین هرج ومرج ایلدیلر * بناء علیه * چاه
مزبور عبد المطلب زماننه قدر اوبلجه مستور قالوب * بركیجه عبد المطلب
عالم رؤیاده * حفر زمزم ایله مأمور اولوب * ومحلنی دخی تعیین ایلدیلر *
فرداسی اوغلی * حارث ایله واروب * اشارت اولنان موضعی حفر وچاهی
اظهار ایلدی * مقدما نصاب اولاد ذكوری اون عدده بالغ اولنجه * برینی
قربان ایتمكه نذر ایدوب * فیض ربانیله ثلاث عشره قرارینه واصل اولدقده
زمان وفای نذر حلول ایتمكله * بالجمله اولادنی جمع وقضیه یی كندیلرینه
افاده ایلدكده * جمله سی راضی اولوب * رسم عرب اوزره اقراع ایلدیلر
نقش قرعه عبد الله اسمنه ظهور ایتمكله * ذبح عبد الله ایچون تشمیر آستین
وتشحیذ سكین ایلدكده * كبار قریش تعویق ایدوب * صورت حالی
غطارفهٔ عربدن * سجاح نام كاهنه یه عرض ایلدیلر * اولدخی دیت عرب
اولان اون دوه ایله * عبد الله میانه سنه قرعه انداز اوله سز * اكر قرعه
قبول دوه لرك نامزدی اولورسه فبها * والا * ربكز راضی اولنجه قدر
اوناون زیاده ایده سز دیدی * عبد المطلب دخی مزبوره نك تعیینی اوزره *
عبد الله ایله اون دوه بیننده قرعه زن اولوب * هر قرعه ده عبد الله نامنه
چیقوب * بو منوال اوزره اون زیاده ایدرك * اعداد شتر عشراتدن مائه یه
بالغ اولنجه * نقش مراد جانب شتره متعلق اولمغله * عبد الله ذبحدن نجات
بولوب * اول یوز دوه كندوسنه قربان اولدی * نیجه ایام انس ووحوش
وطیوره مایهٔ طعام اولمشدر * انا ابن الذبیحین * حدیث شریفی اكا
اشارتدر * بریسی حضرت اسمعیل علیه السلام * ودیكری بروجه محرر
پدر سید الانامدر * بعضلر حضرت اسحق علیه السلام اولدیغنه ذاهب
اولوب لكن بكرمیدن زیاده وجوه ایله مردودومزیفدر * پس برادملك
دیتی یوز رأس دوه اولمق * عبد المطلبدن مأثوردر * وعبد الله ذاتنده
بغایت حسن وصباحت صاحبی اولوب * خصوصا جبین دلاراسنده
ملتمع الضیا اولان * نور خورشید فروغ محمدی سببیله طاقت شكن نظاركان
برمحبوب عدیم الاقران ایدی * اون سكزیاشنه بالغ اولدقده * عبد المطلب

کندوسنی برنکارناز پرورایله همسر ایلمك داعیه سیله * آلوب قبائلی کشت وکذار ایلدی * هر کورلئ زن ودختر * اول دردری بیکر * کندی صدقهٔ نصیبنه زیور اولمغه خواهشکر * اولور ایدی * ورقه بن نوفلك همشیره سی رقیهٔ کاهنه * مقدما برادرندن عنقریب * پیغمبر اخرزمان تشریف ایدوب نورنبوتی پدری جبهه سنده مانند مهر رخشان لامع وتابان * اوله جغنی استماع ایتمشیدی * عبداللهی کوردکده * مطلع افتاب نبوت اولدیغنی * ناصیه سندن استدلال ایتمکله * اول غرهٔ غراکندی برج رحمنده پرتوبخشا اولمق هواسیله * عبدالله‌ه عرض جمال وتکلیف وصال ایلدی عبدالله باکدامن دخی

اما الحرام فالممات دونه * والحل لاحل فاستبینه *

فکیف بالامر الذی تبغینه * یحمی الکریم عرضه ودینه *

قطعه سیله ابراز صورت امتناع ایلدی * بعده تقدیر حی قدیر ایله آمنه بنت وهب بن عبدمناف بن زهره * اول ذات پاکیزه سماته بهره اولوب * نورنبوته واول امانته محمل اولدی * مرویدر که لیلهٔ زفافده * قبی وافرزنان قریش اول شرفی کندولری * احراز ایلمدکلرندن ناشی * تأثیر تحسر ایله خسته اولدیلر * زفافك اوچنجی کونی رقیه عبدالله‌ه مصادف اولوب * جبیننده نورنبوتدن اثر کورمدیکین * جانب عبدالله‌ه صورتمای استغنا اولمغله * عبدالله سببندن استقصا ایلدکده * ذهب ذلك النور منك ولست ذات ریبة * مقالیله جواب ویردی

فی الزاسق الجد کفله وفد * برکه قد حضنته ورمد *

فی الزاقولی قصر ایله درمد ایله ده جائزدر * اسماء حروف ثنائیه دن سائر الف لنه کبی * لکن اوائل سورقرانیه اولان حروف مزبوره * قصر ایله در کهیعص * کبی وحرف زایدی عدده دال اولمغله * ولادتك یدنجی سنه سنه اشارتدر * سق کلمه سی ماضی مجهولدر * اتزان ایچون فتحهٔ ظاهره سنه سکون عارضی مانع اولمغله * فتحهٔ مقدره اوزرینه مبنی در * الجد نائب فاعلیدر فاعلی معلومدر * حرف تعریف مضاف الیه عوضیدر * جده تقدیرنده در * کفل فعلنك ضمیر فاعلی جده راجع * وضمیر مفعولنه حضرت رسول مرجعدر * کذلك وفد فعلنك ضمیری جده راجعدر * برکه قد حضنته جملهٔ خبریه در جمله لرده عاطف مقدردر * رمد قولی واصابه رمد تقدیرنده در * رمد کوز اغریسیدر * بو بیتده بش لایحه مندرجدر * استسقا * کفالت * وفود * حضانت * رمد چشم صاحب سعادت

لایحهٔ استسقا * زوجهٔ عبدالمطلب رقیه دن مرویدر که * میلاد شفیع روز معادك یدنجی سنه سنده * بر قحط عظیم اولوب * سوبسو خلق جهان تنور اضطرابده بریان * وبرنان دیو دیبرو برنایان * فریاد کر مختیر لریله سوز شفکن قرص مهر تابان اولمشیدی * بر کیجه عالم رؤیاده کوش جانمه هاتفدن برندای بشارت ایرشدی که * ای معشر قریش سیزه بشارت اولسون که * تشریف میامن ردیفلرینه جمله نك منتظر ونکران اولدیغی پیغمبر اخر زمان که * وجود فائض الجود والبرکتلری محض رحمت وعین عنایتدر * زمان ظهوری قریب اولمغله * بن مقدملریله بلیهٔ قحط وغلا زائل * ودست امید کزدامن خصب ورخایه واصل اوله جقدر * الحالة هذه کرکدر که میانکزدن شرف ونسب صاحبی اولوب * حلیهٔ جلیه لری * طوال وعظام * وابیض * ومقرون الحاجبین * اهدب الاشفار * اسیل الخدین رقیق العرنین اوله * بوشکل وشمائلده اولان کمسنه جمیع اولادنی الوب * وهر بطندن برکسنه دخی اکا معیت ایلیه لر * وجمله سی بدنلرین تنظیف وتطهیر * وانواع عطر باتله تطیبب وتعطیر ایلدکدنصکره * استلام رکن ایدوب ابوقبیس نام جبل ذروه سنه صعود * وشخص معهود تقدم ایدوب درکاه معبوددن استسقا ایلیه * وسائرلری امین کویا اوله لر * تا که باران رحمت ریزان * وتشنکان زمین وزمان ریان اوله * رقیه خوابدن بیدار اولوب محضر قریشده صورت واقعه یی تقریر ایلدی * هرکس بو حلیه انجق پیرایهٔ محاسن عبدالمطلبدر دیو امضا ایتمکله * عبدالمطلب دخی وفق الاشاره مهمهٔ شرائطی اداره ایلدکدنصکره * اول منبع ذلال رحمت * علیه افضل التحیة دخی میان خلقده * قمرکبی تابان اوله رق * شاهقهٔ جبل ابی قبیسه عروج ایلدیلر * موقف مناجاته وارلدقده * عبدالمطلب وجه توجه ونیازی * وجهه‌ٔ چاره سازه طوتوب * ای افرینندهٔ جهان * وروزی دهندهٔ انس وجان * محاط علم عالیدر که * بو ضعفا وبیچارکان بکسره پرستار وجاکرانکدر * نیجه زماندر آتش قحط وغلا ایله سوزان * وصغیر وکبیرمز محتاج دیدار نان اولوب * مزارع ومرتعده هیولای نامیه * صور نوعیهٔ نباتدن متجرد * ونشانهٔ اغذیه واقوات جنس حیوان * جزء لایتجزی ایله بکرنك ومتحد اولمغله * اکثر دواب ومواشیمز هلاك اولوب * بالجمله سکان حرم دخی علت مجاعتله جان براب * ومشرف عطب اولدیلر لطف عظیم وفضل عمیمکدن مرجودر که * سحاب ثجاج رحمتك باران ریز عنایت اولوب * بو افسرده لبان بادیهٔ مسکنتلری ذلال عاطفتکله سیراب

ونخل تمنا مزى ايارئ رأفتكله شاداب * بوره سن ديو سوزو كدازا دله
دعابه دمساز * اولدقجه سائرلرى بكدهن تأمينه اغازا يلديلر * يمن وجود
محمديله * همان اول انده طرف روى اسمانده بولتلر عيان اولوب *
لحظهٔ واحده ده جوانب ام القراده جويلر روان * وعالم وعالميان غرقهٔ
بر واحسان اولمشدر * بو فيضا فيض عالم بالا * بركت وجود سلطان الانبيا
اولديغنى * رقيقه اشبو ابياتيله اعلا ايلمشدر *

بشيبة الحمد اسقى الله بلدتنا * وقد عدمنا الحيا واجلوذ المطر *
فجاء بالماء جونى له سبل * دان فعاشت به الانعام والشجر *
منا من الله بالميمون طائره * وخير من بشرت يوما به مضر *
مبارك الاسم يستسقى الغمام به * ما فى الانام له عدل ولا خطر *

عنوان مطلع نشيد اولان شيبة الحمد عبد المطلب در * حين ولادتنده
كيسولرنده بر قاچ دانه موى سفيد اولمغله * شيبه ايله تسميه اولنوب * بعد
البلوغ ذاتنده نسخهٔ محامد مخائل * ومجموعهٔ محاسن شمائل اولمغين * تعظيما
للمضاف شيبة الحمد عنوانيله معنون اولدى * وعبد المطلب اشتهارلك باعثى
بودركه * پدرلرى هاشم ولايت شامدن غزه نام قصبه ده وفات ايدوب *
شيبه يدى ياشنه بالغ اولنجه قدر * مدينه ده والده سيله قالمشيدى * بركون
بنو حارث بن عبد منافدن بركسنه * حال زار شيبه دن خبردار اولوب *
مكه يه ورودنده * مطلب بن عبد منافه * احوال برادرزادهٔ بركشته
روزكارى افاده واشعار ايلدكده * علاقهٔ رحم وقرابت برهمزن آرام مطلب
اولوب * على جناح الاستعجال مدينه طرفنه بال كشاى عزيمت اولدى *
وصولنده مادرلرى اذنيله شيبه يى رديف بارهٔ بادسرعت ايدوب * مكه
جانبنه مراجعت ايلدى * شيبة الحمد * كراول فرزند كيم اول بى پدردر * كرلك
شهزاده اولسون دربدردر * مفهومنجه محروم پدر وخرسند زندكانئ مادر
اولمغله * خاندان عبد منافه مناسب جامه دن ازاده اولديغندن ناشى اثناى
راهده من هذا ديو استنبا ايدنلره هذا عبدى ايله جواب ويرمكله عبد المطاب
ايله شهرتياب اولدى * وقد عدمنا الحيا قولنده * حيا قصر ايله خصب ورخا
ومطر معناسنه در * واجلوذ هاب مطر معناسنه در * جونى فتح جيم
وسكون واو وكسر نون وياى نسبتله جونه منسوب ديمكدر * جون اسود
معناسنه * اولمغله * مراد سياه بولتدركه عادتا ممطر اولور * سبل فتح سين
وباى موحده ايله مطر معناسنه در * دان دنودن اسم فاعلدر قريب
معناسنه در * انعام جمع نعم در * فتح نون وعينله دوه واوكوز وقيون *

وبكى

وبكى يه شاملدر * بعضلر ده ويه تخصيص ايلدى * لكن قول اول زمخشرينك
مختاريدر * من فتح ميم وتشديد نونله انعام معناسنه در * ميمون الطائر
مسعود الفال ديمكدر * مراد حضرت محمد محمود الخصالدر * مضر ضم ميم
وفتح ضاد معجمه ايله ابن نزار بن معد بن عدنان بن اسمعيل عليه السلامدركه
سيد العرب والعجم صلى الله عليه وسلم حضرتلرينك * فرائد منظومهٔ نسب
مهذبلرى * عقد سابع عشرده انلاره منتهى اولور * قبيلهٔ مضر تقديرنده در
غمام بولت معناسنه در * عدل كسر عين وسكون داله مثل ومانند
معناسنه در * خطر مطر وزننده قدر ومنزلت معناسنه در * لايحهٔ كفالت *
كذارشنديرا ولديغى اوزره والدهٔ حضرت ديهيم اراى لولاك * مرحلهٔ ابواده
غنودهٔ بستر خاك اولدقدنصكره * اول دريتيمه دايهٔ شرفوايه لرى ام ايمن
كافل حضانت اولوب * بالامن والسلامه بش كونده حريم بيت الحرامه
ايصال * وجد امجدلرى عبد المطلب جنابنه تسليمله عهدهٔ امانتدن افراغ بال
ايلدى * عبد المطلب دخى دائما رضاى سعد اقتضالرى اوزره حركت *
ونوازش ورعايتلرنده بذل مقدرت ايدوب * وجود همايونلرين جانى كبى
صيانت ايدرايدى * مرويدركه عبد المطلب ميانهٔ قريشده مجد ونباهتله
متعين وممتاز * واعاظم قبائل سائره دن بركزيده وسرافراز اولمغله * بولنديغى
مجلسده صدرنشين اولوب * نشيمن مخصوصنه برفرد قرين اولمزايدى *
سايهٔ بيت اللهده كنديلره تعيين فراش استقلال اولنوب * بالجمله اولاد
واقارب واتراب * اطرافنى احاطه واستيعاب ايدوب * جواهر دريهٔ كلمات
بلاغت عنوانته * دامن كشاى كوش جان اولورلرايدى * احيانا اهوى
مكحل چشم حرم * صلى الله عليه وسلم حضرتلرى * اول جايكاه خرمى
تشريف ايدوب * فراش مخصوص عبد المطلب اوزرينه قعوده مبادرتلرنده
رعايت جلالت شان عبد المطلب ضمننده * اعمامى دست درازى ممانعت
قيدنده اولدقجه * عبد المطلب الى ظهر شريف محمدى يه وضع * ودعوا
ابنى فوالله ان له لشانا تعبيريله اعمامنى منع ايدوب * حضرتنى يانته الورايدى
ودست تلطفله مبارك ارقه لرنى صغارايدى * ودائما ديدار ضيا مدارلريله
مسرور ومنبسط اولورايدى * تنبيه * حضرت عليه السلامك مادر مهر
بانلرى * سنهٔ سادسه اواخرنده وفات ايدوب * كفالت عبد المطلب سابعه
اوائلنده واقع اولمغله * اتحاد سال سئوالى مندفع اولور * لايحهٔ وفود
اقليم يمن فى الاصل حكومت حميرى داخلندن اولوب * بعده ملوك حبشه
انتزاع * ويتمش سنه مدت اول دياره مهجهٔ رايات تغلبلرى التماع *

ايلدكدنصكره * سيف ذي يزن حميرى ضرب شمشير ايله يمنه اول ملكتى
تسخير واسترداد ايلدى * هر طرفدن قبائل عرب تهنيه ايچون تواردايتمكله
مكه دن قريش جماعتى دخى كلديلر * آنلرك متعينلرى عبد المطلب وامية بن
عبد الشمس وعبد الله بن جدعان التيمى واسد بن عبد العزى ووهب بن عبد
مناف وقصى بن عبد الدار ايدى * اول كون سيف ذى يزن دار الملك يمن
اولان صنعا نام بلده ده * قصر غمدانده متكا پيراى سلطنت اولوب * قصر
مرقومك درو ديوارنى اندوده مسك اذفر * وانواع زينتله پرزيب وفرا ايتدر
مشيدى * باشنده اقليم خراجى دكر برمرصع تاج * ورانو سنده برمجوهر سيف
سريجى كه * شعاعى خيره ساز ديده سراج وهاجدر * وكنديسى اسكندروار
برزرين سرير اوزره قرار ايدوب * يمين ويسارنده التون صندليلر اوزره
ملوك حمير * واعيان واشراف يمن اوتوروب * صدف كوشلرين رشحات
كلماتنه برداشته ايتمشلر ايدى * اكابر قريش دخى رخصت دخولله پيشكاهنه
مثول ايدوب * هر برى بالاشاره بر صندلى اوزرينه قعود ايلديلر *
عبد المطلب اوترميوب ايلرو واردى وتكلمه استيذان ايلدى * حضور
ملوكده ارباب كلامدن اولديغى بعد الاستفسار مرخص كفتار اولدقده *
بو عبارت بلاغت احتوا ايله اداى ستايش وثنا ايلدى * ان الله تعالى احلك
ايها الملك * محلا رفيعا شامخا باذخا * وانبتك نباتا طابت ارومته * وعظمت
جرثومته * وثبت اصله * وبسق فرعه * فى اطيب موطن * واكرم معدن
وانت ابيت اللعن ملك العرب الذى له تنقاد * وعمودها الذى عليه الاعتماد
وكهفها الذى اليه تلجأ العباد * سلفك خير سلف * وانت لنا منهم خير خلف
فلن يهلك ذكر من انت خلفه * ولم يخمد ذكر من انت سلفه * نحن اهل حرم
الله وسدنة بيته * اشخصنا اليك الذى ابهجنا من كشف الكرب * الذى
فدحنا فنحن وفد التهنئة لا وفد المرزئة * انتهى عبارت مرقومه ده احلك
كلمه سى احلالدن ماضى در * احلال قوندرمق معناسنه در * شامخ عالى
معناسنه در * باذخ ذال معجمه ايله شريف معناسنه در * ارومه فتح همزه
وضم راى مهمله ايله وجرثومه ضم جيم ايله كلاهما اصل معنالرينه در *
بسق كلمه سى بسوقدن ماضى در * بسوق اغاج نشو ونما بولمق معناسنه در *
فرع برنسنه نك اعلاسنه دينور * ابيت اللعن كلامنده ابيت اباءدن ماضى
مجهولدر * زمان جاهليتده عربلرك ملوكه مخصوص دعالريدر *
ابن السكيت قولى اوزره لعن ايجاب ايدر افعالدن برى اول ديمكدر *
تنقاد كلمه سى انقياددن مضارعدر * ضمير مؤنث جماعت عربه راجعدر *

كهف ملاذ وملجأ معناسنه در * لم يخمد خموددن مستقبل منفيدر خمود
انطفا معناسنه در * سدنه فتحتينله جمع سادندر سادن خادم كعبه يه اطلاق
اولنور * اشخصنا اشخاصدن فعل ماضيدر * اشخاص عزم وحضور
معناسنه در * ابهجنا ابهاجدن ماضى در * ابهاج مسرور ايلمك معناسنه در
كرب ضرب وزننده غم وتاسه معناسنه در * فدحنا فا ايله فدحدن ماضى در
فدح ثقالت ويرمك معناسنه در * وفد فتح واو وسكون فا ايله جمع وافددر *
صحبت وصاحب كبى ايلچى معناسنه در * مرزئه فتح ميم ايله مصدر در مصيبت
وعزا معناسنه در * تتمه * چون عبد المطلب بو رسمه دعا وثنا بر له خدام
بيت الحرامدن اولوب * تهنيه وتبريك ايچون كلدكلرنى اشعار ايديجك *
ملك اسمندن سؤال ايلدى * عبد المطلب اولديغى بيلدكده * مادر عبد
المطلب خزرجى ثانى اولمغله * ابن اختنا تعبيريله آشنايانه ترحيب وقربنه
دعوتله دوبالا تلطف وتطييب ايلدى بعده عبد المطلبه وسائر رفقاسنه
توجيه روى التفات ايدوب مرحبا واهلا وناقة رحلا ومستناخا سهلا وملكا
ربحلا يعطى عطاء جزلا * قد سمع الملك مقالتكم وعرف قرابتكم وقبل
وسيلتكم فانتم اهل الليل والنهار لكم الكرامة ما اقمتم والحباء اذا ظعنتم
عبارتيله رعايت ودلنوازى ايلدى * مستناخ مبرك ابل معناسنه در *
ربحل فتح راى مهمله وباى موحده ايله كثير العطا معناسنه در جزل عظيم
معناسنه در * حبا كسر حا ايله عطا معناسنه در * ظعن سير وعزيمت
معناسنه در * تكمله * بعده جمله سنى دار الضيافه يه كوندروب * براى قدر
انواع اعزاز واكرام ايله انده توقيف اولنديلر * بردخى ملاقاته وعود
وانصرافه رخصتياب اولمديلر * بر كون ملكك خاطرينه خطور ايدوب
تنها جه عبد المطلبى حضورينه دعوت ومجلسى خلوت ايلدى * وديدى كه
اى عبد المطلب حقه سر بمهر درونمده بر كوهر كرانبهاى رازوار دركه *
سن انك معدنى اولديغك ايچون استرم كه سكا ابراز ايليم * اما حكيم مطلق
جل وعلى ظاهر ايدنجه كتم واخفا ايلمك اهم مهامدر * معلومك اولسون كه
كندى نفسلرمزه مخصوص وبيكانه دن محجوب اولان كتاب مكنون وعلم
مخزون قوتيله * برخبر عظيم وخطر جسيمه واقف اولدم كه * انده جمله
كائناته وعموما قوم ومتعلقاتنه وخصوصا جنابنه شرف حيات وفضيلت
ممات دركار اوله جقدر * عبد المطلبك مشام جانى بو پيام دلكشا ايله
بويان اولنجق * مثلك ايها الملك سر وبر فاهو فداك اهل الوبر زمرا بعد زمر
تعبيريله * دعا واستطلاع خبايای زوايا ايلدى * ملك ديديكه تهامه ده

برفرزند سعادتمند ظهور ایدوب * کتفینی بیننده بر شهدانه خال اوله *
جمله یه پیشوا وسرور اولوب انك شرفیله سزدخی تا بحشر جلالتشان
وابهت قدر وعنوانه مظهر اوله سز * تکرار عبد المطلب ایها الملك ابت بخیر
ما آب بمثله * وافد قوم لولا هیبة الملك واجلاله واعظامه اسألته من ساره
ایای بما ازداد به سرورا * اشبو سر سربسته نك ایضاحنی نازکانه نیازکار
اولدی * پس ملك دیدی که ای عبد المطلب حالا اول وقت ایرشدی که *
محمد نام بر ولد امجد ماننده نور مجسد یه طلوع ایلدی * به همان ایلیه جکدر *
پدر ومادری اولمامغله جد وعمی تربیه سنده نشو ونما بوله * وبرانی بالدفعات
تولید ایلدك * حق سبحانه وتعالی انی اشکاره * بعث ایدوب وخدمت
عالیلرینه بزدن انصار واعوان تعیین اولنه جقدر * انلر رایله لوای اولیاسنی
ترفیع وترفیل * وانوف اعداسنی ترغیم وتذلیل ایده جکدر * وانلر رایله
جمیع کفاری قهر وتدمیر * وکرائم وبقاعی فتح وتسخیر ایلیه جکدر
رحمانه عبادت ایدوب شیطانه زجر وادحاض ایدر اتشکده لری خراب *
واصنام واوثانی شکست ایلر سوزی فصل خطاب * وحکمی عدل وصواب
اوله جقدر * دائما امر وفعلی معروف اولوب * منکراتی نهی وابطال
قیله جقدر * بنه عبد المطلب همنشوه راحة الارواح اولان اشبو * جد
جدك ودام ملكك وعلا كعبك فهل المليك ساری بافصاح * فقد اوضح لی
بعض ایضاح * فقراتیله اداره جام دعا واستیضاح خفایا ایلدی * ملك کعبه
وارکان حقیچون * ای عبد المطلب سن انك جدی سن بو سوزم راستدر
دیدی * عبد المطلب فی الحال رخسای زمین ابتهال اولدی * ملك ای
عبد المطلب باشنی قالدر * قلبك مطمئن وکعبك عالی اولسون * بو سوزمی
مؤید سنده دخی بر اثر وار ایسه سویله دیدی * عبد المطلب بو وجه اوزره بسط
مقال ایلدیکه * ای ملك بنم عبد الله نام بر فرزند دلبندم وار ایدی * انی جمله
اولادمدن زیاده سور ایدم * بعد البلوغ کرائم قریشدن آمنه بنت وهب نام
کندو سنه بر خاتون الیوردم * بر اوغلی ظهور ایلدی محمد تسمیه ایلدم *
بامر الله تعالی پدر ومادرلری * رو براه جانب عقبا اولوب * انك خدمت
لازمه سنه بن وعمی ابو طالب متکفل اولدی * حالا بزم تربیه مزده در دیدی
سیف ذی یزن بو تقریری ایشیدیجك * ایشته بنم سکا دیدیکم سنك بیاننه
موافقدر * پس امر محافظه سنه قیام ایدوب * خصوصا یهود اشقیاسندن
صیانتی بابنده جد واهتمام ایله زیرا انلر اول حضرتیه دشمن جاندر * لکن حق
جل وعلا اول ذات شریفه حافظ ونکهباندر * اول طائفه یی بر وجهله اکا

ظفریاب

ظفریاب ایلمز * وبو سری رفیقلرندن کتم ایله زیرا خوف ایدرمکه
حب ریاست سببیله اول حضرتیه حسد وکین ایدوب * کندولری یاخود
اولادلری نصب شبکۀ خدعه واحتیال ایتمکله * نقص وضرر ایصالی
قیدنده اوله لر * اکر بن انك زمان بعثتنه ایرشملك محتمل اولیدی * بر آن
تأخیر ایتمیوب جمله عسکر مله مدینه یه واررردم * زیرا کتاب ناطق وعلم سابق
قونیله معلوممدرکه * یثرب زمین انك دار الملکی اولوب * امر نبوتی انده
قوت بوله جق * واهالیسی کندولرینه نصرت ایده جکدر * وملك بقایه
عزیمتلری انده اوله جقدر * اکر طرف اشرفلرینه آفات وعاهات تطرقی
ملاحظه سی اولمسیدی * اشبو هنکام جدائتلرنده امر نبوتلرینی اظهار
واکابر واشراف عربدن بیعت آلوب علم عالمستان رسالتلرینك ترفیع
واعلاسی خصوصنه صرف وسع واقتدار ایدردم * لکن الحالة هذه
بو خدمتی سنك عهدۀ عهد واهتمامنه احاله ایلدم دیدی * وعبد المطلب ایله
ورود ایدن متعینان قریشی حضورینه دعوت ایدوب * هر برینه اون حبشی
غلام وجاریه * وایکیشر خلعت فاخره * واونر رطل التون واونر رطل کموش
ویوز ردوه * وبر رخیك پر عنبر اعطا * وعبد المطلبه بونلرك اون ضعفنی
احسانله مقتضای شان طرفینی اجرا ایلدی * وهر سنه کاوب حضرت
محمدك احوالنی اعلام ایلیه سن دیو تنبیه ایلدی * لکن تیر تند دیر شصت
تقدیردن کشاد بولمامغله * سنۀ آتیه دن مقدم سیف ذی یزن * تختکاه
بقایه رخت افکن اولدی * عبد المطلب اکثر اوقات خلال محاوراتنده
رفقاسی اولانلر * اکابر قریشه خطاب ایدوب ملك مشار الیهك بکا ارزانی
ایلدیکی عطیۀ جزیله شایان غبطه دکلدر * بلکه کنج دل وجانمه ایداع
ایلدیکی وابستۀ طلسم عهد وپیمان * جواهر عالیبهای تبشیرات بی پایانکه
الی یوم القرار بکا وکافۀ اعقاب وذریاتمه مایۀ افتخار * ووایۀ اعتبار
اوله جقدر * شایستۀ رشك وغبطه بو در دیرایدی * انلر استکشاف برقع
اسرار ایلدکجه * عنقریب معلوم اولور دیو وقتنه ترهین ایلر ایدی * لایحۀ
حضانت * مرسوم براعۀ تحریر اولدیغی اوزره * زهرۀ زهرای سپهر نزاهت
یعنی مادر رسول رب العزت * آمنه جنابلری ابوا نام مرحله ده برج بقایه
سیر ورحلت ایلدکدنصکره * برکه ام ایمن متعهد خدمت حضانت اولوب
بش کونده اول حمامۀ کعبۀ اجلالی * حریم حرم ذو الجلاله ایصال ایلدی
تنبیه * مقدما کفالت ماده سنه اختلاف زمان موهمه سیله * وارد اولان
اعتراضده اشبو امر حضانت دخی مورد مشترك اولوب * لکن مادۀ کفالته

ترتیب اولنان جواب * بو محلده جاری اولمیه جغی بی ارتیابدر * زیرا
حضرت علیه السلام * مجرد مادرلرینك وفاتیله برکه نك استصحابنده
قالمشدر * مکر که مکه یه وصولدنصکره ماعدای برکه نك احتمال احتضانی
اولمغله * حکم حضانت برکه مکه یه بعد الورود متقرر اولدیدیمکله
مندفع اوله * رمد چشم صاحب سعادت * سنه من بورده اول قرة عین
عالمیان * علیه صلوة الرحمن حضرتلرینك * نرکس دیده لرینه رمد عارض
اولمغله * بعض کسنه لرك دلالتلریله عبد المطلب اول حضرتی آلوب * مکه
ومدینه بیننده مقیم * بر رقبه خوان راهب اولمغله * طرفنه کوتردی * راهب
مرسوم جمال فائض الکمال مصطفوی یی کوریجك * همان صومعه سنه
کیروب اغتسال ایلدی * بعده بر صحیفه اخراج ایدوب پیدر پی پیکر
رسول اللهه تطبیق ایتدی * تمام امعاندنصکره خدا حق بو خاتم الانبیادر
ودوای کندی آب دهانلریدر دیدی * عبد المطلب دخی بر موجب اشارت
راهب * رشحهٔ عین الحیات اولان ریق سرور کائناتدن آلوب * کوزلرینه
القا ایلدکده دوای برء الساعه اولمغله * فی الحال شفایاب اولدی * راهب
مزبور عبد المطلبه تالله بوانه قدر بنم انفاسمك تأثیری * بو ذات شریفك
دامن توسل وتشفعلرینه تشبث ملابسه سیله دردیو * سنك قسم باللهله
تأسیس بنیان جواب ایلدی *

ومات فی الحاجده وکفلا * عمه وحاتم وکسری انتقلا *

فی الحا کلمه سی مقصوردر حاسکز عدده دالدر * جده فاعل ماتدر *
ضمیر بارز نخر عالمه راجعدر * الف کفل اطلاقیه در عمه فاعل کفلدر *
انتقلا تثنیه در بو بیتده درت لایحه مندرجدر * وفات عبد المطلب *
کفالت ابو طالب * موت حاتم * فوت کسری * وفات عبد المطلب حضرت
رسول عرب شاه امی لقب * هشت ساله اولدقده عبد المطلب ترك مطلب
ایدوب دار البقا طرفنه عزیمت ایلدی * حضرت علیه السلام کریان
ونالان جنازه سنی تشییع وحجونده جدی قصی قرینه تودیع ایلدیلر
کفالت ابو طالب عبد المطلبك وصیتی اوزره * شقیق عبد الله ابو طالب
متعهد خدمت سلطان سنی المناقب اولمشدر * موت حاتم * جود وسماحتی
السنه عالمیانده دائر * وبین العرب مثل سائر اولان حاتم طایی سنهٔ
مزبوره ده طی بساط حیات ایلدی * فوت کسری * فرمانفرمای کشور
ایران * کسری نوشیروان دخی * بو سنه ده اقلیم عدمه روان اولدی * لاحقه
بعض کتب سیرده * ولدت فی زمن الملك العادل کلامی صورت حدیثده

ایرادیله الحاقی مناسب کورلدی * علامهٔ زمان ابن حجر * وسخاوی
وزرکشی * وسیوطی * وحاکم ابو عبد الله * موضوعیتنه امضا ایدوب
حتی بعض اجله دن منقولدر که * ابو عبد الله کلام مزبورك حدیث
اولمدیغنه حکم ایلدیکی کونك کیجه سنده * بر ذات شریف حضرت رسول
اللهی واقعه سنده کوروب * یا رسول الله ایشتدمکه ولدت فی زمن الملك
العادل بیورمشسز * حاکم ابو عبد الله موضوعدر حدیث صحیح دکلدر
دیدی * نه بیوررسز دیدکده * ابو عبد الله راست سویلمش بو حدیثك
اصلی یوقدر بیوردیلر * بدیعه * شب ولادت باسعادتده مسفور کسرانك
ایوانی * متزلزل اولوب * اون درت شرفه سی ساقط اولدی * سطیح نام
کاهن * بعد الیوم ساسانیاندن شرفات ساقطه عددنجه اون درت مرد وزن
پادشاه اولوب * بعده کشور ایران نصیب بیکانکان اوله جغنه اشارتدر دیدی
واقعا اون نفری درت سنه ده طی بساط سلطنت ایدوب * دردی دخی زمان
خلافت ذی النورینه قدر جالس سریر دولت اولوب * اون دردنجیلری که
یزدجرد بن شهریاردر * سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه پنجه سندن
تخلیص مرغ جان ایچون * جانب خراسانه فرار * وهجرت نبویه نك
اوتوز برنجی سنه سنده * بردکرمنجی یدیله حبهٔ حیاتی مطحون سنك دمار
اولمغله * اول سلسله بالکلیه منقضی اولوب * مملکت عجم ایدی اسلامیانه
مسلم اولدی *

کذلك استسقی به وفی الیا * شق بخار اول قدانیا *

کاف کذلك ادات تشبیه در * ذا اسم اشارتدر * کاف خطاب ایچوندر * لام
اشارت بعیده دالدر * مشار الیه غائب غیر بعید اولسه ذلك دینور * بعید اولسه
ذلك دینور * بو مقامده مشار مشبه سنهٔ ثامنه ده تکفل ابو طالبدر *
استسقا ایله تکفل بیننده بعد مناسبت اولمق مصحح ماده در * استسقا
ضمیری ابو طالبه راجعدر * به ضمیری رسول اکرمه عائددر * وفی الیا
مقصوردر * یا حرفی اون عدده دالدر * حرف جر اتیانه متعلقدر * شق
مبتدادر * بخار کسر فا ایله فاجرهلمندن مصدردر * بحذف العاطف * شق
اوزرینه معطوفدر * قدانیا فعلی تثنیه در * جمله سی خبردر * بو بیت اوج
لایحه یی مشتملدر * استسقا * شق ثانی بخار اول * لایحهٔ استسقا * سنهٔ
کفالتده واقع اولمشدر * جلهمه بن عرفطه دن منقولدر که * بر سنه مکه یه
عزیمت ایلدم * اهل مکه نك شدت قحط وغلادن حاللری بغایت دیکرکون
اولمغله * بعضلری لات وعزا نام صنملردن استمداد * وبعضلر منات نام صنمدن

استغاثه واستنجاده * سوق واغرا ایدرلر ایدی * حضاردن بر پیر بشوش * بونلاره خطاب ایدوب * راه صوابدن نیچون عدول ایدرسز * حالا میانکزده بقیهٔ سلالهٔ ابراهیم موجود ایکن * دامن دیکره تشبث بیهوده کلمیدر دیدکده * اشراف قریش ابوطالبدن کنایه ایلدیکنی تفرس ایتملریله عموما قالقوب باب ابوطالبه وارد یلر * قبولی دق ایدوب ابوطالبی دعوت ایلدیلر * ابوطالب طشره چقدقده * داهیهٔ قحط وغلادن بحثله استسقایه همتنی نیازاندیلر * ابوطالب دخی رشتهٔ رجالرین پیوند حلقهٔ قبول ایدوب یانده بولندن چقمش کونش کبی برطفل دلارا * واطرافنده برقاج اطفال دخی ایله حرم جانبنه عزم ایلدی * ارقه سنی کعبه یه ویروب طفل مشارالیه برمقلریله افاق اسمانه طوف واشارته بشلدی * جوسماده بولندن اثر اولمیوب آیینه صفت صاف وبراق ایکن * در ساعت طرف طرف بولتلر ظهور ایدوب * اولقدر یغمور یاغدیکه بطون اودیه وجبال صو ایله مالامال اولوب بالجمله شهر وقرا رهین خصب ورخا اولدی * نته که ابوطالب بو بیتده ایما ایلمشدر * وابیض یستسقی الغمام بوجهه * ثمال الیتامی عصمة للارامل * ورب ابیض تقدیرنده در * ثمال وعصمة جرایله در * زیرا ابیض کلمه سنك صفتلریدر * غمام بولت معناسنه در * ثمال کسر ثای مثلثه ایله ملجاء وغیاث معناسنه در * ارامل مساکین نساده مخصوص بالاستعمالدر * شق ثانی ولادتك اوننجی سنه سنده * شق سینهٔ بی کینهٔ سید الورا * متکرر اولمشدر * لسان معجز بیانلرندن مرویدرکه * ایکی کمسه کلوب بریسی امر دیکر ایله بنی ارقه م اوزرینه یاتروب * صدرمی شق ایلدیلر * یانلرنده برالتون لکن ایله صو اولمغله * بریسی صودوکوب آخری جوفنی غسل ایلدی * بعده قلبمی شق ایدوب غل وحسدی اخراج ایلدی * رفیقی دخی علقه یی ازعاج ایلدی علقه دن مراد بقیه در * نته که شق اول خلالنده ذکر اولندی * فجار اول بین العرب درت کره حرب الفجار واقع اولمغله * ابتداسی که فجار الغفاری در * ولادت باسعادتك اوننجی سنه سنده صحیفة الوقایع روزکاره ثبت اولنمشدر * ایکنجیسی فجار الشوکه * اوچنجیسی فجار الدین * دردنجیسی فجار البراض در * ذکر اولنان محاربات اشهر حرمده واقع اولمغله فجر نادیدکارندن ناشی فجار ایله تسمیه اولندی * سببی بودرکه * بدر بن معشر الغفاری * سوق عکاظده مجلس مخصوص ترتیب ایدوب * انده قبائل عربه کالا فروش فخر ومباهات اولور ایدی * برکون انبساط نخوتله ایاغنی اوزادوب بن عزوتبالنله کافهٔ عربدن سربلندم * بکا تفوق زعمنده اولان اشبو ایاغمی

قلجله

قلجله اورسون دیو دمکش دعوای مغرورانه اولیجق * همان برکسنه صچرایوب تیغله فرانوسنه برمهلك زخم اچدی * ایکی طرفك هوادارلری بری برینه دوشوب * کندکجه اتش حرب وقتال اشتعال بولوب * شراره سیله نیجه لرخاکستر زوال اولدیلر * ثانی الفجار یب لبصری سافرا * مع عمه به بحیرا بشرا * حیث غمامة له اظلت * شجرة کذا علیه اخضلت * بیت ثانی بیت اوله مرهون اولمغله * مقرونا تحریر اولندی * ثانی الفجار یب قولی وقع فی السنة الثانیة عشره تقدیرنده در * لبصری کلمه سنده لام سافر فعلنه متعلقدر * الی معناسنه در * کل یجری لاجل مسمی نظم شریفنده اولدیغی کبی * الف سافرا اطلاقیه در * ضمیر فاعل وعمه وبه ضمیرلری فخر عالمه راجعدر * کذلك الف بشرا اطلاقیه در * مفعولی محذوفدر * به بشرا اباطالب تقدیرنده در * بای به بشر فعلنه متعلقدر * جمله سی مبتدا انك که بحیرادر خبریدر * حیث تعلیلیه در * بشر فعلنه متعلقدر * لام له اظلت فعلنه متعلقدر * اظلت اظلالدن ماضی در * کولکه لندرملك معناسنه در * اخضلت وزن ایچون وصلله قرأت اولنور * اخضلالدن ماضی در * اغاج طراوت بولوب اوراقی متکثر اولمق معناسنه در * بصری ضم بای موحده وسکون صاد مهمله والف مقصوره ایله اعمال شامدن برقریه در * بو ایکی بیت اوچ لایحه یی متضمندر * ثانی الفجار * سفر بصری * تبشیر بحیرا * وایکی ارهاصی مشتملدر * اظلال * واخضلال ثانی الفجار * اول افتاب سپهر رسالت * بروج سنیندن اون ایکنجی برجده پرتو بخش شش جهت اولدقده * فجارات اربعه دن ایکنجی فجار که فجار الشوکه ایله نامدار * ووقوعیاب اولمشدر * سببی بودرکه بنوکنانه دن برمرد قرشی * قبیلهٔ عامردن برزن مستوره نك نقابنی رفع سوداسنده اولوب * اولدخی امتناع ایلدکده * خائن مز بور برتقریب اول خاتونك دامن پسیننی بچیدهٔ خارا ایتمکله * بیچاره قالقرکن دقیلوب مقعدی کشاد اولدقده * باد هواسیر وصفایه اماده اولان یادکارلر دخی طرف طرف خنده ایتملریله * زن مز بوره به عار استیلا ایتمکله * یا بنی عامر دیو قومنه استصراخ ایلدی * کنانی دخی بنوکنانه یه استغاثه ایتمکین * رجال طرفینك اهنك حرب وقتال ایلیوب * تیرلر هوای وغاده عقاب اسا طائر * ونیزه لر میدان معرکه ده مثل سائر کبی دائر اولدی * سفر بصری * سوداکران بندر سیر وروایتی اوزره ابوطالب اول تاریخده آرزوی تجارتله جانب شامه اعتزامه مبادرت ایدوب مزاحم سفردن صیانت ملاحظه سیله اول نازنین ناز پروری * مکه ده

قيوب كتمك همخوابهٔ ضميری اولديغی * معلوم سعادت تعبيرلری اولجق *
ابوطالبك ناقه‌سی زمامنه يابشوب * ای عم مهربان بنی بويله بی پدر ومادر
مكه‌ده كيمه سپارش ايدوب كيدرسن ديدكده * ابوطالبك بو كلام رقت اثر
تير خارا كذر كبی پوته دل وجاننده كاركر اولوب * اول نير صبح سعادت
رفاقتيله عازم طريق شام اولديلر * قطع نشيب وفراز ايدرك * بصرای شامه
واصل اولوب * انده جرجيس نام وبحيرا لقب بر راهب مرتاض صومعه‌سنه
قريب محلده نابت بر درخت سايه‌سنه نازل اولديلر * بحيرا فتح بای موحده
وكسر های مهمله ايله‌در * اوصيای عيسی عليه السلامدن مستفيض
وماثور اولان علم نصرانيت كندوسنده منتهی بر راهب ايدی * نظری
قافله‌يه متعلق اولوب كورديكه * بر ابرپارهٔ سپيد حرارت آفتابدن حمايت
ايچون * كاروانياندن برينك باشنه سايه‌سالوب انكله برابر حركت ايدر *
تا كه اول صاحب سعادت واروب بر درخت التنده قرار ايلدی * كما كان اول
ابرپاره انك باشی اوزرنده پايدار اولديغندن ماعدا * اول درخت خشكين
نضارت وطراوت بولوب اغصانی سرسبز وخرم اولمغله * كاروانيان سايه‌سنه
شتابان اولدقچه * افنانی اول پاكوهرٔ دوحهٔ عزوشان طرفنه ميلان
ايتمكله * بو حالت خارقه‌لر مشهود بحيرا اولجق * در ساعت ترتيب مهمات
ضيافت ايليوب كافهٔ كاروانيانی دعوت ايلدی * راهبك بو وضعی خلاف
عادت اولمغله اهل قافله متعجب اسيندن سؤال ايلدكلرنده * مرام مجرد
اكرام اولديغنی اعلام ايلدی * ابوطالب اول امين كنج اسراری بارخانه‌ده
قيوب كنديسی كاروانيان ايله ضيافت بحيرايه روان اولدی * جمله‌سی سفرهٔ
طعامه حاضر اولجق * بحيرا يكان يكان هر برينه دقت وامعان ايدوب *
برينك ناصيهٔ حالنده لمعهٔ نبوت مشاهده ايلديكندن بشقه * منزلكاهلری
طرفنده هنوز اول ابرپاره پرهما كبی سايه ساى بالای درخت اولديغنی
كوردكده * مقصودك تخلفی معلومی اولمغله اهل قافله‌يه متخلف وارميدر
ديو سؤال ايلدی * انلر دخی بر طفل اندك ساله قالدی ديدك * بحيرا
انكدخی تشريفنی نيازا يتمكله عم ديكرلری حارث واروب آغوشنده مجلسه
كتوردی * راهب بو دفعه نظر ايلدی كورديكه اول ابرپاره دخی باشی
اوزرنده برابر كلور * چون حضرت خير الورا داخل مجلس بحيرا اولدقده *
اجرای رسم تعظيم ايدوب خلال طعام وكلامده ديباچهٔ كتاب نبوت اولان
صفحهٔ جمال صاحب جلالته ووجود همايونلرنده اولان بعض علامته نكه
انداز دقت اولوب * خاطرنشانی اولان شواهد ودلائلی بالجمله مجموعهٔ ذات

مستجمع المحاسنلرنده مكمل اولمغله * غائلهٔ طعام برطرف اولدقدنصكره
امتحان وجهيله ای مخدوم كزين سكالات وعزايه يمين ويررمسكه * هرنه
سؤال ايدرسم راست وجه اوزره جواب ويره‌سن ديدی * حضرت عليه
السلام بيورديلركه ای پير بندن لات وعزايه يمينله برنسنه سؤال ايلمه كه
عندمده انلاردن مبغوض نسنه يوقدر * بو دفعه بحيرا حضرت خدای
بيهمتايه يمينله تصدی كلام ايدوب جميع احوالندن استقصا ايلدی *
جمله‌سنی كتب سماويه‌دن مضبوطی اولان اوصاف شريفه‌يه مطابق بولمغله
پيغمبر اخرالزمان اولديغنی تحقيق ايلدی * بعده مبارك ارقه‌لرنی اچوب
خاتم نبوتی كوردكده * لب ادب وتبجيل ايله تقبيل ايتدی * حاضر اولان
اشراف قريش بحيرانك بو وضعندن متعجب اولوب * برى برينه محمدك نزد
بحيراده قدر عظيمی وار ديديلر * بعده بحيرا ابوطالبدن سؤال ايلديكه
بو مخدوم معالی‌رسومك جنابكه تعلق نسبيسی نه وجهله‌در * ابوطالب
دخی ثمرهٔ نهال صلبيدر ديدكده * بحيرا تصديق ايتميوب بو ذات محترمك
پدری زنده اولمق جايز دكلدر ديدی * پس ابوطالب برادرزاده‌مدر مادری حامل
ايكن پدری وفات ايلدی ديدی * بعده بحيرا مادرندن سؤال ايلدی *
ابوطالب اول دخی بو وقتنده وفات ايلدی * ديدك * بحيرا شمدی راست
سويلدك منتظر اولان پيغمبر آخرزمان بو وجود جليل العنواندر * حالا
لازمهٔ احتياط اولدركه بو مخدوم مكرمی شامه كوتورمكدن فراغت ايدوب
همان بو منزلدن مكه‌يه مراجعت ايليه‌سز * زيرا يهود شامانی كوروب
وبنم بيلديكم كبی بيلورلر ايسه * لا محاله اعدامنه قصد واقدام ايدرلر ديدی
بناء عليه ابوطالب شامه عزيمتدن فارغ اولوب * امر تجارتنه اول محلده
تمشيت ويرمكله مكه جانبنه عطف مهار عودت ايلدی *

يج عمر ولديد فجار ثا * اث كذا حلف الفضول حد ثا *

بو بيت مرهوندر يج كلمه‌سی سكون جيمله موخر ولد كلمه‌سنك ظرفيدر *
عمر منونا مبتدادر زيرا بحر رجزده مستفعلن جزئنك آخری وتد اولمغله * كمدن
مكفوفدر * ولد ماضی مجهول درجمله‌سی مبتدانك خبريدر * عمر ولد
فی السنة الثالثة عشره تقديرنده‌در * يد سكون داللـه ظرفدر خبر مقدم
محذوفه متعلقدر * فجار موخر مبتدادر اثر ان ايچون غيرمنصرف صورتنده
مسوغ ابتدا تاخيردر * كذا كلمه‌سنده اسم اشارتله حدوث حرب الفجار
الثالث مشاردر * حلف كسر حا وسكون لامله يمين معناسنه‌در * بو مقامده
معنای مجازيه‌سی اولان عهد مراددر فضول ظلما اخذ اولنان اموال ديو نور

بیت من قومده اوج لایحه مندرجدر * ولادت عمر بن الخطاب * فجار
ثالث * حلف الفضول * ولادت عمر بن الخطاب * رضی الله عنه بیت
سلطان رسل پناه عالم * شاهنشه کل حبیب اکرم * صلی الله علیه وسلم
حضرتلری نردبان زرین پایهٔ عمر عزیزلرندن * اون اوچنجی قدمه یه بالعز
والسعاده قدمنهاده اولدقده * جناب عمر بن الخطاب * رضی الله عنه دوحهٔ
وجودی پرآب وتاب ایلدی * فجار ثالث که فجار الدین در فتح داله ولادت
علیه نك اون دردنجی سنه سنده واقع اولمشدر * سببی بودرکه بنو عامردن
برکسه نك برشخص کنانی ذمتنده جهت قرضدن مطلوباتی اولوب اداده
مماطله ایتمکله * بینلرنده نائرهٔ مخاصمت فروزان اولوب * رفته رفته مستند
اولدقلری قبیلتینه سریان ایتمکله محاربه یه ابتدار ایلدیلر * انجام کار عبدالله
ابن جدعان دین مزبوری متحمل اولمغله * آتش داروگیر انطفاپذیر اولدی *
حلف الفضول باعثی بودرکه * زبید یمن اهالیسندن برکسنه تجارت ضمننده
برمقدار بضاعتله مکه یه کلوب * اشراف مکه دن عاص بن وائل مال
من قومی اشترا ایلدی ثمنی اداده تعلل ایتمکله مال صاحبی دخی بری برینه
تناصر وتعاون اوزره متخالف اولان * عبدالدار * ومخزوم * وجمح * وسهم
وعدی بن کعب طرفلرینه تظلم واستعدا ایلدکده * انلرا غاثه ایتمیوب
آخر کار برصباح جبل ابوقبیس اوزرینه چیقوب * جماعت قریش پیرامن
کعبه ده حلقه بند انجمن ایکن * بو ابیات ایله استغاثه ایلدی * شعر *

* یا آل فهر لمظلوم بضاعته * ببطن مکة نائی الدار والنفر *
* ومحرم اشعث لم یقض عمرته * یا للرجال وبین الحجر والحجر *
* ان الحرام لمن تمت مکارمه * ولا حرام لثوب الفاجر الغدر *

لمظلوم اغیثوا المظلوم تقدیرنده در * نائی بعید معناسنه در * اشعث
مغبر الرأس معناسنه در * لام للرجال استغاثه ایچوندر حجر کسر حا ایله
حطیم کعبه در * حرام احترام معناسنه در * غدر ضم غین
وفتح داله غادر معناسنه در * همان زبیر بن عبدالمطلب وعبدالله بن
جدعان وبرقاچ متعینان قریش * قالقوب حرم محترمده من بعد برکسنه یه
جور وظلم اتدرمملك بابنده یكدل ویکجهت اولمق اوزره * عهد ومیثاق
ایلدکدنصکره * عاصه واروب مال مزبوری نزع وصاحبنه رد وتسلیم
ایلدیلر * حلف مزبور عبدالله بن جدعان خانه سنده اولوب * فخر عالم
صلی الله علیه وسلم حضرتلری دخی * اول مجلسده حاضر ایدیلر * حتی
عبدالله بن جدعان خانه سنده برعین مجلسده بولندم * انك نقیض وفواتی

مقابلنده بکا قرمزی تویلی دوه ویرلسه * قطع امیل ومحبت ایلم * حالا بالا
حلف الفضول دیو بکا ندا ایلسه لر اجابت ایدرم دیو بیوردیلر * تنبیه * بوکونه
دعوت وندا عادت جاهلیت اولوب * کرچه اسلامله منفوع اولدی لکن
ندای من قوم اقامت حق * ونصرت مظلوم ضمننده اولمغله مستثنادر *

* یزعنا مع الزبیر سافرا * کافا فجار رابع شق الکرا *

یزعنا سکون زا ایله ظرف قدر مؤخر سافر فعلنه متعلقدر * یعنا نزع حافضیت اوزره
منصوبدر الی یمن تقدیرنده در بودخی سافر فعلنه متعلقدر * الف سافرا
اطلاقیه در ضمیر فاعل رسول اللهه راجعدر * تقدیر کلام سافر النبی علیه
السلام مع الزبیر فی السنة السابعة عشره دیمك اولور * کافا کلمه سی فجار
رابع قولنك خبر مقدمیدر فی السنة العشرین تقدیرنده در * کاف بکرمی
عدده دالدر شق الکرا تقدیر عاطفله فجار اوزرینه معطوفدر * اضافت کرا
ظرفیه در کرا نوم معناسنه در بو بیتده اوچ لایحه مندرجدر * سفر یمن *
فجار رابع * شق ثالث * سفر یمن * ولادت باسعادتك اون یدنجی سنه سنده
جناب رسول اکرم صلی الله علیه وسلم حضرتلری * عم محترملری شقیق
عبدالله زبیر بن عبدالمطلب ایله جانب یمنه سفر بر اولدیلر * اثنای راهده
بر وادیه اوغرایوب مکرانده شیر درنده کبی برمسیب اشترغرند قطع طریق
وآینده وروندهیی بولندن منع وتعویق ایلر ایدی * فخر عالم حضرتلرنی
کوردکده همان زانوزدهٔ زمین خضوع وضراعت * وکلکانی یعنی سینه سنده
اولان مهره سنی سائیدهٔ خاك استکانت ایلدی * شهسوار میدان نبوت
حضرتلری سوار اولدقلری دوه دن اینوب اشترمزبوره سوار * واول وادیی
کذار ایلدیلر * بعده ینه تبدیل رکاب ایلیوب اشترمرسومه رخصت اباب
ارزانی بیوردیلر * اول سفردن قضای وطر ایلدکدنصکره ینه مکه طرفنه
رجعت بیوریلوب * اثنای طریقده مانند فلقله مملو بر نهر مهیبه اوغردیلر *
رفقالری عبوردن اظهار عجز ایتملریله همان بی پروا اول اب سهمناك ایچره
مطیه ران اقتحام * وامر وارشادلریله همراهلری دخی عقبلرنجه اولوب باذنه
تعالی اول دریا کبی صوغائر * اولمغله سلامتله اول وادیدن عابر اولدیلر
مکه یه کلدکدنصکره ذکر اولنان خوارق مشهوده لری همراهلری نقل
ایتمکله * هرکس ان لهذا الغلام لشانا دیو علومکانت رسول اللهی تحدث
ایلدیلر * فجار رابع * ولادت باسعادتك یکرمنجی سنه سنده دردنجی حرب
الفجار که فجارات سائره نك آخر واعظمی واقع اولمشدر * سببی بودرکه کسرای
عجم طرفندن حیره والیسی نعمان بن منذر جانبندن هرسنه موسم عکاظده

طيب واسلحه وسائر امتعه دن قافله تجهيز اولنوب * اشراف عربدن برينك
جوار وحمايتنده بازار مذكوره بعث واسرا * وانده فروخت اولنوب ثمنله
طائف مختباتنى اشترا اولنور ايدى * سال مرقومده دخى على العاده بر قافله
اماده ايدوب * اول اثناده نزد نعمانده عربدن بر كروه بولنوب اشهلرى براض
كنانى وعروة الرجال هوازنى اولمغله * براض قوم كنانه دن اجاره يه متعهد
اولدقده نعمان بالجمله اهل نجد وتهامه دن در جوار اولمق مطلوبمدر ديدى *
عروه بو خصوصه متكفل اولمغله براض بو كونه جسارت عروه دن منفعل
اولوب * على طريق الهزل بنو كنانه دن اجاره سنى تعريض ايلدكده
عروه دخى جمله اهل باديه يى تعميم كنايه سيله * بلكه اهل شيح وقيصومدن
ديو دلبرانه دمدمه ساز تباهى عاقبت تباهى اولدى * پس عروه قافله يى
استصحاب ايدوب عكاظ طرفنه عزيمت ايلديلر * لكن بيشهٔ دل براضده
كندكجه شجرهٔ ملعونهٔ حقد وكين * ريشه ساز استحكام اولمغله * عروه يه
عقبكير اوله رق جويندهٔ فرصت اولدى * عروه ايسه براضك مكر
ومكيدتندن بيخبر قافله يى سايهٔ جوارنه آلوب لاابالى كيدر ايدى * تا كه
ذى طلال نام محله ورودلرنده استرواح ايچون انده نزول واول شب آرام ايلديلر
عروه نك سيلاب جنبشى جوشان ونهر سرخاب كبى طغيان ايدوب *
اول محلده برقاچ زهره لقا * مطربهٔ دلا را ايله * عقد بزم عشرت وصفا
ايلدى * بر وقته قدر نغمات غمزدا ايله نوشانوش رحيق مصفا اولوب
بيچاره زنك روزكاردن ذاهل * ونقش براض فتنه كاردن غافل * بو مجلسى
دست آخر مجالس اولديغنى جاهل * وحقنده لسان زمانه جد بك الدهر
وانت تلعب مثلنى قائل زعمجه صفادن استيفاى حظ اوفى ايدوب * دربى
اولان رطل كران خوابله مست ولا يعقل اولدى * دركمين كين اولان براض
مكر آيين فرصتى غنيمت بيلوب همان كابوس آسا استيلا * ورؤياى فاسده كبى
دماغ حضور عروه يى شورشما ايلدى * عروه هر نقدر عروهٔ وثقاى رجا
واعتذاره تشبث ايلديسه قطعا قبول واصغا ايتميوب * عاقبت رهزن شمشير
براض اول دردمندى جامهٔ حيات مستعاردن عارى ايلدى * بو دفعه
تجارات سائره كبى شهر حرامده واقع اولمغله * واقف حال اولان بر كسنه بازار
عكاظه كلوب قبيلهٔ كنانه يى آكاه ايلدى * همان جمله سى سمت ماورائنه
برزده دامان اولوب بعده هوازنلر دخى خبردار اولملريله * تعقيب ايليوب
حريم حرمه دخوللرندن * مقدمجه يتشديلر * همان سل سيف هجمه
واستيصال * واخشامه قدر بر بريله عظيم حرب وقتال ايلديلر * اخشام

ايرشدكده كنانيلر داخل حرم اولمغله رشتهٔ منازعه منقطع اولدى * بعده سنه
سوق مذكورده التقاى فريقين واقع اولوب مجددا معاملهٔ هيجا هايج *
وبازار كارزارده كالاى مرك وعدم رايج اولدى * اوچنجى دفعه ده قريش
قبيله سى قوم كنانه يه معاونت ايدوب بو كره عظيم جنك ايلديلر * حتى
سد راه فرار اولمق ايچون رئيس قريش وكنانه اولان حرب بن اميه وبرادرى
سفيان كنديلرنى زنجير ايله بند ايلديلر * بعده بر دفعه دخى محاربه اولنوب
شاهد فيروزى وظفر * بر طرفده جلوه كر اولمامغله * بازاركاه مرقومى
موعد عام قابل ايلديلر * حلول ميعادده سنه دار وكيره تشمير ساعد اجتهاد
اولنور ايكن * عتبه بن ربيعه دوه سنه بنوب بين الصفين بلند آواز ايله *
يا معشر مضر على مه تفانون اما تقبلون ديو ندا ايلدى * هوازنلر دخى
قبولنى عرض ايلديكى ماده يى استنطاق ايلدكده * صلح صلاح انجامه
دعوتكار اولديغنى اخبار ايدوب * وديت مقتوللرينه متعهد واداى نجه
قدر رهان معتبره وضع وايداع وكندى خونبهالرندن مسامحه يى مصلحت
مصالحه يه اساس ايلديكى اشعار ايلدى * انلر دخى بو ماده يه كيم متوسط اولور
ديدكده * عتبه دخى ذاتنى اعلام ايله امر توسطه اقدامنى افاده ايدوب بو وجه
اوزره بينلرنده كار مسالمه قرارداده اولدى * حسب المقاوله قرق نفر كسنه يى
على طريق الرهن سپردهٔ سوى هوازن ايدوب * حتى بريسى خديجه بنت
خويلدك برادرزاده سى حكيم بن حزام ايدى * هوازنلر رهان مرقومه يى
كوريجك حميت عربانه لرى متهيج اولوب جمله سنى عفو واطلاق ايلديلر *
بو وجهله مصافلرى مصافاته مبدل اولدى * سيد الانام عليه الصلوة والسلام
حضرتلرى يوم ثالثده اعمامى استصحابيله اول هنكامه ده حاضر اولوب *
بالذات اعمال حرب وقتاله اشتغال بيورميوب * لكن طرف مقابلدن
آتيلان تيرلرى جمع واعمامنه ايصال بيوررلر ايدى * فائده * عتبه نك على مه
تفانون قولنده على كلمه سى تعليليه در * ولتكبروا الله على ما هداكم
نظم شريفنده اولديغى كبى * ومدخولى اولان ما لفظى كه مه صورتنده
محرردر استفهاميه در * مجرور اولديغنه بناء خطا والفى ساقط اولوب
هاء وقفه الحاق اولنمشدر * حالت وقفده تلفظ اولنور * وداخل اولان حرف
جر الفله مرسوم اولمق دخى جائزدر * على مه الامه كبى * شق ثالث *
مواهب صاحبى عدم ثبوتنه ذاهب اولوب * انسان العيون مؤلفى حالت
منامده وقوعنى تحرير * ونور النبراس على سيرة سيد الناس مصنفى حالت
منامده وقوعنى جزم وتقرير ايتمكله * بز دخى انلره اقتفا ايله رؤيايه

اضافه ایلدك *

فی که سری جرش مثنی میسره * به قیصری وغمام ستره *

فی که قولی مؤخرسری به متعلقدر * فی السنة الخامسة والعشرین
موقعنده در * سری فعل ماضی درفاعلی میسره در * جرش نزع خافضیت
اوزره منصوبدر الی جرش تقدیرنده در * عدل وعلمیتله غیرمنصرفدر *
مثنی کلمه سی مفعول مطلقدر فعلی سری در * سری سری مثنی تقدیرنده در
به ضمیری فخر کائناته راجعدر * فقیصری کلمه سنده فا تعقیبیه در جرش
اوزرینه معطوفدر * سافر میسرة عقب هذا السفره بالنبی علیه السلام
الی بصری سبکنده در * بو بیتده ایکی لایحه مندرجدر * سیر جرش *
سفر بصری * سیر جرش * جرش ضم جیم وفتح رای مهمله ایله مکه یه
التی مرحله مسافه ده مضافات یمندن بر بازارگاهدر * انده اطراف
واکنافدن گلوب اوچ کون بیع وشرا ایدرلر * واکحباشه دخی دیرلر *
اول امین گنجینهٔ اسرارلدنیه علیه افضل الصلوات * واکمل التحیة
حضرتلری مدارج سنیندن یکرمی بشنجی درجه یه واصل اولنجه * طریق
مرغوب اکتسابه رغبت * وامر معاش تحصیلنه توجیه ضمیر سعادت
بیورمغله * خدیجه بنت خویلد جنابنك مسموعی اولدقده * هر دفعه سنده
براشتر جوان قدم رنجهٔ سلطان جهان اولاتی اوزره * میسره نام غلامنی
ترفیق ایدوب * برمقدار بضاعتله بازارگاه جرشه ارسال ایلدی * انده
برمقدار بغدای اشترا ایدوب مکه یه گتوردیلر * ربح معتبر ایله فروخت
ایلدیلر * دیگر باره دخی ینه بو منوال اوزره گیدوب استرباح ایلدیلر * سفر
بصری * برگون ابوطالب جناب جلیل المناقب حضرتلرینه خطاب
ایدوب * ای نوردیده حالا معلومکزدرکه بنم بغایت تنگدستلگم واردر *
اول وجهله امر معاشده عسرتم اولوب * قحط وغلا ایسه عرض غیر
مفارق کبی ماهیت زمانه ملازم * وحسب البشریه روزمره تدارکی لازمدر
مناسبدر طبع سعید اولورسه * بو اثناده تجارت ایچون شام طرفنه قافله
متوجه اولور * خدیجه بنت خویلد مالیله ابنای عشیرتمزدن نیجه کمسنه لر
سودمند اولمغله * جناب شریفکز دخی حسب الاقتضاء بو کلفت سفره
چهره نمای تحمل وارتضا بیورسگز * موجب منت ومستوجب محظوظیتمز
اولور ایدی دیدی * بو خبر سمع خدیجه یه واصل اولیجق اظهار سرور ایدوب
فی الحال اول شهبندر صدق وامانت طرفنه سداد واستقامت * ومکارم
خلق وسجیتلری معلوم اولمغله * اکر اختیار زحمت سفر بیورلرسه غیرلره

ویردیگم

ویردیگم سرمایه نك کندیلره ضعفنی ویره یم دیو پیام ارسال ایلدی *
حضرت علیه السلام دخی اظهار روی رضا بیورمغله * وافر مال ویروب
خدمت علیه لرینه ینه میسره نام غلامنی تعیین وتسویغ * وهر حالده
فرمانبر محمد الامین اولمسی بابنده تنبیه بلیغ ایلدی * وابنای عبد المطلب
دخی کاربانیانه اسباغ مواسات ایتمك ضمننده توصیه ایلدیلر * پس اول
قافله سالار انبیا علیه تحف التحایا حضرتلری * مانند نسیم سحر برزده دامان
سیر وسفر اولوب * ینه علی العاده برابرپاره شمسیهٔ فرق باهر السعاده لری
اولدی * یولده خدیجه نك ایکی دوه سی ضعیف اولوب حرکتدن قالمغله *
میسره قافله دن تخلف ایدوب بریهٔ وحشتده قالدی * ظهیر درماندگان
حضرتلری ایلروده اولمغله استماع ایلدکده * همان دونوب مبارك اللریله
اول دوه لرك ایاقلرك صغایوب دعا ایلدی * درساعت ضعفلری مبدل قوت
اولوب قافله ده اولان جمله دوه یی گچدیلر * چون قطع مراحل ایدرك *
بصرای شامده مقدما نازل اولدقلری دیر پیشکاهنه واصل اولوب *
حضرت علیه السلام بردرخت سایه سنه شرف نزول ارزانی بیوردیلر *
مکر بحیرای دانا دامنکش صومعهٔ دنیا اولوب * نسطورا نام براهب
جانشین اولمشیدی * اول اثناده روزنهٔ صومعه دن طرف قافله یه سیر وتماشا
ایدرایدکن * اول ابرپاره نك فرق محمدی اوزره حرکت تابعانه سنی کوریجك
بو درخت سایه سنه نازل اولان ذات شریف کیمدر دیو میسره دن سؤال
ایلدی * اول دخی قریشدن برکمسنه دردیدی * نسطورا دخی ذاتنده مرد
عارف اولمغله * ای میسره بو درخت التنه انجق پیغمبر اولان نزول ایدر *
بو ذات شریفك گوزلرنده حمرت وارمیدر دیدی * میسره دخی بلی اصلا
مفارقت ایلمزدیجك * نسطورا هو هو وهو اخر الانبیا دیوب زمان بعثتلرینه
ادراکی تمنا ایلدی * حضرت علیه السلام برمقدار اسایش وارام
ایلدکدنصکره * سوق بصرایه گیروب داد وستده مبادرت بیوردیلر * اثنای
معامله ده برشخصله میانه لرنده اختلاف واقع اولمغله نسطورایه مراجعت
ایلدیلر * نسطورا لات وعزایه یمین تکلیف ایلدکده * حضرت محمد الامین
صادق القول المبین * علیه الصلوة فی کل حین * مدة العمر بن انلاره یمین
ایلمدم بیوریجق * شخص مزبور القول قولك دیو جانب رسولی تصدیقله
منازعه یه فیصل ویردیلر * بعده نسطورا خفیة میسره یه حضرت علیه
السلامك پیغمبر اولوب * احبارك کتب سماویه ده اوصافنی گوردکلری ذات
معالی اتصاف بودردیدی * چند روز اقامتدنصکره ینه قافله ایله جانب

مكه يه رجعت بيوردیلر ✻ خلال راهده تاب افتاب كرميتاب اولدقجه ✻
ايكى فرشته عيان وفرق سعادتلرى اوزره جناحلرین سايبان ايدرلرايدى ✻
وميسره بوحالى رأى العين مشاهده ايدرايدى ✻ وادئ فاطمه نام منزله
وصوللرنده اشارت ميسره ايله مصحوبا بالسلامه عودت ✻ وقدوملرنى
تبشيرا ايچون حضرت عليه السلام تقدم بيورديلر ✻ خديجه اول اثناده
سعادتخانه لرنده اولان قصر عاليده برقاچ خاتونلر ايله اوتوروب ✻ روزنه دن
سير صحراى بطحا ايدرلرايدى ✻ ناگاه راه شامدن اول افتاب صبح صباحت
شعشعه بخش ظهور اولوب ✻ بالاى فرق فرقدانسالرنده ايكى دانه فرشتهٔ
فرخنده بال ✻ جناحلر يله اظلال خدمتنده اوله رق كلديلر ✻ خديجه
بوحالى مشاهده ايلدكده همنشينلرينه ده اراءت ايلدى ✻ ودقت ايدوب
حضرت محمد عليه السلام اولديغنى تحقيق ايلدكده ✻ بيت ✻ كاورشاه خيالك
ديو سير چشم كريانه ✻ تماشايه چيقار طفل سرشكم دوش مژكانه ✻ مضمونى
ايراد ايده رك دل وجانى استقباله ارسال ايلدى ✻ چون ملاقات ميسر
اولوب ضعفيله ربح حاصل اولديغنى خبرويردكلرنده ✻ مقدمدن طرف
نبوى يه علاقهٔ درونيلرى اولمغله ✻ بايهما اسر بفتح خيبرام بقدوم جعفر
مؤداسى ✻ دوبالا مسرور اولوب ميسره نك حالندن سؤال ايلدى ✻
قافله ايله باديه ده تخلف ايلديكنى افاده بيوريجق مشهودى اولان حالتى
امتحان ايچون ✻ ميسره نك تعجيلنى بهانه ايدوب حضرتى اعاده ايلدى ✻
ينه حالت سابقه منظور ومعاين اولدقده ✻ اطمينان درون حاصل اولوب
ميسره ورودنده اول حالتى نقل ايلدى ✻ ميسره دخى حالت مرقوم ذهاب
واياب ده منفك اولميوب ✻ وسائر مشاهده ايلديكى خوارقى ونسطورانك
كلامنى يكان يكان نقل وبيان ايلدى ✻ پس طرف شريفلرينه اعطا
اولنه جق مبلغى سائرلك مسماسندن ايكى قات زياده اعطا ايدوب ✻ وجانب
سعادتلرينه مهر ومحبتى زياده برزياد اولدى ✻

وملكان ثم قد تزوجا ✻ خديجة ذات الجمال والحجا ✻

وستره ملكان تقديرنده در ✻ الف تزوجا اطلاقيه در ✻ ضمير فاعل فخر عالمه
راجعدر ✻ ذات الجمال صفت خديجه در ✻ حجا كسر حا ايله عقل معناسنه در
حين تزوجده خديجه قرق ياشنده اولديغنه تلميح لطيفدر ✻ بو بيتده ايكى
لايحه مندرجدر ✻ سترملك ✻ تزوج خديجه ✻ سترملك ✻ بيت اوله متعلق
اولمغله اول خلالده بيان اولندى ✻ تزوج خديجه ✻ بنت خويلد بن اسد
ابن عبد العزى بن قصى روايت اولنوركه ✻ خديجه جنابلرينك حضرت

نبوعتاب طرفنه كمال مرتبه تعلق وانجذابلرى اولمغله ✻ نفيسه بنت منبه نام
برخاتونه كشف راز ودرد دروننى ابراز ايلدكدنصكره ✻ بومرام املك تمشيتنى
انك عهدهٔ اهتمامنه احاله ايلدى ✻ اولدخى برموجب اشارت نهانى حضرت
صاحب سعادت طرفنه تزوجلرى خصوصنى درميان مناسبت ايلدكده
حضرت عليه السلام دخى علة العدم عدم العلة قاعده سى اوزره ✻ مايه نك
معدوميتى مانع وجود تأهل اولديغنى ايما بيورديلر ✻ نفيسه يا محمد عقل وادب
وعلو نسب ومال ونشب صاحبه سى ✻ برخاتونى بى كلفت مؤنت سيزه
تزويج ايتسه لر اجابت بيورورميسز ديدكده ✻ حضرت عليه السلام دخى اول
كيمدر ديو سؤال بيوريجق ✻ خديجه اولديغنى اشعار ايلدى ✻ فخر عالم
عليه السلام ظاهر استبعاد ايلدكده ✻ نفيسه متعهد اولوب فى الحال
خديجه نك خريطهٔ قلبنى جواهر بشارتله مالامال ايلدى ✻ پس خديجه
جانب رسول اللهه خبر كوندروب ✻ حضرت بالذات وابوطالب وسائر اعمام
واقاربلريله خانهٔ خديجه يى تشريف بيورديلر ✻ خديجه نك بدرلرى خويلد
وعملرى عمرو دخى حاضر بالمجلس اولمغله ✻ ابوطالب برخطبهٔ نكاح اوقيوب
اثناى خطبه ده طرفينك تمايل وتراضيلرنى اشعار ايتمكله ✻ خويلد دخى
قبول ايدوب همان اول مجلسده اون ايكى بچق اوقيه التون مهر معجل
ومؤجل مقابلى عقد نكاح ايلديلر هر اوقيه قرق درهمدر اتمام نكاح
تمام اولدقدنصكره خديجه خلوق ايله يعنى زعفران ايله مخلوط طيب ايله معطر
برفاخر جامه چيقاروب پاى اندازسيد الانام ايلدى ✻

لامابكعبة ولادة على ✻ فى لد معاوية وابن جبل ✻

لاما قولى فى السنة الثلثين سبكيله مقدم خبردر ✻ بكعبة خبر بعد خبردر ✻
ولادت على مبتدادر ✻ كذلك فى لد قولى مقدم خبردر ✻ ولادة معاويه موخر
مبتدادر ✻ وابن جبل معطوفدر ✻ على لفظى تخفيفله در ✻ ابن جبل
اشباعله در ✻ بو بيتده اوچ لايحه مندرجدر ✻ ولادة على بن ابى طالب
رضى الله عنه ✻ ولادة معاويه ✻ ولادة ابن جبل رضى الله عنهما ✻ ولادت على
اسد الله غالب ✻ على بن ابى طالب ✻ كرم الله وجهه ولادت باسعادتنك
اوتوزنجى سنه سى كعبهٔ مكرمه ده پوشيدهٔ كسوت وجود اولديلر ✻ ولادت
معاويه ✻ وابن جبل ✻ اوتوزدردنجى سنه سنده معاوية بن ابى سفيان ✻
ومعاذ بن جبل رضى الله عنهما متولد اولديلر ✻

له بى البيت لسبيل هدما ✻ لم يسمع الصوت يرى الضوء سما ✻

له سكون ها ايله ✻ ظرفدر ✻ فى الخمسة والثلثين تقديرنده در ✻ بنى كلمه سنه كه

ماضی مجهولدر متعلقدر * البیت نائب فاعلدر * لسیل لاجل حدوث سیل
تقدیرنده در * هدما جمله سی صفتیدر * التی اطلاقیه در * لزسکون زایله
کذلك ظرفدر * فی السنة السابعة والثلثین موقعنده در * یسمع کلمه سنه
متعلقدر * ضمیر فاعل رسول اکرمه راجعدر * الصوت مفعولیدر * یری
الضوء جمله سی تقدیر عاطفله معطوفدر * سما کلمه سی سمودن ماضیدر فاعلدن
حالدر * حال کونه علیه السلام قد علی قدرا عن ان یکون کاهنا کما خطر
فی باله الشریف قوه سنده در * یاخود مفعولدن که صوت وضوءدر حالدر
مذکورتأویلیله تقدیر کلام * حال کون ما ذکرنا من الصوت والضوء علی قدرا
عن ان یکون * الاول * صوت شیطان * والثانی * عن ان یکون ملکیا
بل هو ملکوتی دیمك اولور * بو بیت اوج لایحه یی مشتملدر * بنای بیت
الحرام * سماع صوت * رؤیت ضیا * بنای بیت الحرام * اساس افکن
بنیان سیر اولان اصحاب اثر * بو رسمه طرح بنای خبر ایلدیلر که * مقدما
حضرت ابراهیم علی نبینا وعلیه التسلیم حضرتلرینك بنا بیوردقلری اوزره
حیطان کعبهٔ معظمه نك طقوز ذراع شرعی ارتفاعی اولوب لکن تسقیف
اولنمامشیدی * و بیت شریف درونه دخول اولندقده * قپویه متصل صاغ
طرفده بر چاه اولوب * استانهٔ کعبه یه اتحاف اولنان تحف و یادکارانده حفظ
اولنور ایدی * جرهم زماننده بر مفلس تهی بازار بر دزد نابکار * اغوای
شیطانی واغرای طبع نفسانیله اول کنج شایکانه قونمق داعیه سنه دوشوب
بر کیجه فرصتله مارکبی اول چاه ایجره سوزلدی * هیچ بیماد که رشتهٔ
حیاتی اوزلدی * ما حصل اول کنج نهانی اخراج قیدنده ایکن * ناکاه
اوزرینه چاه یقیلوب بنای حیاتی مهدوم هادم اللذات اولمغله میتنی ازعاج
ایلدیلر * بعد ذلك حضرت مالك الممالك طرف عزتندن * بدنی بیاض باشی
وقویرغی سیاه وباشی اوغلاق باشی قدر بر مهیب اژدر * اول کنج حرم
حرمت پروره پاسبان تعیین اولنوب * دامن امن کعبه یه اطالهٔ دست تعرض
ایدنلری منع ایلرایدی * احیانا تاب افتابده جدار کعبه اوزره چیقوب
اکلنور ایدی * ورنکی اتش کبی برق ولمعان ایدرایدی * سمتنه برکسه
توجه ایلسه غار کبی اغزنی اچوب جلدندن غریب وسهمناك صدا اظهار
ایلرایدی * تمام بشیوز سنه بو حال اوزره مهم حراسته مقیم اولدی * برکون
زیارت کعبه قصدیله بر خاتون کلوب کعبه یی تبخیر ایدرکن * ناکهان مجمره دن
بر شراره اصابتیله جامه سی سوزان اولوب جدران کعبه یه ده سریان ایتمکله
ارکانده وهن وخلل طریان ایلدی * بعده بر سیل عظیم ظهور ایدوب

کذرکاهنده اولان بندی هدمله داخل حرم خدا اولمغله * ازقالدیکه * ع *
پای بوس سیل ازپا افکند دیوار را مضمونی هویدا اوله * بوندنصکره اشراف
قریش اندیشه ناك اولمغله * تشییدی خصوصنه مبادرت وتشمیر بازوی
غیرت ایلدیلر * هر بری اموزلریله طاش چکوب کتوردیلر * حتی بانئ
مبانئ دین اسلام علیه الصلوة والسلام حضرتلری * دخی بالذات قدم اقدام
اوزره ایدیلر * خدمتده اولنلر ازارلرین چوزوب طاش اموزلرین رنجیده
ایتمامك ایچون التنه وضع ایدرلر ایدی * عباس اشارتیله حضرت علیه
السلام دخی بو وضعه مبادرت مراد ایلدکلرنده * کل نهالی کبی نقش
زمین اولوب * اول انده طرف اسماندن یا محمد خمر عورتك * تعبیریله
ستر عورت ایلمك بابنده ندای غیبی ظهوریله ممنوع اولمغین * ازاری ازاری
دیو اضطراب وزاری ایدرك ازار مکرملرینه یاپشوب * من بعد اول خاطره یی
فراغت ایلدیلر * عباس بو حالی کوریجك همان درکنار ایدوب کیفیتلرندن
استفسار ایلدی * سید الابرار حضرتلری دخی ندا ماده سنی اخبار بیوردیلر
مهمه * مسموع عالیلری اولان ندای غیبیلرك اولی ندای مرقومدر *
ومن بعد مکشوف العورة کورلمدی * خصائص الصغری نام کتابده
مسطوردرکه * من کرامتی علی ربی ان احدا لم یر عورتی * حدیث شریفی
موجبنجه بدایت ونهایتلرنده جای عورتنی فرد افریده کورممشدر * متعلق
النظر اولان بصر نور بینشدن دور اولمق مقرردر * قالدیکه ذکر اولنسان
وقعهٔ نقل مجرده انکشاف وقوعندن رؤیت لازم کلمز * نته که حضانت
وتربیت ومجامعت هنکاملرنده دخی رؤیت لازم کلمیوب * کذلك حال
ولادتده دخی ذکورتی لامسه ایله محسوس اولمغله * مستند رؤیت لازم
کلمدیکی نمایان اهل روایتدر * تتمهٔ بنا * القصه اکمال مهماتدنصکره هدمی
خصوصنه شروع اولنوب * لکن ذکر اولنسان اژدها بر وجهله تقربیه
رخصت نما اولمامغله * عاجز اولوب درکاه باری یه تضرع وزاری ایلدیلر *
برکون اول اژدها عادتی اوزره جدار کعبه اوزره چیقوب نکهبانلق ایدرکن
جو هوادن جثه ده عقابدن اکبر بر مرغ تیز پر ظهور ایدوب * اول اژدهایی
قاپوب جونه القا ایلدی * وفی الحال زمینه غائر اولوب ناپدید اولدی *
جماعت قریش اجابت دعالرینه شادمان اولوب بو بابده اذن ربانی صدورنی
اذعان ایلدیلر * همان بکسره امر تعمیر وترصیننه برزده استین اولدیلر *
ابتدار کن رکین ماده اولان مصارف اداره سنه ابتدار وبطریق التوزیع
بینلرنده مبالغ بیشمار جمع ایلدکدنصکره * جملهدن مقدم اشرافدن

ابووهب عمرو بن عائذ كه خال پدر نبی ذی المحامددر * قیام ومصلحت هدمه
اقدامله برطاش قوپاردی * همان الندن صچرایوب یننه محلنه وارمغله
یامعشر قریش مصارف بنا ایچون جمع اولنان ماله حرام ادخال ایلمکز
دیوندا ایتمكله * بودفعه وجه حلالدن اكتساب ایلدكلری مالی احضار
ایلدیلر * اما ابن عائذك وقعه‌سی مشهودلری اولمغله * شاید ممكن اولمیه
یاخود بربلیه نازل اوله دیو هر كس متردد اولوب هدمنه بركسه‌دن جسارت
ظهور ایتمدی * آخر ولید بن مغیره ای جماعت قریش * سز اصلاح
اراده سنده سز حضرت حق سبحانه وتعالی مصلحینی هلاك ایلمزدیوب *
همان بی پروا دیوارا اوزره چیقوب كلنك ایله ركنین طرفندن هدمنه
مباشرت ایلدی * قریش بركون دخی صبرایدوب * ولیدك شوائب
نوائبدن مصون اولدیغنی كوریجك * جمله‌سی هدمه شروع ایلیوب
حضرت ابراهیم علیه التسلیم وضع ایلدیكی اساسه وارنجه هدم ایلدیلر *
اول اساسك طاشلری زمرد كبی یشل وبراق اولوب * هر بری دوه اوركجی
مقدارنده ایدی * بریسی ایكی طاش بیننه كلنك ادخال ایدوب تحریك
ایلدكده * مكه نك جمیع بیوتی متزلزل اولوب وتحت حجردن برشعلهٔ باصره
ربابرق ولمعان ایتمكله * ایلری وارمغه هراسان اولوب * اول اساس اوزره
بنایه باشلدیلر * ابن عائذ رأییله اركان اربعه‌یی بینلرنده بووجه اوزره اقتسام
ایلدیلركه * بكسر الحاء حجر ایله بفتح الحاء حجر اسود میانه‌سی كه *
قپو طرفیدر * بنو عبد مناف وبنو زهره‌یه حصه اولوب * وركن یمانیدن
ركن حجر اسوده قدر بنو مخزوم ایله قریشدن برقاچ قبیله‌یه * وبكسر الحاء
حجر ایله ركن یمانی ما بینی كه ظهر كعبه‌در * بنو جمح ایله بنو سهمه * ومیزاب
طرفی بنو عبد الدار وبنو اسد وبنو عدی عهده‌سنه احاله اولندی * فائده *
ركن یمانی‌یی مقدما اهل یمندن غلام سعید بن العاص باقوم قبطی نام معمار
بنا ایتمكله * یمانی ایله تسمیه اولندی * تكمله بنا * اتفاقیا تندركه ولایت
حبشه‌ده بین النصاری برمعتبر كلیسا اولوب * مقدما اهل فرس انی احراق
ایتمشیدی * تعمیری ایچون قیصر روم طرفندن مقدار وافر آهن ورخام
وكراسته وسائر مهماتله مشحون برقلیون تسییر اولنوب * سواحل مكه‌دن
شعیبیه نام محلده شكست اولمغله * ولید بن مغیره برقاچ نفر قریشی ایله
واروب انده اولان كراسته‌یی اشترا * وقیصر طرفندن تعیین اولنان باقوم نام
رومی كه * صنعت دروكری وبناده یكانهٔ روزكار * ومسلم جملهٔ نجار
ومعمار ایدی * انی دخی برابر كتوردیلر * ذكر اولنان باقوم قبطی ایله بالمعیة

امر بنایه مباشرت ایلدیلر * بری ساچدن وبری سنك خارادن ایكی استوانه
اوزره سقف معلا خانهٔ بیت الحرام وضع اولنوب * طقوز ذراع دخی ارتفاع
ویرلمكین قامت موزون اندام بیت الحرام * جمعا اون سكز ذراعه بالغ
اولمشدر * وعتبهٔ علیه‌یه دخی تطرق سیل ملاحظه‌سنه مبنی برقاچ قدمه
ارتفاع ویرلدی * اول اثناده مؤنت بنایه قلت وضاعقه طاری اولمغله *
حجر اسمعیلی كعبه‌دن طشره چیقاروب لكن داخل كعبه اولدیغنی اشعار
ایچون اوزرینه بردیوار قصیر طرح ایلدیلر * چون بنیان عقیدت اهل
سنت كبی وفق المرام قرین تشید واستحكام اولدی * كندیلره عنوان منشور
افتخار اولمق ایچون * هر قبیله حجر اسودی محلنه وضع ایلمك شرفنی احرازه
ادعای استحقاق ایدوب * كندكچه محاورهٔ لسان مشاجرهٔ سیف وسنانه
مبدل اولمغه یوز طوتدی * حتی بردلان قبائلدن بنو عبد الدار وبنو عدی
بوبابده فدای جان ایتمك اوزره یمین ایدوب * ومیانه‌ده صوبرینه قان روان
اوله جفنه اشارت اولمق ایچون اللرین برطشت پرخونه ادخال ایتملریله *
اول طائفه لعقة الدم ایله تلقیب اولندی * القصه بش كون بینلرنده بووجه
اوزره اسباب اختلاف دائر اولوب * انجام كار مسجد حرامده جمعیت
وبوخصوصده آهنك مشورت ایلدیلر * ابو امیه حذیفة بن مغیره كه
قریشك كرك باراندیده وكرم وسردكشیده‌لرندن اولدیغندن بشقه *
بین العرب جوانمردلكله نامدار برذات سماحت دثار * اولوب حتی
بولندیغی قافله خلقنك بتون زاد وذخیره‌سی كندوسنه منحصر اولمغله *
زاد الركب ایله ملقب اولمشیدی انك ارشادیله بورأی اوزره قرار ویرلدی كه
صبحدم جمله‌دن مقدم باب شیبه‌دن كه حالا باب السلام عنوانیله معروفدر
هر كیم داخل اولور ایسه بوخصوصده حكم اولوب جمله‌سی انك حكمنه
راضی اوله‌لر * اول وقتده باب مرقومدن حضرت نبی مكرم داخل حرم
محترم اولمغله * هذا محمد الامین رضینا به دیوب جمله‌سی راینه امتثال
كوستوردیلر * سجیهٔ زكیه‌لری عمارات ومداراتدن پاكیزه تر اولدیغی
آزمودهٔ كهتر ومهتر اولمغله * مقدما دخی بعض عقدهٔ اشكالك انحلالنی *
ناخن حكم حكمت اشتمالرینه تفویض ایدرلر ایدی * صورت حال
منعكس اینهٔ بال صفوت اتصاللری اولدقده * بررداكتوردوب یدمؤیدلریله
حجر اسودی اورته‌سنه وضع بیوردیلر * واشارتلری اوزره درت قبیله‌نك
متعینلرندن * عتبه بن ربیعه وزمعه وابو حذیفه بن مغیره وقیس بن عدی
اول ردانك درت كوشه‌سنه یاپشوب كوتردیلر * مقرینه قریب اولیجق

حضرت علیه السلام ردادن دست مکرملریله الوب محلنه وضع بیوردیلر
فسبحان الله تعالی بو منحت عظمی وموهبت کبری * اشراف قریشدن
مصروف وجانب جلیل المناقب همایونلرینه معطوف بیورلدی * لعین
شیطانك دیلی حسدی غلیان ایتمکله شیخ نجدی صورتنه تمثل ایدوب *
اشراف قریشی تسفیه وتحمیق ایدرك * العجب كه بوقدر كبار ذوی الاعتبار
برمادهٔ یسیره ده عاجز قالوب * برطفل خردسال پریشانحالی حکم تعیین
وانك رأییله تسهیل وتهوین ایلیه لر * البته لات وعزاسزی تفریق وجدا
ایلیه جکدر * دیو طعن وتشنیع ایتمکله * ازقالدیکه بینلرنده حرب وقتال
روغا اوله * سماع صوت * ورؤیت ضیا * سن شریف نبوی اوتوزیدی یه
بالغ اولنجه درجهٔ کمالده یعنی اربعینه تقربلری اولمغله انافانا علامات نبوت لایح
اولمغه بشلیوب * ازجمله بعض تنها اولدقلری حینده سرادقات غیبیه دن
یا محمد یا محمد دیو ندا الراستماع ایتمکله * زوجهٔ بهیجه لری حضرت خدیجه
رضی الله عنها یه * یا خدیجه بعض خلوتده غائبدن یا محمد یا محمد دیو صدالر
استماع ایدیورم * علی روایة نور مشاهده وبوکونه صوت استماع ایدیورم *
لکن صف زدهٔ حرم اولان صنملردن اصوات شیاطین اولمق ظنیله * خاطرهٔ
کهانت مورث دغدغه وخداشت اولیور بیوردقجه * حضرت خدیجه دخی
رأسا منافیٔ کهانت اولان ادای امانت وصلهٔ رحم وصدق مقال مثللو
خصائل علیه لرین * تعداد ایله تسلیت ودفع حلجان قلب سعادت ایدرایدی
ابن مسعود رضی الله عنه روایتی اوزره مکهٔ مکرمه ده اوچ سنه مدت صدای
غیبی ایشیدوب * ونور معاینه ایدرلرایدی لکن حقیقتی معلوم شریفلری
اولمامشیدی * مهمه * حضرت رسول اللهك مادهٔ مزبوره یی طرف دیکره
حمل ایله حضرت خدیجه یه عرض واستکشاف بیورملری * جزما وظنا
بلکه شکا اولمیوب انجق * ولکن لیطمئن قلبی * وتیره سی اوزره بالامر تبهٔ
یقین واطمینان تحصیلنه مبنی اولدیغی مستغن عن البیاندر * زیرا مولد
سعادتلرندن مقدم * وحین ولادتلرنده واقع اولان خوارق عادات بالذات
مسموع معالی اباتلری اولوب * خصوصا تظلیل سحاب وملك واخضلال
ومیلان شجر وتبشیر بحیرا مثللو ارهاصات وعلامات مشهودهلری اولمغله
حقانیت ذات شریفلری وجدان منیفلرنده مستقر ومثبت اولمشیدی *

رؤیاه قبل المیم نصف سنة * وفیه شق الصدر مع نبوة *

رؤیاه قولی مبتدادر ضمیر رسول اکرمه راجعدر * قبل المیم کلمه سی کائنة
کلمه سیله که خبر محذوفدر منصوبدر * رؤیاه کائنة قبل اخر الاربعین

من المولد الشریف تقدیرنده در * نصف سنة قولی قبل دن بدل بعض
من الکل ترکیبی اوزره بدلدر * مهمهٔ نحویه * معلوم اوله که اسماء عدد ایله
کاه اولورکه جملهٔ معدود اراده اولنور * اکرمت اربعین رجلا وعشت اربعین
عاما کبی * وبعضا معدودمرتبه دن جزء اخیر مراد اولور * ولد زید لاربعین
من الهجرة کبی * بوکتابده ثبت اولنسان جمیع اسما عددلرده معنای ثانی
مقصوددر * زیرا انات زمان عمر نبویدن موقع اولیات وقایع اولانی
بیان ایچون وضع اولندی * وذکر اولنان قاعده عشریندن تسعینه وارنجه
اسماء عقودده کذلك مائه والفده جاریدر * اما عشره اسم جمله اولمغله انده
متمشی دکلدر * عشره دن جزء اخیر عشر ایله معبردر * کذلك اثنیندن
تسعه وارنجه کرك منفرد اوکرك عقودله بریله مرکبا اولسون عشر کبی در *
که اسم جمله در جزء اخیرلرنده ثانی وثالث وثانی عشر وثالث عشر ایله تعبیر
اولنور * وهلم جرا واشبو قبلیت طول وقصر زمانی محتمل اولدیغندن ناشی
مقدار امبهم اولمغله تعیینی ایچون نصف سنة ابدال اولندی * پس نصف سنة
قولی جزئی من الکلی در جزء من الکل دکلدر * وحمل هنکامنه وحملدن
مقدم ومؤخره محتمل اولدیغیچون وضعا دخی مبهم در * لکن حمل هنکامی
وحملدن مقدمه احتمالی ایکی جهتله باطلدر زیرا مقصود مبانهٔ ولادت
ووفات محمدیده واقع اولان حوادثی بیانه منحصردر * وجه ثانی اول ایکی
هنکامده رؤیا متصور دکلدر * اما قبل الحمل روح نبوی هرنقدر
موجود ایسه ده روحك بدنه تعلقندن مقدم رؤیا حالتنه عادت الهی جاری
اولمامشدر * وزمان حملده دخی والله اخرجکم من بطون امهاتکم
لاتعلمون شیئا نص مبینی اوزره * نور علم وعرفان پرتوافروز دماغ انسان
اولمامغله * فرع العلم اولان رؤیا متصور اولمز زیرا محلنده مقرردرکه * انسانك
عالم منامده مشاهده ایلدیکی صورت سابقا معلومنك عینی یا نظیری
یا اجزاسی اولور * پس شق ثالث که بعد الحمل در متعین اولدی * لکن بودخی
مبهم در زیرا نه وقتده حادث اولدیغی متعین دکلدر * واخر حالت رؤیا اخر سال
اربعینه منطبق اولمق مراددر * زیرا مقدار حالت رؤیا نصف سنه ایله مبین
اولمغله امتداد زمانی مبدأ ومنتهی ایله محدود ومعین در * واحدهمانك
تعیینیله آخرمتعین اولور * مانحن فیهده منتهی ذکر اولنان انطباقله متعین
اولمغله مبدأ جهتنه ده تعین کلمشدر * اکر انطباقدن آخر جزء سال اربعیندن
اولان جزؤ دیکره تماس وانطباق مقصود اولسه * تبیین وتعیینی جهتی
مسکوت قالمیوب البته بیان اولنور ایدی * ماحصل مدت رؤیا قرقنجی سنه دن

نصف ثانی اولدیغی مقرر اولمشدر * ومؤلف کتاب الهدی دخی کانت الرؤیا
ستة اشهر عبارتیله مدت رؤیانک نصف سنه اولدیغنی تقریر ایلدی * خصوصا
ان الرؤیا جزء من ستة واربعین جزءا من النبوة * حدیث شریفندن بالاشاره
ایام وحی منام التی ای تمام اولدیغی استدلال اولنور * زیرا مدت نبوت
سید الانام علیه الصلوة والسلام جمعا یکرمی اوج سنه اولمغله * التیشر آیه
تقسیم اولندقده قرق التی جزء اولوب بر جزءا ایام وحی منام اولان التی ای اولور
مدت رسالتلری یکرمی سنه اولمغله من الرسالة عنوانیله تعبیر بیورلمدی *
محشی بیضاوی سعدی چلبی مرحومک تفسیر فاتحه خلالنده * سورهٔ
فاتحه ایله سورهٔ ناسدن هر بری یکرمی اوچ حرفی مشتمل اولملری * مدت
نبوته اشارتدر دیو تحریرلری مقصوده مناسب ومرامی مؤیددر * رحمه الله
تعالی * وفیه قولی وفی اخر المیم تقدیرنده مقدم خبردر * شق الصدر مؤخر
مبتدادر مع نبوة مع وحی نبوة تقدیرنده حالدر * حال کون الشق مع وحی
نبوة قوه سنده در * فائده * رؤیا شول مثاللردرکه انلری رائی قلبندن نوم
افتی استیلا ایتمین بر جزؤ ایله مشاهده ایدر * اجزای قلبیه اوزرینه استیلای
آفت نوم قلیل اولدقچه رؤیا مصفا اولور * بعد هذا بیت مرقوم ایکی لایحه یی
مشتملدر * وحی منام * شق رابع * وحی منام * سرور انام علیه اتمی السلام
حضرتلری * سعادتله اربعینه واصل اولدقده التی ماه مدت عالم رؤیاده
مظهر تشریف وحی رب العزت اولدیلر * صحیح بخاریده مثبتدرکه فخر عالم
صلی الله علیه وسلم حضرتلرینک * ابتدای وحیلری نومده رؤیای صادقه
اولوب مشاهده بیوردقلری رؤیا * عالم ظاهرده روشنایی صبح اساهویدا
اولور ایدی * شق رابع * کذلک قرقنجی سنه نک آخرنده یقظه حالنده
جبرائیل ومیکائیل علیهما السلام مباشرتلریله * سینهٔ پرسکینهٔ نبی بالحق
منشق اولوب * عقبنده جبریل امین اقرأ امر مبیناله وحی کتوردیلر *

باقرأ وجبریل بوحی قد فتر * الی مج بدله اسرافیل قر *

باقرأ کلمه سنده باسببیه در مقدر حاصله یاخود حصلت کلمه لرینه متعلقدر
مع نبوة حاصلة او حصلت باقرأ تقدیرنده در * اقرأ کلمه سی فی الاصل
قرائتدن امردر بو مقامده اوائل سورهٔ اعلایه علم اولمشدر * زیرا اول
هنگامده نازل اولان همان * اقرأ باسم ربک الذی خلق خلق الانسان
من علق اقرأ وربک الاکرم الذی علم بالقلم علم الانسان مالم یعلم کریمه لریدر *
پس اقرأ لفظی علمیت ووزن فعلیتله غیر منصرف اولمغله مجرور بالفتحه در *
وفتحه من بوره مقدره در ظهورینه سکون اصلی که سکون حکایه در مانع

اولمشدر * وجبریل مبتدادر قد فتر جمله سی خبردر * بوحی کلمه سی ضمیرندن
حالدر * الی مج الی نهایة السنة الثالثة والاربعین تقدیرنده در * بدله
کلمه سی ظرفیتله منصوبدر عاملی مؤخر قر فعلیدر ضمیر جبریله راجعدر *
اسرافیل کلمه سی اتزان ایچون موصولا قرأت اولنور * قر کلمه سی قراردن
ماضی در ثبات معناسنه در * بو بیتده اوچ لایحه مندرجدر * بدء وحی *
فتور جبریل * نزول اسرافیل * بدء وحی * آ نفاذکر اولندیغی اوزره قرقنجی
سنه نک نصف ثانیسنده وحی منام ظهور ایلمکه باشلیوب * اول اثناده خاطر
فاخرلری وحدته میال اولمغله * کفایت مقداری زاد وزواده ایله غار حرایه
تشریف ایدوب * تنهادرگاه واحد بیهمتایه عبادت ایدرلر ایدی * مهمه *
فخر عالم صلی الله علیه وسلم حضرتلرینک قبل البعثة عبادتلری خصوصنده
اختلاف علما واقع اولمشدر * بعضلری عبادت علیه لری تفکر مصنوعات
الهیه ایدی * وبعضلر تذکر ایدی دیدیلر وبعضلر عندنده شریعت موسی
علیه السلامدن شرعمزده منسوخ اولمیان احکام الله متمسک * وبعضلره کوره
شریعت ابراهیم علیه السلامه متمسک ایدی * وبعض علما مطلقا صحتی
ثابت اولان شرایع سالفه اوزره عبادتلرینه ذاهب اولدیلر * تتمه *
ماحصل استصحاب ایلدکاری ذخیره یه نفاد کلنجه غارمن بورده طاعت
وعبادته اشتغال بیوررلر ایدی * اول اثناده حضرت جبریل بافرمان جلیل
نزول ایدوب تبلیغ نبوت ایلدی * یوم من بورا کثر علمانک نصه جلری
اوزره ماه ربیع الاولک سکزنجی اثنین کونی اولوب کیجه سی اولدیغی دخی
مرویدر * ولادت باسعادتلری دخی ماه ربیع الاولده اولمغله رأس اربعینده
مبعوث اولدقلری روایتی قول مرقومی مؤیددر * قالدیکه شهر رمضان
الذی انزل فیه القران کریمه سنده دفعهٔ سما دنیاده کائن بیت العزه یه نزولنه
محمولدر * مرویدرکه حضرت جبریل حضور سیدنبیلده متمثل اولوب *
سینهٔ بی کینه لرین وجه مسطور اوزره شق ایلدکدنصکره * اقرأ یا محمد دیوب
حضرت نبی امی دخی ما انا بقاری بیوریجق * جبریل امین اول حبیب
رب العالمینی اغوشنه بصوب بر وجهله صقدیلرکه * بیان حال صددنده حتی
بلغ منی الجهد بیوردیلر * اوچ دفعه بو معامله دنصکره حضرت امین وحی
سبحانی * اول دانای بی مدانی یه کشاینده یرلیغ بلیغ صمدانی اولوب *
اقرأ باسم ربک الذی خلق خلق الانسان من علق * اقرأ وربک الاکرم الذی
علم بالقلم * علم الانسان مالم یعلم کریمه سنی صحیفهٔ حافظه لرینه ثبت ایلدیلر
نکته * ایات مرقومه ایجاد وامداد نعمتلرنی متضمن اولمغله * معارفی مشتمل

اولدیغندن مضمون شریفی نبوتدر ✻ لکن سورهٔ مدثر امر ونهی مشتمل
اولمغله انك مضمون منیفی رسالتدر ✻ تکمله ✻ بعده حضرت جبریل اسمانه
عروج ایدوب فخر عالم صلی الله علیه وسلم حضرتلری ✻ تأثیر مهابت وحی
ایله لرزان وهراسان خانهٔ خدیجه یه کلوب ✻ زملونی زملونی دیه رك یاتدیلر ✻
خدیجه دخی اورتنی اورتوب برمقدار تنفس واستراحتدن صکره ✻ وقعه یی
خدیجه یه نقل وبیان ولقد خشیت علی نفسی مقالی حیرتمآلیله نوعا اظهار
خداش وحلجان بیوردیلر ✻ حضرت خدیجه مسرور اولوب قطعا منهل
العذب مشربکز بو عارضه دن تیره ناك اولمسون ✻ خدا حق جناب حق جل
وعلاسنی قطعا مفتضح ورسوا ایلمز ✻ زیرا سن صلهٔ رحم واقرای ضیف
ایدوب وغیرا ایچون متحمل اعباء متاعب اولورسون ✻ راست زبان ویار وباور
بیدرمانسن دیو تسلیت ایلدکدنصکره ✻ قلب شریفلرینه کمال اطمینان
حاصل اولمق ایچون حضرتنی آلوب ورقه بن نوفله کلدیلر ✻ ورقه خدیجه نك
عم زاده سی اولوب زمان جاهلیتده تنصر وانجیلی عبرانیدن عربی یه ترجمه
ایتمشیدی ✻ واول اثناده بغایت پیر ونابینا اولمشیدی ✻ سرور عالم صلی الله
علیه وسلم حضرتلری اشارت خدیجه ایله وقعه یی ورقه یه نقل وافاده
بیوریجق مژده سکا یا محمد اول سکا نازل اولان حضرت موسایه نازل ✻
ناموس اکبردر ✻ بی شبهه سن پیغمبر اخرزمانسن ✻ کاشکی جوان اولوب
اعلان دعوت ایتدیککز وقتی ادراك ایدیدم واول غدار قومك سنی تکذیب ایدوب
مکه دن اخراج ایلدکلری هنکامده ✻ راه معاونتنده اجرای سربازی بلکه
صرف نقدینهٔ حیات مجازی ایدیدم دیو تمنا ایلدکده ✻ خاطر نبی ذیشان
کرچه کسب اطمینان ایدوب ✻ لکن مکه دن اخراج اولنمق خبری نوعا
درون خیراندیشلرك تخدیش ایلمکین ✻ قومم بنی مکه دن اخراج ایدرلرمی
بیورمغله ✻ ورقه دخی بلی سنی اخراج ایدرلر ✻ برکسنه یه منصب نبوت
احسان اولنمدی الا که قومندن اکا دشمنلر ظاهر اولوب اول نبی اکرمی هدف
تیر جور وستم ایتمیه لر ✻ اکر اظهار رسالتك ایامنی ادراك ایدرسم سکا کمال
معاونت ایدرم دیدی ✻ چوق زمان کچمدین ورقه نك ورق حیاتی خزا
ندیده اولوب ✻ کاشنسرای زندکانیدن دامن چیده اولدی ✻ ورقه رسالتدن
مقدم وفات ایتمکله مسلم اولمیوب لکن مؤمنا ارتحال ایلدی ✻ انك حقنده
حضرت رسول الله لقد رأیت قسا فی الجنة وعلیه ثیاب الحریر بیوردیلر ✻
فس ضم قافله رئیس نصارادر ✻ فتور جبریل ✻ ونزول اسرافیل ✻ تتمیم دائرهٔ
شوق وداد ✻ وتکمیل حوصلهٔ تحمل واستعداد ✻ حکمتنه مبنی اوچ سنه

مدت جبریل امین نازل اولمیوب وحی الهی منفصل اولدی لکن انك بدلنه
اسرافیل علیه السلام نازل اولوب ✻ عن ظهر الغیب شیئا بعد شیء تعلیم ایدر
ایدی ✻ بر روایتده یعلمه الکلمة والشیء واردا اولمغله انسان العیون صاحبی
تعلیم اولنان نه اولدیغنه واقف اولمدم دیو اظهار اشکال ایلدی ✻ کلمه دن
مراد اقوال وشیئدن مرام افعال اولمق غالب احتمالدر ✻

وفیه جا جبریل بالمدثر ✻ رسالة ودام کل العمر ✻

وفیه قولی وفی اخر عام مجیٔ تقدیرنده در ✻ جا کلمه سی اتزان ایچون مقصوردر
مدثر سورهٔ مخصوصه اسمیدر ✻ رسالة حال کون مضمون تلك السورة رساله
سبکنده در ✻ دام کل العمر دام کل الباقی من العمر تقدیرنده در ✻ العمر
کلمه سنده حرف تعریف مضاف الیهدن عوضدر کل عمره المکرم دیمکدر
مضمون بیت بودر که ولادت باسعادتك قرق اوچنجی سنه سی اواخرنده
حضرت رسول الله ✻ برکون کیدرکن طرف اسماندن بر آواز ایشیدوب نظر
ایلدکده کوردیکه ✻ جبل حراده نازل اولان ملك زمین واسمان بیننده
قعود ایلمش ✻ اندامنه لرزه دوشوب شتابله خانهٔ خدیجه یه کلوب یاتدیلر
خدیجه اورتنی وافرشیله اورتدی اول حالده جبریل امین ✻ یا ایها المدثر قم
فانذر وربك فکبر وثیابك فطهر والرجز فاهجر ✻ کریمه سیله که مضمون شریفی
رسالتدر نازل اولوب ✻ بقیهٔ عمر عزیزلری که یکرمی سنه در وحی الهی
متتابع اولوب من بعد منقطع اولمدی ✻ مهمه ✻ معلوم اوله که خازن کنجینهٔ
احکام دین جبریل امین علیه السلام ✻ سرور عالم مفخر نوع بنی ادم
صلی الله علیه وسلم حضرتلرینه ✻ یکرمی درت بیك دفعه نازل اولوب ✻ ادم
صفی الله حضرتلرینه اون ایکی ✻ وادریس نبی یه درت ✻ ونوح نجی اللهه اللی
وابراهیم خلیل اللهه قرق ایکی ✻ وموسی کلیم اللهه درتیوز ✻ وعیسی
روح اللهه حال صغرنده اوچ ✻ وزمان کبرنده یدی دفعه نازل اولمشدر ✻
علیهم الصلوة والسلام ✻ ببین تفاوت ره از کجاست تا بکجا ✻

موت ورقة کذا وفی مد ✻ اظهار دعوة لکل مهتد ✻

کذا قولی فی السنة الثالثة والاربعین سبکنده در ✻ وفی مد مقدم خبردر
مد کلمه سی یا ایله مشبعه در ✻ مهتدی طالب الهدایة بلسان الفطرة دیمکدر
بیت مرقوم ایکی لایحه یی متضمندر ✻ موت ورقه اعلان دعوت موت ورقه
کذار شیذیر اولدیغی اوزره ورقة بن نوفل زمان بعثت محمدی یه ادراکی ازدل
وجان متمنی اولوب ✻ لکن زمان منتظر حلولندن مقدم که ولادت علیه نك
قرق اوچنجی سنه سیدر ورقای روح روانی برج بدندن طیران ایلدی ✻ اظهار

دعوت * داعیء راه جنت علیه اجل التحیة حضرتلری * ابتدای حالده امر نبوتلرین پنهان ایدوب * ولادتلك قرق دردنجی سالنده فاصدع بما تأمر کریمه‌سی که * تکلم بالحجة جهارا وافرق بین الحق والباطل ایله مفسردر نازل اولمغله * حسب الامر مجامع ومنازل قریشه واروب * یا ایها الناس ان الله یأمرکم ان تعبدوه ولا تشرکوا به شیئا مدعاسیله کمراهان بغی وضلالتی طریق مستقیمه دعوته باشلدیلر * بتلره وبت پرستلره سب ودشنام ایلدکجه کفار کندیلرندن مباعدت وازار وازیت ایتمیوب * تا که انکم وما تعبدون من دون الله حصب جهنم انتم لها واردون کریمه‌سی مصداقی * اصنامی وعبدهٔ اصنامی قدح وتعییبه مبادرت بیوردقلرنده * اسلام ایله معصوم اولنلردن ماعدا بالجمله کفار * طرف نبوی‌یه عداوت اظهار ایلدیلر * ابولهبدن ماعدا بنو هاشم وبنو عبد المطلب خصوصا ابو طالب اول حضرتك حمایه‌لرنده اهتمام اوزره اولمغله * کرچه دست تعرض اشرار مشرکیندن امین ایدی * لکن فرصت بولدقجه لسانلریله ازار وخصوصا اهل اسلامه تعذیب واضراردن خالی اولمزلر ایدی * حتی چند دفعه بنو عبد المطلب ایله میانلرنده مشاجرهٔ عظیمه واقع اولمشدر * منقولدر که برکون متعینان قریش ابو طالب خانه‌سنه کلوب یا ابا طالب قرنداشك اوغلی محمد بزم اصنامیزه سب ودشنام ایدوب بزی واباواجدادمزی دوزخه لایق کورمکله * انی بزه تسلیم ایده‌سن تا که قتل ایدوب آلهه‌مزه نصرت ایتمش اوللم * اثناده عمارة بن ولیدی انك یرینه آلوب تبنی ایله دیدکلرنده * ابو طالب انلاری تسفیه ایدوب ارایتم ناقة تحن الی غیر فصیلها مقالیله روی ملتمسلرینه سد دریچهٔ قبول ایلدی * بعده اشبو ابیات ایله معنای حمایتنك تأکیدینه اشارت وخاطر عاطر نبوی‌یی تسلیت ایلدی * وهی هذا *

والله ان یصلوا الیك بجمعهم * حتی اوسد فی التراب دفینا
فاصدع بامرك ما علیك غضاضة * وابشر وقر بذاك منك عیونا
ودعوتنی وزعمت انك ناصحی * ولقد صدقت وکنت ثم امینا
لولا الملامة اوحذاری سبة * لوجدتنی سمحا بذاك مبینا
وعرضت دینا لا محالة انه * من خیر ادیان البریة دینا

غضاضت ذلت ومنقصت معناسنه‌در * زعمت قلت معناسنه‌در * قر کلمه‌سی قره‌دن امردر * قره فی الاصل کوز باردا اولمق معناسنه‌در * بعده لازمی اولان سرور ده استعمال اولندی * زیرا حالت سروروده کوز یاشی برودتله کلور * پس قر بذاك عیونا مسرور اول دیمك اولور *

* وفی مه ولادة عائشة * والهجرة الاولی الی الحبشة *

وفی مه مقدم خبردر * ولادة عائشة مؤخر مبتدادر * والهجرة الاولی معطوفدر * بو بیت ایکی لایحه‌یی محتویدر * ولادت عائشه * هجرت الی الحبشه * ولادت عائشة رضی الله عنها ولادت با سعادتك قرق بشنجی سنه‌سنده حضرت عائشه بنت ابی بکر الصدیق رضی الله عنها وعن ابیها کهوارهٔ وجوده پیرایه بخش اولدیلر * هجرت الی الحبشة * مرسوم خامهٔ بدیع البیان اولدیغی اوزره * حضرت پیغمبر ذیشان امر نبوتی اعلان ایلیوب اصلا قریش طرفندن صورت انکار کستورلدی * وقتا که اصناملرینی قدح وازدرا بیوردیجق اذیته اغاز ایدوب کندکجه طرف مسلمینه جور وستملری مزداد ومشتد اولدی * حتی بعضلری اسلامنی ستر ایدوب باقی اهل اسلام مکه اون برمر دوبش زن ایدی * رخصت سید الابرار ایله سنهٔ مزبوره رجبنده نهانی میانهٔ قریشدن چیقوب دیار حبشه‌یه کافت هجرتی اختیار ایلدیلر *

* وعود من هاجر للتلاوة * ثم اتوا بهجرة ثانیة *

وعود رفعله والهجرة اوزرینه معطوفدر * وفی مه عود من هاجر دیمکدر * عود رجوع معناسنه‌در من هاجر صله وموصول مضاف الیهی‌در * اتوا جمع غائب ماضی در ضمیر فاعل لفظ عام اولان من کلمه‌سنه راجعدر * بو بیتده ایکی لایحه مندرجدر * عود مهاجرین * ثانیهٔ مهاجرت * عود مهاجرین * چون دستور سید الانام له ذکر اولنان اصحاب کرام حبشه‌یه هجرت * واصحمة النجاشی‌یه التجا ایله اسایش واستراحت ایلدیلر * اول هنکامده سورهٔ کریمهٔ والنجم اذا هوی نازل اولوب * امام محراب دین علیه الصلوة فی کل حین حضرتلری * مجمع قریشده نماز ایچره اول سوره‌یی تلاوت بیورمغله * افرایتم اللات والعزی ومنات الثالثة الاخری آیتی زبان معجز بیانلرینه جاری اولیجق * شعبده باز مکر وتلبیس لعین ابلیس القاسیله

تلك الغرانیق العلی وان * شفاعتهن لترتجی

فقره‌سی لسان شریفلرینه سبق ایتمکله * منتظم سلك ایات اولمق زعمیله کفار قریش فرحناك اولوب * آخر سوره‌ده حضرت علیه السلام سجده ایدیجك کروه سر بهوای شقاوت دخی صنملرینه خضوع بیوردیلر ظنیله بالجمله سجده‌ده اقتدا ایلدیلر * اول مجلسده چون حضرت محمد بزم آلهه‌مزی مدح وتعظیم ایلدی * بعد الیوم بز دخی کندوسنه تعرض ایتمیه‌لم دیو عهد ایلدیلر * حضرت نبی کامل بو معامله‌دن غافل * سعادتخانه‌لرینه تشریف بیوردقلرنده جبریل امین نازل اولوب * کیفیت حالدن اکاه ایدیجك بغایت

غمگين اولديلر * فى الحال تسليت بال والقاى شيطانى بى ابطال ضمننده * وما ارسلنا من قبلك من رسول ولا نبى الا اذا تمنى القى الشيطان فى امنيته فينسخ الله ما يلقى الشيطان ثم يحكم الله آياته والله عليم حكيم * كريمه سيله نازل اولدى * قوله تعالى الا اذا تمنى اى قرأ وفى امنيته اى فى تلاوته ماليس من القران * وفى البخارى الا اذا تمنى اى حدث وفى امنيته اى فى حديثه * فينسخ اى يبطل ثم يحكم اى يثبتها والله عليم بالقاء الشيطان ماذكر حكيم فى تمكينه من ذلك الفعل مايشاء ليميز به الثابت على الايمان عن المتزلزل فيه فقرهٔ مزبورده غرانيق غرنوقك جمعيدر ضم غين معجمه وسكون راى مهمله وفتح نونله * ياخود غرنيقك جمعيدر سكون ياى تحتانيه له مرغابى نوعندن تورگيده قوغوديدكارى قوشدر * وبياض ونازك جوانه ده دينور * وجه شبه ابيض اولوب ياخود محل رفعده منسوب اولديغيوندر * تتمه * حقيقت حال قريش برضلالك معلوملرى اولنجق * تكرار ستمكارلغه ابتدار ايدوب وسعلرى مرتبه جفا واضرارده اصرار ايلديلر * معاملهٔ سابقه حبشه ده مهاجرينك مسموعلرى اولنجق حضرت سيد الابرار ايله مشركين بدكردار * مصالحه ايتمشلر ديو مكه يه كلوب خلاف مأموللرى ظهور ايديجك * تكرار اذن نبى مختار ايله حبشه يه رجعتكار اولديلر * بو دفعه اولاد صغاردن ماعدا سكسان اوچ رجل واون سكز عورت ايدى * حتى جعفر طيار دخى داخل زمرهٔ مهاجرين اولدى *

اسلام حمزه مع الفاروق * فى موفى مز مبدء العقوق *

اسلام حمزه مبتدا فى موخبيدر * وفى مز مقدم خبر * مبدء مؤخر مبتدادر عقوق قطع رحم در * بيت مرقوم اوچ لايحه يى مشتملدر * اسلام حمزه ابن عبد المطلب * اسلام عمر بن الخطاب * مبدء عقوق * اسلام حمزه ابن عبد المطلب * كيفيت اسلام حمزه سيد يكردن منقول خامهٔ مترجم احقر اولمشدر * بر كون حضرت مصطفى عليه اصفى التحايا * صفاده اوتورر كن فرعون امت محمدى اولان ابو جهل ديدكارى ملعون ايدى * اول محلدن كچوب طرف سيد الورايه انواع ازار وجفايه اجترا ايلدى * مفخر ملك وملكوت حضرتلرى مقابله يا السكوت بيورديلر * ابو جهل كتدكدنصكره حضرت حمزه شكاردن كلوب خانه سنه وارمزدن مقدم عادتى اوزره طوافه كتدى * مكر مقدما ابو جهلك بو وضع جهولانه سنى عبد الله ابن جدعانك بر جاريه سى كورمش ايدى * طوافده حضرت حمزه يى بعض غيرت انگيز كلامله آگاه ايديجك بحر حميتى تموج ايدوب همان مجمع قريشه

توجه ايلدى * واروب ابو جهلك كريبانك پنجهٔ رستمانه ايله طوتوب منم برادر زاده مى ازرده ايدن سن ملعون غبى سن ديو * اول قدر ضرب ايلدى كه كافرلك استخوانلرى خرد اولدى * بو حالده وجوه قريش تخليص مراد ايتدكلرنده ابو جهل فرياد ايدوب مدد مانع اولمكز حمزه مرادى اوزره بنى دوكسون بوخسه بو غضبله واروب مسلمان اولور ديدى * حضرت حمزه ايسه شرف اسلامه مستعد تام ايدى * ابو جهله داغ بر داغ اولمق ايچون اواز بلند ايله كلمهٔ شهادت كتوروب مسلمان اولدى * بو وجهله حضرت حمزه اسلامنى اظهار ايديجك * سورت مشركينه انكسار كلوب * مسلمينى رنجيده ايتمكدن برمقدار فارغ اولديلر * اسلام عمر بن الخطاب * لسان فاروقيدن مرويدر كه همشيره م فاطمه نك اسلامى مسموعم اولنجق * خشم وكينله خانه سنه واروب ايشتدمكه سن مسلمان اولمش سن ديو اساسنله ازار ايلدكدنصكره * غرق خون اولنجه باشنه چهره سنه ضرب ايلدم * فاطمه كلام درشت ايله يا ابن الخطاب كف اقتدارندن كلان اذا واشكنجه يى دريغ ايلمه كه * تحقيق بن دين حنيف محمدى قبول ورهبرئ توفيقله دار السلام اسلامه دخول ايلدم ديدى * اول هنكامه ده نظرم بر صحيفه يه دوش اولوب اليمه الدم اچوب ابتدا تاج سر فرقان كريم * بسم الله الرحمن الرحيم مجلاى بصرمده جلوه نما اولمغله * نوبت تلاوت الرحمن الرحيم * اسم شريفلرينه كلدكده درونمه رعب ودهشت عارض اولمغين * همان صحيفهٔ مرقومه يى القا ايلدم * بعده ينه آلوب كوردمكه يسبح لله ما فى السموات وما فى الارض سورهٔ كريمه سى مسطوردر * تلاوت ايدوب آمنوا بالله ورسوله كريمه سنه واصل اولنجق همان كلمهٔ شهادت كتوروب مسلمان اولدم * اسلامى كوريجك فاطمه نك زوجى سعد ومقدما تعليم قرآن ايچون كلوب ورودمده كوشه كيرا ختفا اولان خباب بن ارت كوشهٔ خفادن چيقوب اواز بلند ايله تكبير ايلديلر * ودلالتلريله مسفلهٔ صفاده واقع حضرت عليه السلام اولدقلرى سعادتخانه يه توجه ايدوب * دق باب ايلدم اذن رسول الله ايله قپويى اچوب بنى ايچرويه الديلر * ايكى كسنه ساعدمدن طوتوب حضور همايونه اولنجه ايصال ايلديلر * پيشگاه فلك دستگاه عاليلرينه منولمده * ساعدلرمى اطلاق قلله امر بيوروب بندخى هزار شرم وحيا ايله حضور شريفلرينه قعود ايلدم * اللريله مجمع ثيابمدن طوتوب طرف اشرفلرينه جذب ايلدكدنصكره * اسلم يا ابن الخطاب اللهم اهد قلبه بيورديلر * بندخى همان كلمهٔ شهادت كتوروب تجديد اسلام ايلدم * حاضر اولان اهل اسلام

بلند اوازایله تکبیرایلدیلر * شویله که تکبیر صداسی بتون طرف مکه یه
غلغله بخش اولدی * مقدم اصحاب کرام حضراتی اسلاملرین خذله قریشدن
کتم ایدوب * بن شرفیاب اسلام اولدقدنصکره حضور سید الانامدن
چیقوب دلال حوادث اولان تبهکاران کفاردن برینه اسلامیمی سویلدم
همان مجمع قریشده صوت اعلا ایله الا ابن الخطاب قد صبا دیوندا ایتمکله
سفهای قریش کلاب اسا اوزرمه غلو وهجوم ایدوب بر برلرمزله وافر زمان
مشاجره ومضاربه ایلدک * عاقبت خالم کلوب بعد الاستفساردنی بیلدکده
برطاش اوزره چیقوب الا انی قد اجرت ابن اختی نداسیله احتما ایلدیکنی
اعلام ایتمکله * غراب اساطا غیلوب کتدیلر * بعده لوای ملت اسلام
قرین رفعت تام اولنجه قدر بوکونه زدوخورد ایله امرار ایام اولندی *
مبدء عقوق * ولادتک قرق یدنجی سنه سی محرم الحرامی غره سنده بنو
نوفل وبنو عبد شمس ایله بنو عبد المطلب وهاشم بینلرنده قطیعهٔ رحم واقع
اولمشدر * موقعی بیت ثانی اولمغله ذکر اولنور

اذ نوفل وعبد شمس عادت * مطلبا وهاشما فبادت

اذ نوفل بیت اولده مبدء العقوق کلمه سنه متعلق ومضمندر بنو نوفل وبنو عبد
شمس وبنی مطلب وبنی هاشم تقدیرنده در * عادت معادا تدن که عداوتدن
مفاعله در ماضی دراصلی عادوت ایدی * واوک تحریکی وماقبلنک انفتاحی
الفه تقلیبه علت اولوب * اجتماع ساکنین محذوری دخی سقوطنه بادی
اولدی * بادت بیوددن ماضی درهلکت معناسنه در * ذکر اولنان قبائل
اربعه عم زاده لردر جمله سی عبد مناف اولادلریدر * عبد مناف حضرت
پیغمبر معالی اتصافک اوجنجی جدلریدر باعث معادات بودرکه * چون سابقهٔ
عنایات ربانی ولاحقهٔ تاییدات سبحانیله فروشوکت دین مبین یوما فیوما
افزون * ولوای کفر وضلالت مشرکین سرنکون اولوب * خصوصا بنیان
رصین الارکان اسلام دستیاری حمزه وفاروقله کمال استحکام بولمغله *
ومهاجرین حبشه دخی نجاشی طرفندن معزز ومکرم اولدقلری مخاذیل
کفارک مسموعلری اولمغله * غیظ وحسدلرندن اول بدکیش محال اندیشلر
زعم فاسدلرنجه حاشا * روح عالم اولان وجود رسول اکرمی اعدام ایتمک
سوداسنه دوشدیلر * بو خبر ابوطالبه منعکس اولنجه بنو عبد المطلبی وبنو
هاشمی جمع ایدوب * کندوسنه مخصوص شعبه کیردیلر * وجمله سندن اول
قدان نخل نبوتک تندباد کزند اهل شقاوتدن صیانتی بابنده استعداد ایلدکده
کیمی غیرت دینیه وکیمی حمیت قرابه سببیله بو خصوصده اتفاق * وبکدل

وبکجهت اولانلر اوزره کمربند عهد ومیثاق اولدیلر * بنو نوفل وبنو عبد شمس
قطع رحم ایله تخلف ایدوب * حضرت رسول کریمی کندولره تسلیم ایتمدکجه
بینلرنده مفتوح اولان باب مناکحه ومبایعه ومخالطه یی قید تأبید ایله سد
ایلدیلر * وبو مضمونی حاوی برقطعه عهدنامه تنمیق ودرون کعبه یه تعلیق
ایلدیلر * اول مزخرفنامه نک کاتبی منصور بن عکرمه نک دست شئامت
پیوستنه سکتهٔ تعطیل ایریشوب عمل وحرکتدن محروم اولدی * ایکی سنه
علی روایهٔ اوچ سنه بوحال اوزره مرور ایلدی * لاحقه * امر الهی ایله
اول ایامده ارضه که اغاج قوردی دیدکلری جانوردر * اول مزخرفنامه یه
مسلط اولوب لفظهٔ جلاله دن غیری حروفی قلمتراش دندانیله حک ایلدی
بو اثناده هشام بن عمرو العامری * وزهیر بن ابی امیة المخزومی * ومطعم
ابن عدی بن نوفل * وابو البختری بن هشام * وزمعه بن اسود اتفاق ایتدیلرکه
صبحدم اول ورقه یی پاره لیوب سفهای قریشک سد ایلدکلری رعایت
مراسم قرابت بابنی کشاد ایلیه لر * علی الصباح مجمع قریشه واروب قطع
رحمک وخامت عاقبتنی بیان * واول عهدنامه نک الغاسنی درمیان ایلدیلر
ابوجهل ممانعته اصرار ایدرکن ابوطالب مجلسه حاضر اولوب * بیهوده
نزاع ایلمکز حضرت محمد بکا خبر ویردیکه امر الهیله اول صحیفهٔ سخیفه یه
ارضه مسلط اولوب امرینی تمام ایلدی * اکر بو سوزده خلافی ظهور ایدرسه
بن دخی حمایتندن دست کش اولورم دیدی * مجلسدن بریسی قالقوب اول
صحیفه یی کتوردی ابوطالبک نقلنه موافق اولمغله * جمله سی شرمسار
اولوب اما ابوجهل بدکردار عنادنده پایدار اولدی *

وفی مط کان انشقاق للقمر * فی النون موت العم والزوج استقر *

بو بیتده اوچ لایحه مندرجدر * معجزهٔ انشقاق قمر * موت ابی طالب *
وفات خدیجة الکبری * معجزهٔ انشقاق قمر * ولادت باسعادتک قرق
طقوزنجی سنه سنده طائفهٔ مشرکین برمهتاب کیجه ده * حضرت رسول
الاهه یا محمد اکر صحیح پیغمبر ایسک اشارت ایله آی ایکی پاره اولسون * اکر
اولورسه سکا ایمان کتوره لم دیو عهد ایتدیلر * صاحب الایات البینات *
علیه افضل التحایات حضرتلری * مسبحه پرمعیله اشارت ایلدی * بامره
تعالی همان آی ایکی پاره اولوب برروایتده برپاره سی حراطاغنک اوکنه ودیکر
پاره سی ارقه سنه نازل اولدی * روایت دیکرده برپاره سی جبل ابی قبیس
اوزرینه وبرپاره سی جبل قعیقعان اوزرینه نزول ایلدی * بو معجزهٔ باهره
اقتربت الساعة وانشق القمر نص مبینیله ثابت اولمشدر * وانشق القمر یعنی

عالم دنیاده منشق اولدی دیمکدر * بو خسه یوم قیامتده واقع اوله جق دیمك
دکلدر * وان یروا آیة یعرضوا ویقولوا سحر مستمر * کریمه سی بومدعایه
دلیل واضحدر زیرا کفاردن روز قیامتده بوکلامك صدوری ایسه حکم مقتضای
عقلدن دوردر * ومعجزه مرقومه احادیث متواتره ایله ده ثابت اولمشدر *
بعض ملاحده نك اکر خارقه مزبوره واقع اولیدی جمیع اهل اقطار رؤیت
ومعرفتنده مشترك اولمق لازم ایدی * دیو جای انکارده ایراداتدکلری
مقال خطیب منبر فضل و کمال خطابی علیه الرحمه طرفندن بو وجهله
تراشیده سیف ابطالدر * که معجزه مزبوره یی نوع انساندن فرقه مخصوصه
طلب ایدوب وشبهنکام اولمغله * اولوقتده خلقك کیمی نائم و کیمی بیدار اولوب
وبیدار اولنلرندخی مشغولیت احتمالندن بشقه لحظه یسیره ده واقع *
وخصوصا تفاوت افاق اقتضاسی افق دیکرده بولنانلرده رؤیته امکان
اولمامق جائز اولوب * مع هذا اقاصی اقطاردن مکه یه وارد اولان
مسافرین لیله مرقومه ده انشقاق قمری بالمعاینه کوردکلرنی اهل مکه یه
خبرویرمشلردر * موت ابی طالب * ولادت باسعادتك اللنجی سنه سنده
عم نبی اکرم اولان نقاوه آل غالب ابوطالبك مطالب دنیویه سی ناتمام *
یعنی انفاس معدوده سی رسیده انجام اولدی * وفات خدیجة الکبری *
فوت ابوطالبدن اوچ کون مرورنده حلیله جلیله سلطان الانبیا * خدیجة
الکبرا رضی الله عنها * خرامنده جانب بقا اولدی *

*عائشة وسودة قد نکحا * جن عقیب طائف له نحا*

عائشة وسودة کلمه لری مفعولیت اوزره منصوبلردر * الف نکحا اطلاقیه در
ضمیر فاعل فخر عالمه راجعدر * جن کلمه سی مقدر نحا فعلنك فاعلیدر *
مذکور مفسر در تخصیص وتقدیرله مبتدا اولمق دخی ممکندر * نحا کلمه سی
نحودن ماخوذ ماضی درقصد معناسنه در * بو بیتده اوچ لایحه مندرجدر
نکاح عائشه * وسوده * سفر طائف * ورود جن * نکاح عائشه وسوده *
سنه مزبوره ده عائشه بنت ابوبکر الصدیق * رضی الله عنها وعن ابیها *
وسوده بنت زمعه رضی الله عنها * منخرط سلك امهات مؤمنین اولوب *
لکن حضرت عائشه نك صغر سنلری حسبیله امر زفاف وابستهٔ عقدهٔ
تأخیر اولوب * مدینهٔ منوره ده صورتکیر اولدی * سفر طائف * ابوطالبك
وفاتندنصکره خیله قریش میدانی خالی بولمغله * طرف رسالتپناهی یه
جوروأذیتی مزداد ایتمکله * ناچار زید بن حارثه ایله مکه دن چیقوب
طائف طرفنه عزیمت اختیار ایلدیلر * اول تاریخده طائفده ثقیف قبیله سی

ساکن اولمغله حضرت علیه السلام اول قبیله یه واروب * اشرافنی اسلامه
دعوت بیوردیلر * اجابت ایلمدکلرندن بشقه سفهای قومنی تحریك واغرا
ایدوب * طرف رسول اللهه جوروازدرا ایلدیلر * تحملدرکه کیدرلك
ایچیزدن بعضلری مسلمان اوله دیو حضرتك انده اقامتنه ده راضی اولمیوب
ناچار * حضرت سید الابرار کمال حزن وانکسار ایله طرف مکه یه
مراجعتکار اولدیلر * اول سفهه بد طینت بومرتبه ایله قناعت ایتمیوب
حاشا اولوله سب واستهزا ایله * حضرتك ارقه سنه دوشوب جابجا اقدام
مکرملرین سنکساره اجترا ایلدیلر * طاش کلدکچه حضرت علیه السلام
قعود ایدوب ارالق بولدقجه قیام وتحریك پای اعتزام بیوررلر ایدی *
مبارك قدملری برقاچ یرده مجروح اولوب نعل شریفلری شیشهٔ لعلینه
دونمشیدی * زید حضرتلری دخی جنة الوقایه اولمق ملابسه سی باشندن
برقاچ یرده زخمنالك اولمشیدی * ماحصل بو حال اوزره اول کروه شقاوتسیردن
کناره کیر اولوب جانب ام القرایه متوجه اولدیلر * مکه یه بر مرحله مسافه
بطن نخله نام مقامه پرتو انداز تشریف اولوب * اول کیجه انده فرش سجادهٔ
آرام بیوردیلر * حضرت پیشوای جماعت انبیا * علیه من الصلوات ازکاها
اول محلده تحریمه بند نماز اولوب جهرا سورهٔ جن تلاوتنه آغاز بیوردیلر *
مکر بلاد شامدن نصیبین نام بلده جنلرندن یدی نفر جن اول وادیدن کچران
ایدرلر ایدی * آواز تلاوت سید الابرار کوشکذارلری اولیجق بی اختیار
طرف شریفلرینه توجه ایتدیلر * وحضرتنه ملاقی اولوب اسلامله مشرف
اولدیلر * واول باسط ایادی جسمانی وروحانی طرف پرشرفلرندن زاد التماس
ایتملریله اسم الله ذکرینه مقارن اولوب واوزرنده ات بقیه سی اولان کمکلر
الکزه کیردکده سزه رزق وطعمه وسرکین دواب انسانی * دوابکزه علف
اولسون دیو تعیین بیوردیلر * مهمه * علامه سیوطی علیه الرحمه لقط
المرجان فی احکام الجان نام کتابنده صحیح مسلم * وترمذیدن طائفهٔ جنه
اسم الله ذکرینه مقرون اولمیان کمکلرك رزق تعیین بیورلدیغنی نقل ایتمکله
اصحاب تحقیق میانهٔ روایتنی بووجه اوزره توفیق ایلدیلر * که اسم الله
ذکرینه مقرون اولان کمکلر جنك مؤمنلرینه * ومقابلی کافرلرینه تعیین
اولنمشدر * فائده * بعض علما طائفهٔ جنك اکل وشرب وتناکح وتناسل
وموت حالاتندن آزاده اولدقلرینه ذاهب اولوب * وبعضلر مطلق طائفهٔ
مرقومه ایکی جنس اولورلر * برجنسی ریح درکه خالص اجنه بونلاردر
قیودات مزبوره دن مجردلردر * ودیکر جنسی انسان کبی اکل وشرب

وتناكح وتناسل ايله مقيد لردر * انلار غيلان وسعالى ديدكلريد رديد يلر *
غيلان جمع غول * وسعالى جمع سعلا تدر * اخبث اجنه در بيابانلرده
تشكل ايدوب * بالكز اولان انسانه استيلا ايدرلر * لكن اصح اقوال اوزره
جمله سى نوع انسانى كبى تكلفات مرقومه ايله متقيد لردر * وبعض علما
طائفهٔ جنك اكل وشربلرين همان استشمامه حصر ايلد يلر * لكن اكثر علما
انسان كبى مضغ وبلع ايله تناول ايلدكلرينى امضا ايلد يلر *

* ومبدء الاسلام للانصارنا * وفى نب خامس شق علنا *

ومبدء الاسلام مبتدادر * واقع فى السنة الحادية والخمسين خبريدر * وفى نب
اى فى الثانية والخمسين مقدم خبر خامس مؤخر مبتدادر * علنا حال كونه
نقطهٔ سكنده در * بيت مز بورده ايكى لايحه مندرجدر * مبدء اسلام
انصار * خامس شق سينهٔ سيد الابرار * مبدء اسلام انصار * خوانسالار
نعم پروردكار * عليه الصلوة الى يوم القرار حضرتلرى * هر سنه موسم
حجده افاق واقطاردن وارد اولان قبائله واروب * مائدهٔ پر فائدهٔ اسلامه
دعوت ونبوتلرين عرضله تبليغ احكام رب العزت ايدرلر ايدى * ولادت
باسعادتك اللى برنجى سالنده ينه اطرافدن قبائل كثيره كاوب مكه ده
مجتمع اولد يلر * عادت عليه لرى اوزره انلاره كندولرين عرض ايدركن عقبه
قربنده خزرجدن مستعد نور هدايت بر كروهه مصادفت ايدوب *
بعد الاستفسار كيملر اولدقلرى معلوم معالى شعار نبوى اولدقده * بر مقدار
مكالمه ايچون برجلسهٔ خطيبه ابتزميسز بيورد يلر * خزرجيان دخى
اجابت ايدوب اوتورد يلر * حضرت انلارى طريق حقه دعوت ايدوب
كنديلره اسلام عرض ايلدى * وقران عظيم الشاندن بر مقدار ايات كريمه
تلاوت بيوردى * حكمت يزدانى وطنلرى اولان يثرب زمينده يهود
طائفه سى اولوب اوس وخزرج قبيله لريله بعض منافسه خلالنده *
پيغمبر منتظرلك زمان ظهورى متقرب اولمغله * اكا اتباعله سزى طعمهٔ
تيغ دمار ايدرز ديواجراى ضغن وكينلرين وقت مرقوم حلولنه ترهينله
دندان فشار اخذ ثار اولورلر ايدى * خزرجيان پيغمبر مشار اليه بو اوذات
جليل الشان اولديغنى اذعان ايدوب * بعضلر يهود مدينه متابعده بزى
سبق ايلمسو نلر ديو اظهار پيكر مطاوعت ابتمكله التى نفرى مسلمان اولدى
بعده حضرت نبى مطاعه وداع ايدوب ديكر باره شرف ملاقاتى سال
آينده يه تعليق ايلد يلر * مهمه * لفظ انصار فى الاصل جمع ناصردر *
اول كروه ابراره * والسابقون الاولون من المهاجرين والانصار كريمه سى

موجبجه * طرف رب العالميندن علم اسلامى تعيين بيورلمشدر * ومعلوم
اوله كه اوس وخزرج قبيله لرى جدلرى اولان اوس وخزرج نامان برادرلره
منتميلردر * وانلار ابناء حارثة بن ثعلبه بن عمرو مزيقيا بن عامر بن ماء
السماء بن حارثة الغطريف بن امرئ القيس البطريق بن ثعلبة العنقاء
ابن مازن غسان بن ازد بن غوث بن نبت بن مالك بن زيد بن كهلان
ابن سبا بن يشجب بن يعرب بن قحطان بن هود عليه السلامدر * سبا بن
يشجب كه ملوك حميردن سد مأربك بانيسيدر * ومأرب قرارگاه قبيلهٔ ازد
اولان ناحيه اسميدر * مقدما اول ناحيه ده عظيم سيل اولور ايدى * ذكر
اولنان سبا سيل كلعك برده صخر وقيرايله بر سد متين يايوب * صويى خارج
سده قودى * وبو سده اعلا واسفل اوج مشعب وضع اتديكه خلق اكا
محتاج اولدقده انلاردن اخذ ايدوب غرس وزرعله عمارت ايدرلر ايدى *
وعمرو مزيقيا آخر ملوك مأربدر * علوم غريبه يه اشنا اولوب دلالت
عليه ايله عن قريب الزمان * سد مرقوم ملك منهدم وويران اوله جغنه
مطلع اولمغله * جميع قبائل ازد ايله جلاى وطن ايلد يلر * وفاتندنصكره
اوغلى ثعلبه جانشين اولوب بونلك ابا منده بالجمله عشائر وقبائلنك خيام
جمعيتلرى پريشان اولمغله * شانلرنده تفرقوا ايدى سبا مثلى مضرب شايان
اولمشدر همدان ودوس قبيله لرى عراق طرفنه وجفنه بن عامر شام جانبنه
وسائر قبائل شراة قبلنه نقل بارخانهٔ كلفت اتديلر * وثعلبه موكبنده اولان
خلقله جفنه يه بعده شامه رحلت ايلدى اولدخى سيراب ذلال زندكانى
اولدقدنصكره * اوغلى حارثه امير اولدى * اولوقت مملكت شام حكومتكاه
قيصر روم اولوب بر ماده ضمننده قيصر طرفندن استشعار ايتمكله *
قومنى واوغللرى اوس وخزرجى الوب يثرب جانبنه عزيمت ايلدى *
وصولنده حاكم يهود اولان شريف بن كعب ايله معاهده ايدوب اول
خطه ده ارام ايلد يلر * بعده بر حادثه نا كه ظهوريله ميانلرينه منافرت
دوشوب * فصل مدعا حكم حسام نافذ القضايه حواله اولندى * اول
معركه ده قتى وافر يهود قتل اولنوب شيرازهٔ جمعيتلرينه خلل طارى اولمغله
حارثه بالاستقلال خطهٔ يثربده مسندآراى حكومت واجلال اولدى *
وطائفهٔ يهوده كفايت مقدار محل تعيين وخواه ناخواه انده تمكين ايلدى
پس ازان * حارثه دخى اقليم بقايه روان * اولدقده نسلندن عجلان بن
عوف بن خزرج بن حارثه جالس مسند حكومت اولدى * انك زماننده
يهود طائفه سى اقدام انتقام اوزره قيام ايدوب اوس وخزرجدن چوق

کمسنه لری هلاك ایلدیلر * انلاردخی شعبهٔ تبارلرندن اولوب شام دیارنده ساکن غسان قبیله سندن دادخواهان اولدیله * ملك ال جفنه لشکر بیکرانله کلوب شریف بن کعبی ومقدار وافر یهودی قتل * ومالارین نهب واولاد وعیاللرین سبی واسیر ایلدکدنصکره وطنلرینه عودت ایلدی * بعد زمان ینه طائفهٔ یهود کینهٔ دیرینه لرین اجرایه اقدام ایدوب مالك بن عجلانی قتل واعدام ایلدیلر * عجلان عجله ایتمیوب حزم واحتیاله یهودی اغفال ایلدی * ومجددا عقد رشتهٔ مسالمه ایچون یوز نفر یهودی بی طرفنه جلب وسکساندن زیاده سنی قتل ایدوب بقیه سی فرار ایلدیلر * قیطون بن شریف واقف حال اولدقده قودنی استنفار ایله عسکر بیشمار جمع ایدوب * عجلانله محاربه ایلدی * عجلان مغلوب اولمغله طی قبیله سندن استمداد ایدوب بودفعه قیطونك طومار حیاتنی طی ایلدکدنصکره * قی وافر یهودی کشتهٔ تیغ تبار ایلدیلر * من بعد یهود طائفه سی قعدوا علی استهم قاعده سی خاك نشین خاری ومذلت اولوب قالدیلر * بوحال اوزره برزمان کذران ایدوب کیدرك دودمان اوس وخزرج تکثر شعب ایله خطهٔ یثربه کنجایش مرتبه سندن بیرون اولمغله * قبائل غسان مأوای قدیملری اولان شام دیارینه ارتحال ایلدیلر * یهود حیله کار بوفرصتی غنیمت بیلوب همان بنو ملتلری اولان طسم وجدیس قبیله لرندن استنصار ایله خانمان اوس وخزرجی * تارمار وپایمال شتر ذل وخسار ایلدیلر * تا که مظهر شرف اسلام اولوب من بعد عز ورفعت جاودانیده بردوام اولدیلر * ویثرب خطه سی یهود طائفه سندن مقدم مقر عمالیق ایدی * وعمالیق عملیق اولادندن برقوم در * وعملیق سام بن نوح اولادندن یثرب نام کمسنه نسلندن برشخص در * خطهٔ مرقومه ده اول من بو یثرب ساکن اولمغله اسمیله مسمی اولدی * منقولدرکه حضرت موسی علیه السلام ملوك جبابره اوزره سرایا تسییر ایدوب * برسریه دخی مدینه طرفنه توجیه وقتل عام ایتملر باینده امر وتنبیه بیوردیلر * انلاردخی حسب الامر اول خطه سکانك مجموعنی طعمهٔ شمشیر قهر ایدوب * انجق برامیرزاده لری غایت حسن وصباحت صاحبی اولمغله * قتلنه برفرد اقدام ایتمکه قادر اولمامغله * اول طائفه دن فقط امیرزادهٔ مرقوم نجات بولدی * چون اتمام مأموریتله جانب کلیم اللهه عودت ایلدیلر * مکر اول خلالده جناب کلیم واصل لقای رب رحیم اولمشیدی * وصوللرنده بنی اسرائیل سز عاصی اولدیکز من بعد سزلری قبول ایتمز دیوردوا استثقال ایلدیلر * انلاردخی مدینه طرفنه رجعت

ومن بعد آنده اقامت ایلدیلر * بعد زمان روم طائفه سی بنی اسرائیل اوزره تغلب ایتمکله بنو نضیر وبنو هدل وبنو قریظه وبنو قینقاع مدینه طرفنه فرار ایدوب عالیه یه نزول ایلدیلر * بنو نضیر بطحان نام وادیده وبنو قریظه مهزور نام وادیده وبنو قینقاع میاه طیبه سی وافر اولمغین بلاد عدیده ده اقامتکزین اولدیلر * بواوج قبیله نك سلسلهٔ نسبلری هرون علیه السلامه منتهی در * سانحه * کذا رشید براولدیغی اوزره خزرجیان شرف اسلامی احرازده حائز قصب السبق اولوب لکن اوسیانه مسابقتلری امرنده خاطره بوکونه برنکتهٔ دقیقه لایح * ولطیفهٔ انیقه سانح اولمشدرکه * جدهٔ ثانیهٔ فخر عالم که سلمی بنت عمرو بن زید بن لبید بن خداش بن عامر بن غنم بن عدی بن تیم النجار بن ثعلبه بن عمرو بن خزرج در * شعبهٔ بنی خزرج اولان بنی النجاردن اولمغله * علت قرابت موجب مسابقت بیعت اولمشدر * اول وقتکه جد ثانی حضرت سید ستوده اوصاف اولان هاشم بن عبد مناف تجارت قصدیله شام طرفنه عازم اولوب * حسب الطریق مدینه یه اوغرادقده * هاشم ذاتنده * صاحب حسن وجمال اولمغله مهر ومحبتی شعله نثار دل سلمی اولوب * هاشم دخی جانب سلمایه مائل اولمغین اهل واقاربی عندنده تولیدی شرطیله تزویج ایدوب * جانب مقصوده روان اولدی * عودتنده محرم شبستان وصال اولوب بعده مکه یه کوتردی * زمان وضع حملی تقرب ایلدکده ینه مدینه یه نقل ایدوب کندوسی عازم دیار شام اولدی * غزه ده غرهٔ حیاتی آفل وصبح زندکانیسی شام مماته متحول اولدی * بعد وفاته مودوع مشیمهٔ سلمی اولان جنین دلارا * سر براوردهٔ عالم دنیا اولوب * کیسوی عنبر بویلرنده موی سپید پدید اولمغله شیبه ایله تسمیه ایلدیلر * بنابران * حضرت پیغمبر ذیشان سلمی طرفندن انصاری خزرجی نجاری اولوب * پدرلری جهتندن قرشی هاشمی مهاجری اولمشلردر * خامس شق سینهٔ سید الابرار ولادتك اللی ایکنجی سنه سنده حالت بیداریده خامس شق صدر رسول عالیقدر واقع اولمشدر * لیلهٔ اسراده واقع اولمغله شق الاسرا ایله مشتهر اولمشدر *

كذاك اسراء ومعراج جرى * حسا وجل كان فى حال الكرى *

کذاك قولی کالشق فی کونه واقعا فی السنة الثانیة والخمسین تقدیرنده در * اسراء مبتدادر * اسراء من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی تقدیریله ومعراج اسراء اوزرینه معطوفدر * جری وقع معناسنه ماضی در * ضمیر فاعل اسراء ومعراجه راجعدر * مذکور اعتباریله یاخود کل واحد یاخود

ایکیسی شیٔ واحد اولمق اوزره جملهسی مبتدانک خبریدر ٭ حسا یقظة
معناسنه ظرفدر ٭ وجل کلمهسنده واو حالیهدر جل مبتدادر جل الاسراءت
الاربعة والثلثین تقدیرندهدر ٭ کان فی حال الکری جملهسی خبردر یاخود
واو استئنافیهٔ بیانیهدر ٭ واو اعتراضیه اولمق دخی محتملدر جملهٔ معترضهنک
آخر کلامده وقوعی مذهبنه مبنی ٭ معلوم اوله که مایهٔ شرف زمین و زمان
اولان پیغمبر ذیشان ٭ علیه الصلوة ما کرا الجدیدان حضرتلری ٭ اوتوزدرت
دفعه معراجله مظهر ابتهاج اولمشدر ٭ بر دفعهسی حالت یقظهده جبریل
امین کاوب سینهٔ پرسکینهلرین شق ایلدکدنصکره ٭ مسجد حرامدن براقه
سوار اولوب اولا مسجد اقصی یه تشریف ٭ واندن دعای ابرار آسا آسمانه
عروج ایدوب محرم سراپردهٔ اوادنی ٭ و مظهر سر فاوحی الی عبده ما اوحی
اولوب ٭ میانهدن پردهٔ مجازی برطرف ٭ و رأی العین وجود حقیقی
مشاهده سیله حائز نهایت شرف اولدیلر ٭ صلوة پنجگانه اول شب پرطربده
مفروض اولوب ٭ ینه اول کیجه آیت رحمت کبی زمینه نازل و دار
السعادهلرینه واصل اولدیلر ٭ فرداسی خبر شبانهیی نقل بیوردقلرنده ابتدا
حضرت صدیق و بعده بالجمله مؤمنین تصدیق ایدوب ٭ مخذولان کفار
اظهار صورت انکار ایلدیلر ٭ و معراجک اوتوز اوچ دفعهسی حالت منامده
روح پرفتوحلرینه واقع اولمشدر ٭ نته که بیت مرقومده جل کلمهسی اکا
اشارتدر زیرا اوتوز اوچ عددهدالدر خصوص معراجک تفصیلنه
بو مختصرک حوصلهٔ تحملی اولمامغله مطولاتده خصوصا مواهب اللدنیهده
اغنا ایدهجک مرتبه مبسوط در انلاره مراجعت ذریعهٔ حصول امنیتدر

٭ و بیعة العقبة الاولی کذا ٭ و بیعة ثانیة فی نج خذا ٭

و بیعة مبتدادر کذا خبریدر ٭ مثل هذا المتقدم فی کونها واقعة فی عام نب
مرقعندهدر ٭ و بیعة ثانیة مبتدا فی نج ظرف مستقر خبریدر ٭ الف خذا
اطلاقیهدر اخذدن امردر ٭ بو بیت ایکی لایحهیی متضمندر ٭ بیعهٔ عقبهٔ
اولی ٭ بیعهٔ عقبهٔ ثانیه ٭ بیعهٔ عقبهٔ اولی ٭ ینه ولادتک اللی ایکنجی سنهسی
حضرت برگزیدهٔ انام علیه الصلوة والسلام ٭ رسم قدیملری اوزره موسم حجده
قبائل عربی اسلامه دعوت ٭ و طریق مستقیم هدایت ایچون خارج مکه یه
تشریف ایتمشلرایدی ٭ بو دفعه انصاردن اون ایکی کسنه عقبهده حضرت
رسول اللهله مشرف اولوب اسلامه کلدیلر ٭ و بر وجه آتی فتح مکه کونی
نازل اولان بیعة النساء وفقی ٭ حبل المتین بیعتی منعقد ایلدیلر ٭ صورت
بیعتلری شرک بالله و سرقت و زنا و قتل اولاد ٭ و حال و استقبالده برکسنهیه

بهتان و افترا و امر شارعه عصیانه اجترا ایتمیوب ٭ و عسر و یسر و منشط
و مکرهده فرمان جلیله امتثال ٭ و حضرت پیغمبری نفسلری اوزره اختیار
ایلیوب ٭ و برمادهده اهل و اربابیله نزاع ایتمامک ٭ و هرحالده حق
سویلیوب صدق و صوابده لوم لائمدن اجتناب ایتمامک اوزره منعقد
اولمشیدی ٭ حضرت علیه السلام اکر سزلر بو عهده وفا ایدرسکز جنت
سزه میسر اولور ٭ اکر بونلردن برینک سترنده اولورسکز امری الله ذوالجلاله
مفوضدر ٭ مرادشریفلری اولورسه عفو و استرسه عقوبت ایدر دیو وردیلر ٭
بعدهاذن عالیلریله مدینه یه عودت ایدوب ٭ یوما فیوما مدینهده دین اسلام
شایع و نمایان اولمغه بشلدی ٭ امر نبویله اول سعدای اثنا عشردن اسعد بن
زراره نائل شرف اسلام اولان انصار کرامه جمعه نمازی قیلدررایدی ٭
تعلیم قران کریم ایتمک ایچون طرف نبویدن التماسلرینه مبنی مصعب بن عمیر
تعیین بیورلدی ٭ بیعهٔ عقبهٔ ثانیه ٭ ولادت باسعادتک اللی اوچنجی
سنهسنده ینه عادت علیهلری اوزره خارج مکه یه چیقوب قبائلی دعوته
مشغول ایکن ٭ ایام تشریفلک ایکنجی کونی انصاردن یتمش مرد و ایکی زن
شعب عقبهده خاکپای سعادت احتوای نبویله شرفیاب اولوب ٭ ابتدا
براء بن معرور مباشرتیله بو وجه اوزره بنیان مبایعته متانت ویردیلر که ٭
جناب رسول الله مدینه یه پرتو انداز اجلال اولدقلرنده ٭ عرب و عجم ایله
محاربه ایدرلرایسه معاونتلری باینده صرف نیروی مقدرت ایدوب اولاد
و ازواجلرنی حفظ و حمایت ایلدکلری حادثهدن ذات کریم الصفات نبوی یی
دخی صون و حمایت ایلیهلر ٭

ند هجرة بناء مسجد قبا ٭ فطیبة الجذع الاخا الاذآن با ٭

ند کلمهسی ظرفدر سکون خفتله ممنوع الظهور اولان فتحهٔ مقدره ایله
منصوب و محلا مرفوع مقدم خبردر ٭ هجرة الاصحاب ثم له مؤخر مبتدادر
بناء مسجد تقدیر عاطفله معطوفدر ٭ فطیبة کلمهسنده فا تعقیبیهدر ٭ فبناء
مسجد طیبة تقدیرندهدر ٭ طیبه اسم مدینهدر ٭ الجذع مقدر حنین
کلمهسنک مضاف الیهیدر ٭ حنین حذف عاطفله بناء اوزرینه معطوفدر ٭
الاخا وزن ایچون مقصوردر بو دخی عاطف مقدر ایله معطوفدر ٭ الاذان
مبتدادر ٭ با کلمهسی اصلی باء اولمغله جملهسی خبردر بودن مأخوذ ماضی در
رجع معناسنه وزن و قافیه ایچون قصر اولنمشدر ٭ بو بیتده التی لایحه
مندرجدر ٭ هجرت ٭ بنای مسجد قبا ٭ بنای مسجد مدینه ٭ حنین جذع
مواخات ٭ بدء اذان ٭ هجرت ٭ چون سنهٔ سالفهده کروه انصار حضرت

سید الابرار ایله بیعته متانت ویروب * حضرت علیه السلام دخی مدینه یه
هجرته قرار ویردیلر بو ماده کفار قریشدن مستور ایدی * ولادتك اللی
دردنجی سنه سی حلولنده اصحاب کرام حضراتی اذن سرور انامله متوالیا
هجرته مبادرت ایلدیلر * مکهٔ مکرمه ده انجق حضرت رسول الله وابوبکر
الصدیق وعلی بن ابی طالب جنابلری قالدی * بو کیفیت خذلهٔ قریشك
معلوملری اولیجق زنکبار درون مکروهلری پایمال خیل اندوه اولوب *
بو امر خطیرك تدارکی بابنده دار الندوه ده عقد انجمن مشورت ایلدیلر *
تهامیون طرفدار حضرت سید الابرار اولمغله * اول مجلس شیاطین
مجانسدن ممنوع اولدقلرندن ناشی * مکر و تلبیس لعین ابلیس جملهنك معلومی
اولان ابو مره نام پیر نجدی صورتنه متمثل اولوب * اول مجلسه حاضر اولدی
قدومنی ترحیب ایدوب مقدمات مشاوره یه اغاز ایلدیلر * بینلرنده قتی وافر
مقالات مزخرفه کذران ایدوب * عاقبت ابلیس لعین صوابدیدی اوزره
حاشا اول کلبن باغ افضالی بریدهٔ منشار زوال ایتمك اوزره قرار ویردیلر * اول
حالده حضرت جبریل نازل اولوب صورت شورای قریشی حضرت رسول
اللهه اعلام * وهجرته قیام ایله مأمور اولدقلرین افهام ایلدی * اخشام
اولدقده حاشا قتل رسول الله خصوصنه تعیین اولنان ملاعین بدایینلر
سعادتخانهٔ نبوی اطرافنه جمع اولوب * حضرتك نومنه مترقب اولدیلر
تا که خوابه واردقده مغافصة اوزرینه هجوم ایدهلر * حضرت علیه السلام
دخی جناب مرتضایی جامهٔ خوابلرنده جانشین بیوردیلر * حضرت
مرتضی جامه خواب رسول اللهه کیروب و باشنه بر بردهٔ سبز چکوب
بی پروا خوابه واردیلر * طریق حضرت نبویده ابتدا اجرای قاعدهٔ جانسپاری
ایدوب * نفس نفیس مصطفوی یه خریدار اولان حضرت کراردر * نته که
بو قطعه لرنده اشعار بیوردیلر

وقیت بنفسی خیر من وطی الثری * ومن طاف بالبیت العتیق وبالحجر
رسول اله خاف ان یمکروا به * فنجاه ذو الطول الاله من المکر

حضرت رسول الله دخی سعادتخانه لرندن چیقوب بر قبضه خاك اوزره
سورهٔ یس اولندن * وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا
فاغشیناهم فهم لا یبصرون کریمه سنه دك قرأت * و کفار خاکسارك باشنه
صاچوب اورته لرندن غار ثوره عزیمت بیوردیلر * بامره تعالی جمله سنك بصر
وبصیرتلری بند اولوب بر فرد حضرت روح عالمی کورمکه قادر اولمدیلر *
بر زماندنصکره خارجدن برکسنه سائرکتب سیر تعیینی اوزره * ابلیس

لعین صورت بشرده اول محله کلوب خواب غفلت سرکرانلرنی بیدار
ایلدکدنصکره * بو رادهکیه منتظر سز دیو سؤال ایلدی * انلر دخی
مترقب نوم حضرت محمد اولدقلرنی اشعار ایلدکده خنده زن استهزا اولوب
طپراق باشکزه یاصبانلغی تمام ایلدیکز حضرت پروردکاری شبههسزلری
خاکسار خیبت و خسار ایلدی * خدا حق محمد سزی پایمال ایدرك نسیم
سحر کبی کذر ایدوب حتی اوزریکزه صاچدیغی طپراق حالا باشکزده در
دیدی * انلر دخی باشلرك یوقلیوب واقف حال اولیجق حیرت و اضطرابله
حجرهٔ سعادته شتاب ایدوب حضرتی بولمیجق * دو دست تأسف وندامتله
مشت زن چهرهٔ ادبار و نکبت اولدیلر * مهمه * حضرت صاحب سعادتك
مدینه یه هجرتله مأموریتلری تشریف بقاع ظهوری حکمتنه مبنی اولوب
حتی امام مالك علیه الرحمه عندنده مدینه مکه دن افضل * وجسم مکرم
نبوی یه ملتصق اولان تراب اتفاق ائمهٔ کراملهٔ جمیع بقاعدن اشرف
واجل در * مکهٔ مکرمه ده برقرار اولدقلری صورتده اول خطهٔ منیفه
حضرت ابراهیم واسمعیل علیهما السلام * طرفلرینه استناد برله مسبوق
الشرف اولمغله * حضرت خیر الورا جانبنه اضافهٔ شرف مجاورت مکه دن
نشئت ایتمك وهمندن بشقه * تعلیق الحکم بالمشتقات یشعر بعلیة مأخذ
الاشتقاق ضابطه سی دخی معلومدر * بو مقالیه بعضلر بو وجه اوزره اعتراض
ایلدیلرکه * جامه ورد امقوله سی بعض نسخه لر واردرکه بدن رسول اللهه
مجاور اولوب * مع هذا ذکر اولنان افضلیتدن بی بهره در * بعض مشایخ
کرام اعتراض مرقومه بو اسلوب اوزره جواب ویردیلرکه * علت افضلیت
مطلقا ملاصقت اولمیوب بلکه اندن اخص اولان جزئیتدر * زیرا مأثوردرکه
مأمور سرشت انسانی اولان فرشته هر شخصك خاك طینتنی اوچ قسم
ایدوب * برینی سقوط نطفه دمنده رحم مادرینه وضع * وقسم ثانیسنی
مدت حیاتنده مواد تعیشنك منابتی اولان اراضی یه نشر ایدوب * دیکرنی
مدفنی اوله جق موضعه القا ایدر * پس اعضاء مکرمه لرینه ملتصق اولان
خاك روضهٔ مطهره وجود تابنا کلرندن جزء اولمغله * شرفیت بو جهتدن
منجلی اولمشدر * تتمهٔ هجرت * کذارش بذیر اولدیغی اوزره حضرت
سید الانام علیه الصلوة والسلام * شبهنکام کفار لئام اوزره طپراق صاچوب
میانلرندن بی پروا کذر و مقدما رأی * اصابت اثرلری اوزره * ابوبکر
الصدیق رضی الله عنه دخی اماده اولمغله رفاقتله غار ثوره تشریف ایلدیلر *
حضرت مرتضی امر سلطان الانبیا برله طرف رسول اللهده اولان بعض

امانات اصحابنه تسلیم ایتمك ایچون متخلف اولدیلر * كتب مطوله ده مبسوط
اولدیغی اوزره چند روز غار مزبورده مختفی اولوب * بعده سعادتله مدینه
طرفنه متوجه اولدیلر * مكه دن خروجلری اسلامیانك مسموعلری اولمغله
احراز شرف استقبال امیدیله هر صباح مدینه دن چیقوب حره نام محلده
توقف وقرار وراه مكه یه اجالهٔ دوربین نظر انتظار ایدرلر ایدی * تاب افتاب
كرمیت بولنجه ینه مدینه یه عودت ایدرلر ایدی * مكر بر یوم دی روز
تشریف محمودیده حصن مخصوصلری سطحندن اطرافه ارسال جاسوس
نكاه ایدركن * ناكاه بیاض جامه لر ایله حضرت رسول اللهی ركاب
مستطابنده اولان اصحابله طرف مكه دن تشریف ایدر كورد كده * رشتهٔ
تمالك الندن كیدوب یا بنی قیله هذا جدكم دیو فریاد ایلدی * بنی قیله دن
مراد اوس وخزرجدر * جد فتح جیله حظ ومطلوب معناسنه در * همان
اوس وخزرج سرور وشادمانی بر له جمله سی سلاحپوش اولوب استقباله
شتاب * وتقبیل ركاب شرف انتسابله اكتساب سعادت بیحساب ایلدیلر
موكب همایون محلهٔ قباده قبیلهٔ عمرو بن عوفه سایه سای عزت روزافزون
اولوب كندیلری متعینان عربدن كلثوم بن هدم خانه سنه نزول بیوردیلر
بنای مسجد قبا قبیلهٔ بنی عوفده اقامتلری هنكامنده قول صحیح اوزره
لمسجد اسس على التقوى من اول يوم احق ان تقوم فيه كریمه سنه مظهر *
ودولت اسلامیه ده اول بنا اولنوب * وپیشوای كروه اصفیا علیه اصفی
التحایا حضرتلرینك ابتدا علنا اصحاب كرامیله نماز قیلدیغی * مسجد قبا
بناسنه اساس افكن بنیان شروع اولوب * بعد الاتمام صحابهٔ كرامله
درونده صلوته قیام ایلدیلر * تحویل قبله ماده سنده مسجد مزبور تجدید
اولندی انشاءالله تعالی بیان اولنور * بناء مسجد مدینه * حضرت سلطان
الانبیا علیه افضل التحایا * چند روز قباده اقامت بیوردقدنصكره جمعه
كونی ناقهٔ خاصلرینه سوار اولوب مدینه یه توجهكار اولدیلر * ركاب
همایونده اولان یوز نفر اصحاب عز وعلا ایله صلوهٔ جمعه یی بنو سالم بن عوف
منزلنده ادا بیوردیلر * بعده ینه ناقه لرینه سوار اولوب داخل ازقهٔ مدینه
اولدقده ارخای زمام بیوردیلر * بیوت انصاره اوغرادقجه مهماندارلق
شرفنی احراز امیدیله ناقه نك زمامنه یاپشوب * تكلیف نزول ایلدكجه
تعرض ایلمكز ناقه مأموردر نزولمزه مشیت الهی متعلق اولدیغی منزلی بیلور
بیورمغین * انصار كرام كف ید ایدرلر ایدی * اول ناقهٔ انیقة الاطوار نظر انداز
یمین ویسار اوله رق خانهٔ ملك بن النجار پیشكاهنه كلوب * حالا معمور اولان

مسجد شریف نبوینك قپوسی محلنه چوكدی * بعده اول محلدن قالقوب
بر مقدار كیتدی تا كه ابو ایوب انصاری قپوسنه واروب انده چوكدی *
بعده اندن دخی قالقوب ینه اولكی محله چوكوب بو دفعه كردنی اوزادوب
صدا ایلدی * حضرت علیه السلام هذا المنزل انشاءالله تعالی بیوروب
اوزرندن نزول ایلدیلر * ابو ایوب انصاری زید بن حارثه ایله دوه اوزرنده اولان
اثوابی خانه سنه نقل ایلدیلر * حضرت علیه السلام دخی ابو ایوب خانه سنه
تشریف بیوردیلر * ابو ایوبدن مرویدر كه خانه مز فوقانیه وتحتانیه یی
مشتمل اولوب بن اهل وعیالمله طبقهٔ فوقانیه ده ساكن اولدیغم ایچون
حضرت علیه السلام تحتانیه ده قرار بیوردیلر * كیجه اولیجق زوجه م ام
ایوبه دیدم كه محفل شریف نبوی مهبط وحی وتنزیل اولمغله تحتانیه ده
تمكنلری بر وجهله مناسب دكل ایدی * علیایه هر وجهله بزدن احق
واحری در ام ایوب دخی تصدیق ایدوب صباحه قدر تأسف وندامتدن
كوزمزه اویقو كیرمدی * صبحدم حضور رسول اكرمه واروب كیجه
اوبو مدیغمزی نقل ایلدكدنصكره یا رسول الله سنی حق پیغمبر بعث ایدن
خدای ذوالمنن حقی تحتنده اقامت بیوردیغكز سقیفه ده ارام ایلم دیوب
ایتدیكم حسبیله حضرت سید جلیل قبول تحویل بیوردیلر * بدیعه *
تبابعهٔ یمندن تبع اول كه سیرد یكرلك تعیینی اوزره حمیر بن دروع ایدی *
بروقتده مدینهٔ منوره یرینه كلوب اول مقام لازم الاحترام هجرتكاه
سید الانام اوله جغی رئیس حكماسی اعلامیله معلومی اولدقده * انده
درتیوز حكما اسكان ایدوب وخاكپای رسول اللهه برقطعه ضراعتنامه
ترقیم ورئیس حكمایه تسلیم ایلدی * واقامتكاه رسول الله اولمق ایچون
برخانه بنا ورئیس مزبوری انده ایوا ایلدكدنصكره مقر سلطنتنه عزیمت
ایلدی * ع * رفت منزل بدیكری پرداخت * مداوله سیله خانهٔ مرسوم
رئیس مرقوم نسلندن ابو ایوبه منتقل اولمغله * حضرت رسول كندی خانهٔ
مخصوصه لرینه نزول بیوردیلر * بالجمله اهل مدینه اول درتیوز حكما نسلندن
متشعب اولدیلر * ومنقولدر كه خانهٔ بنی النجار مجموع خانهای انصارك
كزیده سی اولوب * ذكر اولنان مستناخ ناقهٔ رسول الله كه حالا مسجد شریف
بنا اولنان عرصهٔ منیفدر * بنی النجاردن كه اخوال عبد المطلبدر رافع
ابن عمروك اوغللری اولوب * معاذ بن عفرا حجرنده پرورده سهل وسهیل
نامان یتیملرك ملكی ایدی * حضرت علیه السلام خانهٔ ابی ایوبده یدی
آی ارام ایلدكدنصكره * اول یتیملری كتوردوب اكر بو خطیره یی

بیع ایدرسکز اشترا ایده لم بیوردیلر * انلرهبه صورتنی عرض ایلدکده
حضرت علیه السلام قبول بیورمیوب معاذ بن عفرا یی احضار ودکرندن
زیاده بها ایله خریدار اولدیلر * قیمتی اون التون اولمغله * اشارت علیه لریله
صدیق اکبر رضی الله عنه کندی مالندن ادا ایلدی * اول عرصه ده
بعض قبور کفار وبرقاچ اشجار اولمغله نبش وتنقیه واشجارلر قلع اولنوب
* زمینی تسطیح وتسویه اولندقدنصکره کفایت مقدار کرپیچ وکراسته
تهیئه واحضار اولنوب مسجد شریف بناسنه ابتدار اولندی * بالجمله
صحابهٔ کرام مقام خدمتده قیام ایلدیلر * هر بری بر کرپیچ کوتروب
عمار بن یاسر رضی الله عنه برنی کندی حصه سیچون ودیکرنی
حضرت رسول اللهه نیابتا ایکیشر کوترر ایدی * حضرت سید الابرار
عمل عمارک معرض قبولده درکار اولدیغنی بشارت وبدل اجرت اوله رق *
للناس اجر ولك اجران واخر زادك من الدنیا شربة لبن وتقتلك الفئة الباغیة
بیوردیلر * لاحقه * واقعه صفین وقعه سنده امام بالحق امیر المؤمنین
علی بن ابی طالب رضی الله عنه طرفنده بولنوب * روز شهادتنده الینه
برمشربه سود ویردیلر * سودی کورنجک خندهٔ سرور ایدوب حضاره
بو حدیث شریفی قرأت ایلدی * واول کون معاویه عسکرندن ابو العادیه
یدنده شهید اولدی * غریبدرکه مرقوم ابو العادیه * قاتل عمار فی النار
عبارتیله بر حدیث نقل ایدر ایدی * اول معرکه ده معاویه طرفنده بولنمغله
عمارک هدم عمارت عمری کندی یدیله واقع اولدی * تتمهٔ بنا * مسجد شریفک
قبله سی بیت المقدس جهتنده طرح اولنوب مؤخرنده محرابه مقابل برباب
وضع اولندی که خلق اندن مسجده داخل اوله لر * وبردخی باب الرحمه
وحجرهٔ خاصه دن ذات همایونلرینه مخصوص برباب دخی وضع اولنمغله
جمعا اوچ باب اوزره بنا وترصیف وجرید ایله تسقیف اولندی * جانب قبله دن
مؤخرینه قدر طولا یوز ذراع وعرضا دخی اول مقدار یاخود جزئی ناقص اولوب
اساس جدرانی اوچ ذراعه قریب ایدی * بعده بر جانبنه جذوع نخل وجرید
ایله مسقف حجرات علیه ترتیب اولنوب حضرت صدیقه ایچون بر حجرهٔ
سعادت وبر شارع وضع وسوده بن زمعه ایچون قبو طرفنده خانهٔ ذو النورین
ارقه سنده بر حجره طرح اولندی * ماحصل خاطر خواه رسول الله اوزره
مسجد شریف وخانهٔ منیف رسیدهٔ حدّ ختام اولدقده * بالعزّ والاقبال
خانهٔ ابی ایوبدن نقل وارتحال بیوردیلر * مقدمجه زید بن حارثه ایله
غلاملری ابو رافعی مکه ده توقیف اولنان کریمهٔ مکرمه لری حضرت فاطمة

الزهرا وام کلثومی وام المؤمنین سوده بنت زمعه واسامة بن زید وام ایمن
حضراتنی کتورملک ایچون ارسال بیورمشلر ایدی * اول خلالده مصحوبا
بالسلامه ورود ایلدیلر * حنین جذع * مسجد شریف تکمیل اولوب
حضرت امام محراب اسلام علیه الصلوة والسلام * صلوة پنجکانه یی
درونده اصحاب کرامله ادایه قیام بیوردیلر * خطیره ده بر قطعه شاخ
خرما اولمغله جمعه لرده اکا اتکا ایدرک خطبه قرأت ایدرلر ایدی * اثنای
قیامده قدم مکرملری رنجیده اولمغله امر عالیلری اوزره اوچ قدمه بر منبر
طرح اولنوب حالا پایدار اولان محله وضع ایلدیلر * وقتاکه خطیب منبر
لاهوت * علیه الصلوة مادام الناسوت حضرتلری ابتدا اول منبر اوزرنده
خطبه یه مبادرت بیوردقلرنده * اول شاخ خرما عاشق هجر اندیده اسا
نالان اولمغله * حضرت علیه السلام منبردن اینوب در اغوش بیوردقلرنده
ناله واضطرابی ساکن اولدی * عجیبه * بو مناسبتله انسان العیون مؤلفی
نقل ایدرکه اعجب منابر مساجد عالم * تختگاه مملکت اندلس اولان قرطبه
جامعینک منبریدرکه * اخشابی ساج وآبنوس وعود قاقلی در *
یدی معمار بدیع الآثار متصل یدی سنه بناسی خصوصنده درکار اولدیلر *
هر برینه یومیه یارم مثقال التون اجرت ویریلور ایدی * وجامع مرقوم
درونده بر مصحف شریف ایچره حضرت عثمان رضی الله عنه خطیله
درت ورق اولوب جابجا انلرده خون مظلومانه سی حالیا نابتدر * واول
جامعده یکپاره قرمزی مرمردن مصنوع اوچ ستون عظیم واردر * برنده
قلم قدرتله اسم محمد ودیکرنده صفت موسی وعیسی واصحاب کهف مرقوم
واوچنجیسنده صورت غراب نوح علیه السلام مرسومدر * وبعض ثقاتدن
مسموعدرکه قاهرهٔ مصرده بر جامعده بر سنک خارا اوزرنده خلقةً یعنی قلم
قدرتله بسملهٔ شریفه بی کلفت قرأت اولندیغی مشهود لری اولمشدر * اخا *
وسنهٔ مزبوره ده حضرت سید الکائنات علیه افضل الصلوات امریله *
کروه مهاجرین وانصاردن قرق بشر کسنه میاننده حالت عسار ویسارده
حق اوزره مظاهرت ومواسات ایتملک اوزره عقد مواخات اولنوب * حتی
غزوهٔ بدر عقبنده واولوا الارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله کریمه سی
نازل اولنجه * اخوهٔ نسبیه کبی بینلرنده حکم توارث دخی جاری اولدی *
لا بحه بدء اذان * حضرت پیغمبر ذیشان مقدما لیلهٔ معراجده اذان شریفی
آسمانده استماع بیوروب * لکن تلقینه حل بیورلمامغله مسکوت قالمشیدی
هجرتدنصکره بحمده تعالی روز بروز صفوف صفوف موحدین متزاید

اولوب * اقتضای بعد دارایله و بعضلر دخی حلول وقتدن اکاه اولمامغله
حضور رجاعتدن محروم قالمغین * حضرت امام المسلمین اعلان صلوة ایچون
بر علامت تعیینی ضمننده اصحاب کرامله مشاوره بیوردیلر * بعضلری بوری
چالنسون تا که خلق ایشیدوب جمع اوله لردیدی یهوده مشابهتی اولوردیو
قرین سمع قبول بیورلمدی * وبعضلر ناقوس چالنمغی رأی ایتمکله انده دخی
نصارایه مشارکت هجنتی اولمغله اکا دخی توجیه سامعهٔ اعتبار بیورلمدی *
وبعضلری آتش یاقمغی مناسب کوروب مجوس آیینی اولدیغندن اکا دخی
رضا کوستورلمدی * خلاصه برراینده قرار داده اولیوب باذنه تعالی
اول کیجه عبدالله بن ثعلبه رؤیاسنده برکسنه کوروب اول کسنه
وقت صلوتده برمرتفع محله چیقوب بو بلجه ندا اوانسه مناسبدر دیو
متعارف اولان اذان شریفی واقامتی تعلیم ایلدی * صباح اولدقده
حضرت رسول اللهه عرض ایدوب رؤیای صالحه دردیو بلاله تعلیمه
امر بیوردیلر * بو واقعه نك عینینی لیلهٔ مرقومه ده حضرت ابو بکر وعمر
وبعض اصحاب کرام دخی مشاهده ایلدیلر *

* تم رباعی الصلوة حضرا * خدمت انس لبید سحرا *

تم کلمه سی تمامدن فعل ماضی در * حضرا فی الحضر تقدیرنده در * خدمة
انس * وفیها کانت خدمت انس تقدیرنده در * لبید مبتدا سحر جمله سی
خبردر * الیٰ اطلاقیه در * بو بیتده اوچ لایحه مندرجدر * تمام رباعی
صلوة * خدمت انس * سحر لبید * تمام رباعی صلوة * صلوة پنجکانه
ایکیشر رکعت مأمور اولوب سنهٔ مرقومه ده ایام حضرده ظهر * وعصر
وعشایه * ایکیشر رکعت دخی ضم وزیاده * وهنکام سفرده دفعا للحرج
حال اصلیسی اوزره ابقا اولنمق بابنده فرمان الهی صادر اولدی * صلوة
فجرده کلفت طول قرأت اولوب صلوة مغرب ایسه وتر نهار اولمغله اصل
فرموده اوزره ابقا بیورلدی * ظهر * وعصر * وعشاء مطلق دردر رکعت
مفروض اولوب بعده دفعا للحرج مسافردن شطری اسقاط اولندیغی *
دخی مرویدر * ابن عباس رضی الله عنهمادن حضرده درد رسفرده ایکیشر
مشروع اولدیغی ثبت براعهٔ ثقات روات در * خدمت انس بن مالك *
رضی الله عنه چون سلطان الانبیا علیه اجمل التحایا حضرتلری سعادتله *
مدینه یه تشریفلرنده رجال ونساء انصار حسب المقدار خاکپای سید
الابراره پیشکشلر تقدیم ایدوب * حضرت انسك آنه سی بغایت تنکدست
اولمغله اول خدمتدن محروم اولمغین * برکون همان انسك الندن طتوب

حضور رسول اللهه کلدی * هذا یخدمك یا رسول الله تعبیریله انسی خدام
سدره مقام کروه پرشکوهنده مظهر انتظام ایلدی * سحر لبید * چون
بتوفیق الله تعالی ساعت بساعت افتاب ملت بیضا افاق واقطاره شعشعه
بخشا اولمغله * یهود مردودلك کانون درونلرنده اتش حسد شعله نمون اولوب
زعملرنجه طرف ارجمند حضرت سید البشره ایصال کزند وضرر داعیه سنه
دوشمکله * بقعهٔ شرده کمرباشی ایدی * بازئ فتنه ده ارباشی ایدی *
مضمونی ماهیت وارونی اولان لبید بن اعصم یهودی * بروتری افسون
ایدرك اون بربندن منعقد ایدوب هر عقده سنه برقاج سوزن غرز ایدنصکره
برکهنه کوره دفن بعده قبرو بئر روایتلرین توفیق ایچون انسان العیون
صاحبنك تحریری اوزره اول کوردن چیقاروب بئر زروان ایچره برطاش
التنه وضع ایلدی * بامره تعالی وجود شریف سلطان الانبیا متأثر اولوب
بعض ایشلمدیکی افعال مرأت متخیلهٔ علیه ده صورت فعلده نمودار اولمغه
بشلدی * برکون جبریل امین اون برایتی مشتمل سورهٔ معوذتینله نازل
اولوب کیفیت سحر وساحر ومدفنی اخبار ایتمکله * حضرت رسول الله
دخی جناب مرتضایی ارسال بیوروب اول وتری محلندن اخراج وحضور
شریفلرینه ایراد ایلدی * هر برایت کریمه اوقندقچه برعقده منحل اوله رق
جمله سی انحلال بولدقده وجود سعادت اشتماللری قیدکراندن رها بولمش
کبی کسب خفت وانبساط ایتمکله مسترح البال اولدیلر * اول خلالده
برطرفدن جبریل علیه السلام دخی * بسم الله ارقیك والله یشفیك
من کل داء قیلك دعاسیله مباشر خدمت رقیه خوانی ایدی *

* بنی علی عائشة واسلما * ابن سلام وقتال علما *

بنی کلمه سی دخول علی الزوجه معناسنه اولان بنادن ماضی معلومدر *
ضمیر رسول اکرمه راجعدر الف اسلما اطلاقیه در * عبدالله بن سلام فاعلیدر
وقتال کلمه سی قتال اهل الکتاب والمشرکین تقدیرنده در * علما ماضی
مجهولدر الیٰ اطلاقیه در * بو بیتده اوچ لایحه مندرجدر * زفاف عائشه
اسلام عبدالله بن سلام * امر جهاد * زفاف عائشه * رضی الله عنها مقدما
تحریر اولندیغی اوزره * حضرت صدیقه رضی الله عنها مکهٔ مکرمه ده منخرط
سلك امهات مؤمنین اولوب صغر سنلری سببیله امر زفاف تأخیر اولنمشدی
مشار الیها السانندن مرویدرکه برکون فخر عالم حضرتلری خانه مزه تشریف
بیوروب ورجال ونسوان انصاردن جمع کثیر کلوب مجتمع اولدیلر * بن اول
اثناده ایکی نخله یه مربوط برصالنجقده آسودهٔ بستر راحت اولمشیدم *

مادرم كاوب بنى صالحجقدن اندردى وصوايله يوزمى سلوب بنى حضرت
رسول الله اولديغى حجره قپوسنه قدر كتوردى * آنده خفقان قلبمه سكون
كلنجه توقيف ايدوب بعده درون حجره يه ادخال ايلدى * كوردمكه اول
شهريار كشور رسالت بر سرير اوزره جالس * ومجلسلرنده انصاردن جمع
كثير مجالس اولوب صحبت ايدرلر * مادرم بنى حجر عاليلرينه اجلاس ايدوب
هؤلاء اهلك فبارك الله لك فيهم وبارك لهم فيك تعبيريله دعا وتهنيه
ايلدكدنصكره باجمله چيقوب كتديلر * اسلام عبد الله بن سلام * يهود
علماسندن عبد الله بن سلام كه سلسلهٔ نسبى حضرت يوسف عليه السلامه
پيوسته * ورشتهٔ نسبتى بنوقينقاعه وابسته در * حضرت رسول الله عليه
الصلوة الاله * خانهٔ ابى ايوبه شرفبخش قدوم اولدقلرى كون حضور عاليلرينه
كلوب مطلع انوار اسرار رحمانى اولان پيكر نورانئ نبوى يه امعان نظر
ايلدكده * هذا الوجه ليس بوجه كذاب ديوب همان مسلمان اولديلر * مقدما
اسمى حصين اولوب شرفند اسلام اولدقده حضرت عليه السلام عبد الله ايله
تسميه ايلديلر * لاحقه * انس بن مالك رضى الله عنه روايت ايدركه عبد الله
ابن سلام حضور سيد الانامه كلوب اوچ سؤالم وار در جواب ويررسكز ايمانه
كلورم ديدى * حضرت عليه السلام دخى سويله بيورديلر * ابن سلام
اولا ولد كاه پدره وكاه مادره مشابه اولمغه سبب ندر * ثانيا اهل جنتك ابتدا
طعامى ندر * ثالثا اقدم علايم قيامت ندر ديدى * حضرت مشكل كشا
عليه اشكل التحايا بيورديلركه * اكر ارادملك منيسى اول نازل اولورسه
ولد پدره مشابه اولور * واكر عورتك اول نازل اولورسه مادره مماثل اولور *
واهل جنتك ابتدا تناول ايدجكلرى طعام حامل ارض اولان بالغك جكرى
پارهسيدر * واقدم علايم قيامت طرف مشرقدن برآتش ظهور ايدركه
خلايقى مشرقدن مغربه سورر * بيوريجق عبد الله بن سلام بى تردد اسلامه
كلدى * بعده يا رسول الله طائفهٔ يهود بغايت مفترى بلردر بنم اسلاممدن آكاه
اولورلرسه حقمده نيجه افترا ايده لر نياز ايدرمكه * بنى بر محلده اخفا ايدوب
احبار يهودى احضار وبنم حالمدن استفسار بيوره سز ديدى * حضرت عليه
السلام دخى احبار يهودى كتوردوب ابن سلامك حال وشاندن استعلام
بيوردقده جمله مزك اعلم وافضلى ديدرى دخى پدرلرمزدن اعلم وافضل
ايدى ديديلر * حضرت عليه السلام باشعدى مسلمان اولورسه نه ديرسز
بيوروب انلر حاشا كه اول مسلمان اوله ديديلر * پس امر رسول الله له عبد الله
وراى پردهدن ظهور وعلنا كلمهٔ شهادتى قرأت ايلدكدنصكره * اى كروه

يهود نيچون ايمانه كلمزسز معلوم مكز دركه بو ذات جليل الخطر * اول پيغمبر
منتظر دردیدى * طائفهٔ يهود بو سوزى ايشيدنجك سن كذب ايدرسن
ايچمزده سن اجهل اوغلى اجهل وشر براوغلى شر برسن ديديلر * عبد الله
يا رسول الله بن سزه مقدمجه بونلر مفترى بلردر ديديكم بو ايدى ديوب اول كروه
مكروهى طشره سورديلر * امر جهاد * سرور پاكيزه نهاد عليه الصلوة
الى يوم التناد حضرتلرى امر نبوتدن اون سنه دخى زياده جه همان خلقى
انذار ايله دعوته مشتغل * وفاصبر واعرض عنهم امرلريله مكهده عربك
ومدينهده يهود بدمذهبك قولا وفعلا اذا وستملرينه محتمل اولوب * نزاع
وجدالدن مجتنب وفتح مبين وعدينك ظهورينه مترقب ايديلر * حتى مكهده
اولدقلرى اثناده بعض اصحاب كرام مشت اذاى كفار لئامله برزده وخنجر
جفاى قريش ضلالت اتسام برله زخم خورده حضور عاليلرينه كلوب
دادخواه اولدقچه * برمقتضاى حكمت الحالة هذه قتالله عدم
مأموريتلرين افاده ايدرلرد ستمال تسليتله اشك ديدهلرين ماليده بيورر ايدى
وخصوص جدال بمثدن زياده ايات كريمه ايله ممنوع ايدى * تا كه امر
رسالت مستقر اولوب اتباع وانصار رسول اللهده غلبه وانبوهى * نمايان *
وقلوب اسلاميانده مهر ومحبت محمدى ابا واولاد وازواجلرى اوزره غالب
اولديغى عيان * واهل كفر وعدوان پايندهٔ مقام اصرار طغيان اولدقده *
ثانيهٔ هجريهنك صفر الخيرنده اذن للذين يقاتلون بانهم ظلموا وان الله على
نصرهم لقدير * كريمه سيله غزو وجهاده اذن الهى صادر اولوب لكن
فان قاتلوكم فاقتلوهم حكم متضمن الحكمى موجبنجه * مادام طرف كفار
لئامدن * اغاز مقاتله وخصام اولنمدقچه شمشير اهل اسلام درنيام اولنشيدى
تا كه عرب يكباره اهل اسلامه عداوتلرين اعلان واشاعت * وطرف طرف
اعدام كروه موحدينه بذل مقدرت ايدوب * حتى اهل اسلام صبح وشام
ميانلرندن سلاحلرين چوزميوب ايا بركيجه اولورمى كه مخلوق طرفندن
توحشمز برطرف اولوب همان قلوبمزده خوف الهى قاله ديو تمنا ايدرلر ايدى
براى تسليت وعد الله الذين آمنوا منكم وعملوا الصالحات ليستخلفنهم
فى الارض كما استخلف الذين من قبلهم وليمكنن لهم دينهم الذى ارتضى لهم
وليبدلنهم من بعد خوفهم امنا كريمهسى نازل اولدى * بعده فاذا انسلخ
الاشهر الحرم فاقتلوا المشركين كريمهسى اوزره * رجب وذو القعده وذو الحجه
ومحرمدن عبارت اولان اشهر حرمدن ماعدا * ازمنهده عموم كفار ايله
مقاتله يه رخصت ربانى صدور ايليوب بعد فتح المكه اشهر حرمده اولان

حکم فیصل شرط زماندن مطلق نص محکم وقاتلوا المشرکین کافة برله منسوخ العمل اولمشدر * دستور مسطور اوزره امر قتال کافهٔ ازمنه یی مستوعب اولدیغی کبی حرم شریفدن ماعدا جملهٔ ازمنه یی دخی * محیطدر نهایة الامر روز فیروز فتح مکه ده وقت ضحادن زمان عصره قدر رخصت صادر اولوب * بعده الی یوم القیام ینه حرمتی عائد و بردوام اولدی * مهمه برسفر فیروزی اثرده ذات سید الکائنات علیه الصلوات موجود ایسه اکا غزا اطلاق اولنور * واکر ذات شریفلری موجود اولمیوب طرف عالیلرندن تعیین بیوریلان عسکر اوج نفردن ناقص اولور ایسه * بعث واوجدن زیاده اولورسه سریه ایله تعبیر اولنور *

وحمزة عبیدة وابن ابی * وقاص قد سروا غزا الابوا النبی *

وحمزة مبتدادر عبیدة تقدیر عاطفله معطوفدر * وابن ابی وقاص اتزان ایچون غیر منصرف قیلندی * قد سروا جمله سی خبردر * ابوأ فی الاصل ممدوددر وزن ایچون قصر اولندی * النبی غزا فعلنک فاعلیدر مفعولی مقدم الابوأدر * بو بیتده درت لایحه مندرجدر * سریهٔ حمزه * سریهٔ عبیدة * سریهٔ ابن ابی وقاص * غزوهٔ ابوأ * سریهٔ حمزه * بن عبد المطلب رضی الله عنه کذارش بذیر اولدیغی اوزره سنهٔ مرقومه ده که ولادت باسعادتک اللی دردنجی سنه سیدر جهاد ایله امر اولنوب کفار ایله قتاله رخصت ویرلمکله * سنهٔ مزبوره رمضاننده فاتح میدان شجاعت * شیر بیشهٔ شهامت * عم نبی غالب حمزه بن عبد المطلب رضی الله عنه * مهاجریندن اوتوز نفر دلاور ایله طرف شامدن عزم جانب بیت الحرام ایدن قریش کاربانی نهب وغارت ایتمک ایچون تعیین بیوریلوب * ارض جهینه دن ساحل بحرده تلاقی فئتین وقوع بولدی * حشرات دشمن اوجیوز نفر اولوب ابو جهل لعین دخی خبث نفس کبی درون قافله ده ایدی * طرفیندن ترتیب صفوف اولنوب جنکه مباشرت اولنمق اوزره ایکن مجدی بن عمرو جهنی حائل اولوب * طریقهٔ مصالحه ایله اهل اسلامی مدینه یه وقافله یی مکه یه ارسال ایلدی * بو سریه اصحابی جمله مهاجریندن ایدی * انصار کرام مقدما بیعتلرنده ذات حضرت سید الابراری دارلرنده یعنی مدینه ده نکهدار اولمق اوزره قول وقرار ایتملریله * غزوهٔ بدره قدر برانصاری معرکهٔ جهاده حاضر اولمغه اذن رسالتشعاری صدور بولمدی * سریهٔ عبیدة بن حارث * رضی الله عنه سنهٔ مزبوره شوالنده شیخ المهاجرین ابن عم سید المرسلین * عبیدة بن حارث التمش نفر مرد جنکاور اوزرینه سرعسکر تعیین * وید بیضاء سلطان

الانبیا ایله معقود لوای سفید سعادت التوا مسطح بن اثاثه نک ید اقتدارینه تسلیم اولنوب * بر مهم ایچون مکه دن چیقان مخاذیل مشرکین اوزرینه ارسال بیورلمغله * بطن رابغ نام محلده تصادف ایلدیلر * انلار ایکیوز کمسنه اولوب سرکرده لری ابو سفیان ایدی تقابل صفین واقع اولوب کذلک بونده دخی مقاتله اولمدی * انجق سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه طرف کفاره بر قاچ اوق اتوب عودت ایلدیلر * جانب کفاره اول اوق اتان سعد بن ابی وقاص حضرتلری اولمشدر * سریهٔ سعد بن ابی وقاص * رضی الله عنه سنهٔ مرقومه ذی القعده سنده قریش کاربانی نهب ایچون مهاجریندن یکرمی نفر مرد پرجکر اوزرینه سعد بن ابی وقاص حضرتلری سردار نصب ولوای بیضای اسلام مقداد بن اسودک دست اهتمامنه تسلیم اولنوب * طی مراحل ایدرک مأمور اولدقلری قرای حجازیه دن جحفه قربنده خای معجمه ورای مهملتین مشددة الاولی ایله خرار نام وادی یه نازل اولدقلرنده * بر کون اول قافله مرور ایتمش بولنمغله مدینه یه عودت ایلدیلر * غزوهٔ ابوأ ابوأ میانهٔ مکه ومدینه ده بر قریه اسمیدر * بو غزوه یه غزوهٔ ودان دخی دیرلر فتح واو وتشدید دال مهمله ایله ابوایه التی میل مسافه ده بر قریه در * سنهٔ مرقومه صفر الخیرنده قریش کاربانی وقبیلهٔ بنی ضمره یی تاخت وتاراج نیتیله حضرت رفیع الجناب بالذات متحمل کلفهٔ رکاب اولوب * سعد بن عباده یی مدینه ده استخلاف وکندیلری التمش نفر مهاجرین شجاعت اتصافله سوار ولوای بیضا دوش حمزه ده پرتوشار اولدیغی حالده متوجه سمت کارزار اولدیلر ابوأ نام محله وصوللرنده کاربانیاندن کمسه کورلمیوب سرکردهٔ بنی ضمره مجدی بن عمرو الضمری موکب همایونی استقبال * وخاکپای اجلاله فرش جبین ابتهال ایلدکدنصکره * من بعد اعدای دینه اعانت ایلمیوب واقتضا ایتدکجه خدمتده بولنمق اوزره صلحه طالب اولمغله * اشارت علیه ایله بر قطعه اماننامه ترقیم ویدنه تسلیم اولندی * صورتی بودر * بسم الله الرحمن الرحیم هذا کتاب من محمد رسول الله لبنی ضمرة انهم آمنون علی اموالهم وانفسهم وان لهم النصرة علی من رامهم الا ان یحاربوا فی دین الله ما بل بحر صوفة وانه اذا دعاهم الی نصره اجابوه علیهم بذلک ذمة الله وذمة رسوله ای امانهما

* فی نه غزا بواط والعشیرا * وبدرا الاولی ابن جحش قد سرا *

فی نه غزا فعلنه متعلقدر فی الخامسة والخمسین موقعنده در * بواط ضم بای موحده وتخفیف واو ایله جبل ینبع اسمیدر * عشیرا عین مهمله وشین

معجمه ایله بنیهٔ تصغیر اوزره در * بعضلر سین مهمله وها ایله عسیره ضبط ایلمشدر
اولدخی ینبع ناحیه سنده بر محل اسمیدر که انده بنو مدلج قبیله سی متمکن
اولور * بو بیت درت لایحه یی مشتملدر * غزوهٔ بواط * غزوهٔ عشیرا * غزوهٔ
بدر اولی * سریهٔ عبدالله بن جحش * غزوهٔ بواط * ولادتك اللی بشنجی
سنه سی که ثانیهٔ هجریه در شهر ربیع الاولنده واقع اولمشدر * صورتی
بودر که امیه بن خلف سرکرده اولدیغی یوز نفر قریش کاربانك بر بار ایکی
بیك بشیوز شتر رهوار ایله طرف شامدن متوجه بیت الحرام اولدقلری
خبری واصل سمع سید البشر اولمغین * یوند مهار تسخیر ایلمك نیتیله ایکیوز
مهاجرینله تحریك مهمیز استعجال یوریلوب سائب بن مظعون * متولی
خلافت عظمی * وسعد بن ابی وقاص حامل لوای بیضا اولدی * بواط نام
مقام مرکز رایت ثریا نظام اولدقده کاربانیان مقدمجه کذران ایتمش بولنغله
منزل مزبوردن صوب طیبه یه امالهٔ لجام یورلدی * غزوهٔ عشیرا * قریش
طائفه سندن حویطب بن عبد العزادن ماعدا رجال ونسوان کندی بینلرنده
مامللك تعبیر اولنان بیك مهار شتر رهوار * واللی بیك عدد دینار جمع ویکرمی
یدی کسه یه ابوسفیانی پیشوا نصب وتجارت ایچون طرف شامه ارسال
ایلدکلری خبری واصل سمع صفوتلمع نبوی اولدقده * ابوسلمه بن
عبد الاسدی مدینه ده مباشر خدمت خلافت ایدوب مهاجریندن یوز اللی
نفر مرد جلادت کهر ایله عزم سفر یوردیلر * اوتوز راس دوه استصحاب
اولنمغله معتقبا سوار اولورلر ایدی * وعلم عالمستان سپید کون دوش حضرت
حمزه ده شعشعه نمون اولوب عشیرا نام محله وصوللرنده کاربانیان مرور
ایتدکلری معلوم معالی‌عصور نبوی اولیجق * محل مرقومده متوطن بنو
مدلج ایله مصالحه اولنوب بنو ضمره یه اعطا اولنان امانامه کبی انلاره دخی
برقطعه امانامه اعطا اولندقدنصکره جانب مدینه یه مراجعت اولندی
غزوهٔ بدر اولی * غزوهٔ عشیرادن تقریبا اون کون مرورنده کرز بن جابر
فهری چراگاه مدینه ده رعی وچرایدن سوائمی غارت ایتمکله * زید ابن
حارثه متکا کزین خلافت اولوب لوای بیضا سایه سای دوش مرتضا اولدیغی
حالده * حضرت سید الابرار مهاجریندن برجمله کرز بن جابر اردنجه
الغار یوردیلر * نواحی بدردن فتح سین مهمله وسکون فاء یاخود فتح فا ایله
سفوان نام وادی یه قدر واریلوب اول شقی بدکاره ایرشمك ناممکن اولمغله انده
عنانکش ارام وطرف طیبه یه امالهٔ لجام یورلدی منتهای سیر وسفر ناحیهٔ
بدر اولمغله غزوهٔ سفوان تسمیه اولندیغی کبی بو غزویه غزوهٔ بدر اولی دخی

دینلمشدر * بدر کبری وبطشهٔ کبری اولان بدر ثانیه یه وبدر موعد اولان
بدر ثالثه یه نسبتله اولی ایله توصیف اولندی * سریهٔ عبدالله بن جحش *
سنهٔ مزبوره رجب المرجبنده عبدالله بن جحشی سردار ایدوب مهاجریندن
سکز نفر مرد مقدامله قریش کاربانی ورودنده نهب وغارت ایتمك ایچون
مکه یه برمرحله مسافه بطن نخله یه ارسال بیوردیلر * محل مزبوره
وصوللرنده طائف طرفندن کلور قریش قافله سنه تصادف ایلدیلر * بو کاری
زبیب ایله طائف سختیانی اولوب سرکرده لری عمرو بن حضرمی ایدی
اول کون رجبك سلخی اولوب حرمت اشهر حرم هنوز باقی اولمغین تعاطی
امر قتال اولسه هتك حرمت لازم کلور * اعمال ادوات جدالدن کف ید
اولنسه داخل حرم اولملریله غنیمت فرصت غنایم فوت اوله جغی درکار اولمغله
بر مقدار تردد اولندقدنصکره * یکبار اول شیران بلنك شکار کرازان کفار
بدکردار اوزرینه هجمهٔ رستمانه ایدوب * اثنای معرکه ده عمرو یی قتل وعثمان
ابن عبدالله وحکم بن کیسانی اسیر وجملهٔ مال متاعی آوردهٔ قبضهٔ تسخیر
ایدوب مدینه طرفنه عودت ایلدیلر * اهل اسلامك ابتدا ظفریاب اولدقلری
بو غنیمتدر شهر حرامده بو کاره اقدام اذن سرور انامله اولمامغله اصحاب سریه
مظهر نوازش اولمیوب * بلکه مقرع مقمعهٔ سرزنش اولدیلر * وتوزیع
مال واسیر غزوهٔ بدر کبری غنائمی تقسیمنه قدر مطروح کوشهٔ تأخیر یورلدی
مشرکین مکه بو قضیه دن خبردار اولدقلرنده حضرت محمد حرمت شهر
حرامه رعایت ایلمیوب قتال وغصب اموال ایلدی دیو جانب اسلامیانه
سنك انداز طعن وتشنیع اولدیلر * اصحاب سریه بو خصوصده نادم
وعقوبت الهیه ظهوری خوفیله حائر وسادم ایکن * یسئلونك عن الشهر
الحرام قتال فیه قل قتال فیه کبیر وصد عن سبیل الله وکفر به والمسجد الحرام
واخراج اهله منه اکبر عند الله والفتنة اکبر من القتل * کریمه سی نازل اولنجه
متسلی ومنبسط اولدیلر * عبدالله بن جحش حضرتلرینك لسانلری اچیلوب
بو نشیده یی انشاد ایلدیلر *

* تعدون قتلا فی الحرام عظیمة * واعظم منه لو یری ذا الراشد *
* صدودکم عما تقول محمد * وکفر به والله راء وشاهد *
* سقینا من ابن الحضرمی رماحنا * بنخلة لما اوقد الحرب واقد *

ناچار کفار خاکسار اسیرلری اولان حکم وعثمان ایچون فدیه ارسال ایدوب
حکم بن کیسان طوع ورغبت جنانله مسلمان اولمغله مدینه ده قالدیلر *
تا که بئر معونه ملحمه سنده شهید اولدیلر * اما عثمان مکه یه کیدوب عاقبت

کفر وطغیانله عازم نیران اولمشدر *

* بنا علی کنیته کقبلة * صوم زکوة فطرة تضحیة *

بنا کلمه‌سی وزن ایچون قصر اولندی مبتدادر * علی کلمه‌سنده کذلك
تخفیف اولندی * کنیته تقدیر عاطفله معطوفدر * کقبلة کتحویل قبلة *
فی وقوعهما فی هذه السنة تقدیریله خبردر * صوم * وزکوة * وفطرة *
وتضحیة * دخی حذف عاطفله معطوفلردر * بو بیتده یدی لایحه مندرجدر
تزوج علی بن ابی طالب * وضع کنیة علی بن ابی طالب * تحویل قبله *
فرضیت صوم * فرضیت زکوة * مشروعیت فطره * مشروعیت تضحیه
تزوج علی بن ابی طالب * رضی الله عنه سنهٔ مزبورده که ثانیهٔ هجریه‌در
حضرت مرتضایه حضرت زهرا رضی الله عنها نکاح اولنمشدر * حضرت
مرتضانك اول وقتده عمرندن یکرمی بر وحضرت زهرانك اون بش سنه
وبش بچق آی کذران ایتمشیدی * وفات زهرایه قدر اوزرینه زوجهٔ دیکر
کتورمدی * مرویدرکه حضرت مرتضی هزار شرم وحیا ایله بالذات
حضور سرور کائناتده اختطاب زهرایی مناسبت ایلدکده قرین قبول
اولوب * قابل صداق اوله جق دستمایه‌دن استنطاق بیوردیلر * حضرت
مرتضی دخی براسب واشتره مالك اولدیغنی اعلام ایلدکده غزا ایچون اسبك
لزومنی اشعار ایله شترك بیعنه اشارت بیوردیلر * بعد البیع ثمنی اولان درتیوز
سکسان درهمی کتوروب تسلیم ایلدکده حضرت رسول الله اول مبلغی حجر
عالیلرینه وضع واندن برقبضه آلوب طیب اشترا ایتمك ایچون بلاله اعطا
ایلدیلر * اکمال مهامدنصکره حضور اصحاب کرامده عقد نکاح بیوروب
تجهیزی خصوصنه امر بیوردیلر * حضرت مرتضادن مرویدرکه بزم
ایچون پشم ایله آکنده برفراش ولیف خرما ایله محشو ادیمدن بر یصدق
ترتیب اولنوب حضرت زهرا ایانکه کلدکده قدومنه منتظر اوله‌سن دیو امر
بیوردیلر * بعده حضرت زهرا ام ایمن ایله کلوب خانه‌نك برطرفنده وبندخی
برطرفنده قعود ایلدك * برزماندنصکره حضرت رسول الله تشریف
ایدوب ام ایمندن قرنداشم بونده میدر دیو سؤال بیوردیلر * اولدخی بونده‌در
کریمه‌کزی اکا تزویج بیوردیغمز دیو استفسار ایلدکده حضرت فخر عالم
دخی نعم بیوردیلر * بعده ایچرو کیروب فاطمه‌دن برمقدار صو طلب بیوردیلر
فاطمه دخی برچناق ایله صو کتوروب اول صویه مج ایلدکدنصکره فاطمه‌یه
تقدمله امر بیوروب * اللهم انی اعیذها بك وذریتها من الشیطان الرجیم
دعاسیله تعویذ ایدرلك اول صویی فاطمه‌نك طرف قدامنه وفرقنه دوکدیلر

بعده ارقه‌سنی دوندروب میانهٔ کتفینه‌ده دوکدیلر * بکا دخی امر بیوروب
بشکاهنه متولده فاطمه‌یه اولان معاملهٔ حرز وتعویذ بکا دخی ارزانی
بیورلدقدنصکره ادخل باهلك باسم الله والبرکة امر شریفیله رخصتنمای
خلوت اولدیلر * کنیهٔ علی بن ابی طالب * کرم الله وجهه برکون حضرت
سلطان الانبیا خانهٔ زهرایه تشریف ایدوب ابن عمك تعبیریله جناب
مرتضایی سؤال بیوردیلر * حضرت زهرا دخی منفعلا مسجده عزیمتلرنی
خبر وردکده سعادتله مسجده تشریف ایدوب کوردیلرکه * اول جوهر
تابناك اغشتهٔ خاك اولوب سر ورویی وکیسوی عنبربویی پرغبار اولمش یاتور
یدنوازشله غبارین سیلکوب اجلس یا ابا تراب بیوردیلر * من بعد
ابو تراب ایله حضرت علی مکنی اولدی * شیمهٔ مرتضوی بور سمه ایدیکه
نجن حسب البشریه زهرا ایله میانلرنده بر منافسه واقع اولسه قطعا شق شفهٔ
عتاب وخطاب * ایلیوب همان کندی باشنه طپراق نثار ایدرلر ایدی *
حضرت علیه السلام سر مرتضویده طپراق اثری کوریجك طرف زهرایه
متغیر الخاطر اولدیغنی بیلورلر ایدی * تحویل قبله اول مقتدای جماعت اسلام
علیه اجل السلام حضرتلرینه قبل الهجره وبعدها قبله جهت بیت المقدس
اولوب لکن مکهٔ مکرمه‌دن استدبار * خصوصا یهود ایله مشترك اولان
قبله‌یه توجه ایتمك طبع شریفلرینه کرانبار کلدیکندن * بغایت متألم اولوب
طرف ربانیدن قبله کعبه اولمغی دائما آرزو ایدرلر ایدی * برکون مسجد
شریفلرنده جماعتله صلوة ظهره شروع بیوروب ایکی رکعتی ادا ایلدکدنصکره
رکوعه واردقلرنده حضرت جبریل نازل اولوب * فول وجهك شطر المسجد
الحرام * کریمه‌سنی سمع همایونلرینه واصل ایلدکده همان میل قبله‌نما کبی
حالت رکوعده جانب کعبه‌یه متحول اولوب اقتدا ایدن اصحاب کرام دخی *
بی تردد صفلریله تحول ایلدیلر * هنوز امر تحویل تمام شایع اولمامغله
اول کونك فرداسی بعض صحابهٔ کرام مسجد قباده صلوة فجره قبلهٔ قدیمه‌یه
متوجها قیامده ایکن پیام تحویل قبله رسیدهٔ سامعه‌لری اولمغله درساعت
روی توجهی جهت کعبه‌یه توجیهه مسارعت ایلدیلر * مهمه * محل نزول
رخصت تحویل عند البیضاوی مسجد ابی سلمه‌در * لکن شهاب خفاجی
حاشیه‌سنده بو کلامی تخطئه ایتمشدر ملخصی بودرکه * عند الجمهور قبل
الهجره قبلهٔ معظمه کعبهٔ مکرمه وعند ابن عباس صخرة الله اولوب نهایت
الامر جوانب بیت الحرامدن اول جانبده تحریمه بند نماز اولورایدی * که
کعبهٔ مکرمه بیت مقدس ایله ذات اقدس نبوی میاننده قالورایدی *

بعد الهجرة برسنه درت آی مدت ينه صخرة الله طرفنه متوجهاً عبادت
ايدوب بعده وقعهٔ بدردن ایکی آی مقدم شهر رجب المرجبده زوال دنصکره قول
وجهك امری حکم اوله ضرب قلم نسخ ایتمکله * حضرت صاحب رسالت
منبر اوزره تلاوت برله حکم جدیدی اشاعت بیوردقدنصکره صلوة ظهری
ادا بیوردیلر * خبر تحویل اهل قبايه روز دیکرده صلوة فجر اداسنه قيامده
ایکن واصل اولمغله درساعت تحوله مبادرت ایلدیلر * اما یهود طائفه سنك
قبله سی تیه صحراسنده تائه وسرکردان اولدقلری وقتده امر موسی علیه
السلام ایله تابوت السکینه اولوب نه محلده اولسه لرا کا مقابل ادای صلوة
ایدرلر ایدی * قدس شریف فتح اولندقدنصکره تابوتی صخرة الله اوزرینه
وضع ایدوب ینه اکا متوجه اولورلر ایدی * تابوت رفع اولندقدنصکره
صخره یه متوجه اولدیلر * وصخرة الله حضرت عیسانك دخی قبله سیدر اسمانه
رفع لرندنصکره اشیاخ نصاری زعملرنجه جانب مسيحادن اختیار ایلدکاری
جهته مأذون اولملق ادعاسنه مبنی مشرق جهتنی قبله اتخاذ ایلدیلر * ویهود
قومندن سامره طائفه سی حج وغزای نابلوس ناحیه سنده واقع جبل طوره
تخصیص ایلدیلر * فرضیت صوم * سنهٔ مزبوره شعبانده بعد تحویل القبلة
صوم شهر رمضان فرض اولمشدر * فرضیت زکوة * وفرضیت زکوة
اموال بوسال فرخنده فال اثار حسنه سندن معدود اولمشدر * صدقهٔ فطر
سنهٔ مزبوره رمضانك یکرمی سکزنجی کونی صدقهٔ فطرك وجوبیتی ثبت
جریدهٔ اعمال مسلمین اولمشدر * تضحیه * امر تضحیه دخی اول سنه اثار
مستحسنه سندندر *

* رقیة عصما ابن مظعون نوّا * صلوة عید مسجد قبا بنوا *

رقیه مبتدادر * عصما وزن ایچون قصر اولنوب بعده التقای ساکنین ایچون
تلفظدن الفی دخی اسقاط اولندی تقدیر عاطفله رقیه اوزرینه معطوفدر * ابن
مظعون دخی تقدیر عاطفله معطوفدر * نوّا اما توامعناسنه جمعدر ضمیرنده
تغلیب واردر جمله سی خبردر * صلوة عید مقدر شرعت فعلنك فاعلیدر
یاخود مبتدادر خبری شرعت جمله سیدر * مسجد قبا مفعولیله منصوبدر
فعلی مؤخر بنوا کلمه سیدر وزن ایچون قصر اولنمشدر * بنوا کلمه سنك ضمیر
جمعی حضرت پیغمبر علیه السلام ایله اصحاب کرامه راجعدر * بوبیتده بش
لایحه مندرجدر * وفات رقیه * قتل عصما * وفات عثمان بن مظعون
مشروعیت صلوة عید * تجدید مسجد قباء * وفات رقیه * بنت النبی
علیه السلام حضرت رقیه بنت نبی ذیشان مقدما عتبه بن ابولهبه وهمشیرهٔ

محترمه لری ام کلثوم دخی عتیبه بن ابولهبه تزویج اولنوب * تبت یدا
ابی لهب کریمه سی نزولنده ابولهب نابمذهب مر قوملره مفارقتلریله امر
وابرام ایتمکله میانلرنده تفرقه واقع اولمشیدی * بعده حضرت رقیه عثمان
ابن عفان رضی الله عنه حضرتلرینه تزویج اولنوب وبرابر حبشه یه هجرت
ایتمشلر ایدی * سنهٔ مرقومه ده حضرت سلطان الانبیا معرکهٔ بدرده ایکن
وفات ایلدیلر * زوج محترملری کبی حسن وجمالده علم ایدی *
حتی حقلرنده اشبو بیتله مدیحه خوان اولدیلر *

* احسن شخصین یری انسان * رقیة وبعلها عثمان *

قتل عصما بنت مروان الیهودیه * اول ملعونه ابدی خطمی قبیله سندن
برکسه نك زبرازدواجنده اولوب همیشه طرف اسلامه سنك انداز سب
ودشنام * وخصوصا اول وقاحهٔ بیحیا وسلیطهٔ هرزه درا * جانب سلطان
الانبیایی کلام ناموزون وبی معنا ایله حاشا هجوه اجترا * وهموارة اهل
اسلام اوزره کفاری تحریض واغرا ایدر ایدی * بوجهتله حضرت
علیه السلام اول ملعونه دن بغایت ازرده خاطر اولمغله * عمیر بن عدی
الخطمی که کرچه ظاهرا نابینا ایدی لکن حقیقتده کوزی اچقلردن ایدی
قبیلهٔ مرقومه دن حائز قصب السبق اسلام اولمشیدی * مکارهٔ مسفوره نك
قتلنه طرف سلطان الانبیادن نامزد اولمغله * برکیجه اول بریده کیسونك
سر وقتنه دخوله فرصتیاب اولوب حس لمس ایله * سینهٔ پرکینه سی اوزره
برطفل شیرخوار وکندیسی اولادی میاننده مار خفته وار مغلوب خواب
کرانبار اولدیغنی ادراك ایلدکدنصکره * آهسته آهسته رضیعی سینه سندن
الوب برطرفه وضع وسر شمشیر عدو تدمیرنی کاف نافنه القا ایلدی *
بعده قوت بازو ایله اول تختنه پارهٔ کنیف خذلانی زمینه میخلوب بردخی
مجال حرکتنه حسرت ایلدی * اول کیجه ینه عودت ایدوب صلوة فجری
پیشوای انبیا ارقه سنده ادا اتدی * بعد الصلوة حضرت سید الکائنات
عمیره خطاب ایدوب دخترمروانی قتل اتدکمی بیوردیلر * اولدخی نعم
یارسول الله اما عجبا بوخصوصده بکا برضرر اصابت ایدرمی اوله دیدکده
حضرت پیغمبر ذیشان لا ینتطح فیها عنزان بیوردیلر * یعنی انك ایچون
ایکی بکی یاخود ایکی آهو مناطحه ایلمز مرام دمی هدردر * کمسه قانی
دعوا ایلمز بوکلام بلیغ المال * حمی الوطیس مقال بدیع الانسجالی کبی
فم رسول اکرمدن رستهٔ رشتهٔ جوامع الکلم اولان جواهر زواهردندر *
اول خلالده حضرت عمر طریقهٔ استعجاب اوزره کورك بواعمایی که کیجه

راه اطاعت الهیده نه کونه سیر دلبنغ و سعی بیدریغ ایلدی * دیجلك
حضرت علیه السلام یا عمیرا کا اعمی دیمه بلکه بصیر در بیوردیلر * بعده
عمیر حطمی قبیله سندن اولمغله منزلنه مراجعت ایدوب ملعونه نك دفن
جیفهٔ کثیفه سنه تصادف ایتمکله * اهل قبیله دن یا عمیر بو خبیثه یی سن می
قتل ایلدك دیو استفسار ایدنلره * اول سربازدین نعم فکیدون * ثم لا تنظرون
والذی نفسی بیده لو قلتم باجمعکم مثل ما قالت لاقتلنکم بسیفی هذا حتی
اموت او اقتلکم شمشیر جوابیله رشتهٔ خطابلرین قطع ایلدی * من بعد قبیلهٔ
مزبورده سراج وهاج اسلام لامع الانوار اولوب * اخفای دین ایدن
مسلمانلر اظهار ایلدیلر * وفات عثمان بن مظعون * رضی الله عنه سنهٔ
مزبورده اصحاب کرامدن عثمان بن مظعون ظاعن سوی وفیات متهون
اولمشدر * مشروعیت صلوة عید * سنهٔ مرقومه ده صلوة عید فطر و اضحی
مشروعیتی رونما اولمشدر * تجدید مسجد قبا تحویل قبله خصوصی مستقر
اولدقدنصکره حضرت سلطان الانبیا عازم محلهٔ قبا اولوب * قبله سی
جانب کعبه یه تحویل و دیوارنی حالا اولان موضعه تقدیله امر تجدیدی
تکمیل بیوردیلر *

* بدراغزا کدراسویقا قینقاع * وبعث سالم نوغزا المطاع *

بدر اولی مفعول غزادر کدر او سویق و بنی قینقاع تقدیر عاطفله معطوفلردر
و بعث سالم و وقع بعث سالم تقدیرنده در * نو منونا فی السنة السادسة والخمسین
تقدیرنده در * مؤخر غزا فعلنه متعلقدر * المطاع ضم میله محذوف النبی
لفظنك صفتیدر * بو بیت بش لایحه یی محتویدر * غزوهٔ بدر * غزوهٔ کدر *
غزوهٔ سویق * غزوهٔ بنی قینقاع * بعث سالم * غزوهٔ بدر * نکاریدهٔ کلك
بدیع الاثار اولدیغی اوزره غزوهٔ عشیراده تلاقی فریقین واقع اولمیوب جانب
شامه اعتزام ایدن قافلهٔ قریشك مال و منالی داخل حوزهٔ انفال اولمامشیدی
اول قافلهٔ غافله نك طرف ام القرایه قفول و رجعتلری زمانی متقرب اولیجق
حضرت علیه السلام طلحه بن عبد الله ایله سعید بن زیدی نامزد خدمت
تجسس بیورملریله * طرف کاربانه اب روان اسا جریان ایلدیلر * اثنای
راهده حسب الاقتضا متعوق اولملریله بعد الرجوع حضرت پیغمبر ذیشانی
مدینه ده بولمدقلری جهتندن عقبلرنجه شتابان اولوب غزوهٔ بدردن سالما
غانما عودوا انصرافلرینه مصادفت ایتمکله * خلال طریقده معسکر همایونه
ملتحق اولدیلر * حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم طلحه و سعیدی
ارسال بیوردقدنصکره مجلای تجلی وحی خدا اولان ذهن عالمنمالرنده

صورت نهضت جلوه پیرا اولمغله * ولادت باسعادتك اللی بشنجی و تاریخ
هجریه نك ایکنجی سنه سی ماه رمضانك اون ایکنجی مبارك سبت کونی
التمش درت نفر مهاجرین * و ایکیوز قرق بر نفر انصاردن جمعا اوچیوز
بش عدد مبارزایله مدینه دن حرکت و زیب زین مطیهٔ عزیمت اولدیلر *
سکز کمسنه حسب العذر متخلف اولوب لکن صفوف اهل بدره ادراج اولنمغله
سهم ثوابلرندن حصه مند اولدیلر * بریسی ابو لبابه درکه مدینه ده *
استخلاف بیورلدی * و بری ابن ام مکتوم درکه امامت خدمتنه تعیین ایله
توقیف اولندی * اوچنجیسی عاصم بن عدی العجلانی درکه سامعهٔ
حضرت سید الابراره اصحاب مسجد ضراردن بعض حوادث واصل اولمغله
طرف عالیلرندن قبا و عالیه خلقنه حاکم نصب اولندی * دردنجیسی
حضرت عثماندرکه اول اثناده علت جدری ایله منحرف المزاج اولدیغندن
بشقه حلیلهٔ جلیله لری رقیه بنت رسول الله بیمار اولمغله تخلفه رخصت ارزانی
بیوردیلر * بشنجیسی حوات بن جبیر درکه وادی صفراده دوه دن دوشوب
قدم مکرملری ازردهٔ صدمهٔ حجر اولمغله بالضروره مدینه یه ارجاع اولندی
التنجیسی ابو امامه درکه مادرلری خسته اولمغله تخلفه مأذون اولدی *
طلحه و سعید ایسه جاسوسلق خدمتنه تعیین اولنمشلر ایدی * بوسفر ظفر
احتواده لوای بیضا که ازار صدیقه دن ایدی * دوش مصعب بن عمیره
سایه بخشا اولوب * پیشگاه رسول اللهده افراشته اولان ایکی علم سیاهك
بریسی که عقاب ایله مسمادر * حضرت مرتضایه و دیکری سید الاوس
سعد بن معاذه تسلیم اولندی * مهمه * بعض اصحاب سیر استصحاب
رایت فیروزی پیکر ملحمهٔ خیبرده حادث اولدیغنه ذاهب اولدیلر * لکن
مذهب مزبور ابن عباس رضی الله عنهما حضرتلرندن روایت اولنان
اشبو * انه صلی الله علیه وسلم اعطی علیا الرایة یوم بدر وهو ابن عشرین
سنة حدیثیله مردود اولدیغی نمایان اصحاب شعوردر * تتمه * بو سفردن
غایت مرام قافله یی نهب و اغتنام اولمغله مهمات قویه ایله چیقلیوب
حتی لشکر نصرت پرورده یالکز اوچ راس آت و یتمش دوه بولنمغله * بالمناوبه
والمرادفه سوار اولدیلر * فئهٔ مشرکین تمام بیك نفر اولوب یوز رأس آت
و یدی یوز دوه لری وار ایدی * بو جهتله میانه ده مشتعل اولان آتش حرب
وجهاد ولو تواعدتم لاختلفتم فی المیعاد ولکن لیقضی الله امرا کان مفعولا
کریمه سی مصداقی من غیر قصد ولا میعاد واقع اولمشدر * و تقابل صفین
و تقاتل صفین رمضانك اون یدنجی جمعه کونی وقوع بولمشدر * والحاصل

طی مراحل ایدرك منزل روحا منصب رایت ظفر انتما اولدقده * طائفهٔ
قریشك عموما مكه دن چیقوب قافله یی استقباله مسارعتلری مسموع نبوی
اولمشدر * تفصیل قصه بودركه مقدما حضرت پیغمبر ذیشانك نهب كار
بانیان ایچون مرحلهٔ عشیرایه سوق موكب جلالتعنوان بیوردقلری
ابوسفیانك مسموعی اولمغله هنكام عودتده متبصرانه حركت ایدوب
دمبدم تجسس واخباردن خالی اولمزایدی * حالیا قافله نك شامدن قفولنه
انتظار وبالجمله اصحاب كرام استفسار بیورلدیغنی تحقیق ایلدكده * قبیلهٔ
غفاردن ضمضم بن عمروی یكرمی مثقال التونه استیجار ایدوب بو پیام
وحشت انجامی صنادید قریشه ابلاغ واخبار * وعامهٔ اهل مكه یی استنفار
ایچون بروجه استعجال طرف ام القرایه ارسال ایلدی * اولدخی بادصبادن
استعارهٔ سیروسیر ایدوب سپارش ابوسفیان اوزره هنكام استنفارده رسم
معهود عربانه ایله پیش وپس پیراهنك دریده وشترینك كوش وانفنی بریده
ایدوب اول قیافتله مكه یه داخل اولدی * مكر ضمضم مرسومك وصولندن
اوچ كیجه مقدم عاتكه بنت عبد المطلب واقعه سنده كوردیكه برشترسوار
كلوب وادیده طوردی واواز بلند ایله یا آل غدر اوچ كونه قدر سیاستكاهكزه
ایرشمكه اقدام ایلیه سز دیو فریاد ایلدی * خلق اطرافنه جمع اولوب اول
ادمی اورته یه الدیلر بو حالله اول كمسنه مسجد حرامه داخل اولدی خلق دخی
متابعت ایلدیلر * بو اراالقده دوه سی اول كمسه ایله بام كعبه یه منتصب اولدی
انده دخی ینه بویله ندا ایلدكدنصكره جبل ابی قبیسه چیقوب انده دخی ندا
ایلدی * بعده بر صخرهٔ عظیمه قوپاروب اشاغی پرتاب ایلدی * اول صخرهٔ كوه
پیكر پایان جبله ولوله كستر اولدقده پاره لنوب جملهٔ بیوت مكه یه بر رپاره
اصابت ایلدی * بیدار اولیجق صورت واقعه یی برادری عباسه نقل ایلدی
واحدهما آخره وصیت كتمانی تقدیمدنصكره عباسك بو رؤیا متاع صبر
وتحملنی سپردهٔ دست یغما ایتمكله * بی اختیار عقد مواثیق كتمانله صدیق
غمكساری اولان ولیده * اولدخی اوغلی عتبه یه نقل واخبار ایلدی * رفته
رفته رؤیای عاتكه شهرهٔ شهر وبازار اولدی * روز دیكر عباس طواف ایچون
حرم شریفه واروب اول اثناده صنادید قریش فنای حرمده رؤیای عاتكه یی
درمیان ایتمشلر ایدی * ابوجهل ملعنت استیناس حضرت عباسی
كوریجك طوافدنصكره انجمنلرینه ورودنی التماس ایتمكله * عباس دخی
بعد الطواف كلوب مجلسلرینه داخل اولدی * همان ابوجهل لعین عباسه
متوجه اولوب ای بنی عبد المطلب سیزده بو نبیه نه وقت حادث اولدی دیدی

حضرت

حضرت عباس دخی اصلندن سؤال ایلدكده رؤیای عاتكه یی بسط ایدوب
رجالكزك ادعای نبوتنه قانع اولمیوب شمدی نسوانكزده اول دعوایه دوشمش
اوچ كون سرفرو بردهٔ كریبان صبر اولوب اكر فی الحقیقه صدقی ظاهر
اولورسه فیها والا كذب قبائل عرب بنو عبد المطلب دردیو بر كاغد یازوب
سزی عالمه رسوا ایدرزدیدی * كرچه عباسه ملعونك بو سنكپارهٔ هزیانی
وجود نادان قدر كران كلوب * لكن مصلحت وقت اقتضاسی چهرهٔ شاهد
حاله پرده كش انكار اولوب دفع مجلس ایلدی * اخشام اولدقده بالجمله زنان
بنو عبد المطلب عباسه كلوب بو ملعون مخزوله بو قدر رخصتله قرشوسنده
سكوت ایلدیكز رجالكزی قیوب شمدی نسوانكزی دخی نشانهٔ نشابهٔ
طعن واذا ایتمكه بشلدی * دیو طرف طرف * سرزنش وعتاب ایلدیلر *
عباسه غیرت غلبه ایدوب حلف بالله ایلدیكه اول بیدین بدایینه تعرض
ایلیه * فرداسی كه موعد رؤیای عاتكه اولان یوم ثالثدر ابوجهله مقدارینی
بلدرملك ایچون مسجده واروب انده اول نفس اماره دن اشرا بوجهل
بدكهری كوردكده * دونكی كلامی اعاده ایلیه كه باعث هیجان انتقام اوله
دیو اوزرینه توجه ایلدكده * ابوجهل همان قالقوب شتابله حرمدن طشره
كتدی * عباس كندودن فرار ایلدی ملاحظه سنده اولوب مكر اول لعین
بدكردار ایسه وادیده ضمضم بن عمرولك فریادنی ایشیدوب اكا پویان اولمشیدی
بعینه بروفق رؤیای عاتكه ضمضم وادیده طوروب یا معشر قریش اللطیمة
اللطیمة یعنی مستصحب ابوسفیان اولان بزوطیله پربار قافله كزه امداد
ایلیه سز كه محمد واصحابی انی غارت ایدرلر * اكر بردقیقه تكاسل واهمال
ایدرسكز چهرهٔ فلاحی رؤیاده دخی كورملك ممتنع الاحتمالدر الغوث الغوث
دیو فریاد ایلدی * كیفیت حال عباسك معلومی اولیجق ساكت اولوب جملهٔ
قریش تشویش واضطرابه دوشدیلر * رؤیای عاتكه دن هركس ملاحظهٔ
وخامت عاقبتله مستغرق بحر دهشت اولدیلر * بو حادثه نك تدبیری ایچون
برارایه جمع اولوب محمد واصحابی بو نیده قافلهٔ ابن حضرمی كبی سهل المنالمی
ظن ایدرلر * والله انلر بو دفعه مقابلنی كوررلر دیو لاف وكذاف ایدوب كیمی
بالنفس عزیمت وكیمی بدل ارسالنه مبادرت ایلدیلر * اقویاسی ضعفاسنه
امداد واعانت ایدوب اشرافی ایسه بیدرپی استنفاره تحریض واغرا ایدرلر
ایدی * خذلهٔ قریشدن سهیل بن عمرو امداد كاربانیان ایچون تعبیرات غیرت
انكیز ایله دمبدم یا آل غالب محمد واهل یثربدن اكا تابع اولنلر بو یلجه مالك
اولدیغكز مالی تاراج ایدوب سیزلرنه كونكزه طوره سزقنی غیرت وناموس

مال وقوت استینلره اشته مال وقوت عرضهٔ منتده درد یه رلی تخیرا اولور ایدی * ماحصل نصرت قافله ضمننده جمله سی همدست اتفاق اولوب برفرده برات معاف ویرمدیلر * انجق رؤیای عاتکه دن خوفله ابولهب متخلف اولوب یرینه عاص بن هشام بن مغیره یی بدل تعیین ایلدی * وهنگام محاربه ده تشجیع کفار وقدح وتقطیع لشکر ابرار ایتمك ایچون نیجه مغنیه لردخی استصحاب ایدوب مانند بادنکبا قافله طرفنه ره پیما اولدیلر * دستور مسطور اوزره سرور انبیا علیه افضل التحایا حضرتلری روحانیه نازل اولدقلرنده * قریشك مهمات وفیره ایله کاربانیانه امدادا ایچون مکه دن چیقدقلری معلوم شریفلری اولدقده * وجوه مهاجرین وانصار ایله طلب عیر وحرب نفیر خصوصنده عقد انجمن مشورت بیوروب * ان الله تعالی وعدکم احدی الطائفتین العیر * احب الیکم من النفیر تعبیر یله استطلاع سریرهٔ ضمیر بیوردقلرنده * بلی یا رسول الله الحالة هذه نهب کاربان حرب دشمناندن مرجحدر بوکونه قتال احتمالی مدینه ده ایکن اشعار بیورلمش اولیدی علی الکمال تقدیم اهبهٔ جدال اولنور ایدی * دیو تمهید مقدمهٔ اعتذار ایلدکلرنده خاطر عاطر سید الابرار قرین انفعال واغبرار اولمغله * بشرهٔ پربشر ولطافتلرینه تغیر عارض اولدی * نته که کما اخرجك ربك من بیتك بالحق وان فریقا من المؤمنین لکارهون کریمه سنك سبب نزولنده ابوایوبدن بو وجه اوزره مرویدر * همان یار غار صدیق حضرت صدیق بعده چراغ منبر ومحراب جناب عمر بن الخطاب رضی الله عنهما * قدم رجا اوزره قالقوب یا رسول الله امر شریفکز هر نه کونه ایسه انقیاد واطاعت واجبهٔ ذمت ضراعتمزدر دیدیلر * بعده مقداد بن اسود رضی الله عنه مانند اسد قالقوب یا رسول الله امر ربانی هر نه ایسه تنفیذنه امضا بیورلق مستند عادر جمله مز جان درمیان مطیع فرمانز بزسزه بنی اسرائیل حضرت موسی یه دیدکلری کبی اذهب انت وربك فقاتلا انا ههنا قاعدون دیمزز * بلکه اذهب انت وربك فقاتلا انا معکم مقاتلون دیرز * سنی حقله بعث ایدن خدای بیچون حقیچون اکر بزی اقصای مملکت حبشه ده اولان برك الغماد نام شهره کوترسکز مانند عز وعلا رکاب مستطاب معلادن یکقدمه منفك وجدا اولیوب ظفریاب اولنجه حرب ووغاده جد بلیغ وسعی بیدریغ ایدرز دیدی * حضرت رسول اللهك جمالنه کشایش کلوب مقداده تحسین ودعا ایلدیلر مرهٔ انصار مقدما بارلرنده معاونت ایتمك اوزره بیعتدار اولملریله * حسب العهد بو بابده روکردان اولق خاطر مسنه دیبی حضرت جامع النبوة

والولایه بطریق الکنایه تکرار اشیر واعلی تعبیر یله استکشاف ضمیر انصار بیوردقلرنده * اول قوم کرام مرام سید الانام کندیلر اولدیغنی تفرس ایتملریله همان سعد بن معاذ رضی الله عنه قدم ضراعته قالقوب یا رسول الله مکر بزه بیورورسز دیدکده * حضرت نبی اکمل دخی اجل بیوردیلر * بو دفعه سعد سوزه کلوب یا رسول الله بز سکا ایمان کتوروب نبوتکی تصدیق ایلدك وجانب الهیدن تبلیغ بیوردیغکز احکامك حق اولدیغنه شهادت ایلدك وسنك فرماننه اطاعت وامتثال ایتمك اوزره کمربند عهد اولدق * مراد همایونکز نه کونه ایسه انفاذ بیورك اول خدای بیهمتا حقیچون که قامت لیاقتکزی شایستهٔ خلعت رسالت ایلدی * بر دریای بیکرانه اقتحام بیورسکز بریمز وقفهٔ تردد کوسترمیوب درعقب زورقچهٔ وجودمزی اول دریایه صالمغه جان اتارز * عدو ایله مقاتله دن قطعا بالکمز پروامز یوقدر * هنکام خصامده اقدامز بنیان اسلامزکبی متانت واستحکام اوزره در وکلامز همیشه نقیصهٔ کذب وتلوندن مبرادر * مأمولدرکه باعث روشنایی دیدهٔ امیدکز اوله حتی مساعی جمیله مز بدید اوله * همان سمت مقصوده توجه بیورك کیده لم دیدی * حضرت علیه السلام بو کلامدن منبسط تام اولوب سیروا علی برکة الله * ای اصحاب سیزه بشارت اولسونکه جناب رب الارباب بو ایکی طائفه دن برینی بکا وعد ایلدی * والله العظیم کروه مشرککینك مصارع ومقاتلی حالا نظرکاهمده متمثلدر * وحضرت رب الانام شق محاربه واختصاصی بعد الابهام بکا تعیین واعلام بیورمشلردر دیدیلر * پس انکاه اتحاد قلب ایله عزم راه اولندی * قریش مقدمجه کلوب عدوهٔ قصوایه قونمغله لشکر اسلام بالضروره بدره قریب برقومسال محله نزول ایلدیلر * اول محلده انسان وحیوان بروجهله حرکته جای امکان اولمیوب مابدری دخی جند اعدا احراز ایلدککدن ماعدا مجددا قیولر حفرایتمکله * انلر صو جهتندن آسوده حال اولوب ارامکاه عسکر اسلامده قطرهٔ اب وفای احباب کبی نایاب اولمغله * کندیلر وجمله دوابلری صوسز قالدیغندن بشقه اول کیجه بعضلرینده احتلام اولمغله ازالهٔ وسخ حدث ایلیه جك صو بولنمیجق خیالبازمکر وتلبیس یعنی لعین ابلیس فرجه بولوب * خاطرلرینه بو وجه اوزره القای وسوسهٔ شیطانی ایلدی که * سز کندیکزی سالك سبیل حق اعتقاد ایدوب پیغمبر صادق الوعد بزمله در وبز اولیای خدایز بزه ظفر ونصرت موعوددر زعم ایدرسز لکن هنوز دفع حرارت وازالهٔ دنس جنابت ایده جك صو بولمزسزدیکزده فرض اولان نمازدن محروم سزدشمنلریکز

صوبی ضبط ایدوب آتش کرمخیز عطش وجودکزی مختل ومشوش ایتمکله
دمبدم تاب وتوانکز قالمیوب سل شمشیرقتالدکل حرکته بیمجال اولمکزه
منتظرلردرکه اول وقتده دلخواهلری اوزره سیزی تباه ایلسه‌لرکر کدر *
دیوقلوب اسلامیانه دغدغه بخش پریشانی ایکن * ناکاه سحاب رحمت
الهی ظهور ایدوب اولقدر یغمور یاغدیکه هروادیده جویلر روان اولمغه
باشلدی * هرکس توضؤ واغتسال وازالهٔ تاب عطش ایله ترویح بال
ایلدکدنصکره * قربه ومطهره‌لرلرئ دخی طولدردیلر * اول قوملق دخی
تلصیق بارانله متلبد ومستحکم اولمغله حرکت دخی اسان اولدی * بووجهله
قلوبلرندن اولکونه خلجان شیطانی زائل اولوب قوت قلبله جنك وجداله
برزده دامان اولدیلر * وینزل علیکم من السماء ماء لیطهرکم به ویذهب عنکم
رجز الشیطان ولیربط علی قلوبکم ویثبت به الاقدام کریمه‌سی بوحالی حکایه
نازل اولدی * حضرت شاه رسالتپناه ایچون شاخساردن برعریش
ترتیب اولنوب سعادتله انده متکا کزین وسادهٔ ارام اولدیلر * لشکر کفارده
اوج علم وار ایدی برنی ابی عزیز بن عمیر وبرنی نضر بن حارث وبرنی طلحه
ابن طلحه الوب میدان مقاتله‌یه متوجه اولدیلر * اشرای مشرکینك نخوت
وکینله عرصهٔ جنکه شتابان اولدقلری غزات دینك منظوری اولیجق
انلاردخی شیرنرکبی غران اولوب اول قوم شومه مقابل واردیلر * صفوف
طرفین اراسته اولیجق مغروران قریش پرکبر وطیش طرفندن ابتدا میدان
قتاله ابرازهمت شنیعه ایدن عتبه بن ربیعه ایدی * که برادری شیبه واوغلی
ولیدایکی طرفنده کاوب جانب اسلامدن مبارز طلب ایلدی * شجعان
انصاردن عوف ومعاذ ابنی الحارث ایله عبدالله بن رواحه انلره مقابل
اولدیلر * عتبه اول سربازلره کیملرسز دیوسؤال ایلدی انلار دخی انصاردن
اولدقلرنی اشعار ایلدکده * انلار ایله محاربه‌یه تنزل ایتمیوب یا محمد میدانمزه
شرف ونسب وحسبده بزه همتا اولانلری ارسال ایله دیوندا ایلدی * سرور
خیل مسلمین دخی کتیبهٔ موحدینه متوجه اولوب قم یا عبیدة بن الحارث
قم یا حمزه قم یا علی امریله اوج شهبازلری اول غراب ناسازلره مقابل ارسال
بیوردیلر * متدرع اولدقلری جهتدن نظر حقاده تشخیص ایلمدکلرندن
کیملرسز دیواستعلام ایلدکدنصکره * نعم اکفاء کرام دیوب هربری
برشیرنر ایله آهنك داروکیر ایلدیلر * پیرسالخورده عبیده همسالی اولان
عتبه‌یه وحمزه شیبه‌یه وعلی المرتضی ولید بن عتبه‌یه مقابل اولدیلر * برر ضرب
تیغ خونفشانله سرشیبه وولید زمینه غلطان اولوب * اما عبیده وعتبه

بیننلرنده * نیجه حمله خطا کچدی اخرکار عتبه فرصت بولوب عبیده‌نك
زانوسنی زخمدار ایتمکله درحال حضرت حمزه وعلی ایریشوب عتبه‌یی دخی
رفیقلرینه ایصال ایلدیلر * وعبیده‌یی حضور لامع النور نبوی‌یه کتوردیلر
اول اوج بلید سفاکك کریبان حیاتلری بوکونه چاك چاك اولدیغنی مخاذیل
اهل اشراك کوردکده * یکبار لشکر ابرار اوزره هجوم ایدوب دلیران
موحدین دخی انلاری قارشولدیلر * وشراره فشانی آتش شمشیر ایله خرمن
هستیٔ اعدایی خاکستر راه فنا ایلدیلر * ونیجه سرانداز عرصهٔ بسالت اولان
مردان میدان نبالات رحیق مختوم شهادتله نشوه‌مند کیفیت رحمت
اولدیلر * سرور کائنات علیه اسمیٰ الصلوات حضرتلری یار صدیق ابوبکر
الصدیق ایله عریش عرش فرساده دست رجایی برداشتهٔ درکاه کبریا وسوز
وکداز ایله اغاز دعا ایدوب انجاز وعد نصرت استدعاسیله * اللهم ان تهلك
هذه العصابة من اهل الایمان الیوم فلا تعبد فی الارض ابدا دیوکریه
وزاری‌یه اغاز بیوردیلر * حضرت صدیق رضی الله عنه حضرت رسول
اللهك بوکونه تلاش واضطرابله الحاحلرنی کوریجك * یا رسول الله
قرع باب نیاز وسؤال بیرون حد اعتدال اولدی * اول وعد کریم که فرمودهٔ
رب رحیم دربی شبهه رهین انجاز اولمق مقرردر دیو تسلیت بخش خاطر انور
سید البشر اولور ایدی * اول حالده دیدهٔ حقبا بقدیدهٔ رسول اللهه جزوی
خواب عارض اولوب همان اول لحظه‌ده متبسما بیدار اولدیلر * مژده سکا یا
ابابکر دین اسلامی اعزاز وتقویت ایچون طرف رب العزتدن مدد ونصرت
ایرشدی * ایشته سپهسالار جنود ملائکهٔ کرام جبریل علیه السلام کلدی
حالبا ثنایای اسب ملکوت پیموده‌سی غبار الوده‌در * پیشکاه جند اسلامده
صف چکوب طوردیلر بیوردیلر * بعده سرادق عریشدن سیهزم الجمع
ویولون الدبر کریمه‌سنی تلاوت ایدرك چیقوب غزاة مؤمنینه اشاعت
بشارت ایلدیلر * جهادنی عدیم الانداد همان دعا اولمغله اهل اسلام قتال
وخصامه مبادرت ایلدکلرنده کندیلری دعا ایله امداد ایدرلر ایدی * اول
حالده اذ تستغیثون ربکم فاستجاب لکم انی ممدکم بالف من الملائکة مردفین
کریمه‌سی نازل * وقلوب غزاة موحدینه کمال تثبت واطمینان حاصل اولدی
مهمه * بو مبحث طویل الذیل اولوب اکثر مفسرین عندنده امداد ملائکه
بروجه محرریوم بدرده واقع اولمغله * ابتدا قومه‌نك وثلثة الاف
من الملائکة منزلین * واذ تقول للمؤمنین الن یکفیکم ان یمدکم ربکم *
بثلثة آلاف من الملائکة منزلین * وبلی ان تصبروا وتتقوا ویأتوکم

من فورهم هذا يمددكم ربكم بخمسة آلاف من الملائكة مسومين *
كريمه لرينك تفسيرلرنده اشبو ايات كريمه لرك مضامين عليه لرى متحد اولوب
جمله سى ملحمهٔ بدرده اولان امداد ملائكه يه متعلقدر ديو امضا ايلديلر *
وعبارت تفسيرلرى بودركه بعينها ثابت وتقرير اولندى * وقوله تعالى
اذ تستغيثون ربكم فاستجاب لكم انى ممدكم بالف من الملائكة مردفين * اى انى
مرسل اليكم مددا لكم الفا من الملائكة متتابعين بعضهم فى اثر بعض على قرأة
فتح الدال * وقوله تعالى بثلثة آلاف من الملائكة منزلين * خمسمائة
مع جبريل * وخمسمائة مع ميكائل * ثم زيدوا الفين الفين * وقوله تعالى
اذ تقول للمؤمنين الن يكفيكم ان يمدكم ربكم بثلثة الاف من الملائكة منزلين
اى الف مع جبريل * والف مع ميكائيل * والف مع اسرافيل * وقوله تعالى
بلى ان تصبروا وتتقوا ويأتوكم من فورهم هذا يمددكم ربكم بخمسة الاف
من الملائكة مسومين * اى معلمين اسم مفعول من الرباعى اى جعل لهم
علامة بديعه حضرت شديد القوى يعنى امين وحى خدا جبريل عليه السلام
امم سالفه دن قوم لوط وثمود كبى نيجه زورمند طائفه يى كتر ريشه سنه الوب
زير وزبر ايتمشيكن * روز بدرده تدمير كفار عهدهٔ اقتدارنه محول اولسيدى
سپاه كشور ملكوتله تأييده حاجت اولمديغندن بشقه عسكر اسلام دخى
كافهٔ نزاع واختصامه محتاج اولمزايدى * بوشيوه نك حكمتى بودركه *
اعدا اوزره غلبه وظفر سيد البشره منسوب اولمق ايچون بوخدمت جليله
بالكز ذمت جبرائيله تفويض اولنميوب * بلكه جند اسلامله تشريك
بيورلدى * غايت الامر شان نبوى يى توقير وفيما بعد قلوب اسلاميانى
تطمين وتقرير ودشمنانى تهييب وتخسير ايچون معيتلرينه بشبيك ملائكهٔ
كرام دخى تعيين بيورلدى * ابن عباس رضى الله عنهمادن مرويدركه
بنو غفاردن بركمسنه بكا نقل ايلديكه * بن وعم زادم روز ملحمهٔ بدرده
رزمكاهه ناظر برجبل اوزره چيقوب تماشاى كيرودار وطرف مغلوبك
نهب وغارتنه تشميرساعد انتظار ايدردك * ناكاه برقطعه سحاب ظهور ايدوب
قلهٔ كوهه قريب اولدقده درونندن دمبدم صهيل فرس استماع اولنغله
دمبستهٔ حيرت اولمشيكن * اقدم حيزوم ديو برصوت سهمناك دخى ايشتدك
اول صونك دهشتندن عم زادمك زهره سى چاك وفى الحال افتادهٔ خاك
هلاك اولدى * بنم دخى بررمق قالمشيديكه مرغ روحم قفس تندن طيران
ايليه هله تماسك جلادت قلبى حفظ ايدوب نه حال ايسه رها بولدم *
اقدم لفظى ضم دال الله تقدمدن اشتقاق كبيرا اوزره امردر * وحيزوم اسم

فرس جبريلدر * تتمه * اول كون قاعد الخيل شياطين يعنى ابليس لعين
سراقة بن مالك المدلجى صورتنه تمثل ايدوب زير رايتنده جند شياطينله
ميدان معركه يه حاضر * ولا غالب لكم اليوم وانى جار لكم نويديله تقويت
قلوب مشركينه مبتدر ايكن * جبريل عليه السلامى ومعيتنده اولان
ملائكهٔ كرامى كوردكده دست بدست مصاحبتنده اولديغى كمسنه دن
همان الى چكوب عونه سيله بى سبر راه ادبار اولديلر * اول كمسنه يا سراقه
روامیدركه انى جار لكم ديو لاف وكذاف ايدركن بويله بى سبب كريزان
وآب روى ناموسى خاك مذلته ريزان ايليه سن ديدكده لعين مفسد تماب
انى ارى ما لا ترون انى اخاف الله والله شديد العقاب ديو غائبه قدم بصدى
فائده * اولكون جنود مجندهٔ فرشتكان سپيد وسرخ وسبز وسياه وزرد كون
دستارلر صاريوب ميانهٔ دوشلرينه طيلسان اسدال ايتمشلرايدى *
وكفار ايله قتاللرى بوغزوه يه مخصوص اولوب غزوات سائره ده محض مدد
وتكثير عدد ايچون مبعوث اولدقلرى مذهب مختاردر * وامام نوويدن
عدم اختصاصلرى منقولدر زيرا صحيح مسلمده احد معركه سنده دخى
مجاهدين ديننله برابر محاربه ايلدكلرى مثبتدر * صاحب اصل دخى
عيون الانسان صاحبى كبى مسلك نووى يى اختيار ايدوب مقاتلهٔ ملائكه
ورمى حصى بدره مخصوص اولميوب احد وحنين معركه لرنده دخى اولديغنه
ذاهب اولمشدر * رمى حصى ماده سى بودركه دستور مسطور اوزره حضرت
عليه السلام سيهزم الجمع نظم شريفنى تلاوت ايدرك حضرت ابوبكر ايله
عريشدن چيقوب وزمیندن برقبضه قوم آلوب شاهت الوجوه ديوب
كفار خاكسار طرفنه صاچديلر * باذنه تعالى اول پريشان ايتدكلرى
قوملرزمرهٔ اشرار بركشته روزكاره يتشوب كوزلرين ودماغلرين مالا
مال ايتمكله بى اختيار آهنك فرار ايدوب نيجه صناديدى طعمهٔ شمشير
ونيجه لرى اسير اولوب حقيقت فلم تقتلوهم ولكن الله قتلهم وما رميت
اذ رميت ولكن الله رمى ظاهر وروغا اولدى * مهمه * بعض كمسنه لر
اشبو ايت كريمه نك ظاهرينه نظرا رمى فعلنى بالكليه جانب پيغمبردن
سلب وجانب الهى يه تمحيض ايتمكله بو ماده يى اساس بنيان متخلخل
الاركان مذهب جبر ايلديلر * قالديكه بوقول سخيفه كوره وما صليت
اذ صليت كلامى دخى ثابت اولوب خلاصه سى بنى ادمدن صادر اولان جملهٔ
افعال ده كندولرينك مدخلى اولميوب مجموعنك فاعلى حق جل وعلى اولمق
اقتضا ايتمكله * حضرت حق مطيع وعاصى اولمق لازم كلور * تعالى شانه

عما یقولون بلکه مفهوم شریفی بودرکه * حضرت باری عزشانه رسولندن ابتدا رمی ایصالی نفی ورمی خذفی طرف رسالتلرینه اثبات ایلدکدنصکره * رمی ایصالی قدرت بشریه دن خارج خارق عاده اولمغله جانب الوهیتلرینه حصر وتخصیص بیوردیلر * بعینه صدق عبدی فیما تبلغ عنی منزله سنده اولور * وعلم کلامده متقرر اولدیغی اوزره غیرک فعلی بروجهله حضرت حقک فعلی منزلنه تنزیل اولنمز * تتمه * خلال قتالده عکاشه بن محصن الاسدی رضی الله عنه حضرتلرینک قلیجی شکست اولمغله حضرت رسول اللهه کلوب ارائت ایلدکده النه برهیزم پاره صوندیلر * عکاشه الی قبضهٔ اقتدارنه الوب اعمال ایلدکده طویل القامه شدید المتن بیاض الحدید برشمشیر عدو تدمیر اولوب * انکله نیجه سربازلقلر ایلدی * وا کاعون ایله تسمیه اتدی * وینه اثنای وغاده قاتل ابوجهل معاذ بن عمروک بازوسی بریدهٔ تیغ عکرمه بن ابوجهل اولمغله رابطهٔ اتصال انجق برجلد رقیق قالوب حضور سید الورایه کلدکده اب دهان حیات افزالریله کالاول درست اولدی * ما حصل تصادم امواج افواج اسلامیانله اکثر جنود بد بود کفر وطغیانک خسارهٔ وجودلری نابود بحر فنا ومقدمات سعی وکوششلری منتج رنج وعنا اولوب واکثر صنادیدلری خصوصا سرکردهٔ مشرکین شکل متمثل کبروکین ابوجهل لعین فریسهٔ شیر شمشیر اولمغله یکباره منهزم واهل اسلام فوق ما یتصوره الاوهام مغتنم اولدیلر * خصوص دفن جیف کفارده زمرهٔ ابرار زحمتکش اولمامق ایچون اجساد دوزخ معاد مشرکینی حسب الامر العالی برچاه ایچره متواری ایلدیلر * جیفهٔ امیه بن خلف زره ایچره منتفخ اولمغله چاهه * نقلی ناممکن اولدیغندن کشتنکاهنده پوشیدهٔ سنک وخاک ایلدیلر * بعد قضاء الوطر مدینه طرفنه تحویل رایت ظفر پیکر اولندقده * حضرت رسول الله کنار چاهده عنانکش اولوب هر برینه اسملریله یا فلان یا فلان دیوندا ایلدکدنصکره * هل وجدتم ما وعدکم الله ورسوله حقا فانی وجدت ما وعدنی ربی حقا بئس العشیرة کنتم کذبتمونی وصدقنی الناس * یعنی سزلر جزای سوی اعمالکز ایچون سبق ایدن وعد الهی یی حق بولدیکزمی * هله بن ربم بکا ایلدیکی وعد کریمی حق بولدم وانجازینه مظهر اولدم * ای طائفه سزلر نه بدترین عشائر ایدیکزکه بنی سز تکذیب ایلدیکز سائر ناس تصدیق ایلدیلر بیوردیلر * عمر بن الخطاب رضی الله عنه یا رسول الله اشباح بی ارواحه می خطاب بیورورسز دیدکده * یا عمر بنم کلامی سز انلاردن زیاده ایشتمز سز انلار

ایشیدرلر لکن رد جوابه استطاعتلری یوقدر بیوردیلر * فائده * کیفیت سماعلری اکثر اهل سنتک مسلک مختاری اولمق اوزره بعد الوفات روحک دم سؤال منکر ونکیرده اولدیغی کبی کالاول بعضا عودتنه مبنی اذان رؤسلریله واقع اولمشدر * یاخود توجه سؤال برزخ من غیر رد بالکز روحه اولمق مذهبنه کوره کوش قلبله یا صماخ جانله مسموعلری اولمشدر * لکن ظاهرا وما انت بمسمع من فی القبور ان انت الا نذیر نظم منیرینه منافات محسوس اولمغله * ائمهٔ تحقیق افانت تسمع الصم او تهدی العمی کریمه سنه تمثیل ایله توفیق ایلدیلر * یعنی کفار بدکردار مرده دل اولوب کلام حق قبول وصورت صدق وصوابی مشاهده دن نکول ایلدکلری حسبیله موتی واصم واعمی منزللرینه تنزیل اولندیلر * خلاصه سی توفیق وهدایت واذان قلوبلرینه ایصال موعظت منحصر ارادهٔ رب العزتدر * بدیعه علامهٔ زمان ابن جابر علیه الرحمه ملحمهٔ کبرای بدری بو کونه نظمله بیان ایتمکله بعینه ثبت اولندی

بدا یوم بدر وهو کالبدر حوله * کواکب فی افق المواکب تنجلی
وجبریل فی جند الملائک دونه * فلم تغن اعداد العدو والمخذل
رمی بالحصی فی اوجه القوم رمیة * فشردهم مثل النعام المجفل
وجاد لهم بالمشرفی فسلموا * فجادله بالنفس کل مجندل
عبیدة سل عنهم وحمزة واستمع * حدیثهم فی ذلک الیوم من علی
هم عتبوا بالسیف عتبة اذ عدا * فذاق الولید الموت لیس له ولی
وشیبة لما شاب خوفا تبادرت * الیه العوالی بالخضاب المعجل
وجال ابوجهل فحقق جهله * غداة تردی بالردی عن تذلل
فاضحی قلیبا فی القلیب وقومه * یؤمونه فیها الی شر منزل
وجاهم خیر الانام موبخا * مفتح من اسماءهم کل مقفل
واخبر ما انتم باسمع منهم * ولکنهم لا یهتدون لمقول
سلا عنهم یوم السلا اذ تضاحکوا * فعاد بکاء عاجلا لم یؤجل
الم یعلموا علم الیقین بصدقه * ولکنهم لا یرجعون لمعقل
فیا خیر خلق الله جاهک ملجائی * وحبک ذخری فی الحساب وموئلی
علیک صلوة یشمل الال عرفها * واصحابک الاخیار اهل التفضل

عنوان قصیده اولان بدا کلمه سی ظهر معناسنه * مواکب جمع موکب مزین ومحتشم اولان سوارانه اطلاق اولنور * دونه عنده معناسنه در * مخذل تخذیلدن اسم مفعولدر * شردهم فرقهم وطردهم معناسنه * نعام

جمع نعامه درکه دوه قوشیدر * مجفل جبان ومسرع فی الفرار معناسنه در
مشرفی میلك ورانك فتحی ویانك تشدیدیله قلج معناسنه در * ابو عبید دیدیکه
مشرفی مشارفه منسوب اولان قلجدر مشارف شول قریه لردرکه ارض
عربدن ریفه قریب برلرده در * لکن سیف مشارفی دیملك جائزدکلدر زیرا
علم اولدیغچه صیغهٔ جمعه نسبت اولنمز * مجندل قوی وعظیمه اطلاق اولنور
وجادلهم بجادله کلمه لری جود وجدالدن مأخوذ اولمغله متجل جناسی
مشتملدر * عتب حشم ایتمك معناسنه در بومقامده لازمی اولان حمله
وهجوم ایتمك مراددر * عوالی عالیه نك جمعیدر نیزه معناسنه در *
خضاب بویه معناسنه در * قلیب فعیل وزننده مقلوب معناسنه در قلیب
ثانی چاه قدیم معناسنه در * یؤمون یقصدون معناسنه در * مقول کسر میم
وفتح واو ایله لسان معناسنه در * سلا عنهم کشف الحزن عن جمیعهم یاخود
فرغ وتسلی وتخلص عن کربهم معناسنه در * قفا نبك قبیلندن اولیق دخی
محتملدر * یوم السلا یوم الامر العسیر دیمکدر * انقطع السلا فی البطن مثلنه
اشارتدر * عرف فتح عینله رایحه معناسنه در * تسکیه له * حضرت عباس
دخی اول معرکه ده حاضر اولمغله ابو الیسر نام بر ضعیف البنیه کمسنه یدنده
اسیر اولمغله ابو الیسری پنجهٔ عصفور کبی پنجه که الدیغی ممکن ایکن عجب که
اکا مغلوب اولمش سن دیو کندودن سؤال اولندقده تصدیق ایدوب واقعا
حال بویله در لکن بکا مقابل اولدقده نظرمده جبال مکه دن خندمه نام
جبل کبی کورنمکله * مقاومته قادر اولمدم دیدی * وحفظ وحراست اساراپه
حضرت عمر مأمور اولمغله ابتدا حضرت عباسك بندنی برکونه
توثیق ایلدی که حرکته مجال اولوب المندن کیجه ناله وفریاد ایتمکله
حضرتك خواب حضورینه مانع اولدی * انصار کرام واقف اولنجه طرف
نبوی یه احتراما واروب عباسك بندینه کشاد ویردیلر * اتمام استرضای
نبوی ضمننده ترك فدیه سیجون نیاز ایتدیلر یله معرض قبولده جلوه کر اولمدی
روایت اولنورکه حضرت علیه السلام اسیرلر خصوصنده وجود اصحاب
کرامله مشاوره بیورمغله حضرت فاروق یا رسول الله اذن شریفکز ایله
بوقوم لئامی مظهر حسام ایده یم دیدی * حضرت علیه السلام کلام
فاروقه توجیه سامعهٔ اصغا بیورمدیلر ینه ایکی دفعه قالقوب کلام اولی
تکرار ایلدی لکن سنجیدهٔ میزان اعتبار بیورلمدی * بعده ابو بکر رضی
الله عنه قالقوب یا رسول الله اول بدنهادلر هر نقدر ملت وعقیدت جهتیله
بیکانه لر ایسه تعلق نسب ملابسه سی اقربا اولدقلرندن بشقه بعونه تعالی

ابلاره غالب ومظفر اولدیغکز مناسب کورلورایسه خونبها ایله مادهٔ
حیاتلری تمدید اولنوب بو وجهله سپاه اسلام عجالة الوقت برمقدار تحصیل
ثروت وامورلرنده اکتساب قوت ایلیه جکلرندن ماعدا مرجودرکه بعد
زمان هدایت حضرت منان ایله اول طائفه ده اسلامه کلوب بزمله همساعد
اتحاد واعتضاد اولمغله رواج دین محمدی مزداد اوله دیدکده * بشرهٔ
رسول الله منجلی اولوب قول صدیقی ترجیحله اخذ فدیه خصوصنه جنبشنمای
ابروی اشارت اولدیلر * فرداسی حضرت عمر حضور رسول عالیخطره
کلوب کوردیکه حضرت صدیقله بکا ایدرلر یا رسول الله سبب ندر بکاده
اشراب بیورلق مستدعادر اکر بکا بولورسم بنده برابر بکا ایده یم والا تباکی
ایده یم دیدکده یا عمر خصوص افتدا موافق رضای خداد کل ایمش
بیوروب اول بابده نازل اولان * ما کان لنبی ان تکون له اسری حتی
یثخن فی الارض تریدون عرض الدنیا والله یرید الاخرة والله عزیز حکیم
لولا کتاب من الله سبق لمسکم فیما اخذتم عذاب عظیم * کریمه سنی تلاوت
بیوردقدنصکره * اکر بوامته اخذ فدیه ایچون صرصر قهر الهی وزان
اولسه ابن خطابدن غیری برکمسنه آسودهٔ دار الامن سلامت اولمیه جغی
نمایاندر بیوردیلر * اندنصکره اقتضای فضل صمدانیله فکلوا مما غنمتم
حلالا طیبا واتقوا الله ان الله غفور رحیم فریده سی منتظم سلك اللآل نظم
کریم اولمغله * عقدهٔ اندوهه انحلال کلوب الناس فدیه وغنائم حلال اولدی
مرویدرکه مشرکیندن اخذ اولنان فدیه تمام قرق اوقیه التون اولوب
بوز اوقیه اولدیغی دخی رقزدهٔ اصحاب سیردر * ویتمش نفری قتل اولنوب
یتمش نفری دخی اسیر اولمشیدی * میانهٔ اسیرانده حضرت عباسه دخی
الزام فدیه اولنمغله بن مسلما ثم بنی جبر واکراهله همراه ایلدیلر دیو ذمتنه
ایجاب ایدن مالی تسلیمده صورت اجتناب وابا کوستردیلر * واقعا
مسلمان اولوب ومستکرها معرکه یه حاضر اولمشلرایدی * مقدما مکه دن
اخبار کفاری قلمه الوب دائما طرف نبوی یه اعلام وانبادن خالی اولمزایدی
هجرت بابنده استیذان ایلدکجه ان مقاملك بمکه خیرلك جوابیله نقل وارتحاله
رخصت ارزانی بیورلمزایدی * حضرت علیه السلام یا عباس ظاهر حالده
بزمله متصدیٔ کارزار اولان کفار طرفنده بولندیغك تقریبی لازمدرکه
ادای خونبها برله فك رقبه ایده سن بیوردیلر * عباس بردرلو مکنت
واقتدارم یوقدر دیو عرض یاس ایدوب مکه دن خروجنده اعانت مشرکین
قصدیله استصحاب بعده فتادهٔ ایدیٔ غنیمتداران اصحاب اولان یکرمی اوقیه

التونی خونبهاسنه حساب اولنمغی رجامند اولمغله قرین سامعهٔ قبول
اولمدقدنصکره یا عباس عسکر اسلامه ایصال رخنه ضمننده اعدای دینه
اعانت ایچون استصحاب اولنان نسنه سزه ابقا اولنمز بیورد یلر * عباس
بوصورتده بنی قریشدن جروسئواله محتاج ایدجکسز دیدکده حضرت علیه
السلام یا عباس بوسفره * عزیمت هنکامنده دم احتیاج ایچون احتیاطا
زوجه لکه ام فضله ایداع ایلدیکك التون نیجه اولدی بیوریجق * عباس بوسر
سربسته یه سزی کیم مطلع ایلدی دیدی حضرت علیه السلام دخی دانندهٔ
سرائر غیب جلت الوهیة عن وصمة الریب اکاه ایلدی بیوریجق * حضرت
عباس خلوص بال صفوت استیناسله اشهد انك صادق فانه لم یعلمه الا الله
تعالی اشهد ان لا اله الا الله وانك عبده ورسوله عبارتیله تثبت ایمانی اعلان
ایلدی * اسلام عباس فتح خیبردن مقدم اولدیغی دخی مرویدر * فتح
مکه ده حضرت نبی باهر الاقبالی ابوانام مرحله دن استقبال ایتمشلردر *
وخاتمهٔ مهاجرین کرامدر * چون وقعهٔ بدر بروفق دلخواه نبی عالیقدر تمام
اولمغله * اول منزلدن زید بن حارثه یی اهل مدینه یه مژدهٔ فتح وظفر ایصالی
ایچون ارسال بیوردیلر * کندیلری دخی عز وسعادتله عقبنده * تحریك
رکاب عزیمت بیوروب موکب همایون صفرایه نزوللرنده کردن بستهٔ
غل ذل اسرا اولان مشرکین روساسندن عقبه بن معیطك کلهٔ بدن خذلان
اولان کلهٔ نکبت نشانلری بامر نبوی * بردلیرك دستیاری شمشیریله خندق
بعید الغور جهنمه غلطان اولدی * سیاستکاهه قدومنده یا محمد کوچك
قزلرم اولمغله انلاری کیمه سفارش ایده یم دیدی * حضرت علیه السلام
جهنمه سفارش ایله بیوردیلر * هجرتدن مقدم مسفور عقبه ملازم مجلس
نبوی اولوب دائما طرف عالیلرینه اظهار مهر وولا ایدرایدی * برکون
حضرت رسول اللهه ترتیب ضیافت ایدوب خانه سنه دعوت ایلدی
فخر عالم دخی کافهٔ اجابتی تصدیق نبوته تعلیق بیورمغله برای خاطر صورت
ظاهرده زبان زیب کلمهٔ شهادت اولمشیدی صدیق ناخلفی ابی بن خلف واقف
اولدقده عقبه یه سرزنش ایدوب اولدخی برای مصلحت ضیافت اولدیغنی
افاده ایلدی * ابن خلف اینانمیوب حاشا سر سعد افسر محمدی یا نعال ووجه
کریملرك آلودهٔ بزاق لوث اشتمال ایدوب * ورخسار تابدارلرین آزردهٔ مشت
آزار ایتمدکجه بکا اطمینان بال حاصل اولمز ومن بعد میانمزده رشتهٔ کسسته تار
محبت ووصال ایلدیرا اولمق ممتنع الاحتمال دردیدی * اول بدبخت بدکار دخی
حضرت سید الابرار دار الندوه ده سربرزمین سجود ایکن شقاوت مشروطهٔ

معهوده یه اجتسار ایلدکده جناب رسول الله یا عقبه لا القالك خارج مکه
الا علوت رأسك بالسیف بیورمشلر ایدی * انجام کار بروفق خبر صادق
الاخبار جزای سزاسنی بولوب وجود خبیثی ملقاة مزبلهٔ دار البوار اولدی *
بعده ذا توفیق خدا ایله طیبه طرفنه عنان بر عزیمت بیوریلوب باجمله مال
غنائم سپارشکردهٔ عهدهٔ عبد الله بن کعب المازنی اولمغله مضیق صفرادن
چقلدقده جملهٔ مال غنیمت غزات امت بینلرنده قسمت اولندی * ومنزل
مزبورده برموجب فرمان نبوی سربی دولت نضر بن حارث بریدهٔ تیغ
مرتضوی اولدی * دم قتلنده حضرت رسول الله اول کراهه نکاه ایتمکله
همز نجیر اولدیغی اسیرك برینه محمد والله قاتلی فانه نظر بعینین فیهما الموت دیو
کشتهٔ تیغ محمدی اوله جغنی متیقن اولدیغك ایما ایلدکده اسیر مزبور خوفندن
بویله ظن ایدرسن دیو تقریع ایلدی * بعده مصعب بن عمیره خطاب ایدوب
سنك جمله دن زیاده بکا قرابتك اولمغله حضرت محمددن بنی ده سائر اسیرلر
معامله سنه تشریك ایتملری بابنده رجا ایله دیو نیاز کار اولمغله * مصعب سن
قرآن مبین ورسول کزینی حقلرنده کوناکون * هرزه وهزیانه جسارت
واصحاب کرامه شتم واذیت ایلدیکك حسبیله کندی سوء صنیعکدر دیو چهرهٔ
نیازنه طبنجه زن رد وتعنیف اولدی * معرکهٔ مزبورده اسیر دست اسلامیان
اولان دشمناندن من بعد سپاه اسلامله اختصام ایتملك معاهده سیله ابو عزه
الشاعر نام مردرذیل مجانا تخلیهٔ سبیل اولندی * بعده تحریك بخت بدیله
نقض عهد احدی ایدوب احد معرکه سنده اول کشتنی بی بالك جزای مایلیقنی
ادراك ایلدی * پس اقبال واجلال له معمورهٔ مدینه یه تشریف وقدوم میامن
لزوم عالیلریله اول بلدهٔ طیبه یی کما فی الاول تلطیف بیوردقلرنده برمرحله
کیروده قلان اساراتی اصحاب کرامه توزیع ایدوب اول کروه اشراره وجه خیر
وصوابی ارشاد وحکیمانه سوق طریق سداد ایتملری بابنده صحابهٔ کزینه تنبیه
بیوردیلرکه * مرویدرکه اهل اسلام غالب ومظفر وکفار لئام مغلوب ومدمر
اولدقلری خبرنی مکه یه جمله دن اقدم ابو سفیان بن حارث ایصال ایلدی
زخم خورده بسمل نیم مرده کبی نه حال ایسه مکه یه واصل اولوب ابو لهب
نا بمذهب کوردکده احوال قریشی سئوال ایلدی * ابو سفیان بوندن
غیری اولمدیکه معشر اسلامه مقابل اولدیغمزده همان ارقه مزی ویردك
دلخواهلری اوزره استدکلرین قتل واسیر ایلدیلر * والله بوبابده برکسه یه
لوم ایتمم زیرا بین السماء والارض قتی وافر سپید پوش ابلق سوار کسه لرکاوب
برمله جنك ایلدیلر برفرد انلره مقاومت حوزهٔ امکانده دکل ایدی دیدی *

اول اثناده غلام عباس ابورافع بر کوشه ده اوتوروب استراق اخبار ایدر ایدی
بی اختیار اول کسه لر ملائکه در دیجک ابولهب ملتهب غضب اولوب
ابورافعک چهره سنه بر طبنجه اوردی * همان ام فضل قالقوب بره ملعون
افندیسی بونده اولمامق تقریبی غلامنی لکدکوب تحقیر ایتمکی سکا
کوستوره یم دیو ابولهبک باشنه بردسته چوب ایله اوردی * ابولهب خوار
وذلیل قالقوب نکبتخانه سنه کیتدی بر هفته یکمدی العیاذ بالله تعالی *
صدمهٔ مرض عدسه ایله * خانه نشین بیماری اولوب مرض مزبور امراض
ساریه دن اولمغله * طائفهٔ عرب بغایت تشأم ایتمکین مبتلا اولنلردن کریزان
اولورلر ایدی * بو جهتله اولاد وحواشیسی دخی تحاشی ایلدیلر بو حال
زار ایله مقدمجه عازم دار البوار اولان یاران تبارنه ملحق اولدی * انضمام
حرارت هوا ایله اوج کونه قدر اعضای لاشه سی متلاشی اولمغله تعفنندن
ناشی کمسه ده قدرت تقرب اولمیوب اخر کار طعن وتشنیع قریشدن عار
ایدوب بر حفرهٔ عمیق حفر ایلدیلر * وایراقدن اوزون اغاجلر ایله جیفهٔ
کثیفه سن دفع ایدرک اول حفره یه کتوروب القاولعن ونفرین کبی اوزرینی
سنکسار ایدرک ستر واخفا ایلدیلر * ومکه خلقی مقتول مخذوللری اوزره
برای مدت ندبه ونیاحت ایلدیلر * غریبه * نخبهٔ اهل وثوق ابن مرزوق
علیه الرحمه دن منقولدرکه * عبدالله بن عمر رضی الله عنهما بر دفعه حسب
المصلحة یولی قلیب بدره اوغرایوب کوردیکه بر کسه زیر تعذیب واشکنجه ده
بی تاب ونالـه وانینی پیوسته نه قباب اولور * حضرت عبداللهی کوریجک
یا عبدالله دیو ندا ایلدی عبدالله عجبا اقدمدن نامم معلومیمی یوخسه علی العاده
مجهول الاسم نداسیمیدر دیو اشتباه ایدرک اول کمسه جانبنه متوجه اولدقده
مدد بکا بر صو احسان ایله دیو اظهار سوز عطش ایلدی * عبدالله دخی
سقاقیدنه دوشیجک تعذیب وتنکیلنه مؤکل اولان سیاه چهره مهیب الصوره
بر شخص غریب الهیئه اولمغله * یا عبدالله الحذر که بو کمسه کشتکان بدردندر
دیو منع ایلدی * ینه موسی الیهدن منقولدرکه اکثر حجاج کرامدن کوشزدم
اولور ایدی که وادیٔ بدره کذار شلرنده صدای کوس پادشاهی کبی اواز
اشیدوب نصرت اهل اسلامه اشارت ملاحظه ایدرز ایدی * بو داستان غریب
وجدانمده بر وجهله قرار داده اولمامغله کاه انکار وکاه عجبه * غالبا زمین بدر
بغایت صلب اولمغله اوازپای ستوران اولمغله حمل ایدر ایدم لکن اول وادی بتون
ریکستان اولوب واکثره بیابان نوع اشتران اولمغله * ارض صلبه ده ایاقلرندن
صدا ظهورا یتمز ایکن ریکستانده صدوری بعید الاحتمال اولدیغنی اخبار

ایتمریله تأویل مزبور فسخ اولوب * لکن بو حالت خیلی مدت خاطرمده
موجب خلجان اولوب تا که توفیق الهی ایله حرمین محترمین طرفنه راهی
اولدم کیفیت مرقومه خاطر نشانم اولمیه رق وادیٔ مزبوره وصولمزده
اتفاق راحله دن اینوب پیاده روان اولمغه بشلدم المده حالا ام غیلانله
مسما شجر سعداندن بر عصا اولوب ویانمده شتربانلردن یالکز بر غلام اعرابی
وار ایدی اول غلام بکا خطاب ایدوب اشبو اوازی ایشیدیورمیسن دیدی *
همان خبر ویردکاری کیفیت خاطرمه کلوب هر موی بدنم سوزن سر تیز کبی
جامه لرمدن باش کوستوردی قولاق طوتدم واقعا طبل صداسی کلیور
مسرتدن یاخود هیبتدن بنی تمام دهشت الوب اندامیمه لرزه دوشدی * لکن
اول هنکامده هوا روزکارلی اولمغله غالبا صدمهٔ باد ایله اشبو عصا اظهار صدا
ایدر دیو احتمال ویردم * حقیقتنه اطلاع استحصالی اقصای امالم اولمغله اول
عصایی المدن براقدم ینه قولاق طوتدم که صاغ طرفدن علی التحقیق بیدربی
کوس اوازی کلیور * بعده وادیٔ بدره نزول اولنوب زمان ارتحاله قدر اول
اوازمتواترا مسموعم اولدی * بعض ارباب حقایقدن اول صدانک استماعی
عام اولمدیغی مسموعم اولمشدر * غزوهٔ کدر * ولادت باسعادتک اللی طقوزنجی
سنه سی شوال المکرمی اوائلنده غزوهٔ کدر که غزوهٔ قرقره ایله مشتهردر *
واقع اولمشدر قرقره بر ارض ملساء اسمیدر * وکدر * ضم کافله بوغرتلق
قوشندن بر نوعدر بوزر نکلو وقارنی وارقه سی الاجه بوغازی صاری اولور
منتهای غزا اولان صو اطرافنده اول قوشلر چوق اولمغله کدر ایله تسمیه
اولندی * سبب غزوه بودرکه بنی سلیم وعطفاندن بر جماعت قرقرة الکدر
نام محلده جمعیت اوزره اولدقلری مسموع صاحب سعادت اولمغله * سباع
ابن عرفطه مدینه ده نامزد خلافت نبوی ولوای ظفر التواسایه فکن دوش
مرتضوی بیوریلوب * مهاجرین وانصاردن ایکیوز مرد جانسپار ایله
اولجانبه الغار بیوردیلر * محل مرقومه وارلدقده بر متنفس کورلمیوب
اوج کون انده ارام واستراحتدنصکره طیبهٔ طیبه یه رجعت اولندی * غزوهٔ
سویق * اصلی بودرکه ابو سفیان معرکهٔ بدردن تخلیص جان ایدوب مکه یه
ورودندنصکره قریش مشرکلرینه اصابت ایدن هوان ونکبت کندوسنی
بی ارام وراحت ایتمکله * اهل اسلام اوزره عسکر چکوب انتقام المدقچه
زوجه سنه قربان واندامنه ادهان ایتماملک اوزره نذر وپیمان ایتمکین *
بر کون ایکیوز سوار ایله مکه دن چیقوب مدینه یه مسافهٔ قربلی اوج میل
اولان نبیهٔ مصغر ایله عریض ناحیه سنه ورود وانصاردن کار زراعته مشغول

برمسلمانی قتل وبرمقدار خرما اشجارنی احراق بالنار ایدوب بو مرتبه ایله
رقبه‌سی ربقهٔ عهد ونذردن خلاص اولدی ملاحظه‌سیله طرف مکه‌یه
تحویل عنان ادبار ایلدی * بو خبر بالغ سمع سید البشر اولدقده ابولبابه‌یی
مسند خلافته اجلاس بیوروب مهاجرین وانصاردن ایکیوز سوار ایله
ابوسفیان عقبندن الغار بیوردیلر ابوسفیان تعقیب لشکر رحماندن خبردار
اولمغله سبکبار اولمق ایچون زاد راهلری اولان سویق انبانلرین دوکوب جنود
اسلام انلاری براوردهٔ قبضهٔ اغتنام ایدرلرایدی * تلاقی فریقتکان دور
وادیٔ امکان اولمغله قرقرة الکدردن صوب طیبه‌یه عطف عنان اولندی *
سویق ترکیده قاووت تعبیر اولنور بیجکدر * غزوهٔ بنی قینقاع * ضم نونله
اشهردر یهود بیننده شجاعتله متصف برقبیله‌در وزرکر اهل مدینه‌در * عبارة
ابن الصامت وعبدالله بن ابی بن سلول ایله حلیفلردر هجرتدنصکره یثرب
زمین خلق التی صنف اولمشلرایدی * برصنفی مؤمنین ایکنجیسی منافقین که
ظاهرلری اسلام وباطنلری کفار ایله التیام اوزره ایدی * اوچنجیسی اهل
کتاب که یهود طائفه‌سندن بنوقریظه وبنونضیر وبنوقینقاعدر
حضرت رسول الله ایله محاربه ایتمیوب واعدای دین اهل اسلام اوزره *
تحریک واغرا ایلمامک اوزره مصالحه ومعاهده ایتمشلرایدی * دردنجیسی
مشرکون محاربون درکه مخاذیل قریشدر * بشنجیسی متارکون درکه
عواقب احواله ناظر اولوب لکن صمیمی غلبهٔ رسول الله خاطرخواهلری
ایدی بنوخزاعه کبی * التنجیسی ینه متارکون منتظروندر لکن ظهور
اعدادن محظوظ وممنونلردر بنوبکر کبی * ویهود طائفه‌سندن اول نقض
عهد ایدن بنوقینقاع اولمشدر سببی بودرکه برمسلمه خاتون دوه وقیون صاغمق
ایچون مدینه‌ده بنوقینقاع بازارینه کلوب بعد البیع بعض مصلحتی ضمننده
قبیلهٔ مسفوره زرکراندن برینک دکاننده وقفهٔ جلوس ایلدی زرکر مرسوم
زنبارهلک صنعتنده دخی تردست اولمغله نقابنی کشف ایتمک قیدنده اولیجق
خاتون امتناع ایدوب بعده برتقریب دامننی ارقه‌سنه بند ایتمکله حین قیامده
جای عورتی منکشف اولمغین اطرافده اولان یهود ملعنت مساق خنده‌زن
طعن ومذاق اولیجق اول مخدرهٔ پاکیزه‌نهاد اهل اسلامه استغاثه وفریاد ایلدی
اول محلده حاضر برمسلمان برمقتضای غیرت دینیه اول یهودیی قتل ایدوب
یهود دخی تجمع واول مسلمانی عرضهٔ تیغ طغیان ایتمکله اوزرلرینه
سفر اقتضا ایتمشدر * بنابرین حضرت شهنشاه کشوردین علیه الصلوة
فی کل حین مدینه‌ده ابولبابه‌یی خلیفه تعیین بیوروب لوای بیضاووش حمزه‌ده

سایه بخشا اولدیغی حالده حصار بنی قینقاع اوزره عنان عزیمتی ارخا بیوردیلر
وصوللرنده لشکر ابرار اول حصار استواری دائرا مادار احاطه ایدوب
لکن یهود ملعنت اعتیادک حصانت حصاره اعتمادلری اولمغله متثبت
معقل عناد اولوب اون بش کون لیل ونهار بالای قلعه‌دن اتش وسنک
وناوک وخدنک ایله مقام مقاومتده پایدار اولدیلر * کمدرک صفحات
حاللرنده امارت خیبت وخسران عیان ووجنات احواللرنده کدرت نکبت
وخذلان نمایان اولمغله ناچار مدت محاصره‌نک اون بشنجی کونی بعض
شروطی مشتمل طالب زنهار اولدیلر * حضرت سلطان الانبیا وجه
مستدعالری اوزره امانه رضا ویرمیوب بنم حکمم اوزره چقسونلر استرسم
عفو واسترسم قتل ایدرم بیورملریله * بالاخره بو قضای قدر مضایه صورت
تسلیم ورضا کوستروب اوچیوز نفری زره پوش ودرتیوزی برهنه
جمعا یدیوز کشتنی بدکهر درون حصاردن بدر اولدیلر * حسب الامر
الشریف اللرین قفالرینه بند ایدوب سیاستکاهه توقیف ایلدیلر *
کذارشیدنر اولدیغی اوزره عبادة بن صامت وعبدالله ابن ابی بن سلول
انلر ایله همسوکند اولمغله عباده تبری ایدوب یارسول الله بن بونلرک حلف
وموالاتندن ابرای ذمت والله ورسوله تولی وتبعیت ایلدم دیو پیمانلرندن
کریبان افشان اولدی * لکن منافق ومخذول ابن ابی بن سلول اول قوم
ذلولله یکرنک اتحاد باطنی اولمغله یا محمد بنم محبلرمی بغشله دیو سیف
سیاستدن خلاصلرینی رجا ایدوب قرین سمع قبول اولمامغله لعین بیحیا
حضرتک ظهر سعادتنده اولان ذات الفضول نام زره کریبانته یاپشوب *
تکرار بو وضع بی اصولله نغمهٔ رجایی شعبه غنا ایلدی * حضرت رسول
اللهک تأثیر بخار غضبدن رنک رخسار تابدارلرنده اثر حمرت بدیدار اولوب
ویحک ارسلنی بیوردیلر * ینه صالیویرمیوب بونلاره احسان ایتمدکجه
صالیویرمم زیرا بونلر هرحالده بنم اهل مظاهرت وعزتمدر وبن احداث
فلکیه‌دن مستشعر برکسنه‌یم دیو ینه ساز نیاز واسترحامه ضرب تازیانهٔ
ابرام ایلدی * اول کستاخ بدادانک ترهات کدر بخشاسندن تخلیص
سامعه ایچون حلوهم لعنهم الله ولعنه معهم بیورمغله جمله‌سنک بندلرین
الدیردقدنصکره خذهم لا بارک الله لک فیهم تعبیریله یدنه تسلیم * واوچ
کوندن زیاده اول مقامده ارام ایتمیوب طرف دیکره جلا ایتمک بابنده
امر عالی اصدارونی واجلالری خصوصنه عبادة بن صامت مباشر تعیین
بیورلدی اوچ کوندنصکره یکسره خطهٔ یثرب زمیندن طرح سواد

ثقلت ايدوب بلاد شامدن اذرعات نام بلده ده القاء كلفة اقامت ايلديلر *
اوزرلرندن حولان حول دائرا ولمقسزين جملەسى دار البواره حاضر اولوب
من بعد بر موجب دعاى حضرت رسول اول قوم مخذولك اثر مينتى مشهود
ابن سلول اولمدى * بقيهٔ اموال واسلحه لرى قبض اولنوب اندوختهٔ
دست قتال اولمامغله فى مخصوص رسول مفضال ايكن مال غنيمت كبى
معامله بيوروب افراز خمسدن صكره بين الغزاة تقسيم اولندى * بعث سالم
سنهٔ مزبوره ده شيخ ضال ابو عفك يهودى قتلنه غزوهٔ آتى الذكر تبوكده
احد بكائين سبعه اولان سالم بن عمير تعيين وارسال بيورلدى * پير مرسومك
سنى يوز يكرمى يه بالغ اولوب دائما كارى تازيانهٔ اقداميله خركاهٔ
كفارلئامى شيردلان اسلام اوزره * تحريك واغرا واشعاربى اعتبارنده
قدح وهجاى مسلمينه اجترا ايتمكله * حضرت رسالتمدار اول ملعون
ضلالت كرداردن دلفكار اولمغله من لى بهذا الخبيث ديو ازالهٔ وجود
پرتلويثنى اشعار بيوردقده * سالم بن عمير متعهد اولوب اول پيرنا بالغه مبلغ
پيام مرك اولمق ايچون مترصد مرصد فرصت اولدى * بر ليلهٔ حاره ده
لعين مسفور فناء خانه سنده بستر نشين اسايش وحضور ايكن سالم بن عمير
قضاء نا كهانى كبى سر وقتنه نزول وجكر كاهنى نيام سيف مسلول ايليوب
لعين بدنهاد جان اچيسيله فرياد ايلدكده باشنى كسمكه مجال قالمامغله
سالم مرافقت سلامتله دركاه سعادتنه عازم اولوب كيفيتى عرض حضور
سيد حصور ايلدى * لعين مرسومك اصحاب ومتعلقاتى * صيحه سندن
بيدار اولوب جسد مردارينى درون داره ادخال ايلديلر * سالم بو وقعه يه
بر وجه محرر تنها عزيمت ايتمكله صحايف سيرده بعث ايله مقرر اولدى *
عفك فتح عينله حماقت معناسنه در *

* غطفان بحران احد حمرا سرى * محمد زيد رجيع من قرى *
غطفان كلمەسى فتح غين معجمه وطاء مهمله ايله در وزن ايچون طاء اسكان
اولندى بيت اولده واقع غزا النبى المطاع فعلنك مفعوليدر * والف ونون
وعلميتله غير منصرفدر * بحران واحد وحمرا تقدير عاطفله معطوفلردر *
دال احد وزن ايچون اسكان اولندى حمرا ممدوده در اتزانا قصر اولندى *
سرى ماضى معلومدر محمد بن مسلمه فاعليدر * زيد تقدير عاطفله معطوفدر
رجيع ووقع فيها سرية الرجيع تقديرنده در * من قرا كلمه سنده من اسم
موصولدر قرا فعلى صله سيدر جملەسى تقدير عاطفله وقع سرية الرجيع
اوزرينه معطوفدر * ووقع سرية من قرا القران موقعنده در مراد سريهٔ قرادر

تتمكه ذكر اولنور انشاء الله تعالى * بو بيتده سكز لايحه مندرجدر * غزوهٔ
غطفان * غزوهٔ بحران * غزوهٔ احد * غزوهٔ حمرا الاسد * سريهٔ محمد
ابن مسلمه * سريهٔ زيد بن حارثه * سريهٔ رجيع * سريهٔ قرا * غزوهٔ غطفان
غطفان بنو محاربدن بر بطن در ارباب سير بو غزايه غزوهٔ انمار وغزوهٔ ذى
امر دخى ديرلر بفتح الهمزة والميم وتشديد الراء ديار غطفانده بر صو ياخود
بر موضع اسميدر * سببى بودر كه عصفور روزنتده دعثور غطفانى نام شرير
بد فرجام تحريكيله بنو محارب وبنو ثعلبه دن بر جمع ذى امر نام محلده
محتشد واطراف مدينه يى غارته مترصد اولدقلرى واصل سمع همايون اولمغين
حضرت ذى النورين مدينه ده خليفهٔ سيد الكونين اولوب درتيوز اللى
نفر صف شكنان مهاجرين وانصار ايله بالنفس اول طرفه توجهكار اولديلر
اثناى راهده بنو ثعلبه دن بكسر الحاء المهمله حباب نام بر شخصه تصادف
اولنوب * احوال خسران مآل ارباب ضلالدن سؤال اولندقده انلار سزه
ملاقى اولمزلر وسزلرى ايشيديجك شواهق جباله فرار ايليه جكلرى دركار
اولمغله * بهر حال دوچار صعوبت اولمكز اغلب احتمالدر سزكله بن برابر
كيدوب اول قوم مستحق اللومى سزه ارائت ايده يم ديدى * حضرت
سيد الانام اكا عرض اسلام ايدوب هدايت بارى يارى اولمغله همان ايمان
كتوروب مسلمان اولدى * حضرت رسول الله انى بلاله همراه بيورديلر
دلالت حبابله اول طائفهٔ شقاوتمآب اولدقلرى محله وارلوب جنود اسلام مبانه
تاب اورمقاومت اولميه جقلرنى تحقيق واذعان ايتمريله * صعب المنال
شواهق جباله كريزان وكوشه بكوشه پنهان اولديلر * بر كزيدهٔ عالم
صلى الله عليه وسلم حضرتلرى ذى امر نام مقامه شرف نزول ارزانى بيوروب
امر يزدانى ايله اول كون بر شديد باران اولمغله * هر كس اثواب واسبابنى
قورتمغه مشغول اولديلر حضرت صاحب سعادت دخى مبارك جامه لرين
براغاجه مروب التنده تك وتنها فرش غبرا اوزره وضع پهلوى استراحت
ايلديلر * قلهٔ كهساره التجا ايدن روبه منشان فرصتجويان بو حالى كوردكده
بينلرنده شجاعتله ممتاز اولان دعثور فتنه پردازه * مصراع * بو يله
فرصت هر زمان دوشمز الينه آدمك خواسنى تلقين ايله حاشا سيد المرسلين
حضرتلرنى قتل ايتمكه اغرا ايلديلر * دعثور عاقبت حالدن بيعثور اولمغله
اول عشاره اجتسار برله تيغنى ميانته حمائل ايدوب بالاى كوهدن
سر وقت نبوى يه نازل اولدى * ومن يمنعك اليوم منى ديو حضرتنه شمشير
حواله ايلدى حضرت جليل الخطر بنى سندن خير الحافظين اولان

رب العالمین حفظ اید ر یوردیلر * اول حالده جبریل علیه السلام نازل اولوب سینهٔ دعثوره بر ضربهٔ کوه انداز حواله ایلدیکی بی اختیار خالد ادباره معلق ساز اولدی * و قلجی الندن صچرایوب بر طرفه دوشدی حضرت رسول الله تیز اول تیغ خونریزی الوب من یمنعك منی دیو مرد دعثوره * حواله یوره جغی انده دعثور حقیقت حاله واقف اولوب بودم بکا ضربهٔ تیغکدن پناه یوقدر اشهد ان لا اله الا الله وانك رسول الله دیوب خلوص تامله ملتجیٔ حرم اسلام اولدی * حضرت رسول کریم ینه قلجنی کندوسنه تسلیم یوردیلر طرف نبویدن رخصتیاب انصراف اولوب قوم و قبیله سنی نعمت اسلامه داعی اولدی * انلار دخی کیفیتدن استنبا ایلدکده بر سپید چهره بالاقد کسنه هویدا اولوب سینه مه اویله اوردی که بی اختیار ارقه م اوزره یقلدم و یقینا فرشته اولدیغی معلوم اولمغله ایمان کتوردم دیدی * یا ایها الذین امنوا اذکروا نعمة الله علیکم اذ هم قوم ان یبسطوا الیکم ایدیهم فکف ایدیهم عنکم کریمه سی بو بابده نازل اولدی * غزوهٔ بحران * بحران فتح بای موحده * ضم ایله ده جائزدر و سکون حا ایله مدینه یه سکز برید مسافه ده بر موضعدر برید درت فرسنك مسافه اولمغله اوتوز ایکی فرسنك ایدر بو غزایه غزوهٔ بنی سلیم دخی دیرلر اصلی بودر که * بنو سلیمدن بر جمع کثرت بحران نام محلده عقد جمعیت و بر فساد اجراسنه نکران سمت فرصت اولدقلری معروض درکاه رسالت دستکاه اولدقده * مدینه ده ابن ام مکتوم استخلاف اولنوب حضرت سید البشر علیه الصلوة ما طلع الشمس والقمر اوچیوز دلاور ایله اول جانبه عنان انکیز عزم و سفر اولدیلر * محل مزبوره رمح کذاریت منصور اولدقده مقدمجه مباهلرینه متفرق اولمش بولنمغله اهنك راه قفول اولنوب عز و علا ایله دار الملك مخلد الاعتلایه شرفبخشا اولدیلر * غزوهٔ احد * لفظ احد ضمتینله جبال مدینه دن بر جبل اسمیدر جبال سائره دن متوحد اولمغله احد ایله تسمیه اولندی * سببی اولدر که مسلوك قدم قلم اولدیغی اوزره فضالهٔ فریسهٔ شیر شمشیر مسلمین اولان کروه مشرکین ملحمهٔ بدردن رجوع ایدوب مکه یه وصوللرنده ابو سفیانك سر قافله اولدیغی کاربانده مستصحب اولان امتعهٔ تجارت برسم ودیعت دار الندوه ده موضوع اولمغله * متعینان قریشدن عبد الله بن ربیعه و عکرمه ابن ابو جهل و صفوان بن امیه اتفاقله اصحاب امواله واروب مشهود کزدرکه حضرت محمد بزلری نه کونه کرفتار غل ذل و خسار و اکثر اشرافمزی دوچار تیغ دمار ایلدی * بوندنصکره النار ولا العار خواهی اخذ ثار اولنمز ایسه

هلاك اولمق هزار بار افضلدر * فالدیکه اشبو رأس المال تجارتدن اندوخته اولان ربح که خالص اللی بیك التون ایدی * بزه انکله اعانت ایلسکز بزدخی عسکر بیکران جمع ایدوب اهل اسلامدن اخذ انتقام ایدردك دیدکده انلار دخی تحصیل ناموس عشیرت ایچون راضی اولوب اول ماللهٔ مایهٔ معاونت اولدیلر ان الذین کفروا ینفقون اموالهم لیصدوا عن سبیل الله فسینفقونها ثم تکون علیهم حسرة ثم یغلبون کریمه سی بو خصوصده نازل اولدی * القصه بو عزیمته قرار ویردلوب ترتیب مهمات و تجهیز عساکر واده ابتدار ایلدیلر صفوان بن امیه شعرای عربدن ابو عزه یه بو خصوصده سیف اسانکله بزه امداد ایله اکر صحت و سلامتله مراجعت میسر اولورسه کیسهٔ امالی مالله مالا مال ایدرم * و اکر حال دیکر کون اولورسه دخترلرك کندی دخترانمله همزندکانی اولمق اوزره جمله یبرای اتحاد اولورلر دیدی * ابو عزه ملحمهٔ بدرده نکاریدهٔ خامهٔ بیان اولدیغی اوزره پیغمبر ذیشانله مباتلرنده کذران ایدن عهد و پیمانی پردهٔ روی نیاز صفوان ایلدی * اخرکار ابرام بیشمار ایله الزام ایدوب مسافع نام شاعر ناعر ایله استنفار قبائل و عشائر ایچون اطراف ام القرایه ارسال ایلدیلر * مقدما وقعهٔ بدرده طعمهٔ تیغ حمزه اولان طعیمه نك برادرزاده سی جبیر بن مطعم غم عم ایله دائما نالان و زخم دلنه جبیره جویان اولمغله * اول هنکامده وحشی نام حبشی غلامنه که نیزه کذاران حبشه کبی حربه اندازلق صنعتنده صاحب مهارت ایدی * اکر خلال حرب و قتالده بر تقریب حمزه یی قتل ایدرسن رقبه کی قید رقیتدن اطلاق ایدرم دیو منطقه بند عهد و میثاق اولدی * ماحصل دلخواهلری اوزره تدارك و عسکرلری مکمل اولوب و اشراف قریشك مجموعی معسکر منحوس الاثرده حاضر اولدیلر * و هر منزلده کشتکان بدری اخطار و تشجیع ارباب کیر و دار ایتمك ایچون * دفوف و معازفلر ایله نیجه مخنثات و جواری مغنیات استصحاب * و پابند کریز اولمق ایچون اشراف قریش کندی خاتونلرینی دخی همرکاب ایلدیلر * حضرت عباس روز بدرده دوچار اولدیغی رنجش و ازاری بسط ایله دامنکیر اعتذار اولمغله متخلف اولوب و قطعا سمت اعانتلرنده دخی بولنمدی * و بو قضیه یی مشعر بر مکتوب تحریر و بر مرد غفاری یی اوچ کونه قدر مدینه یه ایصال ایتمك شرطیله استیجار ایدوب طرف سید الابراره تسییر ایلدی * مکتوب مزبور محلهٔ قباده رسیدهٔ عز حضور اولوب بعد فتح الختم ابی بن کعب قراءت و مفهومی محاط علم سعادت اولیجق کتمانله امر و وصیت یوردقدنصکره خانهٔ سعد بن ربیعه

نزول ایدوب وصیت کتانله مضمون مکتوبدن خبردار ورواالله الی لارجوان
یکون خیراتعبیریله متانت جنان وحسن خیریت پایانی اشعار بیوردیلر *
سعادتله خانهٔ سعددن مفارقت ایلدکدنصکره سعدك زوجه‌سی خبرنویدن
استعلام ایلیوب سعد دخی سنك امورندن دکلدر دیو صورت رد ومدافعه
کوستوردکده مکر برکوشه‌دن استراقه ایتمش اولمغله * سربسر بجهر نامه‌یه
وقوفنی سعده اخبار ایلدی * سعد استرجاع ایدرك دست زوجه‌سندن
طتوب حضور رسول اللهه کلدیلر * وراز سربسته‌دن اکاه اولدیغنی
خبرویروب قورقرمکه برمقتضای تنکئ حوصلهٔ زنان سرمنی بورفاش
وعیان اوله دیدی * حضرت سلطان الانبیا حل عنها تعبیریله تخلیه سنه
امر بیوردیلر * واقعا اولکون بوخبر دهشت اثر مدینه‌ده منتشر اولوب
هرکوشه‌ده انجمن کفتکو پیدا اولدی * بری جانبدن سرخیل شقاکاران
ابوسفیان مستصحبی اولان اوچ بیکدن قریب قریش ومسفلهٔ مکه‌ده واقع
حبشی نام جبل دامننده مقدما قریشله همدست اتفاق اولمق اوزره سوکند
ومیثاق ایتمك علاقه‌سیله احابیش ایله شهرتشعار اولان بنو المصطلق وبنو
الهون بن الخزیمه عشیرتلریله علم افراز عجب وغرور اوله‌رق شهربند عن
وسرور اولان مدینه طرفنه توجیه وجه شر وشور ایلدیلر * ایچلرنده یدی یوز
زره پوش اولوب ایکیوز آت واوچ بیك دوه‌لری وار ایدی طی مراحل ایدرك
حذای مدینه‌ده ذوالحلیفه نام محله نازل اولدیلر * یهود ومنافقین میانهٔ
مسلمینه کوناکون اراجیف القا ایدوب هر طرفده قیل وقال ظهور
ایتمکه بشلدی * حضرت رسول الله ایکی جاسوس ارسال ایدوب کمیت
وکیفیت مشرکینی کرکی کبی تحقیق ایلدکدنصکره واقع حالی عرض
سدهٔ جاه وجلال ایلدیلر * مشرکین برکین ابوا نام محله وصوللرنده مقدما
ملحمهٔ بدرده عتبه حضرت حمزه‌نك داروی هوشبر شمشیرندن تجرعکله طرف
اسلامه جله‌دن زیاده حقد وعداوتی اولان دختر بد اختری هند نام فاجرهٔ
جهان کدا ابوسفیانك زوجه‌سیدر * کمال خصومتندن ناشی محل مرقومده
اسوده اولان مادر پاکیزه کهر سید البشرك مرقدی نبش واستخوانلری
استصحاب اوله‌نه برزدن افتادهٔ دام اسر اولان اشخاصك هربرینه برعضوی
بدل خونبها اولور ایدی دیو شیطنته اغاز ایلدکده * بعض عقلای قوم
اظهار بیکر انکار ایدوب قبیلهٔ خزاعه محب اسلامیان اولمغله بونی
ایشیدیجك بزم دخی موتامزی اخراج ایدرلر دیو رضاداده اولمدیلر * ذکر
اولندیغی اوزره حرکهٔ کفار بدطینت مقابل مدینه‌یه طرح سواد ثقات

ایلدکلری کیجه سعد بن معاذ واسید بن حضیر وسعد بن عباده اراستهٔ سلاح
اولوب مسجد شریفده باب سعادتخانهٔ نبوی اطرافنده تا بصباح قائم
خدمت پاسبانی اولدیلر * حضرت سید الورا اول کیجه رؤیاده کوردیلرکه
مبارك ارقه‌لرنده برمستحکم زره اولوب ومیدانده برکاو فربه ذبح اولندی
وذبابهٔ سیفی رخنه‌دار اولمش ویدمؤیدلرنی زره‌مزبورك کریبانه ادخال
بیورمشلر وبرعظیم الجثه قوچ ارداف بیوررلر صباح اولدقده صورت منامی
اصحاب کرامه تقریر بیوریجق نیازمند تعبیر اولملریله بیوردیلرکه اول کاوك ذبح
اولنمسی بعض اصحابك شهادتیدر قلجك رخنه‌دار اولمسی اهل بیتمدن برینك
سوی بقایه عزیمتیدر وارقه‌مده اولان زره حصینهٔ حصن مدینه‌در واول
قوچك اردافی حماة مشرکیندن برینك قتل اولنمسیدر دیو تأویل بیوردیلر *
بو رؤیای صادقه‌یه بناء حضرت سید الانام اصحاب کرامه علی وجه
الاستشاره توجیه کلام ایدوب اکر مناسب ایسه مدینه‌دن چقمیوب زمرهٔ
اعدا حالیا مطرح ثقلتلری اولان مقامده اقامت ایدرلرسه شرمقامله مقیم
اولورلر واکر اوزرمزه اقتحام وهجوم ایدرلرسه بزدخی مدافعه‌لری
خصوصنده صرف نیروی بازوی مقدرت ایدرز بیوردیلر * ودستیاری
اهتمامله مدینه‌نك هرطرفی کوچه‌بندلر ایله تحصین ودائر امادار تشبیك
وترصین اولنمشیدی * اکابر مهاجرین وانصار حضراتی دخی بورأی رزینی
ترجیح ایدوب حتی رئیس المنافقین ابن ابی بن سلول ایله دخی بوبابده مشورت
بیورلمغله * اول دخی بوتدبیر دلپذیری معقول کوروب یارسول الله زمان
جاهلیتده اوزرمزه بردشمن ظهور ایلدکده طشره چیقوب اهنك جنك
ایلدیکمز صورتلرده دائما رسوائی هزیمت بزم طرفده رونما اولوب ومرکز
مزده نطقه وارپای افشار ثبات واستقرار اولدیغمز حالتلرده فضاحت
مغلوبیت جانب دشمنده هویدا اولور ایدی * پس مصلحت بودرکه حاللری اوزره
ترك اولنوب اولدقلری محلده مکث ایدرلرسه سوء منزلده مکث ایدوب
اوزرمزه کلورلرسه رجالمز مواجهه‌لرندن الات حربله کارزار واطفالمز
قفالرندن سنکسار ایدرلر عودت ایدرلرسه خسران وخیبت رفیق طریقلری
اولوردیدی * لکن غزای بدردن محروم اولان جوانان جنکجویان
یارسول الله اکر بز مدینه‌ده تحصن ایدرسك مشرکلر ضعف وجبانتمزه
حمل ایدوب انلاره باعث جرأت اولمغله اوزرمزه شیر کیر اولورلر طشره چقمغه
رخصت ارزانی بیوریله که بالمقابله اهنك مقاتله ایده‌لم خداحق طائفهٔ
عربی بروجهله دارود یارمزه داخل اولمغه متشوق ایتمز بوانه قدرولایتمزی

استيلا ايدن اعدايه مغلوب اولنمبوب شمدی ايسه ميانمزده جناب سعادت
پا برجای مقام صلابت نبوتدر ديو دامنگير نيازوابرام اولديلر * حضرت
حمزه دخی بورأيده انلاره موافقت ايدوب يارسول الله سكا كتاب كريم
انزال ايدن حضرت ذوالجلال حقيچون بيرون مدينه ده كفار ايله
روبرو وكارزارا يتمدكجه لقمه تناول ايتمم ديو يمين ايلدی * بالاخره حضرت
صاحب رسالت دخی چهره نمای موافقت اولوب مع الكراهه طشره چقمغه
تصميم ايلديلر * اولكون جمعه اولمغله حضرت عليه السلام ادای صلوته
قيام ايدوب ختام خطبه ده وعظ ونصيحت ومجاهدين مبادرين ذينی
ترغيب غزو ومجاهدت بيوروب اكر ميدان كفاحده اظهار صبر وثبات
ايدرسكز حق جل وعلی سيزه فيروزی ونجاح روزی ايدر ديو بشارتله
متانت ايتملرينه اشارت بيوردقدنصكره * تهيئۀ ادوات قتاله مباشرتله
امر بيورديلر * انلاردخی فرحناك اولوب كارسازی كارزاره سازكار اولديلر
بعد صلوة العصر شيخين مكرمين ايله حجرۀ مطهره لرينه داخل اولوب عمامۀ
شريفلرين سر سعادت افسرلرينه راست ايتديلر * ومبارك ارقه لرينه بری برى
اوزرندن ذات الفضول وفضه نام ايكی زره داودی كيوب وحمائل سيفندن
بربند ايله ميانی كمرواری بيوند ايلديلر * وميانۀ كتفنه بر سپر صالوب
سكب ايله نامدار اسب صبا رفتارلرينه سوار واللرينه بر نيزۀ خارا كذار الوب
سعادتله طشره چقديلر * فاتحه * ذكر اولنان ذات الفضول نام زره شريفلری
ملحمۀ بدره تشريفلری هنگامده سعد بن عباده ارسال ايدوب حضرت
پيغمبر ذيشان خرامان روضۀ جنان اولدقده بر يهودی عهده سنده مرهون
بولنمغله حضرت صديق يد يله افتكاك اولندی * وفضه نام زره مبغفلری
غنايم بنی قينقاعدن حصۀ عاليلرينه اصابت ايتمشيدی * تقه * سعادتله
خروج سيد الابراره صف بستۀ شاهراه انتظار اولان مهاجرين وانصاره
سعد بن معاذ واسيد بن خضير لسان توبيخله بو بابده كستاخانه وضع نابجا
ايله حضرت رسول اللهی طشره چقمغه اكراه والجا ايلديكز مناسب
اولان رشتۀ اختياری يد قبضۀ ارادت سعادتمدارلرينه تسليم ايلمكدر ديو لوم
ايتملريله جمله سی متنبه اولوب * حضرت رسول سعيد مانند خورشيد
سعادتخانه لرندن بديدار اولنجق * بكقدمه اغاز نياز ايدوب يارسول الله بو وضع
فضولانه دن جمله مز ندامتكار وبيرون وظيفه مز اولان ثقلت ابرامدن
شرمسار اولدق * من بعد امر سزكدر قنغی طرف مسلوك قدم توجه
بر شرف بيورر بلور ايسه صراط مستقيمدر ديو فرمان عاليلرينه صورت

تسليم

تسليم كوستورديلر * قائد الجيش اسلام عليه الصلوة والسلام حضرتلری
بو جوابك محلی فوت اولدی بن سزی درون مدينه ده اقامته ارشاد ايلدم
سز كريوۀ مخالفته قدم نهاده اولديكز بر پيغمبره لايق دكلدركه سلاح پوش
اولدقدنصكره اعدای دين ايله جنك ايدوب امر الهی نه ايسه ظهورا يتمدكجه
اول سلاحی چيقاره بيورديلر * بعده اوج لوای نصرت النوا عقد ايدوب
لوای اوسيانی اسيد بن حضيره ولوای خزرجيانی حباب بن منذره
علی روايه سعد بن عباديه ولوای مهاجرينی حضرت مرتضايه تفويض
بيورديلر * حامل لوای كفاری بعد الاستخبار زمان جاهليتده اصحاب
لوا اولان بنو عبد الداردن طلحه بن ابی طلحه اولديغی معلوم شريفلری اولدقده
لوای مهاجرينی دست مرتضادن الوب فی الاصل ابنای قبيلۀ مزبوره دن
اولان مصعب بن عميره تسليم بيورديلر * شمارۀ جنود ابرار بالغ عقدۀ
هزار اولوب يدی يوز مهاجرين وانصار واوچيوزی ابن ابی بن سلول
هوادارلری ايدی * منشور خلافت ابن ام مكتوم عنوانته ترقيم
اولندقدنصكره اقبال وسعادتله پا بركاب عزيمت اولديلر * سعد بن معاذ
وسعد بن عباده زره پوش دوستارۀ سعد اسا پيشرو ركاب قرتاب اولدقلری
حالده روانه اولديلر * رأس ثنيه يه ورودلرنده بر كروه انبوه سواد
منظرۀ سيد الابرار اولمغله بونلر كيملردر ديو استفسار بيوردقلرنده ابن سلولك
همسوكندلری اولان يهوديدر بودن بر طائفه دركه اعانت قصديله معسكر
نصرت اثره ملتحق اولدقلرين اخبار ايتدكلرنده * حضرت سيد الانام
انلاره عرض اسلام بيورديلر * مظهر نعمت اجابت اولميجق سرور عالی همم
صلی الله عليه وسلم حضرتلری انا لا نستنصر باهل الكفر علی اهل الشرك
بيوروب اول كروه ضلالتنهادی طرد وابعاد ايلديلر * بونلار ابن سلولك
بنو قينقاعدن اولان همسوكندلری دكل ايدی زيرا انلار باعمال خامۀ
بديع المقال اولديغی اوزره شام طرفنه اجلا اولنديلر * چون موكب رسول
الكونين ايكی جبلدن عبارت اولان سخين نام محله واردقده سپاه ظفر پناه
دكان دكان شمردۀ بنان نكاه رسول الله اولوب هنوز اون بش ياشنه بالغ اولميان
كودكان خردسالانی صوب مدينه يه ارجاع بيورديلر * فرقۀ منصورهندن
رافع بن خديج قادر انداز يعنی فن رمايه ده ممتاز اولديغی بالاعلام معلوم
سيد الانام اولنجق مرافقته مجاز اولدی * معركۀ اتی الذكرده نشانۀ
تير كفار اولمغله حضرت باهر المعجزة والكرامه انا اشهد له يوم القيمة بيورديلر
سمرة بن جندب رافعك ماذون اولديغنی كوريجك ميدان مصارعه ده

بن اكاغالبم بنده شايان مرافقت اولمغى نيازايدرم ديدكله * حضرت رسول
الله امر ايلدى ايكيسى مصارعه ايلديلر واقعا سمره غالب كلمكله انكدخى
رزمكاهه حضورنه دستور ويرلدى * اول هنكامده اخشام دخى ايرشمكله
ضرب خيام ارام بيوريلوب حسب الامر بلال اذان محمديله غلغله بخش
كنبدز برجدى اولوب جماعتله صلوة مغربى ادا بيورديلر * محمد بن مسلمه
اللى كسه ايله قراغل تعيين بيورلدقدنصكره حراست خاصه خدمتنده ده
ذكوان بن عبدقيس نامزد بيوريلوب * حضرت رسالتماب اسودهٔ
بستر خواب اولديلر * عالم منامده مشاهده بيورديلركه ملائكهٔ كرام
حضرت حمزه يى غسل ايدرلر هنكام ثلث اخيرده برموجب فرمان جليل
ضرب كرهناى رحيل اولنوب طلوع فجرده مدينه ايله احد ميانندهشوط ايله
مشتهر حائط اطرافنه واردقدهانده صلوة فجرى ادا بيورديلر * سجيهٔ رديهٔ
نفاقله مجبول ابن ابى بن سلول كذار شيذير اولديغى اوزره مدينه دن حركت
اولنمامق طرفنده اولمغله بنم رأيمه مخالفت ايدوب اموردن بيخبر اطفال
سوزيله عامل اولدى بيهوده كندمزى عرضهٔ سيف حيف ايتمكدن ايسه
سلامتله منزلمزه عودت ايتملك انسبدر ديوب كندوسيله همطريق نفاق اولان
اوچيوز نفر اهل شقا وشقاقله فضالهٔ معده كبى معسكردن افتراق ورجعته
بند نطاق اتفاق ايلديلر * عبدالله بن عمرو بن حرام كه پدر جابردر
وابن سلول كبى خر رجيدر ارقهلرينه دوشوب اول بدملتنه اذكركم الله
ان تخذلوا اى ان لاتنصروا نبيكم وقومكم عندما حضر من عدوهم ديه رك
لين كلامله نصيحت وسوق جانب رجعت ايلدكچه اول كمراهان اكر محاربه
اولنهجغى محتمل اولبيدى سزه البت معاونت ايدردك لكن بروجهله
محاربه اولنميهجغى مجذوم مدرديوب طرف مدينهيه شتابان اولديلر *
عبدالله اول ضلالتمانوسك انصرافندن مأيوس اوليجق ابعدكم الله
اى اهلككم اعداالله فسيغنى الله عنكم نبيه دعاسنى تعقيب ايدوب بعده
شتابله احد جانبنه عنانتاب اولدى * چون شرذمهٔ شرذمتك بووجهله
رجعتلرندن نوعا نظام اركان جند اسلامه خلل طارى اولوب ميانلرينه
اختلاف عارض اولدى * حتى اوسياندن بنوحارثه و خزرجياندن
بنوسلمه بين النزول والقتال * متلاشى اولمريله ارقالديكه مؤدىٔ جدال اوله
فمالكم فى المنافقين فئتين والله اركسهم بما كسبوا كريمهسى بوخصوصده
نازل اولدى * قوله تعالى اركسهم ردهم الى كفرهم ابن جوزى
روايت ايدركه نامزد جناحى لشكر اسلام اولان بنوحارثه وبنوسلمهنك

ابن سلول عقبندن پاى ثباتلرى متزلزل اولوب انصرافه مبادرت اوزره ايكن
دستيارئ عصمت پروردكارى عنانكير عزيمت اولمغله نته كما كان صدق
جنانله حرب وقتاله برزده دامان اولديلر * اذهمت طائفتان منكم
ان تفشلا الاية كريمهسى بونلر حقلرنده نازل اولدى * ماحصل غش زرناب
متزلزلنده اولان مكر ونفاق اصحابى عسكر پاكيزه كهردن ايريلوب بووجهله
جيوش نصرت اثريد بيوزنفر قالمغله جملهسى چشمهٔ خورشيدا سا يكرنك
اولوب عن صميم البال جنود كفر وضلالله جنك وقتاله اهنك ايلديلر *
حضرت سيد البشر بزه بر رهبر لازمدر كه كفارا وزره اوغراتميزين
بر يقين يولدن بزى نبردكاهه چيقاره بيوريجق اول خدمتى ابوخيثمه
متعهد اولمغله بنوحارثه حرهسيله اموال لرى ميانندن مرور ايدركن
ظاهرى وباطنى نابينا مربع بن قبطى الحارثى نام منافق بدسيرت وبدسيما
حائطنه داخل اولنمغله * اول كافر بيحيا همان قالقوب عسكر اسلامك
يوزينه طپراق صاچدى * وحاشاسن اكر رسول خدا اولبيدك بنم حائطمه
دخوله طرفالهيدن رخصتياب اولمزايدك ديوب والنده برقبضه طپراق
اولمغله اكر غيره اصابت ايتميهجكى يقينا معلوم اولبيدى يا محمد يوزينه
ضرب ايدردم ديو هرزهفشان اولدقده * سعيد بن زيد بى اختيار صچرايوب
كمانيله اول بدكمانك باشنى شق ايلدى * جنود ابرار دخى يكبار قتلنه
ابتدارلرنده حضرت جليل الخطر لاتقتلوه فهذا الاعمى اعمى القلب اعمى
البصر ديو منع بيورديلر * بنوحارثدن اول بى بصيرتله همرنك نفاق
وغوايت اولان نيچه كوردلان كه ابن سلول ايله رجعت ايتمامشيدى
مسفوره طرفكير اولمق قيدنه دوشمكله طرف نبوى يه اظهار غيظ وزبان درا
زى يه * مبادرتلرنده اسيد بن حضير رضى الله عنه اجراى مايليقلرى
ايچون اوزرلرينه عنان انكيز هجوم اولدقده * ينه حضرت رسول مؤيد
رضاداده اولمامغله كف يد ايلديلر * چون طليعهٔ توفيق اله ايله سپاه ظفر
دستكاه نبردكاهه واصل اولديلر * سپهسار موحدين بالنفس تسويهٔ
صفوف مردان دين ايدوب مدينه مقابلهده وجبل احد وراى ظهر
اسلامده قالمق اوزره ترتيب نظام ايلديلر * اول كيجه انده ارام اولنوب
على الصباح منظرهٔ كفارنا فلاحده جماعتله نماز فجر ادا اولندقدنصكره
برخطبهٔ بليغه انشاد واشكر اسلامى تشويق غزو وجهاد بيوروب *
وانه قد نفث فى روعى الروح الامين انه لن تموت نفس حتى تستوفى اقصى
رزقها الا ينقص منه شئ وان ابطأ عنها فاتقوا الله ربكم واجملوا فى طلب الرزق

لا يحملنكم استبطاؤه ان تطلبوه بمعصية الله والمؤمن من المؤمن كالرأس
من الجسد اذا اشتكى تداعى عليه سائر جسده والسلام عليكم كلام حكمت
انتظاميله ترحيب افئدهٔ اسلاميان وترغيب موافقت همكنان بیوردیلر
يعنى جبريل امين بنم قلبمه بوكونه وحى والهام ايلديكه بركمسنه نحن قسمنا
مطبخندن حصه سنه اصابت ايدن رزقنك نهايتنى استيفا ايلمدكجه دنيادن
ارتحال ايلمز * رزق معيني اول كمسنه يه هر نقدر كيجه رك واصل اولور ايسه ده
بك ذره نقصان پذير اولميوب بهرحال بروفق تعيين قسام ازل كندوسنه
رسيده اولور * پس جمله كزى كتم عدمدن ساحهٔ وجوده كتوروب
ليل ونهار نعمتيله پرورده ايدن حضرت پروردكاردن اتقا ايدوب رزق
معينكزى طلبده سالك راه رضاى الهى اوله سز * ورزقك بطائت وصولى
سزى وسيلهٔ معصيتله طلب والتماسه حمل وسوق ايلمسون و برمؤمن سائر
مؤمنه نسبت بدنده باش كبيدر صداع وياخود بر ديكر عارضه سببيله
انسانك باشى دردناك اولسه اعضاى سائره دخى حصه مند درد اولمق
دركاردر * غزاة پاكيزه سيرت بو فريدهٔ نصيحتى قرطهٔ كوش قبول ورغبت
ايدوب شيرزه صفت دمدمه ساز خروش وسطوت اولديلر * طرف يسار
اسلاميانده بركوچك جبل اولمغله شكافندن كتيبهٔ موحدين اوزره بغتة
هجوم مشركين احتمالى سدا ايچون اللى نفر تيرانداز ايله عبدالله بن
جبير اول محلى محافظه يه تعيين بيوريلوب * عسكر اسلام فتح ونصرت
ياخود كسر وهزيمت مظهرى اولديغى صورتده طرف نبويدن بى صدور
رخصت زنهار يرلرندن برخطوه حركت ايتميوب قطب فلكى كبى ركز
وتثبتلرى بابنده تنبيها كيد بيورديلر * لشكر كفارك ميمنهٔ نامميمونلرينه
خالد بن وليد * وميسرهٔ عسرتغرهونلرينه عكرمه بن ابوجهل نامزد اولمغله
حضرت عليه السلام زبير بن عوامى ازاى خالده تعيين وبرمقدار غزاة برارى
مقابلهٔ عكرمه ده تمكين بيورديلر * القصه بروفق مرام چار جهت خميس
اسلام ترتيب اولندقدنصكره ذات رسالتسمات عالى مانند نور ايمان قلب
لشكرده رحمانده ثابت ورخشان اولديلر * ودم تزاحم كيرودارده تميز آشنا
واغيار ايچون اهل اسلامه امت امت كلمه سى تعيين شعار بيورلدى *
اماته دن امر اولمغله كفارى قتل واهلاك ايله ديمك اولور * بعده مؤيدلرينه
برقلج الديلركه صفحهٔ مجلاسندن *

* فى الجبن عار وفى الاقبال مكرمة * والمرء بالجبن لا ينجو من القدر *

بيتى مرسوم ايدى * بو قلجك حقنى ادا ايتمك شرطيله بندن تلقى ايدن

كيدر

كيدر بيورديلر * عمر ومرتضى وزبير بن عوام ونيجه تيغزنان ابطال قيام
واقبال ايلديلر * انلاره ويرميوب ينه تكرير خطاب ايلديلر * بو دفعه
ابودجانه اول مرد يكانه زمين بوس خدمت اولوب يارسول الله بونك حقى
ندر ديدى * حضرت نبى مطلق دخى منحنى اولنجه قدر اعداى بدكهرى
بونلكه اورمقدر بيورديلر * ابودجانه شرط معهود اوزره قلجى الوب
ايكى صف مياننده سروچمان اسا رفتار ايله روان اولمغه بشلدى * حضرت
عليه السلام خرام ابودجانه يه اشارتله انها المشية يبغضها الله تعالى
الا فى مثل هذا الموطن بيورديلر * زبير بن عوامدن مرويدركه كورديم
ابودجانه نه شيوه ايله جنبش نماى مبارزانه اولوردى و عقبندن روانه اولدم
برقرمزى عصابه چيقروب ناصيه سنه بندايلدى * انصار كورد كده اخرج
عصابة الموت ديديلر اول دليرهمتاعلا وه شوق توجه سلطان الانبيا ايله *

* انا الذى عاهدنى خليلى * و نحن بالسفح لدى النخيل *

* ان لا اقوم الدهر فى الكيول * اضرب بسيف الله والرسول *

ارجوزه سنى تكرار ايدرك قوم كرازانه حملهٔ شيرانه ايدوب * راست كلديكى
كشتنىء واجب التدميرلرى بدرقهٔ شمشير ايله رو براه جانب سعير ايدر ايدى
كيول تشديد يا ايله فيعول وزننده كبلدن ماخوذ دركيل چقماقدن آتش
چقماغه ديننور * يقال كال الزند اذا لم يخرج نارا بعده محل قتال اولمامق
مناسبتيله مؤخر صفوف لشكرده استعمال اولندى * طرف كفار خاكساردن
ارطاه بن شرجيل وعلمدارلرى طلحه بن ابوطلحه ميدانه ات سوروب مبارز
طلب ايلديلر * دلير محارب حمزه بن عبدالمطلب ارطاه يه وشير خدا
على المرتضى طلحه يه مقابل اولوب بر ضرب شمشير ايله معلق زن حفرهٔ
بئس المصير ايلديلر * بعده طلحه نك برادرى عثمان ابوشيبه كه بنوشيبه اكا
منتهيدر على الوب جدال ايلدى * حضرت حمزه انى دخى برادرينه ملاقى
ايلدى بعده يكبار لشكر ابرار اوزرينه هجوم ايلديلر عسكر اسلام دخى قرشو
واروب لحظهٔ واحده ده صفوف دشمنانى برهمزده ايدوب * تازيانهٔ تيغله
اجال واثقاللرندن طرد وابعاد واطراف بيابانه مانند جراد منتشر وپريشان
ايلدكدنصكره ياروپتكاهلرين يغمايه متبادر اولديلر * شكاف جبل
محافظه سنه مأمور اولان اهل اسلام مشركلرين انهزام وغزاة دينك
اغتنامنى كوريجك * طمعه دوشوب حضرتك تنبيهنى فراموش ايلديلر *
هرچندكه سردارلرى اولان عبدالله بن جبير منعه سعى ايدوب فرمان
همايونه مخالفتك وخامت عاقبتنى بيان ايلدى مفيد اولميوب يغما امنيه سيله

اول سویه صوکبی اقن ایلدیلر* انجق عبدالله بن جبیرو برقاج کمسنه قالمغین
خالد بن ولید وعکرمه بن ابوجهل فرار ایدرکن اول شکافی خالی کوروب
عسکر اسلام بیخبر تاراجه مشغول ایکن همان ارقه لرندن سیل بلا کبی
هجوم اتدیلر* عبداللهی وسائرلرنی شهید ایلدکدنصکره صفوف اسلامی
پراکنده وپریشان ایلدیلر* مصعب بن عمیر سمت رسول اللهدن برخطوه
منفصل اولمیوب عرصهٔ جانسپاریده اجرای رسم کارزاری ایدرکن ناکاه
ماننده بلای سیاه ابن قمئه دیدکاری کمراه برطرفدن ظهور ایدوب حضرت
رسول الله ظنیله اول مردمیدان جلادته اشراب شربت شهادت ایلدی*
ودستور مسطور اوزره غلام طعمهٔ وحشی دائما جویندهٔ فرصت حمزه اولوب
تاکه حضرت حمزه شیرنرکبی خنازیر کفاری بری برینه قاتوب رستمانه
جنکه مشغول ایکن فرصت بولوب علی الغفله برحربه ایله اول سروربی
ندیدی شهید ایلدی* وشداد بن اوس یدیله حضرت حنظله دخی فائز
رتبهٔ شهادت اولدی* حقنده حضرت رسول الله ان حنظله لتغسله الملائکه
بیورملریله زوجه سندن سؤال اولندقده احراز مثوبات غزایه کمال استعجالندن
ناشی* تقدیم اغتساله توقف ایلمدیکنی اخبار ایلدی* مرویدرکه
ابن قمئه دیدکاری پلید حنظله یی رسول الله ظنیله شهید ایلدکدنصکره
حاشا محمد قتل اولندی دیو فریاد ایدوب برطرفدن ابلیس لعین دخی یا عباد
الله ارقه کزی دشمن الدی دیو القای تشویشله تفرقه داد اولمغله پیشروان
لشکر اسلام جانب قفایه تقلیب وجههٔ استطلاع ایلدکلرنده درقفا اولان
دوستلری دشمن تصوریله اوزرلرینه سل سیف ایدوب من حیث لا یشعر
میانلرنده نیجه کالای کرانبهای زندکانی هیچه صاتلدی* والحاصل اول
ملعونلرک اواز ناسازلری اصول کنیهٔ دینه خلل پرداز اولمغله جابجا انهزامه
یوز طتوب برطائفه طوغری طیبه یه پویان وسائرلری دخی بی سروپا اطراف
واکنافه پریشان اولدیلر* ابن قمئه نک کلامنی تحقیقه حمل ایدنلرک بعضسی
بری برینه لشکر دشمنانکه کندی اتراب وخویشانمزدر ارقه مزدن کاوب
بزه ایصال سیف خسران ایتمکسزین متشبث دامن استیمان اولالم دیدیلر*
وکیمی حضرت سلطان الانبیا خرامان جانب عقبا اولدیلر ایسه دیمز
ایچون جنک ایدرز دیدیلر* اول زمرهٔ خاص ظاهر الاخلاصدن بریسی
انس بن مالک بن نضر اولمغله بومقال حقیقت مآلک کندودن صدورینه
بعدوقت حضور نبویده سعد بن معاذ شهادت ایتمکله نزد نبویده حائز درجهٔ
اختصاص اولمشدر* غمغمهٔ هنکامه برطرف اولنجه قدر حضرت

خیرالبشر مرکزلرنده ثابت اولوب* یدیسی مهاجریندن ویدیسی انصار
کزیندن همان اون درت نفر جانسپاران میدان عشق محمدی ایله قالدیلر*
ابوسفیان صورتا سمط اللآل اسلامیان اصابت زخم چشم زمانله یورسمه
پریشان اولدیغنی کوریجک بغایت مسرور وشادان اولوب اوج کره محمد
صاغمیدر دیو آواز بلند ایله پرسان اولدی اشارت رسالتمآبیله طرف مؤمنیندن
جواب الاحمق السکوت بر له مجاب اولمغله* اوچر دفعه دخی ابوبکر وعمر
ساحهٔ حیاتده خرام اورمیدر دیو ندا ایدوب بنه جواب ویرلمیجک کندی
عسکرینه التفات ایدوب غالبا بونلر دیار عدمه کذار ایتمشلردر من بعد شیرازهٔ
جمعیت اسلامده صورت انتظام کورنمز دیو اظهار طرب وسرور ایلدکده*
حضرت عمر دائرهٔ صبر وتحملدن بدر اولوب ای دشمن خدا بیهوده لبکشای
خندهٔ صفا اولمه که بونلر حالا متنعم نعمت زندکانیدر دیو دماغ حضور وشاد
مانیسنی تکدیر ایلدکده* ابوسفیان ظهور عکس قضیهٔ تخیلدن پژمان
اولوب بشقه وادیه امالهٔ عنان رخش هزیانله اهل اسلامه خطاب ایدوب
یوم بیوم والحرب سجال یعنی بوکون بدرکوننه مقابلدر جنک حالی بویله در
ظفرکاه سیزه وکاه بیزه میسر اولور دیوب سمت اخره منعطف اولدی*
حضرت خیرالناس اصحاب کراملرین التماس ایچون هرطرفه قادمه جنبان
جستجو ایکن مشرکلر استقبال ایدوب دفعهٔ حمله واستیصال وحاشا اول مهر
منیر رسالتی افکندهٔ عقدهٔ زوال ایتمکه استعجال ایلدیلر* عون صون
صمدانیله تقربه فرصتیاب اولمدقلرندن ناشی* صفحهٔ جمال باکماللرینه
قوریجق اللریله برقاج طاش اتوب لب زیرین جان پرورلرین مجروح وجانب
اسفلدن طرف یمناده واقع اسنان رباعیه لرین شکست اتدیلر* وابن قمئه نک
طاشی وجه وجیهلرینه اصابت ایتمکله رخسار تابدارلرندن خون لعل کون
روان اولمغه بشلدی حضرت برکزیدهٔ هردوسرا کوشهٔ ردای مشکساریله
سیلدیکی حالده اول ملعون عاقبت تباهی هدف تیر دعای اقماله الله ایلدیلر
اقما تحقیر وتذلیل معناسنه درمرویدرکه ناوک دعای رسول نافذ پرتو قبول
اولوب بعد حین اول کافر بیدین* برجبل شاهقه سنده مشتغل سوق اغنام
ایکن طرف حضرت شدید الانتقامدن اوزرینه برطاغ قوچی تسلیط
اولنوب* شاخلریله اول کستاخ مطاخی پاره پاره ایلدی* ودندان سعادت
کسرینه جسارت ایدن کشتنی مخاذیل قریشدن عتبه بن ابی وقاص ایدی که
بندهٔ خاص معدلت اختصاص اولان سعد بن ابی وقاصک برادریدر* بیت
سبوی میله ابریق وضو برخاکدن اما* نه حکمتدر بیلنمز بری صالح بری

فاسقدر * اول مادر بخطانك شآمت فعل شنیعی مدى الازمان اعقاب
واخلافنه عدووسربان ایدوب باجمله ذریتلرینك اسنان رباعیه لری بركندۀ
كلالیب تقدیرا اولور ایدی * سردفتر اهل شقا ابن قمئه دیدكاری نابكار
بیحیانك صدمۀ سنك شقاوت اهنكیله سر سعد افسر نبویده اولان
مغفرك ایكی حلقه سی خلیدۀ رخسار نازنین سید المرسلین اولوب * اول
مشغله ایله مقدما ابوعامر الفاسق نام فاجر جماذقلك شیران اسلامی افكندۀ
دام ایتمك ایچون اماده ایلدیكی چاهك برینه پرتوافتاب اسا افتاده
اولدیلر * وبیضۀ مغفر مبارك باشلرینه كچوب اول اثناده برقاچ كافرناسازلر
طرف حضرتنه سنك انداز اولمغله حضرت مرتضى و طلحه بن عبیدالله
ضرب تیغله اول ملاعینی برطرف ایدوب مبارك اللرندن مرتضى اخذ
وطلحه بغلكیری خدمتنه قیام ایدرك اول نخل باغ هدا * سرو سهی اسا
پابرجای استوا اولدیلر * مالك بن سنان علیه الرضوان وجنات نورانی
شمات سمیه دن روان اولان قانی مص وابتلاع ایتمكله * من مس دمی دمه
لم تصبه النار بشارتیله تشنیف اسماع ایلدیلر * معجزه * هنكام اشتعال
نائرۀ قتالده قتادة بن نعمانك دیده سی مصاب اولوب رخسارینه دوشمكله
حضرت رسول الله دست معجزه پیوست عالیلریله الوب * اللهم اكسه
جمالا دعاسیله محلنه وضع بیوردیلر * فی الحال مظهر شفا اولوب اولكیدن
زیاده اعلا وبینا اولدی * بعد زمان ابن قتاده دن ذاتی استعلام اولندقده
اشبو قطعه ایله تعریف بنفسه ایلدیكی منقولدر *

* انا ابن الذی سالت على الخد عینه * فردت بكف المصطفى ایما رد *
* فعادت كما كانت لاول امرها * فیا حسن ما عین ویا حسن ما رد *

خذله مشركین خصوصا نسوان ملعنت اینلری شهدای مسلمینی مثله ایدوب
لاسیما زوجۀ ابوسفیان اولان هند نام بریده حیانك پدری وقعۀ بدرده
كشتۀ تیغ حمزه اولمغله اول عداوت سببیله حضرت حمزه نك صدرینی یاروب
جكرندن برپاره قطع وتناول ایلمك قصدیله اغزینه الوب وافر مضغ ایلدی
یوتمق استدكجه بروجهله بوغازندن كچمیوب اخر زمینه القا ایلدی * وكذار
شنیدبرا ولدیغی اوزره اكذوبۀ ابن قمئه دن بشقه وجود بهبود جلیل العنوان
درون حفره ده چند لخظه جان كبی كوزدن نهان اولاق تقریبی اشراف
اصحاب كرام له خرامان روضۀ دار السلام اولدی قیاس ایدرلر ایدی لشكر
اسلام دخی حیات سید الانامدن مأیوس تام اولمشلر ایدی * ناكاه نظر كعب
ابن مالك دیدار ضیا مدار سید الابراره دوش اولمغله نفسنه متمالك اولمیوب

صوت بلند ایله یا معشر المسلمین هذا رسول الله دیو نداایتمكله * سوبسو
ماتند جوخاكپای نبوی یه شتابان اولدیلر * حضرت رسالتماب صوابدید
اصحاب اوزره برمقدار اسایش ایچون شعب احده متوجه اولدیلر * غائلۀ
رهزنان برطرف اولمغله سرمنزل سلامته واصل اولیجق حضرت مرتضى
سپر ایله صو كتوروب سرورى دلجوبلرین الایش خوندن پاك ایلدی
اول كون حضرت امام الانبیا غایت ضعفلرندن صلوة ظهری قاعدا ادا
بیوروب اصحاب كرام دخی قعودا اقتدا ایلدیلر * چون وضع الحرب اوزارها
فحوامی میدان قتال اعمال ادوات جدالدن خالی قالوب كروه كافرینك ثباتی
انصرافه متحول اولیجق سر طویلۀ اهل خذلان ابوسفیان اهل اسلام
اوزره مشرف جبل زروه سندن اوازه بلند ایله انعمت فعال ان الحرب سجال
یوم بیوم بدر اعل هبل دیو زمزمۀ ستایش اصنام ایلدی * انعمت بكسر
التاء خطاب لنفسه اوللازلام * لانه استقسم بها عند خروجه الى احد
فخرج سهم نعم * والفا فی فعال مفتوحة ولیست من بنیة الكلمة * وهی
امر تقول العرب عال * بمعنى ارتفع عنی ودعنی * ویقال الحرب سجال
ای سجل منها على هؤلاء وآخر على هؤلاء * اشارت سید البشر ایله
حضرت عمر الله اعلى واجل لا سواء قتلانا فی الجنة وقتلاكم فی النار جوابیله
مقابله بیوردیلر * تكرارا ابوسفیان ان لنا عزى ولا عزى لكم دیدی * ینه
امر رسول اللهله اسلام طرفندن الله مولانا ولا مولى لكم تعبیریله جواب
ویرلدی * بومرتبه مطارحۀ قیل وقالدنصكره ابوسفیان ان موعدكم بدر
القابل دیو كشمكش طرفینك فصلی خصوصنی سنۀ اتیه ده صحراء بدرك
موعد اجتماع اولمسنه تعلیق ایلدی * اشارت رسول اللهله اصحابدن بری
هو بیننا موعد دیو جواب ویردی * پس بومیثاق اوزره اتفاقله متفرق
اولدیلر * كذا رشنید براولدیغی اوزره سپاه اسلامه اصابت چشم روزكار ایله
صورت انكسار واقع اولوب ره پیمای انهزام اولنلر مدینه یه وصوللرنده
اوازناساز ابن قمئه وایلاسی حقیقته حمل ایله سكان طیبه بی شوریدۀ شیون
واحزان ایتملریله * نسوان مسلمانان خصوصا حضرت زهرا كیسو پریشان
ولولۀ فریاد وافغان ایله بی اختیار * طرف معركۀ كارزاره پویان اولدیلر * المنة
لله تعالى صحت وسلامتله مظهر التقا اولدقده خونابه فشان رخسای خاكپای
سرور عالمیان اولوب * حضرت سید الابرار دخی دودست مهر وشفقت
پدرانه ایله دركنار ایلدیلر * وجود بهبود نبویده اولان جراحتلرین شست
وشوینه اهتمام ایدوب چشمۀ زخمدن فوران ایدن جوی خون منقطع

اولمامغله برمقدار حصیر پاره‌یا قوب خاکستر ایله سدخون ایلدی * اندنصکره
شهدا احوالنه مشغول اولنوب ابن سلمه‌یی سعد بن ربیعک تجسسنه ارسال
بیوردیلر * میانهٔ کشتکانده اوچ دفعه ندا ایدوب اخربا ابن الربیع بنی سکا
حضرت رسول الله ارسال بیوردی دیونداایدیجک * صوت ضعیفله
جواب کلمکله دلالت اوازایله واروب سعدی رمق اخیرده بولدی * یاسعد
سنی رسول الله سئوال بیوردیلردیجک کوزین اچوب بندن اول حضرت
معلی رتبته تقدیم عراضئ تحیت وتسلیم ایلدکدنصکره * یارسول الله جاکر
اخلاصپرورک سعد جزاک الله عنا خیرا ما جزی نبی عن امته دیدی دیه سن *
واصحاب کرامه دخی سلام ایدوب سویلیه سن که سزدن برادم چشم زند کانیله
تماشای جمال جهان ایلدکجه یعنی حیاتده اولدقجه * پیرامن حال سید
الابراره تعرض خار اکدار واقع اولورایسه حضور حقده بروجهله عذریکز
جلوه‌کر معرض قبول اولمزدیدکدنصکره وفات ایلدی * بعده حضرت
رسول الله عم مکرملری حمزه‌دن سئوال بیورمغله بطن وادیده اول نهنک
بحر شهامتی ساحل نشین شهادت اولمش بولدیلر * سر وقتنه کلوب اندامنی
اول حالده کوریجک بغایت متأثر ومحزون اولمغله بی اختیار کریه ایدوب
رحمة الله علیک لقد کنت فعولا للخیر وصولا للرحم دیو دعا وثنادنصکره
اکر بردفعه دخی قریش ایله مطارحهٔ قرعهٔ مکافحه اولنورایسه انلاردن یتمش
کمسه‌یی مثله ایده‌یم دیو یمین ایلدیلر * فی الحال خواتیم سورهٔ نحل که
وان عاقبتم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به ولئن صبرتم لهو خیر للصابرین کریمه‌سی
نازل اولوب * مجازات بالمثل ایله اکتفا ومصیبت دمنده اجر جزیل اقتنا
ایتمک ایچون صبر جمیل طرفنه ارشاد بیورلمغله کفارتله عهدهٔ یمیندن تخلیص
ذمت بیوردیلر * پس فرمان واجب الاذعان نبوی اوزره اجساد شهدا
بربره جمع اولنوب اول مست رحیق شهادت حقلرنده بلبل قدسی نوای
کلزار رسالت حضرتلری * انا شهید علی هؤلاء وما من جریح یجرح فی الله
الا والله تعالی یبعثه یوم القیمة یدمی جرحه اللون لون الدم والریح ریح المسک
زملوهم بجرحهم زمزمه‌سیله کوینده‌ٔ بشارت اولمغله * هیئتلری اوزره
جمله‌سنی دفن ایلدیلر * حضرت جابر رضی الله عنه جانفدای رسول الله
اولان پدر والاکهری عبد الله ایچون کریان اولدیغی مشهود پیغمبر ذیشان
اولدقده * یاجابر معلومکز اولسونکه حق جل وعلا حضرتلری اشبو
شهدانک مجموعنی ورای حجابدن مظهر خطاب ایدوب * لکن پدرک اول
شرفه مواجهه نائل اولدقدنصکره حضرت باری عزشانه سانی اعطک

کلا میله جمیع مسئولاتنه مساعدهٔ علیه ظهورینی تبشیر بیوردیلر * پدرک
دخی مرة بعد اخری محضا سبیل الهیده کارزار ایدوب جانسپار اولمق ایچون
نیازمند حیات اولدقده مادهٔ من بوره قراردادهٔ جف القلم اولدیغنی اخبار
بیوردیلر * پس پدرک بو نعمت رحمته مستغرق اولدیغنی عالم حیاتده اولنلره
ابلاغ وانبا بیورمغی استدعا ایتمکله * ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله
امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون کریمه‌سی نازل اولدی بیوردیلر * وقعهٔ
مرقومه‌ده حائز درجهٔ شهادت یتمش نفر اهل سعادت اولوب دردی
مهاجریندن التمش التیسی انصار کزیندن ایدی * وداخل مطمورهٔ سجین
اولان بکرمی اوچ نفر خذلهٔ مشرکین اولدیغی رقم زدهٔ ارباب یقیندر *
وملائکهٔ کرام معرکهٔ الحمامه * حاضر اولوب لکن اهنک قتال ایلمدکاری
مختار اکثر اصحاب کالدر * مقاتله‌یه مبادرتلری دخی روایتدر * طرف
طرف صحابهٔ کزین نوحه وانین ایلدکجه منافقین ویهود اظهار سرور
نامحدود ایتمکله بو وقعه‌ده خبث طینتلری جمله‌یه معلوم ومشهود اولمشدر
حکمت * متیقظ وصاحب عرفان اولان ارباب ایقانه عیان ومرایای
اذهان اصحاب مزایا واذعانه نمایاندر * بیت * خدای عز وجل را بضمن
هرچه کند * لطیفه ایست که کس را ازان خبر نبود * مؤداسی
بعض قهر ونکایت جلیه صورتنده ابراز جمال ایدن شواهد شئونات
الهیه متضمن عنایات خفیه اولمغله * اشبو وقعهٔ جکرسوز احد ضمننده
دخی نیچه حکم خفیه ولطائف غیبیه مندرج وتنبیهات سبحانیه مندمجدر *
ازجمله امر نبویدن سرپیچ اطاعت اولمق نه رتبه‌ده مستوجب وخامت
عاقبت اولدیغی شعب جبله تعیین اولنان تیراندازلرک شیوهٔ بازکونه‌لرندن
جملهٔ اهل اسلامه مدار عبرت اولمشدر * ثانیا برموجب عادت الهی
آیینهٔ اسرار لایتناهی اولان رسل کرام حضراتی احیانا بورسمه مظهر
ابتلای رب الانام اولوب نه عاقبت حمیده کندی طرفلرنده رهین انتظام
اولور * زیرا دائما منصور اللوا اولسه‌لر بالضروره اسلامده علاقه‌سی اولمیانلر
دخی صورت ظاهرده همشعار مسلمین اولوب اخلاط فاسده کبی اهل صدق
ودیانتله ممتزج اولمغله صادق ومنافق متمیز ومفترق اولمز * وعلی الدوام
منکوس الاعلام اولسه‌لر مصلحت بعثت حاصل اولمز * ثالثا حلول وقعهٔ
مرقومه‌یه قدر میانهٔ ناسده طور نفاق مستور وپنهان اولوب ملحمهٔ
من بورده ظاهر ونمایان اولمغله من بعد اهل اسلام دشمنلری قوینی ایچره
اولدیغنی تحقیق ایتمکله انلردن متباعد اولوب رازلرینه محرم وامورلرینه

پیشقدم ایتمدکدن بشقه بهمان اول غداران بد پیماناندن حذر اوزره
اولورلر* رابعا بعض مواطنده فوز ونصرتك تأخیری شجاعت نفسك
کمبرلی مستوجب اولورزیرا حالت امتحان واختبارده نقداعانی کامل العیار
اولنلر بوته صبر وتحملده قال اولوب سکه پذیر احسان لایزال اولورلر*
اما جوهرنده غش اولنلراتش جزع وفزعله یانوب باقلوب سبیکهٔ اعمالی زیوف
اولدیغی میدانه چیقار* خامسا حضرت حق جل وعلا عباد مکرمین
ایچون مهیا ایلدیکی مقام اعلایه وصولی دلالت بدرقهٔ محن وبلایایه
منوط ایدوب خصوصا کلید منصهٔ ربات الحجال بهشتك فتح وکشایشی
دستیاری سیف مسلوله معلق ومشروط ایلمشدر* سادسا اولیای رب العزته
اعلای منزلت رتبهٔ شهادت اولمغله اول وقعه‌ده نیچه سرباز اول درجه‌یی احراز
ایتمشدر* سابعا اول کونه اولیای رب العالمینه اذای مشرکین باعث تمحیص
ذنوب مؤمنین وموروث محق مشرکین اولمشدر بونلردن ماعدا نیچه حکم
خفیه‌یی مشتملدرکه تیه ادعانده عقول انسانی سرکرداندر * غزوهٔ حمراء
الاسد* احد غزاسندن تشریفلك فرداسی غزوهٔ حمراء الاسد واقع اولمشدر
حمرأ الاسد مدینه‌یه سکز میل مسافه‌ده برموضع اسمیدر سببی بودرکه
کفار بدکردار احددن مکه‌یه عودت ایتدکدنصکره زعملرنجه بیضهٔ
بیضای اسلامی رفع ومدینه‌یی غارت ایلمکاربنه ندامتله رجعته مبادرتلری
مسموع صاحب سعادت اولمغله* هنوز قدم نحوستلری خطهٔ طیبه‌یه ایراث
شئامت ایتمزدن مقدم اول بدکیشلره سدپیش اولمق ملاحظه سیله ارتکاب
کلفهٔ عزیمت بیوریلوب حسب الامر حضرت بلال انجق احد جنکنده
حاضر اولان غزاته تنبیه ایدوب قلوب اعدایه رعب وهراس القا وطرف
اسلامیانده ضعف وپریشانیت کمانلرین ابطال والغا ایچون * همان اول
روز سعادت بروزده متوکلا علی الله عزم راه اولندی* حمرأ الاسد نام
مقام منصب رایات ثریا اعلام اولدقده* طرف کفاردن تجسس اخبار ایچون
ورودایدن معاویة بن مغیره نام کافره دسترس اولنمغله حسب الامر
العالی قتل ایلدیلر* کفارلشامل صولت اسلامدن خبردار اولوب مکه‌یه
جان اتدقلری مسموع ومحقق اولمغین تلاقی فریقین احتمالی بعد المشرقین
اولیجق بافر وشوکت طرف مدینه‌یه رجعت اولندی* سریهٔ محمد بن
مسلمه* سنهٔ مزبوره وقایعندن بری دخی سریهٔ محمد بن مسلمه‌در* یهود
مردود طائفه سنك متعینلرندن کعب بن اشرف اوسی قتلنه تعیین
بیورلدی* یهودی مرسوم عربی الاصل اولوب ایام جاهلیتده پدری دم

ودیته متعلق برماده‌یه دوچار اولمغله مدینه‌یه کاوب بنونضیر ایله تحالف
وعقیله بنت ابی الحقیق نام یهودیه‌یی تزویج ایتمکله فراشندن مرسوم کعب
ناتراش حاصل اولدی* کافر مسفور زعمنجه فن شعرده صاحب سلیقه
اولوب واحباردن معدود وسامان وثروت نامحدوده مالك اولمغله تعین غمای
قوم یهود اولمشیدی* فخر عالم صلی الله علیه وسلم حضرتلری مکه‌دن دار
الهجره‌یه تشریفلرنده اول حبر پرفتنه وکبر یهودلری باشنه جمع ایدوب بارهٔ
محمدیده مقتضای عقل وعلملرندن سئوال ایلدی* انلار دخی قدومنه منتظر
اولدیغمز ذات جلیل السمات بودکلمیدر دید کده* اعین بیدین پرخشم وکین
اولوب انلاری مجلسندن طرد وتبعید وروا تب معینه‌لرین قطعله معنای
غیظنی تأکید ایلدی* یهودیلر دونوب بوبابده تأنی وتأمل ایتمدیکمز
ایچون غلطکار اولدق دیو بسط اعتذار ایتملریله* کافر مخذول عذرلرین قبول
ایدوب ینه ادرارات سابقه‌لرنی اعطا ومواعید کثیره ایله اول بیدللری مجددا
کردن بستهٔ انقیاد وانقاا یلدی* روز کافرسوز بدرده منحت فیروزی طرف
اسلامیانه روزی اولدیغی فرمان سرور جهان ایله زید بن حارثه وعبد الله
ابن رواحه مقدمجه طیبه‌یه مژده رسان واشراف قریشك افتادهٔ مغالك
هلاك اولدقلرنی انبا ایلدکده* کعب مرسوم شدت انفعالندن بومثللو
اشراف عرب وسادات ناس اولان کسنه‌لرك مظهر شمشیر تدمیر اولدقلری
واقع ایسه یرك التی اوستندن افضل اولدی دیو ترهاته اغاز ایدوب* بعد
تحقیق الخبر اول ملعون بدکهر یتمش نفر یهود ملعنت پرور ایله بالتحالف
قریش ایله عقد اتحاد وتألف ایتمك ایچون مکه‌یه عزیمت ایلدی* وصولنده
ابوسفیانه مهمان اولوب سبب قدومنی بیان ایلدکده* ابوسفیان یا کعب
حضرت محمد اهل کتاب اولدیغی کبی سز دخی اهل کتاب اولدیغکز سببیله
مکر ومکیدتکزدن امنیتله دعوا کزه اعتماد اولنمز انجق اشبو هبل وعزی نام
صنملرمزه سجده وایمان ایدرسکز بوبابده صدق وصفوتکزی تصدیقله
سزکله منطقه بند تلفیق اولورز دید کده* ملعون مضاعف اول صنم مهمل
ومزبلرلو کنده سرفرو بردهٔ سجده وضراعت اولدقدنصکره* جنب استار
کعبه‌ده مخاذیل قریشله دست بدست قتال مسلمینده یکدل ویکجهت اولمق
اوزره یمین ایلدی* بعده ابوسفیان کافر مرسومه خطاب ایدوب یا کعب
برامی وجاهل اولدیغمز حسبیله نیك وبدی وحق وباطلی تمییزه قدرتمز یوقدر*
لکن سن علمای اهل کتابدن اولدیغك سببیله بزی علی وجه التحقیق اکاه ایله که
محمدیلرتلقی واهتمام ایلدکلری اسلام ملتیمی اهدی وافضل یوخسه بزم

مسـلوك قدم پرستش ايلديكمز اصنام عبوديتيى ارشد واجل در* الطف
ايدوب بنان بيان حقيقت حالله حل عقدهٔ اشكال ايله ديدكده* لعين مكار
اولاوتيرهٔ ايديكزى بكا تفصيلا تقرير وتنذ كار ايله كه اكا كوره حسم ماده
ايدوب احد طرفينك رجحانته حكم ايده يم ديدى* ابو سفيان دخى دائما
بز حجاجه عظيم السنام دوه لر ذبح ايدوب اشبو وادئ غيرذى زرعده
اطعام واسقاو فك رقبهٔ صاحب عنا وصلهٔ ارحام وعمارت وطواف
بيت الحرام ايدوب* الحالة هذه اهل حرم اولديغمز دخى معلومكزدر لكن محمد
اباواجدادى دينى وحرم محترمى فراغت وقطع رحمه مبادرت ايلدكدن
بشقه بزم دينمز قديم ومحمدك دينى حادثدر ديدكده* اول ملعون بدكيش
وبدكنش يعنى كعب ديديكى يهودى سك منش سزك طريقه كزاندن اهدادر
ديو زعم باطلنجه ظلمتى نورا اوزره ترجيح* ودوبالا كافر اولديغنى تبيين وتصريح
ايلدى* الم تر الى الذين اوتوا نصيبا من الكتاب يؤمنون بالجبت والطاغوت
ويقولون للذين كفروا هؤلاء اهدى من الذين امنوا سبيلا كريمه سى
بو خصوصده نازل اولدى* لعين مسفورك زعم فاسدنجه اسلوب شعرده
وقوفى اولمغله حاشا طرف سيد الانامى واهل اسلامى هجو ومذمت وقريشى
ستايش ومدحت ايدوب قتلاى بدره مرثيه لر نظم وانشاد ايله منظومهٔ
دعواى اتحادنى مستزاد ايدر ايدى* لعينك اثقال سفريه سى مطلب بن
وداعه خانه سنده اولمغله زوجهٔ مطلب اول سر كروها كالب پر مشالبه بغايت
احترام ورعايت ايتمكله* بو كيفيتلر منعكس جانب صاحب رسالت
اولدقده اشارت عليه لرى اوزره حضرت حسان مطلبى وزوجه سنى نشانهٔ
نشابهٔ هجو بلاغت نشان ايتمكله* مسفورلر همان مالنا ولهذا اليهودى
ديه رك اسباب واثقالنى طشره اتوب دورباش استنقالله شيطان رجيم
مثال اول پليد عنيدى طرد وتبعيد ايلديلر* بعده نره يه وارديسه بو منوال
اوزره عصاى هجو حسان ايله اول سك هرزه فشان مطرود همكنان اولدى
ماحصل بو رتبه فصاحت وجانب اسلام ميانه اعلان بغض وعداوتدنصكره
ينه مدينه يه كلدى* بريد فى زبانى ينه خاموش اوليوب صورت نظمده انشا
ايلديكى خرافات مهملاتده نسوان مسلمينه تشبب وتغزل ايتمكله* لعينك
بو رتبه شقاوت وشناعت متواتره سى موجب تكدر ضمير نبوى اولمغله*
بركون اصحاب كرامى وجههٔ كلام ايدوب سربازان عرصهٔ اسلامدن قنقى
مردمقدامدركه كعب بن اشرفى اعدام ايليه زيرا لعين مسفورك طرف
اسلام ميانه خصومت وغوايتى حدى تجاوز ايلدى بيوريجق* محمد بن

مسلمه كه مسفور لعين مختوم المنقمه نك همشيره زاده سيدر* اول كشتنى فتانك
لوث وجود پليدتنا كندن صحن جهانى پاك ايتمك خدمتنى درعهدهٔ همت
ايدوب بعض مرتبه دروغ مصلحت اميز ارتكابنه موقوف اولديغنى اشعار ايله
طلبكار رخصت اولمغله* بعد الاذن كندى خانه سنه واروب ابا يومهلك
تمشيتى حوزهٔ مكنته كنجيده اولورمى ملاحظه سيله اوچ كون صدفجهٔ
معده سى دردانهٔ غدادن تهى قالوب* بعده قرار دادهٔ تدبير اصابت
انتعاشى اوزره كعبك اخ رضاعيسى ابونائله يى واوچ نفر سرباز جلاد
تكهرى كندوسنه يادداش ايدوب* ابونائله يه بعض مقدمه تعليم
ايلدكدنصكره حصار كعبه تقديم ايلدى* كعب ابونائله يه ترحيب واكرام
ايدوب برمقدار افاقى مصاحبت ومناشدت ايلدكدنصكره ابونائله مؤكدا
وصيت كتمانله سبب قدومنى بيانه اغاز ايدوب* يا كعب بو كسنه نك يعنى
حضرت مصطفانك مقدمى بزلره مولد بلا ومجلبهٔ درد وعنا اولدى* ترك
دين قديم واتباع ملت ابراهيم ايلديكمزدن جمله عرب بزه خصم عظيم اولوب
طرفمزدن كلى متنفر وبيزار اولملريله طريق امد شد تجارى سدو بزى سفينهٔ
رنج وكد بحدا ايلديلر* امر معيشتمز غاية الغايه دشوار اولمغله اطفال وعيالمز
اچلقدن بيحال اولديلر كنديسى ايسه طور ميوب بزدن مال وصدقه طلب
ايدر بزخود تغدى ايده جك نان دريله جان وير يورز خلاصه مالمكمز
كندوسنه واصحابنه صرف اولنمغله شويله اچ وقوت وغدايه محتاج قالمشزدر
ديو ابراز پريشانيت واظهار شكايت ايلدى كعب بو سوزلرى ايشيديجك
مقدما بن سزه انجام كار بوكه منجر اوله جغنى چند بار سويلدم اصغا
ايتمديكزديه رك* اول زاغ زبان شمشير لسان عتابه زاغ وير وب* چهرهٔ
ابونائله يه مانند ثعبان زهر فشان اولدقدنصكره* بنى ايناندركه خلاصهٔ
مقصودك ندر ديو استنباط مافى الضمير ايلدى* ابونائله دخى طرف نبويدن
قطع رشتهٔ تعلق ايتمك اقصاى مطالبى اولديغنى افاده ايدوب هله شمدى
جنابندن بنم وبوبابده متفقلرم اولان چند نفر بيچاره لرك رهن معتبر ايله
برمقدار تمر وطعام اشتراسى نيازمز اولمغله اسعاف وانجاح بيورمكز
مستدعادر ديدى* كعب انلارك احوال پرملالنه صورت مهربانى
كوستروب نيازلرينه مساعده ايله وعد ايلدى* لكن نسوانلرينى استرهان
ايتمكله* ابونائله يا كعب نسوان ارهانى بروجهله مروته شايان دكلدر
خصوصا سن عرب ميانده حسن وجمالده عديم الهمال اولديغك حسبيله
بردرلو امنيتى تصديق بيله تصور ايلمزديدى* كعب امدى اولادكزى رهن

ایده‌مسز دیدی * ابونائله اولدخی بزه مثابهٔ عاروناموسدر عالم بزی طعن
وتشنیع ایدر * اگر معقول ایسه سلاحلریمزی رهن ایده‌لم دیوب اخشام
کتورملک اوزره عودت وکلوب یارانه نقل ماجری وکیفیت ایلدی * بناء
علیه هرکس سلاحلرینی آلوب بعد المغرب احوالی عرض موقف سرمدی
الاجلال ایلدیلر * حضرت علیه السلام دخی اول مجاهدین شرعهٔ اسلامی
الی البقیع تشییع بیوروب * انطلقوا علی اسم الله اللهم اعنهم دعاسنی ترفیق
ومحمد بن مسلمه‌نک شقهٔ رایت لیاقتنی حلیهٔ امارتله تزویق بیوردقدنصکره
خانهٔ سعادتلرینه عودت بیوردیلر * پس اول درت نفر دلاور متوکلا علی
موصل الوطر پای حصاره کلوب یا کعب یاران منتظر انجاز وعد احساندر
دیو ندا ایلدکده * کعب صدا اسندن بیلوب همان لحافندن اشاغی اینمک قصد
ایلدکده خاتونی که یاقینده منصه پیرای ازدواج اولمشیدی * دامن کعبه
محکم صاریلوب سن برمرد محارب وبسیار دشمن کمسه‌سن بو وقتده
حصاردن برخطوه حرکت ملایم عقل ورویت دکلدر دیو منع ایلیه‌جک
اولدی * اول خون کرفته‌یی طلب ایدن همشیره زادم محمد بن مسلمه ایله
رضیعم ابونائله‌در دیوب شتابله حصاردن طشره چقدی ملعون روایح
طیبه ایله شویله بویا اولمشیدیکه پیشکاه حصاری بوی دلجوی ایله بویادی
بری برینه عرض دستاویز تحیت ایدوب برمقدار مصاحبت اتدکدنصکره
مهتاب وسیله‌سیله آهسته آهسته سیر ایدرک سمت حصاردن ایراقلدیلر * ابونائله
یا کعب عجب مستغرق عطر اولمشسن بندخی فیضمند اولیم دیو نازکانه
دستسای سر کعب اولوب استشمام ایلدی * ومدة العمر بوندن اعلا عطر شم
ایلمدم دیو مداهنه ایله کعبی دلکرم ایلدی * اول ماصدق ازهی من ثعلب
دخی کیف وعندی اعطر واکمل واجمل نساء العرب دیو بانوی بدنسبی
طرفندن طفره فروش مباهات اولوب * تکرارا ابونائله یا کعب تعب اولمزسه
بالذات سر معطرندن استشمام وکیسوی عنبر بویکه رخسای اوله‌رق استفاضهٔ
تام ایده‌یم دیو نیازمند اولمغله * اول سبکسر انبساط دماغ نخوت اثر ایله بی
لام وجیم باشنی ابونائله‌نک * یدمتناوله‌سنه تسلیم ایلدی * ابونائله
بو فرصته نائل اولیجق کیسولرندن محکم اخذوای تیغزنان عرصهٔ ایمان
اشبو دشمن خدا ورسوله امان ویرمکز دیو یارانه قتل لعینی تلقین ایلدکده
انلر دخی همان تیغلرین عریان ایدوب اول سک جهنمی اوزره حملهٔ شیرانه ایله
وجود پلیدنی میدان حدید ایلدیلر * لکن بحمله سیله سیف صارملری
برینه متصادم اولمغله تکسرت السیوف علی السیوف مؤداسی لعینک بدن

خباثت

خباثت پروربنه برسی کارکر اولمدی * وهول جانله ابونائله‌یه صاریلوب
برکونه فریاد ایلدیکه جمله حصار سکانی ایشیدوب کیمی آتش وکیمی شموع
ومشاعل ایقاد ایلدیلر * محمد بن مسلمه تیزدست متقلد اولدیغی قلیجی لعینک
واجب الاجلافنک کاف نافنه وضع ایدوب زور بازو ایله عانه‌سنه قدر شق
ایلدکدنصکره فی الحال باشنی کسوب صوب طیبه‌یه قادمه جنبان
مسارعت اولدیلر * ملعونک زوجه‌سی کعبک صیحه‌سنی ایشیدیجک ایکی
دفعه یاآل قریظة والنضیر دیو استصراخ ایتمکله * یهودیلر چیقوب صدا
کلان طرفه پویان اولدیلر * لاشهٔ سربریدهٔ کعبی کوردکده * کریه کنان
عقبکیر غازیان اولوب مخالف سمته عزیمت ایتملریله خائب وخاسر عودت
ایلدیلر * سربازان دین اول لعین بداییننه قلج اوشوردقلرندن خطا ایله *
حارث بن اوس حضرتلرینک سروپایی مجروح اولوب کثرت جریان دم سببیله
نقل خطوه‌یه بیمجال اولمغله طرف اوضح الشرف نبوی‌یه سلام سپارش
ایدوب اولدیغی مقامده قرارداده مقام اولدی * رفیقلری غیرت ایدوب اول
ناتوانی نوبت بنوبت دوش حمیتلرنده ایصال سرمنزل سلامت ایلدیلر *
بقیعه وصوللرنده زمزمهٔ تکبیری رسیدهٔ سپهر اثیر ایتملریله حضرت سید
الکائنات سجاده پیرای صلوة اولدیغی حالده آوازهٔ تکبیر واصل سمع خطیر
اولیجق * کعب ناتمیزک خرزهرهٔ وجود شقاوت امیزی بریدهٔ ارهٔ تیغ ظفر خیز
اولدیغی معلوم همایونلری اولمغله * درکاه رب مستعانه سجده کذار شکران
اولدقدنصکره پیشکاه مسجد سعادته تجلی بخش طلعت اولوب غزات دین
دخی شرفیاب دیدار سید المرسلین اولدیلر * جمال وجه اسلام علیه الصلوة
والسلام حضرتلری اول مجاهدین پرشکوهه افلحت الوجوه تعبیریله
پرسان حال وشان اولوب * انلر دخی وجهک یارسول الله دیو یوزلرین
فرسودهٔ خاکپای فلک فرسای ایلدکدنصکره سر کعبی غلطیدهٔ پیشکاه پیغمبر
عالی کعب ایلدیلر * فرداسی یهود طائفه‌سی طرف رسول اللهه کلوب
رئیس پرتلبیسلری اولان کعب مقهورک غیلهٔ هلاک اولدیغنی تعریضلرنده
سید الابرار حضرتلری دخی سبب استحقاق دماری اولان موادی یکان
یکان شمار بیوردیلر * بوندنصکره یهود بدکردار جانب نبویدن استشعار
اوزره اولدیلر * سریهٔ زید بن حارثه * کتب سیرده سریهٔ قرده ایله مقرردر
سنهٔ مزبوره جماد الاخره‌سی غره‌سنده واقع اولمشدر * قرده فتح قاف
وسکون رای مهمله ایله یاخود فای مفتوحه ورای مکسوره ایله نجد
صولرندن برصو اسمیدر * سببی بودرکه وقعهٔ بدردنصکره قافلهٔ سافلهٔ قریش

شامه كندكارى جادۀ حجازى ترك ايدوب اسارای بدردن كريخته بردليل
استيجار روانك دلالتيله راه عراقى اختيار ايلديلر * بو طريقى اوزره اشراف
قريشدن ابوسفيان وصفوان بن اميه وعبدالله بن ابى ربيعه وحويطب
ابن عبدالعزى ايله بر كروه كمراه منهج عراقدن عزم طرف شام ايلدكلرى
مسموع حضرت رسول الله اولجق * زيد بن حارثه يى سپهسالار نصب
ومعيتنه يوز سوار نيزه كذار تعيين وبروجه استعجال قافله اغارتيچون ارسال
بيورديلر * قرده نام محلده قافله يه يتشوب رؤساى قافله فرار ايتمكله عسكر
اسلام كافۀ اموالك برآوردۀ ايدئ اغتنام ايلدكدنصكره سالما غانما طيبه
طرفنه توجه لجام ايلديلر * يكرمى بيك درهم خمس اخراج اولنوب
باقيسى بين الغزاة تقسيم اولندى * دليل مرقوم مأسور اولمغله بين السيف
والاسلام تخيير اولندقده هدايت هادى المضلين ايله داخل زمرۀ موحدين
اولمشدر * سريۀ رجيع * سنۀ مرقومه صفر الخيرنده سريۀ رجيع واقع
اولمشدر * رجيع بديع ورنده بنوهذيل صولرندن برصواسميدر اصلى
بودركه احد وقعه سندنصكره حضرت رسول الله عاصم بن ثابتى طقوز
كمسنه ايله تجسس اخبار قريش ايچون مكه جانبنه ارسال بيورديلر * شبروانه
عزيمتله رجيع نام محله وصوللرنده اتفاقى اول كون نسوان بنى لحياندن
برملعونه رعى اغنام ايدركن * اول صو كنارنه كلوب خرما چكردكارنى
كوريجك بومدينه خرماسى چكردكاريدر ديوب قومنه شبخون اولديكز
ديو فرياد ايلدى * كفار دخى آراستۀ سلاح اولوب اهل اسلامى تعقيب
ايلديلر * غزاة مسلمين هجوم مشركينى كوريجك برجبل شاهقه سنه التجا
ايلديلر * ملاعين كفار كلوب اول جبلى پركار واردار امادارا احاطه
ايتمكله غزاة ابرار دخى مستعد كارزار اولديلر * ملاعين حيله كار اول
شهبازلرى افتادۀ شبكۀ شكار ايتمك دسيسه سنه آغاز ايدوب * اى اصحاب
محمد سزه هر وجهله اماندر مقصودمز سزى قتل ايتمك دكلدر بيهوده
كنديكزى عرضۀ تلف ايتميوب تسليم اولمكز حقكزده خيردر ديوندا
ايلديلر * عاصم رضى الله عنه اى كروه دغا اعتياد حاشا كه ربقۀ امان
مشركينه تسليم رقبۀ انقياد ايده لم * برمقتضاى غيرت ايمان فداى جوهر
جان ايدنجه عرصۀ مجاهده ده سعى واجتهاد ايدرز ديوب يدنده اولان كمانه
كشاد ويردى * ملاعين تبهكاران دخى هر طرفدن تيرباران ايدوب عاصمى
والتى نفر مردسعيدى شهيد ايلديلر * خبيب بن عدى وزيد بن دثنه
وعبدالله بن طارق امان مشركينه تسليم اولوب جبلدن نزول ايلديلر *

كافر

كافرين غدر آيين نقض عهد ويمين ايدوب اشتدا خبيب ايله زيدك اوتار
كمانلريله اللرين بندايلديلر * عبدالله بو حالى كوردكده هذا اول الغدر والله
لا اصحبكم ديو امتناع ايتمكله * انى دخى شهيد ايلديلر * بعده خبيب ايله
زيدى ماه ذى القعده ده مكه يه كوتروب بيعه عرض ايتديلر * ملحمۀ بدرده
حارث نام كافر دلالت تيغ خبيب ايله دار البواره مسافر اولمغله اوغللرى
خبيبى اشترا ايلديلر * زيدى دخى صفوان بن اميه اشترا ايدوب اشهر حرم
منقضى اولنجه اول مردان ميدان ايمانى كرفتار زندان ايلديلر * بركون
خبيب حضرتلرى حلق عانه ايچون دختر حارثدن براستره استعاره ايدوب
اول خاتون دخى استره يى برصغير فرزنديله ارسال ايلدى * بعده خبيب اسير
اولوب حياتدن مأيوس اولمغله مبادا فرزندمى قتل ايدر ديو اضطرابله
خبيب محبوس اولديغى حجره يه كلوب كوردىكه فرزندى خبيبك زانوسنده
اوتوروب ملاطفه واستيناس ايدرلر * خبيب خاتونك مادۀ تلاشى ندنناشى
اولديغنى تفرس ايتمكله * اى خاتون بن فرزندكى قتل ايدرمى قياس
ايدرسن حاشا فرد واحده ايصال غدر ايدرمقوله سى دكلم ديوب
صالى ويردى * خاتون تعجب ايدوب خبيبدن افضل اسير كورمدم كندوسى
مانند شير وابستۀ زنجير اولوب كلۀ انسان قدر تازه اوزم خوشه لرى تناول
ايدركوردم مكه ده بووقت بردانه دُر شهدانه كبى نايابدر ديو خبيبدن مشاهده
ايلديكى خارق عاده امور عجايبى تحديث وتبثيت ايدرايدى * القصه * اشهر
حرم منقضى اولدقدنصكره خبيبى قتل ايچون تنعيمه چيقاروب اول ذات
جليل المقدارى كشان كشان پاى داره كتورديلر * مكه نك رجال ونسوان
واطفال وعلمانى جمله سى تماشا ايچون برابر چيقديلر * خبيب استمهال الله
انده ايكى ركعت نماز قيلوب * اللهم احصهم عددا ولا تبق منهم احدا
واقتلهم بددا اى مفترقين ديو اول طائفۀ غير خائفه نك اجراى مجازاتلرين
دركاه رب المكافاته حواله ايلدى * سهم صائب دعاى خبيب مصيب
پوتۀ اجابت لاريب اولوب ختام سنه يه قدر اول معشر شردن هر برى بردام
بلايه دوچار وكرفتار مضيق دار البوار اولديلر * بعده الهى بو مجلسده
آشنايان نبى ذيشاندن بركمسه كورمم كه تحميل دستاوير سلام ايليم كمال لطف
وكرمكدن مستدعادركه * بو بندۀ سرافكنده دن تبليغ صلوة وسلام
ايليوب شاهراه صدق ورضاده جان فدا اولديغمى اعلام بيوره سن ديدى *
مرويدركه اول انده جبريل امين نازل اولوب سركذشت عاصم وخبيبى بيان
وخبيبك تحفۀ تسليمنى عرض حضور جلا لتعنوان ايلديلر * خبيب

جلاد تنهادا اول هنكام دهشت انجامده بو قطعه یی نظم وانشاد ایلدیلر *
* ولست ابالی حین اقتل مسلما * علی ای جنب كان فی الله مصرعی *
* وذلك فی ذات الاله وان یشأ * یبارك علی اوصال شلو ممزع *
الاوصال جمع وصل وهو العضو * والشلو بكسر الشین المعجمة الجسد *
والممزع اسم مفعول من التمزیع وهو التفریق والتقطیع * حین قتلده
مقتولین ایكی ركعت نماز قلمق سنت خبیب در * اول انده ابو سفیان یا خبیب
محمد سنك یرنده اولوب سن اهل وعیالك ایچره متنعم نعم زندكانی اولمق
وجداننده نه كونه درد یو سؤال ایلدكده * خبیب حضرت محمدك حاشا
قتللری دكل مقر سعادت مستقرلرنده قدم مكرملری اذردهٔ خار اولوب
بن خانمانمده بستر نشین راحت اولمغه راضی دكلم دیو میدان عشق محمدیده
درجهٔ ثبات واستقرارینی اظهار ایدیجك تعجب كنان اصحاب كرامك طرف
سرورانامه دركار اولان علاقهٔ خلوص اثارلری میرانده بر علاقه ومحبت
مشهودم اولمامشدر دیدی * چون اشرار مشركین خبیبك بورتنه رساخت
دینی كوریجك كبروكینلری مشتد اولوب همان اول وجود علوالاعتباری
منصور روار كشیدهٔ دارا یلدیلر رضی الله تعالی عنه * بعض دانشوران فن سیر
قصهٔ رجیعی بورسمه ثبت صحیفهٔ اثرا یتمشلر دركه * احد وقعه سندن صكره
فتح عین وضاد معجمه ایله * عضل وقاره دن كه ضم * ها ایله هون قبیله
سندن ایكی بطن در * برجماعت دركاه رسالتنه كلوب یا رسول الله بیزم قبیله
مزده عصابهٔ اسلام كثرت بولمغله تعلیم احكام شریعت وتلقین امور دین
وملت ایلمك ایچون برقاچ نفر فقهای اصحاب كزین تعیین بیورلمق مرجودر
دیو نیازمند اولملریله * حضرت رسول الله محرمان اسرار قرآنیه دن التی نفر
ذوات فضائل اثره عاصم بن ثابتی امیر نصب ایدوب اول قوم كمراهه همراه
بیوردیلر * رجیع نام محله وصوللرنده اول بد طینتلر اعلان خبث سریرت
ایدوب اشقیای هذیله كیفیت اصحاب كرامی اخبار ایلدیلر * درحال برقاچ
یوز خنازیر بیشهٔ كفر وضلال اول سربازان اوزره هجوم ایدوب * بتقدیر
ممتنع التغییر حی قدیر * كذار شبذیر اولان واقعهٔ فاجعه حیز ظهورده
صورتكیر اولدی * سریه قراسنهٔ من بوره صفر الخیرنده سریهٔ قرا كه سریهٔ
بئر معونه ایله شهرتمادر * منخرط سلك الوقایع اولمشدر * معونه فتح میم
وضم عین مهمله ایله مكه وعسفان بیننده بلاد هذیلدن برموضعدر *
سبب وقعه بودر كه رئیس بنی عامر وعم عامر بن طفیل اولان ابو برا عامر كه
ملاعب الاسنه لقبیله مشتهردر * مدینه یه كلوب برسم زیارت داخل

حضور سعادت اولمغله حضرت هادئ امت انی خوان عزیز اسلامه دعوت
بیوردقلرنده * بین الرد والقبول برجواب ویروب بعده یا محمد معلوم مدركه
سنك دینك اشرف ادیاندر * اهل نجد دخی بو اعتقاده مائل وقبول فیض
اسلامه اماده دل اولملریله صحابهٔ كرامدن برقاچ كسنه یی بنمله ارسال بیوره
سز * امیدوارم كه جمله سی طرف كعبهٔ اسلامه احرامبند توجه واعتزام
اوله لردیدی * حضرت قائد الغر المحجلین نجد اهلندن امین دكلم بیوردیلر *
ابو برا خاطر فاخره اوجهتدن قطعا دغدغه كلمسون جمله سی بنم پناهمده
دردیدی * وكیدوب ارسال اولنه جق اصحاب ابرار درجواری اولدیغنی
اهل نجده اخبار ایلدی اقتضای قضا ایله كلام ابو برا جلوه كر معرض قبول
سید الورا اولوب * امام بخاری روایتی اوزره قرای اصحابدن یتمش علی روایة
قرق وعلی قول اوتوز كسنه تعیین ومقام ریاسته منذر بن عمرو تمكین
اولندی * فایحه * ذوات مرقومه لیل ونهار قرأت قران عظیم الشانه
ملازمتكار اولملریله قرا ایله نامدار اولمشلر ایدی * عادتلری بوایدیكه
كیجه اولیجق مدینه نك برجانبنده حلقه بند جمعیت اولوب تا بصباح
دركاه میسر النجاحه عبادت ودراست وقرآنه مواظبت ایدوب اهل
وعیاللری انلاری مسجد شریفده واهل مسجد كندی خانه لرنده قیاس
ایدرلر ایدی * حلول هنكام سحرده سعادتخانهٔ سلطان الانبیایه هربری
نقل هیزم واب خدمتنی ادا ایلدكدنصكره * بنه صحرادن احتطاب
وبازارده فروخت ایدوب بهاسیله اشترای طعام * واهل صفه یی انكله
اطعام ایدرلر ایدی رضی الله عنهم * تتمه * ورؤسای نجد وبنی عامری مائدهٔ
عمیم الفائدهٔ اسلامه دعوتی متضمن بر مكتوب شریف دخی ترقیم ویدلرینه
تسلیم بیورلدی * طی منازل ایدرك بئر معونه نام منزله كه بنو عامر ایله حرهٔ
بنی سلیم اراسنده واقعدر واصل اولدقلرنده حرام بن ملحانی مكتوب شریف
عالیشانله ابو برا عامر بن مالكك برادرزاده سی عامر بن طفیله ارسال
ایلدیلر * عامر مرسوم عامر بن طفیل اسلمی صحابینك غیریدر حرام حسب
الرساله عامرن عامر اوله جق نحوستكاهنه اعتزام ایدوب وصولنده
یا اهل بئر معونه انی رسول رسول الله الیكم فامنوا بالله ورسوله نداسیله
اول سركشتكان بادیهٔ ضلالتی طریق سعادت رفیق هدایته دعوت
ایلدكده * عامر غدارورای حرامدن كلوب برنیزهٔ اهنكذار برله اویله
اوردی كه بری طرفدن یلمان كوسترودی * حرام الله اكبر فزت ورب
الكعبه دیوب عازم دار السلام اولدی * اول كافر بیحیا بالدم هكذا دیه رك

حرامك چهرۀ تابناكنى آغشتۀ خون وخاك ايلدكدنصكره اصحاب سريه يى
روبراه اقليم معاد ايتمك ايچون بنو عامردن استمداد ايلدى * انلار ابو برا
جوارنده اولنلره * تعرض هتك ناموس ابوبرا ايتمزديو ابا ايتملريله بنو
سليمدن مستمد اولدقده بعض اشقيالريله رعل وذكوان وعصيه قبيله لرينك
اهل بغى وعصيانلرى اجابت ايدوب جمع كثير ايله بئر معونه طرفنه متوجه
اولديلر * وصوللرنده اصحاب كرامى ابر سيهفام اسا احاطه ايدوب سربازان
ميدان دين دخى مخاذيل مشركينك بوكونه خروش انكيز كبر وكين
اولدقلرين كوريجك * متوكلا على الملك المستعان تيغلرين عريان ايدوب
شير غرنده كبى اول كلاب درنده اوزرينه حمله ايلديلر * اشتران اسلامله
مرعاده بولنان عمرو بن امية الضمرى برله رفيقندن ماعداسى مست سلافۀ
شهادت اولنجه اقامت ناموس ملت ايچون مرادنه سعى وغيرت ايلديلر *
كعب بن زيد دخى بقيۀ مهجۀ حياتله قالوب غزوۀ خندقده حصه مند
جرعۀ جام شهادت اولمشدر * عمرو بن اميه رفيقيله مرعادن كلوب رجال
باران اوزره هجمۀ مرغان مشهودلرى اولمجق بوتهى دكلدر ديو متبصرانه
كلوب واقف كيفيت اولدقده عمروه رفيقى بو بابده بزه مصلحت ندر ديو
سؤال ايلدى * عمر دركاه رسالتپناهه واروب وقعه دن اكاه ايتمك مناسبدر
ديمجك اول سرانداز عرصۀ جانسپارى مقتل منذردن برخطوه خارجه
حركت ايتمك مغاير غيرت وفادار يدر ديوب اول كرازان سك منشانه حملۀ
پلنكانه ايلدى * ضرب شمشيريله برقاچ لعين نكونسار حفرۀ سجين
اولدقدنصكره كندوسى دخى بالار ومقام عليين اولدى * عمرو بن اميه
اسير اولوب مضرى اولديغنى اخبار ايلدكده عامر بن طفيل الوب زعمنجه
مادرى ذمتنه لازم كلان شرط عتق رقبه ايفاسيچون عمروى عادت جاهليه
اوزره جزناصيه ايلدكدنصكره اطلاق ايلدى * عمرو خلاص اولوب طرف
طيبه يه عزيمت ايتمكله اثناى راهده برشجر سايه سنده تحصيل تنفس
واسايشده ايكن ايكى شخص كلوب بعد السؤال بنو عامردن اولدقلرى
معلوم عمرو اولمجق اغفال ايدوب سركران رطل خواب اولدقلرنده اخذ
انتقام اصحاب داعيه سيله ايكيسنك دخى جكر كاهلرلن قراب تيغ تاب
ايلدى * لكن اول كمسنه لر برامان نبويده اولمغله دركاه مخلد الاقباله
روعال اولوب * وقعۀ منبوره يى واول ايكى عامرى يى عمران حياتدن دور
ايلديكنى افاده ايلدكده * حضرت صاحب البر والافضال عمروى تخطئه
ايدوب ديتلرين ورثه لرينه وعدايصال الله تسليت بخش اولديلر * حضرت

رسول

رسول كزين بو وقعه دن بغايت غمكين اولوب هذا عمل ابى برا * وقد كنت
لهذا كارها * متخوفا بيورديلر * ابو برا دخى برادرزاده سنك اشغال ايلديكى
اتش غدر وضلالدن حماء محرقۀ حزن وملاله دوشوب اول نار عار كندوسنه
مرض دمار اولدى * انس بن مالك رضى الله عنه حضرتلرندن مرويدركه
فخر عالم صلى الله عليه وسلم حضرتلرينك اصحاب معونه حقنده اولان
اندوه وتاثرلرى ديكر حقلرنده مشهود اولمامشدر * اوتوز كون صلوة
فجردنصكره رعل وذكوان وعصيه قبيله لرينه وبنو سليم وبنو لحياندن
بو بابده متفق اولان اشقيايه بد دعا ايلديلر * كرچه بنو لحيانك بو ماده ده
مدخلى اولميوب لكن بو ايكى وقعه نك خبر وحشت اثرلرى بر وقتده رسيدۀ
سامعۀ سيد البشر اولمغله متحدا سيف صارم نفرين رسول الله مظهر
اولديلر *

* وابن انيس وابو سلمة * نكاحه لزينب وحفصة *

وابن انيس مصراع ثانى بيت اولده واقع من قرأ اوزرينه معطوف اولمغله
تقدير كلام ووقع فيها سرية عبد الله بن انيس ديمك اولور * نكاحه كلمه سى
مقدر وقع فعلنك فاعليدر جمله سى تقدير عاطفله معطوف در * ضمير فخر
عالمه راجعدر * بو بيتده درت لايحه مندرجدر * سريۀ عبد الله بن انيس
سريۀ ابو سلمه عبد الله بن عبد الاسد * نكاح زينب بنت خزيمة بن الحارث
الهلاليه * نكاح حفصه بنت عمر بن الخطاب * سريۀ عبد الله بن انيس *
كرچه بو ماده ده بنشدر لكن دستيارى ابطال كثيره ايله حصو ابنديراوله جق
امر خطير اولمغله تغليبا سريه ايله تعبير اولندى * سببى بودركه سفيان
ابن خالد الهزلى نام ملعون ازلى دار الملك رسالت اوزره هجوم قصديله
عرنه ده كه وادئ عرفه در جمع سپاه بيشمار ايلديكى بالغ سمع سيد الابرار
اولمغله * دليران معركۀ ديندن عبد الله بن انيس حضرتلرنى لعين مسفورك
وجود خبث اكينى ازاله ايتمك خدمتنه تعيين بيوروب لكن سيماى بدنماى
سفيان عبد اللهك معلومى اولمامغله خواجۀ كائنات عليه افضل الصلوات
حضرتلرى * اول ملعون بد طينتك شكل وهيئتنى تعريف بيوردقدنصكره
علامت خارجيه سى ابتدار ؤيتده درونكه رعب ودهشت عارض اولوب
خانۀ قلبكه شعبده بازابليس پرتلبيس رهياب دخول اولمغله دغدغۀ
افكار فاسده اعصاب عصبيتكه فتور ورخاوت وبرمكله بازماندۀ اقدام
وجسارت اولورسن بيورديلر * عبد الله يارسول الله مدة العمر برنسنه دن هر
اسان اولمدم ديدى * حضرت سيد الابرار واقعا اويله در لكن بو خصوصده

مرتعب اولوب بدننده اقشعرار اولمق درکار در بیورد یلر * پس عبدالله
مستعد اهبهٔ راه اولوب وحسبما یقتضیه المقام ادارهٔ کلامه دخی دستور ولاجل
التساکر * خزاعه قبیله سنه ادعای نسبتله مامور اولدقدنصکره عزم طریق
ایلدی * قطع مراحل ایدرك بطن عرنبه وصولنده برجماعت عظیمه
کوردیکه ایچلرنده برمهیب الهیئة ومهول القیافة شخص واردرکه عصا
ایله خرق زمین ایدرك کیدر * وارقاسندن احابیش وسائر اخلاط زمر
متابعت ایدرلر * عبدالله بی اختیار مندهش اولوب امعان نظر ایلدکده
اشارتکردهٔ سید البشر اولان اوصاف وعلایمی پیکر نحوست پرورنده تمامها
موجود بولمغله سرکردهٔ اهل خسران سفیان اولدیغنی ایقان ایدوب صدق
الله ورسوله کلامنی زیب زبان ایلدی * اول هنکامده وقت عصر حلول
ایتمکله اشغاالله فوت صلوة خوفندن طرف مرسومه خطوه ریز توجه وعزم
اولدیغی حالده ایما ایله ادا ایلدی * سفیانك دخی نظری عبداللهه متعلق
اولیجق دارودیارونام وشعارندن استفسار ایندی * عبدالله بنو خزاعه یه
منتمی اولدیغنی بعدالاخبار محمد ایله حرب وکارزار ایچون عسکر جمع
ایلدیکك کوشکذارم اولمغله اول کارده معینداراولمق هواسیله ملازمت
رکابنه شتاب ایلدم دیدی * سفیان دخی قدومنی ترحیب ایدوب اول امر
نابهنجار قیدنده اولدیغنی اشعار ایلدی * عبدالله ذاتنده خلوالفکاه اولمغله
خوش اینده ودلنشین کلمات ایلهفریبانه ایله اول ملعونی مغبون ومفتون
ایلیوب ازجمله محمد اباواجدادی اینینی ترك ایدوب بردین حادث ایجاد
وخلقی بررتقریبله طرفنه جلب وایرادا یتمکله رفته رفته بونك وراسی جمله یه
شورشنما اوله جغی هویدادر دیو من اجنه کوره کلام ایلدکده * اول سر
کردهٔ اجلاف محمد هنوز بنم کبی خصم قوی یه ملاقی اولمامغله میدانی
خالی بولدم قیاس ایدر دیو لاف وکذاف ایدرك خیمه سنه واصل اولدیلر *
اخشام ایرشدکده سفیانك هوادارلری کیدوب همان درون خیمه ده
ایکیسی قالدیلر * عبداللهی همنشین ایدوب وافر مدت هر طرفدن
مسامرت ایلدیلر تاکه اطرافده اولان کمسنه لر خوابه واروب اللیل اخفی
للویل سری ظهور ایلدکده عبدالله متهیئ فرصت اولوب سفیان دخی
سلافهٔ خوابله سرکران اولمغله همان اول ناتراشك باشنی کسوب درساعت
جانب مدینه یه توجیه قادمهٔ مسارعت ایلدی * صبحدم حشرات سفیان
وقعهٔ شبانه دن اکاه اولیجق تعقیبه شتابان اولوب عبدالله دخی * عقبکیران
خوفندن برغارتنك وتاره التجا وبرکوشه سنده سر بجیب اختفا اولدی *

بافرمان صانع بیهمتا اول انده برعنکبوت هویدا اولوب درغارده برپردهٔ
سیمتار تنیده ایتمکله ظاهر بینان کفاره نسبت سداستوار کورندی * عقبکیران
اطراف واکنافه پویان وجویان اولوب انجام کار خیبت بریمین وخسران
دریسار عودت ایلدیلر * اول دلیر بیهمال دخی فراغ بالله غاردن چیقوب
شیرانه سالما وغانما مدینه یه واصل ومسجد شریفده تقبیل بساط شرف
مناطه نائل اولدقده * حضرت رسول الله افلح وجهك تعبیریله مآل حال
سفیاندن استکناه بیوردیلر * عبدالله افلح وجهك یارسول الله دیوب سر
سفیانی خاکپای عرش پیمایه غلطان وقصه یی کما کان عرض وبیان ایلدکده
حضرت مبید الکفار فوق الغایه کسب انبساط ومسار ایدوب * تختصر
بهذه فی الجنة فان المتخصرین فی الجنة قلیل تعبیر دلپذیریله عبداللهه
برعصای شریف احسان بیوردیلر * عبدالله اول عصایی الف جان کبی
حفظ ایدوب بعد وفاته وصیتی موجبجه اولادی کفنیله بدنی میاننده
همخوابهٔ مزار ایلدیلر * سریهٔ ابوسلمه عبدالله بن عبدالاسد * سنهٔ من بوره
محرم الحرامی غره سنده سریهٔ ابوسلمه عبدالله بن عبدالاسد واقع اولمشدر
مومی الیه ابوسلمه عمهٔ رسول الله اولان بره نام خاتونك فرزندی ولبان
ثویبه دن حضرتك اخ رضاعیسیدر * سبب وقعه بودرکه طی قبیله سندن
برکسنه دختر برادرنی زیارت ایچون مدینه یه کلوب بنو اسد رؤساسندن
طلیحه وسلمه ابنا اسد قوم واشیاعنی تحریك ایدوب زعملرنجه طرف اسلامیانه
خسارت ایصالنه جسارتده اولدقلرنی موقف عز وجلالته اخبار ایتمکله
مهاجرین وانصاردن یوزاللی نامدار اختیار وابوسلمه یی تشریف امارتله
رهین افتخار ایدوب لشکر اعدای بدنهاد هنوز برخوشجه احتشاد ایلمزدن
مقدم اول زمینه واروب باعمال سنابك الخیل اسلام * وطراف وتلاد
اموالاری کشیدهٔ نطاق اغتنام اولنمق مطلوب عالیلری اولدیغنی تنبیه واعلام
بیوردیلر * مجاهدین دینی دخی برموجب فرموده من بور طائی دلالتیله
طریق دیکردن ره پیموده اولوب تاکه بنو اسد چراکاهلرندن فیدناحیه
سنده قطن نام محله وصوللرنده * من عاده بولنان دواب ومواشیلرین کشیدهٔ
قطار تسخیر واوچ نفر چوبانلرین اسیر ایلیوب ماعداسی فرار ایلدیلر * ابو
سلمه عسکری اوچ فرقه ایدوب برفرقه سنی کندی یاننده ابقا وایکی فرقه سنی
دوطرفدن نهب وغارت ایتمك ایچون اسرا ایلدی * فرار یلرك اخباریله
قدوم لشکرابراردن خبردار اولملریله کندولری سبکبار فرار ایدوب قتی وافر
جمال واغنام بی کلفت اعمال حسام نصیب غزات اسلام اولوب مظفر

ومنصور دار السكينه يه كلوب شرفياب حضور سيد حصور اولديلر * بو
غنيمتدن صفى سلطان الاصفيا بر بنده اولوب باقى غنايم بعد اخراج الخمس
بين الغزاة تقسيم اولنمغله هر برينك حصه سنه يديشر بعير اصابت ايلدى *
فائده * فن سيرده صفى جملهٔ غنيمتدن اول نسنه دركه * قبل القسمة حضرت
خير البريه اختيار ايليه * ويا خود امير سريه يديله افراز كردهٔ جانب سعادتمدار
اوله * تكمله * من بور طلحه نفسنده مشاهير ابطالدن اولوب حتى شجعان
عرب ميانده بيك سواره معادل عدو اعتبار اولنور ايدى * بعد زمان وفاتله
رخسودهٔ خاكپاى نبى ذيشان اولوب رهايافتهٔ كفر وخذلان اولدقدنصكره *
معاذ الله تعالى افتادهٔ ورطهٔ ارتداد وادعاى نبوتله ساز ناساز غوايتى شعبه
كير از ديادا اولدى * حضرت سلطان الانبيا متوجه اقليم بقا اولدقدنصكره
كوكبهٔ حشمتى افزون ودبدبهٔ كوس شوكتى ولوله نمون اولوب * حتى اوائل
خلافت صديق اكبرده اسلاميان اوزره سپاه بى پايانله كلوب حرب وستيز
وعاقبت تازيانهٔ حديد خالد بن وليد ايله شام جانبنه بى سپر راه كريز اولدى *
حضرت صديق اكبر دار السلامى مستقر ايلدكدنصكره هدايت هادى
المضلين ايله مجددا داخل عداد مؤمنين اولوب الى وفاته پا برجاى مقام دين
وزمان خلافت فاروقيده اداى حج شريف ايدوب وقعهٔ قادسيه ده بدرقهٔ
شهادتله واصل درجهٔ عليين اولدى * برادرى سلمه نك اسلامى رسيدهٔ رتبهٔ
تحقيق اولمدى * نكاح زينب * وسنهٔ من بورده زينب بنت خزيمة بن حارث
الهلاليه منخرط سلك ازدواج خير البريه اولمشدر * زمان جاهليتده زينبك
مخائل سنيه سى رحم وشفقت وسجيهٔ رضيه سى دائما محتاجينه بسط سماط
مكرمت اولمغله ام مساكين ايله شهرتيافته اولمشدر * زوج اولى عبد الله بن
جحش احد وقعه سنده شهيد اولمغله ازواج مطهره زمره سنه التحاق اولنوب
ايكى ياخود اوچ آيدنصكره وفات ايتمكين بقيعده دفن اولندى * نكاح حفصه
سال من بورده حفصه بنت عمر الخطاب سلسلهٔ امهات مؤمنينده رونقياب
اولمشدر * زوج اولى خنيس بن خزافة السهمى ايله پيوستهٔ صفوف صنوف
مهاجرين اولوب غزوهٔ بدرده كبرادنصكره بينلرين بينونت دوت شوهر تفريق
ايتمكله * حضرت عمر اول كريمهٔ پاكيزه كهرى صديق اكبر وذو النورين
جنابلرينه عرض ايدوب صورت رغبت مشاهده ايتمامكله حضرت رسول
اللهه افاده ايلدكده كنديلرى قبول * وشرف ازدواجله سر مفخرتلرين سپهر
اثيره موصول بيورديلر *

* وام كلثوم ابن عفان اباح * حل الحسين بعدما الحسن لاح *

عثمان بن عفان مبتدادر اباح جمله سى خبردر * ام كلثوم مقدم مفعوليدر
اباح عثمان الدخول على ام كلثوم بسبب العقد عليها قوه سنده در *
حل الحسين مبتدادر لاح جمله سى خبردر جملهٔ اسميه تقدير عاطفله معطوفدر
وحل الحسين بعدما لاح وضع الحسن لاح تقديرنده در * لاح ظهر
معناسنه در بو بيتده اوچ لايحه مندرجدر * نكاح ام كلثوم * ولادت امام
حسن * ظهور وحل امام حسين * نكاح ام كلثوم * بنت رسول الله حضرت
ام كلثومك اسملرى معلوم اولميوب كنيهٔ من بوره ايله شهرتيافته اولمشدر *
مقدما عتيبه بن ابولهبه نكاح اولنوب قبل الدخول ابرام ابولهب ايله
تطليق ايلدكدنصكره * اول مادر بخطادر كاه سلطان الانبيايه كلوب بن
سالك اولديغك دين مبينى انكار وكريمه كزدن مفارقت اختيار ايلدم من بعد
ميانمزده طريق محبت مسدود اولمشدر ديو هرزه فشان اولدقدنصكره
حضرت رسول الله اوزرينه وثبهٔ بى ادبانه ايله اول كلب عقور وقتال
كريبان حياسى كبى پيراهن شاه لولاكى چاك ايلدى * لعين مسفور اول
اثناده تجارت ايچون شام طرفنه عازم اولمغله حضرت سيد منيع اللهم
سلط عليه كلبا من كلابك دعاسيله تشنيع بيورديلر * ابو طالب حاضر
بالمجلس اولوب اول حيرنا غيرك بو وضع وقباحت انكيزندن رقت اميز اولمغله *
ما كان اغناك عن دعوة ابن اخى تعبيريله برزده سامان صدمهٔ دعاى
محمدى اوله جغنى تذكير ايلدى * اول كشتنى واجب الاعدام قافلهٔ قريش
ايله عازم طرف شام اولوب بر كيجه زرقانام مقامده خيمه زن آرام ايكن *
ناكاه بر شير غرنده بديدار اولوب اطراف كاربانيانده كشت وكذاره
باشلدى * لعين بدين مرتعب اولوب باويل امى هو والله اكلى كما دعا على ابن
ابى كبشة وهو بمكة وانا بالشام ديو سوق دعاى سيد البشر ايله فريسهٔ غضنفر
اوله جغنى تيقن ايلدى * واقعا شير من بور يكان يكان وجوه كاربانيانى
استشمام ايدرك لعين مسفورى بولوب پاره پاره ايلدى * فائده * مشركلر
حضرت رسول اللهه عبادت اوثانده قريشه مخالفت ايدن ابو كبشه نام
مرد خزاعى يه نسبتله ابن ابى كبشه اطلاق ايدرلر ايدى * بعضلر جهت
مادرلرندن جدلرى اولان وهب بن عبد منافك كنيه سى ياخود مرضعهٔ
رسول الله اولان حليمهٔ سعديه نك زوجى كنيه سيدر ديديلر * تكمله * مقدما
رقيه بنت رسول الثقلين تحت نكاح ذى النورينده اولوب حضرت رسول
عالى قدر غزوهٔ بدرده ايكن خرامان روضهٔ جنان اولمشيدى * حضرت
پيغمبر ذيشان با عثمان نفسم قبضهٔ قدرتنده ناتوان اولان خداى بيچون

حقیچون صلب والا کهر مدن یوز دختر سعد اختر پرتو بخش عالم
وجود اولوب جمله سی متعاقبا رو براه جانب دار الخلود اولسه * واحدة
بعد واحدة سکا تزویج ایدرم والحالة هذه جبریل امین اخباریله ام کلثومی
سکا تزویج ایتمکه طرف الهیدن مأمور اولدم بیوروب اول شمع دودمان
عز و عنوانی محرم شبستان عثمان بیورمغله ذی النورین لقبنه شایان
ایلدیلر * ولادت امام حسن * سنۀ مرقومه رمضاننك اون بشنجی کونی
سبط مکرم رسول * باکورۀ باغ بتول * نوردیدۀ زهرا * سید شبان
اهل مأوا * امام حسن رضی الله عنه پیرایۀ مهد وجود اولدیلر * ظهور
حمل امام حسین * ولادت امام حسندن اللی کون مرورنده که ذی القعده نك
التنجی کونیدر * درۀ یکتای درج سعادت * غرۀ غرای برج سعادت *
امام معصوم * شهید مظلوم * قرة العین رسول الثقلین * امام حسین
حضرتلرینك حملی روغود اولوب سنۀ آتیه شعباننك اوچنجی کوننده
ارایش قماط شهود اولمشدر *

* نزغز وموعد نضیر والرقاع * نخ دومة المصطلق الخندق رآع *

نزظر قدر فی السنة السابعة والخمسین قوه سنده دره مقدم خبردر * غز وموعد
مؤخر مبتدادر * بنی نضیر تقدیر عاطفله معطوفدر * وذات الرقاع بنی
نضیر اوزرینه معطوفدر * کذلك نخ کلمه سی ظرفدر فی الثامنة والخمسین
موقعنده درومقدم خبردر * غز ودومة مؤخر مبتدادر * وبنی المصطلق
والخندق تقدیر عاطفله معطوفلردر * راع کلمه سی روعدن ماضیدر اخاف
معناسنه * جمله سی قد راع الناس لاجتماع طوائف من المشرکین تقدیریله
حالیه در * بو بیت التی لایحه یی مشتملدر * غزوۀ بدر الموعد * غزوۀ بنی
النضیر * غزوۀ ذات الرقاع * غزوۀ دومة الجندل * غزوۀ بنی المصطلق *
غزوۀ خندق * غزوۀ بدر الموعد * مرسوم رسام قلم بدیع الرقم اولدیغی اوزره
بازار کارزار احد پریشان اوله جغی هنکامده * حضرت پیغمبر ذیشان ایله
ابو سفیان عام قابلده پهنای بدرده مقابله و یکی باشدن معاملۀ مقاتله اولنمق
اوزره مواعده مسبوق اولمغله بدر موعد ایله موسوم اولدی * وبدر صغری
وبدر اخیره ایله دخی مسمادر حلول وقت وعده متقرب اولنجه حضرت برکزیدۀ
اولی العزم مستعد اسباب رزم اولوب عبد الله بن رواحه یی مدینه ده
استخلاف و بیك بشیوز مرد جکر شکاف ایله عازم جانب مصاف اولدیلر *
عسکر ابرارده بو دفعه اون رأس اسب رهوار استصحاب اولنمشیدی * رهبرئ
توفیق موصل المرام برله ساحۀ بدره مضرب خیام ارام اولوب طرف کفاره

چشم وکوش تربص وانتظار اولدیلر * پیام ورود موکب اسلامیان
واصل صوب ابو سفیان اولیجق خواه ناخواه بر بلوك سپاه نحوست پناه ایله
مکه دن چیقوب بقدم رجلا و بتؤخر اخری قادمه سیله مر الظهران نام منزله
ورودلرنده معقل دل مذعوری جنود رعب وهراسله محصور اولوب عوق
وعودت ایچون وسیله جوی مناسبت ایدکن * بو سر رشته یه دسترس اولدیکه
بو سنه قلت باران سببیله حوالی ونواحی ام القراده قحط وغلا نمایان اولوب زاد
وذخائر قلیل * واشجارلرك برك وباری اولمیوب دواب ومواشیلرمز انعدام
اب وعلفدن علیل وکلیل * وخصوصا عمدۀ غدا ومادۀ تعیش اغندامز
اولان شیر شتران همحال شیر مرغان اولمغله * بو سنه بروجهله مطارحۀ
مکافحه نامعقول اولمغین امر قتالی سال اینده یه توقیف ایتمك مناسبدر
دیوب کندوسی اهلنك رجعت ایتمکله سائرلری دخی عودت ایلدیلر *
بو سفرده مشرکینك سویقدن غیری طعمه لری اولمامغله اهل مکه سز
محضا سویق تناول ایتمك ایچون عزیمت ایلمشسز دیو طعن وتعییر وجیش
السویق لقبیله تشهیر ایلدیلر * لشکر اسلامیان مستصحبلری اولان امتعۀ
تجارتی نقد ایدوب رأس الماللری قدر فائده مند اولوب سکز کون اقامت
اندنصکره طرف طیبه یه عنا نکرای مراجعت بیوردیلر * فانقلبوا بنعمة
من الله وفضل لم یمسسهم سوء واتبعوا رضوان الله والله ذو فضل عظیم *
کریمه سی بو خصوصده نازل اولدی * غزوۀ بنی النضیر * سنۀ مزبوره ربیع
الاولنده غزوۀ بنی النضیر واقع اولمشدر * بنو النضیر یهود قبائلندن بر بولك
قبیله درسببی بودرکه طرازیدۀ خامۀ با کیزه صنعت اولدیغی اوزره بئر معونه
وقعه سنده یتمش نفر اصحاب کزین حائز درجۀ شهادت اولوب انجق عمرو بن
امیة الضمری تخلیص کریبان حیات ایدوب اثنای طریقده ایکی عامری یی
قتل ایلدیکنی درکاه فلك اشتباهه نقل ایلدکده * طرف نبویدن مستأمن
اولدقلری حسبیله عمرو وی خطایه نسبت وورثه لرینی تأدیۀ دیتله تسلیت
بیورمشلرایدی * حضرت صاحب رسالتله اقتضا ایدن دم ودیتده همعهد
معاونت اولان قبیلۀ بنی النضیر * بر موجب معاهده عمرو ذمتنه ایجاب ایدن
دم ودیتده ظهیر اولمق ایچون * حضرت صدیق وفاروق ومرتضی ومشاهیر
اصحابدن یدی نفر ذوات کرام استصحابیله قبیلۀ مرسومه جانبنه عزیمت
بیوردیلر * وصوللرنده طائفۀ یهود واقف مقصود نبی بهبود اولیجق * ظاهرا
ابراز صورت رضا ایدوب تمشیت مهامی عقب ضیافته تعلیق برله ترتیب لوازم
قرایه مبادرت ایلدیلر * صاحب المقام المحمود دخی مبارك ارقه لرین برخانه

دیوارنه ویروب سعادتله قعود بیوردیلر* خذلهٔ یهود بری برینه بوندن رنکین
فرصت اله کیرمز برکسه یوقیدرکه بالای بام خانه دن فرق محمده اوزره برسنك
کران القا ایلیه دیدیلر* عمرو بن جحاش بن کعب نام کشتنی اول کارنابهنجاره
متعهد ومعتنی اولوب* لکن سلام بن مشکم انلاره‌ای کروه سرسم شمدی
محمده طرف اسماندن خبرکاوب افکار کامنه کز معلومی اولمغله نکث عهده ایتمش
اولوب سر نحوست اثر کزی کندی دست اختیار کز برله بلایه دوچار ایدرمز
دیو منع ایلدی* همان اول انده جبریل امین نازل اولوب دسیسهٔ یهود ملعنت
انجامی عز حضوره اعلام ایلدی* حضرت سید الانام دخی بعض ضروریات
بشریه اقتضاسیله قیام ایتمش صورتنده میانهٔ اصحاب کرامدن قالقوب
صوب مدینه‌یه اعتزام بیوردیلر* صحابهٔ کرام خیلی دم انتظار ایله ارام
ایدوب استبطای تشریفلرینه بناء عقبلرندن روانه اولدیلر* حین لقالرنده
مکیدهٔ یهودی بیان ایلدیلر* یا ایها الذین امنوا اذکروا نعمة الله علیکم اذ هم
قوم ان یبسطوا الیکم ایدیهم فکف ایدیهم عنکم* الایه کریمه سی بوبابده
نازل اولدی* بو وقعه‌نك سنه‌سنده بعض نقادان فن سیر بورسمه سبك جوهر
اثرا ایتمشدرکه* یهود بنی النضیر بینلرنده افراغ کردهٔ قالب تصویر ایلدکلری
مس بیقدر مکیدتنه سکه‌زن صورت اولوب* درکاه دعوتی الاقباله بو وتیره
اوزره خبر ارسال ایلدیلرکه* اوتوز نفر صحابهٔ کرامله قرار داده اولان جای
معینه پرتو انداز تشریف اولوب کندیلری دخی اوتوز نفر احبار ارسال*
وانده مباحثهٔ دینیه ایدوب اکر انلار نبوتلرین تصدیق ایدرلر ایسه جمله‌سی
کردن دادهٔ طوق امتثال اوله‌لر* بو پیاملرینه جانب اشرف انامدن صورت
رضا کوستورلدکده اوتوز نفر جانسپار میاننده طرف سید الابراره کزند
ایصالنه مجال بلکه عدیم الاحتمال اولدیغنه صکره‌دن انتقال ایتملریله*
کثرت سببی فهم وتبیین عسیر اولور بهانه سیله تصمیم ازلدن عدول ایدوب
بود فعه طرفیندن اوچر کسه ملاقاتی اصل الاصول ایلدیلر* حضرت
صاحب الحوض المورود دخی اوچ نفر صحابهٔ کزینه‌له تشریف بخش محل
معهود اولوب حسب المقاوله احبار یهود نابکاردن اوچ نفر ملعنت شعار
اول جای لطیفی وجود کثیفلریله همحال کثیف ایلدکدنصکره* محاورهٔ
دینیه‌یه شروع اولنوب برایکی نوبت مساطات کوئس مباحثت اولندقدنصکره
یهودیلر مضطرب اولوب اول اثناده زیر پردهٔ خفادن اظهار ایدجکلری چهرهٔ
نابهرهٔ مکر ودسیسه‌یه ابتدار اوزره ایکن* بنات قبیله‌دن بر خاتون طرف
اسلامیانده اولان قرنداشنه که مقدما شرفیافتهٔ اسلام اولمشیدی* یهود

ملعنت انجاملك قیاافت ویره جکاری دخل ودغلی اعلام ایدوب اولدخی
حضرت رسول الاهی واقف ایتمکله فی الحال مدینه‌یه عنان بر استعجال
اولدیلر* قالدیکه جبریل امینك اخبار یله من بوره‌نك اعلامی بیننده معاندهٔ
اجتماع اولمدیغی بیاندن مستغنیدر* اندنصکره فخر کائنات علیه اکمل
الصلوات حضرتلری نقض عهدلرینه مجازات ایچون اون کونه قدر* بنم
دیارمدن چیقوب آخر ولایته طرح سواد ثقلت ایلیه سز اون کوندنصکره
کیم قالورسه قتل ایدرم دیو فرمان ومحمد بن مسلمه‌یی مباشر تعیین بیوردیلر*
دیار سید الابراردن مراد مدینه‌در زیرا بنو نضیر اعمال مدینه‌دن زهره نام
قریه‌ده متمکن ایدیلر* اول خونهٔ بدماننده یارای مقاومت اولمامغله
درساعت اسباب سفر تدارکنه مباشرت ایلدیلر* زمرهٔ منافقین خصوصا
سرکردهٔ قوم مخذول ابن ابی بن سلول یهود بنی نضیره صاقنوب یرکزدن
حرکت ایتمیه سز جمله‌مز سزکله متحد اولوب ظفر وهزیمت صورتلرنده
بکقدمه سزدن مفارقت احتمالمز یوقدر* بنم ایکی بیك ادمم وار در بنو قریظه
وغطفان دخی امداد واعانتکزده برزده دامانددر دیو خبر کوندردلریله* اول
ملعونلر مغبون اولوب قوت قلبله تصمیم قتال وبروجهله وطنمزی ترك ایتمك
احتمالی یوقدر دیو درکاه ابدی الافضاله پیام ارسال ایلدیلر* اول ملاعین
بدا ینلرك بورسمه دلیرانه حرکتلری بارکاه رسالتنه منعکس اولنجه اواز بلند
ایله تکبیر ایدوب اصحاب کزین دخی غلغلهٔ تکبیر ایله ولوله بخش کنبد زبرجد
نقش اثیر اولدیلر* یهودك محاربه‌یه قیامنی اصحاب کرامه اعلامله مهمات
سفریه تدارکنه اهتمام اولنمغی فرمان بیورملریله* بالجمله مهاجرین وانصار
ادوات کارزاره ابتدار ایلدیلر* بو خصوصده بنو نضیرك صاحب کلمه
وتدبیرلری حیی بن احطب نام یهودی واجب العطب ایدی* سلام بن
مشکم دهاتدن بر مرد عاقبت اندیش اولمغله بو حرکتی استنکار ایدوب یا حیی
سنك اقدام ایلدکك ماده رأسا باطل وحسن نتیجه‌دن عاطلدر* ابن سلول
جهولك مرادی سنی غوطهٔ هلاکه القا ایتمکدر* سن محمد ایله اهنك کیر
ودار ایدوب اول دار نحوست مدارنده صفادار اوله جقدر* حیی بوندن اقدم
کعب بن اسد قرظی‌یه بنو قریظه سزه امداد وانجاد ایده جکدر دیو خبر
کوندروب بنو قریظه ایسه بز نقض عهد ایتمزز دیو قطعی جواب یأس
ارسال وهمسو کندی اولان بنو قینقاعی دخی سزلکبی وعد عرقوبیله مغرور
ومنکوب ایدوب بعده انجازنده سکوت ایلدیکی بی قتل وقالدر* بورسمه
خلفاسنه اعانتی اولمیان غدار ملعنت پرورلك بزه اعانتی منصور میدر خصوصا

اوس وخزرج میاننده محاربه واقع اولیجق بنو قینقاع خزرجیان وبزلر اوسیان
طرفنده بولندیغمز حسبیله انلر ایله مقاتله ایدردك پس اول دغلباز فتنه
پردازلك كلام بی انجامی جایكیر سمع قبول اولمق بر وجهله معقول دكلدر دیو
نصیحت * وبو خصوصدن فراغت محض خیر اولدیغنی ارأت ایلیوب *
حیی دیدكلری بیجابردرلو اصغا ایتمیوب محاربه یه اجترا ایلدی * بنه سلام
ادارهٔ دولاب كلام ایدوب ای حیی البته بو كار وخامت شعارك انجامی ترك
دیار ونهب اموال وخط شرف واعتبار واسر اولاد وعیال اوله جقدر كل
بوندن فارغ اول دیو تنبیهی عاقبتی اشعار ایلدكده * لعین بد كردار مقام
عتو واستكبارده اصرار ایدوب صنعیمی اغاز كیرودار ایلدی * حضرت
سلطان الانبیا اول ملاعین شقوت اثمانك بو وجه اوزره تعصب وطغیانه
اجترا ایلدكلرنی تحقیق ایدیجك * منشور خلافت مدینه یی ابن ام مكتوم
نامنه ترقیم * ودست مرتضایه بر علم عالم ارا تسلیم بیوروب * مهاجرین
وانصار ایله اول فرقهٔ فجار اوزره عزیمتما * وصلوة عصری فنای حصارلرنده
ادا ایلدیلر * ملاعین یهود حصارلرینه تحصن ایدوب وقت عشایه قدر
تیر وسنك ایله جنك ایلدیلر * حضرت پیشوای اصفیا علیه اصفی التحایا
صلوة عشایی ادا ایلدكدنصكره حضرت مرتضایی قائمقام ایدوب كندیلری
اون نفر صحابهٔ كرامله سعادتخانه لرینه اعتزام ایلدیلر * نبردكاهده قلان
سپاه ظفر دستكاه صباحه قدر امر محاصره ده اقدام واواز تكبیر ایله طنین
اندازقبهٔ مینافام اولدیلر * طلوع فجرده حضرت بلال اذان اوقیوب
پیشوای اصحاب هدادخی تشریف وجماعتله صلوة فجری ادا ایلدكدنصكره
حسب الاشاره حضرت بلال شاخسار اشجاردن بر سایه بان ترتیب
ایدوب اوزرینه پلاس كشیده ایلدی * حضرت سید الانام سعادتله
اول سایبانده ارام بیوردیلر * تیرانداز ان یهوددن عزول نام مردودك
طرف اسلامه پرتاب ایلدیكی تیرك بریسی مقر عالی یه داخل اولمغله
جای دیكره متحول اولدیلر * بركیجه حضرت شیر یزدان جانكی
عیون عسكردن نهان اولمغله دركاه رسالتپناهه عرض اولندقده سزه
متعلق بر مهم تمشیتی ایچون غیوبت ایتمك كركدر بیوردیلر * چوق كچمدین
كلوب عزول مسفورك كلهٔ باروی طغیان اولان كلهٔ نكبت بنیانی خاكپای
فلك سای نبوی یه غلطان ایلدی * مكر لعین مرسوملك نه كونه دلاور
اولدیغی معلوم جناب حیدر اولمغله * شاید شبهنكام چیقوب عسكر
اسلامه بر خسارت ایقاع ایدر ملاحظه سیله كذركاه اولان محلده دركین

اولمشدی * وفق الملحوظ لعین مسفور چند نفر بردلان یهود مغرور ایله
چیقوب كاوركن حضرت كرار اوكارین الوب مسفوری قنطرهٔ تیغدن
وادیٔ عدمه امرار ایتمكله * ماعداسی بول اجل ادبار اولدیلر * وهنوز
واصل حصار اولمدقلرین اخبار ایتمكله حسب الامر حضرت مرتضی
وابو دجانه سكز نفر مرد فرزانه ایله عقبكیر اولوب * هنوز بی سپرراه فرار
ایكن بتشوب جمله سنی ضرب شمشیر ایله داخل حصن سعیر ایلدیلر * چون
سلام بن مشكمك دیدیكی كبی ابن سلول طرفندن وحلفالری اولان
غطفان جانبندن بر مدد واعانت شائبه سی ظهور ایتمیوب * اول ملاعین
بد كردار كندی اختیارلریله دام بلایه كرفتار اولمغله * اون بش كون علی قول
دخی زیاده لیل ونهار عساكر جلادت شعار مقابلهٔ حصارده برقرار اولوب *
وامطرنا علیهم حجارة فحواسی كاه سنك كرانبار ایله وانزلنا الحدید فیه بأس شدید
نازله سی كاه ناولك اهنكذار بر له حرب وتضییقه بذل نیروی اقتدار ایلدیلر * سعد
ابن عباده عسكر اسلامه نخلستاندن دائما نقل خرما ایدر ایدی اول ملعونلره
جفا ایچون حضرت پیغمبر ذیشان خرما اغاجلرنی قطع بابنده فرمان ایلدیلر *
پس درون حصارده یهود عنید هر طرفدن نومید اولوب سرانجام دخی نیه
منجر اوله جغی مجزوملری اولمغله نداممكنان متشبث دامن استیمان اولدیلر *
حضرت نبی ذیشان دخی جمله سلاحلرین چیقاروب انجق پشتوارهٔ باركشلری
اوله جق اسبابله كتمك شرطی اوزره امان احسان ایلدیلر * انلر دخی ناچار
بو شرطه راضی اولوب خفیف الحمل اولان ذی قیمت اشیالرین التیوز دوه یه
تحمیل ایدوب خیبر طرفنه عزیمت ایلدیلر * حسب الطریق بازاركاه
مدینه دن زعملرنجه الای حشمتله صورت ناسده اظهار حزن وكابت
ایتمیه رك كذر ایلدیلر * حتی متمولرندن سلام بن ابی الحقیق استصحاب
ایلدیكی بر بیوك پوست ایچره انواع حلیات فاخره واجناس جواهر زاهره سنه
اشارتله * هذا ما اعددناه لرفع الارض وخفضها دیه رك دفع خیالهٔ ثقلت
ایلدیلر * اموال وعقار وضیاع بنی النضیر مكسوب دستیاری شمشیر اولمامغله
فیٔ مخصوص نبوی اولوب * لكن قاسم غنائم بر وافضال علیه الصلوة الملك
المتعال حضرتلری زمرهٔ انصار اوزرندن اعبای مؤنتلری بر طرف اولمق
ایچون خاصة مهاجرین بیننده تقسیم بیوروب انصاردن ابودجانه وسهل
ابن حنیف دخی جهت احتیاجلرینه مبنی ارادهٔ سید الانامله داخل اصحاب
سهام اولدیلر * غزوهٔ ذات الرقاع * سنهٔ مرقومه ربیع الاولنده علی روایة
جمادی الاولیسی اثناسنده غزوهٔ ذات الرقاع واقع اولمشدر * پیادكان

غزا ایدن بعضلرینک تاثیرینک بیابانله اقدامی مجروح اولوب اول جروحه خرقه‌لرندن شد جبیرا ایتملریله ذات الرقاعه وسیلهٔ تسمیه اولمشدر * بو غزایه غزوهٔ بنی محارب * وغزوهٔ بنی ثعلبه * وغزوهٔ بنی انمار * وامور عجیبه‌یی مشتمل اولمغله غزوة الاعاجیب دخی اطلاق اولندی * باعثی بودرکه بنو محارب وبنو انمار وبنو ثعلبه نجدده عقد جمعیت ایدوب طرف اسلامیانه سوء نیتده اولدقلری واصل سامعهٔ نبوی اولیجق * ع * علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد * مؤداسنجه لازمهٔ احتیاطی درپیش ایدوب همان درتیوز نفر سرباز جهانله رکاب عزیمته وضع قدم مکرم بیوردیلر * طی مراحل ایدرک ارام ایتدکلری محله واصل اولندقده اول کروه پرمکر وآل برجبل صعب المنالده متحصن اولمغله عسکر اسلام مقابله‌ده صف بستهٔ قرار اولنوب اول هنکامده وقت صلوة عصر حلول ایتمکله نمازه اشتغالده ایکن بغایت مشرکین کات مسلمین اوزرینه هجوم ایتمک احتمالندن ناشی صلوة خوف ادا اولندی * بعده سلطان کشور تحقیق حضرتلری برشجر سایه سنه شرف نزولله رشک روضهٔ بهشت انیق * وسیفنی برشاخ شجره تعلیق ایدوب تنها جه راحت کزین ایکن * براعرابی فضول سروقت رسوله مثول ایدوب همان اغاجدن تیغی الوب من یمنعک منی دیو حواله ایلدی * حضرت رسول اله دخی الله دیجک دست اعرابی متزلزل اولوب الندن قلج یره دوشدی * تیز حضرت رسالتمدار اول شمشیر تابداری الوب من یمنعک منی دیو سر نحوست اثر اعرابی‌یه حواله بیوریجق کن خیرا آخذ مقالیله استرحام ایلدی * حضرت فائض الرحم والاحسان اعرابی‌یه عرض ایمان ایدوب نهادنده جواهر قابلیت اولمامغله نائل قبول شرف هدایت اولمیوب لکن بعد الیوم طرف رسول اللهه خصومت وارباب معاداته معیت ایتمامک اوزره استیمان ایتمکله تخلیهٔ سبیل اولنوب * جئتکم من عند خیر الناس خبریله لاحق قوم وسواس اولدی * پس محاذیل مشرکینک جای پناهلرینه هجوم واقتحام موافق رضای خیر الانام اولمامغله بالاقبال وسعادت طرف طیبه‌یه مراجعت اولندی * غزوهٔ دومة الجندل * ولادت باسعادتک اللی سکزنجی سنه‌سی که خامسهٔ هجریه‌در ربیع الاولنده غزوهٔ دومة الجندل واقع اولمشدر * دومة الجندل دمشق شامه بش ومدینه‌یه اون بش مرحله مسافه‌ده برشهر سنکین وحصن حصین‌در * سببی بودرکه حصن مرقوم اهالیسنک قطع طریقه جسارت وایندهٔ وروندهٔ‌یه ایصال خسارت ایلدکلری واصل سمع سعادت اولدقده * بیک نفر دلاور ایله اول فرقهٔ شقاپرور اوزرینه

توجیه نجیب عزم وسفر ایدوب ماه شب ارا کبی شبروانه ره پیما اوله رق دومه‌یه قریب واردقده * اول اطرافده رعی وچرا ایدن سوائم اعدا نصیب عسکر خدا اولوب تخلیص جیب حیات ایدن رعاتدن برقاچی دومة الجندل خلقنی قدوم سپاه اسلامدن خبردار ایتملریله * ذهبوا تحت کل کوکب مثلنی اختیار ایله اطراف واکنافه پریشان اولدیلر * پرتو دیدار سید المرسلین ایله اول سرزمین رشک سپهر برین اولدقده برمتنفس کورلمیوب چندروز ارامدن صکره معمورهٔ هجرتسرا جانبنه امالهٔ لجام اولندی * غزوهٔ بنی المصطلق * سنهٔ مزبوره شعباننده غزوهٔ بنی المصطلق واقع اولمشدر * مصطلق منطلق وزننده خزاعه قبیله‌سندن بربطن در بو غزای بهشت اثر غزوهٔ مریسیع ایله‌ده زبانزدهٔ اهل سیردر * مریسیع ضم میم وفتح رای مهمله وسکون یای تحتانی وکسر سین ایله مأوای بنی خزاعه‌ده برچاه اسمیدر * بو دفعه بادیٔ ارتکاب کلفهٔ سفر بودرکه رئیس قبیله اولان حارث بن ابی ضرار طرف اسلامیانه ایراث کزند واضرار قصدیله کندی قومندن وسائر قبائل عربانندن سپاه بی کران جمع ایلدیکی معروض سدهٔ معالی بنیان اولدقده * استطلاع حقیقت حال ایچون بریدة بن الحصیب الاسلمی ارسال بیوردیلوب * حسب ما یقتضیه المقام بعض مرتبه دروغ مصلحت امیزارتکابنه بالالتماس رخصتله جانب مأموره رفع قدم اعتزام ایلدی * قبیلهٔ مرسومه‌یه وصولنده نام ونشانندن استفسار ایتملریله بریده دخی سیزک طرفدارکزدن اولوب محمدیلر ایله محاربه ایچون لشکرکش اولدیغکز کوشزدم اولمغله کوره‌یم واقع ایسه بالجمله قوم وهوادارمله کلوب سزکله همدست اتحاد واسلامیانله برخوشجه دادوستاد ایلیه‌لم دیجک جمله‌سی دلشاد اولدیلر * حارث ملعون کوره‌یم سنی غیرت دمیدر سرعتی درپیش ایله دیو نیازمند اولوب بریده دخی ایشته جمع کثرتله کلدم دیوب جانب طیبه‌یه عودت وکیفیتی معروض عتبهٔ ثریامنزلت ایلدی * پس ترتیب اسباب کارزار اولنمق بابنده امر عالی اصدار اولنوب لشکر بیکرانله اول معشر طغیان اوزرینه عزیمت بیورلدی * منافقیندن مثلی مسبوق اولمیان قتی وافر حشرات امید اغتناملی ملازم رکاب ظفر سمات اولدیلر * برکشته بختان مشرکین صولت وسطوتله توجه موکب موحدیندن اکاه اولیجق صرصر رعب وهراسله ارکان جلادتلری مشرف انداراس اولوب اطراف قبائلدن جمع اولان پریشان روزکارلر سامان عقول وافکارلری کبی تارمار اولوب حارثک یاننده همان کندی قوم وعشیرتی قالدی * ناچار تصمیم مقابله

وترکیب صفوف مقاتله ایلدی * جنود نصرت موعود اسلامیان قطع سهل
وحزن بیابان ایدرك منزل مریسیعده رکز لوای فیروزی التوا ایلدکده
طرفیندن صفلر آراسته اولوب برزمان تیر وخدنك ایله جنك اولندقدن
صکره * اشارت سید الانام ایله عسکر اسلام بیکبار حمله ایدوب دستیاری
شمشیر قاطع الحیاة ایله رشتهٔ ثباتلرین کسسته پذیر ایلدیلر * اون نفر کافر
بدکهر افکندهٔ حفرهٔ سقر اولوب بقیه‌سی زراری ونسوانلریله کرفتار قید
اسر اسلامیان اولدیلر * طرف اهل توحیددن فقط بر مرد سعید شهید
اولمشدر * سپاه اسلام فوق ما یتصوره الاوهام استلاب واغتنام ایدوب
شوق ومسرت ایله طیبهٔ مطیبه طرفنه عودت ایلدیلر * غزوهٔ خندق * وسال
مزبور شوالنده غزوهٔ خندق واقع اولمشدر بو معرکه‌ده طوائف مختلفهٔ
مشرکین مؤتلفه اولمغله احزاب ایله ده زبانزدهٔ اهل خطاب اولمشدر * احزاب
جمع حزبدر طائفه معناسنه عندلیبان ریاض سیر بو لهجه ایله زمزمه ساز
خبر صحت اثر اولمشلردرکه * مقدما لسان خامهٔ بدیع البیان ایله القای سوامع
اذهان اولندیغی اوزره یهود بنی نضیر اجترا اتدکاری ملعنت وشقا سببیله دار
ودیارلرندن طرد واجلا اولنمغله * مظهر عقوبت جزا اولوب اکثری خیبر
نواحیسنده جایکیر اولمشلر ایدی * متعینلرندن حیی بن احطب وانك امثالی
چند نفر یهودی بدمذهب اهل اسلامدن اخذ کینه وانتقام داعیه‌سیله
مکه‌یه عزیمت * وقریش پرمکر وطیشی حضرت شاه کشور نبوت ایله حرب
ومکافحه‌ده حث واغرا بابنده صرف انفاس مقدرت ایدوب * قریشدن
وجههٔ ملتمسلرینه توجه صورت اقبال مشاهده ایلدکدنصکره قبیلهٔ
غطفانه واروب خرمای یکسالهٔ خیبری اجرت قدم ویرملك شرطیله انلاری
دخی کندیلره امال وهمحال ایلدیلر * بعده یهود بنی قریظه‌یه شتاب ایدوب
سرکردهٔ قریظه اولان کعب بن اسد فراز حصاردن اول خبیث بدکاری
کوریجك همان دروازهٔ حصاری سد ایدوب یا حیی سن اشأم من طویس مثلنه
ماصدق برشوم قدم لعین مطلق سن * وضع قادمهٔ بی میمنت ایلدیکك
مملکت آثار عمارتدن دور وتأثیر نحوستك سعد اکبری دخی خاصهٔ سعادتدن
مهجور ایدر دیو استثقال ایلدکده * ملعون ماجرایی افاده وبیان وبالجمله
قریش وغطفان بو بابده همدست عدوان اولدقلرین اعلام واعلان ایلیوب
ماحصل کونا کون شعبده ودغل ایله انی دخی مغبون ایلدی * تکمیل لوازم
سفر نحوست اثر اتدکدنصکره ابوسفیان درت بیك سپاه کینه خواه ایله
مکه‌دن چیقوب دار السکینهٔ مدینه اوزره روان اولدی * خلال راهده

عیینه

عیینة بن حصین فزاره وحارث بن عوف مره قبیله‌لریله معسکر کفاره ملتحق
اولمغله مجموع اعداد اعدای بدنهاد اون بیکه بالغ اولدی * بو خبر واصل
سمع سید البشر اولیجق ترتیب انجمن مشورت بیوروب سلمان فارسی
تدبیریله خندق حفرینه قرار ویرلدی * اطراف مدینه کوچه بندلر ایله
تحصین وترصین اولنوب اوچ بیك عسکر فرخنده فر ایله متوکلا علی الله
مدینه‌دن خروج ودامن جبل سلع لشکرکاه اولدی * اول جانب کشاده فزا
اولمغله خندقله سد اولنمق بابنده امر بیوریلوب اصحاب کرام بالجمله تیشه زن
اهتمام اولمغله وقت یسیرده رسیدهٔ غور اتمام اولدی * ترغیبا للمسلمین خلاصهٔ
ماوطین حضرتلری دخی موافقت ایدوب ظهر شریفلریله حمل تراب
ایلدیلر * بر وقت نحوست شعارده کفار تیره روزکار موج دریاوار فوج فوج
بدیدار اولوب قریشیان مجمع السیول نام محله نزول وغطفان وسائر ملاعین
سیهکاران احد جانبنی مضرب خیام شآمت شمول ایلدیلر * بنو قریظه
نقض عهد ایدوب قریش وغطفاندن ایکی بیك یغماکر ایله مدینه‌یی شبخون
ایتمك فکر فاسدنده اولدقلری معروض درکاه نبوت دستکاه اولدقده *
سلمه بن اسلم ایکیوز وزید بن حارثه اوچیوز دلاور ایله اعلان تکبیر ایدرك
نامزد حراست دروب ومحلات اولدیلر * لشکر کفارك عبورلرینه خندق
حاجز اولمغله علی التناوب هرکون بر متعینلری کندی اشباعیله ورای
خندقه کلوب مرامات نبال واحجار ایله متصدی کارزار اولورلر ایدی *
برکون نوفل بن عبدالله بن مغیره نك عرق شجاعتی نابض اولوب رخشنه
سوار وکنار خندقه کلوب عبوره مساعد بر جای تکدن کذار اتمك سوداسیله
ضرب مهمیز اقدام ایدرکن رخشیله قعر خندقه غلطان * بلکه معلق زن
حفرهٔ نیران اولدی * مشرکلر لاشهٔ نوفل کندیلره ویرلمك رجاسنه تمام دیت
اداسنی ملتزم اولوب سلطان استغنا مزاج دخی اکلرك مال خبیثنه نه احتیاج
دیوب اول لاشهٔ مرداری انداختهٔ کلاب کفار ایلدیلر * مرویدرکه
بر طرفدن استیلای قحط وغلا وبر جانبدن زحام لشکر اعدادن ناشی عسکر
اسلام غایت الغایه مضایقه‌یه کرفتار صوری ومعنوی اضطراب واضطرار
ایله بیقرار اولوب منافقلر میاننده ایسه کونا کون اراجیف بدیدار وبر بر
بهانه جوی سمت فرار اولمغله کیمسی تنکنای خندقده محبوس اولنوب
مبرزه چیقمغه قدرتمز معدوم ایکن محمد بزه کنوز کسری وقیصر رومی وعد
ایدر دیو هزبانه آغاز ایتملریله * سربیدولتلری * واذ یقول المنافقون والذین
فی قلوبهم مرض ما وعدنا الله ورسوله الا غرورا * مشت توبیخ وملامتیله

کوفتهٔ ضربهٔ قهر ومذلت اولوب ✻ بعضیسی دخی یا اهل یثرب لا مقام لکم
فارجعوا تعبیریله تمزیق عصابهٔ دینه اثیر ایدوب ✻ یعنی ای اهل مدینه
معسکر همایونده سزه مقام یوقدر مدینه‌ده اولان منازلکزه عود ایدك
یاخود جادهٔ مستقیم دین قویم محمدی اوزره ✻ ثابت قدم اولورسکز عالمده
سزلك ایچون کوشهٔ آرام وحضور یوقدر العیاذ بالله تعالی کریوهٔ ارتداده
سلوك ایدلك دیمکدر ✻ ومخاذیل منافقیندن اوس بن قیظی وانك امثالی
بعض منافق حضور فائز النوره کلوب دار نحوست مدارمز خارج
مدینه‌ده اعدای دینه یقین اولدیغندن بشقه محتاج تحصین اولمغله تشیید
وترصین بهانه‌سیله استیذان ایتمکله فی الحقیقه فرار عن الزحف اندکاری
جهتندن ✻ واذ قالت طائفة منهم یا اهل یثرب لا مقام لکم فارجعوا
ویستأذن فریق منهم النبی یقولون ان بیوتنا عورة وما هی بعورة ان یریدون
الا فرارا ✻ کریمه‌سی روکش اولدقلری مدعاده اکاری تکذیبه نازل
اولمشدر ✻ ماحصل بوغزای غزاده فراهم اولان اسباب پریشانی والم
بر غزاده دخی مشهود اولمامشدر ✻ حضرت غمکسار امت سپاه اسلامك
حالنه شفقت ایتمکله غطفان وفزاره قبیله‌لرینك سردارلری اولان عیینه
وحارث طرفنه اعانت قریشدن ال چکوب مقروما اولرینه رجوع ایتمك
شرطیله بطریق المسانهه ثلث محصول خرمای مدینه کندیلره اقطاع اولنمق
وعدینی متضمن خبر کوندروب ✻ انلار دخی جانلرینه منت بیلمکله نهانی
درکاه رسول ربانی‌یه مثول ایلدیلر ✻ بومنوال اوزره صلحنامه تحریر
اولنوب هنوز موقع قیود وشهوده نارسیده ایکن سعد بن معاذ وسعد بن
عباده‌یی مجلس شریفه احضار وماده‌یی انلاره اشعار بیوردیلر ✻ سعد بن
سماء شهامت زمینبوس خدامت اولوب یا رسول الله اکر بوخصوص مقارن
حکم الهی ایسه جای تردد وتوقف دکلدر بهر حال امضا زن تنفیذ اولمق امر
محتومدر ✻ اکر قریحهٔ صبیحهٔ همایوندن ایسه بنه سمعنا واطعنا ✻ واکر وجه
استشاره ایله قیافتکیر اوله جق ایسه فما لهم عندنا الا السیف دیدیلر ✻
حضرت رسول الله اکر وحی ایله اولمش اولسه سزکله مشورت اولنمز ایدی ✻
نهایت مجموع قبائل عرب شصت واحددن اوزرکزه تیرباران عداوت
ایتمکله شیرازهٔ جمعیتلرین تفریق وفسخهٔ اتفاق والفتلرین تمزیق ملاحظه‌سنه
مبنی بومعنا خاطریمه سانح اولمشدر بیوریجق ✻ سعد بن معاذ یا رسول الله
بوطائفه ایله همکسوهٔ کفر وضلال اولدیغمز اوانده انلار بزم برخرمامزه
بی اجازت اطالهٔ دست اغتصابه قادر اولمزلر ایدی ✻ مکر طریقهٔ قرا یاخود

وتیرهٔ اشترا ایله اوله المنة لله تعالی حالیا حضرت حق جل وعلا بزی اسلام ایله
مکرم ووجود شریفکز برله مؤید ومحترم ایلدی ✻ اول خاکساره برخسارلر
ایله ذات مشارکتی اختیار منافی ناموس وعاردر دیو رخصت نبویله اول
صلحنامه‌یی شق ایلدی ✻ وانلاره آواز بلند ایله قالقوب خیمه‌کاه پرحزی
وتباهکزه کیدك بیمزی انجق تفریق میانجی شمشیر توفیق ایدر دیوب
مجلسدن طرد ایلدی ✻ فائده ✻ امام کلبی روایت ایدرکه میانهٔ عربده اوس
وخزرج غایتله صاحب شهامت وعزیز النفس وعالی الجناب قبیله‌در ✻ قطعا
بر طرفه خراجکذار اولدقلری واقع اولمدی ✻ حتی تبابعهٔ یمندن ابوکرب بر
ماده ضمننده بونلاره اکید وشدید تهدید نامه ارسال ایتمکله جوابنده اشبو
قطعه‌یی کوندردیلر ✻

✻ العبد تبعکم یرید قتالنا ✻ ومکانه بالمنزل المتذلل ✻
✻ انا اناس لا ننام بارضنا ✻ عض الرسول ببظر ام المرسل ✻

قتات نیزه‌یه دینور بظر فتح بای موحده وسکون ظای معجمه ایله فرجده
اولان لحم زائده دینور ✻ تتمه ✻ برکون پردلان قریشدن عکرمه وهبیره
وضرار وعمرو بن عبدود که عمری سرحد تسعینه متناهز ✻ ومیان شجعان
عربده شماریدهٔ هزار مبارز ایدی ✻ خندقك برتنك محلندن کذر ایدوب عمرو
رفقاسنه تقدم ایله طرید وجولان وطلبکار مرد میدان اولدی ✻ همان بیر
بیشهٔ مغازی ومحارب اسد الله الغالب علی بن ابی طالب قیام واستیذان
ایلدی ✻ حضرت رسول الله اجلس انه عمرو تعبیریله رخصت ویرمیوب
تکرار عمرونك نعرهٔ عجب وغروری اوجکیر ومقتولکزه مأوی ومصیر تعیین
ایلدیککز جنت قنده‌در نیچون میدانغه کلمکه جسارت ایتمزسز دیو هرزه
وهزیانله زهر افشان عرصهٔ دار وکیر اولمغله ینه حضرت مرتضی قیام ایدوب
خلاصه اوچنجی دفعه‌ده وان کان عمروا دیوب نائل دستور اولدی ✻ رسول
اکرم صلی الله علیه وسلم کندی درع عمانیلرین البأس وذو الفقار نام شمشیرلرین
میانه حمائل ودستارلرین سر سعادافسرلرینه راست ایلدکدنصکره ✻ اللهم
هذا اخی وابن عمی فلا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین دعاسنی همراه بیوردیلر
شیر خدا صفدر روز وغا علی المرتضی رفتار رستمانه ایله پیاده‌جه میدانه
کیروب ✻ اول امرده برموجب حکم شریعت اول کافر بدمالی سرخوان
ضیافتخانهٔ اسلامه دعوت توطئه‌سیله ✻ یا عمرو برقریشی سنی ایکی امرك
برینه داعی اولسه البته برینه اجابت ایتمك اوزره عهد ایتمشیدك حالا اول
عهده مراعاتی سن دیدی ✻ اولدخی تصدیق ایدیجك حضرت مرتضی

یاعمرو سنی اولا ایمانه دعوت ایدرم دیدی * اول ثابت مرکز کفر وضلال
روکردان امتثال اولیجق امدی سنی جنکه تکلیف ایدرم دیدی * عمرو
خنده زن استهزا اولوب هیچ مظنه ایتمزایدمکه بنمله داعیهٔ کارزار ابطال
عربدن برینک خاطره کذاری اوله * خصوصا سن بنم برادرزادم مثابه سنده
سن پدرکله میانمزده علاقهٔ اخوت اولمغله سنی قتل ایتمک منفور طبیعتمدر
دیدی * حضرت مرتضی واقعا اولیجه درلکن سنی قتل واعدام ایلمک بنم
عمدهٔ مرامدر دیجک عمرو غضبندن برلمعهٔ اتش اولدی * بودفعه حضرت
مرتضی یاعمرو شرط انصاف بودرکه سن دخی بنم کبی پیاده اوله سن دیدی *
عمرو صاعقه وار زمینه صچرایوب تیغ اتش تاب ایله حضرت مرتضی اوزرینه
حمله ایلدی * سپر اهنین مرتضی ضرب شمشیر لعین زنیمله دونیم اولوب
سر سعادتلرینه برمقدار زخم اصابت ایلدی * نوبت حمله دست اقتدار
کرارده قرار ایدیجک ذوالفقار ال اروب حبل عاتق کافر عتیقه نه کونه
اشارت ایلدیسه سنک راه خذلان اولان کلهٔ شقاوت اقترانی خاک مذلته
غلطان اولدی * حضرت مرتضی کبانک تکبیر ایله غلغله بخش طاق مینا
اولوب * هرطرفدن جنود موحدین دخی اوازهٔ تکبیر وتحسین برله طنین
انداز زمان وزمین اولدیلر * حضرت شهنشاه کشور مجد واجلال علیه الصلوة
بالغدو والاصال صدای عالمگیر تکبیردن عمرولک کشتهٔ تیغ تدمیر اولدیغنه
استدلال بیورملریله بغایت منشرح البال اولدیلر * بعده هبیره اوزرینه زبیر
وضرار اوزرینه برادری عمربن الخطاب وعکرمه اوزرینه حضرت کرار
حمله ایدوب مقاومته بی اقتدار اولملریله راه فراری طریق رها اعتبار ایتدیلر *
اندنصکره کفار تبهکاران نطاق جمعیتی درمیان ایدوب هوادارلری اولان
یهود نابکاران ایله اسلامیانک حصر وتضییقنه برکونه اقدام وغیرت
ایلدیلرکه غزات موحدین تقلیب باصره یه وبرخطوه جای دیکره حرکته
مجال فرصت بولمدیلر * بامره تعالی نائرهٔ تنکدستی وعارضهٔ کرسنکی وواهمهٔ
غارت وخوف جان وبرودت هوا کبی اسباب متنوعهٔ اضطرابه مبتلا
اولمشلرایدی * اذا اراد الله شیئا هیئ اسبابه ضابطه سی بوانقباض عسرک
انبساط یسره تبدلی زمانی حلول ایتمکله * اظهار رسینه ارادهٔ علیهٔ الهیه
تعلق ایدوب فن حیلده دانا وطریق خدعه ودغلده بیهمتا اولوب لیل ونهار
کفار خاکساره تعلیم فنون مکر وفسون ایدن نعیم بن مسعود الاشجعی
الغطفانی باهدایت سبحانی مسلمان اولمغله * برکیجه خفیه درکاه رسول اللهه
کلوب اظهار اسلام ایلدکدنصکره یارسول الله * بنم اسلامدن هنوز قومم

اکاه

اکاه دکلدر * عهدهٔ مکنتمده اولان خدمتده افراغ وسع طاقت ایتمک راتبهٔ
ذمتم اولمغین مراد شریفکز نه کونه ایسه امر بیورلمق مستدعادر دیدکده *
حضرت رسول الله دخی انما انت رجل واحد فخذل عنا ما استطعت فان
الحرب خدعة تعبیریله اول چیره دست صنایع مکر وخدیعتک دفع اعدای
بدطینت بابنده کف مقدرتنده اولان خدمتی اجرا ایتمکه مرخص
بیوردیلر فائده خدعه لفظی فتح خا ایله بناء مره بنیه سنده افصحدر یعنی امور
حرب خدعهٔ واحده ایله منقضی اولور * تکمله * نعیم بعض منصوبهٔ احتیال
اعمالنه ده دستور الوب همان اول شب دیجورده بنی قریظه یه کلدی *
اشباه قبیله نعیمک مقدمنی نعمت عد ایتمکله ترحیب واستسعاد ولازمهٔ
مراسم مهمانداری بی پیشنها ادا ایلدیلر * اثناء صحبتده ای بنی قریظه طرفکزه
درکار اولان علاقهٔ درون خلوص مقرونم نه درجه ده اولدیغی اخطار
وتذکیردن مستغنیدر * حقوق قدیمه یه مراعتا سیزه دائر براندیشهٔ خیر
خواهانه نیجه کوندرکه باعث خدشهٔ دل بی غل خالصانه مدرکتم واخفا
شرطیله سیزه افاده ایتمک ایچون کلدم * قبول وعملی حقکزده نه کونه
موجب خیر واحسان اوله جغی سیزه دخی لایح ونمایان اولوردیو حکیمانه بسط
مقدمه ایلدکده * انلار دخی تصدیق وکتمانی بابنده رشتهٔ عهد وسوکندی
توثیق ایلدیلر * پس نعیم سوزه کلوب ای وجوه بنی قریظه بوندن اقدمجه
بنوقینقاع وبنونضیرک کرفتار اولدقلری جلای وطن وسائر کونه بلیه
ومحنتلری مشهود کز اولمشدر * قریش وغطفان محمد ایله جنکه کلوب سزدخی
انلاره امداد ایلدککزسزکه انلار میاننده نه مناسبت وار بوشهر سزلک
شهریکزدر * جمله اهل وعیال ورزق ومالکز بونده درد یار اخره نقل
وارتحاله ده مجالکز یوقدر انلارک دیاری بعیددر وصورت ظفر هنوز برطرفک
مرأت حالنده جلوه کر اولمامشدر * اکر فرصت بوجانبده اولور ایسه فبها
ونعمت واکر نعمت فیروزی اسلامیانه روزی اولور ایسه انلار کیدوب سزینجه
مسلمنده قالمغله باشکزه اوزمان قوپار قیامت * وبنیان عهدی بررسمه ویران
ایلدیکز که مرمت واعماری خارج عهدهٔ معمار روزکاردر * امدی سزه
طریق سلامت بودرکه قریش وغطفانک اکابر واشرافندن یتمش کمسنه یی
رهن طریقیله الوب بعده فراغ بالله حرب وقتاله اشتغال ایلیه سزصکره
سزی براقوب کیتمکه قادر اولمیه لر دیدی * قرظیلر کویا که نائم ایدی منتبه اولوب
نعیمه دعا وثنا ایلدکدنصکره بو نیته عزم وجزم ایلدیلر نعیم اول مجلسدن مجمع
قریشه کلوب ابوسفیان وسائر رؤسای اهل طغیانه ای جماعت بنم اخلاص

ومود تكرزده نه كونه پايدار اولديغم واراستهٔ كافهٔ اشعار درحالا برسره واقفم
انى سزه اعلام ايتمك لازمهٔ ذمت صداقتمدر ديوب وصيت كتمانله * اى اكابر
قريش بنوقريظه سزكله عقدا تدكارى عهد و پيمانه نادم اولمغله اشرافكزدن
يتمش كسنه يى برتقريبله دامه دوشوروب محمده تسليم ومحمد دخى * بنونضيرى
يته وطنلرينه ارجاع ايتمك اوزره تجديد بناى صلح قويم ايتمشلر * فى الحقيقه
بنوقريظه سزدن رهن ناميله ادم طلب ايدرلرسه صاقنوب مساعده ايتميه
سزز براهم كلهٔ كاوكيدرهم خم شكست اولور ديدى * انلارى دخى بو
افسونله مفتون ايلدكدنصكره بنوغطفانه واروب قريشه تناول اتدردبكى
ورق الخيال مكرواحتيال الله انلارك دخى دماغنه اختلال ويردى * ابو
سفيان ورؤساى غطفان نعيمك خبرندن بغايت منفعل اولوب تحصيل يقين
ايچون عكرمه ابن ابوجهلى هرقبيله دن برقاچ كسنه ايله بنوقريظه يه
ارسال ايلديلر * انلار دخى واروب اى اشراف بنى قريظه خيلى مدتدركه
بومحله كلدك بوانه قدر مقدمات سعى وهمتز منتج امنيت اولمدى * اطراف
مدينه ده مرعا اولمديغى حسبيله روز بروز دوابمز هلاك اولمق اوزره درودمبدم
طرفمزه حادث اولان ضعف وفتور قوت ونشاط اسلاميانه باعث اوله جغى
غيرمستوردر * كركدركه يارين بالاتفاق محمداوزرينه هجمهٔ استيصال
ايدوب يابخت يابجت لايحه سى نه اوله جق ايسه جلوه نماى حيز ظهور
اولسون ديديلر * بنوقريظه يارين مبارك سبت كونى اولمغله سابقا بزدن
بر كروه هتك حرمت سبت ايتملريله كرفتار دوشاخهٔ مسخ اولديلر * بوندن
بشقه بزم هنوز سزه اعتمادمز يوقدر محتملدركه فرصت جانب محمديده اولورسه
بزى انلك پنجهٔ سطوتنده قيوب سز وطنكزه فرار ايليه سز * امدى لاجل
الاطمينان اكابرواشرافكزدن يتمش كسنه يى بزه ارهان ايده سز والا سزه
بردرلو موافقت ايتمك احتمالى يوقدر ديو قطعى جواب ويرديلر * عكرمه
كلوب بوخبرى قريش وغطفانه افاده ايدنجك نعيمك كلامنى تصديق
وخيانت بنى قريظه يى تحقيق ايلديلر * نعيم ينه بنوقريظه يه واروب
عكرمه رهن خبريله ورودنده بن رؤساى قريش مجمعنده حاضر ايدم
بنوقريظه بزدن برديشى اوغلاق التماس ايلسه لر ويرملك احتمالمز يوقدر
ديديلر * ديو خبر ويردى * خلاصهٔ كلام * بيت * كارها راست كندمرد دم
دانا بسخن * كه بصد لشكر جرار ميسر نشود * سانحه سى تدبير نعيم غطفانى
تاييد تقدير ربانيله ميانهٔ كفاره تفرقه سازاولوب بوجهتله قلوبلرينه قلق
وپريشانى مستولى اولدى * اوكيلالده بركيجه غايتده ظلمت وهواده برودت

اولوب فرمان مرسل الرياحله كفرهٔ عديم الفلاح استيصالنه جند صبا
تعيين وارسال اولنوب خيملرى جو هواده پريده * وطنابلرى رشتهٔ
پيمانلرى كبى بريده اولوب قدور وصحافلرى بخت واروتلرى كبى سرنكون
ورجال ورحال وامتعه واثقاللرى برهمزده بكديكر اولوب اتلرى شيران
زنجيركسر كبى بند وپيوندلرين شكست وروبراه كوه وهامون اولديلر *
فرمان خداوند ذوالجلال ايله جنود مجندهٔ املاك اوج افلاكدن عزم
خطهٔ خاك ايدوب طرف طرف اوازهٔ هولناك برله زهره لرين چاك ايلديلر *
چرخ شعبده باز پس پردهٔ خفادن ابراز ايلديكى صور حكمت اثر عبرتكستر
مشاهده سيله اول بدمستان ميكدهٔ شر وشور كمكشتهٔ راه شعور اولوب *
جمله سنك پاى استقرارلرينه زلزلهٔ خوف وخشيت ودست اقتدارلرينه رعشهٔ
بيم ودهشت عارض اولدى * بونلارك بو طوفان قيامت خيز ايله احوال
فلاكت انكيزلرى لايح خاطر نبوى اولوب * لكن كذار شب ذبر اولديغى
اوزره كروه منافقين خانه لرين تحصين بهانه سيله پراكنده اولوب غزات
موحدين دخى شدت برودت وغلبهٔ درد مجاعتدن بيتاب وطاقت ورنك
ظلمت دخى برمرتبه ده ايديكه برمثقالى نيجه يوزبيك منافق بشره سنه مايهٔ
سواد اولدقدنصكره ميزان امتحانده ينه شوب نقصاندن مبراظهور ايدر
ايدى * اول كيجه موكب كواكب انتظامده انجق اوچيوز نفر صحابهٔ كرام
قالمغله حضرت عليه السلام موجود اولان اصحاب عظامه كيدركه
كيدوب مشركيندن بزه برخبر كتوره ديو توجيه خطاب ايلدكده * بى تابى
ودهشتدن كمسه ده قيام ايتمكه باراى قدرت اولميوب عاقبت * حذيفه
ابن اليمانه تخصيص ندا ودعوت بيورديلر * حذيفه دن روايت اولنديغى
اوزره قيام واجابتدن غيرى يه مجال اولمامغله لبيك يارسول الله ديو يرندن
صچرايوب پيشكاه عزت دستكاهلرنده مثول ايلدى * حضرت رسول الله
ياحذيفه نه مانع اولديكه دعوتم استماع ايدركن اجابتدن امتناع ايلدك
بيوردقده * يارسول الله سنى حق پيغمبر بعث ايدن خداى ذوالمنن حق غلبهٔ
بردو كرسنكى تسويهٔ قامت لياقتمه مانع اولدى ديو اعتذار ايلدى * امدى
مخيم مشركينه واروب تجسس حال ايله لكن تشهير سلاح ايلمه وصبتيله
اذهب حفظك الله من امامك ومن خلفك وعن يمينك وعن شمالك حتى
ترجع اليناد عاسنى همراه بيورديلر * حذيفه دخى برموجب امر رسول
اللهى كفار اردوسنه راهى اولوب يمن همت نبويله كويا كه حمام ايچره
كيدردى * ميان قريشه داخل اولوب كورديكه جمله سى غوطه خور

بحر حيرت واضطراب اولمشلر * اولحالده ابوسفيان اى معشر قريش
هركس همنشيندن اگاه اولمق ايچون دست بدست اولمكز مناسبدر ديوندا
ايتمكله حذيفه دن منقولدركه * بن تماكرا ايچون يميمله صاغ طرفده
اولان شخصك اليني طوتوب نام وشاندن سؤال ايلدم اول كمسه بن معاويه
ابن ابى سفيانم ديدى * بعده صول الله يسارمده اولان كمسنه نك اليني الوب
اسمندن استفسار مده عمرو بن العاص اولديغنى اخبار ايلدى * بر قاچ دقيقه
دنصكره ابوسفيان ينه جمله يه خطاب ايدوب اى جماعت قريش مكث عزيمتده
وحالمز مشتد اولدى * دوه لرمز اجلقدن هلاك اولوب بقيه سى دخى عمل
واعمالدن درمانده اولدى * بنو قريظه ايسه بزه مخالفت ايلدى بو طوفان
رستخيز آثار ايسه بزى بو بلجه سركشته اضطرار ايدوب الپيزدن نسنه كلمز
اولدى * ماحصل بو ورطه مهولدن كناره كير سلامت اولمق معقولدر ايشته
بن كندم ديوب كمال حيرت ونهايت هسارعتندن زانوى شترنده اولان
عقاله انحلال وير مكسزين سوار اولدى * عكرمه يا ابا سفيان سن رئيس
القوم اوله سن لايقميدر خلقى بويله باديه محنتده قيوب نفسكى تخليص
قيدنده اوله سن ديو نشانه سنك لوم وعتاب ايتمكله * ابوسفيان حجاب
ايدوب دوه دن نزول ايلدى ومهارنى النه الوب نداى الرحيل ايله جمله نى
سوق سبيل ايتدى * بنو غطفان دخى متابعت ايدوب بالجمله رسته راه ادبار
اولديلر * عمرو بن العاص وخالد بن الوليد ايكيوز سوار ايله ايله محافظه
وراى عسكر مشركين ايچون قفادار تعيين اولنوب ماعداسى بالتسابق
پى سپر راه كريز اولديلر * بو خبر ايله قفول وحضرت سيد الموجودات مشتغل
صلوة اولديغى حالده موقف اجلاللرينه مثول ايدوب مشهودم اولان
حالاتى معروض سده سعادت ايات ايلدكدنصكره ينه اندامنه عارضه
برودت عودت ايلدى * حضرت غمكسار امت يد عنايتلريله بكا اشارت
بيوروب نزد شريفلرينه وارديغمده مبارك ارقه لرنده اولان شمله نك
بر طرفيله بنى اورتوب ياتورديلر بندخى حضور ايله خواب راحته واردم
انبلاج فجرده قم يا نومان خطابيله بنى بيدار بيورديلر * اول خلالده پيشواى
اهل خذلان ابوسفيانك دركاه ابهت عنوانه برقطعه من خرفنامه سى
ظهور ايدوب كشيده سلك سطور اولان خرمهره تعبيرات پرهرزه وهذيان
كندى كوشنه منكوش اولمغه شايان رصورتى بودر * باسمك اللهم فانى
احلف باللات والعزى واساف ونائلة وهبل لقد سرت اليك فى جمع وانا اريد
ان لا اعود حتى استأصلكم فرايتك قد كرهت لقاءنا واعتصمت بالخندق

مكيدة ما كانت العرب تعرفها وانما تعرف ظل رماحها وشبات سيوفها
وما فعلت هذا الا فرارا من سيوفنا ولقاءنا ولك منى يوم كيوم احد * پس
هم عال هذيان محموم اولا مفهوم نامنظومى محاط علم معاليموسوم نبوى
اولديغى امر شريفلريله تحرير وتسيير اولنان جوابنامه نك عبارت عليه لرى
بودركه كتابه طاق اثر منيف اولمشدر * بسم الله الرحمن الرحيم * من محمد
رسول الله الى صخر بن حرب فقد اتانى كتابك وقديما غرك بالله الغرور اما
استيصالك ايانا فامر يحول الله بينك وبينه ويجعل لنا العاقبة وليأتين
عليك يوم اكسر فيه اللات والعزى واسافا ونائلة وهبل حتى اذكرك يا سفيه
بنى غالب * انتهى لات وعزى واساف ونائله وهبل بر ر صنم مهمل اسملريدر *

* قريظ حجب حج افك عمه * نكاح بنت جحش مع جويريه *

ووقع فيها غزو قريظة * وكان حجب النساء * وفرض حج البيت * وحدث
افك المنافقين * تقديريله معطوفلردر * قريظ كلمه سى آخر كلمه يه منتظر
اولميان يعنى بعد الترخيم اسم مستقل اعتبار ايدن نحاتك مذهبنه كوره
ندانك غيرنده ضرورة وزن ايچون مرخم وغير منصرفدر * وآخر كلمه يه
منتظر اولنلرك لغتنه كوره فتحه حرف ظاء فتحه بنيه كلمه در * عمه قولى دخى
تقدير عاطفله معطوفدر ضمير فاعل اللهه وضمير مفعول رسول اللهه
راجعدر تيممدن ماضى در تيمم ويرملك معناسنه در * بو مقامده تضمين فعل
امر ايله وامر الله رسوله بالتيمم سبكنده در * وفيها كان نكاح زينب بنت جحش
تقديرنده در * جحش كلمه سى وزن ضروريله صرفدن ممنوعدر * بو بيتده
يدى لايحه مندرجدر * غزوهٔ بنى قريظه * حجب نساء * فرضيت حج البيت
الحرام * افك عائشة الصديقه * نزول ايت تيمم * نكاح زينب بنت جحش *
نكاح جويريه * غزوهٔ بنى قريظه * سنهٔ مرقومه ذى القعده سنده غزوهٔ بنى
قريظه واقع اولمشدر * نخلبندان دوحهٔ سير بو كونه نهالپيراى اثر اولمشلردركه
چون لشكر شيطان خيبت وخسر ايله روكردان اولوب هر قبيله كندى
ديارلرينه ارخاى عنان ايتدكدنصكره حضرت سرور انام اصحاب كرامله وقت
ظهرده مدينه يه عودت وحجرهٔ خاص صديقه يه تجلى بخش طلعت اولوب
ازالهٔ غبار عرصهٔ كارزار ايچون سرورى دلجويلرين شست وشوى
بيورديلر * اولحالده بريد رب العالمين جبريل امين باشنده دستار استبرق
وزير رانده ديبازين پوشلى براستر نازل وحضور فايض النورده متمثل اولوب
يا رسول الله قامت والانه منكزى ادوات حرب وقتالدن ازاده بيورمشسز
بحق رب مجيد كفار عنيد طيبه اوزرينه طرح سواد ثقات ايلدكارى كوندنبرو

عسکر اسلامه امداد ومعاونت ایچون ورودایدن جنود آسمانی هنوز
سلاحبوش اولوب کفار تبه کاره جرأ الاسد نام محله قدر تازیانه زن طرد
وتبعید اولدقدنصکره اثنای درکاه سدره اشتباهه مثول ایلدم قالدیکه فرمان
حکیم قادر بووجه اوزره صادر اولدیکه برلحظه توقف وتأخیر اولنموب
نقض عهد ومیثاق وارباب کفروشقاقله عقد ربقهٔ اتفاق ایدن بنی قریظه
اوزرینه توجیه رایت عزیمت بیوره سن * بن معتمده اولان جنود سروشله
مقدم واروب درودار وحصارلرینه زلزلهٔ اندراس ایراث ایلیم سزلردخی
سعادتله قالقوب سلاحکزی بردوش واول قوم مغشوش اوزرینه توجه
ایلیه سز * قسم بخدای جهان افرین که زمرهٔ عداندینی برزدهٔ رخام اولمش
بیضه ایله همعنال ایده جکم دیوب اولقوم مستحق اللوم جانبنه ارخای لجام
اعتزام ایلدی * حسب الامر العالی حضرت بلال فرمان خدایه سامع
وحکم رسول مجتبایه مطاوع اولان کسنه صلوة عصری فنای حصار بنی
قریظه ده ادا ایلسون دیو اسواق مدینه ده ندا * ویاخیل الله ارکبی امریله
مسارعت عزیمته اغرا ایلدی * شیر وغا حضرت مرتضی مقدمجه
تسییر * ومنشور خلافت ابن ام مکتوم نامنه تزبیر اولندقدنصکره اوچ بیك
مرد میدان شجاعتله بافر وشوکت بنو قریظه نك وجههٔ عزیمت بیوردیلر *
یوسف نصرتمایده اوتوز التی راس اسب رهوار استصحاب اولنمشیدی * جنود
نصرتموعود مانند موج متسلسل الورود متلاحق موکب مسعود اوله رق
بنی قریظه قیولرندن برقیو کناری نشانکاه رایت ظفر شعار اولوب * تدارك
مهام حرب وقتاله اشتغال دامنکیر استعجال اولمغله لشکرکاهه بعد خروج
الوقت واصل اولان بعض اصحاب کرام ظاهر ینه نظراً صلوة عصری پیرامن
حصار بنی قریظه ده قضا وبعض آخر تنبیه شریفی حرکتده مبالغه یه حمل ایله
رعایت وقت ایدوب یولده ادا ایتمشلر ایدی * ایکی فرقه نك دخی اجتهادی
صوابه محمول وصك صحیح المضمون عملاری قرین امضای قبول بیورلدی *
مقدما حضرت مرتضای والای معلا ایله ارسال بیورلمش اولمغله دامن حصارده
رکز علم نصرتمدار ایدیجك یهود خذلان انجام بالای حصاردن جرکابه فشان
دشنام اولملریله موکب همایون یقین اولدقده * حضرت مرتضی خطوات
اجلاله استقبال ایدوب یارسول الله مخاذیل یهود شقاوتمانوس
حیاتلرندن مأیوس اولدقلری جهتدن اطالهٔ لسان هزبان ایتملریله یقین
وارلق چندان مناسب دکلدر دیدی * سپهسالار کتیبهٔ عز واجلال
حضرتلری یاعلی اول کروه مکر وضلال بنی کوریجك دمبسته ولال اولملریله

مخالف

مخالف طور ادب کلمات ضربنه بیجال اولورلر بیوردقدنصکره حصاره
مقابل واروب * یا اخوان القردة هل اخزاکم الله وانزل بکم نقمته انشتمونی
تعبیریله اولقوم محتوم التدمیری هدف تیر ملام بیوردقده * حاشا اولکونه
هذیانه جسارتمز اولمدی دیو یمین ایلدکدنصکره یا اباالقاسم ماکنت جهولا
ولافحاشا کلامندن غیری برحرف اداره سنه قادر اولمدیلر * پس اصحاب
کرام فرمان سیدالانامله حصار بنو قریظه یی احاطه ایدوب یکرمی بش
کون محاصره ولیل ونهار بنیاد مقاتله ومشاجره ایلدیلر * شدت حصر
وتضییقدن جمله سی جان برلب ومغلوب رعب وکرب اولمغله رؤسالری بر یره
جمع اولوب مشورته اغاز ایلدیلر * کعب بن اسد جمله سنه توجیه خطاب
ایدوب ای جماعت یهود اشته حالمز بو منوال اوزره اولدی بحسب الاضطرار
اوچ امرك برینی اختیار ایتمك لازمدر یا بودرکه حضرت محمدك نبوتنی
تصدیق ایدوب مسلمان اولورسز اهل وعیال ومال ومنالکز ساحهٔ سلامتده
قالور واسلم طریق بودر * زیرا خدای متعال حقی توراتده منعوت اولان نبی
مرسل بوذات اکمل دردیدی * جمله سی بزدن بزدین موسایی نسخ وحکم
توراتی فسخ ایتمزدیو مکابره طریقیله جواب وبردیلر * کعب امدی یابند
سربازئ میدان قتال اولان اولاد وعیالی سر جمله قتل ایدوب کندمزی بی
پروا عسکر اسلامه اوروب فراغ باله جنك وجدال ایلیه لم مغلوب ومقهور
اولدیغمز صورتده اعقابمز کرفتار اسر ومذلت اولمیوب غالب اولدیغمز
حینده اهل وعیال سهل المنالدر دیدی * یهود مردود یا کعب بدمزایله فلذات
اکباد اولان عیال واولادی قتل ایتمك بروجهله مذهب عقل ورویت وقانون
مروتده جائز دکلدر دیدیلر * اکا دخی راضی اولمیجق کعب یاری بو کیجه
لیلهٔ سبت اولمغله عسکر مسلمین بزدن تمام امین اولملریله چیقوب مغافصة
شبخون ایلیه لم امید درکه باعث روسفیدی * مات موسوی یه اوله دیدی *
یهود بورأیی دخی استهجان ایدوب بزدن مقدم سبت کوننی بالق صید
ایتدکلری ایچون قرده وخنازیر اولدقلری کبی بزدخی اول بلیه یه می دوچار اوله لم
دیو کعبی تسفیه وتعنیف وتدبیرلرنه سنی تزییف ایلدیلر * بعد اللتیا والتی
درکاه ابدی الاجلاله نباش ابن قیسی ارسال وبنو نضیر وتیره سی اوزره
جلای وطن ایتمك یابنده استیمان ایلدیلر * جانب فرمانفرمای کشور
رسالتدن اشارت ابروی رضایه مظهر اولمیوب باری جمله مالمزی ترك ایدوب
همان اهل وعیالمزایله کیده لم دیو تکرار نباشی ارسال ایلدیلر * ینه رخصت
مساعده ظهور ایتموب اخرکار زمان جاهلیتده قبیلهٔ اوس ایله بینلرنده

تحالف وموالات اولوب ابولبابه اوسی اولمغله کندی خصوصلرنی انکله
مشورت ایتمك ایچون طرف باهر الشرفدن ابولبابه یی نیازمند اولملریله
اشارت علیه ایله ابولبابه عازم حصار اولدی * بنوقریظه ابولبابه یی
کوریجك غربو یهودانه ایله رجال ونسوانی قرشو واروب کریه وزاری ایدرك
کندولرك بردن یره چالدیلر * یا ابالبابه حقمزده سنك رأیك نیجه در حضرت
محمدك حکمی اوزره حصارمزدن نزول ایتمك مناسبمیدر دیدیلر * اول فتنه
انکیزلرك تعبیرات رقتخیزلری ضمیر ابولبابه یه تأثیر ایتمکله تدبیر صواب
حکم عالئ رسالتمآب اوزره نزول ایلمکدر دیو تصریح ایتمشیکن القای
شیطانیله کردننه اشارت ایدوب طعمهٔ تیغ اوله جقلرنی تلمیح ایلدی *
مرویدرکه ابولبابه دن بوکونه هفوه صدور ایدیجك درحال نیه اوغرادیغنی
بیلوب حواس وشعورینه عقلهٔ فتور عارض اولدی الله ورسولنه خیانت
ایلدم دیه رك استرجاع ایتکان حصاردن چیقوب حضور نبوی یه مثوله قادر
اولمامغله طوغری عزم مدینه ایلدی * مسجد شریفده اولان براسطوانه یه
کندوینی محکم بند ایدوب طرف تواب مستعاندن توبه مك قبولیله وثیقهٔ
ازادی احسان اولنمدیجه کشایش ویرمیوب ومن بعد بنوقریظه بولندیغی
محله نقل قدم ایلمامك اوزره عهد ایلدی * اوقات صلوتده حلیله سی کلوب
حل پیوند ونمازی ادا ایلدکدنصکره ینه بند ایدر ایدی * بو خبر معروض
حضور سید البشر اولیجق * اکر درکاه کبریادن استغفار استرجاسنه بوجانبه
کلیدی کندی ایچون غیث ومدرار عفو وعنایت استدعا ایدردم * اما
بومرتبه دنصکره فرمان ربانی صادر اولمدیجه من عند نفسی اطلاق احتمالی
یوقدر بیوردیلر * التی کون بومنوال اوزره تجرع زهرابهٔ صبر ایله جاننه
جبر ایدوب لیلهٔ سابعده حضرت رسول الله ام سلمه حجره سنه شرف نزول
ارزانی بیورمشلر ایدی * امین وحی وتنزیل حضرت جبریل وقت سحرده
کریمهٔ * وآخرون اعترفوا بذنوبهم خلطوا عملا صالحا وآخر سیئا عسی الله ان
یتوب علیهم * ایله نازل اولمغله ابولبابه نك توبه سی مظهر عز قبول اولدیغی
معلوم حضرت رسول اولدقده کمال انبساطلرندن تبسم بیوردیلر * ام سلمه
یا رسول الله همیشه حضرت منان اب پرطربکزی خندان ایلسون سبب
تبسم ندر دیو سؤال ایلدکده * حضرت رسول بسیم علیه الطف التسلیم
ماهب النسیم توبهٔ لبابه نك مقبول بدرکاه رب رحیم اولدیغنی تفهیم
بیوردیلر * هنوز آیت حجاب نازل اولمامغله ام سلمه اذن نبی ذی المرحمه ایله
ابولبابه یه واروب تبشیر ایلدی * حلق بندنی کشاد ایتمکه شتابان اولدقده

ابولبابه راضی اولمیوب اطلاقنی دست عنایت پیوست نبوی یه تعلیقله
تمنا ایلدی * امام صف انبیا علیه لوایح التحایا حضرتلری صلوة فجر
اداسیچون مسجد شریفه تشریفلرنده کندی ید مؤیدلریله کشایشدهٔ بند ابی
لبابه اولدیلر * فائده * وتیرهٔ زبره اوزره ابولبابه نك قبول توبه سی نص
صریح ایله ثابت اولمشدر زیرا شان الهیده ترجی صیغه سیله تعبیر نص تحقق
اولدیغی اتفاقکردهٔ اهل تفسیردر * تکمله * یهود خذلان اثر انجام کار
حکم حضرت سید الابرار اوزره حصاردن بدر اولوب مجموعی یدی یوز اللی
نفر رجال وبیك نفر ذراری ونسوان اولمغله برموجب فرموده مستعد دار وکیر
اولنلرنی بستهٔ زنجیر ایدوب * عبد الله بن سلام رضی الله عنه نسا واطفال
وصنوف اسلحه واموال ضبطنه تعیین بیورلدی * منوال محرر اوزره جملهٔ بنی
قریظه زبون سرپنجهٔ استیصال اولیجق اعیان اوس درکاه مخلد الاقباله کلوب
یا رسول الله بوطائفهٔ بی امانله زمان جاهلیتده عهد وپیمان اولوب اکرچه
حسام اسلام رشتهٔ علاقه یه انفصام ویرمشدر * اما چونکه حلیف خزرجیان
اولان بنوقینقاع حقنده شفاعت عبد الله بن سلول قرین شرف قبول
اولمغله کستاخانه بارکاه رأفت دستکاهدن بونلرك دخی قتل واهدارندن
اغماض بیورلمق مستدعادر دیو قرع باب نیاز ایتملریله حضرت علیه السلام
بوماده یه سزدن برمرد محقق حکم نصب اولنسه راضی اولورمیسز بیوردیلر *
جمله سی نعم یا رسول الله دیو اظهار صورت رضا ایدیجك حضرت سالار
انبیا اول حاکم حقانیت انتما سید القبیله سعد بن معاذدر بیوردیلر * سعد
ایسه خلال ملحمهٔ خندقده زخمناك اولمغله بالضروره بوغزادن تخلف
ایدوب حضرت مجلی الهموم بالذات عیادته سنه شرفیر قدوم اولمق ایچون
مسجد شریف قربنده رفیده نام جراحه خیمه سنده تمکین بیورمشلر ایدی *
برکروه اوسی واروب سعدی فرمان واجب الاذعان رسول اللهدن آکاه
ایدیلر وبرمرکبه سوار ایدوب عزم درکاه رسالتمدار ایلدیلر * اثنای راهده
یا اباعمرو بنوقریظه حقلرنده صدد کار اولوب احسان وشفقتله یاور ویار
اولمکزی جمله مز نیاز ایدرز دیو هرچند صرف انفاس رجا والتجا ایتدیلر
ایسه سعد قطعا شق شفهٔ جواب ایتمیوب آخر کار بیزار اولمغله * لقد آن لسعد
ان لا تأخذه فی الله لومة لائم دیو جواب قطعی ویردی * رکابنده اولنلر بو
براعت مقالدن مقصود سعده انتقال ایتملریله واقوماه دیو آه ایلدیلر * سعد
ابن معاذ درکاه ملاذ نبی عیاده قریب اولیجق حضرت مسندطراز نبالت
وانال مجالس غاص المجد والاجلا للرنده بولنان اصحاب کرامه قوموا لسیدکم

فائزلوه تعبیریله سعدی استقبال واستنزال ایلمری بابنده امر بیورمغله *
مهاجرین وانصار بالجمله قیام ایدوب ایکی جانبلو صف بستهٔ تحیت وسلام
اولدیلر * بوکونه اجرای مراسم توقیر ایله سعدی مجلس خطیره کتوردیلر *
حضرت صاحب المخائل والمفاخر پرسش حال وشانله سعدی مطیب الخاطر
بیوردقدنصکره احکم فیهم یا سعد تعبیریله بنوقریظه حقنده حکمی دستور
العمل اوله یعنی افاده بیوریجق سعد رعایت رسم ادب ایدوب الله ورسوله
احق بالحکم دیدی * تکرار حضرت سید الابرار قد امرك الله ان تحکم فیهم
بیورمغله سعد سر فروبردهٔ امتثال اولوب اوسیانه خطابا حضرت رب العالمین
ایله عهد اولسونمی که بنم حکممدن تجاوز ایتمیه سز دیدی * جملهسی اولسون
دیو متعهد اولدیلر * بعده قبلة الاقبال طرفنه متوجه اولوب تعظیما وتفخیما
هجنهٔ توجیه خطابدن اجتناب ایله یا بو جانبده اولانلرنه بیوررلر دیدی *
حضرت فخر عالم یا سعد بو خصوصده هرنه کونه حکم ایدرسن بزم دخی
حجت قبولمزده مثبت ومحکم اولور بیوردیلر * اندنصکره بنوقریظهیه توجه
ایدوب سز دخی بنم حکممه راضی میسز دیدی انلر دخی نعم دیدیلر * پس
سعد امدی بن دخی حکم ایدرمکه بی تراخی ومهلت رجالی بدرقهٔ شمشیر ایله دیار
عدمه رحلت ونسا واطفاللری سبی واسترقاق واموال واشیالری غزات
اسلام بیننده قسمت اولنوب املاك وعقارلری زمرهٔ مهاجرینه خصوصیتله
تفویض اولنه دیدی * فرقهٔ انصار یا سعد بو غزوهده بز دخی موجود اولوب
مهاجرین قرنداشلرمز کبی بذل مجهود ایلدك بزی استثنانك سببی ندر
دیجك * سعد بو وسیله ایله زمرهٔ مهاجرینك کافهٔ مؤنت وسکنالری
اوزرکزدن برطرف اولوب سزدن مستغنی اولورلر دیدی * حضرت برکزیدهٔ
مرسلین یا سعد اجتهادکه صد آفرین که حضرت احکم الحاکمین دخی بالای
هفت آسمانده صفحهٔ لوح محفوظه بویله قلم قضا چکدیکی هنکام سحرده
جبریل امین اخبار ایتمشیدی بیوردیلر * بو رأی اوزره قرار داده اولنوب
حسب الاشاره بالجمله سلاحلری جمع اولندی * بیك بشیوز قبضه شمشیر
واوچیوز زره وایکی بیك نیزه وبشیوز سپره بالغ اولمغله مجموعی ضبط اولنوب
وبیرون کنجایش حوصلهٔ ارقام دواب ومواشی برآوردهٔ دست اغتنام
اولندی * بو غزوهده نائل شرف معیت اولان نسوان اهل اسلام ایچون
قبل القسمة برمقدار مال غنیمت افراز اولنوب وسبایادن ریحانه بنت عمروی
حضرت مصطفا ذات والالری ایچون اصطفا وملك یمینله استخدام
بیوردیلر * اکرچه رقبهسنی ربقهٔ رقدن آزاد ایدوب حلی بنداسلام اولمغله

هرهفت نکاحله ده پیراسته اولمسنی اراده بیوردیلر * اما ریحانه ملك یمین
اوزره بقاسنی رجا ایتمکله فسخ عزیمت اولندی * عقار واملاك بنی قریظه
مهاجرینه تخصیص اولندقدنصکره باقی امواللری بعد اخراج الخمس پیادهیه
بر سهم وسوار اولانلره بر رکندیلری ایچون وایکیشر اتلری ایچون اولمق
اوزره اوچر سهم اعطا اولندی * اول اثناده سعد بن معاذ رضی الله عنه
حضرتلرینك زخمی ملتئم اولمشیکن سبب نیل درجهٔ شهادت اولمق ایچون
منفجر اولمغله متأثر روضهٔ رضوان طرفنه خرامان اولدیلر * ثابت الصحة
اولان حدیث شریف نبوی اوزره قدوم روح پرفتوح سعد ایله استبشارا
عرش مجید اهتزازه کلوب واعزازا یتمش بیك فرشته جنازهلرینه حاضر
اولدیلر * اعلای شوکت دین وابدای خزی وذلت کافرین ایچون اساراپی
دست وکردن بسته بیله کتوروب * رجالنی اسامة بن زید ونسا واطفالنی
رمله بنت حارث نجاری خانهلرنده حبس ایلدیلر * بعده بازارگاه مدینهده
عریض وعمیق برخندق حفر اولنوب برموجب امر سید الانام حضرت
مرتضی وزبیر بن عوام رضی الله عنهما حد بلوغه رسیده اولانلری فوج فوج
کتوروب صدمهٔ تیغ عدو تدمیر ایله بن خندقی اولین پایهٔ بئس المصیر
ایلدیلر * بعده اول خاکسار قهر ومذلتك لاشهٔ بدطینتلری اوزره طپراق
چکوب انظار ناسی نظارهٔ جیفهٔ کریههلرندن صیانت ایلدیلر * ومبالغ رجاله
بالغ اولمیانلری کروه سبایایه ادراج ایتدیلر نسوانلری چاك کریبان وکیسو
پریشان نوحه وافغان ایله درون مدینهیه غلغله افشان اولدیلر * نسوان بنی
قریظهدن نباته نام فاجره زوجی اوله جق ملعون بندنصکره قالمسون دیو
لعینهٔ مزبورهیه دلالت ایتمکله بالای دیواردن خلاد بن سوید اوزرینه
بردکرمن طاشی القا ایتمکین اول مرد سعید شهید اولدیغیچون تازیانهٔ
سیف شرع ایله اسفل السافلینه طرد اولندی * بعده بالجمله سبایا نجد ولایتنه
ارسال واندهفروخت اولنوب بهالرینه اسب وسلاح اشترا وبین المسلمین تقسیم
اولندی * نزول آیت حجاب * بو سنهٔ مبارکهده انفا البیان زینب بنت جحش
جنابنك منسلك سلك امهات المؤمنین اولدقلری اوانده آیت حجاب نازل
اولوب ازواج مکرمه نامحرماندن احتجاب واجتناب ایلدیلر * فرضیت
حج بیت الله الحرام * سنهٔ مزبورهده که خامسهٔ هجریهدر حج بیت الله الحرام
فرض اولندی * جمهور سنهٔ سادسهده بعضلر تاسعهده امام اعظم رحمه
الله عاشرهده فرض اولمق طرفنی اختیار ایلدیلر * بعضلر قبل الهجره
ثبوتنه * ذاهب ومستغرب اولمشدر * حادثهٔ افك عائشة الصدیقه * حضرت

صدیقه‌دن روایت اولندیغی اوزره غزوهٔ غرای بنی المصطلقدن عود اولنوب
مدینه‌یه قریب برمنزله نزول اولندقده * تباشیر شفق نشر علایم فلق ایتمکه
اغاز ایلدیکی دم ضرب کوس رحیل اولیجق حضرت صدیقه دفع حاجت
طبیعی ضمننده معسکردن بدر اولوب بعد الفراغ ارامکاهلرینه مراجعت
ایلدی * مکرکه جزع یمانیدن کردننده اولان اون ایکی درهم قیمتلو قلاده
انده دوشمش تفقدا ایچون تکرار عودت ایدوب بولدقدنصکره کاوب کورر
دیکه جمله عسکر کیدوب منزل شویله خالی قالمش * حضرت صدیقه
صغیر السن اولوب جسمنده دخی هزال ونحافت اولمغله هودجلری تحمیلنه
مامور اولنلر فرق ایتمیوب هودج ایچره ظنیله یوکلدوب عزم راه ایتمشلر *
دونوب انقیاد ایدرلر ملاحظه‌سیله اول محلده متوقف اولوب متحیرانه
هر طرفه نکاه ایدرکن رهزن خواب رحل دماغندن متاع حس وشعوری
نهب واستلاب ایتمکله اول حال اوزره یاتوب قلدیلر * تاکه نامزد محافظهٔ
ساقهٔ جیش اولان صفوان بن معطل اسلمی مقر عسکری جستجو ایدرکن
اول محله کلوب نور فراستیله حضرت صدیقه‌یی ادراک ایلدکده * اواز بلند
ایله استرجاعی باعث انتباه اولوب فی الحال دوه‌سنی اناخه ایلدی * حضرت
صدیقه مقنعه‌سنی باشنه چکوب دوه‌یه سوار اولدی * حضرت صدیقه
حلف بالله ایدرکه صفوان استرجاعدن غیری حرف واحد تفوه ایلمدی *
صفوان مهارشتری بردوش ایدوب وقت هاجره‌ده عسکر اسلام نازل
اولدقلری مقامه واصل اولدیلر * کشتی فضول آویختنی جهول ابن ابی بن
سلول دائما کندی شرذمهٔ شرذمتی اولان منافقین بدخصلتله اردوی اسلامک
بر طرفنه قونمق عادت سیئه‌سی اولمغله اتفاقی رهکذرلرنده بولنمغین *
قرینلرندن بالاستفسار صدیقه وصفوانی بلدکده حقلرنده افك وافترایه
جسارت وعسکر ایچره اشاعت ایلدی * راسخ قدم جادهٔ ایمان اولنلردن
حمنه بنت جحش که ام المؤمنین زینبك همشیره‌سیدر وبرادری عبید وزید بن
رفاعه وحسان بن ثابت ومسطاح بن اثاثه دخی مکر شیطانیله اول منافقه
همزبان قذف وبهتان اولدیلر * رفته رفته بو خبر طرف سید البشره ویدر
وماد صدیقه‌یه واصل اولمغله بحکم بشریت من یسمع یخل فحواسنجه خاطر
عاطر نبوی متخدش اولمغین بینلرنده راسخ البنیان اولان کاخ معاشرت
وقصر مشید مودت متزلزل الارکان اولوب * حتی مدینه‌یه وصولدنصکره
حضرت صدیقه برماه قدر صدمهٔ مرضله نقش بستر اولوب * حضرت
رسول الله طرفندن مقدما حالت بیماریده ارزانی * بیوردقلری نوازش

وتلطیف میزان معتاد شریفدن تطفیف اولنوب * انجق احیانا سر بالینه
کلوب مادرینه بونك حالی نیجه‌در دیو سؤال وینه رجع قهقری بیورر لر
ایدی * حضرت صدیقه ماجرادن غافل اولمغله بو معامله‌دن خسته دل
اولور ایدی * حکمت ربانی اول ایام ستوده انجامده برماه مدت میانهٔ وحی
اسمانی فیصل پذیر اولمغله حقیقت حال وابستهٔ عقدهٔ اشکال قالدی *
حضرت سید الابرار اول اوانده اکثر احبانلرین سعادتخانه‌لرنده امرا ایدرلر
ایدی * برکون حضور مستوجب الحبورلرینه حضرت عمر رخصت‌یافتهٔ
دخول اولوب بو خصوصده خلاصهٔ اعتقادلك ندر دیو استقصای مادهٔ
صدیقه بیوردقده * حضرت عمر یا رسول الله جناب خدای بیچون سنك
وجود مطهرینی نشست وبرخواست ذبابدن بعض ناپاك محله قونمه‌سی
احتمالیله مصون ایتمشیکن * حاشا که برزن تردامن ووقاحت انتماذات
فائض البرکاتنه همسر اولمغه رضا ویره دیدی * بعده حضرت عثمان ایله
استشاره بیوردقلرنده جناب ذو النورین یا رسول الله حضرت حق سبحانه
وتعالی مبادا بر ناپاك یره دوشه یا خود باعمال انسانی اوله دیو جسم منور لطیفنی
کثافت سایه‌دن مبرا بیورمغله حاشا که ذیل ناموس محترمکزی الودهٔ لوث
حرم ایلیه دیدی * حضرت مرتضی یه دخی مناسبت بیوردقده یا رسول الله
برکون جناب مفخر الموجود اتله ادای صلوة ایدرکن نعلینکزی چیقار
دیغکزده بزدخی متابعت ایدوب * بعده زیر نعلینکزده اثر قاذوره اولدیغنی
حضرت جبریل امین اخبار ایلدیکنی بزه اشعار بیورمشدیکز *
امدی عصمتخانه کزده بو کونه وضع ناصواب ارتکاب اولنمش اولسه
احتمالیدرکه ازعاجی بابنده امر ذو الجلال صادر اولمیه بونلرك جمله‌سی
منافقین اراجیفه‌سیدر قطعا اساس ومساسی یوقدر دیدی * بو تسلیتلر ایله
نوعا خاطر سعادتلرینه سکون وطمانینت حاصل اولدی * حضرت عائشه
دخی اول خلالده برمقدار افاقت بولوب برکیجه مسطاحك والده‌سیله هنوز
درون شهرده مبرز اتخاذ اولنمامغله خارج مدینه‌یه چقدیلر * یولده کاورکن
مزبوره‌نك اباغی ازارینه طولاشمغله تعس مسطح یعنی مسطح هلاك اولسون
دیدی * حضرت صدیقه نیچون فرزندکه دشنام ایدرسن خصوصا اصحاب
بدردندردیو توبیخ ایلدی * برمقدار کیتدکدنصکره ینه اباغی طولاشمغله
تکرار مسطحه سب ایلدی * حضرت صدیقه ینه لوم ومنع صددنده اولمغله
اول خاتون یا عائشه اکاسنك ایچون نفرین ایدرم دیدی * سببنی سؤال
ایلدکده مکرانك هزیانی مسموعك اولمامشدردیوب قلاده قصه‌سنی بالتمام

نقل واعلام ایلدی * اول ساعت اندام عائشه یه رعشهٔ جا عارض اولوب
خسته‌لکی تکثر ایلدی * صباحه قدر بیدار ونالان وزار ایله دیده‌لری
خونبار اولوب فرداسی حضرت رسول الله تشریف واستفسار حالله خاطر
صدیقه‌یی تلطیف بیوردیلر * چند روز ظرفنده مرضی خفت پذیر اولمغله
مادرلری کندی خانه‌لرینه عزیمت ایتمشیدی صدیقه دخی اذن الوب
مادرلری خانه‌سنه اعتزام ایلدی * مادرلری سبب ورودندن استفسار
ایلدکده بونه افسانه‌درکه ناس بنم حقمده ارجاف ایلمشلر وبکا اصلا اشمام
واشعار ایلمدیکز دیدی * والده‌سی دخی تسلیت قصدیله الم چکمه اویله
اولور بر جمیله خاتونک ضرائری اولوب شوهری اکا جمله‌دن زیاده مهر
ومحبت ایلسه انک حقنده قدر ومنزلتنک تمحیص وعلاقه ومودتنک تنقیص
ایچون کونا کون کلمات ایدرلر دیدی * وقعهٔ من بوره‌نک شیوعی ضرائردن
اولمغله والده‌سنک بو کلامی انلاره افترا اولمیوب بلکه ظن واشتباهه مبنی
ایدی * حضرت صدیقه بر درلو مجاب ومتسلی اولمیوب سبحان الله شمدی
بو قضیه حضرت رسول اللهک وپدرمک سامعه‌لرینه بالغ اولدیمی دیدکده *
والده‌سی دخی نعم دیجک آتشدان دلدن بر آه عالم سوز چکوب روزن دیده‌لرندن
پاشیده اولان شرارهٔ اشک سوزشکرار قالدیکه خانمان وجودنی خاکستر
ایده * اول هنکامده حضرت ابوبکر طبقهٔ علیاده قرآن عظیم الشان
تلاوتنه مشغول اولمغله آواز بکاء صدیقه‌یی ایشیدیجک مادرندن اصلنی
سؤال ایلدکده قصهٔ افترایی شمدی استماع ایتمش اولمغله اکا کریان ونالان
اولوردیدکده * حضرت ابوبکری اختیار کریان ومحاسن شریفه‌لرینه لآلی
قطرات سرشک ریزان اولمغه باشلدی * اول شب پر کرب ونصبده حضرت
صدیقه بر لحظه خواب راحت کورمیوب صباحه قدر شمع کبی سوزان *
وچشمهٔ چشملرندن جیحون آسا خون روان اولوب پدر ومادرلری دخی دمساز
کریهٔ جانکداز اولدیلر * شدت کریه‌دن حضرت صدیقه برکنده جکر اولمغه
بر رمق قالدی * انصاردن بر خاتون دخی بولنمغله اول خاتون وسائر اهل خانه
اهلنک کریهٔ هایاهایله خانهٔ صدیق ماتمسرای اتدیلر * اول هنکامده
اتفاقا سید تهامه علیه السلام حضرتلری دخی تشریف بیوروب درکاه
رأفتپناه حضرت کبریایه حمد وثنادن صکره یا عائشه سنک حقنده بوکونه
کلام ناهنجار سامعه‌می قرعله‌یی دلفکار ایلدی * اکر دامن حالک اول
الایشدن پاک ایسه نه باک جناب مستعان عنقریب سکا اولوث تهمتدن
برات برائت احسان ایدر * واکر اغوای شیطان ایله بوذلهٔ نفسانی سندن

صادر اولدیسه توبه وانابت ایله کندیکی تخلیصه غیرت ایله که * وهو الذی یقبل
التوبة عن عباده ویعفوا عن السیئات بیوردیلر * جناب صدیقه‌نک اول
آنده دموع دائم الهموعی مرتفع اولوب سؤال سید الثقلینک جوابنی
حوالهٔ جانب والدین ایلدی * انلر جواب ابدن اظهار عجز ایدیجک
ناچار سوزه کلوب یا رسول الله بو ارجوفه‌یی بنیادم معلومدرکه قرارداده ساحة
الصفای فؤادکز اولمشدر * قالدیکه حق علیمدر بولکه تهمتدن دامن عرض
وعصمتم پاکدر * اکر اظهار برائت ایلسم اعتماد بیورمیه جقسز واکر جرم
ناکرده‌یه اقرار ایدرسم نفسمه افترا ایتمش اولورم * بو خصوصده دیم الا که
* فصبر جمیل والله المستعان علی ما تصفون * انما اشکوا بثی وحزنی الی الله *
دیوب وسادهٔ کریه‌یه سر نهاد اولوب یاتدی * صدیقه‌دن مرویدرکه اکرچه
بیکناه اولدیغم حسبیله حضرت عادل کریم عز شانه بنی بو اتهامدن بری
الذیل ایده جکنه یقینم وار ایدی لکن باره‌مده کتراغمده مخصوص قرآن عظیم
الشان نازل اوله‌جق مرتبه‌دن کندیمی استصغار ایدر ایدم نهایت الامر
عالم منامده طرف سید الانامه اعلام بیورلمق ملحوظم ایدی * اول اثناده
پدرم سوزه کلوب بنم خاطرمه نازل اولان بلیه‌دن دود مان عربدن برینه نازل
اولمدی * زمان جاهلیتده حقمزده سویلنمدک اراجیف شمدی سویلنور
اولدی * دیو حزن وتأسفله بکا متوجه اولدی * اول آنده مرأت جمال
سید الانبیاده امارت وحی خدا پدیدار اولوب مطلع الاشراق فیوضات ربانی
اولان پیشانیٔ نورانیلری عرق ریز کلاب امیز اولمغه باشلدی * پدرم درحال
بر محتساندن یصدق اولمغله مبارک باشی آلتنه قیوب ورداسیله اوزرلرین
اورتدی * بن بوبابده پاکدامن اولدیغم حسبیله درونمده قطعا شائبهٔ خلجان
اولمیوب لکن پدر ومادرم انجلای وحیله ظهور حقیقت حاله قدر ضجرت
وکربدن جان برلب اولمشلر ایدی * سحاب مدرار وحی پرورد کار منجلی اولیجق
کل برک رخسارلرنده پدیدار اولان جمان مروارید وار دانه رشحات شبنم
عرقلری سیله رلک * تبسم حیات افزا ایله مژده سکا یا عائشه حضرت دادکر
بیهمتا عز شانه وعلی سنی بو غائله افکک طاقتفرسادن مبرا ایدوب طهارت
ذیل ناموسکه حضرت شهید غیوردن احسان شهادت شرف صدور ایلدی *
دیو زمزمه‌ساز بشارت عظما اولدیلر * مادرم بکا یا عائشه بو عطیهٔ بهیه مقابلی
قالقوب حضرت رسول اللهه اظهار شکرکذاری ایله دیدی * بن دخی
بر مقتضای فرط نشوهٔ سرور پریشانشدهٔ سامان شعور اولدیغمدن بی اختیار
لا والله العزیز الجبار بو قضیه‌ده حضرت حق وکریم مطلقدن غیری

فرد واحددن متداردكام ٭ ودركاه عنايت دستكاه ربانيدن غيرى يه حمد وثنا ايلم ديدم ٭ حضرت خلاصة الموجود مسجد شريفه تشريف ومنبره صعود بيوروب طهارت ذيل صديقه بابنده نازل اولان اشبو ٭ ان الذين جاؤا بالافك عصبة منكم لا تحسبوه شرا لكم بل هو خير لكم الى قوله تعالى ٭ اولئك مبرؤن مما يقولون لهم مغفرة ورزق كريم كريمه لرنى كه سورۀ نوردن اون ايت عظيمه در قرأت ٭ واطالۀ زبان افك وافترا ايدنلره ضربۀ ثمانينله حد قذف اقامت بيوردیلر ٭ فايحه ٭ بو كريهه يه اجتسار ايدنلرك هر برى بر كونه وخامت عاقبته دوچار اولدیلر ٭ از جمله ابن ابى بن سلولك نفاقى منتشر ورسواى اولمغله مجالسدن طرد ايله مخذول اولدى ٭ وحسان بن ثابت اخر عمرنده اعما واشل اليدين اولوب ومسطح مكفوف البصر اولدى ٭ قاضى بن العديم الحلبى رحمه الله حضرت صديقه نك برأت ذمت ونظافت دامن عرض وعفتلرنى حاوى وفضل وحيثيت وقدر ومنزلتلرنى محتوى بر قصيدۀ نضيده انشا وحقاكه بدايع روايع صنايع شعريه يى اجرا ايلدى مطلعى بودر

٭ ماشان ام المؤمنين وشانى ٭ هدى المحب لها واضل الشانى ٭

مسطح بن اثاثه حضرت صديقك خاله زاده سى اوغلى اولوب زبون فقر واحتياج اولديغندن نفقه وكسوه وساٸر مهمات ضروريه سنه حضرت صديق متكفل اولمشيدى ٭ اقتضاى قضا ايله همزبان قذف وافترا اولمغله حضرت صديق من بعد مسطحى خوان احسانندن مطرود دست حرمان ايتمك اوزره يمين ايلمش ايكن ٭ ولا يأتل اولوا الفضل منكم والسعة ان يؤتوا اولى القربى والمساكين والمهاجرين فى سبيل الله وليعفوا وليصفحوا الا تحبون ان يغفر الله لكم والله غفور رحيم كريمه سى نازل اولیجق ٭ حضرت رسول الله يا ابا بكر الا تحب ان يغفر الله لك بيورمغله ٭ حضرت صديق والله انى لاحب ان يغفر الله لى ديوب ينه مسطحى حصه مند سماط برونوال ايلديلر ٭ لطيفه ابن مقرى فرزند عاقنك نفقه سنى قطع ايتمكله بونشيده يى يازوب پدرينه ارسال ايلدى ٭

٭ لا تقطعن عادة برولا ٭ تجعل عقاب المرء فى رزقه ٭
٭ فان امر الافك من مسطح ٭ يحط قدر النجم من افقه ٭
٭ وقد جرى منه الذى قد جرى ٭ وعوقب الصديق فى حقه ٭

ابن مقرى دخى جوابنده بو ابيات دلپذيرى تحرير وفرزندنه تسيير ايلدى ٭

٭ قد يمنع المضطر من ميتة ٭ اذا عصى بالسير فى طرقه ٭

٭ لانه يقوى على توبة ٭ توجب ايصالا الى رزقه ٭
٭ لولم يتب مسطح من ذنبه ٭ ما عوتب الصديق فى حقه ٭

٭ نزول ايت تيمم ٭ وسنۀ مرقومه ده آيت تيمم نازل اولدى ٭ حضرت صديقه دن مرويدركه بقضاء الله تعالى حقنده ظهور ايدن الايش بهتان شستۀ صابون عنايت حضرت منان اولدقدنصكره بر غزوۀ اخرى يه برابر هودج سوار عزيمت اولنوب اثناى راهده ينه قلادۀ كردنم دوشمكله ٭ اول منزلده حضرت سيد الانام صباحه قدر توقف وارام ايدوب هر طرفه جستجو ايچون ادملر ارسال ايلديلر ٭ پردۀ ظلام شب وجودنه مانع اولمغله سراج مهر منير امدادنه توقيف اولندى ٭ اول منزلده ايسه اب وتاب وطراوتدن اثر اولمامغله اداى نماز فجر ايچون ابدست اله جق صو بولنمديغندن جملۀ اصحاب افتادۀ تف وتاب اضطراب اولملريله بالاخره حضرت ابو بكره واروب احوالى اعلام ايلديلر ٭ حضرت صديق پرچين غضب اولوب خيمه مزه كلديلر ٭ اول حينده ايسه مسند طراز چار بالش رسالت حضرتلرى سر سعادتلرى زانوى عاجزانمده درخواب استراحت اولمشلر ايدى ٭ حضرت صديق دهنكشاى عتاب اولوب بو بريۀ بى آبده خلقك ضجرة واضطرابنه سبب سن اولدك هر سفرده خلقك باشنه مايۀ عنا وكدر اولمقده سن ديو غايت تهورندن تهيكاهمه بر مشت اوردى ٭ كرچه ضربۀ سخت ايله متأثر اولدم لكن حضرت سيد الابرار بيدار اولمسون ديو امسالۀ نفسله استقرار ايلدم ٭ زيرا حالت منامده ايكن سرورانامى شئونات ملكوتيه مشاهده سنه مانع اولمامق ايچون بر كمسه بيدار ايلمزايدى تاكه كنديلرى منتبه اولورلر ايدى ٭ بعده خوابدن قالقوب توضئ ايچون صو التماس بيورديلر صو بولنمامغله اول انده ٭ وان كنتم على سفر ولم تجدوا ماء فتيمموا صعيدا طيبا كريمه سى نازل اولوب صو بولنمديغى يرده تيمم جائز اولدى ٭ ورای تتق غيبيه دن بويله بر لطيفۀ بهيه ظهوريله جمله اسلاميان خرم وشادان اولوب حضرت صديق دخى سببابه كراى استجاب اولوب ما اعظم بركه ٭ عقدلئ ديو استعظام واستغراب ايلديلر ٭ نكاح زينب بنت جحش ٭ رضى الله عنها زينبك والده سى اميمه بنت عبد المطلب در مقدما حضرت رسالتماب زيد ايچون اختطاب ايلدكلرنده زينب وبرادرى عبد الله راضى اولميوب بعده وما كان لمؤمن ولا مؤمنة اذا قضى الله ورسوله امرا ان تكون لهم الخيرة الايه كريمه سى نازل اولمغله ٭ رشتۀ اختيارى دست ارادۀ سيد الاخياره تسليمله مرعقد صورتياب اولمشيدى ٭ بركون حضرت رسول الله

ازیدك خانه سنه پرتوبخش تشریف اولوب زید انده موجود اولمامغله نظرهٔ
اولیده جمال زینب مستعجب کورنمکله سبحان مقلب القلوب دیوب عودت
بیوردیلر* زید خانه سنه کلدکده زینب تشریف نبوی یی وکلام شریفلرنی
زیده نقل ایلدکده درساعت زینبدن رقهٔ علاقه یی قطع ایتمکه نیت ایلمکله
درکاه رسالتپناهه کلوب تطلیقی بابنده استیذان ایلدی* حضرت برکزیدهٔ
انام سببندن استعلام بیوردقده* یارسول الله خدا حقی اندن خیردن غیری
نسنه کورمدم اما احیانا بکا نسب وحسبیله نخوت فروش اولوب
ولسانیله اذا ایدردیدی* حضرت رسول الله امسك علیك زوجك واتق الله
تعبیریله منعنه سعی بیوردیلر* اما اقتضای تقدیر مستحیل التغییر ایله فائده
پذیر اولمیوب زید انی تطلیق ایلدی* عدتی منقضی اولدقدنصکره حضرت
حبیب لایزال زینبی واروب بنم ایچون خطبه ایله دیو زیدی ارسال بیوردیلر
برموجب فرموده زید خانهٔ زینبه واروب ارقه سی جهت بابده اولدیغی
حالده یازینب طرف نبویدن سنی اختطابه مامورا کلدم دیدی* زینب بغایت
مسرور اولدی لکن درکاه قاضی الحاجاته مناجات ایتمدکجه جواب ویرمم
دیوب همان نمازه قیام ایلدی* فی الحال* واذ تقول للذی انعم الله علیه
وانعمت علیه امسك علیك زوجك واتق الله وتخفی فی نفسك ما الله مبدیه
وتخشی الناس والله احق ان تخشیه فلما قضی زید منها وطرا زوجناکها لکیلا
یکون علی المؤمنین حرج فی ازواج ادعیائهم اذا قضوا منهن وطرا وکان امر
الله مفعولا* کریمه سی نازل اولمغله خصیصهٔ تزویج الهی ایله اکتفا
اولنوب* بی تمهید عقد نکاح وبی تقدمهٔ رخصت دخول زینبك خانه سنه
تشریف بیوروب درساعت اصحاب کرامی دعوت وترتیب ضیافت
بیوردیلر* بعد الطعام حضرت علیه السلام مقدمهٔ قیام اصحاب کرام اولمق
نازکانه سیله متهیٔ حرکت اولوب* اصحاب کزین مشتغل صحبت اولمغله
لطیفه یه انتقال ایلدیلر* پس حضرت برکزیدهٔ انام بالنفس قیام ایدوب
اوچ کسه دن ماعدا بالجمله اصحاب دخی موافقتله عزیمت ایلدیلر* وقت
یسیر دنصکره ینه تجلی بخش تشریف اولوب کوردیلرکه اول کمسنه لر هنوز
مستغرق لجهٔ مصاحبت اولوب برلرندن حرکت ایتمامشلر* ینه عودت
بیوروب بروقتدنصکره انس مسافرلرك عزیمتلرنی اخبار ایتمکله تکرار
کلوب تشریف دخول ارزانی بیوردیلر* انس حضرتلری دخی تخلیه
ایچون معاودت ایلدیلر* اول خلالده یاایها الذین امنوا لاتدخلوا بیوت
النبی الایه کریمه سی نازل اولوب ازواج مطهره متواری سراپردهٔ احتجاب

اولدیلر* ونعمته تعالی علی زید الاسلام ونعمة النبی الاعتاق واتق الله ای
فی امرها ولاتطلقها ضرارا وتعللا وقد کان اوحی الیه بان زیدا سیطلقها*
وانه صلی الله علیه وسلم یتزوجها فعوتب بقوله تعالی وتخفی فی نفسك ما الله
مبدیه من علمك بانه سیطلقها وقولك امسك وان الله یظهر التطلیق بوقوعه
من زید وتمامه فی فصل الخصائص من المواهب* نکاح جویریه* رضی الله عنها
مرسوم خامه پاکیزه ادا اولدیغی اوزره بنومصطلق غزوه سنده وابستهٔ سلسلهٔ
اسرا اولان نسواندن رئیس قبیلهٔ بنی مصطلق اولان حارثك دختری بره
ثابت بن قیس ایله عم زاده سی حصه سنه اصابت ایدوب* عم زاده سنك
حصه سنی خاك طیبه ده نابت خرما اشجاری مقابلیله اشترا ایتمکله رقبه
سنه تمام مالك اولدقدنصکره طقوز اوقیه التون بدلی کتابته قطع ایلدی*
اولدخی بدل کتابتده امداد رجاسنه خیمهٔ عائشه ده حضرت خواجهٔ بندرکاه
عنایته کلدی* حضرت عائشه دن مرویدرکه بادی نظرده بره یی کوردکده
غایت حسن وملاحت صاحبه سی اولمغله درونمه حفقهٔ غیرت عارض
اولوب* جائزکه حضرت رسول اللهك نظری تعلقنده اراستهٔ حلیهٔ
رغبت اولمغه شایان بیوره لر دیو اندیشه ناك اولدیغمدن* حضور معالی عنوان
نبوی یه دخولنی استهجان ایلدم* واقعا انجامنده طبق ملحوظم ظهور
ایلدی* چون پیشکاه فلك دستکاه عالیلرینه رخصتیافتهٔ مثول اولوب ثابت
ابن قیسك کندوسنی کتابته قطع وایفاسنه بروجهله دستمایهٔ اقتداری
اولمدیغنی اشعار ایله رجامند اعانت سید الابرار اولدقده حضرت رسول الله
یا بره سکا اندن خیرلو برمعامله ارزانی اولسه محظوظ اولورمیسن بیوردیلر
اولدخی استکشاف حال ایلدکده اولا بدل کتابتنی ادا وثانیا نسنی پیرایهٔ ازدواج
جلیله ارایش ایلمک ایده یم بیوروب* بره دخی بیك جانله رغبت ورضا کوستردکده
درحال ثابتی حضور همایونه احضار وبره یی طلبکار اولدقلرنده ثابت دخی
صمیم بالله رضادار اولمغله همان بدل کتابتنی ادا واعتاق وتاج ازدواجله سر
ابتهاجنی بالاترنه طباق بیوردیلر* محرم شبستان نبوی اولدقده هنوز
حد عشرینه رسیده اولمشیدی* مقدما اسمی بره اولوب حضرت خیر البریه
جویریه ایله تسمیه بیوردیلر*

نطزید ستا سار نجل مسلمة* شفعاء کاشة ابو عبیدة

نطقولی سکون طا ایله سار فعلنك ظرفیدر* زید مبتدادر اتزان ایچون
تنوینی حذف اولندی* ستا سار فعلنك مفعول مطلقیدر سار جمله سی
خبردر* صار امیر سریة ست مرات فی سنة نطسبکنده در* نجل مسلمة تقدیر

عاطفله معطوفدر نخل ابن معناسه در * شفعا مفعول مطلقدر من تبين
معناسنه در * عكاشة وابو عبيدة دخى تقدير عاطفله معطوفلردر * بو بيت
درت لايحه يى مشتملدر * سريهٔ زيد بن حارثه ششبار * سريهٔ محمد بن مسلمه
دوبار * سريهٔ عكاشة بن محصن اسدى * سريهٔ ابو عبيد بن الجراح *
سريهٔ زيد بن حارثه ششبار * ولادت باسعادتك اللى التقوزنجى سنه سنده
الى دفعه سريهٔ زيد بن حارثه واقع اولشدر * سريهٔ اولى شهر ربيع الاولده
جومده بنو سليم اغاره سيدر * جوم فتح جيله مدينه يه درت ميل مسافه
بطن نخل نواحيسندن بر ناحيه درسيى بودركه حضرت سپهسالار انبيا عليه
اتم التحايا زيد بن حارثه يى بر جمع دلاورايله جوم ناحيه سنى قرارگاه ايدن
بنو سليمى ساحهٔ سلامتدن دورا تمك ايچون ارسال بيوروب * من بنه قبيله
سندن * بر خاتون دلالتيله بر محله يه اتش زن غارت اولوب بى حد اغنام
وانعام اغتنام ونيچه لرى داخل زنجير اسر اسلام اولوب حتى اول خاتونك
شوهرى دخى مربوط سلسلهٔ اسارى اولمشيدى * سالما وغانما عودت ونائل
شرفبوس سدهٔ سعادت اولدقدنصكره * سرور انام خدمت مشكوره سى
مقابلنده اول خاتونه نفسنى وزوجنى انعام بيورديلر * سريهٔ ثانيه *
جمادى الاولىده مدينه يه درت ميل مسافه كسر عينله عيص نام محله
ارسال بيورلمشدر * سربازان اصحابدن يوز تمش سوار نيزه گذار انتخاب
اولنوب زيد بن حارثه امير سريه تعيين بيورلدقدنصكره شامدن عزم جانب
بيت الحرام ايدن قافلهٔ قريشى نهب ايچون ارسال بيورلدى * عيص نام
محله وارلدقده كاربانه مصادف اولديلر * بر حملهٔ كوه انداز اسلاميانله ركب
قريش پريشان اولوب عموما اموال‌لرى نصيب دست مجاهدين اولدى *
خصوصا صفوان بن اميه نك وافر فضه سى اولمغله اولدخى مسبولكٔ قالب
اغتنام اولدى * ونيچه لرى دخى ربطبند اسر اولوب حتى شوهر زينب بنت
حضرت رسول الله اولان ابو العاص بن ربيع دخى پيوستهٔ قيود اسارى
اولمشيدى * غزات ظفر رسمات مستسعد خاكبوسئ عتبهٔ سعادت ايات اولدقده
ابو العاص زينب جنابلرندن استجاره ايتمكله زينب اواز بلندايله ابو العاص
اوزره اسدال ذيال جوار ايلديكنى اعلان ايدوب * اول حينده سرور
كائنات مشتغل صلوات اولمغله بعد السلام اصحاب كرامى وجهه كلام ايدوب
بنم استماع ايلديكم صدا سزلر دخى مسموعكز اولديمى ديو استنبا بيوردقده
اصحاب كرام دخى نعم ديديلر * حضرت عليه السلام معلومكز اولسونكه
نفسم قبضهٔ قدرتنده مضبوط اولان خداى متعال حقى زينبك اجاره ايده جكى

مشعورم دگل ايدى بيوردقدنصكره زينبه واروب سنك جوارنده اولانه بنده
اجاره ايلدم بيورمغله ابو العاص دوشاخهٔ اسردن خلاص اولدى * بعده
زينب مضبوط ايدئ مجاهدين اولان اموالنك ردنى نيازا يتمكله *
حضرت سيد الابرار صورت مساعده اظهار بيوردقدنصكره يا بنيهٔ اكرمى
مثواه ولا يخلص اليك فانك لا تحلين له تعبيريله ابو العاصه حرمت ورعايت
ايدوب لكن فرقت دينيه سببيله معاملهٔ زوجيتدن مباعدت ايتمك بابنده
توصيه بيورديلر * بعده اصحاب سريه يه خطاب ايدوب بو آدمك طرفمه تعلق
معلومكزدر اگر احسان ايدوب مال منهوبنى رد ايدرسكز بنم دخى باعث
محظوظيتم اولور * اگر امتناع ايدرسكز مال غنيمت اولمغله تعيين ربانيله سزلر
اندن احق واليق سز بيوريجق * اصحاب اخيار شق اولى اختيار ايليوب
طيب خواطر ايله بالجمله اموالنى تسليم ايلديلر * سريهٔ ثالثه * جمادى
الاخرده مدينه يه اوتوز ميل مسافه كتف ونتده طرب نام چاه حواليسنده
ايواكزين اولان بنو ثعلبه اوزره شيردلان اسلاميانه اون بش مرد مقدامله
زيد بن حارثه تعيين بيورلمغله واروب على الغفله شبخون ايلديلر * اهل قبيله
بالذات موكب همايون كلدى ظنيله سربه روبه كبى پريشانشدهٔ كوه وهامون
اولوب مجاهدين اسلام قتى وافر اغنام وانعام اغتنام وجانب طيبه يه اماله
لجام ايلديلر * اول كروه ضلالت اثر بعد تحقيق الخبر عقبكير اولوب لكن
غزات دين شتاب وسرعتله عزيمت ايتمكلريله ادراكلرندن عاجز اولمغله
خسران وخيبتله عودت ايلديلر * سريهٔ رابعه * جماد الاخره ده وراى وادى
القراده كسر حا وسكون سين مهملتين ايله حسمى نام موضعى مأوى ايدن
جذام قبيله سى اوزره بشيوز نفر مبارز صفدر ايله ينه زيد بن حارثه تعيين
بيورلدى * سببى بودركه دحية الكلبى رضى الله عنه مامورا قيصر روم
طرفنه عازم اولوب عودتنده بنو جذامدن هنيد نام شقى وفرزندى اوله
جق مادر بخطا چند نفر اشقيا ايله * طريق دحيه يى قطع * وقيصرك اكرام
ايلديكى وافر مال وكسوه سنى استلاب ايدوب قبيلهٔ من بوره دن بنو خبيب
بو كيفيتى استماع ايلدكده ملاحظهٔ انجام كار ايله بى صبر وشكيب اولمغله
هيمان واروب اموال منهوبه يى اول ملعونلردن نزع وينه دحيه يه دفع
ايلديلر * دحيه دركاه رسالت دستگاهه وصولنده كيفيتى افاده ايلدى *
حضرت سلطان هردوسرا عليه اكمل التحايا دخى بشيوز نفر مرد
جلادتگهر ايله زيد بن حارثه يه دحيه يى ترفيق ايدوب بنو جذام اوزره ارسال
بيورديلر * شبروانه عزيمتله بر صباح اول كروه نابفلاحى بصوب هنيدى

وفرزند شقا پیوندنی ومادۀ مرقومه‌ده همدست اتحاد اولنلری نعمت
حیاتدن نامراد ایلدکدنصکره * بیك شتروبش بیك اغنام داخل زریبۀ
اغتنام اولوب * یوز نفر ذراری ونسوانلری بستۀ زنجیر اسرقید اولدی * زید
ابن رفاعة الجذامی برقاچ نفر کسه ایله بارگاه کردون اشتباهه کلوب تظلم حال
ایتملریله * مقدما شرفیاب اسلام اولدقده حقلرنده تحریری محض عنایت
اولان مکتوب امانی یدلرینه اعطا ورد اموال ایچون حضرت مرتضایی
زید بن حارثه طرفنه اسرا بیوردیلر * سریۀ خامسه * سنۀ مرقومه رجبنده
زید بن حارثه برمقدار بضاعت اصحاب کرامله تجارت ایچون عازم جانب
شام اولوب وادی القرایه قریب وارلدقده فزاره قبیله‌سندن چند نفر حرامی
پرمکر وکیدر هرزن زید اولوب کندو سنی ورفقاسنی همعال میت اولنجه
ضرب ایلدیلر ترك کاروبار حیات ایتدیلر * ظنیله ال چکوب مامله‌کلرنی
انتهاب ایلدیلر * اول اوغادنا خلف برطرف اولدقدنصکره زید ورفقاسی رمق
حیاتله قالقوب افتان وخیزان مدینه‌یه روان اولدیلر * زید اول ملاعین
کین ایین اوزره غزا ایتمدکجه اهلنه قربان ایتماملك اوزره نذر ویمین ایلدی * بنا
برین بومادۀ ده سریه اطلاق اولندی * سریۀ سادسه * ماه صیامده مادۀ
مرقومه‌یه مبنی زید بن حارثه وادی القرایه تعیین بیورلدی * چون فزاریلرك
بروجه محرر طغیانلری معروض عتبۀ جلالت کستر اولیجق * سپاه ظفر
دستکاه اسلامیاندن برجمع زید ایله همراه قلنوب اول طائفۀ کمراه اوزرینه
ارسال بیورلدی * شبروانه عزیمتله برسحر ارامکاه ارباب شور وشر یازدۀ
خیل ظفر فر اولمغله * ولولۀ تکبیر ایله اول قوم خنازیر اوزره حملۀ شیرانه
ایلدیلر * یکعنانده نیجه‌لرین طعمۀ شمشیر وزن وفرزندلرین دستکیر ایلدیلر *
حتی عقیلۀ قبیله اولان ام قرفه نام فاجره دخی زنجیر اسر کرفتارلرندن اولمغله
اول سلیطۀ بیحیا ووقاحۀ هرزه درا دائما طرف مستجمع الشرف سلطان
الانبیایه اطالۀ زبان قدح وازدرا ایدر اولمغله زید بن حارثه رضی الله عنه لعینۀ
مسفوره‌نك دوشاخ شجرۀ لعنت اولان ایکی پای نکبت وبی میمنتلرین ایکی
دوه‌یه چارمیخ ایدوب دوه‌لر زجر اولندقده جیب حیاسی کبی کرباس جسم
شقاوت انتماسی ایکی شق اولدی * غزات اسلام سلامت واغتنامله مدینه‌یه
مراجعت ایدوب زید بن حارثه وقوع حالی آستانۀ فلك آشیانه‌یه عرض
واخبار ایچون باب سعادتمآب نبویه‌یه وروندنده * حضرت پیغمبر ذیشان
کمال انبساطلرندن برهنه جامۀ سعادتعلامه‌لرین سحب ایدرك سمت بابه
شتابان اولدیلر * زیدی تقبیل واعتناق ایدوب کیفیتی استنطاق بیوردیلر *

زید دخی ماجرایی کماجری عرض واعلام ایلدیلر * بعض اهل سیر ام قرفه
ماده‌سنك امیر سریه‌سی حضرت صدیق اکبر اولدیغنی ثبت جریدۀ اثر ایتمشدر
سریۀ محمد بن مسلمه * وسنۀ مزبوره‌ده محمد بن مسلمه‌نك سریۀ دوباره‌سی
پیرانۀ جرائد وقایع اولمشدر * سریۀ اولی شهر ربیع الاولده بنوکلابدن ضم
قاف وفتح رایله قرطا نام جماعتی غارتله مامور اولوب * اوتوز سوار نیزه کذار
ایله شبروانه عزیمت وبرسحر اول مخمور رطل کران ضلالتی فساء صباح
المنذرین صدمه‌سیله خوابدن بیدار ایلدیلر * اون نفری جسر تیغدن کذار
ومن غیر معرفة سید اهل یمامه ثمامه بن اثال الحنفی کرفتار اولوب بقیه‌سی
بی سپر راه فرار اولدیلر * یوزاللی دوه واوچیوز قیون داخل حوزۀ اغتنام
اولوب سلامتله مدینه طرفنه رجعت ایلدیلر * رخسای خاکپای عرش
اسای اولدقده کرفتار زنجیر اسرا ایلدیکلری کسنه ثمامه اولمغله محافظه‌سی
امرنده اهتمام ایلیه‌سز دیو تنبیه بیورملریله اسطوانۀ مسجده بند ایلدیلر *
حضرت نبی مختار یانته واروب ای ثمامه جناب قادر جبار جل شانه
عن الاشباه والانظار سنی زیردست سطوت ایتمکه‌بنی اقدار ایلدیمی
بیوردقده اولدخی تصدیق ایلدکدنصکره یا محمد بنی قتل ایدرسن مرد کریم
قتل ایتمش اولورسن اکر عفو ایدرسن مظهر شکر وثنا اولورسن یوق اکر مال
مراد ایدرسن خاطرخواهك قدر امر بیورك دیدی * حضرت سید ستوده
اخلاق برسوز سویلیوب بندنی حل واطلاق بیوردیلر * نور هدایت
حضرت ذوالمنن زاویۀ دل ثمامه‌یه لامعه فکن اولمغله همان اغتسال ایدوب
اثوابنی تطهیر ایلدکدنصکره حضور مستوجب السرور نبویده اظهار اسلام
ایلدی * بعده یا رسول الله مجاهدین دینی اخذ ایلدکده یمامه‌دن معتمرا
چقمشدم شمدی نه کونه عمل ایده‌یم دیو استفسار ایلدکده * حلال مشکلات
انام دخی اعتمار ایله امر بیورملریله همان عزم جانب بیت الحرام ایلدی *
مکه‌یه وصولنده تلبیه‌یه مبادرت ایدیجك خذلۀ قریش یا ثمامه بونه
جسارتدرکه دین محمدی‌یه متابعت ایلدکدنصکره بزدن تحاشی ومبالات
ایتمیوب کالدیکز دیو تعنیف وتقریع ایلدیلر * ثمامه المنة لله تعالی شرف
اسلامله ممتاز عز وعلا اولدم لکن من بعد طرف یمامه‌دن سزلره بردانه کندم
ارسال ایتمیوب جمله‌کزی مبتلای جوع الکلاب ایده‌یم دیوب یمامه طرفنه
عازم اولدی * یمامه کیلار مکه منزلنده اولوب جملۀ حبوباتی اول دیاره منحصر
ایدی * فی الحقیقه ثمامه واصل یمامه اولدقده قوافل حبوباتی قطع ومکه‌یه
نقل غلالدن جمله‌یی منع ایلدی * اهل مکه شدت قحطدن برمرتبه‌یه

وارد بلركه علهز تناول ايلديلر علهز و برشترايله مخلوط قاندر * قريش بودرجه ده مضايقه يه دوچار وبليهٔ قحط وغلايه كرفتار اولمغله دركاه مراحم دستكاهه جناب عالى جنابلرى صلهٔ رحمله امر بيوررلر ايدى * ثمدى قطيعهٔ رحم هجتى جانب جلى المناقبدن ظهور ايلدى * اجلقدن جمله حرم خالق هلاكه مشرف اولدى ديو رفع رقعهٔ عرضحال واستدرار برونوال ايتملريله حضرت سلطان الانبيا عليه من الصلوات اتمها ثمامه يه ادرارات حبوبات مرينه مانع اولمامق بابنده امرنامه اصدار بيورديلر * بعد برهة من الزمان عامه خلق العياذ بالله ارتداد ايله افتادهٔ هلكهٔ خسران اولوب مسيلمة الكذاب نام منقول خانه خرابه متابعت صددنده اولدقلرنده * ثمامه ثابت مركزدين اولوب لغزيده پاى اولانلرى اياكم وامرا مظلما لانور فيه وانه اشقاء كتبه الله على من اتبعه منكم تعبيريله نهى وتحذير ايدر ايدى * سريهٔ ثانيه * شهر ربيع الاولده بنه محمد بن مسلمه مدينه يه يكرمى درت ميل مسافه بفتح القاف والصاد المشدده ذى القصه نام مقامى جاى آرام ايدن بنو ثعلبه اوزرينه اون مردسوار ايله ارسال بيوريلوب بر تقريب آكاه اولملريله تكمن ايلديلر مجاهدين دين كاوب انلردن براثر بولمامغله اولدقلرى محله نزول وفراغ بالله خواب استراحته منهمك ومشغول اولديلر * كمين كيدده مترصد اولان يوز نفر ملاعين همان چيقوب دائره واررهطا برارى احاطه ايلديلر * محمد بن مسلمه خبردار اولوب تيز صيحه ايله اهل اسلامى بيدار ايلدى * جملهسى قالقوب برزمان نضال ايله قتال ايلدكدنصكره سپاه مخالف كثرتلرينه اعتزار ايله يكبارسل سيف هجوم ايدوب محمددن ماعداسنك بادجلهٔ كفار ايله شموع حياتلرى منطفى اولوب محمد دخى كعبندن زخمدار اولمغله رمق باقى ايله ميانهٔ كشتكانده كندوسنى نهان ايلدى * سازوسلاحلرنى الوب كتديلر بعدزمان رهروان مدينه دن بر مسلمان معركه كاهه اوغرايوب بوحالى كوردكده استرجاع ايلدى محمد ايشبديجك حركت ايتمكله اول طريح جريحى فى الحال دوشنه الوب هزار زور وزار ايله مدينه يه ايصال ايلدى * سريهٔ عكاشه ابن محصن اسدى * سنهٔ من بوره ربيع الاولنده عكاشه بن محصن اسدى قرق نفر دلاور ايله بكسر الغين المعجمه غمر نام چاه اوزره آرام ايدن بنو اسد قبيله سندن بر كروه اوزرينه تعيين بيورلدى * شتاب تامله كيدوب چاه من بور قرينه وارلدقده مقدمجه قدوم سپاهدن آكاه اولدقلرى حسبيله فرار ايتمش اولملريله عكاشه حضرتلرى شجاع بن وهبى تقديم ايدوب اولدخى آثار سوائم مشاهده ايتمكله دونوب عكاشه يه خبر ويردى * همان عنان انكيز سرعت

اولوبه

اولوب كيدركن بر مرد خوابيده يه تصادف اولنمغله اندن احوال قومى استفسار ايلديلر * اول كسه دوابلرين الوب عليا ديارلرينه كيرتان اولديلر ديدى * كلامنه توجيه سامعهٔ اعتماد اولنموب تازيانه ايله ضرب ايلديلر شخص من بور نفسنه امان شرطيله جماعت مر قومه نك عم زاده لرى انعامنه دلالت ايدجك اولمغله راضى اولوب كتديلر * فتى چوق جستجو اولنوب اثر ظهور ايتمديكندن قلوبلرينه شبهه وخلجان عارض اولمغله شخص من بورى قتل ايدجك اولدقلرنده تكرار امان خواه اولوب بر محل مرتفعدن سوادلرين ارأت ايلدى * لجام ريز هجوم اولوب يوزدوه بولنمغله چوبانلر فرار ايدوب دوه لر وابستهٔ مهار اغتنام اولدى * وشخص من بورك سبيلنى تخليه ايدوب سالما غانما مدينه يه رجعت اولندى * سريهٔ ابو عبيدهٔ ابن الجراح * بنه سنهٔ من بوره ربيع الاولنده عبيدة بن الجراح قرق نفر مردان جلادتله ذى القصه نام محلده آرام ايدن عن قريب مرسوم براعهٔ براعت نصيب اولديغى اوزره اصحاب محمد بن مسلمه يى قتل ايدن بنو ثعلبه اوزرينه تعيين اولندى * محطهٔ ثقال انقاللرينه واردقده اول روبه منشان شواهق جبال صعب المناله كيرتان اولوب انجق بر نفر كسنه يه دسترس اولنمغله اولدخى بدرقهٔ هدايتله فائز سلامت دنيا واخرت اولدى * جملهٔ دواب ومواشيلرى غنائم زدهٔ تمليك غزات وكافهٔ امتعهٔ بيوتلرى مضبوطا كف كمات ظفر سمات اولمغله سلامت وغنيمتله مدينه يه رجعت وبعد التخميس مال غنائم بين اهل الخميس پذيراى قسمت اولدى *

* كرز بن عوف بن عتيك بن امى * ابن رواحة على غزوا الحدى *

كرز كلمه سى بيت سابقده ابو عبيده اوزرينه عاطف مقدر ايله معطوف اولمغله وسار كرزتقديرنده در * كذلك عبد الرحمن بن عوف * وعبد الله بن عتيك * وعمرو بن امية * وعبد الله بن رواحه * وعلى بن ابى طالب * تقدير عاطفله معطوفلردر * وغزوا الحديبية اقتضاى مقامله مقدر كان فعلنك فاعليدر * امى لفظى بنيهٔ تصغير ايله اميه دن مرخمدر * كذلك حدى كلمه سى تسويغ ضرورتله بعض كلمه ايله اكتفا اولنمشدر اصلى حديبيه در تشديد ياء ثانيه ايله حدياء مصغريدر وتخفيفله مكهٔ مكرمه يه طقوز ميل مسافه ده بر چاه ياخود بر شجر ياخود بر قريه اسميدر * بيت مرقومده بدى لايحه مندرجدر * سريهٔ كرز بن جابر الفهرى * سريهٔ عبد الرحمن بن عوف * سريهٔ عبد الله ابن عتيك * سريهٔ عمرو بن امية الضمرى * سريهٔ عبد الله بن رواحه * سريهٔ على بن ابى طالب * غزوهٔ حديبيه * سريهٔ كرز بن جابر الفهرى *

سنهٔ مزبوره جمادی الاولی سنده سریهٔ کرز بن جابر واقع اولمشدر * اصلی بودرکه عکل و عرینه دن یدی نفر بدگهر استان سدره نشانه کلوب اظهار شعار ایمان ایلدکدنصکره اشارت سید العالمین ایله صفه ده مکین اولدیلر * اول رهط واجب السخط برینه نشین اولوب هوای حامیهٔ یثرب زمینه مالوف اولمدقلری جهتدن برك خزان کبی چهره لری زرد و نزار * واستسقادن کدوی زمستانی مثال بطنلرنده ورم وانتفاخ بدیدار اولوب * سدهٔ چاره سازه حاللرین ابراز ایلدکلرنده * طبیعت خاصه لری اولان البان و ابوال شتران ایله کندیلره تدبیر و علاج ایتمك ایچون قبایه تابع ذو الجدر نام چیه سنه ارسال بیورلدقدنصکره * العیاذ بالله تعالی اول بد طینتلر سالك کریوهٔ ردت اولوب اول چراگاهده رعی و چرا ایدن اون بش رأس لقوح خاصی کشیدهٔ عنهٔ غصب و شتربان اولان یسار نام غلام سید الانامی دخی اخذ * و دست و پایك بریده و زبان و دیده سنه خارلر خلیده ایلمکله اول مرد سعیدی شهید ایلدیلر * اول بد کردارلرك بو کارنا هموارلری رسیدهٔ سمع اشرف نبوی اولیجق یکرمی نفر سوار ایله کرز بن جابری تعیین بیوردیلر * دلالت قائفله اول شرذمهٔ شر وفساده ایریشوب جمله سنی مسور بن فی الاصفاد احضار درگاه ابهت بنیاد ایلدکده * قصاصا یساره ایتدکلری کبی مثله اولنوب و کوزلری آتشین مسمار ایله سمل و تعویر اولندقدنصکره سنکستانه القا و تشمیسله ده عذابلرك دوبالا ایلدیلر اول هنگامده انما جزاء الذین یحاربون الله ورسوله ویسعون فی الارض فسادا ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم وارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض الآیه کریمه سی نازل اولمغله * من بعد سمل اعین ایله تنکیل مرفوع اولدی * مهمهٔ طبیه * دوه سودی تلیین وادرار و تفتیح سده خصوصنده عجیب الآثاردر * خصوصا حرارتی زائل اولمامش بولله ممزوج اولدقده بغایت مؤثردر * استسقا علتنك منشائی سده اولمغله علاج مزبور ایله امر بیورلدی *

سریهٔ عبد الرحمن بن عوف * سنهٔ مزبوره شعبانتده سریهٔ عبد الرحمن بن عوف واقع اولمشدر صورتی بودرکه * جناب افضل الناس علیه الصلوة مازبر علی القرطاس حضرتلری عبد الرحمن بن عوفی حضور مستجمع السرورلرینه اجلاس بیوروب * سر لیاقت اثرلرینه دست عنایت کسترلریله عمامه بند اولدقدنصکره یا عبد الرحمن فی سبیل الله غزو و جهاد و کفار بدنهاد ایله حرب و قتاله بذل اجتهاد ایله * لکن مغنم خصوصنده خیانت و غدردن مجانبت و قتل صبیاندن توقی و مباعدت ایدوب دعوتنه اجابت ایتدکلری صورتده رئیسلری اولان اصبغ بن عمرو الکلبی دخترنی تزوج ایله دیو

توصیه

توصیه * و معیتنه یدی یوز مجاهد تعیین بیوروب دومة الجندل نام محلده ساکن کلب قبیله سی اوزرینه که جمله سی نصاری ایدی ارسال بیوردیلر * ابن عوف دخی حسب امر العالی جانب مأموری وجههٔ آمالی ایدوب قطع صعاب و سهول ایدرك محل مأموره وصولنده اوچ کون اقامت و اول جماعتی ضیافتخانهٔ اسلامه دعوت ایلدی * روز ثالثده سرکردهٔ قبیله اصبغ ابن عمرو جمع کثیر ایله اجابت و نائل نوال هدایت اولوب بقیه سی جزیه اعطا ایتمك اوزره تسلیم رقبهٔ اطاعت ایلدیلر * بر موجب فرمودهٔ سید ستوده اوصاف عبد الرحمن * تماضر بنت اصبغی محرم شبستان نکاح و زفاف ایلدی والوب مدینه یه کتوردی * فقهای سبعه و کبار تابعیندن ابو سلمه اول مهد پر سعود فراشندن پیرایهٔ قماط وجود اولمشدر *

سریهٔ عبد الله بن عتیك * وسنهٔ مزبوره ده عبد الله بن عتیك خیبره ارسال بیورلدی * سببی بودرکه کذارشپذیر اولدیغی اوزره عبد الله بن مسلمه و اوسیاندن رفقاسی کعب بن اشرف نام یهودی بی اعدامله مظهر شاباش سید الانام اولمشلر ایدی * اوس و خزرج میاننده خدمات مستحسنهٔ دینیه اظهاری ضمننده منافسه و غیرت اولمغله * بو دفعه خزرجیاندن عبد الله بن عتیك ملحمهٔ خندقده تحزیب احزاب و طرف اصحابه ایصال خسارت بیحساب ایدن ابو رافع سلام بن ابی الحقیق نام یهودینك قتلنی متعهد اولمغله اذن رسول اللهله خزرجیاندن بش نفر مرد دبسالت اثر اولوب متوکلا علی الله عزم راه ایلدیلر * مسفور ابو رافع خیبرده بر حصن حصین ایچره مکین اولور ایدی * عبد الله رفقاسیله قطع منازل ایدرك اخشام وقتی پای حصاره واصل اولدیلر * خلق مرعی دن دونوب کروها کروه حصاره توارد ایدرلر ایدی * عبد الله همراهلرین بر محلده توقیف ایدوب اوله که بر طریقله دربانی اغفال و درون حصاره کندومی ادخال ایده یم دیوب یالکزجه باب حصاره متوجه اولدی * دروازه یه یقین کلدکده مقنعه سنی باشنه چکوب ساده کارلق ایدر صورتنده بر کناره چکلدی * اول خلالده خلق ایچرو کیروب طشره ده کندوسندن غیری کمسه قالمدی * دربان و تیرهٔ ندای شخص مجهول اوزره یا عبد الله چابك سنده داخل اول که دروازه یی سد ایلیه جکم دیو ندا ایتمکله عبد الله دخی شتابان درون حصاره القای جان ایلدی * دربان مفتاحی وضع ایتدیکی محلی نشانلیوب خلق مغلوب سپاه خواب اولدقده دروازه یی کشاده ایدوب ابو رافع خانه سی سمتنه پا نهاده اولدی * اول ملعون عادتی اوزره کندی نکبتخانه سنده احبابله مسامره ایدر ایدی * دست اخر مجلس اولدقدنصکره

عبدالله بر بر در قپولری کشاد ایدوب کمسه کلمسون دیو ارقه سندن بند
ایلدی * تا که ابورافع اهل وعیاله بیتوتت ایلدیکی غرفه یه یاتنه واروب
بر خشب نردباندن دعای ابرار اساصعود وباب غرفه یی دق ایلدی *
زوجهٔ ابی رافع کیمدر دیو استعلام ایلدکده عبدالله عارف لسان یهود اولمغله
اول زبان اوزره ابورافعه هدیه کتوردم دیدی * خاتون قپویی اچوب
عبداللهی ایچری الدی * درون غرفه دل ابورافع کبی مظلم اولوب ولعین
مسفور اولاد وعیالی میاننده یاتمغله بروجهله تشخیصه امکان اولمامغین
یا ابارافع دیوندا ایلدی * لعین دخی کیمدر دیجك صدا کلان طرفه بر قلج
حواله ایلدی * دهشت ومسارعت سببیله تاثیرا یتمامکله ابورافع فریاد
ایلدی * عبدالله همان طشره یه پرتاب اتدی ابورافعه زوجه سی بو ابن
عتیك صوتی دکلمیدر دیدی ابورافع استغقاد ایلدی * بو خلالده عبدالله
ینه ایچری کیروب یا ابارافع بو نه صیحه در دیو استفقاد سبب فریاد ایلدکده
ابورافع بو غرفه ده بر بیکانه وار بنی قلج ایله اوردی دیجك عبدالله تکرار
صدا کلان سمته حوالهٔ سیف تابدار ایلدی * ینه اصابت ایتمیجك تغییر
صوتله صورت اغاثه ده یاننه واروب کوردیکه لعین ارقه سی اوزره یاتمش
همان قلجی شکمنه زور دستله اویله بصدیکه استخوانلری صداسی مسموع
اولدی * بعده قالقوب عجله کیدرکن نردباندن دوشوب ایاغی شکست
اولدی * تیر عصابه سیله بند ایدوب کندی وتهی هلاکنی ایشتدکجه کتم
دیوب قپوده توقف ایلدی هنکام سحرده ناعیلری سور اوزره چیقوب انعی
ابارافع دیوندا ایدیجك شب بجبر انجمن حیات اولدیغنی تحقیق ایتمکله هزار
زور وزار ایله رفقاسنه کلوب حضرت منتقم لایزال ابورافعی مظهر شمشیر
قهر ونکال ایلدی دیوب همان صوب طیبه یه شتابان اولدیلر * درکاه رفعت
شموله وصوللرنده حضرت سید البشر افلحت الوجوه تعبیریله استجلای تجلی
ظفر بیوریجق افلح وجهك یارسول الله دیوب قصه یی افاده ایلدیلر * بعده
حضرت صاحب الایات علیه افضل الصلوات دست دوا پیوستلریله
عبدالاهك شکست اولان پاینی مسح بیورمغله فی الحال درست اولدی *
سریهٔ عمرو بن امیة الضمری * سنهٔ مزبورده عمرو بن امیه سلمه بن اسلم ایله
قتل ابوسفیان ایچون مکه یه بعث اولندی * ینه تغلیبا بو ماده سریه ایله
تعبیر اولندی * سببی بودرکه برکون ابوسفیان قومنه متوجه اولوب
حضرت محمد دائما تنها اسواق مدینه ده احبا واعداسنه تبلیغ احکام
رسالت اوزره اولمغله برفدایی یوقمیدرکه واروب بر تقریبله وجود بهبودنی

اعدام ایلیه دیدی * براعرابی بو کلامی ایشیدوب ابوسفیانك تنهاسنه
واردی * بر مقدار کندینك جرائت وجلادتندن بحثله اتمام لوازم ایین خود
فروشی ایلدکدنصکره اکربنم مهم وحاجتمه متکفل اولورسن برعقاب اسا
بر خنجر سرتیزم اولمغله انکله بو مصلحتی ادا ایدرم دیجك ابوسفیان متعهد
اولوب ساز وسرانجامنی اکمال وبر شتر رهوار دخی ویروب کتمان امر ایله
توصیهٔ بلیغ دنصکره یثرب طرفنه ارسال ایلدی * اعرابی برشب تاریکده
چیقوب قطع مراحل ایدرك مدینه یه داخل اولدی * حضرت امام جامع
دین علیه الصلوة فی کل حین بنو اشهل مسجدنده اولدقلرنی خبر الوب دوه سنی
بر محلده وضع وکندوسی پیاده جه طرف صاحب سعادته عزیمت ایلدی *
نظر بالأ مصطفوی هیئت فتناك بدوی یه متعلق اولیجق بو شخصك فنای
فنا اشتمال دلی مزبله فکر لاطائلدر * لکن حفظ حضرت باری میانمزده
حائلدر بیوریجق اسید بن حضیر اعرابینك حاشیهٔ ازارندن طوتوب
کیرو چکدی * ناکاه اول غدارك مدار اغتراری اولان خنجر اشکار اولدی *
اسید همان کردنندن طوتوب اویله صقدیکه جان خبیثی مقعدندن خروجه
برمق قالدی * حضرت رسول الله ای اعرابی راست سویله مادهٔ
ورودك ومجلبهٔ موردك ندر بیوردیلر * اعرابی بعد الاستیمان صورت حالی
بیان ایلدی * سبیلی تخلیه اولندقدنصکره اعرابی سوزه کلوب یارسول الله
بو انه قدر فرد افریده جهتندن شائبهٔ حذر درون شها متقرونمه کذر ایتمدی *
جناب منبع الجنابی کوردکده عقلم زائل وعروق واعصابم متزلزل اولوب
بر خطوه حرکته قدرت ومجالم قالمیوب صورت دیوار کبی پادرکل قالدم *
ومضمرم عن ظهر الغیب نزد سعادتکزده ظاهر اولمغله نبی بی ریب اولدیغکز
عندمده لایح وباهر اولدی دیدی * حضرت پیغمبر ذیشان شکرافشان
تبسم اولدیلر * چون ابوسفیاندن بو کونه وضع نامعقول صدور ایلدی *
حضرت شهنشاه ملکت صوری ومعنوی علیه الصلوة من الملك العزیز
القوی * عمرو بن امیه ایله سلمه بن اسلمی قتل ابوسفیان خدمتنه نامزد
ایدوب مکه یه ارسال بیوردیلر * بر موجب فرمان متحتم الاذعان اول ایکی
سرباز جهان مکه یه واروب دوه لرین خارج مکه ده پنهان ایلدیلر * بعده کیجه
وقتی داخل حرم محترم اولوب ادای صلوة وطواف ایلدکدنصکره چیقوب
ابوسفیان طلبنه کیدرکن کفاردن بریسی عمرووی تشخیص ایتمکله ای اهل
مکه بو عمرو بن امیه دردیو فریاد ایلدی * ناچار اول ایکی مرد چالاك چابك
رفتار اهنك فرار ایلدیلر * یولده برر برر ایکی کافره تصادف ایدوب عمرو

ایکسنی دخی بر رجلهٔ استیصالله جانب سعیره ارسال ایلدی * بعده قریشک
ایکی جاسوسلرینه راست کلوب برنی قتل ودیکرنی اسیر ایدوب سلامتله
مدینه یه واردوشرفیاب دیدارنبی ذی المحامد اولوب قصه یی نقل وانبا *
وحضرت خیر البرایا کاربر تبسم اوله رق اصغا بیوررلر ایدی * سریهٔ عبدالله
ابن رواحه * سنهٔ مزبوره شوالنده عبدالله بن رواحه رضی الله عنه خیبره
ارسال بیورلدی * نکاشتهٔ براعهٔ تحقیق اولدیغی اوزره * ابو رافع سلام بن
ابی الحقیق نام یهودی بدرقهٔ تیغ ابن عتیک ایله رهبردهٔ بادیهٔ نابودی
اولدقدنصکره * طائفهٔ یهود اسیر بن زرامه نام مردودی سرمعقود اتخاذ
ایدوب * اول لعین نابکار اخذ ثار داعیه سیله بنو غطفان * وسائر قبائلی
افساد واغوا اوطرف اسلامیانله حرب ووغایه حث واغرا اوزره اولدیغی
واصل سمع اشرف الورا اولیجق * عبدالله بن رواحه یی اوچ نفر دلاورایله
ماه رمضانده نامزد خدمت تجسس ایدوب * انلار دخی حقیقت حاله مطلع
اولمغله کلوب لعین مسفورک ایقاد نائرهٔ فساد اوزره اولدیغنی استان معالی
بنیان نبوی یه اخبار ایلدیلر * حضرت فرمانفرمای کشور مجد
واجلال مجددا عبدالله بن رواحه یی اوتوز نفر مرد شیرافکن اوزرینه امیر
نصب واسیر مردودک شجرهٔ زقوم وجودنی اتشدان جحیمه وقود ایتمک ایچون
ارسال بیوردیلر * عبدالله همراهلریله برموجب فرمودهٔ رسول اله عازم راه
اولوب صورت دوستی ایله داخل مجلس اسیر اولدیلر * مأمور اولدیغمز کلماتی
سزلره افاده ایدنجه قدر بزم طرفدن سزلره کج نظر اولمز دیدیلر * اولدخی
مقابله بالمثل ایلدکدنصکره طرف دیوان رسالتدن منشور ریاست خیبر
کندویه احسان بیورله جغنی اخبار وبو طعمهٔ زعفریله دام طمعه کرفتار
ایلدیلر * اسیر کندی قومیله مشورت ایدیجک حصاردن خروجنه راضی
اولمیوب بوانه قدر طرف محمدیدن استعمال یهود سرزدهٔ شهود اولمامشدر
دیدیلر * لعینک دیدهٔ بصیرتی ملفوف عصابهٔ حب ریاست اولمغله * واقعا
حال دیدیککز منوال اوزره در لکن طرف محمدی یه غوائل حرب وقتالدن
فتور وکلال عارض اولمشدر دیوب اوتوز نفر سوار یهودیله حصاردن
چقدیلر * هر یهودی یه بر مسلم ردیف اولوب عبدالله بن انیس حصه سنه
اسیر دوشمشیدی * قرقره نام موضعه وصوللرنده لعین نادم اولوب دست
خیانت پیوستنی شمشیر ابن انیسه صوندی * ابن انیس اول ملعونک
ما فی الضمیرنی تفرس ایتمکله یا عدو الله غدرمسلکنه می سلوک ایلدک دیوب
همان برضربهٔ تیغله سرهوا پرستنی معلقزن خانهٔ هلاک ایلدی * هرکس

معتقب اولدیغی بدفرجاملرین برر سیفله کار حیاتلرین رسیدهٔ حد ختام
ایلدی * انجق بریسی فرار ایدوب بر وجهله ادراکی ممکن اولمامغله رسیدهٔ
مفازهٔ سلامت اولدی * بو پیام سرور انجام ایله جبین فرسای سدهٔ ثریا نظام
اولدقلرنده حضرت رسول کزین قد نجاکم الله من القوم الظالمین بیوردیلر *
سریهٔ علی بن ابی طالب * رضی الله عنه سنهٔ مزبوره شعبانتده قبیلهٔ
بنو سعد بن بکر خیبره امداد ایچون لشکر منحوس الاثر تهیئه واعداد
ایلدکلری واصل سمع اشرف نبوی اولدقده * یوز نفر مرد جنکاور ایله
جناب حیدر ارسال بیورلدی * شبروانه طی طریق ایلیه رک خیبر اعمالندن
ارامکاهلری اولان فدک نام قریه حوالیسنه واردقده برشخصه تصادف
اولنوب اندن احوال کفاری استفسار ایلدیلر * ابتدا متشبث دامن انکار
اولوب عاقبت ایعاد وانذار ایدرک طرف کفاردن جاسوس اولدیغنی اخبار
ایلدکدنصکره امان شرطیله متعهد رهبری اولوب انک دلالتیله بغتة
شبخون ایلدیلر * مقاومته اقتدارلری اولمامغله سبکبار اوارهٔ صحرای فرار
اولدیلر * بش یوز دوه وایکی بیک قیون قید دفتر غنیمت اولوب جناب کرار
حضرت سید الابرار طرفنه سرعت سیرندن ناشی حفده اسمیله نامدار برناقهٔ
قریبة النتاج اصطفا واختیار ایدوب * بقیهٔ مغنمی بعد التخمیس بین الغزات
تقسیم ایلدیلر * غزوهٔ حدیبیه * سنهٔ مزبوره ذی القعده سنده غزوهٔ
حدیبیه ثبت جرائد مغازی اولمشدر * شهسواران عرصهٔ سیر بوزمین اوزره
اجالهٔ کمیت خبر ایلمشلردرکه * برکیجه حضرت سید الانام علیه الصلوة
والسلام عالم منامده اصحاب کراملر امنین محلقین رؤسهم ومقصرین داخل
حریم حرم رب العالمین اولوب مفتاحنی کندیلری اخذ وطواف ووقفهٔ
عرفاتی ادا بیوردیلر * بیدار اولدقلرنده بو رؤیای صادقه یی اصحاب کزینه
نقل بیورملریله بالجمله شاد وخرم اولدیلر * بو مرام اول عام خجسته انجامده
میسر اولمق اعتقادیله تهیئهٔ اهبهٔ عمره کذاری یه مباشرت اولندی * ماه
ذی القعده نک غره سنده بیک درتیوز یا خود زیاده جه اهل توحید وهدایتله
که ایکیوزی سوار ایدی * محمل بند عزیمت وابن ام مکتوم نامنه ترقیم منشور
خلافت قلندی * نیتلری کارزار اولمیوب انجق اعتمار اولمغله همان سلاح
المسافر بر شمشیر استصحاب ایلدیلر * ازواج طاهراتدن ام سلمه دخی
هودج آرای مرافقت اولدیلر * هدی ایچون همراه اولنان دوه لر تقلید
واشعار اولندقدنصکره ذو الحلیفه مسجدنده ایکی رکعت نماز ادا واحرام
عمره یه اکثر اصحاب کرامله ارایشنما اولوب باب مسجددن دوه یه سوار وقبلیه

مستقبلا لبيك اللهم لبيك لبيك لا شريك لك لبيك ان الحمد والنعمة لك
والملك لا شريك لك عبارتيله تلبيه كنان جانب بيت الله الحرامه روان
اولديلر * بعض اصحاب كرام جحفه ده داخل احرام اولديلر * طى مراحل ايدرك
برمنزل بى اب وتابه كلوب صحابهٔ كرام صوسزلقدن منبع الفيض والانعام
دركاهنه تشكى ايلديلر * حضرت مفيض البركات عليه ابرك الصلوات
اىدست الدقلرى مطهره اوزرينه دست مكارم پيوستلرين وضع ايلدكده *
فى الحال ميانهٔ انكشتلرندن اب زلال فواره مثال جوش وخروش ايلدى *
حضرت جابردن مرويدركه جمله من نوش وتوضى ايلدكدنصكره يوزبيك
كسه يه ده كفايت ايدرايدى * عسفان نام مقام محط رحال عز واحتشام
اولدقده مقدما استقصاى احوال قريش ايچون ارسال اولنان بشر بن
سفيان كلوب سپهسالار كتيبهٔ ابرار حضرتلرينك مدينه دن نهضت وطرف
مكه يه توجه سعادتلرى مسموع مخاذيل قريش اولمغله * دخول مكه دن صد
وشرعهٔ عزيمتلرين سد ايچون احابيش وثقيفدن لشكر بيحد ايله ذى طوا نام
محلده ضرب طوبلهٔ ارام ايدوب * طليعهٔ جيش كفار عنيد خالد بن وليد
ايكيوز سوار ايله كراع الغميم نام مقامده مقيم اولديغنى عرض واعلام
ايلدى * حضرت شاه كشوردين عباد بن بشرى معيتنده اولان دلاورانله
ازاى خالده تعيين بيوروب * وقت صلوهٔ ظهر حلول ايتمكله كندبلرى
اصحاب كرامله صف بستهٔ قيام نماز اولديلر * كمينكاهدن لشكر مشركين
جماعت مسلميننك صلوته اشتغاللرين خنامه قريب مشاهده ايديجك
خالد بن وليده دريغا كه فرصتى فوت ايلدك * ورالرندن عنان انكيز هجوم
اولمق كرك ايدى ديو تأسف اتديلر * خالد برساعتدنصكره انلر نفوس
واولادلرندن محبوبتر برنمازده دخى اشتغال ايدرلر ديو اسلاميانك صلوة
عصره قياملرينه توقيف ايلدى * بين الصلوتين امين وحى خالق الكونين
فاذا كنت فيهم فاقمت لهم الصلوة فلتقم طائفة منهم معك الايه كريمه سيله
نازل اولدى * پس هنكام عصر حلولنده صلوهٔ خوف ادا اولنوب انماز
مشركين جماعت موحدينك بعضسى ساجد وبعضسى قائما كندى طرفلرينه
ناظرور اصدا اولدقلرين كوريجك * مضمرمن كندبلره ظاهر اولمشدر ديو
رفض داعيهٔ هجوم اتديلر * حضرت رسول الله خالد بن وليدك بوكونه
سدراه اولديغنى معاينه بيوريجق بزه بردليل اولسه كه دلالتيله طريق ديكردن
عزيمت ايلسك بيوريجق ناجية بن جندب دلالتيله برصعب يولدن راهى
اولنوب عاقبت برارض سهله يه منتهى اولديلر * خالدك بواماله طريقدن

خبرى اولمامغله ناكاه اوزرينه وارلدقده باراى قرار ومقاومتى اولمامغله راه فرارى
منهج رها بيلوب احوال قريش ضلالت مرهونى پيام قرب موكب همايونله
بازكون ايلدى * لشكر اسلام حديبيه يولندن امواج بحر رحمت كبى فوج
فوج عزيمت ايدوب حديبيه يه نازل پشته يه ورودلرنده * شهسوار ميدان
رسالت حضرتلرينك سوار اولدقلرى قصوا نام شتر رهوارى صدور رخصت
زانوزدهٔ قرار اولوب * اطرافدن زجر اولندقچه سفينهٔ سينه سى لنكر فرساى
استقرار اولمغه بشلدى * وجوه اصحاب غالبا قصوايه كل وبى تابى عارض
اولدى ديديلر * پيشواى رهروان دين حضرتلرى قصوا سست وكليل دكلدر
لكن محمودى فيلى كعبه اوزرندن منع ايدن رب جليل قصوايه دخى شمدىلك
اوجانبه عزيمته رخصت ويرمامشدر * نفسم قبضهٔ قدرتنده مضبوط اولان
ذوالجلال حق حرم الهى بى تعظيمه متعلق طرفدننه طلب اولنور ايسه
اسعاف * واحسان ايدرم بيورديلر * فايحه * فيل محمودى دخولنك
انجامى مؤدىٔ خسران انام اولديغى كبى اهل اسلامك بوصورتله مكه يه
دخوللرى بهرحال اهل مكه ايله بينلرنده مطارحهٔ قرعهٔ حرب وقتال
وسفك دماء ونهب اموالى مستلزم اولوب * لكن عن قريب اهل مكه دن نيجه لر
حائز بلغهٔ اسلام اولوب اصلابلرندن نيجه نيجه اهل توحيد ويقين ساحهٔ
وجودده خرام ايليه جكى علم ازلده مسبوق اولمغله من طرف الحكيم اللطيف
قصوا بوعزيمتدن توقيف اولندى * تكمله * پس بالذات حضرت فخر
كائنات قصوايه زجر بيورمغله قالقوب شاهراهدن انحراف ايله اقصاى
حديبيه ده برچاه قربنده نصب خيام ارام بيورديلر * اول چاهك صويى
لشكر اسلامه كافى اولمامغله فى الحال كف بخيل اسا خشكيده اولمغله خلق
سوز عطشدن دركاه منهل العذب عنايته عرض شكايت ايلديلر * حضرت
صاحب المعجزات عليه اكمل التحيات كندى تركشلرندن براوق * چيقاروب
اشارتلريله اول چاهه القا ايلديلر * درساعت اول چاه بى اب لجهٔ قعرنا ياب
اولوب جيوش مسلمين سوز عطشلرين تسكين ايلديلر * اول اثناده قديمى
اشناى صميمى اولان بديل بن ورقاء خزاعى برقاچ نفر خزاعيانله دركاه
رسالته كلوب سبب احتمال متاعب سفردن استفسار ايلدكده * حضرت
صاحب سعادت دخى موجب حركت انجق بيت الحرامى زيارت اولديغنى
افاده بيورديلر * بديل دونوب انجمن قريشه كلوب اى جماعت قريش
خواهشكز اولورسه معلوم اولان ماده يى سزه تقرير واعلام ايده يم ديدى
سفهاء قريش استنكاف ايدوب عقلاسى اقبال ايتمكله بديل مقصودينى

بی بدیلی اعلام واصلاح ذات البینه اهتمام ایلدی * عروه بن مسعود ثقفی
قالقوب ای وجوه قریش سزلك عندکزده بو انه قدر سادهٔ حال وحرکتم لکالك
جرکاب تهمت اولدیغی دیدی انلر دخی لا دیدیلر * امدی حضرت محمدك
جوابی معقول وجزی بالقبولدر اکر بکا دستور ویررسکز واروب حضرت
محمد ایله بو خصوصده مکالمه ایده یم دیدی * جمله سی رضا ویرمکله حضور
فائض النور سید الکائناته کاوب ارتکاب کافهٔ سفرلك باعثنی سؤال
ایلدی * حضرت رسالتمآب بدیله سویلدیکاری جوابله انی دخی مجاب
ایلدیلر * بو دفعه عروه انبان دهان تشنیعی باز ایدوب یا محمد بکا سویله که
کندی قومکله محاربه دن سکا نه حاصل اوله جقدر اکر جمله سنی استیصال
ایدرسن قطیعهٔ رحم ایتمش اولورسن * سندن مقدم کندی قومنی هلاك
ایتمش برکسه وارمیدر * واکر مغلوب اولورسك حال نه منوال اوزره
اوله جغی بیاندن مستغنیدر باشکده اولان اخلاط ناسك درونلرنده عزم
صادق عدوشکنی یوقدر * بن انلری اوباش کوریورم روز مصافده سنی افتاب
اسانك وتنها قیوب کندیلر بنات النعش مثال پریشان اوله جقلری عیاندر *
بو مقوله ترهات عروه خدشه انداز خاطر صدیق اولمغله دائرهٔ تحملدن بیرون
اولوب بی اختیار امصص بظر اللات اداسیله که اشنع تعبیرات سب ودشنامدر
عروه یه شتم ایلدی * وای هرزه خای یاوه درای روز ستیزده بزلر می اهنك
کریز ایدوب بکا سوار عرصهٔ نبوتی ترك ایدرزدیو مقرعه زن لوم وتوبیخ
اولدیلر * امصص کلمه سی مص لفظندن امردر * بظر فتح با وسکون ظای
معجمه ایله فرج زنانده فضلهٔ ختان اولان لحم زائده در * لات اسم صنم
طائفیدر والده سی منزلنه تنزیل ایلدی * عروه حضار مجلسدن بالاستفسار
حضرت صدیق یادکده یا ابابکر اکر مقدما ذمتمه لازم کلان دیت
خصوصنده معاونت مالیه جهتندن اوزرمده اثبات یدمنتك اولمسیدی بو
زهر قهرکی تجرع ایتمزایدم لکن مکافات لطفی بو عنف کردنمه تحمیل ایده لم
دیدی * اثنای محاوره ده عادت دیرینهٔ عرب اوزره عروهٔ بی ادب حلیهٔ جمال
با کمال اولان لحیهٔ شریف پیغمبر بیهمال طرفنه اطالهٔ دست کستاخی ایتمکله
مغیرة بن شعبه که مانند بهرام زره پوش وشمشیر بدست ورای ظهر ظهیر
امتده قیام ایتمشیدی * عروه بو وضع بی ادبانه اقدام اتدکجه تازیانهٔ تیغله
قصر ید اتدرردی * آخر نیام تیغله النه اوروب الیٔ محاسن سنیه دن چك
دیو تعنف ایلدی * مالك ملك خلق عظیم علیه اعظم التسلیم حضرتلری
عروه نك بو شیوهٔ کستاخانه سندن تألیف واستمالت قصدیله اظهار صورت

مسامحت بیوررلر ایدی * عروه مغیره نك بو حرکت دلیرانه سندن دلتنك
اولمغله بالاستعلام مغیره اولدیغی معلومی اولیجق * ای غدار هنوز بن سنك
غدرنی اصلاحه سعی ایتمك اوزره یم حقا که حق ناشناس ایمش سن دیدی *
مکر مغیره زمان جاهلیتده قبیلهٔ ثقیفدن متشعب بنو مالکدن اون اوچ نفر
سدنهٔ لات ایله برمقدار هدایا ترتیب ایدوب اسکندریه والیسی مقوقس
طرفنه عزیمته نیت ایلدیلر * مرسوم عروه که مغیره نك عمیدر رضا
ویرمامشکن اصغا ایتمیوب کتدی * وصوللرنده مقوقس بونلری بر کلیسایه
نزیل ورعایت واکراملری لوازمنی تکمیل ایلدی * چند روز ارامدنصکره
حضورنه کتوردوب مغیره نك وقع وشاندن سؤال ایلدکده مالکیلر بو ادم
بزدن دکلدر احلافدندر دیمکله مغیره حقنده اکرام وانعام میزان اعتدالدن
ناقص ظهور ایلدی * اسکندریه دن چیقدقدنصکره حق رفاقته رعایتسا
همراهلرندن اثر مواسات مشاهده ایتمیوب وقومم ایچره بو نقیصه یی اشاعه
ایتملریله بکا مستوجب تعییر اولوردیو اعداملرینه عزم تام ایلدی * اثنای
راهده برجایکاه لطیفه نزول * ونوش شرابنابه مشغول اولدیلر * مغیره بنم
صداعم اولمغله بو کون محروم دوستکامی اولمق مزاجمه ملایمدر نهایت
صاقیلك خدمتنده بولنه یم دیوب جمله سنی مست لا یعقل ایلدکدنصکره
مجموعنك ساغر سرلرك شکست ومجلس عشرت زندکانیلرك * بیت *
طلود کش ترلایه دوندردی دوران صحبتی * جام صندی می دوکلدی کندی
ساقی قالمدی * مضموننه پیوست ایلدی * بالجمله اثواب واسبابلرین الوب
طوغری مدینهٔ منوره یه اعتزام ووصولنده اظهار شعار اسلام ایلدی
حضرت سید الانام علیه الصلوة والسلام الحمد لله الذی هداك للاسلام
تعبیریله ترحیب وتشکر بیوردیلر * حضرت صدیق یا مغیره مصر طرفندنمی
قدوم ایلدیکزدیو استطلاع مقدم ایلدکده مغیره دخی نعم دیدی تکرار
حضرت صدیق مالکیون قنده در دیجك جمله سنی مالك دوزخ جانبنه ارسال
ایدوب ماللرین تخمیس ایچون برابر کتوردم دیدکده * حضرت رسول
یا مغیره اسلامك عندمزده مظهر قبولدر اما کتوردیکك مال غدر اولمغله
نامقبولدر بیوردیلر * بنو مالك عشیرت مغیره ایله محاربه یه اغاز ایتملریله عروه
اطفای نائرهٔ قتال ایچون اول اون اوچ نفر مقتولك ورثه لرینه دیتلرنی
ویروب نیم کشیده اولان غدارهٔ کینی همخوابهٔ نیام تسکین ایلدی * عروه نك
بو کنایتی مادهٔ مسروده یه اشارت ایدی * ماحصل عروه برمقدار دخی مجلس
نبی بیهوده القای ثقلات وجود ایدوب اثنای مناقشه ده اصحاب کرامك

سپهسالار اسلام طرفنه ایلدکاری تعظیم واکرامی مشاهده وراه محبت
واطاعتنده جان سپار اوله جقلرنی معاینه ایدوب متعجبانه انجمن قریشه
کلدی * ای سادات حرم بن مجالس کسری وقیصر ونجاشی یه محرم اولدم
خدا حقی حضرت محمده اصحابنک ایتدکاری اجلال وتوقیر ورعایت وادابی
برنده کورمدم فرضا براق انداز اولسه شتابله الرینی الته طتوب چشم
وچهره لرینه سایده ایدرلر * برخدمت امر ایلسه تسابقله شتابان اولورلر *
توضی ایلسه وضوسی اوزره مقاتله ایده جک اولورلر * حضورنده اوازلرین
پست ایدوب وغایت اجلالدن یوکرینه حدتله نظرا یتمزلر * شویله فهم
ایتدمکه جمله سی مست سلافهٔ مرک اولدقجه نوبت تجرع صهبای فنا
اکا دکمز * پس مناسب اولان انکله صلح اولوب زیارتنه مانع اولمیه سزادای
عمره دنصکره عودت بیوره جقلردر دیدی * رؤسای بنی کنانه دن بری دخی
استجازه برله درکاه رسالته عزیمت ایلدی * یقین کلدکده حضرت سریره
دان بو ورودایدن شخص تعظیم هدی ایدن قومدندر بیورمغین اصحاب هدی
دوه لرک قالدیروب ولولهٔ تلبیه ایله غلغله رس زمین وزمان اولدیلر * اول
کمسنه سبحان الله بونلری کعبه دن منع ایتمک لایق ومناسب دکلدر دیوب
همان اورادن رجع قهقری ایلدی * وقریشه بونلر هدی دوه لرنی تقلید
واشعارا یتمشلر بونلری عمره دن منع اولنمق جائز دکلدر دیدی * اندنصکره مکرز
بن حصین قریشدن اجازتله درکاه رسالته کلدی * قریب اولدقده حضرت
صاحب المفاخر اشبو وارد اولان کمسنه مکرز فاجردر بیوردیلر * اولدخی
کلوب طرفیندن مطارحهٔ قرعهٔ رد وقبول اولنورکن قریش طرفندن
تمهید اساس صلح ایچون سهیل بن عمرو کلوب حضرت رسول الله علیه
صلوة الاله انی کورنجک اصحاب کرامه سهل الله امرکم تعبیریله متفألا امر
مهادنه ایچون کلدیکنی اعلام بیوردیلر * پس سهیل واصل حضور فائض
النور نبوی اولیجق استراحت طرفین ایچون اصلاح ذات البین مقدماتنی
تمهید ایدوب رشتهٔ صلحی کاه حل وکاه تعقید ایتدکدنصکره اخرکار مادهٔ
مهادنه بو وجه اوزره قرار ویرلدیکه * اون سنه مدت میانه ده متارکهٔ
محاربت اولوب احباب واعدا اسودهٔ غائلهٔ وغا اوله * وبو سنه العود احمد
وادیسی مسلوک قدم مؤید اولوب سنهٔ اتیه ده عمرة القضایه رضا ویریله * اول
حینده قریش مکه دن چیقوب اوچ کون اهل اسلام سلاح المسافر ایله
مکه ده اقامت ایلیه لر وبومدتده قریشدن حومهٔ حمایت اسلامه التجا
ایدنلرا حتما اولنیوب عکس قضیه واقع اولورسه طلب اولنمامق اوزره طرف

اثیر فکرزدن صلحنامه تحریر بیوریله دیو ختم کلام ایلدی * اصحاب کرام
سبحان الله یا رسول الله مسلمان اولوب کلنلری مشرکینه نیچه ویره لم واقعا بو
وجه اوزره صلحنامه تحریر بیوریله جقمی دیدیکلرده * سید ستوده شیم صلی الله
علیه وسلم حضرتلری نعم من ذهب الیهم فلا رده الله ومن جاء الینا فرددناه
سیجعل الله لکم فرجا ومخرجا تعبیریله بو وضع حکمت شعار سزی تیه افکاره
دوشورمسون * حضرت پروردکار عاقبت کار نصرت وفیروزی روزی ایلیه
جکدر دیو جبیره بند خواطر اصحاب ابرار اولدیلر * وقبائل اطرافده شرط
معهود دستور العمل اولمیوب اختیار مرجح اوله دیو رخصنه بناء همان اول
مجلسده بنو خزاعه داخل کروه مخلصین اولوب * بنو بکر لغزیده پای جانب
موالات قریش اولدیلر * پس طرفیندن شرائط ایجاب وقبول رهین حصول
اولیجق حضرت مرتضی مامور اولدیکه عنوان صحیفهٔ صلحنامه یی فریدهٔ
بسم الله الرحمن الرحیم ایله توشیح ایلیه * سهیل جهاندنتاشی بو عنوان بیمزده
متعارف دکلدر وتیرهٔ قدیمه اوزره باسمک اللهم تحریر اولنسون دیدی * نزاع
لفظی بی معنا اولمغله مدعای سهیل مظهر نیل اسعاد اولمغین باسمک اللهم ایله
عنوانطراز اولمق بابنده امر بیوردیلر * نوبت رسم کتابت اسم سامی پیغمبر عالی
منزلته کلدکده * حضرت مرتضی حسب الاشاره هذا ما صالح علیه محمد
رسول الله سهیل بن عمرو یازوب * سهیل بودفعه تعصب وسفاهتندن یا محمد
اکرسن حق پیغمبر اولدیغک عندمزده محقق اولیدی ترک لج وعناد ایدوب
سرفرو کردهٔ مقام امتثال وانقیاد اولنور ایدی * امدی هذا ما صالح علیه
محمد بن عبد الله عنوانیله ترقیم اولنسون دیدی * حضرت ختم الانبیاء
والمرسلین علیه الصلوة ما افاضت السموات علی الارضین بن اظهاردین دیمین
ایچون فرستادهٔ رب العالمین حق پیغمبرم سزلک تکذیبکز شان نبوتمه خلل
ایراث ایلمز دیوب * حضرت مرتضایه حک واصلاحنه امر بیوردیلر * جناب
ولایت انتما یا رسول الله قسم یا فریننده دوسرا که ذات سعادتکزدن وصف
رسالتی ازاله وامحا ایلیم دیو رعایت ادب مستحب ایدوب بو بابده فرمان عالی یه
امتثالدن استعفا ایلدی * حضرت نبی امی اول کلمه یی بکا اراءت ایله
بیوروب جناب مرتضی دخی کوستوردکده بالذات مباشر محو واثبات
اولدیلر * وطرفیندن اسامئ شهود ثبت وتذییر اولنوب وثیقهٔ مسالمه
بو طریقه اوزره نظام پذیر اولدی * لاحقه * جناب مرتضی خاطر خواه
قریشه تا بوقدر مساعده دن سر جنبان تعجب اولوب دود کبود حیرت مقعر
دماغ حمیت مساغنه صعود ایلدی * حضرت رسالتمسیر واقف سر ضمیر

مرتضوی اولوب یا علی بو معاملهٔ حکمت مآب سنی غوطه خور لجهٔ استعجاب
ایلمسون بردم اوله که سن دخی بویله تکلیف عنیفه مبتلا اولوب تسکین
غبار رزم ایچون مادهٔ نزاعی دلخواه خصم اوزره حسم ایده سن بیوردیلر *
واقعا وقعهٔ صفینده دوست ودشمن خلافکیر اولغله خواه ناخواه تحریر
اولنان صلحنامه یه هذا ما صالح علیه امیر المؤمنین علی دیو تحریک ساعد
رقم ایدیجك * حرفکیران کمینکاه غدر اولان کاشتکان سپهبد شام * یا علی
سن مدعی مقتول اولمیوب صحیح امیر المؤمنین اولدیغك واصل درجهٔ علم
الیقین اولمدی * طوق فرمانی قلادهٔ کردن جان ایدرلـٔ دیو عناد واستکبار
اوزره اصرار ایتملریله شاه ولایت پناه سمانه کزای تفکر اولوب تبسم کنان
صدق رسول الله دیوب هذا ما صالح علیه علی بن ابی طالب یازلمق اوزره
فرمان ایلدیلر * تکمله * رقمزدهٔ خامهٔ بدیع العلامه اولدیغی اوزره * داخل
حلقهٔ اخلاصکاران اولان بنو خزاعه مقدما بنو عبد المطلب ایله همسوکند
اولمشلر ایدی * سببی بو ایدیکه مطلب که اولاد عبد مناف اولان هاشم
ونوفل وعبد شمسك برادریدر وفات ایلدکده * نوفل برادرزاده سی عبد المطلبك
افنیهٔ موروثه سنی مضبوط دست تغلب واغتصاب ایتمکله عبد المطلب قوم
وتبارنه تظلم واستنصار ایلدی * انلار عمکله سنك بیننه تداخل ایتمزدیو
مساعده دن مباعده ایلدکلرنده اخوالی اولان بنو نجاره نامه ایله اعلام
احوال پرملال ایلدی * بنو نجاردن سکسن سوار نیزه کذار کلوب نوفله
همشیره زاده مزك املاك موروثنی رد ایلدیکك صورتده فصل ماده قاضی
ماضی الحکم حسامك حکمنه محول در دیدیلر * نوفل جسارت ایده میوب
عبد المطلبه رد وتسلیم ایلدی * اندنصکره نوفل دیکر برادری عبد شمسك
اولادیله تعاون وتلاحف اوزره تحالف ایتمکله عبد المطلب دخی بنو خزاعه
ایله متحالف اولدیلر * حضرت سید البشر بروجه محرر حدیبیه ده مشتغل
مصلحت مهادنت ایکن بنو خزاعه عبد المطلبك عهدنامه سنی کتوروب
حسب الاشاره ابی بن کعب جمله محضرنده قرأت ایلدی صورتی بودر *
باسمك اللهم هذا ما تحالف علیه عبد المطلب بن هاشم ورجالات عمرو بن
ربیعة من خزاعة تحالفوا علی التناصر والمواسات ما بل بحر صوفة حلفا
جامعا غیر مفرق الاشیاخ علی الاشیاخ والاصاغر علی الاصاغر والشاهد
علی الغائب وتعاهدوا واوکد عهد واوثق عقد لا ینقض ولا ینکث ما اشرقت
شمس علی ثبیر وحن بفلاة بعیر وما اقام الاخشبان وعمر بمکة انسان حلف
ابد لطول امد یزیده * طلوع الشمس شدا وظلام اللیل مدا وان عبد المطلب

وولده

وولده ومن معهم ورجال خزاعة متکافئون متظاهرون فعلی عبد المطلب
النصرة لهم بمن تابعه علی کل طالب وعلی خزاعة النصرة لعبد المطلب
وولده ومن معهم علی جمیع العرب فی شرق او غرب او حزن او سهل وجعلوا
الله علی ذلك کفیلا وکفی بالله جمیلا * پس بو منوال اوزره عهدنامهٔ عبد
المطلب قرأت اولندقدنصکره حضرت رسالتمآب بنو خزاعه یه خطاب ایدوب
ما اعرفنی بحقکم وانتم علی ما اسلفتم علیه من الحلف تعبیریله ابقای
موالات وتقریر معقودهٔ مواسات بیوردیلر * بو خلالده ناکاه ابو جندل
ابن سهیل که مقدما مسلمان اولوب پدری سهیل انی کرفتار بند اهنین
ایتمشیدی * نره شیر کبی زنجیرنی سوریه رك کندوسنی القای کتیبهٔ مسلمین
ایلدی * صحابهٔ کرام استقبال واداء رسم ترحیب واجلال ایلدیلر * سهیل
انی کوریجك یرندن صچرایوب ضرب طپنجهٔ خشم وکینله چهرهٔ ابو جندلی
مشك اکین ایلدی * بعده یا محمد اول مادهٔ مصالحه اولمق اوزره اولوب کیدرم
دیدی * حضرت رسول الله دخی تصدیق بیوردیلر * پس سهیل کریبانندن
طتوب کشان کشان کلدیکی جانبه جر ایلدی * ابو جندل ایسه یا معشر
المسلمین شمول پرتو هدایتله دار الظلام ضلالتدن واصل سرمنزل سلامت
اولمشیکن روا میدرکه بنی تکرار پنجهٔ عداة دینه تسلیم ایلیه سز دیو فریاد
وفغانی رسیدهٔ طاق نه طباق اسمانی ایدر ایدی * پرزهٔ اصحاب ایسه رؤیای
صادقهٔ نبوی یه جزم واعتقادلری مقتضاسی مکه یه دخوللری متحقق الوقوع
ایکن مأیوس اولوب وحسب الظاهر دلخواه کافر اوزره معاهده ومعاقده
اولندیغندن تابه یه دوشمش ماهی کبی طمطاب اضطرابله بی تاب اولمشلر
ایدی * ابو جندل وقعه سی دخی داغ بر بالای داغ اولمغله از قالدیکه جیب
حیاتلری کریبان عاشق بی ثبات اسا چاك خوردهٔ دست فنا اوله * حضرت
رسول الله دخی رقتله بغایت متأثر اولوب لکن حسب المصلحه مبرم اولان
رشتهٔ مصالحه نك مصون نقض وخلل اولمسی ایچون یا ابا جندل صبر وتحمل برله
رجامند اجر وثواب اول که عنقریب طرف ایزدمناندن سکا ومکه ده اولان
اسلامیانه فرج ومخرج احسان اولنه جقدر دیو تسلیت بیوردیلر * حضرت
عمر آهسته ابو جندل ایله کامزن حرکت اولوب یا ابا جندل صبر
وتحمل ایله سلامت قریبدر قالدیکه بونلار مشرکلردر دملری خون کلاب
اساغیر محترمدر دیوب متوشح اولدیغی شمشیری ابو جندله تقریب ایدر ایدی
لکن * ع * رقیبك قتلی چوقدن کچدی اما اولدر بو قدر * مؤداسی اول
عزیمت صادقهٔ مردانکی دست لیاقت ابو جندلدن ظاهر اولمدی چونکه

مادهٔ مهادنه منوال مشروح اوزره قرارداده اولدی * طرف دیوان رسالتدن
اوچ دفعه نحر وحلق اولنمق بابنده فرمان عالی شرف صدور بولوب استیلای
کابوس حیرتله سربازان میدان محبتك بریندن امتثال امر همایونه جنبش
مبادرت ظهورا تمامکله کابن کارزار عز واجلال حضرتلرینك رنك رخسار
تابدارلری شکستهٔ باد انفعال اولوب * همان ام المؤمنین ام سلمه خیمه سنه
تشریف ایدوب یاتدیلر * ام سلمه جنابلری اوچ دفعه سبب ضجرت
وملاللرندن استفسار ایدوب کمال اغبرار وانفعاللرندن قطعا لبکشای جواب
اولمدیلر * بعده هلك المسلمون امرتهم فلم یفعلوا مقالنی عنوان صحیفهٔ
حسبحال ایدوب اصحاب کرامك سرپیچ فرمان متحتم الاذعان اولدقلرین
اعلام ایلدیلر * ام سلمه یا رسول الله بو بابده اصحاب کزین معذور بیورلمق
موافق رأی رزین ظن اولنور انلارین بو سنهٔ مبارکه ده مکهٔ مکرمه یه داخل
اولمق مجزوملری ایدی * بامره تعالی شاهد منا جلوه نما اولمدیغندن بشقه
مادهٔ مصالحه دخی حسب الصوره * بر وفق دلخواه مشرکین اولدیغندن
جملهسی حیرتله مسلوب الشعور اولدیلر * سزاوار منصب کامکاری بودرکه
مطلوب سعادتکز اولان خصوصی ذمت همت عمله تحمیل یعنی قولی فعله
تبدیل بیوره سز اعتقاد عاجزانهم اوزره بر فرددن صورت تردد رونمون
اولمیه دیدی * فی الحقیقه حضرت رسول الله پرتو بخش بارکاه فلك اشتباه
بیوروب بالذات امر نحر وحلقی ادا بیوردیجق اصحاب کرام دخی بی وقفه تراخی
اقتدا ایلدیلر * وموی دلجوی سر سعادت اثر نبوی یی بطریق التبرك اقتسام
وحرز جان آسا حفظنده اهتمام ایلدیلر * اتمام مهام ایچون فضای حدیبیه ده
اون طقوز کون آرام اولندقدنصکره دار الملك مدینه یه امالهٔ لجام اولنوب کراع
الغمیم نام مقام مضرب خیام سپهر احتشام اولدقده سورهٔ کریمهٔ فتح شریف
نازل اولمغله فاروق جنابنه تجلی بخش خطاب اولوب * یا عمر بو کون بر سورهٔ
عظیمه شرف نزول بولدیکه تابش مهر منیر ایله ملتمع الانوار اولان ما بین
المشرقین اکا نسبتله پیشگاه نظر حقیقتمده بی قدر واعتبار در بیوروب * بالجمله
اصحاب کزین بو مژدهٔ فتح مبین ایله کامبین اولدیلر * اوخلالده اصحاب پاکیزه
نهادك زاد وزواده لرینه قلت ونفاد عارض اولمغله دوه لرینی ذبح ایتمك ایچون
رجامند رخصت اولدیلر * اخطار فاروقله بقیهٔ ازوادلرین بر سفره ایچره جمع
واحضار ایلدیلر * دعای مفیض الخیر والبرکت برله سماط غنیمت اولمغله
جملهسی سیر اولوب * واوعیه لرین طولدردقدنصکره بر او قدر دخی فضله
قالدی * مرویدرکه مکهٔ مکرمه یه دخولك تأخیری ومادهٔ صلحك منوال

مشروح

مشروح اوزره عقد وتصویری دغدغه ساز خاطر حمیت مآثر فاروقی اولمغله *
یا رسول الله برموجب رؤیای صادقه بالامن والسلامه طواف بیت خدا
بابنده مژده رسا اولمشیدیکز انجاز وعد شریف وابستهٔ عقدهٔ تسویف
اولدیغنك حکمت خفیه ولطیفهٔ غیبیه سندن بز بنده لری دخی بهره مند
شرف عثور * بیورلمق مرجو دردیو نیازمند اولمغله * حضرت سید سر
افراز یا عمر اول وعد مقررا لانجاز بو سنهٔ مبارکه یه تخصیص اولندمی
بیوردیلر * جناب فاروق دخی لا یا رسول الله دیدی * حضرت سید البشر
امدی یا عمر جبریل امینك اخباری اوزره البته مکهٔ مکرمه یه دخولله
شادکام ومظهر طواف بیت الحرام اولمکز درکاردر دیو تسلیت فرمای خاطر
اصحاب اولدیلر * پس معلوم اولدیکه خصوص فتح مکه هم رؤیای رسول
کزین وهم اخبار جبریل امین ایله متعین اولمشدر * عمرة القضا سنه سنده
حضرت برکزیدهٔ کافهٔ خلق سر سعادتلری حلق اولنورکن اصحاب کرامه
هذا الذی وعدتکم بیوروب * وفتح سنه سی مفتاح کعبه ید مؤیدلرینه تسلیم
اولندقده هذا الذی قلت لکم وحجة الوداعده وقفهٔ عرفاتده هذا الذی قلت
لکم بیوردیلر * موکب همایون اقبال روزافزونله معمورهٔ طیبه یه
وصولندنصکره ام کلثوم بنت عقبه بن ابی معیط که عثمان بن
عفان حضرتلرینك لام همشیره لریدر قبل الهجرة حلیهٔ اسلامله زینتدار
اولمشیدی * بر مرد خزاعی رفاقتیله پیاده جه مدینه یه کلوب حجرهٔ ام سلمه ده
حل منطقهٔ مسافرت ایلدی * حضرت رسول الله آکاه اولیجق ام کلثومی
ترحیب ونوازش واکرامله تلطیف وتطییب بیوردیلر * عقبندن برادرلری
عمار وولید درکاه خیر الوالیده کلوب حسب الشرط خواهرلری کندیلره تسلیم
اولنمه سنی التماس ایلدیلر * ام کلثوم یا رسول الله احوال طائفهٔ نسوان معلوم
شرفعنوانکزدر قلوبلری ضعیف اولور رد اولندیغم صورتده محضا افتتان
دینمدن خوف ایدرم دیو استرحام ایلدی * قرینهٔ حال یا ایها الذین آمنوا اذا
جاءکم المؤمنات مهاجرات فامتحنوهن الله اعلم بایمانهن فان علمتموهن
مؤمنات فلا ترجعوهن الی الکفار لا هن حل لهم ولا هم یحلون لهن الآیه
کریمه سی جلوه نمای معرض نزول اولمغله * اول قانون من خرف مؤمنات
مهاجرات حقلرنده دخی دستور العمل اولمق احتمالی برطرف اولدی *
بوندنصکره هجرت ایدن نسوان یثرب زمینه رغبت ویا خود نشازت جهتیله
ویا دنیا امنیتی واسلامیاندن برینك جاذبهٔ محبتیله هجرت ایتمدیکنه
استحلاف اولنوب اکر هجرتی لله والرسول ایسه مدینه ده ابقا ومهری زوجنه

ادا اولنور ایدی * حسام فتح مکه قطع رشتهٔ صلح اتدکدنصکره بو قاعده یه
دخی ضرب قلم نسخ اولندی * ام کلثوم ارامل‌دن اولمغله زید بن حارثه تزوج
ایلدی * ذکر اولنان اکلیل مرصع تنزیلده مندرج اولان فریدهٔ ولا تمسکوا
بعصم الکوافر منظور دیدهٔ اذعان مهاجرین اولیجق مکه ده تخلف ایدن
ازواجلرین تطلیق اتدیلر * ومکه ده مستعد فیض قبول اسلام اولنلر مدینه یه
عنان بر اعتزام اولمق مراد اتدکجه پنجهٔ اشکنجهٔ کفاره * کرفتار اولوب سیخ
ازیتله کباب اسا دلخون ایلدیلر اول جمله دن ابو بصیر مظهر تجلیٔ هدایت
رب نصیر اولمغله * بر طریقله کندوسنی مدینه یه ایصال وخاکپای کیمیاسای
نبوی یه فرش ناصیهٔ ابتهال ایلیوب عقبندن ازهر بن عوف واخنس بن
شریف استردادنی متضمن مکتوب تحریر وخنیس عامری بدیله درکاه
سیادتمصیره تسییر ایلدیلر * دلالت طریق ایچون بر غلاملرین دخی ترفیق
ایدوب سدهٔ بهت موصوله وصوللرنده مکتوبی تسلیم * وابی بن کعب
قرأت ایلیوب مضمونی محاط علم نبی کریم اولدقده * بر موجب عهد سابق
ابو نصیرک ردی لازم ولازق اولمغله دست ارای صدق ووفا علیه اوفی التحایا
حضرتلری * یا ابا نصیر قریشله بیننزده منعقد اولان حبل قریب الانحلال
مصالحه یه حوالهٔ مقراض نکث اولنوب بو وجهله جبین وفاداری داغدار
غدر اولمق لازم کاور * قریبا بو غم نشاطه محول وبو انقباض انبساطه مبدل
اولوب حضرت فارج الهم والکدر سکا ومکه ده اولان مستضعفینه فرج
ومخرج میسر بیوره جغی نوشتهٔ لوحهٔ قدردر * هله الحالة هذه قوملک طرفنه
عودت ملایم مصلحتدر بیوردیلر * ابو نصیر یا رسول الله بو بندهٔ اخلاصکاری
تکرار کرفتار دوشاخهٔ صولت کفار ایتمک سزاوار مییدر قورقرمکه مبتلای
افتتان اولورم دیو اظهار ضراعت ونیازمندی ایلدی * سید ولد ادم
صلی الله علیه وسلم ینه جواب سابقله جریحهٔ قلبنه وضع مرهم بیوردیلر *
اصحاب کرام ابو بصیره بالنجوا مر دیکنسا احیانا هزار مردمدن خیرلو اولور
دیو نزاکتله مباشرلرینک اعدامنی ایما ایلدیلر * ناچار ابو بصیر تقبیل دست
رسالتمدار ایدوب رفقای ناموافقیله طرف بیت الحرامه متوجه اولدی منزل
ذو الحلیفه ده بر دیوار سایه سنده جلسهٔ اسایش ایدوب مفاکهه یه اشتغال
ایلدیلر ابو بصیر اعمال ضعفت احتیال ایدوب امتحان شهادت بهانه سیله
خنیسک شمشیرنی قبضهٔ تسخیره المغله * همان قضای اسمانی کبی اوزرینه حواله
وفی الحال کندی قلجیله جان خبیثنی جانب جحیمه اماله ایلدی * رفیق جست
وشکرده صحرا ایوب کهف الامان وملاذ دردمندان اولان کنف جوارشاه

دوجهانه التجار جاسنه مدینه طرفنه شتابان * وحضور همایونه القای
جان ایدوب هنوز طبطاب انبهار وخفقانده ایکن ابو بصیر مقتولک دوه سنه
بنوب عقبنکیر اولمغله اول انده متمثل درکاه نبوت عنوان اولدی * تقدیم شرائط
تعظیم وتوفیهٔ ضوابط اداب وتفخیمدنصکره یا رسول الله ذمت والانهکزه
سزا اولان وفای عهدی ایفا بیوردیکز * بو بندهٔ افکنده کر افتتان دین
خوفیله امتناع ایلدم المنة لله تعالی حضرت منجی المهلکات بو عبد بیچاره یه
برات نجات احسان ایلدی دیدی * جناب رسول عالیجناب دهنکشای
استعجاب اولوب ویل امه محسن حرب لو کان معه رجال بیوردیلر * یعنی
پردلان رجال حربدن کندوسنه یار ومددکار بولسه عجب مرد نبردازما ایدی
بعده اذهب حیث شئت تعبیریله مدینه ده اقامتی موافق رضای سعادت
اولمدیغنی اشارت بیورمغله ابو بصیر مدینه دن چیقوب طریق شامده معبر
قوافل قریش اولان بر محلده رکز نیزهٔ ارام ایلدی * پیام سربازیٔ ابو بصیر
مکه ده منکنهٔ اسر قسر کافرانده عصیر اولان یارانه منعکس اولیجق ابو جندل
وبتمش نفر دلاوری بدل مکه دن چیقوب ابو بصیره کلدیلر * غفار واسلم
وجهینه وسائر قبائل متفرقه دن مهتدیان شاهراه اسلام اولنلر کلوب وقت
ایسرده اوچ یوز مرد غضنفر فر مجتمع اولدی * وامدشدایدن کاربان قریشه
رهزن اولوب مالارین تاراج وتالان ونفوسلرین دلالت شمشیر ایله قائل هل
من مزید جانبنه روان ایلدیلر * ماحصل شیر پنجهٔ عیش قریش برطیش اولملریله
ناچار ابو سفیان ایله استان مخلد الاقبال طرفنه ضراعتنامه ارسال ایدوب
صحیفهٔ مهادنه دن شرط فاسد استردادی اسقاط اتدکلرنی اشرا بله ابو بصیر
وسائر یاران صداقتسمیر مدینه یه اجتلاب اولنمق ضمننده نیازمند همت
رسالتنصاب اولملریله * فرمانفرمای کشور علو اقتدار حضرتلری دخی
ابو بصیر وابو جندل مدینه یه کلوب سائرلری دیارلرینه متفرق اولمق بابنده
امر عالی اصدار بیوردیلر * مرویدرکه نامهٔ نامی نبی تهامی ابو بصیره مغلوب
دستبرد سکرة الموت اولدیغی حالده واصل اولوب مشاهده سیله قریر العین
اولدقدنصکره مالیدهٔ چهرهٔ استکانت ودیدار سعادتنه اظهار شوق وحسرت
ایدوب هنوز قرأتنه مبادرتده ایکن نسخهٔ نفیسهٔ حیاتی رسیدهٔ ختام وعشق
محمدیله کابانکزن جانب دار السلام اولدی * رضی الله تعالی عنه ابو جندل
تجهیز وتکفین واول محلده کنجینهٔ صدق ویقین اولان وجود بهیلرین
دفین ایدوب مرقدی اوزره بر مسجد بنا ایلدکدنصکره برجمع مسلمانله عازم
درکاه رسالت اقتران اولوب باقی یاران دیارلرینه پریشان اولدیلر * صورتیافتهٔ

کارکاه بیان اولدیغی اوزره ابوجندلك ردی ماده سنی استثقال واستصعاب
ایدن بررهٔ اصحاب هر حالده امتثال امر عالی مستوجب خیر عظیم ومستجاب
نفع عمیم اولدیغنی عین الیقین معاینه ایلدیلر * ونهج مسرود اوزره معقود
اولان صلح وصلاح باعث تکثر حرب وفلاح اولدیغی دخی مشهودلری
اولمشدر * زیرا صلح سببیله کفار مامون اولوب اهل اسلامله خلطت وبعض
خارق عاده معجزه وآثار مشاهده سیله قلوب سنکینلرینه ملایمت کلوب
کروها کروه شارع مستقیم دین قویمه انسلاکله منهل عذب اسلام کثیر
الزحام اولمشدر *

* لحیان غابه ظهار ونکاح * ام حبیبه ومنع الراح لاح *

لحیان وغابه وظهار حسب المقام عاطف مقدرایله معطوفلردر * وفی سنة
ط کانت غزوة بنی لحیان وغزوة غابه ووقع ظهار تقدیرنده در * لحیان فتح
وکسر لامله هذیلدن برقبیله در * بیت مرقومده بش لایحه مندرجدر *
غزوهٔ بنی لحیان * غزوهٔ غابه * وقوع ظهار * نکاح ام حبیبه * منع شراب *
غزوهٔ بنی لحیان * مرسوم براعهٔ بدیع البیان اولدیغی اوزره بنو لحیان رجیع
وقعه سنده مرتکب اولدقلری سوء اعمالك حسب الاستحقاق جزالری اجرا
اولنمق دائما خاطر خواه سلطان الانبیا اولوب لکن * حدوث امر کلی
بو مصلحت جزئیه عائق اولمشیدی * سنهٔ مزبوره ربیع الاولنده ابن ام
مکتومی مدینه ده استخلاف وایکیوز مرد میدان مصاف ایله رکاب عزیمته
وضع قدم همت بیوروب * اغفال اهل ضلال ایچون ظاهرا شام طرفنه
اماله لجام بیوردیلر * بعده راه راستدن الغار ایله اول قوم بدطبعان اوزره
نسیم سحر اساره بیما اولوب مشهد عاصم وسائر یاران مستظل شقهٔ لوای
سعادت اقتران اولدقده روحلرك تحفهٔ دعا بر له یاد ورحامند غیث هطال رحمت
جواد اولدیلر * ارامکاه بنی لحیان بازدهٔ سنابك الخیل اسلامیان اولیجق
مکر مقدمجه توجه موکب همایوندن خبردار اولمریله شواهق جباله فرار
ایتمش بولنمغله هر طرفه سرایا ارسال واول مخاذیلی جستجوده لوازم
اهتمامی اکمال ایلدیلر * برمتنفس کورلمامکله قریشك ارکان حضورلرینه
تزلزل ویرملك ایچون اسفانه وارلوب اندن مدینه یه رجعت اولندی * غزوهٔ
غابه * هنوز ماه مزبور منسلخ اولمدین غزوهٔ غابه دخی ظهور ایلدی *
بو غزایه غزوهٔ ذی قرد دخی دیرلر بفتح القاف والرا مدینه یه اون ایکی میل
مسافه ده برچاه اسمیدر صورتی بودر که * حضرت سید الابرارك بکرمی
رأس قریبة النتاج شتر شیردار اولوب راعیسی ابوذر غفاری * غابه نام

محل رفیعده رعی وچرا ایتملکده ایکن اول اثناده استیذان ایلدیکه عیینة بن حصین اغاره سی
هجمتندن ناشی رضاداده اولمزلر ایدی * برکون زیاده جه ابرام ایتمکله
حضرت شاه لولاك الکانی بلك قد قتل ابنك واخذت امرأتك وجئت تتوکأ
علی عصاك تعبیریله سرانجام کاری اشعار بیوردیلر * واقعا ابوذر بر وفق خبر
رسول جلیل الخطر نوائب مرقومه یه مظهر اولدی * وقعه دن مکره
العجب که حضرت برکزیدهٔ اخیار بکا بویله دیدیکه بن اهنك الحاح وابرامی
شعبه دار ایدردم دیو تأسف ایدر ایدی * کندودن مرویدر که برکیجه محل
مزبورده سرکران رطل خواب ایکن ناکاه عیینة بن حصین قرق نفر
واجب الحین اشقیا ایله وقت سحرده نحس اکبر کبی شبخون ایدوب اوزرمزه
چیقردی * اوغلم مقابل اولدقده قتل وزوجه می سبی ودوه لری دسترد نهب
ایدوب کتدی * اول هنکامده سلمة بن اکوع تیر وکمانك الوب تماشاکنان غابه
طرفنه عزیمت ایتمشیدی * برقادمدن وقعه یی استماع اتدکده طیبه یه
رجعت وثنیة الوداع اوزره چیقوب اوچ دفعه واصباحاه دیو استغاثه
ایلدکدنصکره تك وتنها اول دلیر بیهمتا مانند شیر عقبلرینه کروه خنازیر اولدی *
باد صبا کبی چیره پا اولمغله وقت یسیرده ایریشوب بی تردد قفالرندن تیرباران
ایلدی * هر تیره که کشاد ویرر ایدی خذها وانا ابن الاکوع دیو مباهات
کنان بیان نام ونشان ایدردی * کروه اشرار سلمه اوزرینه عنان انکیز قصد
وهجوم اولیجق فرار ایدوب ساحهٔ سلامته چیقار ایدی * یاخود بر درختی
سپر اتخاذ ایدوب زبان تیر ایله ایصال پیام تدمیر ایدر ایدی * رجوعلرنده بیك قضا
کبی بنه درقفا اولوب کمان اعمال کمان ایلر ایدی * ویر تیری بیابان ضیاعه
کتمیوب البته برکافر بدکهرك بوتهٔ جسم خباثت پرورنده کارکر اولور ایدی *
وحسب الطریق شعاب جباله دخوللرنده حواله اولان جبله چیقوب
سنک ارایدر ایدی * بومنوال اوزره اول سربازان جهان دنباله دود شمنان
اولوب اول کروه مکروهی اول درجه ده تضییق ایلدیکه غارت اتدکاری
شترانك اکثرینی استخلاص ایلدکدنصکره اشغال ایچون برر براوتوز عدد
نیزه واوتوز دن متجاوز برده القا ایتملریله همان انلاری اخذ وهر برینی بر طاش
التنه وضع ایدوب ینه تعقیب وتعذیب ایدر ایدی * بری طرفدن مدینهٔ
منورده حضرت رسول مطاع سلمه نك استصراخنی استماع بیوریجق
حسب الامر اسواق مدینه ده یا خیل الله ارکبی عبارتیله ندا اولندی * ابتدا
بو عنوان ایله ندا بو غزوه ده صدور ایلدی * پس جمله سپاه اسلام سوار اولوب
مقداد بن عمروی مقدمجه ارسال بیوردیلر * جمله دن اقدم محرز بن نضله

الاحزم الاسدى ايرشمكله سلمه اوكنه كلوب عنان اسبندن اخذ واعدا
طرفندن تحذيرايله توقفنى التماس ايلدى * محرز يا سلمه خدا ورسولنه
وقيامت كوننه ايمانك وارايسه بنمله ميانه شهادته حيلولتدن فراغت ايله
ديمكله سلمه دخى ارخاى عنان ايلدى * همان برق خاطف كبى ايرشوب
عبدالرحمن بن عيينه نك اسبنى تعقير ايتدى عبدالرحمن دخى برنيزه اوروب
اول اهل سعادتى مامولى اوزره محرز شرف شهادت ايلدكدنصكره سمند
محرزه تحول صددنده ايكن * ابوقتاده ايرشدى عبدالرحمن ابوقتاده نك
اتنى تعقير ايدوب اول دخى برصدمه شمشير ايله لعين مسفورى معلق زن حفرهٔ
سعير * وكندى اتيله اوروب مخذول مقهورك اتنه سوار وينه فرار ايدنلر
عقبندن الغار ايتدى * حضرت شهنشاه كشور نبوت مدينه ده ابن ام مكتومى
اجلاس مسند خلافت * وسعد بن عباده يى اوچيوز نفر دلاور ايله تعيين
حراست بيوردقدنصكره كندولرى سائر صحابهٔ كرام ايله سوار ولجام انكيز بارهٔ
صبار فتار اولدولر * جامهٔ ابوقتاده ايله مسجى قتيل اوزرينه مرور ايلدكده
اهل اسلام ابوقتاده ظنيله استرجاع ايلديلر * واقف سرائر كونين
حضرتلرى ابوقتاده دكلدر بلكه مست رحيق تيغ ابى قتاده در بونكتنه
بى اشعار ايچون كندى شعاريله تعطيه ايتمشدر بيوريجق * حضرت فاروق
انوب اول ستاره يى رفع ايلدكده الله اكبر صدق الله ورسوله يارسول الله غير
ابى قتاده ديدى * بعده نواحئ خيبردن ذى قرد ناحيه سنده برجبل منصب
خيام كردون تحول اولوب بالجمله سپاه اسلام ملتحق معسكر ثريا انتظام اولديلر *
سلمه خاكپاى عرش فرسايه جبين ساى اولوب يارسول الله فرار ايدنلر بون آتش
عطش اولمغله اذن همايون اولورسه يوز نفر دليرايله عقبلريرا اولوب
بقيهٔ منهوبى انتزاع ايلدكدنصكره جمله سنى ره پيماى جانب بئس المصير ايده يم
ديو استيذان ايلدى * سرور عالميان تبسم كنان يا ابن الاكوع اذا ملكت
فاسجح تعبيريله دم قدرتده رفق وملايمته ارشاد بيورديلر * ع * مظفر وقت
فرصتده عدودن انتقام المز * سلمه رضى الله عنه تشنكئ كريختكانى اذعان
ايتمسنك سببى بودركه * اول كون هنكام غروبه قدر دامن تعرض اعداى
لئامدن قصر يد اقدام ايتموب تا كه برشعب منهله كلديلر * تضييق سلمه دن
برقطره صو ايچمكه اقتدارلرى اولميوب تاب عطشله ينه پى سپرراه ادبار اولديلر
وصوسزلقدن ايكى راس اتلرينه عى وكلال كلمكله سلمه انلرى معسكر ظفر
پروره ايصال ايتمشيدى * چون محل مزبور مضرب لواى منصور اولدى *
پياده وسوار برقولده بشيوز وقولديكرده يدى بيوز سپاه نصرت اثار فوج فوج

كلوب پروين اسا ارتكام واول كيجه انده ارام اولندى * سپهسالار جيوش
اسلام عليه اسلم السلام حضرتلرى ابوقتاده وسلمه حقلرنده خير فرساننا
ابوقتاده وخير رجالنا سلمه زمزمه سيله اول ايكى شهباز ممتازك فوق المرام
اظهار تجلد واقداملرين سزاوار تحسين تام بيورمغله سرمفخرتلرين بالاتر
سپهر مينافام ايلديلر * وحسب الاشاره يوز نفره برجزور اعطا اولنوب
نحر وتناول ايلديلر * سيد خزرج سعد بن عباده رضى الله عنه اردوى همايونه
اون جزور وبرقاچ يوك خرما اهدا ايتمكله ذى القرده نام محلده واصل اولبجق
حضرت سيد الانبيا اللهم ارحم سعدا وال سعد نعم المرء سعد بن العبادة
جواهريله مظهر صلهٔ دعا وثنا بيورديلر * انصار كرام يارسول الله سعد بن
عباده سيدمز وسيد زاده مزدر قحط وغلا هنكامنده خالق اطعام واقرا *
وقوم وعشيرتنه هر حالده انجاد واعانتله متحمل اعباء مشقت وعنا اولان
خاندان اصالت احتوادندر ديديلر * حضرت سيد المرسلين دخى خيار
الناس فى الاسلام خيارهم فى الجاهلية اذا فقهوا فى الدين بيورديلر *
اول اثناده زوجهٔ ابوذر برتقريبله بند اعداى بدكهردن خلاص اولوب
شتران منهوبه دن عضبا نام شتر دلكش اندام برموجب اشنايى رام اولمغله *
اكا سوار ومهارانكيز فرار اولوب طائفهٔ كفار خبردار اولمديله * وافر مسافه
تعقيب ايليوب بروجهله ادراكنه امكان اولمامغله خيبت وخسرانله
روكردان اولديلر * اثناى فرارنده اكر حضرت رهاندهٔ افكندكان كربت
جل شانه * بكا بو ورطهٔ هولناكندن سلامت عنايت ايدرسه عضبايى ذبح
وكبد وسنامندن تناول ايده يم ديو تيرهٔ نسوان پريشان ايين اوزره نذر ويمين
ايلمكله * سلامتله واصل موكب عز وحشمت اولدقده صورت نذرى عرض
موقف مجد ورفعت ايلدى * حضرت بركزيدهٔ انام عليه الصلوة والسلام
بئسما جزيتها ان حملك الله عليها ونجاك بها ثم تنحرينها الا نذر فى معصية الله
تعالى ولا فيما انها ناقة من ابلى بيورديلر * بعده سعادتله عضبايه سوار وسلمه
جنابنى شرف اردافله نائل نباهت وافتخار بيوروب اقبال ومنقبتله مدينه يه
رجعت بيورديلر * بو سفر جليل الاثرده جان كبى مدينه دن نهان اولملرى همان
بش كون ايدى سلمه يه هم پياده وهم سوار سهمنى عنايتله دوبالاشان توجه
وعاطفت ايلديلر * وقعهٔ ظهار * سنهٔ مزبورده * بعد غزوة الحديبيه حكم
ظهار بيان اولندى * بعض اشنايان فن سير غزوهٔ خيبردنصكره ظهورنه
امضا كش صحت اثر اولمشلردر * سببى بودركه اوس بن صامت رضى الله عنه
ذاتنده پيرفانى وضربروستيئ الامتزاج وغريب المزاج بركسه اولمغله بركون

حلیله‌سی خوله بنت ثعلبه‌یه که عمزاده‌سیدر برماده ضمننده غضبه کلوب
سن بکا والده‌مك ظهری کبی اول دیدی * بو تعبیر بالتجوز دعامهٔ بدن
اولان جزؤك اسمنی کل اوزرینه اطلاق قیلندن اولمغله جاهلیتده حرمت
مؤبده‌یی متضمن اشد الفاظ طلاق ایدی * بعده طلب کارمی اودت اولدقده
خوله تعفف ایدوب بو ماده‌یی درکاه رسالتپناهه عرض ایتمدکجه شائبهٔ
وصال عدیم الاحتمالدر دیدی * بر روایتده اوس نادم اولوب بو کلام جائزکه
دین اسلامده دخی موجب بینونت ما بین اوله حضرت مشکلکشای جملهٔ
واردن بن واروب استفتا‌یه جساب ایدرم سن کیدوب حکمنی سؤال ایله
دیو خوله‌یی ارسال ایلدی * اول دخی حجرهٔ صدیقه‌یه واروب اول اثناده
جناب صدیقه حضرت سید نبیلك سر و کیسولرك غسل و ترجیل خدمتنه
مشغول ایدی * خوله یا رسول الله اوس بنی تزوج ایلدکده هنوز بن نورسته
وغایت مالدار و قوم و تبارم بیشمار ایدی * الحالة هذه مال و جمالم ذائل
مضمحل اولوب اقارب و متعلقاتم پریشان واشبال واطفالم فراوان اولدقده
اوس بکا اظهار ظهار ایلدی دیدی * حضرت سرور انام یا خوله من بعد
سکا اوس حرام اولدی بیوریجق * خوله فریاده اغاز ایدوب الهی فقروبی
نوایی و ضعف بدن و تنهایی و عجز و افتقار اطفال صغارمدن درکاه رافتپناهنه
بث و شکوا ایدرم * اکر اطفالمی اوسه تفویض ایدرسم ضایع اولورلر * یانمده
ابقا ایدرسم جمله‌سی نان دردیله جان ویررلر دیو کریه و زاری ایلدکده * بی
اختیار حرمسرای نبوت اهالیسی دخی تأثیر رقتله اشکبار اولدیلر * اول اثناده
حضرت صدیقه سر سعد افسر نبوینك برشقنی غسل و شق دیکره نقل
ایتمشیدی * ناکاه سیمای سمنسای سامیلرنده اثر وحی الهی نمایان اولدی *
غب الانجلا کار بر تبسم لطافتفرما اولوب درساعت اوس بن صامتی احضار
محفل سعادت و بو خصوصده نازل اولان * قد سمع الله قول التی تجادلك
فی زوجها وتشتکی الی الله والله یسمع تحاورکما الایات کریمه‌لرنی تلاوت
بیوردقدنصکره برموجب حکم کردکار ذمتنه لازم کلان عتق رقبه‌یه ابتدار
برله امر بیوردیلر * اوس یا رسول الله بو خصوصده یدا قتدارم قاصردر
دیدی * حضرت سید الابرار متواترا ایکی ماه روزه دار اول بیوردیلر * اوس
هرکون ایکی دفعه معده‌مه غدا راصل اولمدقجه باصره‌مه عطلهٔ عما عارض
اولور دیدی * حضرت برکزیدهٔ انام التمش مسکین اطعام ایله بیوروب اوس
مکر باوری کرمکاری یاری اوله دیدی * حضرت پیغمبر ذیشان اکا اعانت
واحسان بیورمغله اول دخی التمش مسکینی اطعام ایلدی * اسلامده

اول ظهار بودر * نکاح ام حبیبه * رمله بنت ابی سفیان بن حرب رضی الله
عنها مقدما زوج اولی عبید الله بن جحش ایله هجرت ثانیه‌ده حبشه‌یه هجرت
ایدوب عبید الله انده تنصر ایلدکدنصکره مرتد اولمغله کندیلری ثابت قدم
مرکز دین محمدی اولمغین * حضرت رسالتسمیر تزوج ام حبیبه خصوصنده
نجاشی‌یه که تاج وهاج اسلامله حائز فر وابتهاج اولمشیدی * بر قطعه مشرفهٔ
کرامی تحریر و عمرو ایله تسییر بیوردیلر * نجاشی نامهٔ رسول الثقلین برله قریر
العین اولیجق فی الحال مژده ایچون جاریه‌سنی ام حبیبه‌یه ارسال ایلدیلر *
برقاج کیجه مقدم ایسه ام حبیبه‌یه واقعه‌سنده یا ام المؤمنین عنوانیله خطاب
اولنمغله منخرط سلسلة الذهب ازواج طاهرات اولمغله تعبیرا یتمشیدی * بو مژده
وصولنده کمال سروردن اوزرنده اولان حلیاتی مژدکانه ایدوب عقد نکاح
ایچون خالد بن سعیدی وکیل ایلدی * نجاشی وقت عشاده جملهٔ اهل اسلامی
دعوت ایدوب حضورلرنده بو عبارتله خطبهٔ نکاح قرأت ایلدی * الحمد لله
الملك القدوس المؤمن المهیمن العزیز الجبار * اشهد ان لا اله الا الله وان محمدا
رسول الله وانه الذی بشر به عیسی بن مریم علیه السلام * وبعد * فان رسول
الله صلی الله علیه وسلم * کتب الی ان ازوجه ام حبیبة بنت ابی سفیان فاجبنا
وقد اصدقتها اربعمائة دینار * بعده امر ایلدی درت یوز دینار خالص العیار
کتوروب میدانه وضع ایلدیلر * خالد دخی الحمد لله احمده واستعینه واستغفره
واشهد ان لا اله الا الله وان محمدا عبده ورسوله * ارسله بالهدی ودین الحق
لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون * اما بعد فقد اجبت الی ما دعی الیه
رسول الله صلی الله علیه وسلم * وزوجته ام حبیبة بنت ابی سفیان * فبارك
الله لرسوله علیه الصلوة والسلام جوابیله امر نکاحی اتمام ایلدی * نجاشی
اول دینارلری ینه کندی جاریه‌سیله ام حبیبه طرفنه ارسال ایدوب ام حبیبه
دخی اللی التون قدم رنجه اعطا ایلدی * فرداسی ام حبیبه‌نك اعطا ایلدیکی
حلیاتی و دینارلری نجاشی امریله اول جاریه کیرو طرفنه ایرادو وافر عنبر
وزباد اهدا ایلدی * وبحمده تعالی بنم دنیا جهتنده احتیاجم اولمدیغندن
ماعدا اندام لیاقتم حلیهٔ هدایتله برزیب و زینتدر * بکا احسانك همان کل
صد برك کلزار بلاغ حضرتلرینه طرف کمترانمدن تحف تحیت و سلام ابلاغ
ایدوب دین مبیننه اتباع ایلدیکمی و حکم رسالتلری مسموع مطاعم
اولدیغنی الماع ایلیه‌سن دیدی * و بوندنصکره هر کلدکجه رجامند اولدیغم
ماده‌یی فراموش بیورمیه‌سز دیو تکرار بتکرار نیاز کار اولور ایدی * نجاشی
حضرتلری ام حبیبه‌نك جمیع مهماتنی رؤیت و تکمیل ایدوب همشیره‌زاده‌سی

شرحبیل ایله صوب مدینه‌یه تسبیل ایلدی * محرم شبستان نبوی اولدقده
کیفیت خطبه‌یی وجاریهٔ مرقومه‌نك * عراضهٔ درود وتحیتنی عرض
وتبلیغ ایلدی * حضرت برکزیدهٔ انام علیه اتم السلام تبسم کنان وعلیها
السلام ورحمة الله وبرکاته بیوردیلر * منع وتحریم شراب * سال مرقومده که
سادسهٔ هجریه‌در تحریم شرب خمر بابنده ایت کریمه نازل اولدی * سنهٔ رابعه‌ده
وثالثه‌ده اولدیغی دخی مرویدر لکن میانهٔ روایاتده کافهٔ نزاع حقیقی
مرفوعدر * زیرا اوقات ثلثهٔ مزبوره‌ده انواع تحریمدن برر نوعی ناطق ایت
کریمه نازل اولدی * واوقات ثلثهٔ مسروده‌دن مقدم ومؤخر برر ایت دخی نازل
اولمغله خمره متعلق جمعا بش ایت کریمه شرف نزول بولمشدر * اولا مکهٔ مکرمه‌ده
خمر ایله امتنانی متضمن ومن ثمرات النخیل والاعناب تتخذون منه سکرا
ورزقا حسنا ان فی ذلك لایات لقوم یعقلون کریمه‌سی نازل اولدی * ومن ثمرات
کلمه‌سنده من حرفی ماقبلنده وان لکم فی الانعام لعبرة نسقیکم مما فی بطونه من
بین فرث ودم لبنا خالصا سائغا للشاربین * کریمه‌سنده واقع نسقیکم دلالتیله
مقدر نسقیکم فعلنه متعلقدر * تتخذون فعلی بضم النون نسقیکم قرأتنه
کوره اسقایی وبفتح النون نسقیکم قرأتنه کوره سقیی بیانی ایچون سوق
اولنمش استینافدر یاخود من حرفی تتخذون فعلنه متعلقدر * منه کلمه‌سی
مؤکد ظرفدر یاخود ومن ثمرات کلمه‌سی تتخذون کلمه‌سنه صفت اولان مقدر
ثمر لفظنك خبری اولمغله * تقدیر کلام ومن ثمر النخیل والاعناب ثمر تتخذون
منه دیمك اولور * ترکیبین اولینه کوره منه ضمیری عصیره راجع وترکیب ثالثه
کوره ثمره عائد اولور * واتخاذ اولنان رزق حسندن مراد تمر وزبیب وخل
ودبس کبی حاصلات لطیفه‌در * سکر کلمه‌سی فتحتینله سکر فعلنك مصدریدر
مجازا خمره اطلاق اولندی * اهل اسلام مقدما می اشام اولوب بعد الهجرة
حضرت نبی ذیشاندن ماعدا اصحابهٔ کرام کما کان کمیت بادپا ایله همعنان
اولدیلر * فخر عالم حضرتلری بعثتدن یکرمی سنه مقدم حق مکرملرنده
شرب خمر محرم اولمشیدی * کرچه مقدم ومؤخر ذائقه‌دار بادهٔ تر اولمامشدر
اول مانهانی عنه ربی بعد عبادة الاصنام شرب الخمر حدیث شریفی مؤید
مدعادر * فی نفس الامر اول اب اتش نهاد لکسر وسامان شعوری برباد ایلمك
فسادی اقدم مفاسددن اولدیغی بعض اصحاب طبع سلیم معاینه ایتملریله
نفسلرینه تحریم ایلدیلر * ثانیا * ثالثهٔ هجریه‌ده اجلهٔ اصحابدن حضرت
عمر وحمزه ومعاذ بن جبل اول ام خبائثدن مواد ازالهٔ عقول وسلب اموال
کبی بعض کیفیات وفظیعه‌یه مبنی خمر وهمعیاری اولان قماردن

استفتا ایتملریله * ویسئلونك عن الخمر والمیسر قل فیهما اثم کبیر ومنافع للناس
واثمهما اکبر من نفعهما * کریمه‌سی نازل اولمغله * اکثر اصحاب اثم کبیر اولان
نسنه‌یی ارتکاب موقع صوابدن دوردر دیو دامن صهبادن دست افشان تعرض
اولدیلر * قوله تعالی قل فیهما ای فی تعاطیهما اثم کبیر لاقتضائهما ترك المامور
وفعل المحظور * ومنافع للناس من کسب المال والطرب والالتذاذ * وتزید
الخمر تشجیع الجبان وتوفیر المروة وتقویة الطبیعة * ثالثا * رابعهٔ هجرتده
عبد الرحمن بن عوف بعض یارانی دعوت وترتیب بزم عشرت ایدوب *
زور کیفیت بادهٔ ناب‌له دماغ حس وشعورلری بیتاب اولمغله * صلوة مغربده
حضرت مرتضی جماعت مسلمینه پیشوا اولوب سورهٔ فاتحه‌دنصکره قل یا ایها
الکافرون سوره‌سن اسقاط لاآت نفیدن بشقه لیس لکم دینکم ولیس لی دین
وتیره‌سنده سبق لسان ایتمکله * فی الحال یا ایها الذین امنوا لاتقربوا الصلوة
وانتم سکاری حتی تعلموا ما تقولون * کریمه‌سی نازل اولوب حالت سکرده
نمازه تقربدن ممنوع اولدیلر * بعضلری نماز ایله بینمزه حائل اولان نسنه‌یه لازم
دکلدر دیو ترك ایدوب * برفرقه اوقات صلوتده جامهٔ ذائقه‌لرك خون
کبوتردن پاك ایلیوب بعد العشاء والفجر نشئه‌ناك اولورلر ایدی * رابعا *
سادسهٔ هجرتده ایکی سیئه مبنی خطر ونهی وارد اولمشدر * اولا * عتبان
ابن مالك انصاری برقاچ اصحاب کرامه ترتیب ضیافت ایدوب برسر شتری
بریان وبنت العنبی دخی درمیان ایلمش ایدی * کرما کرم اولدقده اقتضای نشوهٔ
مستی ایله شرف انسابه متعلق مناشدهٔ اشعاره ابتدار ایلدیلر * اهل دائره‌دن
سعد بن ابی وقاص کندی قومنك مدح وانصارك نقص وقدحنی متضمن
برقصیده انشاد ایتمکله انصاردن بریسی نوالهٔ بزم اولان استخوان سر شتری
سعدك کله‌سنه حواله ایلمکین کاسهٔ سرندن می کلکون کبی خون روان اولمغه
بشلدی * سعد بو هیئتله درکاه رسالته کلوب عرض وشکایت ایلدی *
ثانیا * پیش ازان برکون سید الشهداء حضرت حمزه نشئه‌دار رحیق مصفا
اولمغله حضرت مرتضانك ایکی ناقه‌سنی شمشیر ایله هلاك ایلدکدنصکره
جکرلرك اخراج وسناملرك قطع ایلدی * حضرت مرتضی خبردار اولوب
وارد قده بشرهٔ حمزه‌ده کیفیت دیکر مشاهده ایتمکله شق شفهٔ کلام ایتمیوب
عودت وحضور رسول اللهه کلوب کردار حمزه‌یی حکایت ایلدی * حضرت
رسول الله حاضر بالمجلس زید بن حارثه‌یی الوب وحضرت حیدر برابر طرف
حمزه‌یه متوجه اولدیلر * حین لقیانده برکزیدهٔ عالمیان حضرتلری بوکار
ناهمواره ابتدارك سببندن استفسار بیوردقده حمزه پرخشم وغضب اولوب

خارج طور ادب بعض کلماته دهنکشای مجاسرت مستی اولیجق صاحب
سعادت حضرتلری همان قهقرانه رجعت بیوردیلر * حضرت عمر بالجمله
بو فساداته باعث ام الخبائث ایدر اللهم بین لنا فی الخمر بیانا شافیا دعاسیله نیاز
مند درگاه کبریا اولمغله * یا ایها الذین امنوا انما الخمر والمیسر والانصاب
والازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون انما یرید الشیطان
ان یوقع بینکم العداوة والبغضاء فی الخمر والمیسر ویصدکم عن ذکر الله
وعن الصلوة فهل انتم منتهون * کریمه لری نازل اولمغله * حضرت عمر انتهینا
یارب دیوب همان اول ساعت فرمان سرور ملك رسالتله کوشه کوشه اسواق
مدینه ده الا ان الخمر قد حرمت نداسیله دن بعد اول نامحرم ناشیرهٔ شیم هم بزم
رجال دین اقوام اولمق محرم اولدیغی اعلان واشاعت ایلدیلر * میسر قمار
معناسنه در * انصاب نصبك جمعیدر پرستش ایچون مشرکینك نصب
ایتدکلری صنم معناسنه در * ازلام جمع زلم در فتح زا ولام ایله ضم زا ایله ده لغتدر
قدح معناسنه درکه دلکسز تمرنسز اوقه دیرلر * جاهلیتده شروع اولنجق
مصلحت ضمننده انکله استقسام ایدرلر ایدی * بو وجهله که اوچ اوق الوب
برینه امرنی ربی ودیکرینه نهانی ربی یازوب اوچنجیسنه نسنه یازمزلر
ایدی * بعده اوچنی بردن برظرف ایچره قیوب اجاله ایتدکدنصکره
لاعلی التعیین برنی اخراج ایدرلر ایدی * امرنی ربی ایله مرسوم اولان
چیقارسه اول مصلحته مبادرت ایدوب واکر نهانی ربی مرقوم اولان
چیقارسه فراغت سهم ثالث چیقارسه ینه وضع ایدوب فعل سالفی تکرار
ایدرلر ایدی * ایت خامسه دخی بو سنه ده نازل اولدی * سرمست سلافهٔ خبر
نوشبوه ایله ادارهٔ جام اثر ایلمشدر که علی الاطلاق نهی ومنع خمر بابنده نازل
اولان نص قاطع موجبنجه حکم حرمتنی ازقه واسواقده منادیلر اعلان
ایلدیکی اوانده انس بن مالك شوهر مادری ابو طلحه خانه سنده برقاچ
احباب ایله نوشانوش بادهٔ ناب هنکامه سنده ایکن * اواز منادی کوشزد
ابو طلحه اولمغله اشارت ابو طلحه ایله انس چیقوب ماده دن خبردار وبارانه
اخبار ایتمکله خم وپیمانه لری بخت وارون لای کشان معارف کبی سرنکون
ایلدیلر * پیاله کشان مجلسدن بعضیسی احد ملحمه سنده مست سلافهٔ
شهادت اولان بعض مسلمانك ساغر معده لری سرشار شراب اولدیغی حالده
متوجه صوب نعم المآب اولدقلرین پیشنهاد مناسبت ایتمکله * لیس علی
الذین امنوا وعملوا الصالحات جناح فیما طعموا کریمه سی نازل اولوب اول
سرکرمان زنجبیل شهادت قبل التحریم متناول اولمریله مظهر نسکال

اولمه جقلری بیان وبشارت بیورلدی * قوله تعالی فیما طعموا ای تناولوا الطعام
الشامل للمشروب * ایضا * زمان خلافت فاروقیده برکون قدامة
ابن مظعون لب الای بادهٔ کلکون اولوب اظهار رنك مستی ایتمکله
حضور عالیلرینه احضار وحد سکر اجراسنه ابتدار اولندقده * بو ایت کریمه
ایله احتجاج صددنده اولمغله حضرت فاروق وابن عباس رضی الله عنهم ایت
مرقومه کذشتکان امت مغفورا ایچون عذر وعنایت وپسماندکان ملت
مبرور اوزرینه حجتدر دیوب جلد ثمانینله حد سکره اعمال دست همت
ایتدیلر *

* سینا غزا خیبر فدك القری * قضا بشیر مرتین قدسری *

سینا قولی ظرف قدرم مؤخر غزی فعلنه متعلقدر * غزا النبی فی سنة ستین خیبر
تقدیرنده در * فدك ووادی القری عاطف مقدر ایله خیبر اوزرینه معطوفلردر
قضا لفظی اتزان ایچون قصر اولنمشدر * کذلك تقدیر عاطفله غزی جمله سی
اوزرینه معطوفدر * ووقعت عمرة القضا تقدیرنده در * بشیر مبتدادر
قدسری جمله سی خبردر مرتین مفعول مطلقدر جمله سی عاطف مقدر ایله
معطوفدر بیت مرقوم بش لایحه یی مشتملدر * غزوهٔ خیبر * غزوهٔ فدك *
غزوهٔ وادی القری * عمرة القضاء * سریهٔ بشیر دوباره * غزوهٔ خیبر *
ولادت باسعادتك التمشنجی سنه سی که سابعهٔ هجریه در اواخر محرم الحرامنده
غزوهٔ خیبر صحیفه زیب مغازی سید البشر اولمشدر * امام مالك حضرتلرندن
اواخر سادسه ده اولدیغی مرویدر * وابن حزم بو روایت اوزره جزم ایتمشدر
لکن ابتدای سال شهر هجرت حقیقی اولان ربیع الاول اعتباریله شقاق
میانهٔ روایتین قرین التیام واتصال اولور * خیبر شام جهتندن مدینه یه
سکز برید مسافه ده مزارع معموره وحصون موفوره یی مشتمل بر ولایتدر *
هر برید درت فرسخ اولمغله جمعا اوتوز ایکی فرسخ اولور عمالقه دن بانیٔ مدینهٔ
منوره اولان یثربك برادری خیبر نام کمسنه بنا ایتمکله اسمیله موسوم اولدی *
بعضلر خیبر لفظی یهود لغتنده حصن معناسنه در حتی مشتمل اولدیغی
حصونه خیابر اطلاق اکا مبنیدر دیدیلر * شهسواران مضمار خبر بو زمین
اوزره عنان انکیز سمند اثر اولدیلر که * مقدما اشارت اولندیغی اوزره موکب
جلالت حدیبیه دن معمورهٔ دار الهجره یه معاودت ایدوب کراع الغمیم نام
محله ورودلرنده سورهٔ فتح شریف نازل ونفحات مواعید الهیه ایله ادمغهٔ
حواس مجاهدینه انبساط وقوت حاصل اولدی * واقعا ان سرائر قرآنیه
ومغانم کثیرة تاخذونها کریمه سندن مراد مغانم خیبر اولدیغی تنصیص

ایتمشلردر * پس شهنشاه معلا جاه سریر اصطفا علیه اتم الصلوات واهم التحایا حضرتلری هجرتسرای فلك فرسالرنده یکرمی کون مقداری اقامتدنصکره * وقعهٔ حدیبیه ده همپای جهاد اولان اجناد حمیت نهادی استنفار وبالجمله تهیئهٔ اسباب کارزار ایتمك باینده فرمان عالی اصدار وجهت توجهلری یهود خیبر اولدیغنی اشعار وبوسفردن متخلف اولنلر بهره دار غنیمت اولمیوب وعزیمتدن مراد انجق فی سبیل الله جهاد اولمغله دار الخزانهٔ متخیله لری آکندهٔ شوق امتعهٔ دنیا اولمیانلر بمله همقدم مرافقت اولسونلر دیو امر بیوردیلر * سباع بن عرفطه مکین مسند خلافت اولوب پرده نشینان حرمسرای نبوتدن ام المؤمنین ام سلمه جنابلری هودج آرای همراهی واستصحاب اولندی * عباد بن بشر بر مقدار مردان میدان کارزار برله طلایهٔ لشکر جرار تعیین بیوریلوب اثنای راهده ناکاه جاسوس خیبریانه مصادفت اولنمغله کرفتار * ومورد ووروددن استفسار ایلدکلرنده * انکار ایتمکله ضرب وایعاد خوف جانه سرنهاد اولیجق استیمان ایدوب بعد الامان خیبریان طرفندن جاسوس اولدیغنی اقرار وبیان ایلدی * وچند روز ظرفنده کرچه کافری بنای ساحل منافقت وباپای فرنکستان شقاق وشقاوت خذول جهول ابن ابی بن سلول علت اتحاد ملت برله توجه اسلامیاندن خیبریانی خبردار * وسپاه اسلامك ضعف وقلتنی اشعار ایدوب بی محابا کارسازیٔ حرب ووغا برله مقام مدافعه ده قیام ایلیه سز دیو جنك وجداله اغرا ایلدی * لکن مقدما بنو قریظه وبنو نضیر حقلرنده سبق ایدن معاملهٔ سطوت کندیلره مدار عبرت اولمغله حصار درون موهون الاساسلرینه جنود مجندهٔ رعب وهراس مستولی اولمغین کمیت وکیفیتکزی تجسس ایچون بنی ارسال ایلدیلر دیدی * عباد اول یهودی بی کشیدهٔ پیشکاه رسالت وتقریرینی ابداع سامعهٔ سعادت ایلدکده حضرت عمر قتلی باینده استیذان ایدوب عباد زیر زنهارده اولدیغنی اخبار ایتمکله * غایت مصلحته قدر حبس وامر محافظه سینی عباده تفویض بیورلدی * ختام ملحمهٔ خیبرده نطق فاروق کارکر اولمشدر * مرویدرکه موکب جلالت عنان انکیز شتاب عزیمت اولوب بر کیجه رکاب ورحالده شائبهٔ فتور وکلال مشاهده اولنمغله * سپهسالار رسالت ممتازهٔ اصطفا علیه راموز التحایا حضرتلری * عامر بن اکوعه که سلمه بن اکوعك عمی وبرادر رضاعیسیدر * حرك بنا الرکاب تعبیریله هزجران ارا حیزاولسنه اشارت بیورمغله اولدخی اشبو رجز عبد الله بن رواحه ایله زمزمه پیرا وشوق انکیز رکاب رهپیما اولدی *

* اللهم لولا انت ما اهتدینا * ولا تصدقنا ولا صلینا *
* فاغفر فداء لك ما اقتفینا * وثبت الاقدام ان لاقینا *
* والقین سکینة علینا * انا اذا صیح بنا اتینا *
* وبالصیاح عولوا علینا * ان الذین قد بغوا علینا *
* اذا ارادوا فتنة ابینا * ونحن عن فضلك ما استغنینا *

بالجمله دوه لر وجده کلوب سرعت سیرهنکامنده عادتلری اوزره بیونلرین اوزادوب سفینهٔ هوا یافته کبی دریای ریك روانده جریانه باشلدقده سپاه اسلام شادکام اولدیلر * حضرت سید حصور برحمك ربك دعاسیله قلب عامری معمور بیوردیلر * جناب فاروق یا رسول الله خدا حقی عامر شرفیاب شهادت اوله جقدر نولیدی بوماتده ایله بو عبد مستمندیکز دخی فیضمند اولیدی دیدی * زیرا سلطان انبیا حضرتلری مواطن غزوات وسرایاده کیمك حقنده بو دعا ایله جوهرپاش دعا اولدیلر ایسه اول کمسه عاقبت نائل دستمایهٔ شهادت اولمشدر * ارجوزهٔ مرقومه نك عنوان مطلعی اولان اللهم لفظی امام مسلم روایتیدر * کرچه روایت دیکر اوزره * لاهم یاخود والله وبالله عنوانلری مقتضای میزاندر * قوله اقتفینا ای اتبعنا والمراد اکتسبنا وقوله فداء لك ای نفدی انفسنا فداء لك فهی جملة معترضة بین الفعل ومفعوله * وفدی متعد بنفسه * فاللام للتقویة والمراد انه یبذل نفسه فی رضاه سبحانه وتعالی فلا یرد ان معناه جعل المفدی نفسه بدلا عن المفدی عند توقع مکروه یلحق المفدی فهو من اطلاق اسم الملزوم علی اللازم * تکمله * عامر خوش اولدقدنصکره سرور سرافراز حضرتلری ناظم ارجوزه عبد الله بن رواحه دن دخی استرجاز بیورملریله اولدخی مع الزیاده نواپرداز اولدقدنصکره ابن رواحه نکدخی دماغ روحنی اللهم ارحمه نفحه سیله اراحه بیوردیلر * وقعهٔ موته ده احراز شرف شهادت ایلدی * موکب همایون اقبال روزافزون ایله طی دشت وهامون ایلیه رك شبهنکام منزله نام مقام منصب اعلام ثریا انتظام اولدقده برساعت نجومی قدر اول موضعده تعریس اولنوب امام صف اصفیا انده صلوة تهجدی ادا بیوردقدنصکره اول موضعده بر مسجد بنا بیوردیلر * حالا مسجد منزله ایله شهرتیاب ومصلی الاعیاد اولان معبد والاقبادر * منقولدرکه اول اثناده راحلهٔ خاصهٔ نبویه بی زجر وتنفیر قالقوب برجانبه زمامین سوریه رك مسیبانه توجه ایلدی * حضار اخذ واعاده سنه قیام ایتدکلرنده حضرت سرورهدان حقیقت دعوها فانها مأمورة مقالیله تعرضدن کف یدایتملرینه امر واشارت بیوریجق موضع آخرده واقع بر صخره

سایه‌سنده زانوزده‌ٔ زمین استقرار اولمغله منزل اولدن مستناخ من قومه نقل
وانده دخی بر مسجد شریف اتخاذ اولندی * بر روایتده محط اول حصون
خیبردن نطات نام قلعه‌یه اوق منزلی اولدیغندن بشقه نخلستان اراسندن
اهل حصارک دغدغه انداز سپاه ابرار اولمق ملاحظه‌سنه مبنی رأی حباب
ابن منذر ایله منزل ثانی‌یه تحول اختیار اولندی * قول دیکرده خیبریان ایله
بنو غطفان میاننه حیلولت ایچون محل مزبوره نقل بارخانهٔ کلفت اولندی
زیرا خیبریان القای ابن سلول ایله ابن ابی الحقیق ایله هوذه نامان یهودیلر
وساطتیله بنو غطفاندن مستمد اولوب غائلهٔ استیلای اسلامیانی ازاله ایدرلر
ایسه نصف محصول خیبری غطفانیانه پیشکش ایلمک شرطیله طرفلرینه
جلب واماله ایدوب * طمع بلاسیله وافر غطفانیان امداد خیبریان ایچون
عزم راه ایتمشلر ایکن ورالرندن بعض اصوات خیول وجمال استماع ایتملریله
لشکر فیروزی اثر طرفندن عیال ومالالرینه تعرض اولنمق احتمالیله عودت
وداعیهٔ اعانتدن پای عزیمتی دامنکش فراغت ایلدیلر * بنو غطفاندن
رشتهٔ امید خیبریان منقطع اولیجق مقتضای جبن جبلی یهود اوزره حصارده
ایچ اغریسی کبی قرار وپس دیواردن مطارحهٔ حرب ومکافحه‌یی اختیار
ایلدیلر * وهر کیجه بر قاچ سواریلری چیقوب پیرامن حصاری کشت وکذار
وتجسس احوال سپاه نصرت شعار ایدرلر ایدی * موکب محتشم سرزمین
خیبره وضع قدم محترم بیوردقلری کیجه اقتضای حکمت الهیه ایله سرجمله
خیبریانک ادمغهٔ حواسلرینه ابخرهٔ ردیهٔ غفلت استیلا ایدوب طلوع افتابه
قدر مردهٔ صدساله صفت بی حس وحرکت یاتوب قالدیلر * حتی خروسلری
دخی آسودهٔ دغدغهٔ صباح اولوب دواب ومواشیلری دخی فراموشکار
جنبش صباحی وشیههٔ صبوحی اولمشلر ایدی * لکن کونی شعشعهٔ خورشید
ایله بیدار اولوب هر بری پژمرده روی وژولیده موی خفقان واضطرار ایله
الات زراعتدن بیل وزنبیل بدوش مزارعلرینه عزیمت نیتیله دروازهٔ
حصاردن بدر اولدقلرنده * سواد عسکر رسیده روپاندن باصرهٔ بصیرتلری خیره
ونظارهٔ حیرتلری تیره اولیجق هول جانله والله محمد والخمیس دیه‌رک مداخل
حصاره کریزان اولدیلر * فائده * السنهٔ اصحاب اصطلاحده خمیس بش
قطعه‌دن عبارت اولوب مقدمه * ساقه * یمین * یسار * قلبی مشتمل اولان
جیش عظیمه استعمال اولندی * تتمه * برکزیدهٔ عالمین علیه الصلوة فی کل
حین حضرتلری یهودیلری بو وضعله مشاهده بیوریجق * الله اکبر خربت
خیبر انا اذا نزلنا بساحة قوم فساء صباح المنذرین بیوردیلر * سانحه *

خرابی

خرابی خیبره حسم نبوی اول طائفه‌یه الات هدم وتخریبله ملاقی
اولدقلرندن ناشی بطریق التفأل واقع اولمش اوله * یاخود خیبرا نمک اشتقاق
کبیر جهتندن خرابه مناسبتی اولدیغندن اخذ اولنه * یاخود صورت جملهٔ
خبریه‌ده دعائیه اوله لکن امام نووی وحی الهیله معلوم نبوی اولدیغنی تصحیح
ایتمشدر * فتح الباری مؤلفنک ویحتمل انه بطریق الوحی تعبیری کلام نووی‌یه
موافق * وانا اذا نزلنا بساحة قوم فساء صباح المنذرین قول شریفی مدعای
من بوری مؤید در * فائده * اقتباس قرآنی جوازینه بو حدیث شریفله
استدلال اولنور * تکمله * محرران دفترخانهٔ ممالک جهان اسامی قلاع
خیبری بو وجه اوزره ثبت جریدهٔ بیان ایتمشدرکه * مطلقا حصون ولایت
خیبر اوچ نوعی مشتملدر بریسی حصن نطاة درکه * حصن ناعم وحصن صعب
وقلهٔ جبل اوزره مؤسس حصن قله‌دن عبارتدر * بعده زبیرک حصه‌سنه
اصابت ایتمکله حصن زبیر ایله مشتهر اولمشدر * ایکنجیسی حصون شق
درکه حصن ابی وحصن البراءدر اوچنجیسی حصون الکتیبه درکه دنیه
تصغیر ایله بو دخی اوچ حصندن عبارتدر * حصن قموص حصن وطیح
حصن سلالم ضم سینله سلالم دخی درلر * پس مجموعی سکز حصندن عبارت
اولدی فرمانفرمای کشور اسلام علیه التحیة والسلام حضرتلری *
ابتدا حصون نطاة اوزرینه توجیه لوای نصرت انجام بیوروب قلوب یهوده
القای وهن وفترت ایچون امر بیورمغله * نطاته متعلق خرمالقدن درتیوز
خرما اشجاری قطع ایلدیلر * بعده فراغتیله فرمان بیورمغله من بعد
تعرضدن کف ید ایتدیلر * چون جمله‌دن مقدم نطاة محاصره‌سنه شروع
اولنوب بر زمان طرفیندن تیر وخدنکله عظیم جنک ایلدیلر * برکون
یهود بی فلاح سوق تازیانهٔ قابض الارواحله حصاردن چیقوب هزبریشه
حرب وقتال اوزرینه هجمه‌ریز استیصال اولدیلر * مردان میدان کارزار
دخی قارشولیوب درحال نتیجه کشتنی نابکارلری مسافر دار البوار ایلدیلر *
اول کون سالار کتیبهٔ اخیار حضرتلری ظرب نام اسب صبارفتارلرینه
سوار اولوب وجود بهبودلری ایکی زره داودی ایله اراسته * سر سعد
افسرلرنده مغفر ودست جلادتکسترلرنده نیزه وسپر بورسمه ادوات حرب ایله
پیراسته اولمشلر ایدی * سربازان عرصهٔ شجاعتدن محمود بن سلمه اولکون
ملحوظدن افزون تکاپوی جلادتمونی ایله بیتاب اولوب تأثیر حرارت افتاب
وکرانیٔ اسلحه دخی ضمایم اسباب ناتوانی اولمغله * حصار ناعم مردان
جنکدن خالی اولمق احتمالیله سایهٔ دیوارینه التجا ایلدی * مکرمرحب

باخود کنانه نام یهودی مترصد کمینگاه فرصت ایدی * بالای سر دیواردن
برسنك دست اسیای کرانوزنی سر محموده بروجهله حواله ایلدیکه * بیضهٔ
مغفری هشم ایدوب جلد جبیننی رخسارنه بازگونه قناع ایلدکدنصکره
بیضهٔ دیدهٔ عالمدیده سی برندن طشره پرتاب ایلدی * اصحاب کرام
اول حالتدن آگاه اولوب پیشگاه نبوت دستگاهه ایصال ایلدکارنده *
بالذات دست عنایت پیوستلریله پوست پیشانیسنی محل اصلیسنه تسویه
بیوروب برعصابه ایله کمر سرنه جبیره بند اولدیلر * چند روز مرورنده
متأثرا عازم دار السرور اولدی * روز هفتم حصارده قلعهٔ ناعمدن حارث نام
برعابث چیقوب برمدت میدانداراق ودایسنده تك وپوی کرارانه
ایلدکدنصکره حملهٔ شیرانهٔ حضرت کرار ایله روبراه دار البوار اولدی *
بعده قرنداشی مرحب که شجاعتی تسلیم کردهٔ ابطال قبائل عرب درمیدانه
کیروب * شعر *

* قد علمت خیبر انی مرحب * شاکی السلاح بطل مجرب *

* اضرب احیانا وحینا اضرب * اذا الحروب اقبلت تلهب *

رجزیله مبارزانه طرید وجولان ایلدی * همان عامر بن اکوع باد صبا کبی
برندن قوپوب بیت *

* قد علمت خیبر انی عامر * شاکی السلاح بطل مغامر *

دیه رك مرحبه مقابل اولدی بری برینه شمشیر ایله خصمانه حمله ایدوب
مرحبك تیغی عامرك سپرینه وعامرك تیغی شتابندن کندی زانوسنه
اصابت ایتمکله همان حلهٔ آلگون شهادتله عازم روضهٔ رضوان اولدی *
خلق کفتکویه دوشوب عامر کندی نفسنی هلاك ایتمکله نائل رتبهٔ شهادت
دکلدر دیمکله برادری سلمه خلقك بو رسمه قیل وقالنی عرض درگاه دیومی
الجلال ایلدکده * حضرت سید الکونین انه لشهید وان له اجرین بیوردیلر
* تکرار مرحب نعرهٔ هل من مبارز ایله میدانی پرولولهٔ شور وشغب ایتمکله
حضرت رسول کریم شو لئیمه برغریم مقابل اولسون دیو امر بیوردیلر * سلمه
انا له انا الموتور مقالیله رخصتخواه دخول میدان اولدی * موتور اول کمسنه
درکه اقاربندن بری مقتول اولوب هنوز انتقامی اخذ اولنمیه حضرت
رسول الله قم الیه اللهم اعنه علیه تعبیریله اجازت ودعا ایدوب سلمه دخی
میدانه اقتحام وشیرانه آهنك انتقام ایلدی * برقاچ حمله گذرا شدنصکره
ساق مرحب برضربهٔ تیغ سلمه برله دونیم اولوب مبتلای طبطاب اضطراب
جانکنشی اولمیم دیو سلمه یه بنی قتل ایله دیو نیازمند اولدی * سلمه دخی زهرابهٔ

مرك جانخراشی برادرم کبی سنده تجرع ایله دیوب صاوشدی * بعده جناب
حیدر کرار اول نابکاره تصادف ایدوب دلالت ذو الفقار ایله ایصال دار البوار
ایلدکدنصکره سازوسلبنی استلاب ایلدی سلمه حضور عالی جامع المعالیه
کلوب مرحب بنم اوقلی شکارم اولوب لکن اذاقهٔ تلخئ هلاك ایچون
ارخا ایتمشیدم دیدی * حضرت مرتضی دخی تصدیق مدعا ایدوب
سازوسلبنی سلمه یه تسلیم ایلدی بعده مرحبك برادری یاسر نام کافر انتقام
مرحب اخذی ایچون بیت

قد علمت خیبر انی یاسر * شاکی السلاح بطل مغادر *

دیوار جوزه کنان بکران ران میدان اولوب * نعرهٔ هل من مبارز ایله طنین
انداز قبهٔ آسمان اولدقده زبیر حضرتلری مقابله یه ابتدار ایلدی * زبیرك
مادری صفیه بنت عبد المطلب یا رسول الله نورقرم فرزندمی قتل ایدر
دیو ممانعت نیازنده اولیجق * حضرت سرور ارای لولاك ایلکه فرزندك
انی افتادهٔ خاك هلاك ایدر بیوردیلر * واقعا یاسر رهبری سیف زبیر ایله
دار السعیره مسافر اولدی * حضرت سید العالمین زبیر حقنده گوهر نثار
شاباش وتحسین اولوب * فداك عم وخال لكل نبی حواری وحواریی الزبیر
بیوردیلر چند روز طرفیندن بالدفعات عظیم محاربات وقوع بولوب * آخرکار
اول حصار استوار دست تیاری کرار ایله فتح وتسخیر اولندی * اهل حصاردن
بقیة السیوف اولنلر هزار صعوبتله حصن صعبه نقل سواد ثقلات ایلدیلر *
اولدخی ایکی گون حصر وتضییق اولندقدنصکره حباب بن منذر مباشرتیله
نزع اولنوب درونده ذخائر وافره ظهور * وبرخانه زیرزمینده منجنیق
ودبابه وتیغ وسپر کبی حرب ادواتی بولنمغله دفتر غنیمتده مسطور اولدی *
حصار مزبورده دخی تخلیص رمق جان ایدن ملاعین بدپیمان حصار قله یه
گریزان اولدیلر * غزات اسلام اول حصار دائره سنده دخی اوچ گون متوالیا
اشتعال نائرهٔ حرب وخصام ایلدیلر * روز ثالثده بر یهودی استیمانله بارگاه
جلالتعوانه کلوب دلالتیله زیرزمیندن قلعه یه جاری اولان صولری قطع
اولنوب بووجهله یهودلری گرفتار کرب واضطراب ایلدیلر * برگون جمله سی
بالاتفاق حصاردن چیقوب آتش کبی دلیران اسلام اوزره هجوم ایلدیلر *
سپاه مسلمین دخی مقابله ایدوب اول بدمست میکدهٔ ضلالتلری سرگران
شرب الیهود خامشی ایتمك ایچون پیمانه پیمای تیغ دشمن کشی اولوب * ساغر
سیف الماس رنك لعل فشانی بزم رزمده جام هلالی کبی اداره واجاله وخون
دشمن دونی جرعه اسا دشت وهامونه اراقه واساله ایلدیلر * آخرکار همت

قواضب ابطال ابرار بر اله اول حصن محکم دخی طرف اسلامیانه مسلم اولدی
بعده شق حصونی اولان شق حصن ابی محصور اولوب سربازان میدان دین
فرزانه ومردانه اقدام ابو دجانه ایله یکدهن زمزمه ساز تکبیر اولوب بیکبار
نور ایمان وار اقتحام حصار ایلدیلر * تخلیص گریبان وجود ایدن مخاذیل
یهود حصن برایه جان آتدیلر * حصارمن بور خلقی بغایت تیرانداز اولملریله
اسلامیان اوزره تیرباران ایلدیلر * حتی پرتاب اتدکلری تیرلر بریسی جامهٔ
پاکیزهٔ نبوی یه اصابت ایلدی * صاحب المعجزات علیه افضل الصلوات
حضرتلری زمیندن برقبضه خاک الوب اول خاکسار پرخسار طرفنه حواله
ونثار بیورمغله * باذنه تعالی چشم وچهرهٔ ادبارلری غبار آلودهٔ خوف
وانکسار اولوب * اقدام اقداملرینه تزلزل طاری وعروق واعصاب غیرت
واهتماملرینه رخاوت وتململ ساری اولمغله * اول هنگامده مردان اسلامیانک
هجوملریده علاوهٔ اسباب پریشانی اولمغین * حصارمن بور دخی تیسیر رب
قدیر ایله نزع وتسخیر اولندی * درونده نحاس وفخاردن اوانی بیشمار
بولنمغله امر صاحب شریعتله بعد الغسل استعمال اولندی * بقیهٔ اهل حصار
حصون کتیبه دن قموص نام حصاره فرار ایدوب حصارمن بور اعظم
واحکم حصون خیبر اولمغله * یکرمی کون صبح وشام اعمال ادوات اقدام
اولنوب انجامنده اولدخی زور سرپنجهٔ جلادت کرار ایله قلاع اسلامیه دن
شمار اولندی * صفیه بنت حیی بن اخطب جملهٔ سبایای قموصدن اولمغله
اول مخلده محرم شبستان نبوی اولمشدر * بعده وطیح وسلالم محصور سپاه
اسلام اولوب اون درت کون حصر وتضییق خصوصنده کارسازی سعی
واهتمام اتمام اولنمغله عاقبت منجنیق نصبنه مبادرت اولنمغین قلوب یهود کنود
استیلای رعب وهراسدن تب لرزه نمود اولمغله * نقود وامتعه واسلحه وسائر
اجناس اموالدن برنسنه المیوب انجق جامهٔ تنلریله مواطن اخرایه
جلا ایتملک اوزره غریو استیمانی رسیدهٔ قبهٔ اسمان ایتمکله * شهنشاه کشور
ایمان علیه الصلوة فی کل الزمان حضرتلری دخی شرطمن بور اوزره برات امان
احسان بیوروب صورت کتم اشیاده رسم امان ترقین واجرای مجازاتلری
منوط مشیت سید العالمین اولمق اوزره عقد رشتهٔ عهد ایلدیلر * بو وجه اوزره
یهود خیبر حصاردن بدر اولوب فرداسی سرور سرارای اصطفا علیه لوایح
التحایا حضرتلری مقدم پر اطافتلریله حصن قموصی مغبوط صحن جنت
بیوردقده رتق وفتق امور خیبر مسلم دست استبداد تصرفی اولان کنانه بن
ربیع احضار موقف خطاب اولنوب عندنده مودوع اولان کنج ابو الحقیق

نضیریدن

نضیریدن که کنجینهٔ بیک پوست شتر نضار خالص العیار * وعقود انواع جواهر
واجناس حلی فاخردن عبارت ایدی * استکشاف بیوردیلر * مکر شاهد
ظفر جانب اسلامیانده جلوه کر اوله جغنی استیقان ایلدکده بر محله
دفن ونهان ایلمشیدی * کنانه جواب سید الابرارده کنج معهوده مهمات
کارزاره مصروف اولدی دیو کریوه کیر خلاف اولمغله * حضرت واقف
سرائر دوجهان یا کنانه اکر بو باده دروغ بی فروغک نمایان اولورسه دمک هدر
اولوب سطر امانکه کشیدهٔ خط بطلان اولسون می بیوردقده اولدخی تسلیم
کردن رضا وقبول ایلدی * قاضی محکمهٔ دین علیه الصلوة فی کل حین
حضرت شیخین مکرمین وجناب علی المرتضایی قید سجل شهادت *
ومتعینان یهود بدملندن دخی اون نفری استشهاد ایله نکاشتهٔ ذیل حجت
بیوردیلر * اخبار برید آسمانی ایله اول کنج شایکانی معلوم رسول ربانی
اولمغین * جم غفیر ایله واروب موضع مکنوزی حفر * وبعینه ظاهره اخراج
اولنمغله حبالهٔ معقودهٔ عهد کنانه ده اثر غدر عیان اولمغین * کالباحث
عن حتفه بظلفه مثلنه مضرب اولوب چرکابهٔ دم فاسدی ناودان شمشیردن
اجرا * وعیال واطفالی وابستهٔ سلاسل سبایا اولدی * مال مرقوم که اون
بیک التونله مقوم ایدی وسائر غنایم که خارج حوزهٔ تقویم مقومین ایدی *
جمع اولنوب حضرت مصطفی علیه اصفی التحایا نفس انفسلریچون صفیه
بنت حیی بن اخطبی اصطفا بیوردیلر * بیت آتیده کیفیت ازدواجی تفصیل
اولنور انشاء الله تعالی * افراز خمس شرعیدن صکره بین المسلمین تقسیم
اولندی * مهمه * معلوم اوله که همت جاذبهٔ شمشیر اسلامله براوردهٔ قبضهٔ
اغتنام اولان مال مغنم تخمیس اولندقدن صکره * خمس اثلاثا فقراء یتامی
ومساکین ومسافرین بینلرنده توزیع اولنوب * باقی اربعهٔ اخماسی دخی
امام اعظم رحمه الله عندنده پیاده یه بر وسواره ایکی سهم اولمق اوزره بین الغزاة
تقسیم اولنور * وامام شافعی علیه الرحمه عندنده پیاده یه بر وسواره اوچ
سهم اعطا اولنور * ذکر اولنان ملحمهٔ خیبرده غزات مسلمین بیک ایکیوز
پیاده وایکیوز سوار اولمغله * اربعهٔ اخماس اون سکز حصه اعتبار
اولنوب امام شافعی روایتی اوزره هریوز نفره بر سهم اعطا اولندی *
زیرا اون ایکی سهمی علی السویه بیک ایکیوز پیاده یه واوچ حصه ایله التیسی
ایکیوز سواره ویرلدی * امام اعظم عندنده سواری اوچیوز نفر اولمغله
ایکیشر حصه ایله ینه التیسی انلاره اعطا اولندی * وحدیبیه وخیبر
وقعه لرنده حاضر اولان مجاهدین بهره مند نفل وغنیمت اولوب بالکز

حديبيه ده موجود اولنلر جابر بن عبد اللهدن ماعدا اوبا الكز خيبرده موجود
اولنلر قرين حرمان اولديلر * وبو ملحمه ده همراه اولان نسوان مسلمين دخى
نائل نائلهٔ رضخ اولديلر * يعنى قبل القسمه مادون السهم بر رمقدار نسنه ايله
تطييب اولنديلر * زمان جاهليتده امير الجيش حصه سنه ربع غنيمت عائد
اولور ايدى * شريعت محمديه حكمى موجبنجه منوال مشروح اوزره قسمت
اولنور * وشرعده غنيمت اول نسنه يه دينور كه حرب قائم اولديغى حالده
عنوة كفاردن انتزاع اولنه * پس حصون خيبرك جميع املاك وعقارات
واشجار وآبارى غنيمتدر * زيرا سكانى حصونه التجا ومحاربه يه اجترا
ايلدكدنصكره ضرب شمشير ايله كشيدهٔ تملك وتسخير اولندى * اما وطيح
وسلام نامان حصارلر نفوس واولادو عيالارينه امان شرطيله صلحا فتح
اولنمغله فئ اولمشدر ومال فئ زمان سعادتده جانب نبوى يه مخصوص اولمغله
حصارين مزبورين املاك واموالاريله عائد طرف سيد الكونين اولوب
ال وازواج مطهراته معيشت تعيين بيورلدى * وزمان سعادتدنصكره فئ
خليفه ومجاهدينه * منحصر اولميوب بالجمله مسلمين بينلرنده تقسيم
اولندى * وانى البيان فدك قريه سى دخى صلحا فتح اولنمغله اولدخى فئ
مخصوص اولمشيدى * طوباى بهشت اصطفا عليه اطيب التحايا حضرتلرى
خرامان روضهٔ بقا اولدقدنصكره فئ وصفى حكملرى ساقط اولدى * زيرا
خصوص مزبور ضمننده نازل اولان واعلموا انما غنمتم من شئ فان لله خمسه
وللرسول ولذى القربى واليتامى والمساكين وابن السبيل كريمه سنده تعليق
الحكم بالمشتقات يشعر عليته مأخذ الاشتقاق قاعده سى اوزره فئ وصفى يه
استحقاق حضرت محمدى محض رسالته مبنى اولمغله * حكم مرقوم
حياتلرينه مختص ايدى * امور جمهورى اداره وتمشيت جهتنه تعلق
اولمديغندن زمان سعادتدنصكره رؤيت مهام ناسه قيام ايدن خلفايه دخى
عائد اولمدى * يوخسه بعضلرين معوج الطريق خبط وخطايه انسلاكلرى
اوزره بعد وفاته عليه السلام رسالت نبوى يه شائبهٔ انقطاع ترتبنه مبنى
دكلدر * كذلك روح پرفتوح سيد العالمين كنت نبيا وادم بين الماء والطين
حديث شريفى موجبنجه بدن اعملرينه تعلق واتصالدن اقدم دخى وصف
نبوتله متصف ايديلر * سائر انبياى عظام حضراتى بعد الاتصال صفت
نبوتله حائز عز واجلال اولديلر * پس وصف نبوت ذات شريف محمدى
وروح لطيف احمدى يه نسبت عرض لازم ياخود عرض لازم قبيلندن
اولمش اولور * تكمله * ذكر اولنديغى اوزره حضرت شاه معلا سرير

اجتبا عليه من الصلوات ازكاها يهود خيبرك نفوسنه امان
ويروب اقطار اخرى يه اجلالرينه توجه بيورمشلر ايكن * خيبريان اغاز
تضرع ونياز ايدوب بزلر بوديار دن رفع ثقلت وجود ايتدكدنصكره
باغ وباغچه ومزارعى رؤيت ايچون اجير اتخاذنه محتاج اولنوب *
كندى اراضيمزك مقتضا وملايمنى اجانبدن بهتر بيلديكمزه مبنى
اعمار ومحافظه سنده اهتمام ايليه جكمز دركار اولمغله * اول خدمت بزم
عهدهٔ لياقتمزه تفويض بيورلمق مستدعادر * واحسان بيكرانكزدن تعيين
بيوريلان رواتب عند مزده مرضى الرغائبدر ديو استرحام ايتمرلريله *
منبع رحم وشفقت حضرتلرى دخى حاللرينه مرحمت بيوروب مقابلهٔ عملده
نصف محصولات كنديلرينه عائد * واصل ملكده علاقه دن متجرد اولوب
مراد اولنديغى زمان اخراج وازعاج اولنمق شرطيله برلرنده تمكين ايله احسان
بيورديلر * بعده زمان عبد الله بن سهل اول سرزمينده مقتول بولنوب
برادرى دركاه سرمدى الاشتباه عرضحال ايتمكله * سلطان الانبيا عليه
التحايا حضرتلرى عبد اللهك ديتنى اعطا والا آمادهٔ حرب وهيجا اوله سز ديو
خيبريانه امرنامه اصدار بيورديلر * خيبريان عبد اللهك قتل واهلاكى
ماده سنده عمل وعلمدن برائتلرين حلف بالله ايله تأكيدى حاوى ضراعتنامه
تقديم ايتمرليله * حضرت خير البريه عليه افضل التحيه يوز رأس شتر ايله توديه
بيورديلر * بعده زمان خلافت فاروقيده مظهر بن رافع ملك يمينى اولان
اون نفر غلام ايله شام طرفندن ورودنده خيبره مسافر اولوب * ملاعين
جهوداندن بريسى اول غلاملره خفيه سزلر اون نفر دلاور اولوب برشخصك
زبردست قهرنده زبون ومبتلاى متاعب كوناكون اولمق دائرهٔ عقل
وادراكدن بيروندر * سزلره مخصا رحم وشفقت وحال پرملالكزه رقتدن
ناشى سويلرم * بوبليه دن نجاتكزك طريق انيقى بودركه * زمين خيبردن
چيقدقدنصكره اشبو خنجر خارا كذار برله كندوسنى قتل ايدوب * پنجهٔ
تحكمندن تخليص كريبان ايليه سز ديو مانند شيطان قلوب غلمانه كيروب
اول خنجرى دخى كنديلره ايداع ايلدى * اول خائن بد طينتلر دخى لعين
مرسوملك اضلالنه مغبون اولوب بر مقتضاى خبث جبلت افنديلرى اولان
مظهرى قتل ايلدكدنصكره خيبره عودت ايلديلر * سكان خيبر
دخى اوخنزير بچه لرك زاد راهلرين رؤيت واتمام ورو براه جانب شام ايلديلر *
عبد الله بن عمر رضى الله عنهما تحصيل مال مظهر ضمننده عازم خيبر اولوب
بقين كادكده بركيجه مغافصة شبخون ودست وپالرين الودهٔ زخم وخون

ایلدیلر* عودتده درگاه خلافتپناهه کلوب عرض کیفیت ایدیجک
حضرت عمر منبره چیقوب جماعت مسلمینه خطابا یهود خیبرک عبدالله‌یه
ومطهر بن رافعه وعبدالله بن سهله ایصال اتدکاری ملعنت وخسارتلرینی
سرد ایلدکدنصکره حضرت سید الانام علیه ازکی السلام اول ملاعین
خیانت انجاملره اقرکم ما اقرکم الله تعالی بیورمشلر ایدی* الحالة هذه حضرت
جبارک حکم نفی واجلاسنه سزاوار اولدیلر دیمجک بالجمله انصار ومهاجرین
تصدیق کلام امیرالمومنین ایلدیلر* ومقدما لا یبقی دینان فی جزیرة العرب
حدیث شریفی دخی جناب فاروقه بالغ اولمشیدی* متن حدیثده واقع
جزیرة العربدن مراد بعض جزیره اولان ایالات حجازدر* زیرا آخر کلام
سید سرافراز اولان ان عشت لاخرجن الیهود والنصاری من الحجاز حدیث
شریفی مخصصدر* حضرت عمر رضی الله عنه یهود خیبری اجلا ایلدکده
بعضسنک جزیرة العرب داخلندن اولوب* لکن حجازه متعلق اولمیان ارض
تیمایه کیتملری دخی مؤید اولور* مملکت حجاز مکه ومدینه ویمامه‌دن عبارتدر*
طائف مکه‌یه خیبر مدینه‌یه متعلقدر* ارض مرقوم نجد وتهامه میانی
حاجز اولمغله حجاز ایله موسوم اولدی* چون حضرت عمرک اجلایه نصب
نفس عزم وجزملری مسموع یهود خیبر اولیجق بنو حقیقدن بر یهودی
خاکپای فاروقه جبین سای اولوب* یا امیرالمومنین حضرت محمد بزی
دیارمزده تمکین بیورمشیکن شمدی جناب سعادتن اخراج وازعاجه نیت
بیورمشلر دیمجک* حضرت عمر دخی اتظن انی نسیت قوله صلی الله علیه
وسلم لک کیف بک اذا خرجت من خیبر یعدو بک قلوصک لیلة بعد لیلة
بیوردیغی یهود مسفور هذه هزیلة من ابی القاسم دیدی* حضرت عمر
کذبت یا عدو الله دیوب دخول وخروجلری کونلرندن ماعدا اوچ کون
امهال بیوردیلر کندیلرینک ویهود فدکک ونصارای نجرانک دخی قیمت ماللری
ویریلوب جمله‌سنی اماکن اخری‌یه طرد واجلا بیوردیلر* بعده مهاجرین
وانصار ایله واروب عهد نبویده اولدیغی کبی اصحاب سهمان اوزره تقسیم
ایلدیلر* بدیعه* ثروتیان زماندن حجاج بن علاط السلمی اول اثناده تجارتله
جانب مکه‌یه جمازه‌ران عزیمت بولنمغله مفخر کائنات علیه اکمل الصلوات
حضرتلرینک ساحه‌ء تیره‌نالک خیبره پرتوبخش فتح وظفر اولدقلری خبری
مسموعی اولیجق* بارگاه فلک اشتباهه رومال وشرف اسلام ایله محتاز دستانه
عز واجلال اولدقدنصکره* یا رسول الله اکثر اهالی ام القرا ذممنلرنده متفرق
مطلوباتم اولمغله مایه داردین مبین اولدیغمی استماع اتدکلرنده تعصب

کافرلری ادای حقوقه دامنگیر اوله جغی درکار اولمغین* اذن شریفکز برله
مکه‌یه واروب مالمی استخلاص ایده‌یم* اما حسب المصلحه بعض کلمات
ظرافت ایات تفوهنه رخصت نیاز ایدرم دیو استیذان ایدیجک* جناب
برگزیده‌ء عالمیان اشارت ابروی اجازت بیورملریله جانب مکه‌یه عنان انگیز
مسارعت اولدی* منقولدرکه بدخواهان قریش سلطان الانبیا
حضرتلرینک طرف خیبره توجیه لوای غزا بیوردقلری کوندنبرو پیام انهزام
سپاه اسلامه چشم وگوش اولوب* آینده‌گان وروندگاندن تجسس اخبار
ایدرلرایدی* حجاج بن علاط دخی مکه‌یه وصولنده علی العاده برگروه
سبکمغزان پریشان فطرت بر محلده حلقه‌بند جمعیت اولوب* آیا وقعه‌ء
خیبر نه‌یه منجر اولدی دیه‌رک احوال خیبری درپیش مناسبت ایتمشلر*
حویطب بن عبد العزی ایله برگروه اهل اسلامک ظفریاب اولملری طرفنده
وعباس بن مرداس ایله برفرقه‌سی سمت خلافده اولوب طرفین یوز رأس
دوه رهنیله عقد ندب ایدرلر* حجاجی کوردکلرنده اسلامیانله خیبریان
احوالندن نه خبر بیلورسن دیو استفسار ایلدیلر* حجاج شیوه‌ء نازکانه ایله سزه
موجب انشراح درون اوله‌جق بر پیام بشارت نمونم وار دیدکده ایکی جانبدن
طنوب مددبران اقدم بزی مبتهج وخرم ایله دیو نیاز ایلدیلر* حجاج دخی
معلوم اولسونکه سیف خیبریانله شیرازه‌ء محمدیان پریشان اولوب اکثر اصحابی
طعمه‌ء شمشیر وحاشا محمد دستگیر اولدیلر* وخیبریان سزلری دخی حصه‌دار
شرکت انتقام ایتمک ایچون بوطرفه کتورمکه عزم وجزم ایلدیلر دیمجک*
بیدماغان قریش عقیده‌ء یهوداسابی اصل واساس اولان بو مژده‌ء سخریه
مساسدن شادان ورقصان اولوب طرف طرف هذا محمد یقدم به علیکم
نداسیله درون ام القرایه غلغله‌بخشا اولدیلر* اندنصکره حجاج بالجمله طرائف
اموال اسلامیان تاراجکرده‌ء خیبریان اولمغله ذمم سکان مکه‌ده اولان مالمی
جمع وتجار اطراف مسارعت ایتمزدن اقدم واروب رخیص بها ایله اشترانیدی
جاذبه‌ء قدومم اولمغله* بو بابده اعانتکزی رجا ایدرم دیدکده* رسم مژدگانی
مقامنده وقت یسیرده جمیع مطلوباتی جمع وتسلیم ایلدیلر* بو خبر وحشت
اثر گوشزد حضرت عباس اولدقده متاع صبر وآرامی تالان وفرط
حیرتدن قالب بیجان اولوب* هله بر تقریب حجاجه تنهاجه ملاقی اولدی*
اشاعت ایلدیکی پیام پردهشتک حقیقتندن استکناه ایلدکده اول مرد آگاه
یا عباس حقیقت حال موافق دلخواهدر لکن برمقدار صبر برله نفسنه
جبر ایله لا محاله سنی کوروب راحة الارواح اصولندن سکا بر نغمه‌ء دلکش

نوای بشارتله بخشندهٔ انشراح اولورم دیدکده * عباس بر مقدار خوشدل اولوب عودت ایلدی * تمام اموری رؤیتدنصکره عزیمتی هنگامنده عباسه واروب اوچ کونه قدر کتمانتی توصیه ایلدکدنصکره * یا عباس مژده اولسونکه حالا مفخر عالم حضرتلری باجمله قلاع خیبری فتح وتسخیر واموال واملاکلرین بین المسلمین تقسیم ایلدی * وذات معالی مأنوسلرین دختر والئ خیبر صفیه ایله عروس اولدیغی حالده ترک ایدوب کلدم دیوب جملهٔ ماجرایی بیان ایلدکدنصکره * عباسه وداع ایدوب سمت مقصوده روان اولدی * حضرت عباس مسرور وشادان اولوب اوچ کون سعادتخانه لرنده آرآم وروز چارمده البسهٔ فاخره ایله جسم لطیفنه زینت تام ویروب * وعصای عاصی اشاملک درکف ایلدیکی حالده انبساط قلبله مسجد حرام پیرامننده طوافه اغاز ایلدی * سفهاء قریش عباسک بو وضعنی تجلده حمل ایله خنده زن استهزا اولدیلر * اتمام اشواط طوافدنصکره انجمن قریشه کلوب * ع * الجبل القاصف لا یزحزحه العواصف * ثابته سی صدمهٔ تندباد حوادث دنیویدن جبل شامخ ذات نبوی یه شائبهٔ زیغ وزوال طاری اولمدیغنی عنوان صحیفهٔ مباهات اسلامیه ایلدکدنصکره * جوی شمشیر اسلامیانله اصحاب حصون خیبرچرکابهٔ شرک وضلالتدن پاک وشعشعهٔ مهجهٔ رایت محمدیان برله اول سرزمین مستضی وتابناک اولوب * حتی ملکهٔ خیبر صفیه بنت حیی بن اخطب دخی شرف ازدواج مصطفوی یه مظهر اولمشدر * دیو واقع حالی کما سمع واوعی نقل وانبا ایلدی * سرکشتکان قریش یا عباس بو قرطهٔ خبری سکا کیم اویزهٔ کوش تبشیر ایلدی دیو بین الجد والهزل استخبار ایلرنده * سزی کهنه شراب فریبله بدمست ایدوب بو تقریبله مالنی استخلاص ومحمده لاحق اولان مرد خاص یعنی حجاج بن علاط دیدی * واقعا بر قاچ کون مرورنده اوازهٔ دبدبهٔ فتوحات ولوله انداز مسامع کائنات اولمغله * قریش حجاجک بو دسیسه سندن چاک چاک وبو پیام دلدوز اهل اشراکدن مشرف هلاک اولدیلر * فایده * حجاجک نصر نام بر فرزند دلبندی اولوب ظاهرده زیور حسن وبها ایله اراسته اولدیغی کبی باطننده دخی حلیهٔ صلاح وتقوی برله پیراسته ایدی * عهد خلافت فاروقیده مادر حجاج بن یوسف الثقفی اشبو بیت

* هل من سبیل الی خمر فاشربه * ام من سبیل الی نصر بن حجاج *

نشیده سیله زمزمه ساز اولدیغی سامعهٔ فاروقه عکس انداز اولدیغی * نصرک نفی واجلاسی بابنده فرمان ایلدیلر * نصر موجب نفی اوله جق جرم

ناکرده سندن استفسار ایلدکده * واقعا بو بابده دامن احوالنده نقطهٔ رشاشهٔ جنحه وتهمت یوقدر لکن لا تطهر فی الله ان لم اطهر دار الهجرة منک بیوروب نصری اجلا ایلدیلر * بو مقاله یه مبنی عروة بن زبیر بر کون حجاج بن یوسف الثقفی یی یا ابن المتمنیه تعبیریله نشانهٔ نشابهٔ تعییر ایلدی * غزوهٔ فدک * غزوهٔ مرقومه عقیبنده مدینه یه ایکی مرحله مسافه ده بفتحتین فدک نام قریه دخی بطریق الصلح فتح اولندی * دهقانان مزارع اخبار بو زمین اوزره تخم افشان آثار اولمشدر * که سالار جیوش ابرار علیه التحیة مادار اللیل والنهار حضرتلری * اقبال وابهتله خطهٔ خیبری بازدهٔ رکض خیل جلادت ایلدیکی خلالده محیصة بن مسعود الحارثی یی اهالئ فدکی ولیمة العرس اسلامه دعوت ایچون ارسال بیوروب * اولدخی بر موجب امر عالی فدک اهالیسنی مائدهٔ دین محمدی یه دعوته ابتدار * واجابت ایتمدکلری صورتده پامال جیش سطوت اوله جقلرنی اشعار ایله ترهیب وانذار ایلدی * سبکسران فدک بو وجه اوزره جوابدادهٔ ثقیل الوزن خفیف المال اولدیلرکه * الحالة هذه خیبریان اون بیکدن زیاده دلیران اولوب خصوصا عامر ویاسر وحارث ومرحب کبی پهلوانلر اولمغله سپاه اسلام انلر ایله مقاومت ایلمک بیرون دائرهٔ عقول واوهامدر دیو امتناع واستنکاف ایلدیلر * پس محیصه بو جواب ایله عودته مبادرتده بعض عاقبت اندیشان دست اعتذار ایله دامنکیر رجعت اولوب * یا محیصه بعض اکابرمز برله مشورت ایدوب خلاصهٔ آرالرین عرض ساحهٔ بیان ایدنجه قدر تأنی وتأخیر ایلیه سز دیو نیازمند اولدیلر * اول اثناده ناعم قلعه سنک فتح وتسخیری خبری شایع اولمغله قلوب فدکیانه خفقهٔ خوف وخشیت عارض اولمغین * متشبث دامن استیمان اولوب متعینلرندن نون بن یوشع نام یهودی یی چند نفر ریش سفید روسیاهانله رجای مهادنت ضمننده خاکپای حاجتروای نبوی یه ارسال ایلدیلر * مجلس سید الابرارده تعاطئ کفت وشنید بسیاردنصکره متصرف اولدقلری املاکک نصفی مفوض جانب بیت المال اولمق اوزره قطع رشتهٔ مقال وعقد ربقهٔ سلم صلاح اشتمال ایلدیلر * بو منوال اوزره مستمر اولوب تا که دور خلافت فاروقیده نصف دیکری دخی طرف بیت المالدن اشترا اولندی * غزوهٔ وادی القری * حضرت مهر سپهر مجد وشرف غائلهٔ خیبری برطرف ایلدکدنصکره وادی القری اوزرینه توجه لوای نصرت النوا بیوروب یهود وادی القری بر مقدار خار وخاشاک حشرات ایله زعم فاسدلرنجه سدزای دیده رود سپاه ظفر سمات ایتمک سوداسنه دوشدیلر * حضرت شاه رسل هادئ سبل

عليه الصلوة ما تماس الجزء والكل ابتدا اول سرکشتکان بادۀ غوایتی صراط
مستقیم هدایتنه دعوت بیوروب * اول پنبه درکوش غفلتلرآ جانبندن مجاذبت
ایتملریله بحث ثانی اولان جدل وقتاله مبادرت اولندی * طرف اعدادن
برخود غمامیدانه کیروب مبارز طلب ایلدکده زبیر حضرتلری مقابل اولوب
برضربه ایله کار حیاتنی رسیدۀ حد تمام ایلدی بری دخی کیروب اولده
ذوالفقار کرار دن حصۀ متاحنه نائل اولدی * بر نابکار دخی کیروب
ابودجانه نك سلافۀ سیفیله مست جاودانی اولدی * اندنصکره هزبران بیشۀ
شجاعت بیکبار حمله ریز صولت اولوب هنکام غروبه دك نائرۀ کارزار شعله دار
وبازار حرب وپیکار برقرار اولدی * فرداسی ینه طرفیندن اهنك جنك
اولنوب اخر کار زوربازوی اقتدار ایله قریۀ مزبوره دخی نزع وتسخیر وچاروب
شمشیر ایله لوث وجود دشمنان بدسیر دن تنقیه وتطهیر اولندی * مال غنیمت
بین الغزات قسمت اولنوب مالك ممالك رحم وعنایت حضرتلری انلاره دخی
یهود خیبر کبی تحمیل منت وکندی مزارع ومرابعلرنده علی طریق
المناصفه عملداراجرت تعیین بیوردیلر * متقارب وادی القری تیما اهالیسی
فتوحات متعاقبه دن سامانزدۀ شعور وثبات اولملریله * دست مسکنتله
قرع باب مرحمت ایتملریله نیازلری اوزره سکۀ رقبه لرینه ضرب جزیه ایله نقرۀ
مغشوش حیاتلری مأمون اتش شمشیر اولوب * کما کان یرلرنده ایوا واملاك
واعقارلری ایدی تصرفلرنده ابقا اولندی * عمرة القضاء * بو عمره یی عمرة
القضیه وعمرة الصلح وعمرة القصاص ایله ده موسوم ایلدیلر * سنۀ حدیبیه ده
بیت الحرامدن صد ایله عند الحنفیه فاسد اولان عمره یی قضا واجر عمره یی
متضمن اولدیغیچون عمرة القضا ایله مسما اولدی * اما صد ایله عند الشافعیه
عمره یه فساد عارض اولمز قالدیکه بو مسئله نك مبنای اختلافی عمره ایچون
احرامبند اولوب بعده صد ورجوع بولنسه عند الحنفیه قضا لازم هدی لازم
دکلدر * وعند الشافعیه امر برعکس در * پس شافعی یه کوره حضرت
فخر کائنات قریشله مقاضات یعنی مصالحه ایتمکله قضا ایله تسمیه اولندی *
بناء علیه عمرة الصلح ایله ده موسوم اولمشدر * قضیه ده قضا معناسنه در *
وعمرة القصاص ایله ده تسمیه نك وجهی بودرکه چون حضرت رسول الله
ذکر اولندیغی اوزره ذی القعده ده مصدود اولوب * عام قابلده وجه اتی البیان
اوزره عمرة القضایه عزیمتلری ینه ذی القعده ده اولمغله هنوز حرمت اشهر حرم
باقی اولوب * روایت امام بخاری اوزره الات حربله خروج اولندیغندن
اسلامیان هتك حرمت شهر حرامی استعمان ایتملریله * الشهر الحرام

بالشهر الحرام والحرمات قصاص فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل
ما اعتدی علیکم واتقوا الله واعلموا ان الله مع المتقین کریمه سی نازل اولوب
سنۀ سابقه ده کفار هتك حرمت ایتملریله قصاصا هتکنده هجنت اولمدیغی
بیان بیورلدی * قوله تعالی والحرمات قصاص احتجاج علیه ای کل حرمة
وهی ما یجب ان یحترم ویحافظ علیها یجری فیه القصاص فلما هتکوا حرمة
شهرکم بالصد فافعلوا بهم مثله وادخلوا علیهم عنوة واقتلوهم ان قاتلوکم
کما قال فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم * وعمرۀ
قضایه الات حربله اعتزام اولنوب بعده قریش تامین اولنمغله غزوة الامن
دخی اطلاق اولندی * خلاصۀ مقال سرور ستوده خصال حضرتلری *
سنۀ ستین هلال ذی القعده سی کوشۀ ابرو ایله هنکام حرکتك حلولنی ایما
ایلدکده * اصحاب کرامه تهیئۀ مهام سفریه ایچون فرمان * وسنۀ ماضیه ده
حضار مصالحۀ حدیبیه دن کوشه کیر زاویۀ عدم اولنلردن ماعدا برفرد
تخلف ایتمامك ایچون تنبیه بیوریلوب * وانلاردن غیری طواف بیت
الحرامه احرامبند آرزو اولان اصحابك دخی قبالۀ نیازلرینه امضاکش مساعدۀ
عنایت اولملریله * ایکی بیك مؤمن خالص الطویت امادۀ نهضت اولدیلر *
منشور خلافت مدینه ابوذر الغفاری نامنه ترقیم بیورلدقدنصکره * هدی
ایچون التمش رأس بدنۀ پیل پیکر اختیار واعناقلرینه جلود پاخود نعال
تقلیدیله هدایا اولدقلرنی اشعار ایدوب * تعهد خدمتلرین ناحیة بن جندب
جنابنه سپارش بیوردیلر * وعامۀ کمات غزاتك ادوات کارزاری برصندوقه یه
تعبیه اولنوب محافظه سنه بشیر بن سعد نامزد اولدی * ویوز رأس اسب
صبا رفتار احضار اولنمغله لوازم مهاملری محمد بن مسلمه عهدۀ اهتمامنه
تفویض بیورلدقدنصکره * بر آن میامن اقترانده اقبال وسعادتله
نهضت * وذوالحلیفه دن در مسجد شریفده بر لسمین احرامله جسم نازنین
اندامرینه برکونه دخی ایراث لطافت ایدوب * اوازتلبیۀ عالمکیر ایله طنین
انداز سپهر اثیر اولدیلر * اسبان واسلحه محافظه سنه مأمور اولان بشیر
ومحمدك هر برینه برجمعی همراه بیوروب * برمقدار مقدم بیشرو موکب
محتشم ایلدیلر * مرویدرکه مر الظهران نام مرحله یه ورودلرنده هرزه کردان
قریشدن چند نفر اولحوالیده بولنمغله * اسبان واسلحه ایله مقدمۀ سپاهی
کوردکلرنده محمد بن مسلمه دن استکشاف ستیرۀ حال ایلدیلر * اولدخی بکرۀ
فردا مقدم افتاب اوج اصطفا بر له اشبو محل رشك فلك زحل اوله جغنی ایما
ایلدکله * اوارکان قریش سراسیمه اولوب هروله اضطرار ایله مکه جانبنه

شتاب ایلدیلر * بالجمله قریشیان بو صدمهٔ پیام ناکه ظهوریله مسلوب الشعور اولوب * مکرز بن حفصی تفحص حال ایچون ارسال ایلدیلر * رهگذر سید الابرارده ایستادهٔ جای انتظار اولوب جناب شهریار مملکت اسلام * موکب عز و احتشام ایله اول محله واصل اولیجق * پیشگاه فلک دستگاهه مثول ایدوب * یا ابا القاسم بالجمله پیر و برنا اعتقادنده صحیفهٔ منیفهٔ شانکز خط خطای غدردن معرا اولوب و بوانه قدر طرفکزدن غدر ونکثه دائر برائر سرزده وقوع اولمامشیکن مغافصةً او زرمزه لشکرکش هجوم واغتیال اولمق نیه مبتنیدر دیو بسط مقدمهٔ سؤال ایلدی * حضرت سرور عالم دخی یا مکرز حالیا سزکزعهد و پیمانده ثابت قدم اولنوب داعیهٔ مکافحت دخی شعبهٔ آهنك عزیمتمز و حریم حرم بیت الحرامه اسلحه ایله کیرمك دخی نقش بستهٔ صفحهٔ نیتمز دکلدر * الات واسلحه لاجل الاحتیاط استصحاب اولنمشدر بیوریجق * مکرز حقا که جوهر بر و وفا مودوع گنجینهٔ ذات اصالت احتوا کزدر دیوب قریش طرفنه معاودت * وجواب رسول عالیجنابی ابلاغه مسارعت ایلیجك جمله‌سی وارستهٔ دغدغهٔ بیم وتشویش اولدیلر * وحسد ومنافستلرندن طواف سید ال عبد منافی کورمیه‌لم دیو کبارلری مکه‌دن چیقوب شعاب جبال اطرافه نقل ثقلت وجود ایلدیلر * سلطان کافهٔ وضیع وشریف حضرتلری جملهٔ الات واسلحه بی بطن یاجج نام مقامده تخلیف وبرمقدار مرد عدد وشکاری * محافظه سنه تعیین وتوقیف * بیوردقدنصکره قصوا نام ناقه‌لرینه سوار وحشم اسلام متوشح حسام اولوب * اول ماه سمای مجد واعتباری هاله وار احاطه * وهدی هدایت انتمالری کشیدهٔ پیشاپیش اوله‌رق اوازهٔ تلبیه ایسه ولوله بخشای ساحهٔ بطحا * وزلزله افزای قلوب مخاذیل اعدا اولمغله * بو کوکبهٔ عظمت ودبدبهٔ کروفر جلالتله * معلاة مکه‌دن مقابر معلایه منحدر ثنیهٔ کدأدن حرم محترم خدایه سیلاب رحمت متسلسل الورود اسا توارد ایلدیلر * اول حالتده عبدالله بن رواحه رضی الله عنه زمام کیر راحلهٔ نبوی اولوب آواز بلند ایله

* خلوا بنی الکفار عن سبیله * خلوا فکل الخیر فی رسوله *

* الیوم نضربکم علی تنزیله * ضربا یزیل الهام عن مقیله *

* ویذهل الخلیل عن خلیله * یارب انی مؤمن بقیله *

* اعرف حق الله فی قبوله * قد انزل الرحمن فی تنزیله *

* فی صحف یتلو علی رسوله * بان خیر القتل فی سبیله *

ارجوزه سیله زمزمه پیرا اولمغله * جناب فاروق اعظم جبلت حق کوینلری

مقتضاسی * یا ابن رواحه حرم پرورد کار وحضور سید الابرار موقع ترنم اشعار اولمق سزاوارمیدر دیو چهره‌نمای استنکار اولدقده * حضرت فخر الانبیا کلفشان تبسم حیات افزا اولوب * یا عمر شوق ابن رواحه‌یه کسل ویرمه که بو محلده انك سنان مقالی پوتهٔ قلوب کفاره نبل تیردن کذرانتردر بیوردیلر * بعده تلبیه ایده‌رك حرم مکرمه‌یه واصل اولوب * دست مکارم پیوستلرنده اولان چوکانله حجر اسودی استلام * وحوالیٔ بیت الحرامده مراعات رمل واضطباعله راکبا عضد یمینی کشف ایدوب اشواط طوافی اتمام بیوردیلر * صحابهٔ کرام دخی اقتدا ایلدیلر * قریشدن بر طائفه جبل قینقاعدن شیوهٔ طواف اسلامیانه باقوب مهاجرینی حمای یثرب زبون وناتوان ایتمش دیمه‌لریله * بو کلامه‌لری اخبار جبریل علیه السلام بر له معلوم سرور انام اولیجق * اشارت علیه‌لری اوزره نقیصه جویان دشمنانه اظهار تجلد واقتدار ایچون فرقهٔ ابرار اشواط ثلثه‌ده رمل وهروله‌یه درکار اولدیلر * بو رسمه متجلدانه جنبش فرزانهٔ اصحابی مشاهده ایتدکارنده * بونلار هیئت سابقه‌لرندن افزونتر زور وقوته مظهر اولمشلر * آهو کبی پرتاب ایدرلر دیو طعن ساللقلرنی الغا ایلدیلر * بعد تکمیل الطواف مروه‌یه قریب محلده هدیلر قربان وسر سعادتلرین تحلیق بیوردیلر * اکمال مناسك ایدنلرك بعضسنی حراست اسلحه وخیول ایچون بطن یاججه ارسال بیوروب * حسب الامر انده اولنلر دخی کلوب عمره‌لرك اتماملیه بکام اولدیلر * اوچ کون سعادتله مکهٔ مکرمه‌ده فرش سجادهٔ اقامت بیوریلوب * دردنجی کون هنکام ظهرده حویطب بن عبد العزی بر موجب شرط مهادنه انقضای مدته بنا * بعد ازین ساحهٔ حرمدن طی بساط آرام بیورلمق مقاله‌ایدر کاه ابدی الاجلاله کلدکده * امر سید نبیل ایله ابو رافع ندای رحیل ایدوب * همان اول کون مکه‌دن حرکت وطیبه طرفنه توجیه لوای عزیمت ایلدیلر * سریهٔ بشیر دوباره * سال مزبورده ایکی دفعه بشیر بن سعد الانصاری سریه‌سی پیرایهٔ صحائف سیر ایا اولمشدر * سریهٔ اولی ماه صیامده اوتوز نفر مرد جنکاور ایله قریهٔ فدك قربنده متمکن بنومره اغاره سنه تعیین بیوریلوب * بر موجب فرموده ره‌پیموده اوله‌رق ارامکاهلرینه قریب واردقده * سوائملرینه تصادف اولنوب چوبانلردن اصحابنی سؤال ایلدیلر * ما وارنده اولمیوب بوادیده متفرق اولدقلرنی اخبار ایتملریله سوائملریله اکتفا ومدینه جانبنه رجعت ایلدیلر * فرار ایدن چوبانلردن بریسی اهل قبیله‌یی کیفیتدن آکاه ایتمکله بالجمله سوار الغار ایله عقبکیر سپاه ابرار اولدیلر * شب هنکام بر محلده باد دبور کبی قفالرین

الوب طرفیندن مرامات نبالله حرب وقتاله اغاز ایلدیلر * صباح اولدقده
اسلامیانك قلتنی معاینه اتدکلرندن بشقه ترکشلری دخی فارغ اولمغله
یکسره کروه مجاهدین اوزره هجمه ریز استیصال اولدیلر * مجاهدین دین
دخی ابراز غیرت ایدوب اتش کبی اول جهنمیانه مقابل اولدیلر * لکن لشکر اهل
طغیان فراوان اولمغله یارای مقاومت بیرون عهدهٔ وسع وطاقت اولمغین *
اکثر مردان اسلام بدرقهٔ شهادتله عازم دار السلام اولوب چند نفر مجروح
ناتوان عطف عنان ایلدیلر * امیر سریه بشیر رضی الله عنه قطب وار ثابت
وبرقرار اولوب نیزه وشمشیر ایله خیلی مدت داروکیر ایلدی * کثرت زخمدن
بدننده جای انکشت قالمیوب عاقبت کعبنه بر زخم مهلك اصابت ایتمکله
بیمجال حرکت اولوب * هلاك اولدی ظنیله کتدیلر شب تارده معانقهٔ
بیشمار ایله فدك قریه سنه القای رخت وجود ایدوب اندهٔ زخمنه تیمار ه مشتغل
اولدی * برمقدار افاقت بولوب مستعد قدرت مشی ورفتار اولنجه قالقوب
مدینه یه ورود ایلدی * سریهٔ ثانیه * بنه سنهٔ مزبوره شوالنده سرزمین
غطفاندن بفتح الباء التحتانیه وسکون المیم یمن نام محلده عیینة بن حصن نام
یهودی فزاره وعذره قبیله لرندن جمع کثیر پیدا * ومدینهٔ منوره غارتنه
تحریك سلسلهٔ فساد وشقا اوزره اولدیغی مسموع سلطان هر دو سرا اولدقده *
اوچیوز نفر مرد مبارز اوزرینه بشیری امیر نصب وارسال بیوروب *
طی مراحل ایده رك منزل مرقومه واصل اولدقلرنده قتی وافر دواب
ومواشیلرینه ظافر اولوب ایکی نفر چوبانلرین دخی کرفتار پنجهٔ اسر ایلدیلر *
انلاردن اهل قبیله نك ارامکاهلرین تحقیق ایدوب اوزرلرینه واردقده
فرارا یتمش بولنملریله اقصای دیارلرینه قدر واریلوب موقع قتال اولمامغله
مدینه یه امالهٔ لجام عودت اولندی *

* حزم ابوبکر عمر غالب * وخاتم رسل بکتب ذهبوا *

وسری حزم وابوبکر وعمر وغالب وصیغ خاتمله علیه السلام ورسل سنة
بکتب ستة ذهبوا تقدیرنده در * رسل وکتب کلمه لرنده وزن ایچون سین وتا
اسکان اولندی * قالدیکه ظفریاب اولدیغمز نسخه لرده ذهبوا عنوا نیله در
لکن ملحوظ وملایم اولان ذاهب اولمغله او صورتده رسلك مجموعنه جهت
اتحاد ویروب وخبرده صارفعانی تضمینه احتیاج اولنور * واکرفی الحقیقه ثبت
ناظم ذهبوا لفظی ایسه رجز شعردن معدود اولدیغنه کوره بیت مزبورده
عیوب قافیه دن سناد التأسیس عیبی واردر * بو بیتده دالی لایحه مندرجدر *
سریهٔ حزم * سریه ابوبکر الصدیق * سریه عمر الفاروق * سریهٔ غالب * اتخاذ

خاتم

خاتم * بعث رسل * سریهٔ حزم * سنهٔ مزبوره ذی الحجه سنده حزم بن ابی
العوجاء السلمی رضی الله عنه اللی نفر دلاور ایله بنو سلیم اغارتنه مأمور
بیورلدی * مکر مدینه ده جاسوسلری اولوب استراق خبر ایتمکله مقدمجه
واروب انلاری اکاه ایلدی * انلار دخی اطراف واکنافدن حشرات کثیره
جلب وجمع ایدوب قدوم اسلامیانه ناظر وحاضر اولدیلر * سپاه اسلام
وصوللرنده ابتدا اسفرهٔ وسیع النوال اسلامه دعوت ایدوب * اول متمردلر ابا
ومقاتله یه اجترا ایلدیلر * اثنای مناضله ده مجددا امدادلری کلمکله مجاهدین
میدان دینی حلقه وار دائرا مادار احاطه ایلدیلر * سربازان عرصهٔ ایمان *
دخی الحق که از دل وجان رستمانه اغاز کارزار ایدوب لکن لشکر کفار بیرون
حیطهٔ عد وشمار اولمغله جمله سی دیبای کلکون شهادتله داخل منصهٔ ربات
الحجال جنت اولوب * بشیر دخی کثرت زخم واوکاردن تودیع مجال واقتدار
ایتمکله * صورت موتاده قالوب هنکامه برطرف اولدقدنصکره مقاسات
مزاخم بیقیاس ایله مدینه یه ایصال جسم فلاکتمساس ایلدی * سریهٔ
ابوبکر الصدیق رضی الله عنه * سنهٔ مرقومه شعبانده ابوبکر الصدیق
حضرتلری بنو کلاب اوزرینه تعیین بیورلدی * وصولنده اول سك بچه لرك
پنجه لرنی صدمهٔ سنك جلادت بر له عوعوه زن سوی کوی خاموشان ایدوب *
نیچه لرنی دخی وابستهٔ ساجور اسر ایدوب کشان کشان مدینه یه روان
اولدیلر * بو سریه بنو فزاره سریه سنك غیریدر زیرا سریهٔ بنی فزاره سنهٔ
ماضیه ده اولوب واول هنکامه ده بغایت کدر واضطرابه دوچار اولندی *
وامیر سریه زید بن حارثه ایدی * سریهٔ عمر بن الخطاب * رضی الله عنه
وسال مرقوم شعبانده فاروق اعظم اوتوز نفر مرد مسلم ایله مکه یه درت مرحله
مسافه عجز نام محلده هوازن اوزرینه مامور اولدی * بنو هلالدن بر رهبر
دلالتیله شبروانه عزیمت اولنوب توجه سپاه ظفر احتوا مقدمجه مسموع
زمرهٔ اعدا اولمغله طی کهنه کلیم قرارا یتملریله لشکر اسلام بر متنفس بولمیوب
صوب طیبه یه صرف لجام ایلدیلر * سریهٔ غالب * سنهٔ مرقومه رمضاننده
غالب بن عبد الله اللیثی یوز اوتوز نفر مرد جانسپار ایله بطن نخل وراسنده
نجد ناحیه سندن * مدینه یه سکز برید مسافه ده واقع میفعه نام محلده متوطن
بنی عوال وبنی عبد ثعلبه اوزرینه تعیین بیورلدی * حسب الامر طی منازل
ایلیه رك قرارکاهلرینه واصل اولوب برمقدار خصمانه جنك وپیکاردنصکره
اشرارلرندن قتی وافر کافر دار البواره مسافر * وبقیه سی همچال جراد منتشرا
اولوب کرچه برکسنه کرفتار سلسلهٔ اسرا اولمیوب لکن بیحد شتر وکوسفند قطار

اغتنامه پیوند اولدی * بعد الهزم اسامه و برمرد انصاری نهیك بن مرداس
نام فراری بی تعقیب ایدوب ابرشد کارنده لا اله الا الله دیمکله انصاری کف ید
استیصال ایدوب * لکن اسامه * النده اولان نیزهٔ جانستانله زمینه غلطان
ایلدی * عودتلرنده حضرت رسالتپناه یا اسامه اول ادمی لا اله الا الله
دیدکدنصکره نیچون قتل ایلدك دیو کشیدهٔ معرض خطاب عتاب بیوردقده
اسامه یا رسول الله اول کلمهٔ منجیه یی متعوذا متقول اولدی دیدی * حضرت
برگزیدهٔ کافهٔ ابرار غیری بر حرفه ضرب زبان گفتار بیورمیوب چند
دفعه کلام اولی تکرار ایلدیلر * اسامه دن منقولدرکه کاشکی اول هنگامده
شرفیافتهٔ اسلام اولمیوب * هفوهٔ مرقومه می تکفیر ایچون صکره متشبث
ذیل اسلام اولمغی تمنی ایلیدم * بعده حضرت رسول پروردکار اسامه
ایچون استغفار ایلدکدنصکره اعتاق رقبه ایله امر بیوردیلر * اتخاذ خاتم *
حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم مبعوث کافهٔ انام ومامور دعوت
خاص وعام اولمغله * ملوك ستهٔ عصری سورنواهنك دین مبینه دعوتی
متضمن * دبیران دیوان نبوته شش قطعه نامهٔ نامی * ومشرفهٔ کرامی تحریرینی
اشارت بیوردیلر * رسم اکهسان قوانین سلاطین اولان بعض اصحاب کزین
مادامکه صحایف مکاتیب * نقش نگین ایله تزویق وتشییب اولنمیه انظار
ملوکده رهین اعتبار اولمزدیو سدهٔ سپهر اتصاله عرض حقیقت حال ایتملریله
جناب ختمی پناه علیه صلوة الاله اولا طلای خالصدن مفرغ برخاتم اتخاذ
بیوروب * ثروتیان اصحاب کرام دخی متابعتله انکشتلرین برر انکشترین
زرین برله تزیین ایلدیلر * روزدیکر مبلغ وحی خالق القوی والقدر جبریل امین
استعمال طلا رجال امته تحریمکردهٔ حضرت خدا اولدیغنی اعلام وانها
ایتمکله * درحال نزع والقا ایدوب اصحاب کرام دخی اقتدا ایلدیلر * بعد زمان
نقرهٔ خالصدن برخاتم اتخاذ بیوروب فص سعیننده اوج سطر دلنشین که سطر
اول الله سطر ثانی رسول ثالث محمد نقش اولنمشیدی * لکن یمین مکرم ویسار
محترملری خنصرنده اولدیغی محل اختلافدر اصحاب کرام دخی هر بری
نقره دن اختیاریله مطاوعت ایلیوب * لکن نقشدن ممنوع اولدیلر * اول خاتم
مکرم عهد خلافت ذی النورینه قدر زیور انکشت اعتبار خلفا اولوب *
سال شهادتلرنده زیب یمین مفخرتلری ایکن * افتادهٔ چاه اریس اولمغله اوج
کون تفقد اولنوب نام ونشانندن اثر نمایان اولمامشدر *

* لقیصر مقوقس کسری وحا * رث النجاشی هوزة ونکعا *

لام القیصر الی معناسنه در بیت اولده ذهبوا فعلنه متعلقدر * مقوقس

وکسری عاطف مقدر ایله معطوفلردر * کذلك النجاشی وهوزة تقدیر عاطفله
معطوفلردر ضمیر فاعل نکح نخر عالمه راجعدر * الفی اطلاقیه در * مصراع
اول مرهوندر * بو بیتده التی لایحه مندرجدر * لایحه نکاح بیت ثانی یه
متضمندر مکتوب قیصر روم * مکتوب مقوقس * مکتوب کسری *
مکتوب حارث * مکتوب نجاشی * مکتوب هوزة * مکتوب قیصر روم *
صیغ خاتم ختمی پناهیدنصکره * برموجب امر نبی کریم * التی قطعه
مکاتیب شریفه ترقیم * وختم مسکی الختاملرله تتمیم اولندقدنصکره هر برینی
بر سفیرا جزله تسلیم ایدوب برکونده مجموعنی جهات مطلوبه یه بعث وتسبیل
بیوردیلر * مکتوب قیصر روم دحیه بن خلیفهٔ کلبی یه اعطا اولندی *
فایحه * قیصر لفظی لغت رومیده مشقوق عنه معناسنه در ملوك سالفهٔ
رومدن برینك والده سی حین مخاضده فوت اولوب * جنین کامل الخلقه
اولمغله مادرینك بطننی شق واخراج ایتملریله * قیصر ایله تلقیب اولنوب بعده
ملوك رومده لقب خاص اولدی * تکمله * اشبو مرسول الیه اولان قیصرك
اسمی هرقل ایدی کسر هاء وفتح رای مهمله وسکون قافله حسب السفاره *
دحیه حضرتلری مکتوب سعادتمصحوبله تختکاه قیصره وصول ووساطت
حجابله حضورنه مثول ایدوب * نامهٔ عنبرین ختام سلطان الانبیایی
دست احترامله مالیدهٔ چشم ودهان ایلدکدنصکره ید هرقله ابلاغ ایلدی *
عبارت مکتوب سعادت بودر * بسم الله الرحمن الرحیم * من محمد رسول الله
الی هرقل عظیم الروم * سلام علی من اتبع الهدی * اما بعد فانی ادعوك
بدعایة الاسلام اسلم تسلم یؤتك الله اجرك مرتین * فان تولیت فان علیك
اثم الاریسیین * ویا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا وبینکم الا نعبد
الا الله ولا نشرك به شیأ ولا یتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله فان تولوا
فقولوا اشهدوا بانا مسلمون * قیصر روم حکم اسلامله معزول اولمغله متن نامه
نامیده ملك الروم تعبیرندن کذر بیوریلوب لکن جلب وتألیف ایچون
عظیم الروم عنوانیله موقر اولندی * وسلام علی من اتبع الهدی کریمه سنك
مفهومنده تشریف سلام متبع هدایت اولنلره خاص اولمغله * تحفهٔ سلامله
کافری بدایت غائله سی برطرفدر * دعایهٔ اسلامدن مراد اسلامه داعی
اولان کلمهٔ توحیددر * با حرفی الی معناسنه در حضرت عیسی علیه السلامه
ایمانی اولوب خاتم الانبیا علیه اکمل التحایا حضرتلرینه دخی ایمان ایلدیکی
صورتنده دو بالا اجر وثوابه مظهر اوله جغی ایما بیورلدی * یا خود کندینك
مؤمن اولوب رعیتنك دخی ایمانه سبب اوله جغنه مبتنی اوله اریسیون کرچه

فلاحون معناسنه اولوب لکن مراد مطلق رعایادر * جهل وجفانک شدتی
ودینلرینک ضعف قوتی سببیله انقیاد وامتثالده سرعتلری سائردن افزون
اولمغله انلاره تخصیص بیورلدی * علیک اثم الاریسیین کلام شریفی علیک
مع اثم بقائک علی الکفر اثم تسبب بقائک علیه فی بقائهم علیه تقدیرنده در *
یااهل الکتاب کلامنده اصیل حرف ندا اولان ادعوک اوزرینه معطوف
اولمغله ادعوک بدعایة الاسلام واقول لک ولاتباعک یااهل الکتاب
تقدیرنده در * چون مکتوب بدیع الاسلوب محمدی قرأت ومضمون شریفی
معلوم هرقل اولدقده * هیبت مکتوب سعادتدن هرقلک اندامنه لرزه
دوشدی * حضار مجلس کفتکویه بشلدیلر * بعده دحیه یه برمقام تعیین
اولنوب رومیه نام بلده ده ملاذ اساقفه ورهابین وموئل بطارقه وقسیسین *
سیراً آخر تعیینی اوزره ضغاطر نام برراهب مرتاض اولمغله * کیفیت نامهٔ
صاحب رسالتی برمکتوب ایله اکا انها وشان محمدیدن استقصا ایلدی * ضغاطر
اخبار مسیحا ونطق انجیل اوزره منتظر اولان پیغمبر ذیشان بودر دیو تصدیق
رسالت علیه یی مشعر جوابنامه تحریرا تمکله ورودنده بالجمله عظمای نحلهٔ
مسیحیه یی احضار وقپولری بند ایدوب کندوسی غرفهٔ خاصلرنده قرار
ایلدی * وجمله سنه خطاب ایدوب ای معشر روم سزلک سعادت دارینه میل
ورغبتکز وارمیدر دیدکده جمله سی یکزبان تصدیق اولدقلرنده * امدی
معلومکز اولسونکه جناب روح الله علیه السلام بزه روز قیامت میاننده
برنبی ذیشان مبعوث اوله جقدر دیو تبشیرا تمشیدی * حالا علایم صوری
ومعنوی دلالتیله اول پیغمبر عالی کهر بوذات کریم الصفات اولدیغی شائبهٔ
شبهه وارتیابدن مبرادر * پس اکا متابعت ایتمک مستوجب فوز ونجات
ابدی * ومستلزم وصول سعادات سرمدی * اولدیغندن ماعدا دوام
ملککزه باعث وبقای عز وحرمتکزی مورث دردیجک * حمار وحش کبی
جمله سی صیچرایوب قپو طرفنه شتابان اولدیلر * هرقل بونلرک ایمانندن نومید
اولیجق مقصودم دینِ مسیحاده ثبات وصلابتکزی امتحان ایدی * شمدی
ایین عیسویده ثابتقدم اولدیغکز عین الیقین معلوم اولمغله جهان جهان
ممنون وشادان اولدم دیو تغییر بحث ایله جواهر پاش نوازش وتحسین اولمغین *
انلار دخی اینانوب سکوت ایلدیلر * بعده جانب جلیل المناقب سلطان
الانبیایه هدایا تنظیم ایدوب اکرچه بن نائل سعادت اسلام اولدم * اما
مغلوبیتم اظهار واعلانه مانعدر دیو ایمان خفی ادعاسنی متضمن برمکتوب
دخی ترقیم ودحیه یی رعایت وتکریم ایله ارجاع ایلدی * حضور منحصر الحبور

نبویده مکتوب هرقل قرأت ومفهومی محاط علم عالیء صاحب سعادت
اولیجق * کذب عدو الله لیس بمسلم مقالیله ثابت ظلمات ابادِ ضلال اولدیغنی
اعلام * وهدایاسی کشیدهٔ منظرهٔ قبول اولدقده عسکره دین المسلمین اقتسام
اولندی * معرکهٔ آتیهٔ موته ده صف مؤمنین اوزره آتشبار پیکار اولمغله *
مغالک نصرانیتده ثباتی بروفق تکذیب سید الابرار بدیدار اولدی *
ابن حجردن منقولدرکه هرقل جامع الکلم اولان اسلم تسلم خطاب بلاغت
نصابنک مزیتنه واقف اولسه * پناه بردهٔ معقل دین محمدی اولوب جزای
امر لک سلامت دارینه شمولی حسبیله فی الاجل والعاجل سرحلهٔ مهالک
ومخاوفدن مأمون الغوائل اولورایدی * مکتوب مقوقس * روزمرّه بورده
حاطب بن ابی بلتعه دخی مکتوب شریف اشرف البرایا برله عازم جانب
ام الدنیا اولدی * عصرمرقومده مقوقس شاه مملکت مصر جریح بن مینا
نام کمسنه ایدی مقوقس لفظی لغتده بنایی تطویل ایدن کمسنه یه دینور عرفده
قبط مصر واسکندریه حاکملرینه لقب خاصدر * چون حاطب برموجب
امر نبی غالب مصر طرفنه متوجه اولوب * مکر اول اثناده مقوقس
اسکندریه ده انکا کزین چارباش ارام اولمغین * حاطبه دخی اول جانب وجههٔ
عزیمت اولوب وساطت حاجبله سفیر سلطان الانبیا اولدیغنی اعلام وانها
ایلدی * مقوقس اول ایامده دریایه ناظر برکاخ معلا اوزره مستقر اولمغله *
حاطبی حضورنه ایراد ولوازم ترحیب وانبساطی ایفا وانجاد ایلدی *
حاطب رضی الله عنه دخی اجرای قاعدهٔ ادب وتعظیم ایله مکتوب معالیمصحوب
سید المرسلینی دست مقوقسه ابلاغ وتسلیم ایلدی * صورت کتاب نبی نبیه
الجناب بودرکه * بعینه صفحه پیرای اثر مستطاب اولمشدر * بسم الله الرحمن
الرحیم * من محمد عبد الله ورسوله الی المقوقس عظیم القبط * سلام علی
من اتبع الهدی اما بعد فانی ادعوک بدعایة الاسلام اسلم تسلم یؤتک الله
اجرک مرتین * فان تولیت فعلیک اثم القبط * ویااهل الکتاب تعالوا الی کلمة
سواء بیننا وبینکم الا نعبد الا الله ولا نشرک به شیأ ولا یتخذ بعضنا بعضا اربابا
من دون الله فان تولوا فقولوا اشهدوا بانا مسلمون * بو وجه اوزره نامهٔ سعادت
قرأت * ومفهوم هدایت مرسومی مقرون اذعان مقوقس اولدقده * حاطبه
توجیه روی التفات ورغبت ایدوب * حضرت محمد نبی علی الحق ایسه *
ایستادهٔ مقام عتو ومخالفت اولنلری صدمت دعوا تله نیچون خانه خراب
حیات ایلمزیدی * حاطب دخی معارضهٔ بالمثل طریقه سیله حضرت عیسی
علیه السلام به نیچون چهرهٔ زندکانیء معارضینی مشت درشت دعا ایله اوکار

بیورمدیلردیدی * برایکی دفعه دخی کفتاراولی تکرارایدوب خموش اولدی * بودفعه حاطب سوزه کلوب زمان سالفده نیجه مجبول غوایت مفطور حماقت کسنه‌لرحاشا ادعای الوهیت ایدوب * عاقبت طرف منتقم وجباردن نکال ونکایته دوچار اولدقلری معلوممکدر * لایق اولان سن حال غیردن اعتبار آلیوب غیره سنک حالک مدار عبرت اولمامقدر دیدی * مقوقس یاحاطب حالیا بزلر بردین اوزره برقرار اولوب اندن افضل وبهترین اولان ایین جلوه نمای عین الیقین اولمدقچه * استدلال بعیدالاحتمالدر دیدی * حاطب یاملک بزسزی یاحکم رب العزت ناسخ ادیان سالفه اولان ملت سمحهٔ بیضایه ارشاد ودعوت ایدرز * حضرت خدای مستعان بودین اسلامله شریعت متروکه‌یه خیر مکافات احسان ایدر * جناب رسول اکرم صلی الله علیه وسلم کافهٔ امم طرف آفرینندهٔ هشتده هزار عالمدن مبعوث پیغمبر مکرم اولمغله * بر موجب رسالت عامهٔ قاطبهٔ انامی سماط مبسوطة الموائد نوچاشنیٔ اسلامه صلای عام ایدرلر * صوب والااوب کرامیلرینه جمله‌دن افزونتر شدت وحقادت اظهار ایدن قریش پرطیش وعنود ویهود مردود اولوب * ملت نصارا جانب اعلای سلطان الانبیایه ملل سائره‌دن ازید قرب وانتماسی اولمغله * خدا بیلورکه حضرت موسی علیه السلامک قدوم عیسی علیه السلام برله تبشیریله حضرت عیسانک مقدم شرف توأم محمد علیه الصلوة والسلام ایله تبشیری برابر * وبزم سزی قرآن عظیم الشانه دعوتمز سزلرک اهل توراتی انجیله دعوتکز برله یکسان وهمسردر * قالدیکه هر پیغمبر ذیشانک ادراک ایلدیکی قوم انک امتی اولمغله * امر ودعوتنه امتثال واجابت محتوم ذمتلریدر * الحالة هذه سزلر خاتم الانبیا علیه افضل التحایا حضرتلرینک زمان عین اقترانلرینه ادراکله شرفمند اولدیکز * کرچه سزی دین عیسادن نهی ایتمزز لکن ملت سمحاء احمدی‌یه اتباع ایله امر ایدرزدیدی * بوکونه طرفیندن چندنوبت معاطات کؤس محاورت اولنوب * اخرکار مقوقس یاحاطب بندخی هربار حضرت محمدن روش ومنش وکردارلرین استنبا واستخبار اوزره یم * من هودالله امر ومرغوبا ندن نهی بیورمیوب سحر وکهانت وکذب وخیانت کبی رذائل اعمال ومخائف اقوال الایشندن دامن ایمن شئوناتلری پاکیزه‌تر * واخراج خبایا واخبار نجوامله واسباب نبوت ذات سعادتلرنده جلوه‌کر اولمغله * شمدیلک برخوشجه تأمل ایده‌یم دیو طرح مجلس ایلدی * بعده نامهٔ همایونی برحقهٔ آبنوسی ایچره وضع واوزرینی

مهرلیوب کنیز خاصنه اعطا * ومحافظه‌سی بابنده شرائط تنبیه وتأکیدی ایفا ایلدکدنصکره اسلوب عربی اوزره برقطعه رقیمه تحریر * وخاکپای معلا مصیر نبوی‌یه ماریه وسیرین نام ایکی جاریه ویکرمی ثوب جامهٔ قباطی ودستار ووافر طیب وعود وند ومسک وبیک مثقال دینار وچند عدد کاسهٔ بلورین وبرمقدار عسل بنها وبررأس دلدل نام بغلهٔ موزون اندام * وبررأس میمون ایله بنام طوناتمش اسب دلکش خرام * وبررأس یعفور ایله یاخود بنیه‌ٔ تصغیر ایله عفیر برله نامدار * مرکب طرفه روش خوش رفتار اهدا * وحاطبه دخی یوز عدد زرخالص وبش ثوب جامهٔ کرانبها اعطا ایلدکدنصکره * اتباع امر نبوی صورتنده قبطیان بکامطاوعتدن روکردان اولوب ملکمی مفارقت دخی بیرون حوزهٔ تحمل وطاقتدر مقالیله حاطبی اعاده واقفال * وسرحد جزیرة العربه قدر معیتنه برمقدار سواری ترفیقله منزل سلامته ایصال ایلدی * حاطب محل مرقومه ورودنده مدینه‌یه قافله‌سنه تصادف ایتمکله * بالرفاقه معمورهٔ طیبه‌یه واصل * وعتبهٔ فرقد فرعلیایه فرش جبین عبودیتله شرف لایتناهی حاصل ایلدکدنصکره * نامه وهدایایی عرض وتقدیم * وخامه‌زبان مقوقس ایله نوشته لوحهٔ حافظه‌سی اولان سطور کلماتی بکان بکان کلک ناطقهٔ صحیح البیان ایله صحیفهٔ منیفهٔ سامعهٔ نبی کریمه ترسیم ایلدکده حضرت سیدالانام علیه لوامع الصلوة والسلام ضن بملکه الخبیث ولابقاء بملکه کلام اصابت انسامیله صورت مدعای امتثالی رد واستنکار وانجام حال برکشته مآلی اشعار بیوردیلر * درکاه مخلد الاقباله وارد اولان مکتوب مقوقس بودر * بسم الله الرحمن الرحیم * لمحمد بن عبدالله من المقوقس عظیم القبط سلام علیک * امابعد فقد قرأت کتابک وفهمت ماذکرت فیه وماتدعو الیه وقد علمت ان نبیا قدبقی وکنت اظن انه یخرج من الشام وقد اکرمت رسولک وبعثت لک بجاریتین لهما مکان فی القبط عظیم ماریة وسیرین وعشرین ثوبا من قباطی مصر وعمائم وطیب وعود ومسک وند والف مثقال ذهب وقدح قوارير وعسل من عسل بنها وبغلة وفرس منتخب مسرج وحمار * حضرت رسول علیه الصلوة مادامت الفروع والاصول مقوقسک هدیه‌سنی شایان نظرهٔ قبول بیوردیلر * ماریهٔ قبطیه مایه‌دار حلیهٔ ایمان اولمغله * بروجه تسری همخوابهٔ شبستان پیغمبر ذیشان اولوب * نورس نهال حدیقهٔ صلب سیدالانام * ابراهیم علیه السلام * انک فراشندن ساحهٔ بهنمای امکانه خرام ایلدی * وخواهری سیرین برله حسان بن ثابت کامبین اولوب * وثیاب مرقومه‌نک

بعضیله جسم نازنین پیغمبر کزین تکفین اولندی * وکاسهٔ منیر تاول اب
خوشکوار ایچون اختصاص * وبغلهٔ مرسوم که سپید فام ودلدل ایله بنام
ایدی کشیدهٔ اصطبل خاص اولندی * دلدلك ارکاك اولدیغی اتفاقکردهٔ
محدثین کرامدر * اخرنده اولان تاء حرفی وحدتی متضمندر * میانهٔ عربده
آندن اقدم بغال استعمال اولنمامشیدی * ودلدل اصل لغتده کرپی دیدکاری
جانوره تسمیه‌در * استر منیر بور قیر رنکلو اولمغله اسم مرقومله موسوم اولدی *
ویعفور عین مهمله ایله مضبوطدر لون تراب معناسنه در مرکب منیر بور
طبراق لونده اولمغله یعفور ایله تسمیه اولندی * صاحب شفا قاضی
عیاضك غین معجمه ایله ضبطی مهملدر * دنها کسر بای موحده وسکون
نونله مصر قریه‌لرندن بر قریه اسمیدر * انده بغایت اعلا واحلی عسل حاصل
اولور * ذائقهٔ نبوی اول عسلدن محظوظ اولمغله برکتیله دعا بیوردیلر *
مکتوب کسری بنه روزمره و مده عبدالله بن حذافة السهمی کتاب عنبرین
نقاب رسول عالی جنابله فرمانفرمای کشور ایران خسرو پرویز بن هرمز بن
نوشروان طرفنه روان اولدی * فائده * کسری لفظی خسرو معربیدر خسرو
لغت فارسیده سلطان عظیم الشان معناسنه در * بعده بالجمله شاهان ایرانه
لقب خاص اولدی * وپرویز لغت فارسیده مظفر معناسنه در * پرویز
مرسوم مقدمجه قیصر رومله محاربه ایدوب رومیان اوزرینه غالب اولمغله
مشرکین عرب مبتهج وشادمان واهل اسلام مکدر وپژمان اولدیلر *
زیرا فارسیان نور وظلمتك الوهیتنی ادعا ایتمکله مشرك اولوب * رومیان اهل
کتاب اولمغله وحدانیت حضرت خدای بیهمتایی معترف ایدیلر * الم غلبت
الروم فی ادنی الارض وهم من بعد غلبهم سیغلبون فی بضع سنین کریمه‌سی
بو بابده نازل اولدی * فی الواقع بر مدت تدنصکره روم طائفه‌سی اعجام اوزره
غلبه وظهور ایله اخذ ثار ایدوب حتی غصب ایلدکاری صلیبلرین دخی
استرداد برله کامکار اولدیلر * قیصر روم اعجام اوزره ظفریاب اولدقدنصکره
ایفای نذری ایچون بیت المقدسه ماشیا عزیمتی خلالده سفیر ایران عبدالله
ابن حذافه‌یه تصادف ایتمشیدی * تکمله * اول سفیر هدایت سمیر طی دهاز
وکوه ایدرك تختگاه نحوست دستگاه کسری‌یه واصل اولوب بالواسطه پیام
سفارتی رسیدهٔ سمع پرویز اولدقده حضور خذلان محصورنه احضار * واشبو
عبارتله که صورت علیه‌سی ثبت صحیفهٔ آثار قلنمشدر * بسم الله الرحمن الرحیم
من محمد رسول الله الی کسری عظیم فارس * سلام علی من اتبع الهدی
وامن بالله ورسوله واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریك له وان محمد عبده

ورسوله * ادعوك بدعایة الله عز وجل فانی رسول الله الی الناس کافة لانذر
من کان حیا ویحق القول علی الکافرین اسلم تسلم فان ابیت فعلیك اثم المجوس
انتهی * مکتوب سعادت بو اسلوب اوزره قرائت * وفحوای هدایت احتوای
قرین اذعان پرویز پر ضلالت اولدقده * اول ناتمییز بی ادراك نخوت
وغرورندن کاغذ نامهٔ سرور کشور لولاکی دست ادبارنا پاکیله چاك چاك
ایلدی * روایت دیکرده قبل القراءة عبدالله بن حذافه یدندن نامهٔ مشکین
علامه‌نك اخذی بابنده امر ایدوب * عبدالله بر موجب فرمان رسالتپناه
ید بید تسلیمی ابا ایتمکله * نشیمنکاهنه تقریب وبالنفس نامهٔ سعادتی الوب
کاتب یدینه تسلیم ایلدی * عنوان نامهٔ مکرمده اسم سامی نبی تهامی
کندی نام نامبارکندن مقدم ثبت اولنمغله * وهلهٔ اولاده ترتیب مسطور اوزره
مسموعی اولیجق لعین فتنال خشمناك اولوب * مضمون اطاعت‌مقرونته
قبل الاطلاع نامهٔ نبی مطاعی پردهٔ ناموسی کبی چاك ایدوب عبداللهی
بر وجه استعجال بلده‌دن اخراجله امر ایلدی * مخذول بی ملتك سورت
غضبنه سکونت کلدکده عبداللهی التماس ایدوب عبدالله ایسه در ساعت
راحله‌سنه سوار ومتوجه درکاه رسالتمدار اولمشیدی * استانهٔ مخلد
الاجلاله جبین فرسای ابتهال اولوب وضع بی ادبانهٔ پرویزی عرض موقف
ابهت امیز ایلدکده * حضرت شهنشاه باهر الجلاله مزق کتابی مزق الله ملکه
شمشیر دعای قاطع الاجابه‌سنی کردن ملك وسلطنتنه حواله ایلدی * تمزیق
پرتمق وپاره پاره ایتمك معناسنه در * مقدما موت کسری نوشروان ماده
سنده قریب زمانده سلسله‌لری منقضی اولوب ملك وسلطنتلری اسلامیانه
منتقل اولدیغی تحریر اولنمشیدی * صدمهٔ دعای رسول اللهله الی هذا الان
مملکت ایرانده مستقر وپایدار دولت مستقله اولمیوب طوائف ملوك ایدیٔ
تغلب وتصرفنده کذران ایتمکده‌در * مرویدرکه اول حیز بی ادب بو وضع
بو لهجه‌یه قناعت ایتمیوب کار پر خشم وتبرطی غلیان واپر پر نخوت وتضرمی
تفسیدهٔ طغیان اولمغله * کندی جانب جامع المثالبندن کاشتهٔ مملکت یمن
اولان ملك باذانه خطابا حالا یثرب زمینده کابانکرزن دعوای نبوت اولان
ذات شریفی بهر حال تعیین اولنان مباشرله مصحوبا طرفمزه ارسال ایلیه سن
دیوا کید وشدید نامه تحریر وایلچی سرهنکیله تسییر ایلدی * حسب الامر
باذان کندی قهرمان دیوانی اولان بانویه ایله ابنای عجمدن خرخسره نام
کمسنه‌یی جانب طیبه‌یه روبراه ایلدی * وکندی طرفندن دخی ساحهٔ فسیح
المساحهٔ نبوی‌یه سوی ایرانه روان اولملری ملتمس برنمیقه تحریر ونامهٔ پرویزی

دخی مصحوباً بعث وتسییر ایلدی * انلار دخی طی مراحل ایدرك كرسیٔ
مملكت ایمان یعنی هجر تسرای منبع الاركانه واصل * وحضور فرما
نفرمای انس وجانه داخل اولوب * شهنشاه ایران خسرو پرویزه لك باذانه
نامه كوندروب اندن جناب رفعتمآبی التماس ایلدی * اجابت بیورلمدیغی
صورتده عسكر بیكرانله كلوب دیاركزی زیروزبر ایتملك دركاردر مقالیله
نامه لری عتبهٔ علیه یه تقدیم ایتدیلر * بو افسانهٔ غریب الفحوا مشمول علم عالم
آرای سید الوری اولیجق جوابنی فردایه احاله بیوردیلر * اول كیجه ملقن اخبار
آسمانی مبلغ احكام سبحانی جبریل امین متمثل پیشگاه رسول رب العالمین
اولوب سرپرهٔ وقعهٔ خسرو خسران انجامی جانب سرورانامه اعلام ایتمكله
دم بامدادبانویه ایله خرخسره احضار دیوان شرف آباد اولنوب حضرت
منتقم جبار جل شانه عن شائبة الاشباه والانظار جمادی الاولینك اوننجی
كونی ثلثا كیجه سی ساعت سابعه ده شیرویه بی پدر بدگهری اولان پرویز
ضلالتسیر اوزرینه سلط الله الكلب علی الخنزیر وفقی تسلیط ایدوب * اول
بدكاره بی ناب شمشیر ایله پاره پاره ایلدی بیوردی * و بو مضمونی حاوی
باذانه بر قطعه مشرفهٔ كریمانه ترقیم و بانویه یه تسلیم بیوردیلر * بانویه دخی
خرخسره ایله نامه یی الوب واصل دار الملك یمن اولدقلرنده منبع ماء الحیات
معجزات اولان دهان سید الموجوداتدن استفاضه ایلدكلری زلال پیامی
مشربهٔ سامعهٔ باذانه افراغ و نامهٔ نامیٔ همایونی دخی ابلاغ ایلدكلرنده واقعا
قصهٔ قتل پرویز مطابق قبالهٔ تقریر و تحریر اولورایسه قطعا فضیلهٔ نبوتلرنده
شائبهٔ قیل وقال وتصدیق وتسلیمدن غیری یه مجال قالمزدیوب طرف ایرانه
نگران اولدی * فی الحقیقه چندروز ظرفنده شاه نوسكهٔ ملك عجم اولان
شیرویه طرفندن پدری پرویزایله اكابر واشراف فارس میانه منافرت
دوشوب انلار لك اهلاكنه قصدا ایتمكله حمایتلری ایچون وجودنی اعدام
ایدوب حالیا متكا كزین سریر شوكت واحتشام اولدم * كما كان حكومت یمن
طرفكدن سكا ابقا و تقریر اولنمغله * اول دیار اهالیسندن بنم ایچون بیعت الوب
و پرویزك ابعاثنی طاب ایلدیكی ذات معالیسمانه رقم دیكرم صدورنه قدر
اطاله دست تعرضدن مباعدت ایلیه مزمضمونتده منشال كلمكله * باذان
حقیقت حال و معجزهٔ نبی باهر الكماله واقف اولیجق ثبوت نبوتلرنده نقطهٔ شك
واشكال قالمامغله * بی سكتهٔ تردد مسلمان اولوب قلمرونده اولان كاشنكان
اكاسره دخی بالجمله قبول ایمان ایلدیلر * مكتوب حارث * و بنه بو مرقومده
شجاع بن وهب الاسدی نامهٔ نامیٔ رسول بی مدانی برله حاكم خطهٔ شام

حارث بن ابو شمر الغسانی طرفنه عزیمت ایلدی * اول ایامده حارث رابع
اماكن معتبرهٔ جهان اولان غوطهٔ دمشق نام مقام دلارامده سریر نشین
عز وعنوان اولوب * شجاع ایكی یا خود اوچ كون دربار نحوستدارنه
ملازمت ایدوب بر كسنه وساطت و یا خود پرسندهٔ سبب عزیمت اولمدی *
هله عاقبت مری نام حاجب ایله احراز فرصت ملاقات ایدوب دستنبوی
دستان سفارتن دستخوش سامعهٔ حاجب ایلدی * حاجب تعیین روز ملاقات
ایلدكدنصكره اوصاف كریمهٔ نبویدن استنطاق ایلدی شجاع دخی بر مقدار
آیات نعوت جلیلهٔ سید الابراردن تلاوت ایلدكده حاجب اشك ریزان اوله رق
بن انجیل قرآت ایدوب اول كزیدهٔ كائناتك صفات سنیه سنی حالا اسنك بیان
ایلدیكك منوال اوزره ضبط واز بر ایدوب اكا ایمان كتورمشیدم * لكن خوف
سیاست حارث غدار پردهٔ جمال اظهاردر * و بن اول افتاب صبح اقبالی مطلع
افق شامه طن ایدردم * مكرمه شرق شارقهٔ طلعتلری ارض قرظ ایمش دیوب
شجاعه توقیر واكرام ایلدی * قرظ شجر سلم پیراغیدر بعضلر عندنده تربد ر
شجر من بو بادیه یه محصوردر * ماحصل حاجبله اتحاد ملت حسبیله
دیكرینك انس والفت اولوب تا كه رؤیت امور مملكتنه مخصوص اولان
یوم معهود حلول ایتمكله * حارث ارقه سنده اكسون ملوكانه و باشنده اكلیل
شاهانه دیوانه چیقوب صدرنشین مسند حكمرانی اولدی * حاجب
دلالتیله شجاع نامهٔ همایونی دست حارثه ابلاغ ایلدی * صورت عبارتی
بودركه نقش كتابه اثر قلندی * بسم الله الرحمن الرحیم * من محمد رسول الله
الی الحارث بن شمر * سلام علی من اتبع الهدی * وآمن بالله وصدق رسوله *
وانی ادعوك ان تؤمن بالله وحده لا شریك له یبقی ملكك * انتهی نامهٔ
سعادتی بو وجه اوزره قرآت ایلدكدنصكره ازل ادتریدین خشمكین اولوب
نامهٔ همایون خجسته فالی انداختهٔ زمین ایلیوب ملكمی بندن نزع ایتمكه
كیمده یارای استطاعت واردر دیو حاشا طرف سلطان الانبیایه بعض ناسزا
ترهات القاسنه اجترا * و در ساعت پراكنده حشراتنی جمع و یثرب زمین
اوزره توجه ایلمه یكنی ایما * برله تجدید نعال اسبان ایچون یادبروت
تورله اشعال كورهٔ فرمان ایلدی * وشجاعه دخی مشهود ومسموعی اولان
حالاتی واروب اخبار وانها ایله دیو زجر وتعنیفله چهره نمای دفع واوجا اولدی
بعده بو احوالی قیصره اعلام ایدوب پیغمبر ذیشان اوزرینه اعترام
ضمننده استیذان ایلدی * قیصره نامهٔ حارث ایلیاده كه لغت عبرانیده
بیت الله معناسنه اولمغله قدس شریفده علم اولمشدر واصل اولوب * قیصر

مضمونته واقف اولیجق بو عزمی فسخ ایدوب قدس شریفه وروده تحریك
مهمیز مسارعت ایلیه سن دیوامر نامه تحریر ایتمكله * حارث عابث
قعد علی استه قاعده سنه ماصدق اولوب * شجاع دخی اتفاقی حاضر
بالمجلس بولنمغله ضروری شجاعی قرینه دعوت واظهار تلطف وبشاشتله
هنكام اعترامندن استعلام ایلدی * شجاع دخی علی السحر روبراه جانب
سید البشر اوله جغنی خبرویردكده * شجاعه یوز مثقال التون اعطا ایلدی
* حاجب دخی قدر المیسور مهام طریقنی ترتیب ایدوب استانهٔ سعد اشیانه یه
اتحاف كادستهٔ تحیت وسلام ایلدی * شجاع مدینه یه كلوب حارثدن
صدور ایدن اوضاع بی شعورانه یی عرض سدهٔ معلا ایلدكده حضرت
مفخر الورا بادوباد ملكه ای هلك وهلك ملكه بیوردیلر * وحاجبك پیام
وسلامنی تبلیغ ایلدكده صدق تعبیریله تصدیق وتسلیم بیوردیلر * مكتوب
نجاشی * وینه روزمن بورده مكتوب معالیعنوان رسول اللهله عمرو بن امیهٔ
ضمیری ملك حبشه نجاشی طرفنه روان اولدی * بردم فرخترینده وصول
بولوب تبلیغ نامهٔ حضرت رسول ایلدی * عبارت بلاغتپروری بودركه
خال رخسار نوعروس اثر اولمشدر * بسم الله الرحمن الرحیم * من محمد
رسول الله الی النجاشی ملك الحبشة * اما بعد فانی احمد الیك الله الذی
لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهیمن * واشهد ان عیسی روح الله
وكلمته القاها الی مریم البتول الطیبة الحصینة * فخلقه من روحه ونفخه
كما خلق آدم بیده * وانی ادعوك الی الله وحده لا شریك له والموالاة
علی طاعته وان تتبعنی وتؤمن بالذی جاءنی فانی رسول الله * وانی ادعوك
وجنودك الی الله عز وجل وقد بلغت ونصحت فاقبلوا نصیحتی والسلام علی
من اتبع الهدی * زهامش مكتوبده حبشه ده هجرتكزین اولان اصحاب
كرامك ارسالنی دخی امر بیوردیلر * مكتوب سعادت مصحوب بو اسلوب
مرغوب اوزره قرأت اولندقدنصكره عمرو سوزه كلوب ای ملك طرف
ملوكانه كزه خیرخواهانه كلامم اولمغله توجیه سامعهٔ اصغا واعتبار اولنمق
دین ودولتكزه مستوجب خیریت شعاردر * جنابكزك طرف اسلامیانه ارزانی
اولان مهربانی ورأفتكزه شهودمز دركه نفسكزدن زیاده در * بزده دخی
جانب والا منافیكزه دركار اولان وثوق واعتنا كندی نفسكزدن افزونتردر
زیرا طرفكزدن بروفق مأمول هر بار نائل بروادار اولنوب * واخنداش
واحتفاظ ایلدیكمز حوادث روزكاردن زیر كنف حمایتكزده آسوده حال
ایلدهیز * وبوندن مقدم اوزركزه حجت موثوق بها اخذ ایلمشیدك بو ماده یه

مباغزده انجیل شاهد صدق وحاكم عدلدر * یوخسه جنابكزك ختم الانبیاء
علیه التحایا حضرتلری عندنده مكانتی طائفهٔ یهودك عیسی علیه السلام
نزدنده اولان وقع وحیثیتله وزاندر * حضرت سید الابرار جنابندن غیری
برقاچ ملوك طرفنه نامه‌لر اصدار بیوروب * ترجی وتأمین وتأمیل اجرمین
بابلرنده سزی جمله سندن ممتاز بیوردیلر * دیونازكانه تمهید كلمات حكیمانه
ایلدی * نجاشی یا عمرو بن شهادت ایدرمكه اهل كتابك بعثتنه منتظر
اولدقلری نبی اخرالزمان اول ذات عالیشاندر * حضرت موسانك حضرت
محمدی راكب الحمار عنوانیله تبشیری حضرت عیسانك راكب الجمل وصفیله
تبشیری كبیدر * اما الحالة هذه حبشه‌دن اعوان وانصارم قلیل اولمغله
برمدت دخی استمهال ایدرم تا كه رفته رفته قلوب قاسیه‌لرین قابل ملایمت
وصدق وتقیله كتمه مر بو طمطاوعت ایده‌یم دیدی * فایحه * معلوم
اوله كه نجاشی اولك غیریدر زیرا انك اسمی اصحمه در واهل اسلام ایكی دفعه
اكا هجرت والتجا ایلدیلر * وطرف نبویدن كذارشی ذیر اولدیغی اوزره
ام حبیبه جنابنك تزویجی خصوصنده شرف وكالتله بكام وجزما داخل
حدیقة الاسلام اولمشیدی * واعادهٔ مهاجرین بابنده طرف رسولكزیندن
مأمور اولمدی * واكا حضرت نبی مفضال سادسهٔ هجریه‌ده بردفعه سرخوان
اسلامه دعوت * وبردفعه ام حبیبه نك تزویجی بابنده احاله وكالتی حاوی
ایكی كره مكتوب عنایت مصحوب ارسال بیوردیلر * لكن نجاشی مرقومك
اسمی نا معلومدر وانك زماننده اهل اسلامدن حبشه یه هجرت وكندیسنی
نكاح امرنده توكیل واقع اولمدی * ومهاجرینك ارجاعیله مأمور اولدی *
ونهج محرر اوزره اسلامله وعد ایلدی * وشاه معلا سریر رسالت اثیر حضرتلری
نجاشی مرقومه سادسهٔ هجریه‌ده نعیم اسلامه دعوت ومهاجرینك اعاده سنه
غیرتلری بابنده فقط برنامه تحریر بیوردیلر * كرچه ایكیسیده حكم فرمای
ملكت حبشه اولوب نجاشی ایله وسیم وطرف مستجمع الشرف نبیدن
عمرو سفارتیله مكتوب ارسالنده ومكتوب شریفه تعظیم وتوقیرایلیوب
حقهٔ آبنوسی ایچره وضع ومحافظه سی خصوصنده لوازم اهتمامی تقدیم
ایلمكده مشتركاردر وایكیسنه ده دركاه ابدی الاجلالدن یالكز برنامه ارسال
ایلمدیلر * نجاشی ثانینك صورت مكتوبی عنقریب ذكر اولندی * اما نجاشی
اوله سادسهٔ هجریه یه قدر تحریر اولنمیوب سنهٔ مرقومه‌ده تحریر بیورلدی *
زیرا عمرو بن امیه انسان العیون صاحبنك نقل وتحقیق اوزره اول سفیردر *
وقالدیكه نامهٔ شرفعلامهٔ نبوی تحریر اولندیغی زمانده ایكیسیده

سقرلاطپوش کفر وضلال اولمغله حکم شریعت محمدی اوزره معزول ایکن
مکتوب سعادتلرده ملك الحبشه عنوانیله خطابك نکته سی بودرکه * بونلرك
دار الامن اسلامه قرب واجابتلری معلوم شریف نبوی اولمغله حقلرنده کمال
اجتلاب وتألیف ومهاجرینه مبذول ایلدکلری بساط نوازش واکراملرینه
مجازاتا تلطیف من یدنه مبنی بالقوة القریبة من الفعل بالفعل منزلنه تنزیل
بیورلدی * حتی عمرولك حضرت رسول علیه السلام ملوك سائره دن مأمول
ایلدیکنی مزدن مأمول بیورلر کلامی سند مدعایی تنویر ایدر * وکفرلری
جهتنه نظرا متن کتاب مستطابده تحیت وتسلیه مظهر بیورلمیوب بلکه
والسلام علی من اتبع الهدی عنوانیله تعبیر اولندی * غایت الامر
نوع تألیفی متضمن اولمغله خاتمهٔ مکتوبه تحریر اولندی * ملوك سائره نك
اسلاملری فعله بعید قوه ده اولمغله فقرهٔ مرقومه صدور مکاتبلرنده ثبت
بیورلمشیدی * بعده ذات شاه کشور اجتبا حضرتلری تبوك غزوه سندن
انصراف ومدینهٔ منوره یه تجلی بخش طلعت میمنت اتصاف بیوردقدنصکره
تاسعهٔ هجریه رجب المرجبنده بوکون نجاشی عازم دار البقا اولدی *
دیوقالقوب عن ظهر الغیب صلوة جنازه ادا بیوردقلری اتفاقکردهٔ اعلام *
ومتوفای مومی الیه اصحمه ایله بنام وخامسهٔ نبویه ده ایکی دفعه طرفنه
هجرت اصحاب کرام واقع اولوب وسادسهٔ هجریه ده دیوان نبوتدن کندوسنه
ایکی قطعه مکتوب تحریری دخی رسیدهٔ درجهٔ صحت مالا کلامدر *
لکن تاسعه یه قدر معمر اولدیغی صورتده جانشینی اولان نجاشئ اخره
سابعه ده مکتوب تحریر اولنمغی تصدیق دخی تصور ایلمز * مگرکه اصحمه
سادسهٔ هجریه ده اسلامله مشرف اولوب وام حبیبه یی تزویج ایلدکدنصکره
خلع اولنمغله یرینه نجاشئ دیگر جلوس ایتمش اوله * یاخود تاسعه یه قدر
مخلوعا قالمیوب نجاشئ آخره مکتوب تحریر بیورلدقدنصکره ینه مسند
حکومته اعاده * وتاسعه یه قدر قرار داده اوله یاخود سادسهٔ هجریه ده اصحمه
بعد الاسلام وفات ایدوب نجاشئ آخر متولئ امر حکومت اولدقدنصکره *
سابعه ده اسلامه دعوت ومهاجرینی ارجاعه همتلری بابنده طرفنه مکتوب
سعادت ارسال اولنوب * قلت اعوان عذریله اسلامی امرنده جوینده
مهلت اوله * بعده توفیق الهیله کثرت انصاره نائل ومعمورهٔ اسلامه داخل
اولوب تاسعه ده وفات وفخر کائنات علیه افضل الصلوات حضرتلری صلوة
الغیبه ایله روحنه بخشندهٔ حیات اوله * بوتوجیهه کوره نجاشئ اوله صلوة
الغیبه وقوعیاب اولمیوب یاخود وقوعی منقول یاخود نقلنه اطلاع مشغول

اولمامق محتملدر * لکن سلمة بن اکوع رضی الله عنه حضرتلرندن مروی
اولان صلی رسول الله صلی الله علیه وسلم بنا الصبح ثم قال ان اصحمة النجاشی
قد توفی فی هذه الساعة * حدیث شریفی توجیه مزبوری قادحدر * مگرکه
راوی مظهر صلوة الغیبه اولان نجاشی یی اول توهمیله اقحام ایتمش اوله *
یاخود ثانینك دخی اسمی اصحمه اوله بومقامده مضطرب اولان اقوال
اعلاملك تحریر وتوجیهنده مبلغ عقل قاصر ومنتهای فکر فاتر وتیرهٔ
مستوره در * خذ ماصفا ودع ماکدر * تتمه * سیر واقدیده ثبت اولندیغی
اوزره نجاشئ مومی الیه طرفندن جوابنامهٔ شاه کشور رسالت بوسیاق اوزره
عنوانطراز دیباجهٔ ضراعت اولدیغی رسیدهٔ نظر اولمشدر * بسم الله الرحمن
الرحیم * الی محمد رسول الله من النجاشی اصحمة سلام علیك یا نبی الله من الله
ورحمة الله وبرکات الله الذی لا اله الا هو * اما بعد فقد بلغنی کتابك
یا رسول الله * فما ذکرت من امر عیسی علیه السلام فورب السماء والارض
ان عیسی لا یزید علی ما ذکرت ثفروقا انه کما ذکرت وقد عرفت ما بعثت به الینا
وقد قربنا ابن عمك واصحابه فاشهد انك رسول الله صادقا مصدقا فقد بایعتك
وبایعت ابن عمك واسلمت علی یدیه والحمد لله رب العالمین * انتهی الثفروق
بضم الثاء المثلثة وسکون الفاء قمع التمرة * مکتوب هوذه * وینه روزمرقومده
سلیط بن عمرو العامری رضی الله عنه بلیغ دیوان رسالتله اکاسرهٔ عجم
طرفندن یمامه والیسی هوذه بن علی حنفی جانبنه عازم اولدی * وصولنده
سلیطه رعایت واتمام مراسم ضیافتدنصکره نامهٔ همایونی زیور دست اعظام
وفك ختم مسکی الختام ایلیوب * بوعبارت جانپرور ایله که بعینها پیرایهٔ
جمال شاهد اثر قیلنمشدر * بسم الله الرحمن الرحیم * من محمد رسول الله
الی هوذة بن علی سلام علی من اتبع الهدی * واعلم ان دینی سیظهر الی منتهی
الخف والحافر فاسلم تسلم واجعل لك ما تحت یدیك قوله علیه السلام الی منتهی
الخف والحافر ای ما تبلغه الابل والخیل من الارض قرائت اولندقدنصکره
سلیط سوزه کلوب ای هوذه سنی پوسیده استخوانلر واتشدان عذاب الیمده
کباب آسا سوزان ونالان اولان جانلر مکر زسیادته اجلاس واشبو
فر وشکوهله ممتاز نازا ایلدی * قالدیکه سید حقیقی اول کمسنه درکه قامت
لیاقتی خلعت گرانبهای اسلامله مزین وسر استعداد ولیاقتی تاج وهاج
دیانت وتقوی برله مکلل ومعنون اوله * الحاصل هذه طرف فرمانفرمای
ملکت رسالتدن مأمور اولدیغم اوزره سنی عبودیت رب العالمینه سوق
وهدایت * وپرستش شیطان لعیندن نهی وتحذیره مبادرت ایدرم * قرین

سمع قبول اولورسه فبها والا میانه ده کشف غطا وهول مطلع ومنقلب روغما
اوله جغی هویدا اردیدی * هوذه پادشاهی بنی مقام عز وسیادتله بکام ایدنلر
سکا دخی بو معامله ملوکانه یی ارزانی قلسه لر سندخی بنم کبی مظهر شرف
وشان ونباهت ریاستله کامران اولور ایدک دیوب * وذهننک تشتت
وپریشانیتندن بحثله استجمام ضمیر واستحضار تدبیرا تملک بابنده استمهال
ایلدی * بعده مقبل مقبلان اولان استانهٔ جلالت بنیانه یا محمد حالا بسط
ساحهٔ دعوت بیوردیغک سماط لذیذ الطعم هدایت حقا کاجمل جملهٔ نعمتدر
اما بنم علم شاعریت وخطابت طراز تشریف شان ومنزلتم اولمغله کندی قلمرو
حکومتمده وقع ومهابت وقلوب زیردستانده حیز وحیثیتم ولاة سائره دن
افزونتر اولمغین اکر محروسهٔ مملکتمزدن برمقدار خطه نک حل وعقد اموری
بکا تفویض واحاله اولنوب * یعنی بنی امرنده شایان مشارکت کورورسک
طرف سعادتکه روی نهاد تبعیت اولورم مفهوم نامنظومنده برقطعه رقعه
تحریر * وسلیطه جائزهٔ وافره والبسهٔ فاخره ویروب درکاه اعظمیر طرفنه
ارجاع وتسییر ایلدی * اول هرزه لای بی ادبک هزیان محمومین وترهات
مجانیندن عبارت اولان مضمون مزخرفنامه سی محاط علم عالی نبوی
اولدقده لو سألنی سیابة ما فعلت بادوباد ما فی یده بیوردیلر * سیابه فتح سین
مهمله و یای تحتانیهٔ مخففه ایله زمیندن برقطعه یه وخرما قورغنه دیرلر *

* زینب برة بنی برملة * سمّ نهی عن لحم حمر متعة *

زینب لفظی مضمر اولان بیت اول ضربنده نکح فعلنک مفعولیدر * برة تقدیر
عاطفله معطوفدر * سم لفظی ماضی مجهولدر نائب فاعلی حضرت رسولدر *
نهی فعلنک فاعلی کذلک حضرت فخر عالمدر * عن لحم عن اکل لحم
تقدیرنده در * حمر جمع حماردر * متعة تقدیر عاطفله لحم اوزرینه معطوفدر
بیت مرقومده التی لایحه مندرجدر * نکاح زینب * نکاح برة * زفاف رملة *
تسمیم پیغمبر ذیشان * نهی لحم حمار * نهی نکاح متعه * نکاح زینب رضی الله
عنها حضرت پیغمبر علیه الصلوة ما طلع الشمس ولمع القمر * غزوهٔ خیبردن
عودت بیوردقدنصکره زینب بنت حیی بن اخطب ترزوج بیوردیلر * پدرلری
حیی بن اخطب شعبهٔ نسل هرون علیه السلام اولان بنو قریظه ونضیر
وقینقاع قبیله لرینک شریفیدر * زینب جنابلری غنایم خیبردن اصطفا
کردهٔ فخر الاصفیا اولمغله صفیه ایله تسمیه بیورلدی * نام پدر نهادلری
اولمق دخی مرویدر * حرم محترم نبویه یه دخولنده سالار خوان شیرینکوار
اسلام علیه الصلوة والسلام حضرتلری * نعمت عزیزدن محمدی یه دعوت

بیورمغله

بیورمغله ابتدا ابراز صورت ابا ایدوب چند روزمی ورنده کردن حالی زیبندهٔ
قلادهٔ هدایت اولمشدر * فخر عالم حضرتلری جبر وتألیف ضمیر کسیرلری
ضمننده قوم وتبارلرینک جانب رسالتنه اجتسارا ایلدککلری اوضاع
ناهموارلری * کندولرینه مجلبهٔ نکابت ونکایت وادبار اولدیغنی ایراد ایله
اعتذار بیورمغله * سرچشمهٔ خاطر صفیه کرد کدورتدن صاف وجانب
نبوی یه برکونه علقه دار انجذاب وائتلاف اولدیکه * ذات بهترین اوصاف
مصطفوی نک ماعداسی عین اعتبارنده مثابهٔ عنقای قاف اولدی *
حضرت نبی سمی الاخلاق عتقی صداق اولمق اوزره حلی بند ازدواج
اولوب * خیبردن التی میل مسافه متباعدنده مراودت بیورمغله کردنکش
استغنا اولمغله نوعامرأت دل نبوی زنکیذبر اغبرار وانفعال اولمشیدی *
صهبا نام محله واصل ودومة الجندل جانبنه مائل اولندقده * امر ولی الامر
شش جهتله چهره نمای اطاعت اولوب امتناعه جسارت ایلدیکی محل
نزدیکتر بیوت پرمکر ودغل اولمغله * برتقریبله پیرامن سید الابرار مظنهٔ
ایصال مکاره واکدار اولدیغنی اشعار برله اعتذار ایلدی * لیلهٔ زفافده
ابو ایوب انصاری رضی الله تعالی عنه سلاحپوش دائرهٔ بارکاه همایونی دور
وطواف ایلیه رک ادای خدمت حراستکذاری ایلدی * علی السحر حضرت
پیغمبر ابو ایوبی پیشکاه خیمهٔ مکرمه ده کوردیکک سبب حضورندن سؤال
بیوردیلر * ابو ایوب دخی یا رسول الله صفیه جنابلری هنوز حدیثة الاسلام
اولوب پدر وشوهری وقوم وتباری قنطرهٔ شمشیر قهر وتدمیر کزدن دیار
عدمه کذار ایتملریله سوی سعادته سوء قصدندن اندیشه ایله ترک حضور منام
ومقام خدمت پاسبانیده قیام ایلدم دیدیک * حضرت نبی مدنی *
اللهم احفظ ابا ایوب کما بات یحفظنی * تعبیریله حقلرنده دعا ایلدیلر * واقعا یمن
وبرکت دعای خیر الانام ایله ایام حیاتنده مدام نکاهبدهٔ وقایهٔ رب لاینام
اولوب بعد وفاته مرقد متبرکی دخی دار السلطنة العلیه محروسهٔ قسطنطنیه ده
اهل روم حراستی خصوصنده مزید اعتنا وروحانیتندن استشفا برله مظهر
دلغهٔ شفا اولورلر * نکاح برة * سنهٔ مرقومه ذی القعده سنده برة بنت حارث
هلالی محرم شبستان نبی ذی المفاخر والمعالی اولمشدر * مرسوم خامهٔ
بدیع الرسم اولدیغی اوزره * فخر کرام علیه اخر السلام حضرتلری معتمرا
جانب ام القرایه احرامبند توجه واعتزام اولدیغی اثناده * مقدما خلال ملحمهٔ
خیبرده جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه حبشه دن عودت ایدوب *
موجود موکب سعادت اولمغله برة یی خطبه ایچون مکه یه ارسال بیوردیلر *

برەنڭ لابوين خواهری ام الفضل لبابة الكبری بنت حارث حضرت عباسڭ
ولام همشیرەسی اسماء بنت عمیس جعفرڭ وسلمی بنت عمیس سید الشهدأ
حمزەنڭ تحت نكاحلرندە ایدی * جعفر بو خبر روحپروری برەیە ابلاغ
ایلدكدە بغایت مسرور وخرم اولوب حضرت عباسی توكیل ایلمكلە درتیوز
درهم مهر ایلە عقد ونكاح ایلدیلر * وقت نكاحدە حضرت بركزیدۀ
انام امام بخاری وامام مسلمڭ ابن عباس جنابلرندن متفقا روایت ایلدكلری
حدیث شریف موجبنجە احرامپوش اولمغلە خصایص علیەدن معدود
اولمشدر * امر زفاف بعد الاحرام رهین انتظام اولدی * علی روایة نكاح
كبی دخول دخی احرام ایچرە وعلی اخری بعد الاحلال وعلی قول عقد
قبل الاحرام واقع اولمشدر * تعجیل قریش سببیلە امر تعریس وابستۀ عقدۀ
تسویف اولنوب كذارشپذیر اولدیغی ندای رحیل ایلە روز رابعدە رستۀ
سبیل اولندی * حضرت سید الابرار چاكر صداقتكردارلری اولان ابو رافعی
بعد المغرب برەجنابنی كتورمكڭ خدمتنە نامزد بیوروب اولدخی برموجب
امر عالیشان مشار الیهایی الوب طرف نبوی یە روان اولدی * رهكذردە
بعض سفهای وقاحت كستر جاشاصوب رسالتە وجانب برەیە هرزەفشان
طعن وازدرا اولملریلە * ابو رافع ظاهر اسرڭ ما فی الضمیر كز نقض رشتۀ عهد
وپیمان ونقض شجرۀ بغی وعدواندر * حالا سرور دوجهان شاكی السلاح
لشكر بیكرانلە بطن ناججدە اظهار صورت جزرومد عمان ایلمكدە دردیدی *
همان سامان شعور واذعانلری كبی پراكندە وپریشان اولدیلر * حضرت
رسالتپناه خلال راهدە بطن مر وایلە مساجد عائشە بیننده واقع فتح سین
مهملە وكسر رای غیر منقوطە ایلە سرف نام منزلدە ارام وامر خلوتی اتمام
بیوردیلر * واسمنی تبدیل ایدوب میمونە ایلە نام ایلدیلر * حكمت خدا مدفنی
دخی موضع مزبور اولمشدر * هجرت نبویەنڭ التمش اوچنجی سالندە بسترنشین
بیماری اولوب * اشتداد مرضندن حلول اجل مقدرنی تیقن ایتمكلە *
برموجب اخبار سید الانام بنم هودجران سوی بقا اولە جقم سرف نام
مقامدر بنی اول محلە ایصال ایلیەسز دیو ابرام ایتمكلە * واقعا موضع مزبورە
وصولندە ضیافتخانۀ نعیم طرفنە خرام ایلدی * میمونە جنابلری نكاحا
ووفاتا خاتمۀ امهات مؤمنین اولمشدر * زفاف رملە رضی الله عنها بوسنۀ
مباركەدە ام حبیبە رملە بنت ابی سفیان بن حرب بن امیە بن عبد شمس
ابن عبد مناف ایلە نبی محاسن اتصاف مابیننده وصلۀ زفاف واقع اولمشدر *
طرازیدۀ كلك عجیب الاثار اولدیغی اوزرە * دركاه مخلد الاقبالدن عمرو بن امیە

یدیلە

یدیلە نجاشی طرفنە وكالت نكاح ام حبیبە وارجاع مهاجرین بابندە امر نامە
ارسال بیورلوب اولدخی سرور وابتهاجلە بالوكالە تنظیم امر عقد ازدواج
ایلدكدنصكرە * ام حبیبە وجعفر بن ابی طالب وسائر مهاجرین معیتلرینە
جانب ملوكانەلرندن التمش ایكی نفر حبشی وسكز نفر شامی جمعا یتمش نفر
سواری تعیین وعزواكرام ایلە روبراه طرف سید العالمین ایلدی * موكب
عظمت شمول قلاع خیبردن كتیبە نام قلعە حصارنە مشغول ایكن معسكر
همایونە واصل ودیدار سعادتمدار نبوی شرفنە نائل اولدیلر * موئل وضیع
وشریف حضرتلری مقدملرین ترحیب وتلطیفدنصكرە * یس شریف *
سورۀ كریمەسنی قرأت بیورمغلە جملەسی متأثر اولوب رقتلە كریان * وحضرت
عیسایە نازل اولان كتاب سماوی یە عجیب مماثلدر دیو بداعت قرآن عظیم
الشانی استعظام واستحسان ایلدیلر * بركزیدۀ انام حضرتلری بالذات
خدمتلرینە قیام بیورملریلە اصحاب كرام حضراتی یا رسول الله همیشە خامە
صفت سرسای صحیفۀ عبودیت اولان بزم كبی بندۀ خالص الطویت
وار ایكن * وجود سعادتنە موجب كلفۀ ثقلت ندر دیو پرسان اولدقلرندە *
بونلر بنم اصحابمە اعزاز واحترام ایتملریلە بندخی مكافات ایتمڭ منتهای مرامدر
بیوردیلر * تسمیم پیغمبر وسیم * سنۀ مزبورەدە * صاحب خلق عظیم
دوچار نائبۀ تسمیم اولمشدر * صورتی بودركە جناب رسول جلیل الخطر *
پس از فتح خیبر * بركون قوص قلعەسنی مقدم مكرملریلە سپهر اثیرە همسر
بیورمشلرایدی * سلام بن مشكمڭ زوجەبداختری زینب بنت حارثكە
مرحب مقهورڭ خواهر بدگهریدر * زمین شورۀ سینەسندە خضراء الدمن
كینۀ سید الانبیا خیزان * وشجرۀ خبیثۀ حقد وعداوت * كستراییدۀ اوراق
واغصان اولمغلە * برتقریبلە اول نازڭ مشرب ونازنین مزاجە اشراب
زهراب انتقام سوداسنە دوشوب * عاقبت برطریقلە اعضای لحومدن
ذراع موقع فردندن بعید اولمغلە ذائقۀ طیبۀ نبویەدە بغایت مشتها ومعتبر
اولدیغنی خبر المغلە * بركوسفندی تمام بریان وسراپا اعضاسنی الودۀ
زهر بیدرمان ایلدی * اما ذراعنە زیادە طلی واشراب ایدوب هدیە ومهمانی
شیوەسیلە مجالس ملائكڭ مجالس نبوی یە كتوروب وضع سفرۀ عرض
وتقدیم ایلدی * اصحاب كرامدن برجمع ایلە حلقەبند دائرۀ سماط اولوب
كوشت پارۀ ذراعندن برلقمەیە فم مكرملرینە وضع ومضغە مباشرت
بیوردقلرندە * درحال ینە اخراج ایدوب زمینە طرح ایلدی * وحضارە
بو مائدۀ بی فائدەدن رفع ید ایلیەسزكە بو ذراع بكا مسموم اولدیغنی اخبار

والماع ایلدی بیوردیلر * لکن بشر بن برأ بن معرور رضی الله عنه قبیل
التحذیر والمنع اول لقمهٔ ملقاتی اخذ وبلع ایتمش بولنمغله * اعادهسی دخی ناممکن
اولدیغندن فی الحال بشرهسی متغیر اولوب یرندن قیام ایتمکسزین متأثرا
ضجیع فتخانهٔ جاودانی جانبنه اعتزام ایلدی * همان حضرت سید الانام
کاهلندن احتجام ایدوب حاضر سرخوان اولان اوچ نفر صحابهٔ کرام دخی
زهرلنمشدنی سببیله اللرندن اعضای سائرهلرینه سرایت ایتماملک ایچون
حسب الاشاره اوساط مفارقلرندن احتجام ایلدیلر * مکر اول غدارهٔ
روزکار ومکارهٔ مکرآموز حیله کار مخاذیل یهود ایله بالاستشاره اول کونه
زهر دفعی التأثیر تدارک ایدوب بو امر فظیع وکار شنیع وبشیعه اجتسار
ایتمشیدی جناب رسالتمدار علیه افضل الصلوة فی کل اللیل والنهار حضرتلری
اول مکارهٔ فسونکاری حضور جلالت انحصارلرینه احضار ایدوب *
بو وضع غدارانه سنک سبب ارتکابندن استفسار بیوردیلر اول وقاحهٔ ملعنت
شعار قطعا سمت انکاره امالهٔ کفتار ایتیوب بی باکانه پدر وشوهر وقوم وتبار
بدکهرلرینک قتلندن بحثله اخذ کینه وثار داعیهسیله بو معاملهیه ابتدار
ایلدم * اما بو ملاحظه ایله که اکر سلطان ایسک پنجهٔ تغلبکدن تخلیص کریبان
اولنور * واکر ادعای نبوتک واقعا مطابق اولوب مانند صبح ثانی صادق ایسک
بهر حال جانب لایزالدن اخبار واعلام اولنمامق امر محالدر دیدی *
اخذ انتقام منافی شیمهٔ کریمهٔ سید الانام اولمغله نفس انفسلرینه سوءقصدی
مجازاتنده عفو واغماض ایله مکافات بیوروب * لکن ورثهٔ بشر مباشرتلریله
قصاصا شراب زهراب شمشیر اولندی * واسلامی خصوصی بین الاسلاف
موقع اختلافدر * نهی لحم حمار * وسنهٔ مزبورهده لحم حمار اهلی اکلندن
نهی صادر اولدی * بنی آدمه انسیتندن ناشی حمار انسی دخی اطلاق اولنور *
وحشی مقابلیدر زیرا حمر وحشیهنک لحومی قطعی حلالدر * صورتی
بودر که لشکر اسلام قلاع خیبردن صعب نام قلعهنک حصارنه افراغ وسع
واهتمام اوزره ایکن یکرمی یاخود اوتوز رأس حمار قلعهدن چیقوب علی روایه
طشرهده قالمغله * برکروه اهل اسلام اخذ وقلت ذخائر سببیله استیلای شدت
کرسنکی ومخمصهدن ناشی ذبح ایدوب طبخنه مبادرتده اولدقلری رسیدهٔ
سامعهٔ صاحب شریعت اولمغله * بر موجب فرمان متحتم الاذعان جابجا
منادیان ان لحم الحمار الانسی ولحم کل حیوان ذی ناب من السباع وذی
مخلب من الطیور حرام نداسیله غلغله انداز میانهٔ عسکریان اولدیلر * سرور
انس وجان حضرتلری اینداقدورلک کسریله امر بیوروب بعده غسل وتنظیفی

باینده فرمان ایلدیلر * نهی نکاح متعه * وینه ملحمهٔ مزبورهده نکاح متعهدن
منع صادر اولدی * فائده * متعه عرف شرعده ان تقول لامرأة اتمتع بک
کذا مدة بکذا من المال عبارتیله معرفدر * نکاح موقت ایله فرق واردر
زیرا نکاح متعهنک صورت عقدنده اشتقاق جهتیله متعهیه مشارک
تعبیر بولنمق معتبردر * اما نکاح موقتده شهود شاهدین وتزویج یاخود
نکاح ادالری بولنوب ومدت معین اولمق لازمدر * تکمله * فتح مکه
هنکامنده اوچ کون مباح قلندقدنصکره الی یوم القیام حکم حرمتده مستمر
الدوام اولدی * کرچه صدر اول اسلامده اباحت وحرمتی بابنده اختلاف
واقع اولوب بعده حرمتی خصوصنده یکزبان وفاق اولدیلر * بعض علما خیبر
وقعهسنده عدم تحریم طرفنک رجحانی وحجة الوداعده حکم حرمتک
ثبوتنی ادعا ایدوب * حتی سنهٔ مزبورهده اهل اسلام متمتعاتنی تودیع
ایتدکلری ایچون سنة الوداع ایله تسمیه اولندی دیو سردسند مدعا ایتمشدر *
وبعضلر فتح مکه سنهسی تحریمیله امر صادر اولدیغنه ذاهب اولمشدر *
لکن بو مذهبلر مزبور بقدر زیرا وداع سنهسی متمتعاتی تودیع بقای اباحتی
مستلزم دکلدر * وعام فتح مکهده تحریمی خیبرده محرم اولوب فتح سنهسنه
قدر استمرار حرمتنه منافی دکلدر * زیرا فتح مکه هنکامنده اباحتیله حکم
اولنوب بعده ینه حرمت سالفهسی ابقا اولنمق جای مساغدر * غزوهٔ تبوکده
وقوعی روایتی امام سهیلی قولی اوزره اغرب روایاتدر * وداع سنهسی وقوعی
روایتی سال فتحده صادر اولان حکم حرمتی تأکید زیوخسه بعد الاباحه
مجددا حکم حرمت وقوعنی مفید اولمامغله مذهب بعض اوزره اوچ دفعه
تحریمنی اقتضا ایلمز * وغزوهٔ اوطاسده وقوعی روایتی عام فتح روایتنه منافی
دکلدر * زیرا غزوهٔ اوطاس دخی فتح سنهسی صحیفهزیب غزوات افضل الناس
اولمشدر * بو تقدیرجه درت دفعه تحریمی واهمهسی دخی برطرف اولدی *
امام شافعی ایکی دفعه حرمتنه ذاهب اولمشدر * زیرا متعهدن غیری بر دفعه
محرم اولدقدنصکره مباح بعده محرم اولان ماده معلوم دکلدر بیوردیلر *
امام شافعینک بو کلامنه انسان العیون صاحبنک حیاة الحیوان مؤلفندن
اوچ ماده که * قبله * ولحم حمار اهلی * ومتعهدر * ایکی دفعه نسخ اولندیلر
دیو نقلی منافیدر * وبعضلر حضرت سید الکائنات متعه خصوصنی
علی الاطلاق نهی بیورمیوب بلکه غلیان توقان سببیله ارتکاب فضیحهٔ
زنایه مفضی اولمیهجق زمان ومکانه تخصیص بیوردیلر * حتی ابن
عباس رضی الله عنهما دخی بو وجه اوزره افتا ایلدی دیدیلر * وبعضلر

متعه‌یی اوّل نهی ایدن حضرت عمردر دیوب صحیح مسلمده بزلر زمان سعادت
اقتران سید الکونین وعهد خلافت شیخینده روایت دیکر اوزره حضرت
عمردن نهی صادر اولنجه‌قدر استمتاع ایدردك حدیثنه که حضرت جابردن
مرویدر استمساك ایلمشدر * لکن بو مذهبك دخی مردودیتی ظاهردر *
زیرا حضرت رسول الله عام اوطاسده متعه‌یی علی الاطلاق نهی بیوردقلری
صحیحینده مثبتدر * وابن عباس حضرتلری بوسرای سپنج فانیدن عازم
سعادتخانهٔ جاودانی اولمزدن مقدم تحریم متعه خصوصنده سائر صحابهٔ
کرام اتفاقنه رجوعلری رسیدهٔ رتبهٔ صحتدر * کذلك مرویدرکه حضرت
ابن عباس برعرفه کونی خطیبا قائم اولوب ای معشر المسلمین معلومکز
اولسونکه (میته) ودم) ولحم خنزیر کبی نکاح متعه دخی حرامدر بیوردیلر)
وحضرت عمرك تحریمی مستند عامهٔ صحابهٔ کرینه مبنیدر * خلاصهٔ کلام
عصر صحابهٔ کرام منقضی اولمزدن مقدم تحریم متعه بابنده اجماع امت
منعقد اولمشدر * فاحفظ هذا فربما لا تراه علی هذا الوجه * ومعلوم اوله‌که
رافضی طائفه‌سی امر خلافتده حضرت مرتضایی تأخیر ایلدیلر زعمیله
اکثر صحابه‌یی حاشا تکفیر ایتملریله کتاب کریمی مبین اکثر سنت سنیه‌دن بی‌بهره
قالدیلر * بنابرین * متعه‌نك اباحتنه دلکه نکاحدن افضلیتنه ذاهب
اولدیلر * سلالهٔ سید جرجانیدن السید میرزا مخدوم الاصفهانی * النواقض
فی الرد علی الروافض * نام تألیفنده ایراد ایلدیکه کمراهان روافضه‌دن برینه
متعه‌یی نکاح اوزره تفضیلکزك وجهی ندر مع هذا اهل بیتدن برفرد
بالطرفین متمتع اولمدقلرینه اتفاق ایدرسز * پس مذهب کزه کوره اهل بیت
افضلی ترك ایتمش اولوردیو سؤال ایلدیکده * مبهوت اولوب ادارهٔ حرف
جوابه اقتداری اولمدی * ومنقولدرکه خلفای عباسیه‌دن مأمون خلیفه
تشیع ایدوب شعار عباسیون اولان لباس سوادی اخراج وعلویون کبی علامت
خضرا ایله متزین اولدی * وامر ایلدی اسواق بغدادده متعه‌نك حلنی معلن
جابجا مناد یلر ندا ایلدیلر * قاضی بغداد یحیی ابن اکثم علیه الرحمه بو حادثه‌یی
استماع ایلدکده همان درکاه مأمونه شتابان اولوب متغیرا حضورنه داخل
اولدی * مأمون خلیفه بشرهٔ یحیاده اثر تغیر وانفعالی کوریجك سببندن
سؤال ایلدی * یحیی دخی دین اسلامده حادث اولان تحلیل زنابانك
ندای هوشربا سیله بی‌شعوربا که مرحلهٔ زندکانیدن دور اولمغله رمق یسیر
قالدی * دیجك خلیفه متعه زنامیدر دیو استفتا ایلدی * یحیی نعم زنادر
دیدی * خلیفه دلیل التماس ایلدی یحیی انك دلیلی کتاب الله وسنت رسول

الله در * اما کتاب الله قد افلح المؤمنون الی قوله تعالی والذین هم لفروجهم
حافظون الا علی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم فانهم غیر ملومین فمن ابتغی
وراء ذلك فاولئك هم العادون کریمه‌سیدر * یا امیر المؤمنین طریقهٔ متعه ایله
تزوج اولنسان مرأه ملك یمینمیدر دیدی خلیفه لا دیدی * یحیی حکم الهیله
وارثه ومورثه عنها اولوب اولاد کندوسنه ملتحق اولان زوجه میدر دیدی *
بنه خلیفه لا دیدی * پس بو ایکی حکمدن متجاوز اولان فرقهٔ عادیندندر
دیدی * اما سنت نبوی امام زهری اسناد صحیحله حضرت مرتضادن
امرنی رسول الله صلی الله علیه وسلم ان انادی بالنهی عن المتعة وتحریمها
بعد ان کان امر بها متن شریفیله روایت ایلدیکی حدیث منیفدر دیجك *
خلیفه حاضر بالمجلس اولان سائر علمایه امام زهری مرویاتندن بو حدیث
شریف اسلوب معهود اوزره سزلك دخی مضبوطکز میدر دیو استفسار
ایلدکده * انلار دخی یکدهن زمزمه پیرای اقرار اولیجق خلیفه استغفار
ایدوب امر ایلدی * تکرار متعه‌نك تقریر تحریمی بابنده ندا ایلدیلر *
* مهاجر اشعر حبش روم دوس خالد عثمان عمرو جا غزوا *
مهاجر کلمه‌سی مبتدا در اشعر وما بعده تقدیر عاطفله معطوفلردر * جا فعلی
خبردر وزن ایچون مقصوردر * افراد رابطهٔ مذکوره یا خود کل واحد اعتبارنه
مبنیدر * اشعر وقبیلهٔ اشعر تقدیرنده‌در * حبش ضم حا وسکون با ایله
جمع حبشی‌در * روم وزن ایچون ممنوع صرفدر جمع رومی‌در * دوس قبیلهٔ
معهوده‌در * مصراع اول مرهوندر وبیت منبور بیت اتی‌یه وبیت مرقوم
ظاهر اسکز وفی الحقیقه ایکی لا یحه‌یی متضمندر * زیرا اشعریون وحبشیون
ورومیون ودوسیون مهاجرینله بالرفاقه وخالد بن ولید عثمان بن طلحه
وعمرو بن عاص ایله بالمعیه ورود ایلدیلر * ورود مهاجرین * مرسوم براعهٔ
بلاغتقرین اولدیغی اوزره سرور انبیا علیه افضل التحایا حضرتلری
ام حبیبه‌نك بالوکاله تزویجی وزمرهٔ مهاجرینك ارجاعی بابنده طرف
نجاشی‌یه امرنامه ارسال بیوروب اولدخی اجرای مأموریته قیام ومهمات
طریقلرین اتمام ایدوب معززا ومکرما استانهٔ مخلد الاقبال جانبنه ارسال
ایلمشیدی * قائد الجیش اسلامیان علیه الصلوة مدی الدهور والازمان
حضرتلری قلاع خیبردن کتیبه نام قلعه حصارنه مشغول ایکن * جعفر
بن ابی طالب وام المؤمنین ام حبیبه وسائره مهاجرین حضراتی وقبائل یمندن
اشعر قبیله‌سنه منتسب ابو بردة الاشعری وابو موسی الاشعری وبرادرلری
وبرجمع الیمش ایکی نفر متلبس لباس صوف یعنی عبا پوش حبشی وسکز نفر

رومی ودوس قبیله‌سندن سکسان خانه که ابوهریره حضرتلری انلارده
داخل ایدی * متوجه درکاه رسالتپناه اولوب خلال راهده غدانلق
الاحه محمد او حزبه * مقالیله نواپرداز اشتیاق اوله‌رق کاوب خاکپای عرش
اسای سرور اصفیایه جبین فرسای اولدیلر * انلار هنوز رهنورد ایکن
مزبره‌دان رازنامه کائنات علیه لوایح الصلوات حضرتلری * اصحاب کرامنه
سزلره برقوم متوارد اولیور که رقت قلوبلری سزلردن افزونتردر بیوردیلر *
بعد الورود جناب خیر الوالد والمولود حضرتلری * اشعریان ودوسیانک
بهره‌مند مغنم خیبر اولملرنی مناسبت بیورمغله مال غنیمتدن انلاره دخی حصه
افراز اولندی * ابوهریره حضرتلرینک نام اصلیسنده درکار اولان اصول
اختلاف اون ایکی شعبه‌یه منشعب اولمشدر * اشهری عبد الشمس بن عامردر
بعد الاسلام عبد الله ایله نامدار وابوهریره کنیه‌سیله قرین اشتهار اولدی *
فی الاصل قیون چوبانی اولوب برمعتبر کربه‌سی اولمغله دائما انکله انس
وملاعبه‌سی ابوهریره ایله اکتناسنه بادی اولدیغی کندیلردن منقولدر *
شرفیاب اسلام اولدقدنصکره صفه‌نشین اولوب مهاجرین کبی تردد بازار
وانصار اساعمارت بساتین وغرس اشجار ایله اشتغال ایتمیوب دائما ملازم
حضور سید الورا اولمغله جمله اصحابدن زیاده حفظ احادیث وضبط سنت
خیر القدیم والحدیث ایلمشدر * اواخر مدت معاویه‌ده سبعه وخمسین سنه
سنده یتمش سکز یاشنده ایکن اشبو محنتکدهٔ فنادن کاشنسرای بقایه توجه
وارتحال ایلدی * کتب احادیثده اول ذات شریفدن بشبیک اوجیوز یتمش
درت حدیث شریف منقول ومثبتدر رضی الله تعالی عنه * قدوم خالد
بن ولیدی * وسنهٔ مزبوره‌ده خالد بن ولید وعثمان بن طلحة الحجبی وعمرو
بن عاص رضی الله عنهم ادای عمرة القضادنصکره آستان بلند ایوان نبوته
کلوب عرض ایمان ایلدیلر * وسمه‌کش ابروی شاهد خبر بورسمه پیرایه‌ساز
جمال نوعروس اثر اولمشدر که * حضرت خالد بن ولید کندولرینک کرداب بحر
قعرناياب اشرا کدن دستیاریٔ غواص هدایت افرینندهٔ اب وخاکله سمت
ساحل نجات توحید واسلامه انجذ ابلرنی بوسیاق اوزره نقل وبیان
ایلمشدرکه * برکون ظلمتسرای درونمده نیرفائزة الانوار توفیق پروردکار لامع
وبرتو نثار اولوب * استجمام خاطر واستجماع اسباب تأمل ذاخر برله حضرت
محمدلک معارک عدیده‌سنده حاضر اولوب * بین الامثال شجاعت وجرأتم
ضرب المثل وفی نفس الامر ماهیتمده مایهٔ اقدام وشهامت ثانی طبیعتم
وخامس مزاجم اولدیغی دستور العمل ایکن * برجنکاهده یارای مقاومته

امکان وقدرتم اولیوب جمله‌سنده خواریٔ انکسار وهزیمتله مخذول ومذلل
اولدیغمزدن ظاهر اثبات وحقیقتی ادعا واعتنا ایلدیکمز آیین * کالمشق
علی الماء * وکالنقش فی الهوا قبیلندن اولدیغی عیان * وروز بروز علم
علمستان دین محمدی * پنونستهٔ طاق نه رواق زبرجدی اولمغله * رفته رفته
ماننده مهر منیر جهانکیر اوله جغی نمایان ردیو ملاحظه ایدوب * اکا متقارب
شهسوار میدان ملکوت علیه الصلوة من صاحب الجبروت حضرتلری
فروشکوه پیغمبرانه ایله عمرة القضایه توجهلری واقع اولمغله * بندخی اعیان
قریشله کناره کیروادیٔ غیبت اولمشیدم * هادی المسالک حضرتلری
ادای شعائر ومناسکی بیوردقلری خلالده برادرم ولید بن ولید که مرافقت
نبویله محرز شرف وشکرف مدید اولمشیدی * بوزمین اوزره بکا برقطعه
مکتوب شفقت اسلوب ونصیحت مصحوب ارسال ایلدیکه * بنم برادرم
سن عقلای زمان وحال اکهان ودقیقه شناسان جهان میانده مانند هلال
رمضان مشار بالبنان * ومنظور عیون عالمیان ایکن * بوکونه کرفتهٔ محاق
خزی وخذلان اوله‌رق ایام حیاتک منسلخ اولوب * افتاب دین محمدی
افاضه‌سیله بدر منیر اسا روشنا ودوجهانده مظهر عز وعلی اولمیه‌سن *
حضرت سید الابرار علیه الصلوة مادامت الدهور والادوار سنی بندن
استفسار بیوروب بندخی بتوفیقه تعالی قریبا ورطهٔ هولناک ضلالتدن
رها ودار الامن اسلامه دخولله رهین فوز وفلاح دنیا وعقبا اوله جغی
مأمول ردیدم * بعده سرور سریر رسالت حضرتلری دهنکشای لطف
وعنایت اولوب خالد کبی عارف وهشیار شرف اسلامی ادراک واستشعار ایتمز
مقوله‌سی دکلدر * اکر اسلامی قبول ایدوب بزمله یاروهمدم اولسه شجاعتی
سببیله ظهر اسلامه قوت وپای اشراکه وهن ونکایت وکندی حقنه دخی
خیر بی نهایت حاصل اولور ایدی * وشانته رعایت وتکریم وجمله‌یه کندوسنی
تقدیم ایدردم بیوردیلر * بنم برادرم نسیم ومرغدن استعارهٔ سیر وبال ایدوب *
علی جناح الاستعجال موکب همایونه ورود ووصول امرنده لوازم غیرتی
اکمال ایلیه‌سن * پس حق کمترانمده بووجه اوزره شرف صدور ایدن کلمات توجه
ایات افضل الموجوداتدن جهان جهان مسرور وشادان اولوب * اتفاق
اول کیجه عالم مناممده شویله مشاهده ایلدمکه کویا اوارهٔ تنکنای بادیهٔ
بی اب وتاب ایکن فرجه‌یاب خلاص اولوب برمعمورهٔ فراخ وسبزینده
جلوهٔ اهتزازه بشلدم * بعد الانتباه مضیق شرک وضلالدن رسته
وفسحتسرای اسلامه پیوسته اوله جغمله تأویل ایدوب * دوبالا شوق

وانجذابله درگاه رسالتمآب جانبنه تصمیم عزم ایلدم همراه طالبله یکان یکان
صفوان بن امیه وعکرمه بن ابی جهله واروب اظهار ما فی الضمیر ایلدیگمده
ایکیسیده روگردان اولوب * عاقبت عثمان بن طلحة الحجبی بنمله شد حزام
موافقت ایتمکله * بالرفاقه مرحلهٔ هدّه یه ورودمزده عمرو بن عاص جنابنه
دوچار اولوب * مگر اولدخی اسلام اراده سیله درگاه رسالتپناهه رو نهاده
اولمق آرزوسنده ره پیمای تختگاه نبوت ایمش * پس اتفاقله جانب طیبه یه
اعتزام وانطلاق ایدوب غرّهٔ صفرالخیرده ظهر حرّه نام مقام مستناخ راحلهٔ
آرام اولدقده * حضرت رسول الله قدوم عاجزانه مزدن آگاه اولیجق
سرچشمهٔ خاطر ذاخرلری سرشار نشاط * وجوشان بهجت انبساط اولوب *
حضار مجلس قدسی مجالسلرینه خطاباً رمتکم مکة بافلاذ کبدها * یعنی
اهل مکه جگرپاره لرنی سزلک جانبنه القا ایلدی بیورمشلر * پس برادرم ولید
بزی استقبال ایدوب سربرآرای کشور روما ارسلانک حضرتلری قدومکزدن
بغایت منشرح وفرحناک اولمغله * حالیا نرگس چشم نازکنشعارلری گشودهٔ
سمت انتظار اولمغین بران اقدم تقبیل قدم مکرملری شرفنی احرازه رفع
قادمهٔ اقدام ایتمک اهم مهامدر دیو ایجاف واسراع ایتمکله * شتاب تامله
نادیٔ سعادت تمادیٔ نجادتشمول عالیلرینه چهره سای مثول اولدیغمزده
گلبرگ رخسارلری رنگ افشان طراوت وانجلا * ولعل لب تابدارلری شکر
ریزان تبسم روح افزا اولوب * اولا نازبوی سلام وتحیت عرض واتحافنه
مبادرت ایلدم * طوطیٔ شکرستان بلاغت حضرتلری دخی طلاقت وجه
وجمیله تسلی بابنده ناطقه پرداز عنایت * وجواهر نثار ترحیب وملاطفت
اولمغله * طرف باهر الاجلال نبویدن بوگونه توجه واقبال مشهودم
اولیجق بی اختیار گفتار دربار شهادت پیرایهٔ زبان اقرارم اولمشدر * خلاصهٔ
اب وخالک حضرتلری الحمد لله الذی هداک ای خالد سنک معدن ذاتنده
جوهر رشد ورویت مرکوز اولدیغی معلوم اولمغله * رهبر عقل سلیمک سنی
سائق صراط مستقیم اولمغی امید ایدردم بیوردیلر * بندخی لبگشای
ضراعت وابتهال اولوب * یا رسول الله ایام جاهلیتده محض نادانی وجهالت
سبیله مواطن عتو وعصیانده ومعارک تباهی وطغیانده بولنوب گوناگون
اوضاع متمردانه واطوار گستاخانه یه اجتسارم اولدی * حالا عطوفت
کریمانه دن مستدعادر که الواث جرایم سالفه م شستهٔ آب عفو ومغفرت اولمق
بابنده درگاه قابل التوب غافر الخطیئاتنه دعا ورجا بیوریله دیدیگمده *
رحمة للعالمین علیه الصلوة مدی الدهر والحین حضرتلری * الاسلام یجب

ماقبله * یعنی قبل الاسلام قرین ارتکاب اولان ضباب کفر واعتساف تنسم
نسیم اسلام ایله پذیرای انقشاع وانکشاف اولور بشارتیله * قلب پر حرارتمه
آب افشان مسرت اولدیلر * اکا مترادف عثمان وعمرو دخی گلوب اعلان
شهادتله عرض ایمان ایلدیلر * لکن عمرو بن عاص رضی الله عنه حبشه ده
نجاشی یدیله شرفیاب اسلام اولمغله * بو دفعه حضور سید المرسلینده تبیان
ایمان وتیقنی ترصین ایلدی * نجاشی مظهر صحبت نبوی اولمامغله تابعی
زمره سنه ملتحق اولمغین صحابی دست تابعیده مسلمان اولمق جملهٔ غرائبدن
معدوددر * نزد رسول اللهده خالد وعمرو بسالت ومیدانداری جهتندن
ممتاز اقران وسرفراز همگنان ایدیلر * موما الیهم حضراتنک گرچه
اسلاملری ثامنهٔ اعتباریهٔ هجریه ده واقع اولوب لکن اواخر سادسهٔ حقیقیه
اولان صفر الخیرده وقوعی ملابسه سی بزدخی سابعه وقایعی سلکنده منخرط
ایلدک * وعمرو بن عاصک نجاشی یدیله اسلامی خصوصی کتبلردن بو وجه
اوزره منقولدر که * اوائل حالمده اهل اسلامه جمله دن زیاده بغض وکینه دار
ودین محمدیدن نهایت درجه ده مجانب وپرهیزکار ایدم * بدر * واحد *
وخندق * ملاحملرنده اثبات وجود وابراز سعی نامعدود ایتمشیدم * برگون
استجلاب فکر وانی واستحضار تأمل صادق ایدوب بونسق اوزره خاطرمه
سانح ومتفکره مه لایح اولدیکه * ع * سال نیکو ز بهارش پیداست * وفقی
بهرحال حضرت محمد قریش اوزرینه غالب ومظفر اولوب جمله سنی زبردست
اطاعت ایتمسی امر مقرردر * هله بن برزمان گوشهٔ عزلتده انزوا واحوال
عالمی دوربین بصیرتله تماشا ایده یم دیوب مالک اولدیغم مالی جمع وادخار
وکندی قومم ایچره انزوا واختیار ایدوب * اختلاط اخلاط ناسدن کنارهٔ
کاغد مثال بریدهٔ مقراض اعتزال اولدم * حدیبیه صلحی وقوعنده تکرار
مرآت متخیله مده بو صورت ملاحظه نمایان اولدیکه * حضرت محمد لاجرم
سال آینده حلولنده کافهٔ اصحابیله داخل حریم حرم اولمق درکار اولمغله * مکه
وطائفده بزه بسط حصیر پارهٔ آرام وتمکن ایلیه جک بر محل قالمیه جغی
پدیداردر * همان معقول ومناسب اولان شمدیدن طی بساط اقامت
وبرطرفه نقل رخت کلفت ایلمکدر دیدم * ووجدانمده کافهٔ قریشیان مائل
سمت ایمان اولسه لربنم بر وجهله جهت اسلامه امالهٔ پیکر رکون ایلیه جکم
قرار یافته ایدی * پس یکبار روهوادار اولوب هر خصوصده بنی مشیر
ومشار ایدن اقرب قوم وتبارمی جمع وبو ملاحظه می پیشنهاد مناسبت
واگر حضرت محمد قریش اوزره غالب اولورسه طرف نجاشیده بواتفق

زیر قهر محمدیده اولقدن اسلم واسهلدر * واکرامی بر عکس اولورسه بر قریشلك
ازقدیم مذهب ومشرب جهتیله معلوملری اولان کسه لرزد بو نجاشی طرفنه
نقل ونکاه ثقلت ایتمکه ارشاد ودلالت ایلدم * انلار دخی بو رأیمی استصواب
ایدوب بتمله‌هم رکاب موافقت اولدیلر * پس نزد نجاشیده معتبر اولان وافر
سختیان تدارك وترتیب ایدوب برکون حبشه طرفنه سوق مطایای عزم
ایلدك * وصولمزده بزه نجاشی فوق المأمول اعزاز وترفیل وافاضهٔ پرتو
التفاتله دائرهٔ امالمزی تکمیل ایلدی * وبندن بغایت محظوظ اولمغله لیل ونهار
ساغر وار ندیم بزم صحبتی وباده صفت کرما کرم مجالس انس والفتی ایلدی *
تا که عمرو بن امیهٔ ضمری جانب نبویدن سفارتله کلوب نجاشی بی چشن
اسلامه دعوت ایلدی * بن میانهٔ قریشده احراز نام وناموس ایتملك
سوداسیله عمروك قتلنه هوسدار وفضولانه طرف نجاشیدن مساعده یه
خواستکار اولدم همان چهره مه دست غضبله بر طبنجهٔ سخت اوروب انف
ودهانمدن نهر سرخاب اسا خون روان اولمغه بشلدی * بو حالمه تقیدا یلیوب
کندوسی دعوت رسول رب العزته لبیك زن اجابت وبالجمله حواشی
واشیاعیله اسلامه کلوب محتاز سعادت دنیا واخرت اولدیلر * قرینهٔ حال
بو کونه ملاحظه جائل مجال بالم اولدیکه * حضرت محمدك صادق ومصدق
نبی حقانی ورسول ربانی اولدیغنی کافهٔ عرب وعجم استیقان واستیناس
ایدوب جمله‌سی شمشیر حکمنه سر فروبردهٔ امتثال واقتباس ایلیه * بن یالکز
کردنکش عناد ومخالفت اولمق عجب حرکت جهولانه وجنبش لا یعقلانه
دردیوب * افق درونمدن دخی نور هدایت لامع الاشراق اولمغله همان حضور
نجاشی یه مثول ایدوب * ای ملك حضرت محمدك شمدی جنابکز نبوتنه
صمیمی شهادت ایدرمیسز دیدم * نجاشی دخی بلی حضور احکم الحاکمینده
شهادت ایدرم * یا عمرو کل بنم کوهر نصحمی قرطهٔ کوش قبول ایلیوب
دین محمدی یه اتباع * وملت بیضای احمدی یی اسوهٔ مطاع ایله * خدای
بیچون حق جناب کلیم علی نبینا وعلیه التسلیم کوکبه شکن موکب
فرعونیان اولدیغی کبی * عن قریب الزمان اول ذات جلیل العنوان دخی
کروه مخالفینی برزده سامان ایلك شمس وامسدن عیاندر * دیدی بندخی
ای ملك حالیا سریر آرای تختکاه اصطفا علیه روایع الصلوات وبدایع التحایا
طرفنه ایصال تحفهٔ اسلام ایلمکه متوجه اولدم * جانب اجل المناقب
نبوتلرینه وکالتله بکا دستدادهٔ مبایعت اولور میسز دیدکده * اظهار بشر
وبشاشتله النی اوزادوب بندخی عقد بیعت * وجمال حالمی اب وتاب اسلامله

رنك بسنهٔ لطافت ایلدم * نجاشی در ساعت امر ایدوب برلکن کتوردیلر
چهرهٔ خون آلودمی کندولری غسل وتنظیف وخلعت فاخره ایله تشریف
ایلدیلر بعده مجلسندن چیقوب قومم بنی لباس ملوکانه ایله کوریجك نجاشی
طرفندن غالبا مأمولکزه دسترس نیل اولدیکزدیو اظهار سرور وانبساط
ایلدیلر * بندخی بو مجلسده عرض امل نابجا اولمغله مجلس دیکره مرهون
ایلدم دیدم * انلار دخی استحسان ایلدیلر * پس بر تقریب مفارقت * ولیمان
بحر طرفنه خطوه ریز مسارعت اولدم * توفیق موصل المنا برله بر سفینه
مهیا بولنمغله * همان سوار وشعبه دن چیقوب بر راحله اشترا وطرف طیبه یه
الغار ایلدم * هدّه یه وصولمده خالد بن ولید وعثمان بن طلحه یه مصادف
اولوب بالاتفاق رخسای خاکپای نبی کریم الاخلاق اولمق میسر اولدی *

*سادکه حنین طائفا سری * شجاع کعب اشهلی بو اشعرا *

بیت سابق مضمنده واقع غزوا فعلنك ضمیر جمعی سید الانام وصحابهٔ کرامه
راجعدر * سالفظی فی الحادیه والستین موقعنده در * حنین وطائفا تقدیر
عاطفله معطوفلردر * کعب واشهلی وابو اشعر کذلك عاطف مقدر ایله
معطوفلردر * اشهلی وزن ایچون حرف تعریف وتنوین ویای ثانیه سی
اسقاط اولندی * کذلك ابو اشعردن همزه حذف اولندی * الف اشعرا
اطلاقیه در بو بیتده بدی لایحه مندرجدر * غزو مکهٔ مکرمه * غزو حنین *
غزو طائف * سریهٔ شجاع بن وهب الاسدی * سریهٔ کعب بن عمیر
الغفاری * سریهٔ سعد بن زید الاشهلی * سریهٔ ابو عامر الاشعری * غزوهٔ مکهٔ
مکرمه * ولادت باسعادتك التمش برنجی سنه سنده که نبوتك یکرمی برنجی
وهجرتك سکزنجی سال میامن اتصالیدر * غزوهٔ مکهٔ معظمه شهدانهٔ درج
الدرر مغازی پیغمبر غازی اولمشدر * صورتی بودرکه سابقا نکاریدهٔ ارژنك
غریب التصویر قلم اولدیغی اوزره مصالحهٔ حدیبیه نقوش شروطنك بر نقشی
دخی بوزمین اوزره مطروح ایدیکه * مسجد الجامع جوار رسالته التجا ایدنلر
قریشك صدمهٔ قوارع تعرضندن مصون * کذلك کنشت غوایت سرشت
قریشیانه التجا ایدنلر * ضربهٔ شمشیر دخل اسلامیاندن مأمون اوله‌لر * بنا برین
مجلس مسالمه ده بنو خزاعه بارکاه جوار سلطان دوجهانه انتساب *
وبنو بکر بیت الخلاء جوار قریشیانه انجذاب ایلشلر ایدی * اما قدیم الایامدن
بو قبیلتین میانده مخاصمت دیرینه اولوب دائما بینلرنده تندباد حرب
ومکافحت ثوران * وموج بیدریغ جنك ومناوشت هیجان اوزره اولوب *
البغض یتوارث حکمی اوزره عداوت اصول شعوب فروعلرینه سریان

وانتقال ایدرلڪه میانه‌لرنده متساوات ومعادات غیرقارالذات ایدی * لکن ظهور دولت اسلامیه * بینلرین فاصل وکندیلره اعظم مشاغل شواغل اولمغله * بر وقتدنبرو حسام اختصاملری درنیام قالمشیدی * صلح حدیبیه‌دن صکره دخی ایکی سنه بوحال اوزره بی قیل وقال کذروبیانه‌ٔ اسلام وکفارده دخی مغایر عهد وپیمان بر وضع واثر ظهور ایلمدی * تاکه سنه‌ٔ ثالثه شعبانده برکون اطن قبیلهٔ بنی بکر اولان بنی نفاثه‌یه معتزی بر دشاعر هرزه‌چانه * وزبان بریدلی حاشاثم حاشا طرف ممدوح خدایه حرف انداز هجو وازدرا اولمغله * خزاعیاندن برغلام سعادت‌انتسامک کوشنزدی اولیجق * برضربهٔ سنک غیرت‌آهنک برله لعین خذلان بهره‌یی مسلخدن چیقمش سلک خون آلای ایله همچهره ایلدی * اول کافر بدنهاد بنی بکره استغاثه وفریاد ایتمکله * غلام حمیت‌اعتیاد دخی بنوخزاعه‌یه استنجاد ایلدی * بنوخزاعه سفلهٔ مکه‌ده وتیر نام ابکیر اوزره خیمه‌زن اقامت اولمغله * بنوبکر هاجمهٔ کین دیرینه‌له بر دشت تکاور تهور اولوب * مشرکین قریشدن دخی استعارهٔ آلات قتال واستمداد رجال ایلدیلر * روبه‌منشان قریشدن مترصد بانک خروس فرصت اولان صفوان بن امیه وعکرمه ابن ابی جهل وسهیل بن عمرو وحویطب بن عبد العزی وشیبه بن عثمان خواص واتباعلریله هتک پردهٔ پیمان ایدوب * چهرهٔ بی‌بهره‌لری پوشیدهٔ براقع تستر علی وجه التنکر بکریانه اختلاط ودغافصهٔ خزاعیان اوزرینه حواله‌ٔ کابوس هیاط ومیاط ایلیوب * خزاعیان غافل بولنمغله پریشان وبکرمی علی روایة یکرمی اوچ آدملری سیلاب سیف بکریانله وادی عدمه جریان ایلدی * لکن ابوسفیانک بوقضیهٔ نامرضیه‌ده خبرومدخلی اولمیوب علی قول مقدمجه انکله استشار اولنوب بروجهله رضاداده اولمامشیدی * حارث بن هشام زبانندن بو وقعهٔ فضیحه قرع سامعهٔ ابی سفیان ایدیجک * بن بومادهٔ نادیه‌یه نه حاضر ونه غائب اولدم * بونقض عهدک وخامت عاقبتی درکار * وسر فلاکت ثمرهٔ ایجاب بلا واستجلاب عنا ایلیه‌جکی آشکاردر * خدا حقی بوپیام وحشت‌انجام منعکس جانب اهل اسلام اولیجق حضرت محمد لامحاله انتقام خلفاسنی ذمت جسارت ایتکزده تقریرا تمیوب قریبا دار ودیارمزی مواطئ خیل قهر وتخسیر ایلیه‌جکی غیرستیردر * خصوصا همسر بالین ازدواجم اولان هند بنت عتبه دون کیجه رؤیاسنده مشاهده ایتمش که کویا جانب حجوندن مکه‌یه ماننده جیحون بر سیل خون روان اولوب خندمه نام موضعه منتهی اولدقده بر مدت رکوت وارامدنصکره ناپیدا اولمش

دیوضربه‌زن چهرهٔ تأسف * وریشخوار تحسر وتلهف اولدی * منقولدرکه فردای وقعه‌ٔ وتیرده * بدیل بن ورقاء الخزاعی فرق نفر زخمخوردهٔ دشنهٔ غدرایله ملازدرد منداں وملجأ مستمندان اولان استان دلندایوان نبوته نجائب ران تظلم واشتکا اولدیلر * ام المؤمنین حضرت میمونه رضی الله عنها بواسلوب اوزره نقشبند کارکاه روایت اولمشدرکه * اول کیجه ماه سپهر نبوت بنم شمع شبستان نوبتم اولوب * جانب متوضادن خرامندهٔ خلوتکه عالی اولدقلری حالده * خودبخود اوچ دفعه لبیک واوچ دفعه نصرت تعبیری زبان معجزنشانلرندن سرزدهٔ ظهور اولدی * بوکیجه یارسول الله بویله هنکام بیشبانده کیمکله مکالمه‌یه دمساز اولورسز دیو سؤال ایله جسارتمده یامیمونه بنی کعبک یعنی خزاعه‌نک راجزیدرکه بوشب پرشوروشغبده غارتزدهٔ بنی بکر ومحنتخوردهٔ غدر قریش اولمریله * بزم جانمزه بث شکوهٔ تظلم ایله استغاثه ایتمکله آکا اجابت ایلدم بیوردیلر * اوچ کون مرورندنصکره حضرت پیشوای جماعت اتقیا * علیه اجمع الصلوات والمی التحایا * صلاهٔ فجری ادا ایلیوب مسجدالنبیده اصحاب کزینه‌له حلقه‌بند انجمن ایکن * ناکاه عمرو ابن سالم خزاعی فرق نفر خزاعیانله نالان ودیده کریان ایستادهٔ موقف معلا ارکان اولوب * مخاذیل بکریان وغداران قریشک تیغ غدر وستملرندن کوردکاری زخم دلنشینی بوقصیدهٔ اتیه ضمننده برداشتهٔ معرض مرحمت آیین ایلدی *

* یارب انی ناشد محمدا * حلف ابینا وابیه الاتلدا *
* انا ولدناک وکنت الولدا * ثمت اسلمنا فلم ننزع یدا *
* ان قریشا اخلفوک الموعدا * ونقضوا میثاقک المؤکدا *
* هم بیتونا بالوتیر هجدا * وقتلونا رکعا وسجدا *
* وجعلوالی فی کدأ رصدا * وزعموا ان لست ادعوا احدا *
* وهم اذل واقل عددا * فانصر هداک الله نصرا ایدا *
* وادع عباد الله یأتی مددا * فیهم رسول الله قد تجردا *
* فی فیلق کالبحر یجری مزبدا * ابیض کالبدر ینمو اصعدا *
* ان سیم خسفا وجهه تربدا *

مطلع قصیده‌ده اتلد کلمه‌سی تلوددن مأخوذدر قدیم ومقیم معنالرینه‌در * بیتونا تبییتدن مشتقدر تبییت شبخون ایتمک معناسنه‌در * وتیر تای مثناة ایله مأوای خزاعیان اولان ابکیر اسمیدر * هجد هجوددن جمع اسم فاعلدر هجود نوم معناسنه‌در * کدأ معلاهٔ مکه‌ده برعقبه‌در * فیلق عسکر عظیم

معناسنه‌در * سیم کلمه‌سی ماضی مجهول درسومدن مأخوذ درسوم
برکسنه‌یه مذلت ایصال ایتمکه دینور * خسف ذل وحقارت معناسنه‌در *
تربد تغیر معناسنه‌در * مشرع جوی مرحمت * ومنبع رود شفقت
حضرتلری * نرکس دیده‌لرندن ژاله فشان اشك رقت اوله‌رق نصرت یاعمرو
ابن سالم تعبیریله سل سیف شهیر انتقام بیورجقلرنی ایما * وجراحات قلوبلرینه
وضع مرهم شفابخشا ایلدیلر * شاخ شجرهٔ روایندرکه * سرکشته بختان
قریش کندی یدلریله بنیان راحتلرین هادم اولدقلرینه نادم سادم اولوب *
کفهٔ میزان کبی سینه‌لرین سنك تأسفله دوکمکه بشلدیلر * عاقبت بوفتقك
رتقنی وبوخرقك رفعنی دستیاری غیرت ابی سفیانه احاله ایدوب * بوکورهٔ
ناکه التهاب فسادك شعلهٔ پیامی حرارترس جانب اسلام اولمزدن مقدم
مدینه‌یه دواسبه‌ران مسارعت اولوب * صلحی تجدید ومدتی تمدید ایلمکه
اهتمامنی نیازایلدیلر * ابوسفیان دخی غلامیله برپشت رکاب شتاب اولوب
هجرتکاه طرفنه روبراه اولدیلر * چاره‌ساز بیچارکان حضرتلری نائرهٔ
علوخیز درد خزاعیانه رشاشه‌پاش تسلیت واطمینان اولوب * طبیب جنان
ایله اعاده بیوردقدنصکره اصحاب کرامه متوجه اولوب * حالا ابوسفیان
تجدید پیمان وتمدید زمان نیازنی سررشتهٔ مکرواحتیال وروپوش غدر
واغتیال ایتمك صددیله طرفمزه ردپیمای قدوم اولمقده‌در * لکن خسران
وخیبتله رجعت ایلیه جکدر بیوردیلر * منقولدرکه ابوسفیان واصل بطن
عسفان اولدقده مدینه‌دن عود ایدن خزاعیانه تصادف ایدوب * خاکپای
سلطان الانبیایه رفع رقعهٔ اشتکا ایتدکلرندن استقصا ایتدکده * انلاردخی کتم
واخفا ایدوب وجههٔ مسلوکه‌لرینه عازم اولدیلر * ابوسفیان سرعتله
مبرکارینه کلوب خرماچکردکارین کوریجك درکاه مخلد الاجلاله
ورودلرنی تحقیق ایلدی * پس سوروب طوغری دخترسعد اخترلری
ام المؤمنین ام حبیبه جنابنك خانهٔ شرف آشیانه‌سنه القای رحل ثقلت
ایدوب کابستر سید العجم والعرب اوزره قعود قصدیله خطوه‌جنبان سوءادب
اولیجق * ام حبیبه اول فراش رفرف طرازی نوردیدهٔ دست اعزاز ایلدی *
ابوسفیان ام حبیبه‌دن بووضع نامأمولی مشاهده ایدیجك * یاام حبیبه
بوفراشی بندنمی دریغ ایدرسن یوخسه بنی فراشدنمی دیو سؤال ایلدکده *
ام حبیبه جوابنده بلکی فراشی سندن دریغ والودهٔ لوث اشراك اولان وجود
بدبودکدن صیانت بلیغ ایدرم * زیرا بوبستربالذات تماس بدن سرورای لولاك
اولمغله * سکاجای اقامت اولمق بروجهله رواد کلدر دیدی * ابوسفیان

بومقالی اشیدنجه مألدن پرسوز انفعال اولوب یاام حبیبه بزدن مباعدت
ایلدکدنصکره عجب بدخوی ودرشت زبان اولمش سن دیدی * ام حبیبه
لا بلکه هادی المضلین جل شانه بنی شرف هدایتله کامبین * وجمال حالمی
حلیهٔ عالیهای اسلام برله ترقیش وتزیین ایلدی * حالباسن قریش کبی قبیلهٔ
جلیله‌نك اسوه‌سی اولوب * کوه کوه ادعای فراست وکیاستله اوازه‌بخش چار
جهت اولمق زعمنده ایکن * ساختهٔ ایدیٔ صنعا عان اولان سمع وبصردن
عاری * ونفع وضرردن عاجزوبری برسنك پاره‌یه پرستشله اضاعهٔ رأس
المال زندکانی ایدوب کندکی خزی وخذلان ابدی‌یه کرفتار * وذل وهوان
سرمدی‌یه دوچار ایتمك اوزره‌سن دیدی * بوکلمات تحمل ستاندن خاطر
ابوسفیان کورهٔ آهنکران اولوب یاام حبیبه جادهٔ آبا واجدادم اولان
طریقدن تنکبله شرعهٔ شرع محمدی‌یه می سلوك ایده‌یم دیو کمال خشم وغضبله
خانه‌دن بدر اولوب * حضور سید البشرده اندامهای ثقلت ایتمه اولدی *
سلطان الانبیا علیه افضل التحایا حضرتلری داعیٔ قدومندن استنبا
بیوردقده * بن حدیبیه صلحنده حاضر اولمدیغم سببیله مدت مصالحه قلیل
عقد اولنمش اولمغین شمدی عهد صلحی تجدید ومدتنی تمدید رجاسنه مرتکب
متاعب سفر اولدم مقالیله صندوقهٔ دهان پرمکرومکیدتن کشاد * وبووجه
اوزره متاع کسمخرمن خرفزمینی پیشنهاد ایلدکده * سرور دوجهان
حضرتلری یاابا سفیان باعث کدسفرهمان بوماده میدر بیوردیلر * اولدخی
نعم دیدی تکرار سید الابرار حضرتلری یوخسه برحادثه‌می واقع اولدی
بیوریجق * ابوسفیان معاذالله تعالی الان جمله‌مز ثابت قدم مرکز صلح
وهدان اولوب شروط وعهود معقوده‌مزی کماینبغی طروق نقض وخللدن
صون وحمایت باینده پابرجای اهتمام اولمق اوزره‌یزدیدی * برکزیدهٔ قاطبهٔ
اخیار حضرتلری کذلك بزلردخی اول عهد وپیمان اوزره برقرار اولوب *
امر محافظهٔ شرائط صلحده بذل اقتدار ایتمك اوزره‌یز بیوردیلر * ابوسفیان
بنای متخلخل الارکان سلم وصلاحك رم واصلاحنه دائره‌رچند اعمال
مهندسکاریٔ احتیال ایلدیسه * بانیٔ مبانیٔ اسلام طرفندن موافق مرام
برجوابله بکام اولمدی * عاقبت یأس وخیبتله خانهٔ صدیق اکبره نقل کثافت
ایلیوب * بوخصوصده انلاردن استشفاع واستجاره ایلدی * یارغار
بلنداعتبار حضرتلری جواره صلی الله علیه وسلم تعبیریله بوبابده
مالك اختیار مخصوص اولمامغله * امر مسئولنك انفاذنده عدم اقتدارلرین
زریعهٔ اعتذار ایلدی * ابوسفیان که زعمنجه متکاپرای مسند عز وعنوان

چکنور ایدی ٭ سائل دربدر کبی دوربوابه قیام ایدوب ٭ حضرت فاروق
وذوالنورین وعلی المرتضی وفاطمة الزهرا وقرة العین حسن وحسین ٭ وسائر
اشراف مهاجرین وانصار حضراتنه بکان بکان مراجعت والتیام ایدوب ٭
خائب وخاسر جمله‌سندن عودت ایلدی ٭ آخرکار جناب حیدر کراره التجا
ایدوب یا اباالحسن بکا زیر سرادق امانکده تعیین مکان ایلیوب هم جناب
مصطفادن مدتوقیت میثاق ضمننده ناطقه جنبان استدعا اول دیدی ٭
حضرت مرتضی یا اباسفیان ٭ کار از دست رفت ٭ اول خصوصک زمانی
کذرایلدی ٭ شمدی سن زبدهٔ قریش وعمدهٔ بنی کنانه سن شانکه شایسته
وصلاح حال طرفینه بایسته بوندن انسب واصوب تدبیر یوقدر که ٭ رجال
طرفینی کندک جوارکه الوب ومجمع اصحابده یا معشر الناس ابنای جانبینی
کهف الامان زنهارمه الدم دیو اعلان ایلیه سن دیدی ٭ ابوسفیان کمال
حیرتندن لطیفهٔ مرتضی یی جد وحقیقته حمل ایتمکله ٭ واقعا مسجد
شریفه واروب ٭ آواز بلند ایله ایها الناس مردان طرفینی زیر سایه‌مدن
جوارمه الدم ظن ایتم که برکسنه اخفار ایلیه دیوب مکه طرفنه عنانکرای
قفول اولدی ٭ حضار اصحاب قفاسندن خنده زن استعجاب اولدیلر ٭
ابوسفیان مکه‌یه واروب کیفیتی نقل وبیان ایدیجک ٭ جمله اهل مکه برجواب
شافی وپیام کافی ایله کلمدک ٭ علی بن ابی طالب سنی هزل ایتمش دیو تسفیه
وتحمیق ایلدیلر ٭ ابوسفیانک مکه‌یه معاودتنه متعاقب ٭ شاه سریر اجتبا
علیه اکمل التحایا حضرتلری ٭ نهانی تهیئهٔ اسباب وغا ایدوب بعده وصیت
کتمانله مرام شریفلرین مجاهدین دین حنیفه انبا بیوردیلر ٭ واطراف
واکنافده اولان غفار واشجع واسلم واسد وسلیم ومزینه وجهینه وکعب
وکنانه قبائلنه اوامر علیه نشر اولنوب ٭ بعضلری دارالملک طیبه‌ده وبعضلری
خلال راهده معسکر همایونه ملتحق اولدیلر ٭ وسد طرق جواسیس ایتمک
ایچون ٭ سبل ومسالکه آدملر تعیین بیوردقدنصکره ٭ اللهم خذ العیون
والاخبار عن قریش حتی نبغتهم فی بلادهم ٭ دعاسیله جاسوسلرین اخذی
وقریشک غفلتیچون درکاه قاضی الحاجاته ارسال بیک مناجات ایلدیلر ٭
اکرچه برکسنه اهل مکه‌یی تقریر وتحریر ایله بوسفر مثمر الظفر وقوعندن
آکاه ایتمامک باینده دیوان رسالتدن تنبیه اکید صادر اولوب ٭ لکن اقتضای
قضا وقدر ایله حاطب بن ابی بلتعه حضرت سید البشرک سفر بر اولدقلرنی
مشعر ٭ اعاظم قریشدن سهیل بن عمرو وصفوان بن امیه وعکرمه بن ابی
جهل طرفنه برنمیقه تحریر ٭ ومقدمه ابوعمرو بن ضیفی بن هاشم بن عبد

منافک ساره نام بر مغنیه جاریه‌سی مدینه‌یه کلوب ٭ حضرت سید الانام
اسلام ویاخود مهاجرت طریقه سیله می کلدک دیو سبب ورودندن استعلام
بیوردقده اولدخی افندیلرینک رختبرد حیات اولدقلری حسبیله ضرورته
دوچار اولدیغنی اشعار ایلدی ٭ سرور معلاپایه حضرتلری این انت
من شبان مکه تعبیریله مغنیه اولدیغنی کنایه بیورمغله ٭ اولدخی بدر وقعه‌
سندنصکره اهل مکه شیون زده اولمغله برنده داعیهٔ شوق ونشاط قالمیوب ساز
سرور وصحبتلری ناساز ومزمار حضور وعشرتلری کرفته آواز اولمشدر دیدی
پیغمبر ذیشان حضرتلری بنی عبدالمطلبه امر بیوروب وافر عطیه احسان
ایلدیلر ٭ حاطب بن ابی بلتعه رقیمهٔ مرقومه‌یی مزبوره‌یه اعطا اولدخی کیسوسی
ایچره اخفا ایدوب مکه طرفنه ره پیما اولدی ٭ اما حدود ذوالحلیفه‌یی
هنوز تجاوز ایتمامشیدیکه ٭ مبلغ اخبار آسمانی ٭ برید سعید سبحانی جبریل
امین نازل اولوب ٭ سر بر نهفتهٔ مکتوبی تبیین ایلدی ٭ سلطان الانبیا
حضرتلری همان جناب مرتضی وزبیر بن عوام ومقداد بن اسودی امادهٔ
تعقیب ایدوب ٭ روضهٔ خاخه وصولکزده ساره‌یه ملاقی اولورسز ٭ حاطب
طرفندن خبر عزم وسفر مزی معلن انده برنمیقهٔ سربمهر مکتوم اولمغله اول
ورقپاره‌یی آوردهٔ دست تفحص ایلیه‌سز دیو سپارش بیوردیلر ٭ انلار دخی
برموجب فرموده ره پیموده اولوب واقعا محل مشارده اول مکاره‌یه دوچار
ومکتوب نهفته‌یی طلبکار اولدیلر ٭ ابتدا انکار ایدوب بعد الانذار کیسوسی
اراسندن چیقاروب تسلیم ایلدی ٭ مکتوبی الوب پیشکاه افضل الورایه
ابلاغ ایلدیلر ٭ بو عبارتله که من حاطب بن ابی بلتعه الی اهل مکة ٭
اعلموا ان رسول الله صلی الله علیه وسلم قد توجه الیکم بجیش کاللیل یسیر
کالسیل واقسم بالله لو سار الیکم وحده لینصرنه الله تعالی علیکم فانه منجز له
ما وعده فیکم فان الله تعالی ناصره وولیه وقد احببت الیکم ان تکون لی
عندکم ید بکتابی الیکم ٭ قرائت اولندقدنصکره حاطبی دیوانخانهٔ جلاله
استحضار وبو امر نامرضی‌یه اجتسارندن استنطاق بیوردقلرنده ٭ حاطب
بیچاره تمام لرزش شرم وحیا ایله یارسول الله قسم بخدای جهان آفرین که
بحمده تعالی ساحهٔ درونمه نهر زاییده رود صدق ویقین جریان ایلیه‌لی ٭
کرد نفاق وخاشاک ارتداد ایله متکدر اولمدی ٭ وقریشدن مفارقت
ایده‌لی انلارک بیکانه کیاه محبتلری روضهٔ فؤادمده سرخیز ظهور اولمیوب ٭
انجق محاط علم عالم آرای سعادتکزدر که ٭ سائر مهاجرین کبی بنم ده میانهٔ
قریشده رابطهٔ قرابت یوقدر که پسماندکانی اوزره بسط جناح حمایت ایلیه‌لر ٭

بنا برین * دلالت فکرنا صوابله بو امری ارتکاب ایلدم که بو تقریبله قریش اوزره تحمیل منت ایلیم * تا که هنکام اقتضاده آنده اولان والده مك حمایتی خصوصنده اهتمام ایلیه لر * بو دخی مجزومدرکه ارادهٔ رب جلیل من بعد قریشك تخذیل و تنکیلنه تعلق ایتمکین * بنم بو ورقپارم انلاره تعویذ بازوی امان اولمیه جغی نمایاندر * لکن علی ای حال بو جنحه بندن صادر اولمغله نه کونه معاملهٔ جزا ترتیب اولنورایسه وجه استحقاقم مرتبهٔ چون و چرادن برتر دیوب مقام رضاده سرفرو بردهٔ تسلیم اولدی * خطاپوش امت حضرتلری اعذار حاطبی تصدیق و قبول بیوروب * لکن حوصلهٔ حمیت فاروقه کنجایش پذیر اولمامغله * یا رسول الله بو نه جسارتدر که کتمان سفر امرنده مبالغه کز حدی تجاوز ایتمشیکن انجامی مستوجب محاذیر عدیده اوله جق جنایته تصدی و مجاسرت ایلیه * بو کینه یه رخصت ارزانی بیوریله که بر ضربهٔ شمشیر ایله وجودنی نابود ایده یم دیو درخواست دستور اولدقده * حضرت رسول الله * انه شهد بدرا و ما یدریك لعل الله اطلع علی من شهد بدرا فقال اعملوا ما شئتم فقد غفرت لکم * کلامیله حاطب سزاوار دوشاخهٔ عتاب و عقاب اولمدیغنی بیان بیوردیلر * بو مقال غریب المآل اتش انداز دل فاروقی اولمغله * دیده لرندن باران کبی سرشك انفعال سیال اولوب * الله و رسوله اعلم دیوب متشبث دامن اعتذار اولدی * مقارن حال برید لایزال اشبو * یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا عدوی و عدوکم اولیاء تلقون الیهم بالمودة الی قوله تعالی فقد ضل سواء السبیل کریمه سنی انزال ایلدی * مؤلف فتح الباری بو کونه کشایندهٔ قفل اشکال اولمشدرکه * جناب فاروقك حاطبی بعد تصدیق النبی علیه السلام قتل و اعدامه اقدام لرینك وجهی بودرکه * شدت صلابت دینیه و قوت حمیت یقینیه مقتضاسی * فرمان متحتم الاذعان نبویدن سرمو سرپیچ اطاعت و امتثال اولنلر بهر حال مستحق قهر و نکال ظن ایدوب * لکن حکم من بورو جدانده یقینیاتدن اولمامغله * قتلی بابنده استیذان و اظهارینه مخالف اضماری ظهور ایتمکله * منافق اطلاقنه شایان ایلدیلر * و حاطب رضی الله عنه کرچه ظاهرا جهت غدرده بولنوب * لکن وجه مشروح اوزره منتج ضرر اولمیه جغی بالتأویل مرتکب اولمشدر * و کریمهٔ مرقومه کندینك منقبت و ایمانده شهادتی متضمن اولدیغی وارستهٔ کلفهٔ تفصیلدر * مرویدرکه چون مهمات سفریه بروفق مرام ترتیب و اتمام اولنمغله منشور خلافت مدینه ابن ام مکتوب رضی الله عنه نامنه ترقین بیورلدقدنصکره * ثامنهٔ هجریه ماه صیامنك اون سکزنجی

علی روایة ایکنجی علی قول اونبجی مبارك اربعا کونی مدینهٔ طاهره دن فك رابطهٔ اقامت * و ظاهر صحرایه نقل خیمهٔ فخامت بیورلدی * بو سفر فیروزی اثرده جملهٔ مهاجرین و انصار موکب کواکب شمارده موجود اولوب فرد آفریده تخلف ایلمدی * محل من بورده استطلاع سپاه نصرت پناه اولندقده زمرهٔ مهاجرین یدییوز مجاهدین اولوب اوجیوز نفری شهسوار * و فرقهٔ انصار درت بیك مرد جلاد تشعار اولوب بشیوز نفری زین زین سمند صبا رفتار ایدی * و قبیلهٔ مزینه دن بیك نفر دلاور جنکاور کاوب یوز نفری خیال عرصهٔ شجاعت ایدی * و بنو اسلم درتیوز دلیر مسلم اولوب اتوز نفری فارس میدان سطوت ایدی * و ایکی بیك دلاور دخی اثنای طریقده ملتحق معسکر هدایت رفیق اولمشدر * خلاصهٔ کلام اون بیك نفر سپاه صولت کستر برله که *

لها عدد الرمل المبر علی الحصا * و لکنه عند اللقاء جبال

مضمونی درع اندام جلادت ارتسام لریدر * سیل عرمرم اساجاری جانب ام القرا اولدیلر * مسانهٔ قدید و عسفانده کدید نام ایکیر * مرکز رایت محترم و مخیم حشم محتشم اولدقده * فخر عالم صلی الله علیه و سلم حضرتلری افطار بیورملریله * سپاه ابرار دخی با لجمله افطار ایلدیلر * عم سید الناس حضرت عباس رضی الله عنه مقدما دستور نبویله مکه ده اقامت و اشتغال خدمت سقایت ایدوب * اول خلالده اختلال حال قریشی احساس ایتمکله * بالاهل و العیال درکاه دعومی الاقبال طرفنه خرامیده مهاجرت و ارتحال اولمشیدی * مرحلهٔ جحفه ده موکب همایونه ملاقی اولمغله * امر رسول اللهله تکلفاتنی مدینه یه ارسال ایدوب کندیلری * ملازم رکاب خورشید تمثال مصطفوی اولدیلر * منزل ابوا نقش سنابك الخیل سلطان الانبیا برله سماء ذات البروجه غبار غبطه فرسا اولدقده * حضرت رسول اللهك ابن عمی و لبان حلیمه دن برادر رضاعیسی ابو سفیان بن حارث بن عبد المطلب و فرزندی جعفر و بنت عمهٔ رسول الله اولان عاتکه نك اوغلی عبد الله بن امیه معسکر همایونه لاحق اولوب * مقدما ماه سپهر نبوت حضرتلرینه برج حرم منزل * و نشر نور دعوته مشتغل اولدیغی اوقاتده * اول ایکی سك هنش بدسماتك عوعوهٔ رنجش و آزارلری حدی کذار ایتمش اولمغله * جناب رسالتپناه انلاردن بغایت متنفر و دلکیر اولمغله * خاکبوس سدهٔ سعادته رخصت ارزانی بیورمدیلر * ام المؤمنین ام سلمه جنابلری هود جنشین مرافقت اولمغله شفاعت قیدنده اولدقده * شاه دوسرا حضرتلری لا حاجة لی

بهمانعبیرله سد روزنهٔ رجا یوردیلر * اون ایکی سنه کارتنه روزکار وجههٔ
اوطارلرینه تعلیق غشاوهٔ یاس وحرمان اولدیغنی استشعار ایدیجک *
ابوسفیان بو وجهله خروش انگیز لجهٔ افغان اولدیکه اکر قبالهٔ اعتذارم قرین
قبول اولمیوب تقبیل پای مقبول انس وجان ناقابل ومقبل مقبلان زمین
واسمان * وقبلهٔ قاطبهٔ عالمیان اولان استان دلند ایوان نبوت که مقبل قبول
شرف وشاندر * قبل اقبالمه یوزیمه متقفل اولورسه * خدا حقی اشبو طفلی
بی کناهله دست بدست اوارهٔ بیابان فنا اولوب * اج ومحتاج کاروبار حیاتمزی
سپردهٔ کف تاراج ایتمک مقدمهٔ صحیحة الانتاجدر * ابوسفیان طرفندن
وزان اولان بوکونه صرصر انین وفریاد موج انگیز رقت قلب مرحمتنهاد
نبوی اولمغله * بحر سیاه کناه کذشتهلری مغمور ریم سپید عفو وعنایت اولوب
ایکیسده موقف جلالته چهره سا وحضور رفائض النور سرور اصفیاده
اظهار کلمهٔ شهادتله حائز عز وعلا اولدیلر * منقولدر که سوابق کستاخیء
ابوسفیانک سبل نظارهسی اولمغله * افتاب جمال محمدی یه رفع نکاه ایتمکه
مقتدر اولمزایدی * شعبهٔ اصول روایاتدندر که قدید مرحلهسنده مهاجرین
وانصار وسائر جنود مجندهٔ نصرت اثاره تقسیم الویه ورایات * وتعیین طرق
وجهات بیورلدی بعد ذلک رفاقت توفیق مالک الممالک برله طی مراحل
ومسالک اولنوب * هنکام عشاء مرحلهٔ مر الظهران مضرب خیام مجد
وعنوان اولدقده * حسب الامر العالی جملهٔ سپاه ابهجان عددلرنجه
اون بیک محلده ایقاد نیران ایلدیلر اکرچه اول وقته قدر قریش بی بصر مقدم
عسکر جلیل الخطردن بیخبر اولوب * لکن ارتکاب ایلدکاری اعمال سیئه
وصنیعهٔ شنیعهٔ ردیهلری * مجازاتنی کورمک خوف وخجالتیله ترسنالئ وبیرون
حومهٔ شعور ودادرلئ اولمریله تکرار استیمان رجاسیله ابوسفیانی طرف طیبهیه
ارسال ایلدیلر * ابوسفیان وبدیل بن ورقاء وحکیم بن حزام سوار اولوب
رهنورد جانب حجرتسرای اولدیلر * پردهٔ ظلام شبده مر الظهرانه مشرف
پشتهیه صعودلرنده * مآل حالدن بیخبر اون بیک محلدن اول اتش عالمکیر *
دفعهٔ شعلهنمای باصرهلری اولیجق کانون حواسلری پردود حیرت اولوب *
تحقیق مادهٔ نار ایچون بادکبی هرسمته پویان واب اسا هرسویه جریانه
بشلدیلر * مکر حضرت عباس اول کیجه انبوهیء سپاه اسلام مشاهده
سندن بو ملاحظهیه دوشمشدیکه * اکر الارخیل انبیا حضرتلری * بو لشکر
خورشید کوکبه وکواکب شمار ایله صبحدم عنوة مکه اوزرینه هجوم
ایدرلرسه امام القرا جنینن القا ایدوب قطعا سواد قریشدن اثر قالمیه جغی اظهر *

والی اخر

والی اخر الدهر نام ونشانلری صبغهٔ اناسینا ایله متروک ومهجور اولمق
امر مقرردر * بو حرکتدن کاشکی اگاه اولوب برساعت اقدم سایبان استیمانه
ایصال جان ناتوان ایلسهلر ایدی * دیوب بغلهٔ بیضای نبوی یه سوار وبهر
سو مکه یه راهی جستجو سنه درکار ایدی که * ناکاه ابوسفیانک اوازی پردهٔ
صماخنی قرع ایلدی * همان یا اباحنظله دیو ندا ایتمکله ابوسفیان دخی
صدای عباسی استشعار ایدیجک * یا ابا فضل سنمیسن دیو بکدیکره مطیهران
ملاقات اولدقده * یا ابا فضل بو نه سپاهدر نه جانبه روبراه اوله جقدر دیدی *
حضرت عباس ویحک یا اباحنظله بو عسکر سلطان الانبیادر که قریشی
فروزینهٔ آتش شمشیر ایتمک قصدیله شعلهفراز توجه اولمشلردر * سن هنوز
هرزه کرد وادیٔ غفلتسن دیدی * بو مقال آتشین خواخرمن شعور ابی سفیانی
خاکستر فنا ایتمکله * مدد یا ابا فضل بو ورطهٔ جانسوز جکر کدازدن طریق
نجات ندر دیو کبک هراسان اسا لرزان اولمغه بشلدی * عباس دخی یا اباسفیان
قبل الاستیمان اکر پنجهٔ سختکیر اسلامیانه کرفتار اولورسن * بلا امان جمعکی
بیکانهٔ جان ایده جکلری امر مستباندر * همان بکا ردیف استر تسلیم اول که
سنی ملجأ عالم وملاذ کافهٔ امم اولان درکاه رسالتپناهه ایصال ایدهیم دیوب *
ابوسفیانی استرداف وحکیم وبدیل جانب مکهیه انصراف ایتدیلر * حضرت
عباس ابوسفیان ایله میانهٔ لشکرکاهه ورودلرنده رهکذارلری قنغی محله دوچار
اولدیسه * بو یله نابهنکام اردو ایچره کشت وکذار ایدن کیمدر دیو فالقوب
شعلهٔ اتشله امعان نظر ایدرلر ایدی * جناب عباس ایدیکن استیناس
ایلدکلرنده عم محترم سید الناس ایمش دیو دست برسینهٔ ادب وتعظیم اولورلر
ایدی * تا که عبورلری فاروق اعظم خیمهسی پیشکاهنه منتهی اولدقده ردف
عباسده ابوسفیانی کوریجک * بحمده تعالی امان وایماندن بری بو دشمن
خدایی بولدم دیو شیر غرنده کبی پرتاب ایدوب * قتلنه بارکاه رسالتدن
استحصال رخصت قصدیله خیمهٔ نبوی یه شتابان اولدی * عباس دخی
ما فی الضمیر فاروقی تفرس ایتمکله لجام انکیزنه سرعت اولوب اقدمجه درکاه
دعومی العلو والاثاله ایصال ایلدی * عقبندن تیغ بدست فاروق اعظم
حضرتلری داخل خیمهٔ مکرم اولوب یا رسول الله اشته اول سرکردهٔ مخاذیل
کفار وپیشکار وپیشقدم فرقهٔ فجار ابوسفیان تبهروزکاردر * الحالة هذه
خلعت امان وایماندن برهنه اولمغله همان رخصت ارزانی بیوریله که دلالت
شمشیر شهیر شریعتله روبراه جانب سجین ایدهیم دیو مقام حرص وانتقامده
پای افشار تثبت وتمکین اولدیلر * حضرت عباس یا رسول الله فرط لطف

وعنايتكزه اعتماد وكمال رحم ورأفتكزه استناد برله الى زيرزنهارمه الوب * جوار كمترانه م تعهد يله دركاه عطوفت دستكاهه ايصال ايلادم ديجك * سرور كافهٔ ابرار حضرتلرى اى عم بزركوار ابوسفيانى بوكيجه كندى رحلكده سپردهٔ پاسبان حفظ ونكاه ايدوب * على الصباح بنه احضار ايليه سن اول زمان حكم حاكم قدرينه ايسه اجراسنه مظهر اولور بيورمغله * عباس دخى تا بسحر كندى خيمه سنده ابوسفيانى وابستهٔ سلسلهٔ مژكان ايليوب * هنكام صبح آوردهٔ پيشكاه پيغمبر ذيشان ايلدى * شهنشاه خطهٔ خلق عظيم حضرتلرى ابوسفيانه امالهٔ نظرهٔ التفات وتكريم ايدوب * ويحك يا اباسفيان الم يأن لك ان تعلم ان لا اله الا الله * يعنى وحدانيت خداى بيهمتايى اقرار ايليه جك زمانك قريب اولمديمى بيورديلر * ابوسفيان ايسه رمال بيابانذن فراوان جرم وعصيانته مجازا تا قرارداده سيف بى امان ايكن * بويله محلده جانب نبويدن بو وجهله توجه كريمانه ارزان بيورلديغن كوريجك * همان بى اختيار پدر وما درم فداى سر سعد افسرلك اولسون * طرف اشرفكزه بندن صادر اولان بيرون حد وشمار اوضاع كستاخى وعشار مقابلى بويله دم فرصتده معاملهٔ مجامله بيوررسز زهى حلم زهى كرم شمدى يقينا معلوم اولديكه اكر حضرت خداى بيچوندن غيرى بر اله دخى اوليدى * بكا ايصال عون ومنفعت ايدردى ديدى * بنه قاضئ محكمهٔ شريعت حضرتلرى ويحك يا اباسفيان الم يأن لك ان تعلم انى رسول الله يعنى وقت كلمديمى كه بنم رسالتمى تصديق ايليه سن بيورديلر * ابوسفيان پدر وما درم فداى ذات ستوده سماتك اولسون راست بودركه بوانه قدر مبحث نبوتكده دائر ضمير كج فهم وناصيمده شائبهٔ شك واشكال جوال ايدى ديدى اكرچه ابوسفيان بو مقوله روش انصاف وجنبش اعترافله كنارهٔ كعبهٔ اسلامده دور وطواف ايلدى * لكن هنوز سرادق اسلامه داخل اولمامغله حضرت عباس يا اباسفيان نيجه بربيرامن معمورهٔ شهادتده كردان اولورسن * بران اقدم پناه بردهٔ حصن حصين اسلام اول يوخسه شمشير فاروقيدن نجات متصور دكلدر ديو دوش زن ابرام اولنجق * همان بى سكتهٔ توقف كلمهٔ شهادت كتوروب خالص ومخلص مسلمان اولدى * حضرت عباس ابوسفيانك اسلامندن كويا كه مجسم نشاط ومجسد انبساط اولمغله * ميانه مكيانده ابوسفيانه مايهٔ شرف وشان اولمق ايچون * اثر توجه سعادت وامارهٔ تلطف وعنايت نيازنده اولمغين * شاه اقليم رسالت حضرتلرى من دخل دار ابى سفيان فهو آمن * ومن دخل دار حكيم بن حزام فهو آمن *

ومن دخل المسجد فهو آمن بيورديلر * ابوسفيان وما تسع الدار والمسجد * يعنى خانه ايله مسجد نقدر آدم اله جق ديجك * شاه معلا جاه سرير اصطفا حضرتلرى * بلال ايله مواخى اولان ابورويحه يه بر لواى نصرت التوا ويروب من دخل تحت لواء ابى رويحة فهو آمن بيورمغله * ابوسفيان هذه واسعة ديدى * پس ازين سرور كزين عليه الصلوة مدى الدهر والحين حضرتلرى * عباسه اشارت بيورديلركه * ابوسفيانى رهكذر لشكر ابرارك برجاى تنكناسنده توقيف ايليه * تاكه فر وشكوه جنود خدا * وكوكبهٔ كروه مردان كشوركشا * بالجمله جلوه نماى عين اعتبارى اوله * حضرت عباس دخى بر موجب امر مفخر الناس ابوسفيانله بر ممر مناسبده طوروب امواج بحر محيط اسا كذران ايدن افواج جيوش اسلاميانى تماشا ايلديلر * هر فرقه وهر قبيله دم عبورلرنده اوچر دفعه يكدهن وهم اواز كلبانك تكبير ايله سپهر اثيره غلغله انداز اولورلر ايدى * ابوسفيان نام ونسبتلرندن پرسان اولوب حضرت عباس دخى تعريف وبيان ايلدكجه متعجبانه مالى ولبنى فلان ديرايدى * مقدمهٔ جنود رب مجيد خالد بن وليد رضى الله عنه ايدى * هزار نفر دليران بنى سليم ايله كذر ايلديلر * انلرى متعاقب كروه مهاجرين مجاهدين دين ايله زبير بن عوام رضى الله عنه كروفر واحتشام برله مرور ايلديلر * انلره مترادف بنى كعب بعده مزينه وجهينه وكنانه واشجع القصه كروها كروه سياق محرر اوزره كذر ايلدكدنصكره * جناب اولين خلقت * اخرين بعثت سالار كتيبهٔ انبيا شهريار مملكت معمورهٔ هدى * عليه اكمل الصلوات واجل التحايا حضرتلرينك * موكب خاص فلك كوكبه وخورشيد علم وآلاى والاى كرزمان دبدبه * وملائك خدم وقدسيان حشملرى ظهور ايدوب * اعيان مهاجر وانصاردن پنجهزار دلير نامداركه ايكى بيك نفرى سراسر زره پوش اولمغله كويا كه صف اندر صف امواج بحر نيلكون هيجان ايتمش كلور * وذات جليل الصفات نبوى بالاى ناقهٔ قصوايه شرفنما اولوب جانب يمينلرنده اسبق مهاجرين صديق اكبر * وسوى يسار يسرايينلرنده اشرف نقباى انصار اسيد بن خضير * وسائر اركان ديوان جلالت * ونقدكران موكب سيادت * حلاق ديده وار اول انسان العين عالميانى دائرا ما دار محيط اولوب * ركاب قرتاب عاليلرنده سيار اولان اصحاب نباهت واعتبار ايله شكرپاش صحبت اولهرق تجلى بخش طلعت اولديلر ويدركه اول روز باصره سوز كفارده لواى انصار سر سعد بن عباده يه سايه ساى افتخار اولمغله * حذاى ابى سفيانه كلدكده غلغلهٔ تكبيرى عالم كير

ایلدکدنصکره طریق التعریض الیوم یوم الملحمة الیوم تستحل الحرمة الیوم
اذل الله قریشا دیوب کذر ایلدی * علم خضر اشقه سلطان الانبیاء قرب
ابی سفیانه سایه فکن عز واعتلا اولدقده * یارسول الله کندی قوم وتبارك
اهدار وبکره طعمهٔ شیر شمشیر تبار اولمق بابنده ارادهٔ قضا کردارمی تعلق
ایلدی دیدکده * سرور انس وجان حضرتلری لا یا اباسفیان بیوردقده سهام
دلدوز کلمات سعدی یکان یکان بیرون کشیدهٔ جفیر دهان ایلیوب یارسول الله
سنی سربرارای تختکاه رسالت ایلین رب العزت حقیچون قریشله میانهٔ
سعادت نشانه ده مربوط اولان سلسلهٔ رحم وقرابتك قطعنه جوازدادهٔ اجازت
اولیوب جرائم سالفه لری مظاهر صفح جمیل اولمغه لطف وعنایت بیورهسز
دیو تعبیرات رقت انکیز ایله ارجوزه خوان نیاز اولیجق * حضرت نبی کریم
مالك ملك خلق عظیم * الیوم یوم المرحمة الیوم یعز الله قریشا تعبیریله کیسهٔ
سامعهٔ ابوسفیانی لبریز جواهر تبشیر بیوردیلر * اول حاله مقارن زنان
قریشدن برخاتون دخی سعد بن عباده نك فقرهٔ مزبورهٔ مفتنه مانه سنی کوش
اشتمکله پیشکاه موکب ستاره سپاهه مثول ایدوب *

* یانبی الهدی الیك لجاء * حی قریش ولات حین لجاء *
* حین ضاقت علیهم سعة الارض * وعاداهم آله السماء *
* ان سعدا یرید قاصمة الظهر * لاهل الحجون والبطحاء *

نشیدهٔ سیلاسترحام ایلدی * قائد الجیش اسلامیان حضرتلری تطییب
مکیان وتلطیف خاطر سعد ایچون دوش مفخر تنده سایه کستر اولان لوای
جلالتی ینه کندی درهٔ درج صابی اولان قیس بن سعدك منکب مباهاتنه
تحمیل اولنمق بابنده جناب مرتضایه امر بیوردیلر * سعد بن عباده حضرتلری
فرزندی حدیث السن ونا ازموده اولمغله * خدمت علمداریده قصوری
صدورندن اندیشه مند اولمغین استدعاسنه مبنی قیسدن انتزاع وبالای
سرزبیرده التماع ایلدی * فایحه * مومی الیه قیس بن سعد حضرتلری
فی ذاته دهات عربدن اولوب خصوصا امور حربیه ده مکائد عجیبه * ومخائل
غریبه ایله معروف * وشهامت نفس وکرم ونجدت وذکا وفطنتله موصوف
اولمغله * نوبت خلافت مرتضویده طرف عالیلرندن مصر والیسی اولدقده
معاویه ایله محیر عقول انسانی میانه لرنده کذران ایدن شیوهٔ نازکانه سنه واقف
اولنلرنه درجه ده نسخهٔ نادرهٔ روزکار اولدیغنی عارف اولورلر ایدی * پدرلری
سعد حضرتلری بسترنشین مرض موت اولوب قضای نحب ایلیه جکنی
تیقن ایلدکده * اموالنی اولادی بینلرنده تقسیم ایلدی * بعد وفاته برحملی

ظهور

ظهورا تمکله حضرت شیخین نقض قسمت اولنمق اراده سنده اولدقلرنده *
قیس پدرملك تقسیمنی فسخ وتغییرا بلم دیوب کندی حصه سنی اول طفل
نوزاده تبرع ایلدی * وکندیسی ذاتنده صاحب ثروت واهل یسار وقدرت
اولمغله اشخاص کثیره ذمتلرنده اموال وفیره سی وار ایدی * بر وقتده منحرف
المزاج اولوب عیادت سنه فردا فریده کام جنبان ورود اولمامغله * بغایت
متأثر ومنفعل اولوب سببنی استفسار ایلدکده * اکثر ناس طرفکزده مدیون
اولملریله حجابلرندن زیارتکزه کلمیورلر دیو انقطاع عوادلك باعثنی بیان
ایتدکلرنده * امر ایلدی جانب جابیه ازرقه واسواقده منادیلر قیس بن سعد ذمم
ناسده مستقر اولان کافهٔ مطلوباتنی جمله یه بخش ایلدی دیو ندا ایلدیلر *
اندنصکره کروها کروه خلایق سیل وادی کبی اقن ایلیوب شویله مزدحم
ومتراکم اولدیلکه * برخطوه حرکته مجال محال اولدی * حتی صدمات
اقدام زوارادن مبنی اولان غرفه نك نردبانی شکست اولدی * وقیس
حضرتلرینك حلیهٔ نقیه لری اطلس یعنی جمال نورانیلری غایتله لحیه دن بری
اولوب * لکن تام الحماسندن ازید بهجت وصباحته مالك ایدی * لطیفه
وجهیله انصار کرام اکر حیرا مکان اوله قیس ایچون برلحیه اشتراسنه جمله
اموالمزی فدا ایدردك دیرلر ایدی * کارائمه دینیه دن اطالس اربعه نك
بریسی مومی الیه قیس حضرتلریدر * ایکنجیسی احنف بن قیس درکه
حلمله ضرب مثل اولمشدر * اوچنجیسی قاضی شریح در دردنجیسی عبد الله بن زبیردر
اشبو منظومه ده مندرجلردر *

* ان السراة الطلس کانوا اربعه * الاحنف الحلیم قیس ومعه *
* قیس بن سعد وشریح القاضی * وابن زبیر الحسن التقاضی *

لاحقه * مرقوم احنف دیدیکه حلمی قیس بن عاصمدن تعلم ایتدم *
برکون مجلسنه واردم احتبا ایدوب جلوس ایتمشیدی * براوغلی مقتول
وبرادرزاده سنی الی بغلو حضورنه کتوروب برادرزاده کز اوغلوکزی قتل ایتدی
دیدیلر * قیس کلامنی قطع ایتمیوب واحتباسنی بوزمدی * بعده اوغلارینك
برینه نظر ایدوب دیدیکه برادرزاده یی اطلاق وبرادرکی دفن ایت دیدکدنصکره
مقتولك والده سنه یوز عدد ناقه وبرزبراغر بیدر * بلکه انکله تسلیه بولور
ومنقولدرکه احنف مزبورك * فقط بر بیراهنی وار ایدی چاککده اولمغله
بوترزی یه کوتروب شونی اصلاح ایلدیدی * اولدخی فردایه تعلیق ایتمکله
ایرته سی کون طلب ایلدکده براخر کونه تعلیق ایدوب خلاصه درت سنه
مرور ایلدی * نه کوملکی اصلاح ایلدی ونه صاحبنه رد ایلدی * بشنجی

سنه احنف كندی اوغلنك اللرندن طتوب ترزی یه كلدی * بو بنم اوغلم در بن
وفات ایدرسم كوملكی بونه تسلیم ایله كه مدیون قالمیه سن دیدی * و بوایامده
ترزی یه قطعا چین جبین دخی اظهار ایلمدی * تتمه * بر كون قیس جنابنه
بر پیره زن قامت موشدن اشتكا ایلدی * قیس مقصودنی تفرس ایدوب *
زهی نازكانه شكوهٔ احتیاج در بیتكده موشی تكثیر ایده یم دیوب خانهٔ پیره
زنی اجناس ذخائر ایله مالامال ایلدی بوقصه یه قریب بركسنه برورق پاره یه
یاامیر المومنین اشكوالیك الشرف یازوب ملوك امویه دن عبدالملك
ابن مروانه عرض ایلدی * عبدالملك صاحبعرضحالك مرامنه انتقال
ایدوب * زهی ظرفانه استماحت واستعطاف ردیوب اون بیك درهم اعطا
ایلدی * ندماسی دقیقه دن سؤال ایلدكلرنده عرضحال صاحبندن شرف
ونجابتی سببیله خلق تحت قدرتنده اولمیان نسنه طلب ایدرلر * واعتذار ایلسه
اصفا ایتمزلر دیو كشف قناع ابهام ایلدی * تكمله * بعدزان حضرت عباس
ابوسفیانه مضیق توقفدن كشایش ورمكله * ابوسفیان شتابكنان مكه یه
كلوب قدوم سپاه بیكران اسلامیانی خبرویریجك * جملهسی كیاه مهر
جانخورده كبی بی اب وتاب وبرهمزدهٔ تلاش واضطراب اولدیلر * مرویدركه
موكب همایون ذی طوی نام مقامی همكوكبهٔ سپهر مینا كون ایلدكده *
سالار جیوش ابرار حضرتلری تفریق جنود نصرت موعوده ابتدار
ایدوب * ابتدا زبیر بن عوام جنابنه فرمان ایلدیلركه * زمرهٔ مهاجرین
وسائر معیتنده اولان مجاهدینله ثنیه كدادن كه جانب معلات مكه در
منطرق اولوب * رایت خاص نبویلرین عرصهٔ حجونده نشانده * وموكب
همایون محل مزبوره شرفنمون قدوم اولدقجه برخطوه تجاوز ایتمیه لر بعده
خالد بن ولید جنابنه امر بیوردیلركه * قبائلدن برجمع ایله مسفلهٔ مكه دن
متوارد اولوب رایتلرین منتهای عمارت مكه یه ركز ایلیه لر * وقطعا سل سیف
قتال ایتمیوب انجق بعض سركشان قریش پرطیش قلب مجنهٔ جدال
ایلدكلری تقدیرده * حدمدافعه یی متجاوز اولمیه جق مرتبه مناوشه یه
مرخص بیوردیلر * خالد بن ولید دخی حسب الامر بر كروه انبوه ایله
محل مزبوره ركز خیل اقدام بیوردقلرنده * صفوان بن امیه وعكرمه
ابن ابوجهل وسهیل بن عمرو برفرقه سبكسران پرخاشجویانله خندمه نام
موضعده سدراه خالد اولمق زعمیله كرمساز هنكامهٔ كارزار اولدیلر * لكن
ضباب سواد كفار شعلهٔ شارقهٔ شمشیر تابداره حائل اولمیوب * طرفة العینده
یكرمیدن متجاوزی افتادهٔ مغاك بوار وماعداسی تارمار اولوب * كیمی

سوراخ اختفایه خزان وكیمی بوادی وجباله كریزان اولدیلر * منقولدركه
چیره دستان صنعت كفر وطغیاندن جماس بن قیس نام كسنه دخی عكرمه
وصفوانك زیررایت استنفارنده اثبات وجود ایتمك داعیه سیله آمادهٔ
اسباب قتال اولیجق * مسلمهٔ دستور الاسلام اولان خاتونی متوشح سلاح
اولمسنك سببنی سؤال ایلدكده * قتال محمدیان ایچون اولدیغنی افاده
ایلدی * خاتونی ای جماس خدای متعال حقی اكا فرد افریده نك یارای
مقاومتی حیز امكاندن بیرونددیوب دامنكیر ممانعت اولمق مراد ایلدكده *
جماس ای خاتون مقصودم اسلامیاندن برنی كرفتار ایدوب سكا خدمتكار
ایتمكدر دیوب شتابر برجانب جنكاه اولدی * بعدالهزیمه هر برینه برسوراخ
موش قصر عمداندن معتبر * و بركنام روبه كاخ سمماردن عالیتر اولدقده *
جماس دخی رخان ثقبهٔ باب حیاطنه القای جان ناتوان ایدوب *
خاتوندن پنهان اوله جق مكان طلبنده اولدقده * خاتونی قنی بكا كتوره
جككك خادم ایا پیشكاه بابده می توقیف ایلدك دیو خنده زن طنز وطعن اولیجق
جماس وتیرهٔ نظم اوزره بوجوابله كویا اولدی *

* انك لوشهدت یوم الخندمه * اذ فر صفوان وفر عكرمه *
* واستقبلتنا بالسیوف المسلمه * یقطعن كل ساعد وجمجمه *
* ضربا ولا تسمع الا غمغمه * لهم نهیت حولنا وهمهمه *
* لم تنطقی فی اللوم ادنی كلمه *

ارجوزهٔ مرقومه ده واقع جمجمه كاسهٔ سر معناسنه در * وغمغمه فهم اولنمیان
صوتدن حكایه در * نهیت نون وهاو یای تحتانی وتای فوقانیله ارسلان
صداسیدر * همهمه حلقومده متردد اولان صوتدر * سرور عالم صلی الله
علیه وسلم حضرتلری طلیعهٔ عز وعلا ایله ثنیهٔ كدایه اعتلا بیوروب *
اطرافه حوالهٔ شاهین نكاه بیوردقلرنده * ومیض البرق شمشیر * وشعلهٔ
نیازك وتیر معاینه ایتمكله * علایم حرب والتحام اولدیغی معلوم شریفلری
اولیجق تفحص احوال بیوروب * خالد بن ولید الاینده اولدیغنی اخبار
ایلدیلر * بعدان وضع الحرب اوزارها مهیج شریان كفاحدن استلواح
بیوردقلرنده خالد حضرتلری بدأ قتال جانب قریش پرضلالدن رونما اولوب *
هرچند اطفای نائرهٔ محاربه یه آب افشان سعی وغیرت اولدمسه مفید اولمدی
دیو بسط اعذار ایلدی بوند نصكره تكرار قتالدن نهی اصدار بیوریلوب انجق
بنوخزاعه وقت عصره قدر كه حرم محترمده رخصتدادهٔ جنك وجهار اولان
زماندر * ایلهٔ وتیره اقتصاص ایله * هنكامه سازدار وكیر اولدیلر * الحاصل

تيغلر درنيام ونيزه وتيرلر وقفه كيرارام اولدقدنصكره * شهريار خطه دين
وفرمانرواى ملكت يقين حضرتلرى اقبال وسعادتله ينه صهوه قصوايى
شرفقرين بيوروب * سرسعد افسرلرنده مغفر * ومبارك ارقه لرنده حله
احمر * يمين ويسارلرنده اسيد بن خضير وصديق اكبر * كوياكه طائر همايون بال
اوج لاهوته ايكى شهپر مشابه سنده نمودار * واسامه بن زيد شرف ارداقله
سر سپهر عز واعتبار اولوب * ذات معالى ايات نبويلرى وعد مقرر الانجاز
الهى اولان فتح مبين وشوكت دين وبومرتبه وفرت افراد مسلمين * ودرون
حرمده خصيصه ذات مكرملرى اولان امر تحليل نعمت جزيل ومنحت
جليلنه تشكرا سربرحل سجده وابتهال اولديغى حالده حشمت فراوان
وعظمت خردفرساى بيكرانله بكره روز جمعه ده داخل حرم خدا وجمله
اهل اسلام واصل صفاى نيل منا اولديلر * مرويدركه حضرت سيد المرسلين
اشارت جبريل امين ايله درون مكه يى آلوات اصنامدن تنقيه وتقديس ايتمك
بابنده دهنكشاى اهتمام اولملريله حسب الامر جابجا مناديلر الله ورسولنه
مؤمن ومصدق اولنلر خانه لرنده اولان اصنامى كسر وهدم ايلسونلر
ديوندا ايلديلر * وكروها كروه اهل مكه حضور ناشر النور نبوى يه توارد ايدوب
بدرقه تلقين اسلامله كعبه دين مبينه دخوله مبادرت ايلديلر * اول فرقه دن
زوجه ابى سفيان هندا كلة الاكباد شرف اسلامله اكتساب عزبى نفاد
ايلدكدنصكره * خانه سنه واروب بزى مغرور ومغبون ايدن سزدكليسز
ديو تعنيف ايدرك جمله اصنام كثيفة الاجساملرين پست * وضربات قهر
وتنكيلله مجموعنى شكست ايلدى * پيشواى جماعت اسلام * عليه اجمع
الصلوة والسلام حضرتلرى * فرداى روز فتحده خطيبا قيام ودركاه
رب الانامه اداى لوازم سپاس واعظام ايلدكدنصكره * جمله يه توجيه خطاب
ايدوب اى معشر ناس حضرت خالق الجن والاناس جل شانه ودل برهانه دم
آفرينشدنبرو حرم مكرمى حرمت سرمديله محترم بيورمغله * جناب احديته
ويوم قيامته مؤمن ومعترف اولان كسنه حريم حرم الهيده سفك دماء
وقطع اشجار ايلمك حرامدر * قتال ايچون طرف ذو الجلالدن انجق بكا نهارده
برساعته رخصت احسان بيوريلوب بعده ينه حرمتى عودت ايتمكله حرمت
امروزه سى حرمت ديروزه سنه وزان اولمشدر * حاضر اولنلر غائبلره بو حكمى
ابلاغ ايلسونلر بيورديلر * بعده جانب قريشه عطف پيكر توجه والتفات
ايدوب يا معشر قريش طرفمدن سزلره نه كونه معامله صادر اولور اعتقاد
ايدرسز بيورمغله انلار دخى ظهور خيرا ميد ايدرز * برادر كريم وبرادرزاده

كريمسز

كريمسز ديديلر * مالك ملكت عفو وعطا اذهبوا انتم الطلقاء بيورديلر *
بيت الحرامده دم حل اختصام اولان ساعت * اول نهار ايله دخول وقت
عصر ميانه سى اولان زماندركه بيان اولندى * وقعه فتح مكه يى متضمن
ابو محمد الشقراطيسى مرحومك نظم وانشا ايلديكى لاميه سى خامه شعاع
هور ومداد سواد عين حور ايله دبير فلك بديع التحرير * صفحه سپهر اثيره
ثبت وتزبير * ايتمكه شايان بر قصيده نضيده بلاغت عنوان اولمغله * تبركا
بو مجله دلارايه دخى قيد وتسطير اولندى

* ويوم مكة اذا شرفت فى امم * تضيق عنها فجاج الوعث والسهل *
* خوافق ضاق ذرع الخافقين بها * فى قاتم من عجاج الخيل والابل *
* وجحفل قذف الارجاء ذى لجب * عرمرم كزهاء الليل منسحل *
* وانت صلى عليك الله تقدمهم * فى بهو اشراق نور منك مكتمل *
* ينير فوق اغر الوجه منتخب * متوج بعزيز النصر مقتبل *
* يسمو امام جنود الله مرتديا * ثوب الوقار لامر الله ممتثل *
* خشعت تحت بهاء العز حين سمت * بك المهابة فعل الخاضع الوجل *
* وقد تباشر املاك السماء بما * ملكت اذ نلت منه غاية الامل *
* والارض ترجف من زهو ومن فرق * والجو يزهر اشراقا من الجذل *
* والخيل تختال زهوا فى اعنتها * والعيس تنثال زهوا فى ثنى الجدل *
* لولا الذى خطت الاقدام من قدر * وسابق من قضاء غير ذى حول *
* اهل ثهلان بالتهليل من طرب * وذاب يذبل تهليلا من الذبل *
* الملك لله هذا عز من عقدت * له النبوة فوق العرش فى الازل *
* شعبت صدع قريش بعد ما قذفت * بهم شعوب شعاب السهل والقلل *
* قالوا محمد قد زادت كتائبه * كالاسد تزأر فى انيابها العصل *
* فويل مكة من آثار وطئته * وويل ام قريش من جوى الهبل *
* فجدت عفوا بفضل العفو منك ولم * تلمم ولا بأليم اللوم والعذل *
* اضربت بالصفح صفحا عن طوائلهم * طولا اطال مقيل النوم فى المقل *
* رحمت واشج ارحام اتيح لها * تحت الوشيج نشيج الروع والوجل *
* عاذوا بظل كريم العفو ذى لطف * مبارك الوجه بالتوفيق مشتمل *
* ازكى الخليقة اخلاقا واطهرها * واكرم الناس صفحا عن ذوى الزلل *
* وطفت بالبيت مجبورا وطاف به * من كان عنه قبيل الفتح فى شغل *

مطلع قصيده ده اولان فجاج فجك جمعيدر ايكى جبل ميانده اولان واسع
يوله دينور وعث شول يردركه انده يورىمك مشقتلو اوله سهل دوز يره ديرلر

خوافق خفقه نك جمعیدر سنجاق معناسنه در خافقین مغرب ومشرقدر
قاتم مغبر معناسنه در عجاج طپراق صاورمق معناسنه در جحفل جیش عظیم
معناسنه در قذف الارجاء بعید الاطراف معناسنه در لجب كثرت معناسنه در
عرمرم جلبه ووفرت صاحبی عسكره دینور زها مقدار معناسنه در منسحل
جاری معناسنه در بهو حسن وملاحت معناسنه در رجف زلزله واضطرابه
دینور زهو افتخار وتكبر معنالرینه در فرق خوف معناسنه در جذل سرورو
شادمانی معناسنه در اختیال كبر وخرام معنالرینه در اعنه جمع عناندر عبس
دوه یه دینور انشیال دودقو بروغنی یوقرو قالدرمغه دینور ثنی كسر ثای مثلثه
ایله ایكی قات معناسنه در جدل ضمتینله جمع جدیل دره بهار شتر معناسنه در
اهلال كسر همزه ایله حج ایدن كمسنه لبیك قولنده اوازنی بلند ایتمكه دینور *
ثهلان ثای مثلثه ایله برجبل اسمیدر * تهلیل لا اله الا الله دیمكدر * ذوب
اریمك معناسنه در * یذبل برجبل ادیدر * تهلیل بو مقامده خوف
معناسنه در * ذبل برزمی دكی ونحافت معنالرینه در * شجی غم معناسنه در *
صدع شق معناسنه در * قذف رمی معناسنه در * شعوب جمع شعب در *
قبیله معناسنه در * شعاب جمع شعب در طریق جبل معناسنه در *
زئر ارسلان صدا اسیدر * انیاب جمع ناب در كوپك دیشنه دینور * عصل
جمع اعصلدر اكری معناسنه در * جوی حرقت قلب معناسنه در * هبل
فتحتینله مادر ولدنی ضایع ایتمكه دینور المام نزول معناسنه در صفح اول
عفوو صفح ثانی اعراض معنالرینه در * طوائل جمع طائله در عداوت
معناسنه در * طول منت معناسنه در * مقیل قیلوله معناسنه در * مقل جمع
مقله در مردم چشم معناسنه در * اتیح اتاحه دن ماضی مجهولدر * تقدیر
معناسنه در * واشج اصل معناسنه در * وشیج شجر رمح اسمیدر * نسیج
بكاء معناسنه در * لطف فتحتینله احسان معناسنه اسمدر * تكمله *
شهنشاه بارگاه اصطفا علیه اصفی التحایا حضرتلری * صلوة ظهری
ادا ایلدكدنصكره صوب صفایه فیض بخش تشریف اولوب * بیت شریفه
مشرف بر محلده درگاه اجابت پناه كبریایه دستكشای دعا * وخیلی مدت
عرض نیاز واستدعا بیوردیلر * اطراف سروشی مطاف عالیلرنده انصار
كرام بری برینه شاه ملكت بعثت حضرتلری * اهل مكه یه معامله عفو
وعنایت بیوررملریله * غالبا وطن اعتلرینه منجذب البال اولوب بزی
درد هجران طاقت شكنله شوریده حال بیوره جقلردر دیو حسبحال ایلدیلر *
حضر سید الورا اتمام دعادنصكره بینلرنده متداول اولان نجوادن استقصا

بیوردیلر * ابتدا انكار ایدوب بعد الابرام ابرادم ام ایلدكلرنده *
حضرت ختمی پناه * معاذ الله المحیا محیاكم والممات مماتكم * زلال تعبیریله
اخبای اوام دل مستهام انصار بیوردیلر * ومحل منبورده بالجمله رجال
ونسوان قریش كاوب مردانی بالذات كنجیدهٔ حوزهٔ وسع واستطاعتلری
اولان امور وخدماتده اجرای لوازم سمع واطاعت * وزنانی جناب فاروق
اعظم توسطیله شرك بالله وسرقت وزنا وقتل اولاد وافك وافترادن مجانبت *
وامر معروفده عصیاندن مباعدت ایتمك اوزره عقد بیعت ایلدیلر *
باكورهٔ باغ روایتدندركه * جهلهٔ صورتپرستان قریش صحن حرم محترمده
مواضع عدیده ده اعداد ایامه موافقت زعمیله * اوچیوز التمش عدد حجر
وحجردن مصنوع اصنام نكوهیده اندام نصب ایدوب * اقدام اهنینلرینه
اسرب ورصاص ایله استحكام وتمكین ویرمشلر ایدی * رسول بالحق ونبی مطلق
حضرتلری * قل جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل كان زهوقا * كریمه سن
تلاوت ایلیه رك ید مباركلرنده اولان قضیبله سینه سنه اشارت بیوردقلری *
قفاسی اوزره وقفاسنه اشارت بیوردقلری * خود بخود سینه سی اوزره
افتادهٔ خاك هوان اولدیلر انجق قاروره دن ساخته بر صنم خزاعی كه بالای بیت
علیاده تندیسه اساتقلنمشا ایدی شكیهٔ ولایت مرتضویده لنكر قاصم الظهر
امانت نبویه یه یارای تحمل اولماملغله * جناب مرتضی حسب الامر دوش
سعادتنوش سلطان الانبیایه یاصوب صنم منبوری غلطیدهٔ خاك حقارت
ایتدكدنصكره * نزول تدریجیی بدن نازكترین رسول كزینه باعث امتدادی
ازار اولور ملاحظه سیله جدار میزابدن زمینه پرتاب ایلدی * قدم همینلری
چیدهٔ خاك حرم اولدقده غنچهٔ لب لعلینی كشودهٔ نسیم تبسم شكرین اولمغله *
سید ستوده اوصاف حضرتلری سبب تبسممندن استكشاف بیوردقلرنده
یا رسول الله بویله محل رفیعدن پرتاب ایتمشیكن ینه اقدامم آزردهٔ رنجش
والام اولمدیغنه تبسم ایلدم دیدی حضرت رسول جلیل ایصیبك الم وقد
رفعك محمد وانزل جبریل بیوردیلر * نادره گویان زماندن بریسی مناسب مقام
بو فریدهٔ ابداری كشیدهٔ سلك اللآل نظم ایتمكله پیرایهٔ اكلیل اثر قلندی

* قیل لی قل فی علی مدحا * ذكره یخمد نارا موصده *
* قلت لا اقدم فی مدح امرئ * ضل ذو اللب الی ان عبده *
* والنبی المصطفی قال لنا * لیلة المعراج لما صعده *
* وضع الله علی ظهری یدا * فاحس القلب ان قد برده *
* وعلی واضع اقدامه * فی محل وضع الله یده *

ودرون بیت شریفده مرسوم اولان تصاویرملائکه یی وابراهیم واسمعیل علیهما السلام صورتلرین ازعاج وامحا ایلدیلر * صورت مشارالیهما یدلرنده ازلام وضع اولنمش اولمغله * حضرت رسول الله علیه الصلوة الاله * قاتلهم الله والله لقد علموا انهما لم یستقسما بها قط بیوردیلر * بعده درون بیت مکرمه نورهدی کبی فیض ارای دخول اولوب * اصح اقوال اوزره دورکعت صلوة تحیة تحریمه بندمبادرت اولدیلر * غزوۀ حنین * وسنهٔ مزبوره ده غزوۀ حنین پیرایهٔ صحایف غزوات سید الکونین اولمشدر * حنین بنیهٔ تصغیرایله بازارگاه جاهلیت اولان ذی المجاز ایله طائفه قریب برواديدر * علی قول مکه یه اوچ مرحله مسافه ده برصواسمیدر * غزوۀ مزبوره غزوۀ هوازن ایله ده موسومدر * بنو هوازن حنیندن منهزما اوطاس نام محله فرار * وانده دخی ترتیب کارزار اولمغله * غزوۀ اوطاس ایله ده نامداردر * سببی بودرکه بعون الله تعالی فتح مکهٔ مکرمه تیسیرکردهٔ ارادهٔ حضرت خدا اولوب * لوای شوکت اسلام بالاروسپهرمینا فام اولمغله * اطراف واکنافده ایواکزین اولان احشام وقبائل * سربزمین اجابت وفرمان جهانمطاع نبوی یه تسلیم رقبهٔ اطاعت ایلدیلر * انجق هوازن وثقیف افتادهٔ ورطهٔ عناد عنیف اولوب * مغالٔ عتو واستکبارده اصرار * وحضرت رسالتمدار ایله حرب وپیکاره هوسکار اولدیلر * پیشوای قبیلهٔ هوازن مالك بن عوف النصری * وسرکردهٔ عشیرت ثقیف کنانه ابن عبد یالیل ایدی * زعملرنجه مهمات بایستهٔ جنك وجدال برکمال اولدقده * سائرمتعینان قبیله ایله عقدانجمن مشورت ایدوب * حضرت محمد دلخواهی اوزره قریشی درزیرشمشیر * ومکه یی آوردهٔ قبضهٔ تسخیر ایلدکه من بعد روی توجهی بزم جهته تحویل * وبزاره توصیل تنکیبه وتنکیل ایلیه جکی امر مقرردر * امدی تدبیرحسن ورأی مستحسن بودرکه نهضت محمدیدن مقدم بزلر واروب رجل وخیلی باعمال جمال ثبور وویل ایده لم دیوب * اول ابنای ناخلف جانب ام القرایه جان درکف روان اولدیلر * قبائل متقاربه دن مرضعهٔ نبوی حلیمهٔ سعدیه قبیله سی * ونضیر وجشم قبیله لرینك مجموع خلقی * وبنوهلالك بعضیسی موافقت ایدوب * همان هوازندن کعب وکلاب نامنام ایکی شخص تخلف ایلدیلر * انلاردن ماعدا برفرد متخلف اولمیوب حتی سرکرده لری مالك بن عوف که هنوز عمری اوتوزه بالغ اولمش جوان سربهوا ایدی * انك رأی سخیفیله پابندکریز اولمق ایچون اهل وعیال واموال واثقاللرین بیله استصحاب ایلدیلر *

بنی جشمدن سال عمری یوز یکرمی یاخود یوزاللی علی قول یوز تمش الکه ایکیوزه متناهز * درید بن صمه نام پیرسالخورده یی دخی همراه ایلدیلر * پیر مزبور کرچه پیره زن دنیا کبی کهنه اولوب ارکان بنیان وجودی وهن وذبول پیری ایله بی تاب ونوا * وجام روزنهٔ چشم جهانبینی زنك بستهٔ علت عمنا اولمشیدی * لکن ذاتنده دهات عربدن ستاره ضمیر وشهاب تدبیرپیرکار آزموده * وکرلٔ بارانديده ایدی * اوطاس نام محله ورودلرنده درید مزبور ورودکاهلرندن استکناه ایلدکده * اوطاس اولدیغنی ایناس ایلدیلر * دریدنعم مجالس الخیل لا حزن ضرس ولا سهل دهس دیدی * حزن سکون زای معجمه ایله صلب وسخت یره دینور * ضرس فتح صاد معجمه وکسررای مهمله ایله ایری وخشین تپه لی یره دیرلر * سهل دوز یردر * دهس فتح دال وکسرها ایله اول یره دینورکه نه صافی قوم ونه خالص طپراق اوله * بعده مالی اسمع رغاء البعیرونهاق الحمیروبکاء الصغیرویعارالشاة وخوارالبقردیدی * انلاردخی مالك رأییله اهل وعیال ودواب ومواشی وسائراحمال واثقاللرین استصحاب ایلدك * مقدمادائرهٔ امرورأیمدن بیرون خطوه زن تعصب ومخالفت اولمامق پابندنده * بزلری کشیدهٔ سلسلهٔ شرط وپیمان ایلکله * ناچار بوخصوصده مطاوعتکار اولدق دیدیلر * درید بونی ایشیدیجك مالکی استحضار * وبوتدبیرنی استهجان واستصغار ایدوب * ای مالك سن برذات جلیل الصفاتله پابرجای مقام سعادات اولیورسن که کافهٔ عرب یی باعمال وقلوب عجمه مهابتی ایراث زلزال ایدوب * بیوده جاری سیف قهرواذلال لله استیصال ایلدی * پس بوکونه دشمن کش کشورکش اوزرینه جملهٔ اهل وعیال ومال ومنال * استصحابله عزیمتك مناسبتی ندردیدی * مالك بووجه اوزره کریوهٔ توجیهه سالك اولدیکه هنکام مصافده انلار ظهر عسکرده اولیجق * هم مدارغیرت واقدام * وهم پابندکریز وانهزام اولور دیدی * درید بوتوجیه ناوجیهی ایشیدیجك رویعی ضأن خداحق منهزمی برنسنه ردواقفال ایتمك ممتنع الاحتمالدر * اکرفرصت سنك اولورسه انجق سکاعون ومنفعت اهل سلاح وارباب حرب وکفاحدن اولوروا کرعکس قضیه ظهور ایدرسه وقت رسوایی وفضاحته دوچار اولمق درکاردردیدی * رویعی ضأن صیغهٔ تصغیرایله کوچك چوبان دیمکدر راعی مصغریدر * ضأن قیونه دیرلر بعده کعب وکلابی سؤال ایتمکله تخلفلرین خبرویردکده * معلوممکز اولسونکه بوعزیمتده اقبال وسعادت سزدن مساعدت ایلدی * زیرا امید رفعت ومظافرت اولیدی انلار بهرحال بومعرکه ده اثبات وجود

ایلامك امر محال ایدی * کاشکی انلار کبی بزلر دخی بو تکلف بی معنایه
کرفتار اولیوب هر کس محلنده پایدار اولیدی * دید کدنصکره موجود
اولان اعیان قبائلدن استفسار ایلدکله * عمرو بن عامر وعوف
ابن عامرك معسکرده حاضر اولدقلرین خبر الدقده * انلارك دست
اقتدارلری مایهٔ خیر وشر ووایهٔ نفع وضردن تهی دردیدی * بعده یا مالك
نواهد هوازنی عسکر دشمنه پیشکش ایلمه * بلکه معقول ومناسب اولان
قوم ودیارلرنده واقع حصون منیعه لرده انلاری حفظ ایدوب سن حرب
وضرب اربابیله عزیمت ایلمه سن * اکر نسیم فوز وظفر سنك طرفنده وزیده
اولورسه * انلار سکا لامحاله رسیده اولور * واکر خلافی ظهور ایدرسه
اهل وعیال * واموال موقع سلامتده بولنور دید کده * مالك رأی دریدایله
عامل اولمغه متنزل اولمامغله * عناد ایدوب درید پیر فرتوت اولمغین دماغنه
وهن واختلال طاری اولمش محموم کبی نامنظوم * ومبرسم آسا بی مفهوم
کلمات ایده بوردیوب میاندن تیغنی اخراج وکندی سینه سنه وضع ایدوب *
ای معشر هوازن اکر بکا کمربستهٔ اطاعت وانقیاد اولمز سکز خدا حقی
اشبو سیفله نفسمه حیف ایتمك مقرر دردیدی * هوازنیلر مالکدن بو کلامی
استماع ورأیندن سرپیچ امتثال اولدقلری حینده جان خبیثنه قصد ایده
جکنی استطلاع ایلدکلرنده * مالك هالك اولدقدنصکره ریاسته چسبان
کسه اولمیوب * دریدایسه بو کون دنیا یارین اخرت وادیسنه کلمش پیر عمل
مانده ونابینا اولمغله * بر وجهله اسوهٔ امور اولمغه لیاقتی قالمامشدردیوب
اندن وجه توجهی صرف واماله * وکمافی الاول رشتهٔ تدبیر مصلحتلرین
قبضهٔ استبداد مالکه سپرده واحاله ایلدیلر * درید بو وضعدن منفعل اولوب
کرچه بزم بو هنکامهٔ طفلانه ده حضورمز منافیٔ ضابطهٔ حزم وشعوردر *
لکن بولندیغمز حسبیله خارج خطیرهٔ ناموس وحمیتدر دیوب بو ارجوزه ایله
مترنم اولدی *

* یا لیتنی فیها جذع * اخب فیها واضع *
* اقود قطار الدفع * کانها شاة صدع *

بعده هوازنیلره متوجه اولوب * مالك بنله عقد ربقهٔ عهد ایلمشیدیکه قطعا
رأیمه مخالفت ایلمیه * شمدی مشهودکز وجه اوزره نقض حبل پیمان ایتمکله
من بعد بکا عنان تاب عود وقبول اولمق موجه ومعقولدردیوب متهیٔ
مراجعت اولیجق * منت بیشمار ایله توقف ایلدیلر * بنه مالکه خطاب
ایدوب چون بنم رای مشروحمی قرطهٔ کوش قبول ایلدك باری برمقدار

مرد دبردارما انتخاب ایدوب بر موقع مناسبده درکمین ایله که * سپاه اسلام
بزم اوزرمزه هجوم ایلدکده قفالرین المغله پریشانیت ابرات ایلیه لردیدی *
اولدخی تعلیم ایلدیکی منوال اوزره بر مضیق شعبده واثر سواری تمکین
ایلدکدنصکره تنسیق صفوف ایدوب * سوارلری مواجههٔ عسکر اسلامه
تعیین وورالرنده پیادکان * بعده شتران اوزره طائفهٔ نسوان * اندنصکره
صف صف انواع دواب ومواشی تمکین ایلدی * وجملهٔ سپاهنه عسکر اسلام
ظهورنده کرد باداسا کوز اچدرمیوب یکعنان حمله وهجوم ایتملری بابنده
تنبیه ایلدی * بعده لشکر اسلامی تجسس ایچون اوچ نفر پیدل چیره پا ارسال
ایدوب بر زماندنصکره جاسوسلر ترسان ولرزان شتابکنان عودت ایلدیلر *
مالك کیفیتلرندن استفسار ایلدکده عسکر اسلام ایچره بر صنف سپید
جامه * ابلق سوار عظیم الهیکل مهیب الصوره طائفه مشهودمز اولوب *
خدا حقی اکر اوزرمزه همهمه ریز صوات اولورلر یسه تثبت عرصهٔ مقاومت
خارج مضمار استطاعتدر * همان بو محلدن رجعت ملایم بخت ودولت
دردیدیلر * مالك سزلر بیدلان عربدن برالای جبان کسه لرسز دیو سرزنش
وعتاب ایدوب * کندیسی چهرهٔ جسارتنه قطعا رنك تغیر ویرمدی *
مرویدرکه هوازنیلرك بو وضع دلیرانه سی قرع سمع پیغمبرانه ایلدکده *
احواللرین تجسس ایچون عبد الله بن ابی حدرد السلمی یی فرستاده
بیوردیلر * اولدخی واروب احوال وکیفیاتلرین کماهی افتحاص *
ومعروض معرض خاص معالی اختصاص ایلدی * اول خلالده
اسلامیاندن برکسنه ذروهٔ جبلدن جمعیت کفار طرفنه ارسال جاسوس
نکاه * وصورت ترتیب وتدبیرلرین استکناه ایتمکله * درکاه رسالتپناهه
کلوب * یا رسول الله هوازنیلر اسباب حرب ورجال طعن وضرب جهتندن
فر وشکوه وطمطراقلری بیحساب اولوب * بالجمله اهل وعیال واموال
واثقاللرین دخی استصحاب ایلمشلردیجك * شاه سریر نبوت حضرتلری
تبسم ایدوب انشاء الله تعالی جمله سی غزاة اسلامه غنیمت اوله جقدر بیوردیلر *
پس حسب الاشاره مجاهدین دین دخی اهبهٔ قتاله مباشرت ایدوب *
صفوان بن امیه دن که هنوز پیکر حال وبالی داغدار نفاق ایدی * بشرط
الضمان یوز عدد زره وسائر بعض ادوات واسلحه * ونوفل بن عبد المطلبدن
اوچ بیك نیزه استعاره اولندی * اکمال عده وعتاد اولندقدنصکره * رکاب
عزیمته پا نهاد * وحشمت ودارات پیغمبرانه ایله متوجه عدات بغات
اولدیلر * غنیمت امنیه سیله مکاندن مسلم ومشرك ومنافق ایکی بیك کسه

موكب همايونه ملحق اولديلر * صنقولدركه مالك مخذول سپاه اسلامدن
مقدم وادئ حنينه موصول اولوب * غزاة دين رهكذرلرينه جابجا تيرانداز لر
دركين ايلدى * سپهسالار ابرار حضرتلرى دلدل سوار * ومبارك ارقه لرنده
حضرت داود عليه السلامك هنكامهٔ قتل جالوتده متدرع اولدقلرى
سغديه * وذات الفضول نامان زرهلر * وسر سعد افسرلرنده بيضه ومغفر *
ابهت واقبالله قطع سهول وتلال ايليه رك * محتشد كفاره قريب
اولدقلرنده تقسيم الويه ورايات * وتنظيم صفوف صنوف فيروزى سمانه
مبادرت بيوروب * لواى مهاجرينى جناب مرتضايه * ولواى خزرجى حباب
ابن منذره * ولواى اوسى اسيد بن حضيره تسليم * وسنجاق شريفله دوش
سعد بن ابى وقاصى تشريف وتكريم بيورديلر * كذركاه اسلاميان *
مانند لحد كافران * بلكه مثال قلب حاسدان غايتده تنك اولمغله * بيكار
اعتزام بيرون وادئ امكان اولمغين * وادئ حنينه طرق شتادن عازم اولملريله
* شجرهٔ ملتفهٔ جمعيتلرى منشعبة الاغصان اولوب ظلام سحرده نور صبح وار
وادئ حنينه انحدار اوزره ايكن * بو فرصت دخى علاوهٔ مكيدت اعداى
بدطينت اولمغله * مترصد كمين كين اولان رمات مشركين * هر كوشه دن
كمان غدر وخصومتنه كشاد ويروب * اسلاميان اوزره قبضهٔ واحده دن
تيرباران ايلديلر * طلقاى مكيانك مدخول الاسلام اولان فرقهٔ لئام *
زمان تخذيل محمديدر ديوب جملهسى عنانكراى ادبار اولملريله * صنوف
مسلمينه دخى كسر وپريشانى عارض اولوب بى اختيار اهنك طريق فرار
ايلديلر * سرور انام حضرتلرى جانب يمينه امالهٔ لجام ايدوب موكب
جلالتمابده همان متعينان اصحابدن شيخين مكرمين * وجناب مرتضى *
وحضرت عباس * وفرزندكرملرى فضل وابو سفيان وربيعة ابنى الحارث
ابن عبد المطلب * ومعتب وهمراه اولان ال كرام وبرقاچ نفر دخى سائر صحابهٔ
كرام قالديلر * حضرت عباس مستمسك زمام دلدل اولوب * ميانهٔ كفاره
اقتحامدن منع ايدرايدى * ابو سفيان بن حارث ركاب قرنابى طتوب كفاردن
سيد الابرار اوزره كر واستيصال ايدنلرضربه فرشتكانله سقر مقر اولورلرايدى
حتى بعد انقضاء الحرب هوازنيلر هنكام كارزارده سپيدپوش * وابلق
سوار * سرلرنده سرخكون دستار * طره لرى ميانهٔ دوشلرينه مسدل *
ارض وسما بيننده بر عسكره نهايت كستر معاينه ايدردك * انلرك خوفندن
سزكله قتاله جرأت ايليه مز ايدك ديرلرايدى * مرويدركه بو ملحمه ده بش
بيك ملائكهٔ كرام حاضر اولمشلرايدى * بنو نضيردن شجره نام كسنه اسباب

داروكيره سكونت كادكد نصكره * مؤمنينه دم پيكارده سپيدپوش وابلق
سوار بر صنف عسكر انجم شمار مشاهده ايلدك * سزلر انلاره نسبت كويا كه
بدنده نقطهٔ خال مشابه سنده رؤيت اولنور ديكز * بزى سر حمله اول عسكر
قتل واهلاك ايلدى * حاليا كورغزلر انلار زنيره يه كتديلر ديو سؤال ايلدى *
اصحاب كرام شجره نك كلامنى عرض دركاه سيد الانام ايلدكلرنده
انلار ملائكهٔ عظام ايدى بيورديلر * مهمه * قتال فرشتكان ورمى حصا ايكى
ملحمه ده واقع اولمشدر * برى بدر وبريسى حنين ملحمه سيدر * تكمله *
صدر صفهٔ صدق وصفا حضرتلرى سپاه اسلامك بورسمه تفرق وانهزامنى
كوريجك امر بيورديلر * حضرت عباس بلند اوازايله يا معشر الانصار
يا اصحاب السمرة يا اصحاب البقره ديو حلهٔ جنود خدايه ندا ايلدى * فائده *
سمره فتح سين وضم ميمله اول شجره دركه حديبيه غزوه سنده انك التنده بيعهٔ
رضوان منعقد اولمشيدى * وسورهٔ بقره يه تخصيصك وجهى بودركه مدينهٔ
منوره ده اوّل اول سورهٔ عظيمه نازل اولوب * كم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة
آيت كريمه سنى مشتمل ايدى * وندايى عباسه امرك داعيسى بودركه *
حضرت عباس بغايت بلند اوازايدى * حتى ظاهر مدينه ده اواخر ليلده
جبل سلع اوزره چيقوب سكز ميل مسافه غابه نام محلده اولان خدمتكارينه
ندا واسماع ايدرايدى * تتمه * حضرت عباسدن مرويدركه بو اسلوب اوزره
ندا ايلديكمده خداى متعال حق آوازمى استماع ايدن اهل اسلام قيونلر
قوزيلرينه نه كونه حنتله شتابان اولورلر ايسه * لبيك لبيك ديه رك طرفه
اويلجه تاخت انكيز مسارعت اولديلر * حتى بريسى دوه سنى صرف والوايه
قادر اولمامغله سلاحنى الوب دوه يى تسييب ايلمدى * موكب همايونه متوارد
ومحتشد اولدقدنصكره * امر سلطان كشور رسالتله جنكه مباشرت *
وانقاد نائرهٔ حرب ومناوشت اولنوب * حضرت نبوت نصاب تنور رزم
وتكابك مروحه جنانى شوق اصحابله التهابك كوريجك * الان حمى الوطيس
بيورديلر * وطيس تنور معناسنه در بو مقال بديع المآل شدت قتال موقعنده
ايراد اولنور * على طريق المثل ابتدا زبان بليغ البيان نبويدن صادر اولمشدر *
اول اثناده سلطان الانبيا حضرتلرى بر پشته اوزرينه صعود بيوروب *
دمبدم صوت عالى ايله انا النبى لا كذب * انا ابن عبد المطلب اداسيله نبوت
وكذبك مانعة الجمع اولديغنى اعلا بيورورلرايدى * عبد المطلبه اعتزاك سببى
بودركه عبد المطلب مرد مشهور اولوب * وپدر مكرملرى حيات عبد المطلبده
وفات ايتمكله عرب حضرت رسول عالى نسبى اكا نسبت ايدرلرايدى

* فائده * اشبو كلام شريف كرچه صورت سجع ونظمده شعر فصدور ايدوب *
لكن فى الحقيقه شعردن معدود دكلدر * زيرا اولا جمهور عروضيين عندنده
رجز شعر اقسامندن دكلدر * ثانيا خليل مذهبنده كه مذهب صحيحدر كرچه
رجز شعر مخصوصدر لكن مفهوم شعرده قصد اركاندن اولمغله * ذكر اولنان
كلام شريفده قصد منعدمدر قالديكه بو توجيه دخى غير وجيهدر زيرا قرآن
كريمده قصده مقارن كلام موزون واقع اولمشدر * شهاب خفاجى شفاى
شريف شرحنده اعتراض مرقومى بو وجه اوزره دفع ايلمشدركه * شعرك
مفهومنده هر بيتى ماقبل ومابعدندن مقصود الانقطاع اولمق دخى معتبردر *
لكن ذهن فاتر مترجم قاصره لايح اولوركه * مفهوم شعرده اركاندن اولان
قصددن مقصد كندودن صادر اولان كلام معهودك شعريتنى قصد
ايلمكدر * كرك قرآن كريمده وكرك كلام من بورده بو حيثيت مقصود دكلدر
* ثم * سپاه اسلام سياق محر اوزره شير غرنده كبى خنازير كفار اوزره
هجوم واقتحام * واثارهٔ غبار حرب والتحام ايدوب * صاحب الايات الباهره
عليه التحية الزاهره حضرتلرى دخى زميندن بر قبضه خاك اخذ * وشاهت
الوجوه ديه رك كفار خاكسار طرفنه نشر وحواله بيورديلر * ايصال ربانيله
جملهٔ افراد مشركينك ديده ودهانلرى غبار آلود بار اولوب * در ساعت رعب
ودهشتله روبراه هزيمت اولديلر * ومارميت اذ رميت ولكن الله رمى كريمه سى
بو بابده نازل اولدى *

* ورمى بالحصى فاقصد جيشا * ما العصا عنده وما الالقاء *

يعنى سيد جليل الاثار حضرتلرى رمى رمال ايله اولكونه لشكر بيشمارى
مظهر قهر ودمار ايلدى * پس حضرت موسانك تبكيت سحره وقعنده
عصاى مكرملرندن ظهور ايدن معجزه رمى حصى معجزه سنه نسبت
قبولندن دوردر زيرا عصاى موسى صورت ثعبانه تقلب جهتيله حبال
وعصى ساحرينه مشابه وملايمدر * زيرا سحره نك دخى حبل وعصالرى
تمثال حيه ده متخيل اولمشدر * بوندن ماعدا عصاى موسانك حبال
وعصى ساحرينى ابتلاعى تفرقه بخش جمعيت اعدا اولميوب بلكه اشتداد
عتو وعنادلرينه باعث اولدى * امارمى حصا وجه مشروح اوزره قهر
وانهزام دشمنانى مورث اولمشدر * عبرت * مقدما وادئ حنينه توجه
اثناسنده لشكر اسلام ريك بيابان اسا بيرون حد احصا اولوب * وكمال مرتبه
مرتب ومسلح شيوهٔ دليرانه ووضع بهادرانه اوزره اولمغله * صديق اكبر
حضرتلرى بو رسمه عده وعنادا جناد جلادت نهاده نك اندازظاهرى اولوب

بو ملحمه ده بزه مغلوب اعدا اولمق خارج عرصهٔ امكاندر ديمشلر ايدى *
منهل العذب دل نبوى بو كلام مغرورانه دن متكدر اولوب * حتى بادئ
امرده انهزامه بادى بو كلام اولديغى مرويدر * ويوم حنين اذ اعجبتكم
كثرتكم فلم تغن عنكم شيئا وضاقت عليكم الارض بما رحبت ثم وليتم مدبرين
كريمه سى بو معنايى مبيندر * وخلال هنكامه ده خواجهٔ دبستان حقيقت
حضرتلرى موسى عليه السلامك فرعون بى عون طرفنه متوجه اولدقلرى
هنكامده * قرأت ايلدكلرى دعاى شريفه ملازمت بيوررلر ايدى * اول
دعاى غريب الاثر بودر * كنت وتكون وانت حى لا تموت تنام العيون
وتنكدر النجوم وانت حى قيوم لا تأخذه سنة ولا نوم ياحى ياقيوم * نقش
كتابهٔ روايتدركه اثر انهزام مكه يه واصل اولنجق * مكيلاندن هنوز بناى
ايماننده رساخت اولميانلر كوناكون بيهوده هذيانه مجاسرت ايلديلر * از جمله
ابو سفيان كنانه سى قداح جاهليتله هنوز مشحون اولديغى حالده
منهزم ميان ساحل بحره قدر يتشميوب جمله سى قنطرهٔ تيغدن كذار ايلمه
جكلرى دركاردر * خداحق هوازنلر غالب اولدى ديجك * صفوانكه
اول اوانده مشرك ايدى * دهانك سنك وخاك خذلانه متصادم اولسون
ديدى * صفوانك دادرمادريسى دخى كلوب بوكون سحر باطل اولدى
ديجك * صفوان اكاده اغزك قوريسون خداحق قريشدن بكا بركسنه
حاكم اولمق هوازن حاكمندن بهتر واليقدر ديدى * بركسنه دخى بنه صفوانه
كلوب مژده اولسونكه لشكر محمدى منهزم وتارمار اولدى * من بعد جبر
والتيامى بيرون دائرهٔ عقول واوهامدر ديدكده * بلجهٔ خشم صفوان هيجان
ايدوب * بكا اعرابك ظهوريله مى تبشير ايدرسن * قسم بخداكه عندمده
قريشياندن برينك حكومتى اعرابدن برينك حكومتندن افضل واجلدر
ديدى * عكرمه بن ابى جهل دخى حاضر اولمغله * عسكر اسلامك قبول
جبر والتيام ايتميه جكى سنك دست اراده نكده دكلدر * بلكه جملهٔ امور زير
پنجهٔ مشيت رب غيوردر * بنيان راسخ الاركان شوكت محمدى بو حادثه دن
قطعا رخنه پذير وهن وخلل اولمز * بوكون بو رسمه صورت بازكونه نمودار
اولديسه يارين بنه ظفر ونصرت كنديلرينه يار اوله جقدر ديدى *
سهيل بن عمرو عكرمه دن بو جواب باصوابى ايشيدجك * يا عكرمه سنك
خلاف محمد ديده عقد ايلديكك عهد وپيمان * حديث الزمان اولمغله * هنوز
خاطر نشانلرمز دردينجك عكرمه سوزه كلوب يا ابا يزيد انصاف ايليه لم
كه بزلر بر الاى سربهوا مغشوش الارا * غافل وغابى اشخاص ايدك خير وشر

ونفع وضرمأمول اولنمیان احجار واشجار مصنوعه یه پرستشله تضییع عمر
نازنین ایدرایدك * بحمده تعالی حضرت محمد سببیله ورطهٔ خزی وخذلاندن
رها بولدق دیدی * پس تأیید حضرت جبار ایله جانب اسلامیانده نصرت
وفیروزی بدیدار * ولشکر کفار تارمار اولوب سید الابرار حضرتلری تدبیر
اعدا خصوصنده صرف مقدور ایتمك ایچون سپاه اسلامه امر بیوردیلر ایله *
عقب کیر اولوب ادراك ایلدکاری کافری قنطرة الحدید شمشیردن کچوردیلر *
اطفال وذراری یه تعرضدن ممنوع اولدیلر ایله * انلره اطاله دست تصدی
ایلمدیلر * انس بن مالك حضرتلرینك عمی ابو طلحه یالکز باشنه یکرمی نفر
کافر یدکه کهری رشتهٔ سلسلهٔ امر قسمرا ایلدی * ربیعة بن رفیع درید
ابن صمه یه که اوصافی تفصیل اولنمشیدی * دتشوب نسواندن ظننیله زمام
راحله سندن طوتدی * دقت ایلدیکه بر پیر نابینادر * درید ربیعه یه مراد
ندر دیدی * اولدخی سنی قتل ایلمکدر دیدیك * ربیعه نك نام ونشانندن
استفسار ایلدی * ربیعه دخی انا ربیعة بن رفیع السلمی دیوب شمشیر ایله
اوردی * کارکر اولمامغله درید استهزا وجهیله مادرك سکا عجب نامناسب
سلاح توشیح ایلمش * مؤخر رحلدن بنم تیغمی الوب انکله ضرب ایله
واستخواندن رفع ودماغدن حفض ایله * زیرا زمان جلادتمزده بو اسلوب
اوزره ضرب ابطال رجال ایدردك * ومادرکه وارد قده درید بن صمه یی قتل
ایلدم دیو خبر ویر * بو قلجله چوق نسوانکزی حمایت ایلمشیدم دیدی *
پس ربیعه دریدی قتل ایدوب واقعه مادرینه ملاقی اولدقده دریدك سپارشی
اوزره نقل ایلدی * مادری دهنکشای تقریع اولوب بو ربیعه تذکیرینت
ایلدکدنصکره * اکا کرام ایتمك مناسب ایدی دیدی * ربیعه ای مادر
رضای خدا ورسول اندن اهم واقدمدر دیدی * مرویدرکه منهزم اولان
لشکر کفارتیره روزکاردن بر فرقه بطن نخلیه یه * و بر فرقه مالك بن عوف ایله
طائفه کیران وبعضی اوطاس نام محلده موضع اولان احمال واثقاللری
طرفنه شتابان اولدیلر اهل اسلام بروفق مرام بکام اولدقدنصکره رحاللرینه
رجعت ایلدیلر * حضرت رسول الله بالذات خالد بن ولیدی جستجو ایدرك
کثرت زخمدن بیتاب وتوان * مؤخرهٔ رحلنه مستند بولیچق زخملرینه فیضان
دهان حیات افزا ایله مرهمسای اولمغله * درساعت نائل مایهٔ عافیت
اولدی * بو ملحمه ده جانب اسلامیاندن فقط درت نفر مسعد شهید
اولمشدر * بریسی موالی بنی هاشمدن ایمن بن عبد اللهدرکه ابن ام ایمن در
ایکنجیسی بنو اسد قبیله سندن یزید بن زمعه بن اسود بن عبد المطلبدرکه

جناب نام اسب جموحنك اکدکوبی سرکشانه سیله * متأثرا عازم اقلیم بقا
اولدی * اوچنجیسی انصاردن سراقه بن حارث عجلانیدر * دردنجیسی
اشعریوندن ابو عامر الاشعریدر * وطرف کفاردن یتمشدن متجاوز کشتنی
نابکار مکب معالك بوار اولمشدر * بدیعه * هدی نبوی مؤلفی ابن القیم
علیه الرحمه بو زمین اوزره قائم مرکز تحقیق وتبیین اولمشدرکه * چون
حضرت باری عز اسمه * رسول کزیننه بعد فتح المکه اجناس ناس فوج فوج
کلوب داخل حرم دین اسلام * وامر وفرمانته عامهٔ عرب مطیع ومنقاد
اوله جقلرنی وعد واعلام بیورمشیدی * ابتدا فتح مکه صورتیذیر حصول
وتنسیق وتنظیمی حداکماله موصول اولدقدنصکره * عیون نامسدهٔ شان
سید البشر دخی بالاترا اولوب * دین مبیننك فوز ونصرتی فراوان * وغنایم
وفیره اهل فتح ایچون نعمت شکران اوله جغندن ماعدا * جمعیت وشوکتلری
مسبوق بالمثل اولمیوب * مقابله ومقاومتلری بیرون عهدهٔ طاقت عرب
اولان لشکر بیکرانك رسول الهی طرفندن مظهر قهر ونکایت اولدقلرین
اظهار واعلان دقیقه سنه مبنی * اقتضای حکمت احدیتله هوازن
وهوادارلرینك قلوبی مقبوض دست ارادت ربانی * ونابذ برای نصرت هدایت
صمدانی اولمغله * سرور انام ایله مخاصمت ومناوشته قیام ایلدیلر * وبعد ذاره یز
فتح مکه ده بتوفیقه تعالی مدار فتح جمیل انجق ذات جلیل نبوی اولوب *
ابدی وسرمدی رخصتدادهٔ نزاع وقراع اولمیان بلدهٔ محترمه کندیلرینه *
حلال بیورلمق خصیصهٔ ذات باهر الاجلاللری اولان سرور کائنات مفخر
موجودات علیه اتم التحیات حضرتلری * هنکام دخولده خاضعا وخاشعا
سر بر حل سجود وابتهال اولوب * سائر اهل اسلام سر بیبالای ابتهاج
وابتسام اولدیغی حالده داخل اولدیلر ایله * وهلهٔ اولیده انلره اذاقهٔ تلخابهٔ
هزیمت واعتبار ایلدکاری عده وعده لری سورتنه ایراث نوع کسر
ومنقصت ایتمك حکمتنه * وکندیلرك کثرتنه واعدادك قلتنه نظر
ظاهر یله شیوهٔ مغلوبیت خاطرکذارلری اولمیان طرفه فوز ونصرت
* ع * انما النصر من الله فلا یغنی الرجیش * مؤدامی انجق جانب
خیر الناصرینندن منجلی اولوب * مؤید من عند الله اولنلر برو جهله ذل خزی
وخسراندن محمی الاطراف ومظهر نکال منتقم قهار اولنلر دخی *
مشاهدهٔ صورت فوز وفلاحدن بعید الاکناف اولمق حکمتنه ورسولنه
توفیق عون وظفر انجق طرف خالق القوی والقدردن اولوب * موجب
عجب وپنداری اولان کثرت سپاه اولمدیغی حکمتنه مبنی * اولکونه شیوهٔ

حق ظهور * زقلودلری تمام مرتبه مکسور اولدقدنصکره * انزل الله سکینته
علی رسوله وعلی المؤمنین وانزل جنودا لم تروها * منطوق شریفی اوزره ابداع
جوهر جرأتله جبر خاطر کسیر وشبیك جنود آسمانی امدادیله اعدا الدینه قهر
وتدمیر بیوردیلر * وطرف پرورد کاردن سزاوار اولان خلعت عالیهای یاری
واسعادا نجق جسبان قامت ضعفا رشکسته کان عباد اولدیغی * ونرید ان نمن
علی الذین استضعفوا فی الارض ونجعلهم ائمة ونجعلهم الوارثین کریمه سی
موجبنجه * ارباب بصائره اعلام واراءت دقیقه سی دخی بوبابده مقتضای
حکم خفیهٔ الهیه دندر * تتمه * سرور انام حضرتلری آوردهٔ دست اغتنام
اولان مال غنایمی بدیل بن ورقاء الخزاعی یدیله مکه یه بر برید مسافه ده واقع
جعرانه نام محله ارسال بیوردیلر * تا که انده حفظ اولنوب موانع برطرف
اولدقدنصکره غزات بینلرنده تقسیم اولنه * غزوهٔ طائف * وسنهٔ مزبوره ده
غزوهٔ طائف واقع اولمشدر * طائف مکهٔ مکرمه یه ایکی مرحله مسافه
بر بلده در * هواسی بغایت لطیف ومعتدل * وفواکه واثماری فراوان
بر معمورهٔ مینو نشاندر * مقدما بنا اولندقلرنده اطرافنه سور کشیده
اولنوب * بعد الاتمام تشیید وتمهید ایچون جوانبنی طواف ایتملریله
طائف ایله تسمیه اولندی * بر قولده حضرت ابراهیم علی نبینا وعلیه
السلام * اهل مکه نك ثمرات ایله مرزوق ومتنعم اولملری ضمننده دعا ایلملریله
امر ربانیله جبریل امین اول بقعه یی شامدن علی قول تختگاه ملك یمن اولان
صنعا نام ولایتدن قلع * ومحل مزبوره نقلی خلالده بیت الحرام اوزره طواف
ایتدردیکی وجه تسمیه اولمشدر زمینی فتح واو وسکون جیم مشدده ایله وج
ایله موسوم در عمالقه دن اول سرزمینه ابتدا نازل اولان کسنه نك اسمیله
تسمیه اولنمشدر * طرازیدهٔ کلك بلاغت پرداز اولدیغی اوزره * مالك
ابن عوف بر جمع مخاذیل کفار ایله طائف طرفنه سمك طائفی کبی
جان اتوب وصوللرنده ربض بلده یه بروفق مرام استحکام تام ویردکدنصکره
ینه حصار عتو واستکبارده قیام ایدوب آمادهٔ قتال وخصام اولدیلر *
بو خبر بالغ سمع سید البشر اولیجق * خالد بن ولیدی بیك نفر دلاورایله
مقدمهٔ عسکر تعیین بیوروب * اکا متعاقب بالذات نهضت وطرف
طائفه توجیه رکاب عزیمت بیوردیلر * خلال راهده بر مزار مشهود اولمغله
ابو قبیلهٔ ثقیف اولان ابو رغال نام کسنه نك قبریدر که ابرهه حاشا کعبهٔ
معظمه یی هدم وتخریب قصدیله بو سمته کلدکده * صورت اطاعت اظهار
ایدوب * ابرهه یه بر دلیل دخی ترفیق ایلدی * بعد زمان فوت اولدقده

کندو سیله بیله بر نهال زرین دفن اولنمشیدی * نبش اولنسه بولنمق ملحوظدر
بیورمغله * اصحاب کرام فی الحال نبش ایدوب اخراج ایلدیلر * بعده حسب
الطریق بر مرد ثقفی بستانه مرور اولنوب * صاحبی درون بستانده واقع
سقیفه یه متحصن اولمغله * سلطان الانبیا حضرتلری چیقمزسه اوزرینه
هدم اولنور دیو خبر کوندروب اباوتمرد ایتمکله * حسب الامر هدم
اولندی * ماحصل طی سهول واوعار ایدرك واصل سمت حصار اولدقده *
اهل حصار کثرت اسباب کارزار ومناعت ورصانت حصاره اعتمادا * مقام
ستیز واستکبارده پابرجای استقرار اولدقلرین * زبان تیر ایله طرف
اسلامیانه تقریر وبیان ایلدیلر * لشکر اسلام دخی سنك وخدنك ایله اهنك
جنك ایدوب * اول امرده سپاه ابراردن چوق کسنه زخمدار * واون
ایکی نفری شهیدا مهتز جانب نعم القرار اولمغله * حسب الامر اوردوی
همایون حصاره بعید بر محله که حالا مسجد طائف در نقل اولندی * مدت
حصارده پیشوای جماعت اصفیا حضرتلری نمازی ام سلمه وزینب رضی الله
عنهما خیمه لری میاننده ادا بیوردیلر * بر کون خالد بن ولید میدانه کیروب
تکرار بتکرار مبارز طلب ایلدی * طرف کفاردن بر فرد سر غون اولمیوب *
اخر فراز حصاردن عبد یالیل که سرکردهٔ ثقیف سخیف ایدی * بزم طرفدن
بر کسنه خطوه ریز عرصهٔ مبارزت اولمز * قالدیکه چند ساله اجناس ذخائر
وانواع اسباب قتال ایله درون حصار مالامالدر * تکمیلنه قدر حصارده
استظهار ایدوب بعده صغار وکبار مز یکبار تیغ تابدار مز ایله چیقوب
بر متنفس قالمینجه کوشش واهتمامده بذل جملهٔ اقتدار ایتمك قرارداده
رأیمزدر دیو ندا ایلدکده * ناچار خالد بن ولید اوردویه عودت ایلدی *
اندنصکره اشارت نبویله منجنیق که طفیل دوسی آتی البیان ذی الکفین
سریه سندن رجعتنده جلب ایتمشیدی * نصب اولنوب درون قلعه یه
کله لر پرتاب اولندی * ونقابان اسلامیاندن چند نفر بهادران پوست بقردن
ساخته دبابه لر ایچره خزیدهٔ زیر حصار اولوب * ملاعین دوزخمان بالای
حصاردن آتشین مسمارلر پرتاب ایلملریله * دبابه دن کذار ایتمکین ناچار
دبابه دن چیقوب کیرویه رجعت * وارقه لرندن تیرباران ایلملریله بر مسلمانی
دخی نشانهٔ ناوك شهادت ایلدیلر * زجر وتنغیص ایچون لشکر اسلام
امر سرور انام ایله اطراف قلعه ده اولان باغلرك قطعنه مبادرت ایلملریله *
بالای حصاردن الله ایچون رعایت رحم ایدوب باغلری قطع واتلاف
ایتدرمه دیو دمدمه ساز نیاز اولملریله * منبع لطف واحسان حضرتلری کف ید

اولنمق باینده فرمان بیورد یلر * بعده امر سرور عباد ایله حصاردن قاچوب
طرفمزه التجا ایدن بنده ازاد اولور دیو طرف ندا اولنمغله * اوندن
متجاوز غلامان بر تقریب ایله چیقوب مخیم محتشم مفخر عالمه التحاق ورقهٔ
رقیتدن اطلاق اولدیلر * بعد زمان اهل طائف فرمان جهانمطاع نبوی یه
استسلام وقبول فیض اسلام ایلدکلرنده غلامانلرین التماس ایتملریله * انلار
عتقای الهی اولملریله سزلک سلسلهٔ رقیتکزدن رهایافته اولمشلردر بیورد یلر *
خلال محاصره ده عیینه بن حصین ثقفیلری اسلامه دعوت ایچون حصاره
عزیمت ایتمکه استیذان ایدوب بعد الاذن درون حصاره واروب کوره یم سزی
حصارکزه تقید واهتمام * ومردانه سعی واقدام ایلیه سز * خدا حق
اسیردن زیاده حقیر وپایمال اولمه یز دیوب رجعت ایلدی * مهبط وحی خدا
علیه افضل التحایا حضرتلری * عیینه دن استنطاق مقال بیورد یلر *
اول دخی اهل حصاری خوان لذیذ الطعم اسلامه دعوت * وآتش سعیر ایله
ترهیب * ونعیم جنته ترغیب * باینده صرف انفاس مقدرت ایلدم دیجک
رسالتماب حضرتلری * یا عیینه دروغ ارتکاب ایلدک دیوب تفوه ایلدیکی
کفتار نابهنجاری تقریر بیورد یلر * عیینه صدقت یا رسول الله دیوب توبه
واستغفار ایلدی * مدت محاصره اون سکز کون متمادی اولوب * فتحی
خصوصنده ادارهٔ مفتاح اذن فتاح واقع اولمامغله * خوله بنت حکیم که
زوجهٔ عثمان بن مظعوندر * بارکاه رسالت دستکاهه مثول ایدوب
یا رسول الله اهل طائف اوزرینه هجوم واستیصاله مانع وار میدر که بو کونه
طریقهٔ سهولت وتأنی یه اعتنا بیورر مزدیدی * کذلک فاروق اعظم دخی
بورسمه استفسار بیورمغله * سید الابرار حضرتلری طرف حضرت
جباردن رخصتیافتهٔ حرب وپیکار اولمدم بیورملریله * فاروق اعظم
بالاستیذان ندای رحیلی اسماع سوامع همکنان ایلدی * اصحاب کرام
حضرتلری قبل فتح الطائف نه وجهله منعطف اوله لم دیو پیچ وتاب
ایتملریله * شاه اقلیم رسالت حضرتلری امدی واروب اهنلک محاربت ایدلک
بیورد یلر * اصحاب کرام خود بخود زیر قلعه یه واروب کیرودار قیام ایتملریله
چوق کمسنه زخمدار اولوب حتی ابو سفیان بن حربک دیده سنه پیکان
اصابت ایتمکله * بیضه سی طشره اوغرایوب النده حضور سعادت محصور
نبوی یه کلدی * طبیب دردمندان حضرتلری یا ابا سفیان عندنده چشمک
کما فی الاول صحتیاب اولمقمی معتبر یوخسه * عیون جنتدن بر چشمهٔ صفا
پروری محبوبتر در بیوریجق * ابو سفیان شق ثانی یه ارتضا ایله بیضهٔ چشمنی

زمینه القا ایلدی * فایحه * اواخر خلافت صدیقده بر مولک ملحمه سنده
غزات اسلامی طغات روم اوزره * الله الله عباد الله انصروا الله ینصرکم اللهم
هذا یوم من ایامک انزل نصرک علی عبادک مقالیله حث وتحریض ایدرکن *
دیدهٔ دیکری دخی مصاب اولدی * اوخلالده دار الخلافة العلیه ده
حضرت صدیق واصل مقام تحقیق اولوب * فاروق اعظم حضرتلری
مسند آرای خلافت اولمغله * خالد بن ولیدی سرعسکرلکدن عزل *
وابو عبیدة بن جراحک مرکز سپهسالاری یه نصبی باینده برید ارسال
بیورد یلر * هنکام اشتعال کورهٔ قتالده واصل اولمغله * سپاه اسلام یوانی
الوب سبب ورودندن استعلام ایلدکلرنده اقتضای وقت اوزره طریق حزم
واحتیاطه سالک اولوب مجددا سزلره امداد متوجه اولمغله * تبشیر ایچون
تقدم ایلدم دیوب مأموریتنی کتم ایلدی * خالد حضرتلرینه ملاقی اولنجه
سرا مأموریتنی اخبار ایتمکله * حضرت خالد دخی لازمهٔ احتیاطی
درپیش ایدوب ختام ملحمه یه قدر اخفا ایلدی * یاوری حضرت قیوم ایله
سپاه روم مهزوم اولوب * غنایم جمع واوچ بیک نفر سعدا شهیدا دفن
اولندقدنصکره * حضرت خالد امرنامهٔ فاروق اعظمی ابو عبیده یه تسلیم
ایلدی * بر موجب منشور فاروقی * ابو عبیده زیب صدر امارت اولوب *
مژدهٔ نصرتله ابو جندلی طرف طیبه یه ارسال ایلدی * تتمه * چون سپاه
ابرارک اکثری حصار طائفده مجروح ووجههٔ اقداملرینه دروازهٔ ظفر
نامفتوح اولمغله * یأس وحرمانله کشمکش تلاش واضطرابده قالدقلری
مشهود سلطان الانبیا اولیجق انا قافلون انشاء الله تعالی بیورملریله *
جمله سی شادمان * وجابجا کوچ مهماتنه برزده دامان اولدیلر * رسول
کزین حضرتلری انلرک سرعت تغیر وانقلابلرینه استعجابله تبسم ریز
شکرین اولورلرایدی * اول اوانده لا اله الا الله وحده صدق وعده ونصر
عبده وهزم الاحزاب وحده مقالنی تکرار * وهنکام ارتحال واستقبالده
آئبون عابدون لربنا حامدون کلامنه ملازمتکار اولملری باینده امر بیورد یلر
* بدیعه * جامع کلمات صوری ومعنوی اولان ذات جلیل الصفات
مصطفوی یه امعان نظر وانعام حق بصر اولنه که * ملاحم ومعارکه
عزیمتلرنده اسباب ظاهری اولان رجال وادوات حرب وقتاله تشبث *
ورجوعلرنده اسباب مرقومه دن اظهار تعری بیوروب * فعلی فقط فاعل
حقیقی یه اسناد بیوررلرایدی * بو وجهله حضرت حق جل شانه عند وجود
الاسباب وعدمها فاعل متوحد ومؤثر حقیقی منفرد اولوب * لکن مکلفینی

ابتلا وخبیثی طیبدن تمییز * وصابرینه اجر بیحساب توفیقه ایلمك حكمتنه مبنی * وسائط واسبابه تمسكله مبتلا اولدقلرنی اشعار بیوررلر ایدی * حتی اصحابدن بعضسی صدمهٔ دعا ایله خانمان ثقیفك برباد اولمسنی ابرادایلدكده * اللهم اهد ثقیفا دعاسیله دست برداشتهٔ درگاه جواد اولدیلر * فسبحان من ادبه فاحسن تأدیبه وبعثه رحمة صلی الله علیه وسلم * تكمله * ماحصل شاه تختگاه بعثت حضرتلری * حصار طائفدن مراجعت بیوروب * ذی القعده نك بشنجی خمیس كونی جعرانه نام مقام لمعه گاه اعلام ثریا ارتسام اولدقده * هوازن مسلمین قدوملرینه مترقبا اون اوچ كون انده فرش بساط اقامت * وحسب الاشاره بدیل بن ورقانك حنیندن * وابوموسی الاشعری حضرتلرینك انی البیان اوطاسدن * وسائر سپاه اسلامیانك طائفدن جلب وایراد ایلدكلری اموال غنایمی جمع * وخیط ومخیطه وارنجه كیده برنسنه قالمش ایسه رد ایلسونلر دیو جابجا منادیلر ندا ایلدیلر * برمرد انصاری بركلوله رشتهٔ موبین كتوروب * یارسول الله پشت اشترمده اوكار اولمغله * رحلنی اصلاح ایچون المشیدم دیدكده * فخر عالم حضرتلری انده اولان نصیبم سنك اولسون بیورمغله * اول كسه بكا ده لازم دكلدر * دیوب تودهٔ غنایمه ایچره القا ایلدی * عقیل بن ابی طالب دخی برسوزن الوب زوجه سنه ویرمشیدی * ندایی ایشیدیجك الوب مال غنایمه وضع اتدی * وبر موجب فرمودهٔ نبی عالینهاد جملهٔ مال غنایم وسبایا كشیدهٔ سلك تعداد اولنمغله * التی بیك نفر ذراری ونسوان * ویكرمی درت بیك دوه * وقرق بیكدن زیاده قیون * ودرت بیك اوقیه كومش * وسائر دواب ومواشی واموال واشیا خارج حیطهٔ عدواحصا ایدی * تخمیس اولنوب خمسدن مؤلفة القلوبك مسلم وكافرنه اعطا بیورلدی * ابوسفیانه یوز دوه وقرق وقیه كومش ویردكده نصكره اوغللری یزید ومعاویه ایچون دخی حصه التماس ایتمكله * یوزر دوه وقرقر وقیه كومش انلاره ده اعطا اولندی * ابوسفیان بو احسانی كوریجك یارسول الله پدرم مادرم سكا فدا اولسون * زمان جنكده هم هنگام صلحده كریمسن ونهایت كرم بودر * جزاك الله خیرا دیدی * حكیم بن حزامه دخی یوز دوه انعام اولنوب * ایكی دفعه یوزر دوه دخی استدعا ایتمكله * اوچیوز دوه اعطا بیوردقدنصكره * یا حكیم هذا المال خضر حلو من اخذه بسخاوة نفس بورك له فیه ومن اخذه باسراف نفس لم یبارك له فیه وكان كالذی یأكل فلا یشبع والید العلیا خیر من الید السفلی بیوردیلر * حكیم ایكیوزندن كف ید ایدوب اول یكی یوز دوه یه خرسند

اولدی * ویارسول اللهسنی حق پیغمبر بعث ایدن خدای ذوالمنن حقی * الی الوفاة جناب رسالتمآبدن ماعدا افراد آفریدهدن برنسنه انتقاصنه اعمال ید اتمدارا تمیم دیو یمین ایلدی * واقعا خلافت شیخین مكرمینده طرف عالیلرینه بطریق الفیء عائد ومختص اولان حق مخصوصلرین حكیمه هبه ایدوب * لكن بر وجهله اتهاب ایلدی * واشراف قریشدن حارث بن كلده یه ودادر ابوجهل حارث بن هشام * وعبدالرحمن بن یربوع وسهیل بن عمرو وحویطب بن عبدالعزا كبی متعینان قریشه واقرع بن حابس تمیمی وعیینه ابن حصن فزاری یه یوزر دوه احسان بیوردیلر * یوزدن مادون انعام اولنان حددن بیرون اولمغله موجب تطویل اولدیغندن اقتصار اولندی * مرویدركه عباس بن مرداسه اللی دوه ویرلمكله اشبو ابیات شكایت احتوا ایله استقلال نصیب ایلدیكنی ایما ایلدی *

* اكانت نهابا تلافیتها * بكری علی المهر فی الاجرع *
* وایقاظی الحی ان یرقدوا * اذا هجع الناس لم اهجع *
* فاصبح نهبی ونهب العبید * بین عیینة والاقرع *
* فما كان حصن ولا حابس * یفوقان مرداس فی مجمع *
* وما كنت دون امرئ منهما * ومن تخفض الیوم لا یرفع *
* وقد كنت فی الحرب ذا تدرأ * فلم اعط شیئا ولم امنع *

مطلع ابیات اولان بیتده واقع نهابا كلمه سی جمع نهب ادر ناقهٔ مؤنسه معناسنه در تلافی تدارك معناسنه در * كر تشدیدرا ایله حمله معناسنه در * مهر ضم میمله اتك طایینه درلر * اجرع قوملو وتپه لو یره دیرلر * هجوع نوم معناسنه در * عبید بنیهٔ تصغیرایله عباسك فرسی اسمیدر * مجمعه معلوم اوله كه فرقهٔ مؤلفة القلوب اوچ صنف ایدی * برصنفی كندوسی وكندوسی سیمله قوم وقبیله سی مسلمان اولمق ایچون تألیف اولنورایدی * صفوان بن امیه كبی * ایكنجیسی حدیث الاسلام اولمغله مركز اسلامده ثبتی ایچون ائتلاف اولنور ایدی ابوسفیان بن حرب كبی * اوچنجیسی فتنه وفسادلرینك دفعی ایچون موقع تألیفه ایراد اولنورلر ایدی * بعض مؤلفه نك بنیان اسلامی استحكام بولمغله حد مؤلفه دن خارج اولوب * لكن علمای سیر بدایتلری اعتباریله انلاری دخی ذكر ایلدیلر وبعضلرك حسن اسلامی معلوم اولمامغله ظاهر حال مقام تألفده باقی اولملریدر * اشبو فریقینك هر برنده حالتین من بورتینك بریسی مظنه اولوب بلكه فی نفس الامر ظن اولنان حالتك مقابلیله متصف اولمق احتمالیله فرقلری اصعب

من خرط القتاد در * بو تقدیرجه کندودن اسلام نقل اولنان کمسه حقنده
حسن ظن وحمل خیر ایلمك واجبدر * حتی انس رضی الله عنه حضرتلرندن
مرویدرکه بعض کمسنه لر احسان امنیه سیله درگاه رسالتپناهه کلوب عرض
اسلام ایدرلر * وجدانند جوهر اسلام * دنیا ومافیهادن محبوبتر اولدیغجه
عودت ایلمزلر * تتمه * بقیهٔ غنایمك که اربعهٔ اخماسدر توزیعی استدعاسیله
طرف طرف سرور انامه ازدحام ایلدیلر * اول مرتبه که ظهر شریفلری
بر درخته منتهی ومستند اولوب شاخنه ردای منیفلری اویخته اولمغله *
ردائی ردائی ایها الناس فوالله لو کان لی مثل شجر تهامة نعما لقسمته علیکم
ثم ما الفیتمونی بخیلا ولا جبانا ولا کذابا بیوردیلر * بعده راحلهٔ علیه لری
سنامندن بر قبضه وبر آلوب * ایها الناس غنیمتکزدن واشبو وبره دن بکا
انجق خمس عائد اولوب اول خمس دخی ینه طرفکزه مردود اولور بیوردیلر *
اندنصکره جملهسنی تقسیم ایدوب هر پیاده یه دورد دوه یاخود قرق قیون *
وهر سواره اون ایکی دوه یاخود یوز یکرمی قیون اصابت ایلدی * بعض
منافقلر بو تقسیمده عدالت اولمدی دیو هذیان ایتملریله رسیدهٔ سامعهٔ سلطان
الانبیا اولیجق کمال انفعال وتأثرلرندن رخسار مطهرلری رنك شکن کل زیبا
اولوب * بن تسویه وتعدیل ایلمیجه کیم ایلیه جکدر * حق جل وعلا
برادرم حضرت موسایه رحمت ایلسونکه بوندن زیاده جور واذا کوروب
ینه صبر وتحمل ایلدی بیوردیلر * ظاهر امر ادهمایونلری قصهٔ قارونه
اشارتدر * اجمال قصه * حضرت کلیم اللهك ابن عمی قارون نام وارونکه *
افلس من ابن المذلق * وافقر من عریان * برکدای بی سر وسامان ایدی *
دستیاری همت حضرت موسا ایله مالك مال ومنال اولوب * وفرت وفر
ومال موجب طغیان وضلالی اولمغله بر فاجره یه مجمع بنی اسرائیلده حاشا
حضرت موسی بنمله زنا ایلدی دیو افترا ایدرسن سکا شوقدر مال ویررم
دیو فریفته ایتمکله اولدخی درعهده ایلدی بعده قارون بومکر ومکیدتی
بنواسرائیله ده افاده ایتدی * اندنصکره حضرت موسایه واروب قومك
فلان محلده مجتمع اولمغله چیقوب امر معروف ونهی منکر ایلیه جلك وقتدر
دیو تذکیر وترغیب ایتمکله حضرت موسی دخی مجمع معهوده واروب
یا بنی اسرائیل بر موجب امر جلیل سارقلره قطع ید ومفتریلره ضرب ومحصنا
زنا ایدنلره رجم وازادهٔ نکاح اولان زانیلره حد زنا اولمق اوزره یوزدکنك
اورمق حکم شریعتدر دیدکده * قارون بیحیا وباطل یاموسی سندخی
بو افعالی ارتکاب ایلدیکك صورتده حکم مرقوم تحتنه داخل اولورمیسن

دیدی * حضرت موسی بندخی بو حکمله محکوم بیوریجق * تکرار قارون
یاموسی بنو اسرائیل سزی فلان فاجره ایله زنا ایلدی دیورلر دیدی حضرت
موسی اول فاجره نك احضاریله امر بیوردیلر * لدی الحضور یا فلانه تورانی
انزال ایدن حضرت ذوالجلاله یمین ویررم که قارون کلامنده صادقمیدر
دیدکده اول فاجره چون بکا یمین ویردك شهادت ایدرمکه دامن حالك بولکهٔ
تهمتدن پاکیزه در * لکن قارون بکا شو ایکی کیسه اقچه یی اعطا وبوکونه
افترایه اغرا ایلدی دیوب اقچه ایله مملو وختم قارونله مختوم ایکی کیسه
اخراج ایلدی * همان حضرت موسی سجده یه واروب درگاه رب غیوره
فرش جبین ابتهال ایلدی * هنوز سجده ده ایکن یاموسی زمینی قبضهٔ
ارادتکده مسخر قیلدم دیو جانب آفرینندهٔ زمین واسماندن وحی نازل اولمغله
حضرت موسی سجده دن قالقوب زمینه امر ایلدی * قارونی خسف
ایدوب حالا هر کون قامت انسانی قدر غور وهبوط ایتملك اوزره در * تتمه *
ذوالخویصرة التمیمی نام کمسنه دخی درگاه رسالتده کلوب یا محمد عملکی
مشاهده ایلدم دیدی * حضرت رسول الله دخی چکونکی مشاهده سندن
استکناه بیوریجق سزی بو تقسیمده عدل ایدر کورمدم دیدی * خلاصهٔ
آب وخاك حضرتلری غضبناك اولوب * ویحك صفت عدل ودادینم جوهر
نهادم اولمیجه کیمده بولنور بیوردیلر * همان حمیت فاروقی متهیج اولوب *
یا رسول الله دستور کرم ایله شو منافقی قتل ایده یم دیدکده * حضرت
رسول الله بیوردیلر که یا عمر اندن کف ید تعرض قیل که عنقریب بونك
شیعه لری ظهور * وامر دینده کمال تعمق ایدوب عاقبت کماندن تیرك خروجی
کبی خروج ایلیه جکلردر * تیرك پیکاننه نظر اولنور برنسنه بولنمز بعده
چوبنه نظر اولنور ینه برنسنه بولنمز صکره کزینه نظر اولنور ینه عاری
بولنور * یعنی اول طائفه اثر دین وایماندن متجرد اولورلر * وفی روایة
الصحیحین من حدیث ابی سعید * دعه فان له اصحابا یحقر احدکم صلوته
مع صلوته وصیامه مع صیامه ویقرؤن القرآن لا یجاوز تراقیهم یمرقون
من الاسلام کما یمرق السهم من الرمیة ینظر الی نصله فلا یوجد فیه شیء ثم ینظر
الی قذذه فلا یوجد فیه شیء قد سبق الفرث والدم رئیسهم رجل اسود
احدی عضدیه مثل ثدی المرأة یخرجون علی حین فرقة من الناس انتهی *
تراقی جمع ترقوه در بیون حلقه سنك کمکنه دینور * مروق خروج معناسنه در
قذذ فتح قاف وذال له اوق یلکنه دیرلر اشبو حدیث شریف مزبور ذوالخویصره
نسلندن خوارجك ظهورینه اشارتدر * نته که ینه ابوسعیددن مرویدرکه *

بوحديث شريف فم منيف نبويدن جوهر جان كبي پيرايهٔ سامعهٔ
جنان اولوب صفين وقعه سنده صف امير المؤمنين علي المرتضى برله
بندخي پا برجاى حضور اولمشيدم * شاهد ظفر طرف باشرف مرتضويده
جلوه كر اوليجق * اشارت عمرو بن العاص ايله سپهسالار شام منعطف سمت
احتيال اولوب * لشكر مرتضوى يه تفرقه ساز اختلال اولمق داعيه سيله
امر ايلدى * نيزه لره اوزره مصحف شريف وضع وبيننا وبينكم ديو طرف
ندا ايلديلر * واقعا مقدمهٔ مكيدتلرى منتج اولوب * اصحاب مرتضى بزى
حكم الهى يه دعوت ايتمرله من بعد حرب واختصام بزه حرام اولدى
ديو تيغلرى در نيام * وقطع سيالهٔ جوى حسامله آسياب قتاله سكونت
وارام ويرديلر * امام علي رضي الله عنه هر چند مكر ودسيسهٔ عمروا ولديغنى
تفهيم ايلدى لكن قطعا مفيد اولميوب اشتر رضي الله عنه اشتر سرمست كبي
شاميانى استيصال واكثرنى جراد مثال منتشر بوادى وجبال ايتمكله *
اشترى رد ومنع ايلديكك صورتده لامحاله سنكله مقاتله ايدرزديو ابرام *
ومقام عتو وطغيانده قيام ايتمرله حضرت كرار ناچار اشترك جنكدن
كف يد ايدوب * عودتى بابنده امر عالى اصدار يورديلر * طرف
مرتضويدن ابوموسى الاشعرى وصوب معاويه دن عمرو بن العاص
تحكيملريله مصالحه اولنوب * صاحب قصه مر قوم ذوالخويصره نك
فرزند ناپسندى حرقوص اسودكه * بروفق تعريف نبوى سر ساعدى
همشكل رأس پستان ايدى * هوادارلريله حكم انجق خدانكدر مخلوق
تحكيم ايتمكله * حاشا ارتكاب كفر ايلديكز بو هفوه يى اعتراف ايله توبه
وانابت استيناف ايدرسكز * يوخسه كزمطاوعتكزده ثابت قدم اولورز *
والا سنكله منابذه ايدرزديو خروج ايلديلر * بو جهتدن اول طائفه خوارج
ايله تسميه اولندى * پس ذوالخويصره اصل شجرة الضلال خوارج اولدى *
امير المؤمنين امام علي كرم الله وجهه طائفهٔ مر قومه دن نوميد اوليجق *
ناچار قتاله ابتدار ايلديلر * خارجيلر حرقوصى اجلاس پوست امامت
ايدوب جمله سى اول سركردهٔ بغاته كمربند متابعت اولديلر * ابتدا روح خبيث
اسامتشكل شكل امام * حرقوص بى مذهب وبدنام اولمشدر * طائفهٔ
مسفوره مرتكب كبائرى تكفير * وحبط اعمال وتخليد في النار ايله حكم
ايدرلر ودار اسلام ظهور كبائر معاصى وانا مله دار كفره منقلب اولور زعمنده
اولوب وجماعتله اقامت صلوتدن تبرى ايدرلر * مرويدركه سيد الابرار
حضرتلرينك بو غزوه ده الطاف عليه * وارفاد سنيه لرى صناديد قريش

ورؤساى عربه انحصارى جهتندن * انصار كرام صورت ظاهرده برمقدار
آزرده خاطر اولمرله * ميانلرنده ناملايم كفتكو پديدار اولدى *
حتى بعضلرى عطاياى نبوى قريش وعربه متخصص اولوب هنوز تيغلرمزدن
جوى خونلرى روان اولمق اوزره در * بو احسان اكر بموجب فرمان واجب
الاذعان ربانى ايسه * متردئ رداى صبر وتسليم اولوب * واكر قريحهٔ صبيحهٔ
سلطان الانبيا فياضه سى ايسه استعتاب ايدرزديديلر * سعد بن عباده
بو مقاله يى ايصال دركاه عز وسعادة ايلدكده حضرت رسول عالى مقدار يا سعد
سن نه طرفده سن ديو استفسار بيورمغله * سعد دخى همحال انصار اولديغنى
اشعار ايلدى * بناء عليه آفتاب اوج رسالت حضرتلرى امر بيوروب *
بالكز فرقهٔ انصار ثريا وار بر محلده عقد جمعيت ايلديلر * رسول كبريا
حضرتلرى اول انجمنه پرتو بخش قدوم شرف احتوا اولدقدنصكره *
دركاه خالق الجن والانسه حمد وسپاس ايدوب * بعده يا معشر الانصار سزلرك
طرفدن شو مقوله بعض مقالهٔ نابهنجار كوشزدم اولمشدر * قالديكه بن سزى
هرزه كرد بيابان غى وضلالت بولدم * بنم سببمله حضرت هادى المضلين
عز شانه سزى واصل كعبهٔ رشد وهدايت ايلمديمى * قامت زندكانيكز كرانبار
فقر واحتياجله كمان اسا دوتا ايكن * عنايات اسهامله سهم سهى كبي راست
وزيور سامان وثروتله اراسته ايلمديمى * وبربريكزه دشمن جان ايكن *
حضرت خدا بنم يدمله بينكزه وصالهٔ محبت والتيام القا ايدوب * جمله كزى
عضو واحد كبي متحد ايلمديمى * وسزى احسن اسما اولان انصار الله وانصار
رسول الله اسميله ممتاز * وجمله دن سرفراز ايلمديمى * يا معشر الانصار سزلر
بر قبضه خاك مشابه سنده اولان حطام ناچيز دنيوى سببيله چشمهٔ درونكزى
متكدر ايديورسز * قالديكه سزلرك اخلاص ايمانكزه كمال وثوق واعتمادم
اولوب طائفهٔ قريش قريب العهد وحديث الاسلام اولدقلرندن بشقه *
ملاحم ومعارك عديده ده تيغ اسلاميانك چاشنى چش مصائب فراوان
اولملريله تأليف قلوب قصديله موجود اولان غنائمى انلاره مناسب كوردم
يا معشر الانصار راضى دكلميسزكه * خلق خانه لرينه دوه وقيون ايله كيدوب *
سزلر خانه كزه رسول الله ايله عودت ايليه سز * اكر مخلىٔ خلعت هجرت
اولمسيدم * بندخى فرقهٔ انصاردن اولوردم * جميع ناس بر طرفه وانصار
بر سمته سالك اولسه مسلك انصار وجههٔ نيوتم اتخاذ ايدردم * اللهم ارحم الانصار
وابناء الانصار بيورديلر * انصار كرام لسان سيد الانامدن بو مقال رقتمآلى
كوش ايديجك * بى اختيار جمله سى اشكبار اولوب * يكزبان اتفاق جمله من

هر حالده امر شریفکزه اطاعت وامتثالده علی ساق الوفاق اولوب * منع
واعطا وردوابقاکزه راضی وکافهٔ حکمکزه متراضی ومتقاضی اولمشدرز
دیو اظهار تثبت صدق واخلاص ایلدیلر * مرویدرکه امر قسمت رسیدهٔ
حد تمت اولدقده * حصار طائفده اولان هوازنلردن اون درت کسه ایله *
سرور انام حضرتلرینک عم رضاعیلری ابو رقاء زهیر بن صرد کلوب *
مسلمان ومستفیض نعمت ایمان اولدقدنصکره * یارسول الله بزلر قبائل
عرب بیننده کرم نفس وعلو نسبله ممتاز اولوب * مبتلا اولدیغمز داء العضال
احداث روزکارده علوم رسالتشعار عالیلری اولمغله * الحالة هذه محل اعانت
ومستحق عنایت اولمشدرز دیو دست نیاز ایله قرع باب انتجاعه آغاز ایلدیلر *
بعده خطیبلری قیام وبونسق اوزره عطوفتجوی رسول منعام اولدیکه *
یارسول الله حنین معرکه سنده کرفتار بند سبی اولان طائفه ده سزک عمات
وخالات ومتکفل خدمت حضانتکز اولان نیجه مخدرات اولوب * حارث
ابن شمر یاخود نعمان بن منذر که مشاهیر امرای عربدندر * بزمله رابطه بند
حقوق رضاعت اولدقدنصکره * جانب جلیل المناقبکزدن مشهود من
اولان نوازل انلر طرفندن بزه نازل اولسه * حقمزده عواطف وعوارفلری
مأمولمز اولوب جناب سید المرسلین ایسه خیر المکفولین اولمغله مطلع الطاف
وعنایت اولان ذات عالی منزلتدن بریق بارقهٔ کرم ورأفت واصل درجهٔ
عین الیقیندر دیو بونشیده ایله منظومهٔ استرفادی مستزاد ایلدی

* امنن علینا رسول الله فی کرم * فانک المرء نرجوه وندخر *
* امنن علی بیضة قد عاقها قدر * ممزق شملها فی دهرها غیر *
* امنن علی نسوة قد کنت ترضعها * اذ فوک تملأه من محضها الدرر *
* ان ان تدارکها نعماء تنشرها * یا ارجح الناس علما حین یختبر *
* اذ انت طفل صغیر کنت ترضعها * واذ تریک ما تأتی وما تذر *
* لا تجعلنا کمن شالت نعامته * واستبق منا فانا معشر الزهر *
* انا لنشکر للنعماء ان کفرت * وعندنا بعد هذا الیوم مدخر *
* انا نؤمل عفوا منک تلبسه * هدی البریة ان تعفو وتنتصر *
* فالبس العفو من قد کنت ترضعه * من امهاتک ان العفو مشتهر *

بوکونه * جانب نبی شامل الالطافدن استعطاف ایتملریله * سرور انام
حضرتلری بهترین کلام اولدرکه * مفهومی صادق وواقع الحاله مطابق
اوله * بن تقسیم غنایم خصوصنی سزلک قدومکزه مترقبا چند روز تأخیر
ایلمشیدم * بعده قدومکزدن قطع امید ایلدیکمده تقسیمه مبادرت اولنوب *

وهرکس

وهرکس احتیاز قسمت ایلدی بیوردقدنصکره * اموال وسبایادن برینی
اختیار بیننده تخییر بیورمغله * انلاردخی سبایایی اختیار ایلدیلر *
سید عالمیان حضرتلری بنم وبنو عبد المطلبک حصه لرینه اصابت ایدن
سزلره هبه واحسان اولسون بیوروب * وحسب الاشاره بعد صلوة الظهر
جمله سی قیام وعلی رؤس الاشهاد اعلان اسلام ایلدکدنصکره * ای معشر
مسلمین بحمده تعالی همانه من جهت جامعهٔ دین محمدی ایله پذیرای التیام *
وقبائله شانمز وصالهٔ قبول ملت احمدی برله پیوند تام بولمغله * سلسلهٔ اسیره
کرفتار اولان اطفال وعیالمزک اطلاق وردی بابنده اخوان مسلمینه حضرت
رسول کرینی تشفیع * وجناب منبع الجناب نبوی یه یاران موحدینی
شفیع اتخاذ ایده رز دیدکارنده * پیشوای اهل دین ومقتدای اصحاب یقین
حضرتلری * درکاه جهان آفرینه حمد وثنادنصکره * ای معشر اسلام
اشبو اخوانکز تائب ومسلمان اولوب کلدیلر * وسبایا واموال بیننده کندیلری
تخییر ایلدیکمده سبایایی اختیار ایتملریله * سزه جبر واکراه یوقدر طیب
نفسیله دلخواهی اولنلر احسان ایلسون * بنم وبنو عبد المطلبک قبضهٔ
اغتنامی اولنلر کندولرینکدر بیوریجق * بالجمله زمرهٔ انصار ومهاجرین ابرار
بکزبان بزم دخی ایدیٔ استلا بمزده اولنلر حضرت پیغمبر ذیشانکدر دیدیلر *
اما اقرع بن حابس که بنو تمیمک بنامی وعیینة بن حصن که فزارهنک صاحب
کلامیدر بزوقومز بو اجابتدن متجانبدر دیدیلر * کذلک عباس بن مرداس
بنم وبنو سلیمک یدنده اولنلردخی بوضابطه تحتنه مندرج اولمز دیدکده *
بنو سلیم انی تکذیب ایدوب بزم داخل ایدیٔ تولیتمز اولنلردخی جانب رسول
اللهه خاصدر دیدیلر * بعد المجلس عباس بنو سلیمه بنی تفرید وتقطیع
ایلدیکز دیو تقریع ایلدی * پس ازان برکزیدهٔ انس وجان حضرتلری هرکیم
مجانا رد واحسان شرفنه نائل * وبو مروته قائل دکل ایسه * هر اسیر
مقابلی ازقدیم عائد حصهٔ فیء خاص اولان اموالدن التی رأس فریضه
اعطا ایده یم بیورمغله جملهٔ اصحاب کرام بو خصوصده اهتمام سید الانامی
مشاهده ایلدکده * بالطوع الصاف مطلوب اولان افراد سبایایی رد وتسلیمه
مسئوللرینه اسعاف * واستجلاب رضای رسول ستوده اوصاف ایلدیلر *
انجق بر پیره زن عیینه یدنده اولوب * بین القبیله حیثیت جلیله صاحبه سی
اولمق قیاسیله * فدای یسیره راضی اولمیوب یوزدوه استفداسی
صددنده اولمغله * زهیر کندوسنه خذها فوالله مافوها ببارد ولا ثدیها بناهد
ولا بطنها بوالد ولا زوجها بواجد ولا درها بماکد دیدی * یعنی دهانی

طراوت انکیز و پستانی نوخیز وفقدانته زوجی محزون وخیری افزون
مقوله‌سی دکلدر * فائده * آنفا ذکر اولنان فریضه‌دن مراد * زکوتده
موجود اولان بعیردر رب المال اوزره مفروضه اولمغله فریضه اطلاق اولندی
* تکمله * سرورانبیا حضرتلری هر اسیرك قامتنی برخلعت قبطیه ایله
حالی وکاسهٔ درونلرین ماء الحیوة تلطیفات وفیه براه مالی یوردیلر * قبطیه
قافك ضمیله قبط مصره منسوب لباسدر * ضم قاف تغییرات نسب
قبیلندندر * بعده عیینه متخیله سنده مصور اولان * شکلك عقامتنی تصدیق
ایتمسکله * التی فریضه‌یه راضی اولوب اول پیره زنی زهیره تسلیم والحاح
زهیرایله آینه دخی برجامهٔ قبطیه ایله تکریم ایلدی * اثمار دوحهٔ
روایاتدندرکه * جملهٔ اساراده حضرت رسول اللهك خواهر رضاعیلری
شیمأ بنت حارث اولمغله * رسالتمآب حضرتلرینه رضاعی لبان اولدیغنی
اشراب ایلدکده * رسول عالیجناب حضرتلری * ساعد شیمأده برنشان
اولمغله صدق مدعایه کافی برهاندر بیوریحق * شیمأ بلی یا رسول الله هنکام
طفولیتده اثردندانکزدر دیوب کشف وارأت ایلدکده صدق دعواسی نمایان
اولمغله * سرورانبیا حضرتلری ردای سعادتلرین بسط ایدوب شیمأیه نوازش *
وحال خاطرین پرسش بیوردقدنصکره طرف اشرفلرنده مکث وارام برله
وطننه اعتزام بیننده تخییر بیورمغله * شق ثانی سنجیدهٔ میزان امانی شیمأ
اولمغین * شهبندر ملکت رسالت حضرتلری * تجهیز وتمتیعی خصوصنده
بذل نقدینهٔ همت بیوروب وبرجاریه وغلامی داخل منصهٔ ازدواج
ایلدکدنصکره * شیمأیه علاوهٔ رزیهٔ احسان وممنون وشادمان وطنی جانبنه
روان بیوردیلر * اول جاریه وغلام ذریه‌لرندن سلالهٔ کثیره سرزدهٔ کریبان
شهود * وخرامندهٔ خیابان وجود اولمشدر * مرویدرکه شاه اقلیم بعثت
حضرتلری عز وجلالنله * جعرانه‌ده اون اوج کون بسط طنفسهٔ اقامت
بیوردقدنصکره ذی القعده‌نك اون ایکنجی اربعا کونی تحت وادیٔ جعرانه‌ده
واقع دره کنارنده مؤسس مسجد شریفدن احرامبند * ومعتمر امکهٔ مکرمه‌یه
توجه وعزیمت بیوردیلر * مناسك عمره‌یی بعد الاکمال مراجعت وحلق
سرسعادت بیوردیلر * لکن سوق هدایا بیورمدیلر * اندنصکره رهبریٔ
تأیید ربانی * ویاوریٔ توفیق صمدانیله * بالمجد والاقبال کرسیٔ مملکت اجلاله
پرتوبخش طلعت میمنت اشتمال اولدیلر * بو سفر منتج الظفرده طیبه‌دن
مفارقتلری یمش التی کون اولدیغی رسیدهٔ حد صحتدر * سریهٔ شجاع *
وسنهٔ مزبوره ماه ربیع الاولنده شجاع بن وهب الاسدی رضی الله عنه

سریه‌سی واقع اولمشدر * هوازندن بنی عامر اغاره‌سنه مأمور اولمغله *
یکرمی درت نفر غزات جلادت اثر برله شبروانه عزیمت * وهنکام سحرده
اول طلمتیانی بصوب زیروزبر ایلدیلر * برموجب امر سرور انام طلب
اموال خصوصنده دقت واهتمام اولنموب * همان دسترس اولنان برمقدار
نعام واغنام مضبوط قبضهٔ اغتنام اولنمغله سالما غانما درکاه رسالته عودت
ایلدیلر * وصوللرنده بینلرنده تقسیم اولنوب * هر برینه اون بش دوه اصابت
وهر دوه اون بش قیونله تعدیل اولندی * سریهٔ کعب * کذلك سنهٔ مزبوره
ربیع الاولنده کعب بن عمیر الغفاری سریه‌سی واقع اولدی * خطهٔ شامدن
وادی القری وراسنده ذات الطلاح نام محلده متمکن برکروه نابفلاح اغارتنه
اون بش نفر مرد کفاحله کعب بن عمیر تعیین اولنوب * موطنلرینه قریب
واردقده مقدما طائفهٔ مرسومه استشعارا وزره اولدقلرندن ناشی مدینه‌ده
جاسوسلری اولمغله * مقدمجه اخبار ایدوب جمله‌سی حاضر وقدوم مجاهدینه
منتظر ایدیلر * وصوللرنده ابتدا اسلامه دعوت ایلدیلر * اجابتدن روکردان
ومبارزان اسلام اوزره تیرباران ایلدیلر * انلار دخی قتاله مبادرت ایدوب
لکن ملاعینك وفرتی مانع مقاومت اولوب * کعبدن ماعدا با لجمله یاران
نجوم صبح دیده کبی ورای پردهٔ عدمده نهان اولدیلر * کعبی دخی همعال
اصحاب اولدی ظنیله تقیید ایلمیوب کتدیلر * شبهنکام قالقوب معانات بی
پایانله مدینه‌یه القای روان ایلدی * سلطان الانبیا حضرتلری بغایت
منفعل اولوب مجددا سوار بیشمار تعیین وامرا بیوردیلر لکن اول کروه مکروه
مانند غول بیابان وادیٔ آدم نارسادە پنهان اولمغله * ناچار غزات ابرار سمت
دار الهجره‌یه معاودتکار اولدیلر * سریهٔ اشهلی * فتح مکهٔ مکرمه عقیبنده
سعد بن زید الاشهلی قدید اوزره مشرف مشلشل نام جبلده واقع اوس
وخزرجك منات نام صنملرینی کسر ایتمك خدمتنه مأمور اولمغله *
یکرمی نفر بت شکن دلاوراله واروب کسرینه مبادرت ایلدکلرنده
درونندن پریشان کیسو بربرهنه عورت ظهور ودف کبی سینه‌سن ضرب
ایدرك صدای ویلی ایله نوحه‌ساز دوراد ور اولدی * سعد حضرتلری اول
ام فسادمشرکین اولان لعینه‌یی یك اشارهٔ تیغ آتشبار ایله دونیم وروح
خبیثنی تسلیم مالك جحیم ایلدکدنصکره صنم مزبوری شکست واتمام
مأموریتله آستان نبوی‌یه پیوست اولدی * سریهٔ ابو عامر الاشعری *
ملحمهٔ حنین اثناسنده ابو عامر الاشعری سریه‌سی واقع اولدی * مرسوم
براعهٔ باهر البراعه اولدیغی اوزره * خرمن جمعیت اعدا * برباد صرصر فنا *

ومخاذيل مشركين ضلالات انتما * مظهر تفرق ايدي سبا * اولوب كيمي مأوازينه * وكيمي طائفه * وبر فرقه سي ده حنين وطائف ميانده اوطاس نام محله اواوات وجودلريله القاى انجاس ايلديلر * امير سراياى اصفيا * عليه اصفى التحايا حضرتلرى * ابو عامر الاشعرى يى برمقدار مردنبرد آزما برله كه * عامرك برادرزاده سى ابو موسى الاشعرى * وعمزاده سى دخى كروه سريه ده داخل ايدى * اوطاس طرفنه ارسال بيورديلر * وصوللرنده لشكر كفاردن اون برادريكان ابو عامر اوزرينه عنان انكيز حمله وهجوم اولوب * ابتداء هر برنى صراط مستقيمه دعوت * وامتناع ايلرنده اللهم اشهد ديوب جام هلالى شمشير ايله اشراب تلخابه مرك كاو كبر ايدرايدى * اوننجيسنده ده بومنوال اوزره معامله يه مبادرت ايلدكده * حيله روبهانه ايله اول شيردلى اغفال ايدوب * اللهم لفظى زبانزد اولورايكن ايكى اللرين بسط ايتمكله * ابو عامر مسلمان اولدى ظنيله اللهم لا تشهد ديوب رجوع وانصرافه ابتدار ارنده * اول ملعون كمراه فرصت بولوب برضربه جانكاه ايله اول مردلى اشباهى تباه ايلدى * همان ابو موسايى استخلاف * وسده سنيه معالى اتصاف نبوى يه تحيت ودعا اتحاف * وروحنى تحفه استغفار برله يادونذكار بيورملرى رجاسى * واسب وسلاحى جانب شريفلرينه اهداسى ضمننده وصيت ايلدكدنصكره * اول مرد سعيد متأثراً شهيد اولدى * ابو موسى رضى الله عنه شيرنركبى همان غزات سطوت نشان ايله كعنان * كرازان كفار تبهكاران اوزره لجام ريز هجوم * وطرفة العينده صف ثبات وقرارلرين تارمار * ونيجه لرين عرضه تيغ دمار ايلدكدنصكره غنيمت وافره ايله معسكر همايونه معاودت ايدوب * دركاه رسالتپناهه رخساى ضراعت اولدقلرنده * حال وكيفيتى وابو عامرك وصيتنى عرض عتبه سعادت ايلديلر * سيد الابرار حضرتلرى روح ابو عامرى هديه استغفار * واللهم اجعله من اعلى امتى فى الجنة دعاسيله حائز بلغه فتوح ومسار * ابو موسايى دخى خدمت مشكوره سى مقابلى * اللهم اغفر له ذنبه وادخله يوم القيمة مدخلا كريما * صله دعاسيله مظهر لطف بيشمار بيورديلر *

* طفيل عبدالله زيد قيس بو * عبيدة ثنى خالد ابو *

سرى الطفيل تقديرنده در * حرف تعريف محذوفدر * مابعدلرى تقدير عاطفله معطوفلردر * مصراع اول مرهون وبيت مضمندر * ابو عبيدة كلمه سنده ابولفظنك همزه سى حركه سيله ياخود قيسك سينينه نقل اولندقدنصكره حذف اولندى * ثنى كلمه سى تثنيه دن ماضى مجهولدر * خالد سرية خالد

تقديرنده در * بيت مرقومده التى لا يحه مندرجدر * سرية طفيل * سرية عبدالله * سرية زيد بن حارثه * سرية قيس * سرية ابو عبيده * سرية دوباره خالد بن وليد * سرية طفيل * وسنه مز بوره ده طفيل بن عمرو الدوسى سريه سى واقع اولمشدر * شاه سرير اصطفا * عليه ابلغ الصلوات واسبغ التحايا حضرتلرى * وقعه حنين عقيبنده طرف طائفى وجهه پرطائف بيوردقلرى هنكامده * طفيل بن عمروى متعينان دوسياندن عمرو بن حممه نك خشبدن ساخته ذو الكفين نام صنم نامحترمنى شكست ايتمك خدمتنه نامزد * قومندن دخى استمداد ايلمك بابنده امر ووصيت بيورديلر * حسب الامر نسيم دعاى رسول اللهيدن استعاره سرعت سير ايدوب * محل مزبوره وصولنده بى توقف وتأخير كسرينه ابتدار * واول شكل قبيحك چهره فضيحنه *

* ياذا الكفين لست من عبادكا * ميلادنا اقدم من ميلادكا *
* انى حشيت النار فى فؤادكا *

مقاليله آتش افشان اوله رق احراق بالنار ايلدى * بعده قومندن درتيوز نفر دلاور ايله * معسكر همايون طرفنه عزيمت * وروز چارم قدوم اسلاميانده خاكپاى كيمياساى نبوى يه فرش جبين ضراعت ايلديلر * وادوات جنكدن اولان منجنيق ودبابه لرى دخى كشيده دركاه رسول ايدوب * شاباش وتحسين نبويله سر افتخارى سپهر اثيره موصول اولدى * كفين تشديد فا ايله كفك تثنيه سيدر * ارجوزه مزبوره ده وزن ايچون تخفيف اولنمشدر * سرية عبدالله * وسنه مرقومه ماه رمضانك يكرمنجى كونى عبدالله ابن ابى حدرد الاسلمى سريه سى واقع اولدى * موما اليهدن منقولدركه * كندى قومندن ايكيوز درهم مهر مقابلى برخاتون تزوج ايدوب * عسرت حالمدن ناشى كنجينه جواهر برو افضال * عليه التحية بالغدو والاصال حضرتلرى دركاهنه التجا * واسترجا ايلديكمده سيد الابرار حضرتلرى كميت مهردن استفسار بيورمغله بندخى تعيين مقدار ايلديكمده ناحيه بطحادن استفاده دراهم ايلسكز بنه نائل ثروت اولمز سز * الحالة هذه مدار اعانت اوله جق مايه عديدر بيورملريله بندخى آستان سعادتلرنده چند روز بسط حصير بارۀ اقامت ايلدم * بركون جشم قبيله سى اعيانندن رفاعه ابن قيس ياخود قيس بن رفاعه صوب طيبه يه سوء قصد ايله قومندن جم غفير وجمع كثير برله كلوب غابه نام محله نزول ايلديلر * بوپيام واصل سمع سيد الانام اولنجق بكا ايكى كمسنه همراه وتجسس ايچون طائفه مرسومه

طرفنه روبراه اولدیلر * ومعتقبا سوار اولمق ایچون برناقهٔ مسنه اعطا بیورملریله کمال هزالندن ناشی قتبنه برمنزل سایهٔ قدمی دوشدکده سنامی نقش زمین اولمغله مهارنی غاربنه القا وبرشاکی السلاح عازم سوی اعدا اولوب اصفرار شمسده اول سپهکاران مجمعنه رسیدو بن برطرفده ورفیقلرم جانب دیکرده تکبیر ایله شمس الغروب اسانا بدیدا اولدق * ورفیقلرمه طراقهٔ تکبیر ایله محتشد کفاره شدوتاختی کوریجک بزدخی سمت اخردن ولوله بخش تکبیر اوله رق هجوم ایلیه بز دیو تنبیه ایلدم * بوحال اوزره زمان فرصته مترصد ایکن اتفاقی چوبانلرندن برینک مرعادن بطؤ عودتنه مبنی سرکردهٔ هنکام ایس ولیسلری اولان قیس البته چوبان مزبور برحادثه یه دوچار اولمشدر که بوانه قدر بدیدار اولمدی دیوب تقلد شمشیر وتفتیش چوبان ایچون اول شب قیرده دامنکیر صحرای فسیح المسیر اولیجق بعض هوادارلری همپا اولمق صددنده اولوب قیس ذاتنده پردل مرد بطل اولمغله مرافقته دستور ویرمیوب یکانه بسعلکاهی طرفنه روانه اولدی سمتمزدن عبورنده برناوک خارا کذار ایله افکندهٔ حفرة البوار ایدوب تیزدست سرشقا پرستی قطع وایکی طرفدن طنطنهٔ تکبیر ایله هجوم زده امداد جند عنایت ربانیه سواد خرکاهٔ جمعیتلرین فشع ایلیوب قی وافر اغنام وانعام اغتنام ومسرت مالا کلام ایله رخسودهٔ سدهٔ سعادت ارتسام اولدیغمزده اون اوچ دوه ایله بنی شادکام ورهانیدهٔ قید دوام ایلدیلر * سریهٔ زید بن حارثه وسنهٔ مزبوره جمادی الاولیسنده زید بن حارثه رضی الله عنه امارتیله موته سریه سی خال جمال سرایا اولمشدر موته ضم میم وسکون همزه وفتح تای مثناة ایله مضبوطدر همزه نک واوه رسمی یه انقلابی دخی جائزدر علی الوجهین واو ایله رسم اولنمق لازمدر خطهٔ شامده کرک قربنده برموضع اسمیدر سببی بودر که سلطان سلاطین جهان فرما نفرمای کون ومکان علیه الصلوة مادامت الازمان حضرتلری * طرفندن حارث بن عمیر الازدی قیصر روم جانبنه سفارتله عزیمت ایدوب * حسب الطریق موته نام محله وصولنده * امرای قیصردن شرحبیل بن عمرو الغسانی ماتند بلای ناکهانی حارثه سدسبیل اولوب * بعد الاستفسار سفیرنبی جلیل اولدیغنی بیلدکده * اول ذات والاقدری عرضهٔ تیغ غدر ایلدی * سفرای سرور انبیا ایچره حارثدن ماعدا برکسه نک قتلی نقش صحائف احداث روزکار اولمامشدر * بوخبر شورش اثر مخدش سمع سید البشر اولیجق * اوچ بیک نفر مردان شجاعت کهر اوزرینه زید بن حارثه یی سرعسکر نصب وتعیین بیوروب * زید جنابلری

دلالت سیف شهادتله عازم خلد برین اولدیغی حینده جعفر بن ابی طالب سردار * اولدخی جانب قدسه طیار اولدیغی صورتده عبدالله بن رواحه * امیر لشکر ابرار اولوب * انک دخی روح پرفتوحی رایح روح وریحان اولدیغی زمان عسکر اسلام شورا ایله برینی اختیار * وانک رأی وامرینه متابعتکار اولسونلر دیو تنبیه * ومقتل حارث بن عمیره وصوللرنده موضع مزبورده عنانکش ارام ودرنک * وکفار بدکرداری نوال عز بی المنال اسلامه دعوته اهتمام ایدوب * امتناعلری حینده درکاه رب معیندن استعانتله قتاله مبادرت ایلملری بابنده توصیه بیوردقدنصکره * ید مؤیدلریله معقود اولان لوای بیضایی دست زید بن حارثه تسلیم * وثنیة الوداعه قدر تشییع وانده جمله سنی تودیع ایدوب * دم عودتده تقوا ایله نصیحت * وصومعه نشین اولان عزلتکزینلرک ونسوان واطفال ودیرفانیلرک قتل وردملرندن واشجار وابنیه نک قطع وهدملرندن نهی وتحذیر امرلرین تتمیم ایلدکدنصکره * اغزوا بسم الله فقاتلوا عدوالله وعدوکم بالشام تعبیریله تسییر بیوردیلر * پس لشکر اسلام اشعهٔ مهرمنیر اسا متوجه سمت شام اولوب ارقه لرندن اصحاب کرام دفع الله عنکم وردکم صالحین غانمین دعواتنی دمدار خمیس ظفرانیس ایلدیلر * اول هنکامده نسیم رقتله لجهٔ سلیقهٔ انیقهٔ عبدالله بن رواحه هیجان ایدوب * اشبو فریده یی انداختهٔ ساحل بیان ایلدی *

* لکننی اسئل الرحمن مغفرة * وضربة ذات فرغ تقذف الزبدا *
* اوطعنة بیدی حران مجهزة * بحربة تنفذ الاحشاء والکبدا *
* حتی یقولوا اذا مر واعلی جدثی * ارشده الله من غاز وقد رشدا *

سپاه اسلام طی حزون وسهول * وقطع صعاب وذلول ایدرلرک اعمال شامدن معان نام مقامه رکز لوای نصرت التیام ایلدکده * هرقل که قیصر رومدر ارض بلقادن باب نام محله ماتند ضباب عذاب یوزبیک روم ویوزبیک متنصرهٔ عرب ایله نازل اولدیغی خبری بالغ سوامع اسلامیان اولیجق * منزل مزبورده ایکی کون لبث واقامت * وقدح زناد مشورت ایلدیلر * بعضلری مرتبهٔ وفرت اعدایی عرض پیشکاه سلطان الانبیا ایدوب * امر جدید یا خود امداد عسکر ایله ازرقه تأیید ظهورینه مترقب اولمق مناسبدر دیدیلر * لیث غاب الکفاح عبدالله بن رواحه دمدمهٔ سطوتله غران اولوب * ای معشر اسلام بوسفردن علت غائیه معلوممکزدر که نیل رتبهٔ شهادتدر * بزم کثرت عده وعتاد سببیله قطعا اعدای بدنهاد اوزره غلبه وظفرمز جلوه کر اولمدی *

بلكه طرف ربانیدن مكرم اولدیغمزدن مكرم شرفیله جمله مشركین
وكفار ایله كارزار ایدوب كوی فیروزی ربودهٔ چوكان اقتدارمز اولور ایدی
پس لازمهٔ شان دیانت بودركه * یكدل ویكجهت عزم رزم ومقاتلت
ایدوب * رتبهٔ شهادت ویا رتبهٔ عز ونصرتدن استیفای نصیب مقدر *
واستبقای رضای خدا وپیغمبر ایدرزدیو قلوب مجاهدینی تشجیع ایتمكله *
جملهسی اتحاد جنانله مانند سیل بیابان سوی دشمنانه روان اولدیلر *
مشارف نام قرارینه وصوللرنده لشكر اعدا ایله التقا اولنوب * سپاه اسلام
مؤته جانبنه متحاز اولدقدنصكره خرگاهٔ كفاره مقابل صف پرداز اولدیلر *
فی الحقیقه جیوش مؤمنین حشرات كافرینه نسبت كرهٔ نارهٔ مقابل برلمعه *
یاخود نائرهٔ جهنمه محاذی برشمعه مشابه سنده ایدی * لكن غیرت دینیه
وحمیت یقینیه سبیله بی باك وپروا غازوغا ایدوب * مطارحهٔ تیر وپیكان *
ومقارعهٔ سیف وسنان ایله اهنك واول فضای فسیحة الارجایی دیدهٔ اعدایه دل
منافق كبی تیره وتنك ایلدیلر * اثنای دار وگیرده سرعسكر جلادت تسمیر اولان
زید بن حارثه شهید وعازم آرامگاه جاوید اولمغله * علی جعفر بن ابی طالب
الوب اشقر بادپاینه مهمیز * واشقیای كفار اوزرینه عنان انگیز اولمش ایكن *
تدبیر نبوی اوزره شهادتی مجزومی اولمغله * كفاره قالمسون دیو اشقری عقر
ایدوب مانند صقر سریهٔ بوم وغراب اولان فرقهٔ روم واعراب اوزره حمله
ایلدی * فائده * ابتدا فی سبیل الله عقر اولنان یعنی سكرلنان فرس اشقر
مرسومدر * تتمه * سیف سلولله تی چوق كافری مخذول ایلدكدنصكره *
یمین ایمنلری بریدهٔ سیف حیف اولمغله * علی صول النه الوب برمقدار دخی
اول وجه اوزره جنگ وپیكارده بذل اقتدار ایلدی * بعده صول الی دوشمكله
علی اغوشنه الوب ینه اظهار جنبش مردانگیده حق بودركه اعدا واحبابی
انگشت گزای استعجاب ایلدی * اول سرباز بیهمال برزمان دخی اول حالله
حرب وقتال ایدوب * اخر بر كافرك تیغ اهانتیله نائل درجهٔ شهادت *
وهمای روحی بالگشای اوج سعادت اولمغله * علی عبدالله بن رواحه الوب *
اول شهسوار عرصهٔ شجاعت * میدان دلاوریده اثارهٔ غبار سطوت
ایلدكدنصكره * پیاده اولوب وافر مدت اعمال ادوات مبارزت
ایلدكدنصكره * اولدخی حصه‌مند شهد شهادت اولمغله * عسكر اسلام
برهمزدهٔ اسباب آرام اولوب حتی بعضیسی راه انهزامه متوجه اولدی *
عقبه بن عامر رضی الله عنه بوحالی كوریجك * ای معشر اسلام مقبلا هلاك
اولمق مدبرا هلاك اولمقدن افضل واحسن * ودوجب ذكر مستحسن در

دیه‌رك كلمات مشجعه ایله ینه جملهیی پاینده مقام ثبات ایلدی بعده علی ثابت
ابن ارقم الوب یا معشر المسلمین برسردار اختیار ایدك دیوندا ایتمكله *
انلار دخی كندوسنی مناسب كوریجك امانت امارته عدم لیاقتنی اشعار
ایتمكین * جمله رأییله خالد بن ولیدی انتخاب ایلدیلر * پس امر سرعسكری
عهدهٔ خالده مقرر اولیجق * اول دلیر بی عدیل روز سابع مصافده ساقهٔ
عسكری مقدمه * ومقدمه‌یی ساقه مساقنه تحویل * ومیمنه‌یی میسره *
ومیسره‌یی میمنه مأمننه تبدیل ایتمكله * لشكر كفار سپاه ابراره امداد كلدی
اعتقادیله پای ثباتلری متزلزل * وبنای تجلدلری مختل اولوب * اول
شورش هنگامنده یكبار عسكر اسلام دخی حمله واقتحام ایتملریله * باذنه
تعالی جملهسی رو بقفا اولوب * دلیران اسلام دخی مسافهٔ بعیده عقبلرندن
منفك اولمیوب غیر مسبوق المثل وخارج از حیطهٔ عقل ونقل كافر قتل
ایلدیلر * امام بخاری علیه رحمة الباری بالسند الصحیح * خالد بن ولید
حضرتلرندن روایت ایدركه * ملحمهٔ مؤتهده یدمده طقوز قبضهٔ شمشیر
شكست اولوب * اخر بر تیغ یمانیله ختام ویردم دیدیلر * بو دخی رسیدهٔ رتبهٔ
صحتدركه * حضرت حق جل شانه جناب رسول اللهی وقعهٔ مزبوره یه
مطلع ایلدكله * حسب الاشاره الصلوة جامعه نداسیله اصحاب كرام مسجد
شریفه مجتمع اولیجق * منبر منور اوزره صعود بیوروب * صدف دیده‌لرندن
لؤلؤبار سرشك اولدیغی حالده * اوچ دفعه یا ایها الناس باب خیر
بیوردقدنصكره * سزلره اشبو غازی عسكرك حالنی خبر ویره‌یم بیوریجق *
صحابهٔ كرام سامعه‌لرین برداشتهٔ سوی سید الانام ایلدیلر * واقف رازنامهٔ
عالمیان حضرتلری بو سیاق اوزره دهنگشای بیان اولدیلركه * لشكر اسلام
كفار لئامه ملاقی اولوب * برمدت مطارحهٔ مكافحت ایلدكدنصكره
زید بن حارثه نشوان رحیق شهادت اولمغله * روحیچون درگاه حقی غفاره
استغفار ایده‌سز دیو امر بیوروب * بعده علی جعفر اخذ ومنوال مشروح
اوزره جعفرك وعبدالله بن رواحه‌نك شهادتلرنی اخبار واستغفار برله
امر بیوردقدنصكره * علی خالد المشدد * خالد بهترین عباد رب العزت
مرد صاحب عشیرتدر * وسیوف الهیدن برسیف مسلولدركه حضرت
حق جل وعلا انكله كفار ومنافقینی مخذول ایلدی * بعده عون خالق القوی
والقدر ایله سپاه اسلام منصور ومظفر * وكفار بد فرجام مهزوم ومدمر
اولدیلر دیو تبشیر بیوردیلر * فائده * بو تعبیر دلپذیر سببیله حضرت خالد
سیف الله ایله ملقب اولدیلر * تتمه * جعفرك ذائقه‌مند شربت شیرینكوار

شهادت اولدقلری کون خاطر نوازقوم وتبار حضرتلری جعفرك حلیله سی
اسماء بنت عمیس خانه سنی تشریف * واولاد جعفری نوازش وتلطیف
بیوردقدنصکره * شهادت جعفری اخبار بیوریجق * اسماء جنابلری
بی اختیار نوحهٔ عالمگیر ایله ولوله بخش گنبد دوار اولوب * نسوان محله
مجتمع ونازلهٔ اسمایه مطلع اولیجق * برابر دمساز گریه وزاری اولدیلر * فخر عالم
صلی الله علیه وسلم حضرتلری یا اسما فریاد ایله وزیاده سوزسو یله ومشت
تأسف له رخسارکی ضرب وتخریش ایله دیو نصیحت ایلدکدنصکره * ازواج
مطهراته مشغول شیون اولان ال جعفر ایچون طعام ترتیب ایلملری یاننده
فرمان * وحضرت منان عزشانه جعفره ایکی قوللرندن عوض ایکی شهپر
احسان ایدوب * الان فسحت سرای جنانده طیران * ودلخواهی اولان
مقاماتی سیران ایتمك اوزره در دیو حال نزهت آل جعفر طیاری بیان بیوردیلر *
درهٔ سبحهٔ روایاتندر که * جناب جعفرك جسم منورلرنده یتمشدن متجاوز
زخم اولوب جمله سی طرف قدامدن اصابت ایتمشیدی * زهی ثبات
وشجاعت زهی مردانگی وسکینت * چند روز مرورنده معسکر فیروزی
اثر طرفندن یعلی بن امیهٔ بن عامر ماء انعما ورود * وشرفبوسی عتبهٔ علیه
ایله احراز سعود نامحدود ایلدکده * صاحب المعجزات علیه افضل الصلوات
حضرتلری * یا یعلی احوال وسرگذشتکزی سن بکامی خبرویررسن
یوخسه بن سکامی اخبار ایده یم بیوریجق * یعلی جواهر ریزهٔ کلمات نبویه یه
دامنگشای گوش اولمغله * طبق الحال صورت قتالی تقریر بیوردیلر *
یعلی لبگشای ابتهال اولوب سنی حق پیغمبر ارسال ایدن خدای متعال حق
صورت ومادهٔ قضیه ده بر حرف نقص وزیاده بیورلمدی دیدی * سرور انبیا
حضرتلری جناب قادر بیهمتا جل شانه وعلا * بستر زمینی طی ایدوب
جملهٔ وقایعی نظرگاهمده جلوه نما ایلدی بیوردیلر * غزات اسلام قرب طیبه یه
ورودلرنده * سرور انام علیه السلام حضرتلری با جمله صحابهٔ کرام ایله
استقبال * وقدوملرین تلقی بالاجلال بیوروب * رجال طرفین دیدار
همدیگر ایله قریر العین اولدقدنصکره * اصحاب کزین یا فراروں فررتم
فی سبیل الله دیه رك سرزنش مجاهدین ایلدکجه * سید المرسلین حضرتلری
هم الکرارون تعبیریله مثلبهٔ شنار فراردن تبرئه وتنزیه * ومیدان صدق
وثبات ده پای افشار استقرار اولدقلرینه تنبیه بر له شانلرین تنویه بیوردرلر
ایدی * اصحاب کرامك فراردن مرادلری خالد بن ولید رضی الله عنه
سرعسکر اولدقده برمقدار جنگاهدن درکنار اولشلر ایدی * حضرت

رسول الله صفت فراری نفیله ذکر اولنان انجیاز لری محض ترتیب صفوف
ایچون اولدیغنی اشعار واثبات بیوررلر ایدی * سریهٔ قیس * وسال منبورده
قیس بن سعد بن عباده رضی الله عنه سریه سی واقع اولدی * شاه یثرب
وبطحا علیه افضل التحایا حضرتلری * نگاشتهٔ خامهٔ شیرین ادا اولدیغی
اوزره جعرانه دن مکهٔ مکرمه یه انصرافلرنده * قیس بن سعد بن عباده یی
درت یوز سوار نیزه گذار اوزره امیر نصب ایدوب * ناحیهٔ یمن سکاننددن
صدا نام قبیله اغارتنه تعیین بیوردیلر * اول خلالده زیاد بن حارث الصدائی
ورود * وخاکپای کیمیاسای نبوی یه رخسود اولدقدنصکره متهیئ نهضت
اولان سریه وجهه سندن استقصا ایتمکله * گندی قبیله سنه
متوجه اوله جقلرنی خبر الیجق * قبیله سنی طرفندن درگاه رسالت
دستگاهه وافد اوارد اولدیغنی افاده ایتمکله * سریهٔ سمیه قناة نام محلدن
اعاده اولندی * بعده زیاد قبیله سنه عودت ایدوب اون بش کوندنصکره
اون بش کسه ایله تکرار استان شرفداره گلوب منحت اسلامله بهره دار
اولدیلر * سریهٔ ابو عبیدة بن الجراح * سال مرقوم رجب المرجبنده
ابو عبیدة بن الجراح رضی الله عنه سریه سی واقع اولمشدر * اهل سیر بیانی
اوزره سید المرسلین علیه صلوة الملك المعین حضرتلری * ابو عبیده یی
اوچیوز نفر دلاور ایله جهینه دن بر قبیله غارتنه تعیین بیوروب * منتهای
سیر وسفر عسکر مظفر * ساحل معناسنه بکسر السین سیف البحر اولمغله *
سریهٔ مرقومه سریهٔ سیف البحر ایله نامداردر * وزاد وزواده لرینه نفاد
عارض اولمغله * خبط تناول ایلدکلرندن ناشی سریة الخبط ایله ده قرین
اشتهاردر * امام مسلم رحمه الله روایتی اوزره محاذیل قریش غدار * مرسوم
براعهٔ شیرین گفتار اولدیغی اوزره * بنو بکره اعانتله حبل المتین صلح
حدیبیه یی کسسته تار ایلدکدنصکره * کاربانلرین نهب وتالان ایلمك
ایچون اوچیوز نفر مرد جنگاور ایله ابو عبیده تعیین بیورلمغله * ساحل بحره
قدر واروب انده ذخیره لری تمام وموائد مواعید کبار عصر اسا کنمام اولمغله *
مقدما هنگام توجه واعتزامده سرور انبیا علیه افضل التحایا حضرتلرینك
ابو عبیده یه اعطا بیوردقلری بر همیان خرمادن هر کون بر ر خرما توزیع *
وچند دفعه مص ایدوب اوزرینه صو نوش ایدرلك اون بش کون بو حال اوزره
امرار ایام ایلیوب بعده انفاس معدوده کبی اولدخی رسیدهٔ حد ختام
اولمغله بالضروره فتح خای معجمه وبای موحده ایله خبط که اشجار بادیه دن شجر
سلم یپراغیدر * صو ایله مبتل ایدوب تناول ایتمکه باشلدیلر * اول یپراق بعینه

بلوط پراغی کبی غایتده خشن وخاردار اولمغله * لب ودهانلری سینهٔ عاشق
کبی چاک چاک وشرحه نالک اولمغین * من بعد انکله تغذی یه ده امکان قالمدی *
قیس بن سعد رضی الله عنه جزیره خلقنک برندن مدینه ده ادا ایتمک اوزره
هر بری بر وسق یعنی التمش صاع خرما بدلی بش رأس جزور یعنی بوغزلنه جق
دوه اشترا ایدوب اوچ کونده اوچ رأسنی ذبح * وعسکر اسلامی اطعام
ایلدی * دردنجی کون امیر سریه ابو عبیده یاقیس سنک مال مخصوصک
اولمیوب پدرک سعد دخی ادا ایلیه جکی غیر مجزوم در دیو منع ایلدی * اول
اثناده سوق رزاق حقیقی ایله دریادن عنبر نام بر ماهیٔ کشتی اندام * انداختهٔ
ساحل اولمغله بر ماه مدت انکله جمله تعیش ایدوب بدنلری کسب سمن وقوت
ایلدی * فایحه * ماهیٔ مزبورک عظم جسمی اول مرتبه ایدیکه بر ضلعنی
نصب ایدوب * بر درازقد اشتر سوار ایاغ اوزره قالقوب ینه ضلع مزبور ایله
همسر اولمدی * وهر خانهٔ چشمی کویا که برج حوت ایدی * درونده اون اوچ
کسنه متواری اولوب بری برینه مضایقهٔ قعود وبرمدکلرندن بشقه *
اعین نظاردن نهان اولدیلر * تکمله * پس غرض اصلی اولان قافله یه یاخود
قبیله یه تصادف اولنمامغله بی غائلهٔ کید وخصام * طرف طیبه یه تحویل
لجام ایلدیلر * شرفیاب عز حضور فائض النور نبوی اولدقلرنده * جملهٔ
سرکذشتلرین خصوصا ماهیٔ مرقومک کیفیت وصفتنی نقل وبیان
ایلدکلرنده * رسول بالحق حضرتلری جناب رزاق مطلق عز شانه * اول
ماهی بی مزه رزق تعیین ایلمشدر بیوردقدنصکره * لحمندن بقیه وار میدر
دیو سؤال بیورمغله * باقی قلان لحمی جانب عالیلرینه ارسال * وبالذات
تناول بیوردیلر * سریهٔ خالد بن ولید دوباره * وسنهٔ مزبوره ده خالد بن ولید
رضی الله عنه حضرتلرینک ایکی دفعه سریه لری واقع اولمشدر * سریهٔ اولی
فتح مکه عقبنده بت شکن مشرکین علیه التحیة فی کل حین حضرتلری
طرفندن مکه وطائف میاننده واقع * نخله نام موضعده نشاندهٔ دست
اشراک اولان قریش وبنو کنانه نک عزی نام صنم کریه اندام وناپاکارینک
هدمنه نامزد اولوب * اوتوز نفر سوار ایله محل مزبوره وصولنده * صنم
مرسوم اوچ خشب سمراوزرینه مبنی اولمغله خشبلری قطع ایتمکین منهدم
اولوب * بعد العود بوکزیده ابرار حضرتلری یاخالد * هیچ بر نسنه مشهودک
اولدیمی دیو استفسار بیورمغله * خالد دخی بر نسنه کورمدم دیمجک * یاخالد
هنوز عزی منهدم اولمامشدر بیوردیلر * بناء علیه حضرت خالد تکرار
عودت ایدوب صنم مسفور اوزره سل سیف صوات ایلدکده * جوفندن

پریشان کیسو سیاه اندام بر برهنه عورت نمایان اولوب * باشنه خاک افشان
اوله رق فریاد وفغان ایتمکه باشلدی * همان حضرت خالد *

یاعز کفرانک لاسبحانک * انی رأیت الله قد اهانک

دیه رک اول ملعونه یی بر اشارهٔ تیغله ایکی پاره ایلدی درکاه رسالتپناهه کلوب
کیفیتی خبر ویردکده * اشته عزی اول ملعونه ایدی هلاک اولمغله * من بعد
وجههٔ اهل اشراک اولمز بیوردیلر * سریهٔ ثانیه * هدم عزی خدمتنی ادا
ایلدکدنصکره مسفلهٔ مکه جهتنده بر مرحله مسافه یلم ناحیه سنده متمکن
عبد القیس قبیله سندن بر بطن اولان بنو جذیمه یی طریق اسلم اسلامه سوق
وارشاد ایتمک ایچون * سنهٔ مزبوره شوال مکرمنده حسب الامر العالی
مهاجرین وانصاردن وبنو سلیم قبیله سی خلقندن * اوچیوز اللی نفر دلاور
ایله عزیمت ایلدیلر خوانسالار نعمت اسلام علیه انعم السلام حضرتلری *
فتح مکه دنصکره سماط مبسوط اسلامه صلای عام ایدوب * اطراف قبائلی
اول مائدهٔ پرفائده یه دعوت ایچون بعوث وسرایا ارسال * ومنع شجار
وقتال بیورملریله * حضرت خالده دخی کف جدال امر وتنبیه بیوردیلر *
اول ایامده قبیلهٔ مزبوره کندیلره مخصوص غمیصا نام ایکیراوزره ارامکیر
اولملریله * خالد جنابلری معیتنده اولان سپاه جلادتنصاب ایله اول سمته عازم
اولوب * قرارکاهلرینه قریب وارلدقده قدوم عسکردن خبردار اولیجق *
قبیلهٔ مزبوره خلقی ذاتلرنده شدید الشکیمه صعب العطف خونی وسرکش
کسنه لر اولوب * حتی بوسببدن بین العرب لعقة الدم ایله ملقب اولمشلر ایدی *
وبوندن بشقه مقدما خالد بن ولیدک عمی فاکهی وعبد الرحمن بن عوفک
پدرینی وبنو سلیمدن مالک بن شریدی ایکی برادریله قتل ایلدکلرندن ناشی
مستشعر اولملریله * همان جمله سی متوشح سلاح اولوب خالدی استقبال
ایلدیلر * خالد انلارک دین وایینلرندن استفسار ایلدکده * بزلر مسلمانلرز
حضرت محمده ایمان کتوروب مساجد بنا وصلوات پنجکانه یی جماعتله
ادا ایدرز دیدیلر * خالد یه بوکونه سلاحپوش اولمقدن غرض ندر دیدکده *
عربدن بر طائفه ایله میانمزده شقاق ومعادات اولمغله * سزلری طائفهٔ
مرقومه ظن ایتمشیدک دیدیلر * میانجیء اعتذارلری مؤثر اولمامغله
امر ایلدی * جمله سی سلاحلرین نزع وبری برینک اللرین ارقه لرندن بند
ایلدکدنصکره * هر بر اسیری اصحابک برینه تسلیم ایلدی * علی السحر جمله
سنک قتل وتدمیری بابنده ندا ایتدرمکله * بنو سلیم کندی ضبط
وحبسلرنده اولنلری قتل ایدوب مهاجرین وانصار امتناع واسیرلرین اطلاق

اولدیلر * بنو جذیمه‌دن برکسه کلوب صورت حالی درگاه مخلد الاقباله
عرض واعلام ایلدکده * سید الابرار حضرتلری حضار مسلمیندن خالدك
بو وضعنی استنکار ایدن اولمدیمی دیو استفسار ایلدکده * اولدخی بلی برا صفر
اللون مربوع القامه کمسنه استهجان ایلدی * خالدا کا دشنام ایتمکله
خموش اولدی * بعده بر طویل القامه سرخ چهره کمسنه دخی ممانعت
صددنده اولوب اکا دخی ازار ایلدی دیجك * فاروق اعظم حضرتلری
یارسول الله خدای متعال حقی انلارك بریسی فرزندم ودیکری ابو حذیفه
نك غلامی سالم دردیدی * ماحصل خالدك بو شیوه نابجعلی محرم سراپردهٔ
لاهوت حضرتلرینك معلوملری اولیجق * متوجه محراب ملکوت
اولوب * ایکی دفعه الهی خالدك بو صنیعه سندن بری یم دیدکدنصکره *
حضرت مرتضی یه وافر دوه وکومش اعطا ایدوب بنو جذیمه یه عزیمت *
وبالجمله دیتلرنی وتلفکرده اولان اموال واشیالرنی * تودیه برله تبرئهٔ ذمت
ایلمك باینده امر بیوردیلر * حضرت مرتضی دخی واروب مبالغهٔ کلابلرینه
قدر عقل وقضا ایلدکدنصکره * بر مقدار فضلهٔ مال قالمغله انیدخی ضایعات
مبهمه یه مقابل کندیلره اعطا ایلمکله جمله سنی تطییب وارضا ایدوب درگاه
رسالتنه معاودت ایلدی * وصولنده کیفیتی خبر ویریجك * سید المرسلین
حضرتلری یا علی اصابت واحسان ایلدك بندهٔ درگاه احدیتی اولدیغم
رب العزت حقی بو معاملهٔ الطف امیزك * عندمده حمر نعمدن یعنی قرمزی
تویلو دوه‌دن مقبول ومعتبر اولمشدر دیو ستایش وتحسین بیوردقدنصکره *
ینه جانب قبله یه استقبال ودو دست سدره پیوستلرین مرفوع بارگاه لایزال
ایدوب * اوچ دفعه الهی خالدك بو وضعندن بری یم بیوردیلر * خالد
بو هنگامه دنصکره جانب محتوی المحامده عائد اولوب * ابتدا عبد الرحمن
ابن عوف ملاقی اولمغله یا خالد اسلامده صنیعهٔ جاهلیتله داغدار عیب وعار
اولدك دیو تقریع وتشنیع ایلدکده * خالد یا عبد الرحمن بدرکك انتقامنی
الدم دیو جواب ایلدی * عبد الرحمن بو بابده دروغ بیفروغ ارتکاب
ایلدك * پدرمك قاتلی بوندن اقدم دلالت شمشیرمله کذارندهٔ جانب عدم
اولدی * ولوسلم جاهلیتده مقتول اولان شخصك اسلامده حکم قصاصی
اجرا اولنورمی دیدی * خالد تکرار سوزه کلوب یا عبد الرحمن بنو جذیمه نك
سالك شاهراه اسلام اولدقلرنی سکا کیم اعلام ایلدی دیدی * عبد الرحمن دخی
بالجمله اهل سریه نك تواتر اخبارلریله معلوم اولدی دیجك * خالد کردونهٔ
محاوره‌یی سمت دیکره اداره ایدوب * قبیلهٔ مزبوره نك تاخت وتارا جلری

باینده دیوان رسالتدن بکا خطابا فرمان عالیشان شرف ورود ایلدی دیدی *
عبد الرحمن یا خالد ینه لسانکی دروغ بیهوده ایله الوده ایلدك * سن محضا عمك
فاکهك انتقامنه مبنی بو صنیعهٔ شنیعه یه دست الای ابتدار اولدك
دیو افحام واسکات ایلدی * حضور نبوی یه متولنده شاه سریر اصطفا
حضرتلری * یا خالد بنم اصحابمی لسانه الوب انلاره تعرض واذا ایلمه *
خدا حقی وادی احدی مستوعب التون اولوب راه الهیده جمله سنی بذل
وانفاق ایلسك * اصحابمدن برینك اول واخرنهارده اولان سیرلرینه ادراك
ایلیه مزسن * یعنی انلاره هم‌پا وهمتا اولمغه ایا قتك بو قدر بیوردیلر *
اصحابدن مراد شریفلری زمرهٔ سابقوندر * عبد الرحمن بن عوف دخی
عرصهٔ اسلامده محرز قصب السبق اولان فرقهٔ علیه دندر * حضرت خالد
وخصوص مزبورده کندوسیله متوافق ومتحد اولانلردخی صحابه دن ایکن *
وتیرهٔ مزبوره اوزره افعال مالاینبغی یه مصدریتلری ملابسه سی بیکانه
حرمسرای صحبت منزلنه تنزیل بیورلدی * وبو حدیث شریفك مفهوم
منیفنه متقارب * لاتسبوا اصحابی فلو انفق احدکم مثل احد ذهبا مابلغ
مد احدهم ولا نصیفه * وارد اولمشدر * یعنی بنم اصحابمه سب ودشنام ایلمکز
نفسم قبضهٔ قدرتنده زبون اولان خدای بیچون حقی * اکر سزدن بریکز
احد طاغی قدر فی سبیل الله التون انفاق ایلسه * اولدکلو انفاقکز انلارك
بر مد یا خود نصیفی مقدار انفاق ثوابنه بالغ اولمیه * فائده * مد لفظی ضم میم
وتشدید دال مهمله ایله بر نوع کیله‌درکه * بر رطل وثلث رطل استیعاب
ایدر اهل حجاز عندنده * وایکی رطل استیعاب ایدر اهل عراق عندنده *
وبر صاع درت مددر * ورطل صاحب قاموس عندنده اون ایکی اوقیه‌در *
وهر اوقیه قرق درهمدر * فائده * امام سبکی علیه الرحمه حضرتلرندن
منقولدرکه شیخ تاج الدین ابن عطاء الله الاسکندری جنابنك مجالس وعظنده
دهان حلوالبیانلرندن مسموعم اولدیکه * ذکر اولنان حدیث شریف عصر
سعادتدنصکره کلان امته خطابدر * غائب نا موجود حاضر منزلنه تنزیل
اولنمشدر * زیرا بعض تجلیات نبویه‌ده امت آتیه‌دن بعضلرك اصحاب
کرام حقلرنده اطالهٔ زبان ایلیه‌جکلری لایح ومنکشف اولمشدر * وحدیث
مرقومك منطوق ومفهومنده اصحاب کرامك جلالت قدر ومرتبت *
ونبالت شان ومنقبتلرینه مدانات ومقاربت طمع وداعیه سنی قاطع ورادع
تبجیل وتنویه اولدیغی وارستهٔ کلفهٔ تبیین وتنبیه‌در * حقا که اصحاب کرام
علیهم الرضوان الی یوم القیام حضراتی * اشبو شرف اولدیغمزملت

بيضاى احمدى وشريعت غراى محمدى بى وجه سهولت وصدق واستقامتله
امت آتيه يه تهيئه وتسليم ايدوب * وزمان سعادتنده حق جهاد ايله
مجاهدت * وما لا وبد ناسعى وغيرتله دين مبينى پرتو آفتاب اسا اقطار جهان
وجهانيانه نشر واشاعت * وعصر عاليلرى هنوز رسيدهٔ حد انقضا اولمزدن
مقدم * اكثر بلاد معموره فتح وتسخير وشعشعهٔ باصره سوز شمشيرلريله
هزاره هزار ديار ظلمات اباد كفارى اضائت وتنوير ايدوب * حتى سفيرلرى
اسفار صبح اسا خاور زمينده بلاد چينه منتهى * وشرفنامهٔ نام وشانلريله
اول سرزمين دخى مبتهج ومزدهى اولمشدر * مهمه * حضرت خالددن
وجه محرر اوزره صادر اولان وضع مزبور اجتهادى اولمغله * اعتذارلرى
جلوه كر معرض اصغا اولمشدر * زيرا قبيلهٔ مرقومه خلقنه ملاقاتلرنده دين
وايينلرندن استفسار ايلدككده * اسلمنا ديميوب صبأنا صبأنا ديملريله
بو كلاملرنى حسب الظاهر هزل واستهزايه حمل ايدوب * وظن مزبورنى
سلاحبوش اولملرى تأييد ايتمكله كفرلرينه ذاهب اولمغله * قتللرى
خصوصنى امر ايلديلر * نهايت كمال تحرى وتثبت ايتميوب اولبابده
استعجال ايلديلر * استعجالنه مبنى حضرت رسول الله صنيعندن اظهار تبرى
بيورديلر * شبهه تين مزبورتينه بناء قصاص ترتب ايلميوب * حكم شرعى اوزره
دم محقون قصاص وديتدن برنى مستوجب اولوب * بو ماده ده قصاص
مترتب اولمامغله ديت اقتضا ايلدى * وحاكمك حكمده خطاسى سببيله
اقتضا ايدن ديت كندى مالنه متوجه اولميوب * بيت المالدن لازم كلمكله
سلطان الانبيا حضرتلرى ديت مقتوللرى بيت المالدن ادا وبناء عليه
امارتنى ابقا بيورديلر * هر حالده حقلرنده تعظيم واجبه دندر *

* قتادة غالب عمرو منبر * رسل العلاء عمر وشجاع حضروا *

ابو قتادة وغالب وعمرو حذف عاطفله خالد اوزرينه معطوف اولمغله *
وثنى سريه ابى قتادة وغالب وعمرو تقديرنده اولور * منبر كلمه سى مقدر
صنع فعلنك نائب فاعليدر كذلك رسل مقدر ارسلت فعلنك نائب فاعليدر
العلا بدلدر * عمرو وشجاع معطوفلردر * حضروا وفدوا معناسنه در لازمى
ملزوم اوزره اطلاق قيلنمشدر * زيرا وفود على وجه السفاره حضور
معناسنه اولمغله وفادته حضور لازمدر * لكن حضوره وفادت لازم
دكلدر * وضمير جمع غير مسبوق المرجع اولمغله مبهم اولديغيچون بيت آتيده
بدل ايله بيان اولنمشدر * بو بيتده يدى لايحه مندرجدر سريهٔ ابو قتاده
دوباره * سريهٔ غالب دوباره * سريهٔ عمرو دوباره * تصنيع منبر * سفارت علا *

سفارت عمرو * سفارت شجاع * سريهٔ ابو قتاده دوباره * وسنهٔ مزبورده
ايكى دفعه ابو قتادة بن ربعى الانصارى سريه سى واقع اولمشدر * سريهٔ
اولى شعبان معظمده اون بش نفر مبارز ايله نجد مملكتندن ارض محاربده
متوطن غطفان قبيله سى اغارتنه مأمور اولوب * ماه كبى شبروانه
عزيمت وصبح صادق اسا برسحر اول تيره دلان اوزره نشر اشعهٔ سيوف
مجاهدت ايدوب * مصادف اولدقلرنى قتل وتدمير ايلدككدنصكره *
ايكيوز دوه وايكى بيك قيون ووافر سبايا ايله عودت * واون بشنجى كون عتبهٔ
عليه يه فرش جبين ضراعت ايلديلر * بعد اخراج الخمس هر برينك حصه
سنه اون ايكيشر دوه اصابت ايدوب * وهر دوه اون ايكى قيون ايله تعديل
اولندى * امير سريه ابو قتاده سهمنه بر كنيزك اصابت ايتمكله * رسول
عاليجناب حضرتلرى استيهاب ووقد ما جهت فى الهيدن اول ظهور
ايدن جاريه يى اصحاب كرامدن برينه وعد بيورمش اولمغله انجاز وعد ايله
كامياب ايلديلر * سريهٔ ثانيه * اوائل ماه صيامده مدينه يه اوچ بريد
مسافه بر وضع ياخود بر جبل اسمى اولان اضم نام محله مأمور اولدى *
اصلى بو دركه شاه سرير رسالت حضرتلرى كذارشيذير اولديغى اوزره قريش
اوزره غزايه نيت بيوردقده * اهل مكه يى اغفال ايچون ابو قتاده يى سكز
نفر دلاور ايله محل مزبوره ارسال بيورديلر * ابو قتاده دخى بر موجب
فرموده ره پيوده اولوب * سيد قبيلهٔ خندف محلم بن جثامة الليثى دخى برابر
ايدى * خلال طريقده سيد قبيلهٔ قيس اولان عامر بن الاضبط الاشجعى
اصحاب سريه يه تصادف ايدوب * دأب اسلام اوزره اتحاف كلدستهٔ سلام
ايلدى * اصحاب دخى تسلم ايدوب انجق محلم ايله ميانه لرنده سابقهٔ تنافس
اولمغله همان هجوم ايدوب * تيشهٔ غدر ايله بناى عمر عامرى غامر * ومتاع
وبعيرنى استلا بله كين كذشته سنه ظافر اولدى * محل مأموردن قفول
وذى خشب نام موضعه وصوللرنده * موكب سعادتك مكه طرفنه نهضتى
مسموعلرى اولمجق صوب مدينه دن عنان تاب * وبين المدينة والصفراء
سقيا نام محلده ملتحق معسكر نصرت مآب اولديلر * خاكپاى كيمياساى نبويله
شرفياب اولدقلرنده * محلم ايله عامر قصه سى عرض حضوره نبيع الجناب
ايلديلر * قرينهٔ حال * يا ايها الذين امنوا اذا ضربتم فى سبيل الله فتبينوا
ولا تقولوا لمن القى اليكم السلام لست مؤمنا * الايه كريمه سى نازل اولدى *
منزل حنين موكب سيد الثقلين برله پرزيب وزين اولدقده * امام صف اصفيا
عليه اصفى الصلوات والتحايا حضرتلرى * صلوة ظهرى ادا ايدوب بر درخت

سایه‌سی وجود لطافتنمودلریله رشك مظلهٔ طوبی بیوریجق * عیینة بن حصین
قیام ودم عامری طلبنده اقدام ایلدی * اقرع بن حابس عامرك قومنه خطاب
ایدوب عامرك دیتنی ویره‌لم اللی دوه بوراده واللی دوه دخی مدینه‌ده
ادا ایده‌لم دیدی * عیینه دیته راضی اولیوب بزم نسوانك تجرع ایتدكلری
زهرابهٔ حزن واندوهی نسوان محلمه دخی اذاقه وتجریع ایلمدكجه فراغت
احتمالی یوقدر دیدی * حضرت رسول الله دخی اقرعك رأینی مناسب
كورمكله بعد الثنیا واللی دیته راضی * واللی دوه محل مزبورده واللیسی
مدینه‌ده ادا اولنمغه متراضی اولدیلر * بعده محلمی قوم وخویشاوندی
استنابه واستغفار ایچون حضور سید الابراره احضار ایلدیلر * محلم برسیه‌چرده
درازقد كسنه ایدی * وقصاصه متهیئ اولمغله پوشیدهٔ شعار فاخر اولمشیدی *
بكا ایدرك كلوب پیشگاه رسالته مثول ایدیجك * سرور انام حضرتلری
اسمندن استعلام بیورمغله * ولدخی سامعه زد نبوی اولان جنحهٔ معهوده
مرتكبی محلم بن كزدر * بارگاه رب غفوره توبه كار وطرف اشرفكزدن *
نیازمند استغفارم دیو عرض ضراعت ایلدكده * سلطان الانبیا حضرتلری
دودست سدره‌پیوستلرین * برداشتهٔ درگاه كبریا ایدوب * اوچ دفعه
اواز بلند ایله اللهم لا تغفر له بیوردیلر * محلم دامنیله سرشك چشمنی سیلرك
قالقوب كتدی * یدی كوندنصكره شب بخیر مجلس زندگانی ده كله * قومی
تجهیز وتكفین ودفین مطمورهٔ زمین ایدوب * لكن هرنقدر دفن ایلدیلر
ایسه * اغوش مادر زاده قالقن ایلیوب جنین اسامشیهٔ مزاردن طشره
منبوذ اولورایدی * بوكیفیت معروض سدهٔ سعادت اولدقده كردارشقا
وشرتده صاحبكزدن افزون واشدی زمین قبول ایدر * لكن حضرت رب
العزت جل شانه سزلره لا اله الا الله كلمهٔ شریفه‌سنك قدر وحرمتنی اعلام
وارأت بیورروب * من بعد وحدانیت الهی یه اقرار ایدوب بن مسلمانم دینلر
حقنده بومعامله‌دن كمال خوف ومجانبت اوزره اولمكزی وعظ وتذكار
بیورمق حكمتنه مبنی * دست مشیت قادر بیچونله انداختهٔ بیرون اولمشدر *
وارك فلان قبیله شعبنه دفن ایدك بیورمغله * برموجب امر عالی محل
معهوده دفن ایلدیلر * حضرت رسول الالهك محلم حقنده استغفار ایلدكلری
دخی مرویدر * وزمینك ستر جسدنه متحمل اولمدیغنه منافی دكلدر * زیرا
شعب مأمورمعهوده دفنله امر بیوردقدنصكره استغفارلری محتملدر * ومحل
مزبورده بعد الدفن ستیر اولمق سندمر قومی تنویر ایدر * لكن شعب مزبوره
تخصیص دفن اولنمق نكتهٔ دیكره محتاجدر * سریهٔ غالب دوباره * وسنهٔ

مزبوره

مزبوره‌ده ایكی دفعه غالب بن عبدالله اللیثی رضی الله عنه سریه‌سی
واقع اولمشدر * سریهٔ اولی * صفر الخیرده یكرمی یه قریب مبارزایله
بین الحرمین بدید ورتنده كدید نام محلده قاطن بنوملوح اغارتنه مأمور
اولدی * قدید نام منزله وصولنده حارث بن مالك بن برصاء اللیثی یه تصادف
اولنمغله * كرفتار سلسلهٔ اسر ایلدیلر * حارث بن مستفیض نعمت اسلام اولمق
آرزوسیله آستانهٔ نبوی یه عازم ایدم دیدی غالب سنی بوراده حسب الاقتضاء
بركون بركیجه مقید الیقا ایدرز * اكر صحیح مسلمان ایسك نه مانع صكره
استخلال ایدرز * والا مكر كیدن امین اولمش اولورزدیوب اللرین بند ایلدیلر
واوزرینه سوید بن صخری نكهبان ایدوب منازعه ایلدیكی حینده اعدامنی
سپارش ایلدكدنصكره ره‌پیمای صوب مأمور اولدیلر * یونس خورشید
شكم ماهی مغربده ناپدید اولدیغی هنكامده واصل بطن كدید اولوب *
وادینك برجانبنده تكمن واختفا * وجندب جهنی یی تجسس احوال
اعدا ایچون اسرا ایلدیلر * جندب جنابندن مرویدركه * اخشام دشمن
اوزره مشرف برپشته یه چیقوب منبطحا یعنی یوزم اوزره یاتوب تماشا ایدركن *
ناكاه كنار محیده خیمه‌زن ارام اولنلردن بری كندی زوجه‌سنه خطاب
ایدوب * اشبو تپه اوزره برشبح محسوس اولمغله كلاب اولمق محتمل اولمغین *
اوانی واوعیه یه تقید ایلدیدی * زوجه‌سی دخی تقصی ایلیوب جمله‌سی
برنده دردید كده * خاتوندن تیر وكمانی طلب ایدوب سوادمی نشان وایكی تیر
جكردوز پرتاب ایتمكله * بریسی دیده‌مه ودیكری دوشمه اصابتله بنی
همعال تندیسهٔ بیجان ایلدی * لكن بن صبر وتحمل ومكانمده تثبت ایدوب
قطع ادب وحركت ایلمدم * ثباتمی كوریجك ایكی دانه تیری بیابان ضباعه
اتدم * جاسوس اولیدی * بهرحال حركت ایتمامك امر محال ایدی *
صباح اولیجق * تیرلره تعجیل ایله كه كلاب مضغ ایلمیه دیو خاتوننه تنبیه
ایلدكدنصكره فراغتله غنودهٔ بستر راحت اولدیلر * جندب طائفهٔ
مرقومه‌نك سر كران رطل خواب غفلت اولدقلرین كوریجك دونوب یارانه
اخبار ایلدی * همان مغافصة اوزرلرینه * هجوم ایدوب كیمسنی قتل
وكیمسنی اسیر ایلدكدنصكره * غنایم كثیره ایله عودت ایلدیلر * اثنای
راهده مرقوم حارث لیثی یی دخی الوب طرف طیبه یه متوجه اولدیلر *
ارقه‌لرندن طائفهٔ مرسومه اطراف قبائله استصراخ ایتمكله * مور ومار كبی
خارج حد شمار جمرهٔ كفار عقبلرینجه سپاه ابرار اولوب * قدید نام محلده ادراك
ویتلرنده همان برد ره قالمشیكن بفرمان افریننده آب وخاك برسیلاب غریب

وعظیم ظهور ایدوب مبانلرین حاجزاولملغله * زمرهٔ موحدین سرمنزل
سلامتی فائز اولدیلر * اول کون جواسماندهسبب عادیٔ باران اوله جق تغیر
وسحابدن اثر نایاب ایکن * محضا لا یخطر علی قلب بشر صون صمدانی یه
مظهر اولدیلر * اول قوم کمراه چشم حسرتله نکاه ایدرلرایسهٔ انده تیه خذلان
اولوب فرقهٔ اسلامیان فریح وشادان صوب مدینه یه روان اولدیلر * سالما
غانما آستان رسالتنه واصل اولوب خدمتلری عندالرسول سزاوار ستایش
وقبول اولدی * بو وقعه نك نظیری اتی البیان قطبه بن عامرك تباله ناحیه
سنده بنو خثعم اوزرینه اولان سریه سنده دخی واقع اولمشدر * سریهٔ ثانیه *
سنه صفر الخیرده ایکیوز نفر من دغضنفر ذر ایله خلال وقایع سالفده بیان
اولندیغی اوزره * فدك قریه سی قربنده بنو مرهدن اصحاب بشیر بن سعد
الانصاری مصابنه تعیین اولندی * خدمت مرقومه یه مقدمجه زبیر بن
العوام نامزد اولوب * ذکر اولندیغی اوزره غالب غالبا آیب اولمغله * منشور
امارت اسم غالبه تحویل اولندی * حسب الامر صوب مأموره متوجه
اولوب آرامکاهلرینه متقرب اولیجق * بر محلده فرش سجادهٔ آرام * والف
استوا کبی قامت دلارالرینه قیام ویروب * درکاه خالق الجن والانسه حمد
وسپاس بیقیاس ایلدکدنصکره جملهٔ مجاهدین دینه توجیه خطاب ایدوب *
ای معشر مسلمین ذات احدیتی نقیصهٔ مشارکت ومشابهتدن مقدس ومبرا
اولان جناب کبریادن خوف وخشیت * وقبل رسول اللهیدن منصوب
ومعین امیر اولدیغم حسبیله هر حالده بکا اطاعت ایلیه سز زیرا مطاع اولمیان
امیر شوریده ذهن اولمغله * امور مأموره سی لا محاله عرضهٔ اختلال اولور *
خصوصا حضرت رسول الله بیوردیلر که امیرمه اطاعت ایدن کمسه بکا مطیع
وکا عصیان ایدن بکا عاصی اولور دیو نصیحت ایلدکدنصکره هر برینه رفیق
مخصوص تعیین ایدوب واحدهما اخردن منفك ومفترق اولمیوب وعلی
الاقتضا رفیقلر کزدن استفسار اولندیغکزده مبادا که لا ادری دیه سز وجمله کز
هم آواز تکبیر اولدیغکز حالده هجوم ایلیه سز دیو تنبیه وتأکید * وبینلرنده
امت امت کلامنی شعار تعیین ایلدی * بعده قضای مبرم اسا مخیم اعدایه نازل
اولوب اطراف اربعه دن غلغلهٔ تکبیر ایله شمشیر بکف هجوم * ومصادف
اولدقلری مخاذیلی بهرهٔ حیاتدن محروم ایلدیلر * بقیهٔ سیوفلری ماننده عقول
اشفتکان اطراف واکنافه پریشان اولوب * هنکامهٔ کیرودار سکونت
کالدکدنصکره * غالب اسامه یی طالب اولوب کورمکله * برساعتدنصکره
ظهورنده باعث غیبتندن سؤال ایلدی * اسامه دخی خرجت خلف رجل

فجعل یتهکم بی حتی اذا ضربته بالسیف قال لا اله الا الله * یعنی کریخته کان
دشمناندن برینه عقب کیر اولدم فرار ایلدیکی برده بنی استهزا ایتمکله تشوب
شمشیر ایله ضرب ایلدیکمده لا اله الا الله دیو وحدانیت رب العزتی اقرار ایلدی
دیدیلر * غالب استهجان ایتمکله اسامه دخی پشیمان اولدی * ماحصل
داخل قبضهٔ اغتنام اولان اغنام وانعام وسائر سبایا واشیا ایله عزیمت
مدینه اولوب * آستان مجد آشیان رسالتنه وصوللرنده * کیفیتی ووضع
اسامه یی معروض درکاه ابهت وصول ایلدیلر * شاه تهامه علیه الصلوة
الی یوم القیامه حضرتلری * یا اسامه لا اله الا الله دیدکدنصکره اول ادمی
نیچون اعدامه جسارت ایلدك بیوروب * اسامه دخی یا رسول الله خوف
تیغدن تعوذ ایچون اظهار ایمان ایلدی دیدك * پیغمبر ذیشان حضرتلری
یا اسامه انك قلبنی یاردکمی که صدق وکذبی سکا نمایان اولدی بیوردیلر *
اسامه نیاز منداستغفار اولوب سید الابرار حضرتلری کلام اولی تکرار
بیورورلر ایدی * اسامه دن مرویدرکه اول قدر کرفتهٔ اضطراب وافکندهٔ پیچ
وتاب اولدم که مکفر اولمق ایچون کاشکی اول کون مسلمان اولیدم دیو تمنا
ایلدم * مهمه * ذکر اولنان معامله لا اله الا الله دیدکدنصکره ضربی
مستلزمدر * حتی اذا ضربته قولی اراده فعلی تضمینله حتی اذا اردت ضربه
تأویلنه محتاجدر * اذا قمتم الی الصلوة قبیلندن اولور * سریهٔ دوبارهٔ عمرو
بن العاص * وسنهٔ مزبورهده ایکی دفعه سریهٔ عمرو بن العاص رضی الله عنه
واقع اولمشدر * سریهٔ اولی * سریهٔ ذات السلاسل ایله معروفدر * طائفهٔ
مشرکین فراره مانع اولمق ایچون سلسله ایله مربتط اولملریله ذات السلاسل ایله
تسمیه اولندی * بعضلر مجمع کفارده اولان رمال جابجا متراکب اولمغله *
سلسله هیئتنده اولدیغی وجه تسمیه اولمشدر دیدیلر * بعضلر عندنده محل
مزبورده سلسل نام صو اولدیغی سبب تسمیه در * باعث سریه بودرکه قبیله
بنی قضاعه دن بر طائفه مدینه یه اون مرحله مسافه وادی القری وراسنده
عقد جمعیت * وطرف طیبه یه ایصال ملوثهٔ خسارته جسارت قیدنده اولدقلری
بالغ سمع صاحب سعادت اولیجق اعیان مهاجرین وانصاردن اوچیوز مرد
کافرشکن ودشمن شکار اوزره عمرو بن العاص جنابنی امیر نصب وتعیین
ایدوب * جمعیتکاه مشرکین طرفنه ترسیل بیوردیلر موکب سریه ده اوتوز
رأس اسب منتخب مستصحب اولمشیدی * شبروانه عزیمت ایدوب محتشد
اعدایه قریب وارلدقده وفرت عدات مسموع غزات اولمغله * رافع بن مکیث
جهنی یی استمداد ایچون جانب مفیض الانجاده اعاده ایلدیلر ظهیر امام دستکیر

عالم * صلى الله عليه وسلم حضرتلری مجددا ابو عبیدة بن الجراحی مهاجرین
اولین وانصاردن کزیدن ایکی یوز مجاهد ایله ارسال بیوردیلر * شیخین مکرمین
حضرتلری دخی داخل افراد امداد ایدی * معسکر ظفر پروره التحاقلرنده *
ابو عبیده امامته تقدم اراده سنده اولمغله عمرو بن العاص یا ابا عبیده سن بزه
انجق مدد ایچون تعیین والحاق اولندک * امارت حقیقیه بنم عنوان منشور
استعدادم اولمغله سکا لازم اولان بکا اقتدا وانقیاد ایلمکدر دیو محاوره یه
اغاز ایلدی * سپاه ابی عبیده دن برجمع یا عمرو سن معینکده اولان عسکرک
امیریسن * ابو عبیده بزم امیرمز دردیدی * ابو عبیده انجام مناظره مؤدی
مشاجره اوله جغنی تیقن ایدیجک * یا عمرو سید نبیل علیه صلوة الجلیل
حضرتلری * بو خدمتی ذمتمه تحمیل بیوروب * درکاه رسالت دستکاهلرندن
مفارقتم اواننده کیسهٔ سامعه مه ایداع بیوردقلری جواهر وصایانک حبهٔ
اخری بودرکه صاحبک عمروه ملاقات اولدقده متطاوع اولوب تنازع وتدافعدن
مجانبت ایلیه سز دیس خدای متعال حق سن بکا مخالفت ایدرسن بن سکا
مطاوعت ایدرم دیوب دغدغهٔ امارتی فراغت * وامر عمروه طوع وتبعیت
ایلدی * چون اعتضاد امداد واتحاد فؤاد سببیله لشکر اسلامک قوت
وشوکتی مزداد اولمغله * شعشعهٔ خورشیدا سا ظلمات اباد دیار اعدایه متوجه
اولدیلر * بلاد بلی یه که اخوال عمرو بن العاص دخی انده ایوا ایدرلر *
وصوللرنده دبدبهٔ مهابت اسلامیان زلزله بخش قلوب دشمنان اولمغله *
پیشکاهلرنده بولنان مخاذیل کروها کروه کریزان اولوب * سلسلهٔ عزیمتلری
نهایت بلاد بلایه منتهی اولدقده * انده برفوج کفار سواد ابصار اولمغله *
برمقدار مناضله ایلدکدنصکره کرشیرانه ایله اول کروه خنازیری تارمار *
واغتنام اموال بیشمار ایدوب * محل مرقومده چند روز اقامت * واستماع
اندکاری جمعیته ارسال کتیبهٔ فیروزی منقبت ایدوب * طرف طرف غارت
رجال واغناملرین کتوروب ذبح وتناول ایلدیلر * سپاه اسلام منهزمینی
تعقیب مراد ایلدکجه عمرو رضا ویرمیوب * واول اوانده هوا غایة الغایه بارد
اولمغله * شدت برودتدن بازار بیتابی کرمیت بولمغین * ایقاد نار ایلمک اراده
سنده اولدقجه ینه عمرو مانع اولوب * هرکیم اتش یقارسه انی اتشه قذف
والقا ایدرم دیو محکم یساغ وتنبیه ایلدی * حدت سرما سببیله عسکره
اضطراب وضجرت رونما اولوب * منع عمرو ایسه بجرهٔ فؤاد صبر وتحمل
اولمغله * بعض اشراف مهاجرین بوخصوصده عمرو ایله مناقشه ایلدکجه
عمرو سز لربکا اطاعت ایله مأمور اولدیغکز حسبیله بهر حال کافهٔ رأیمده
*

امتثال واجبهٔ ذمتکزدر دیو مغالطه ایدر ایدی * بو کیفیت مسموع فاروق
اعظم اولیجق * پرغضب اولوب عمرو طرفنه توجه صددنده اولیجق *
حضرت صدیق اکبر یا عمر سید المرسلین حضرتلری عمروک امور حربیه دن
خبیر اولدیغنه مبنی انی سرعسکر نصب وتعیین ایلمکله * اکا مخالفت
نامعقول بلکه منافی رضای حضرت رسولدر دیو منع ایلدی * اتفاقی
برکیجه عمرو محتلم اولوب * اصحاب کرامه حالنی اشعار واغتسال ایلدیکم
صورتده شدت سرمادن هلاک اوله جغم دربکار در دیوب توضی وتیمم
ایلیوب * صلوة فجری جماعت مسلمینله ادا ایلدی * بعده فرو عنوانله کرسیٔ
مملکت ایمان طرفنه صرف عنان ایدوب * مقدمجه عوف بن مالکی قدوم
اسلامیانی اخبار ایچون تقدیم ایلدی * عوف جنابلری مدینه یه وصولنده
سرور کائنات حضرتلری مشتغل صلات اولمغله * باب منیع الجنابدن
السلام علیک یا رسول الله ورحمة الله وبرکاته دیو عرض عراضهٔ تحیت
ایلدی * مفخر موجودات علیه اخر التحیات حضرتلری عوف بن مالک
اولمیه سن بیوریجق * اولدخی نعم بابی وامی یا رسول الله دیدی * غب اللقاء
سید الانبیا حضرتلری احوال سریه دن استنبا بیورمغله * ماجرایی کماجرا
خبر ویریجک * ابو عبیده یه سا باش وثنا وحقنده رحمتله دعا ایلدیلر * بعده
سپاه اسلام کلوب شرفیاب عز حضور سرور انام اولیجق * رسول کریم
الاخلاق حضرتلری حسب الظاهر مستغرب اولان اوضاع بو الجیدن
بکان استنطاق بیورمغله * عمرو دخی ابتدا آتش ایقادنه دستور
ویرمدیکی منظرهٔ اعداده قلت اعدادمز نمایان اولمغله * صکره اطرافدن
استنفار ایله تعقیب وسپاه اسلامی تضییق وتنکیب ایلیه جکلری ملاحظه
سنه مبنی اولدیغنی انها ایلدکده * رسول ذیشان حضرتلری استحسان
بیوردیلر * بعده جماعت مسلمینه جنبا امامت ایلدیکندن استسأل * واندن
دخی استرفاع قناع اشکال بیوردقده * عمرو یا رسول الله سنی حقله بعث ایدن
خدای ذو المنن حق اغتسال ایلدیکم تقدیرده شدت برد سببیله عرضهٔ تلف
اوله جغم مقرر ایدی * زیرا مدة العمر اویله بر شدیده مصادف اولمدم *
حضرت حق سبحانه وتعالی ولا تلقوا بایدیکم الی التهلکة بیورمغله * جای
هلاک اوله جغی میقنم اولمغله * تیمم رخصتنه مراجع اولدم دیدکده *
حضرت رسول الله تبسم بیوردیلر * سریهٔ ثانیه * فتح مکه عقبنده ماه
صیامده مکه یه اوچ مرحله محلده واقع بنو هذیلک پرستش ایلدکاری سواع
نام صنم مهمل هدمنه مبعوث اولدی * حسب الامر محل مزبوره واروب

سدنهٔ بتخانه سبب قدومندن سئوال ایلدکده * عمرو دخی بافرمان قضا جریان نبوی بت شکنلکه کلدیکنی اشعار ایتمکله * خدا ملرهدم سواع باینده قدرتك معدوم مدردیدی * عمرو حقیقتندن استفسار ایدیجك * رئیس سدنه سوزه کلوب هرکیم اکا سوء قصد ایدرسه بهر حال انی دفع ومنع ایدردیدی * عمرو بو هیکل ساخته کورر ایشمدر مقوله سمیدر دیوب ید مؤیدلریله ضرب وشکست * وامر ایلدی بتخانه یی دخی خاکه پیوست ایلدیلر * بعده خادم مرقومه نه کونه مشاهده ایلدك دیجك * اولدخی تسلیم ایدوب هدایت رب الانامله سادن بیت الاصنام ایکن ساکن کعبهٔ الاسلام اولدی * اتخاذ منبر * وسنهٔ مزبوره ده خطیب منبر لاهوت * امام محراب ملکوت * علیه الصلوة مادام الناسوت حضرتلری ایچون منبر استصناع اولندی * مقدما خطبه قرأت بیوردقلرنده محرابك جهت یمیننده شاخ خرمادن مصنوع بر استوانه یه اتکا بیوررلرایدی * جماعت مسلمین متکثر ومزدحم اولوب اواز شریفلری هرکسه واصل اولمیه جق درجه یه بالغ اولیجق * بالالتماس منبر شریف اتخاذ اولندی * حضرت رسول عالیمقدار ابتدا منبر اوزره چیقوب خطبه تلاوتنه ابتدار بیوردقده * شاخ مزبور مانند عاشق مهجور ناله وانینه بشلیوب * اصحاب کرام حضراتی برقاعدهٔ ظاهری کوش ایدیجك * تأثیر رقتله طرف کریه یه اغاز ایلدیلر * همان نبی ذیشان حضرتلری منبردن نزول ایدوب مبارك اللریله اول درختباره یی درکنار ایلدکده ناله سی ساکن اولدی * واشبو حنین جذع حقنده وارد اولان حدیث شریف متواتردر * بخاری ومسلم حضرتلری تخریج ایلدیلر * واوندن متجاوز صحابهٔ کرام روایت قیلدیلر * فاتحه * صاحب اصل مرحوم اشبو اتخاذ منبر وحنین جذع وقعه سنی ولادت باسعادتك اللی دردنجی سنه سنده ثبت وبیان ایتمشیدی * التمش برنجی سالده دخی ایرادینك وجهی معلوم اولمدی * مکرکه بعض کتب سیرده اتخاذ منبر ایکی دفعه واقع اولدی * مقدما بیندن بعده خشبدن استصناع اولندیغی مسطور اولمغله کامبنی اوله * لکن بوکونه وصفنه تعرض ایلمدیکندن ماعدا اول صورتده حنین جذع ایکی دفعه واقع اولمق اقتضا ایدر * تتمه * منبر مرقوم اوچ پایه یی مشتمل اولمغله صاحب المقام المحمود حضرتلری * فراز منبره صعود ایدوب اوچنجی پایه ده قعود * وایکنجی پایه یی فی حالة القعود والقیام قدم مکرملریله همرتبهٔ سپهر مینا فام بیوررلرایدی * حضرت صدیق دخی زمان خلافتلرنده ایکنجی پایه ده قعود ایدوب * حالتین مزبورتینده پایهٔ زیرینی پای رزینلریله تزیین ایدرلرایدی *

فاروق اعظم حضرتلری * پایهٔ پایینده جالس وقدم محترملری زمینه دائس اولورایدی * حضرت ذوالنورین دخی التی سنه مقام فاروقیده قرار ایدوب بعده موقف رسول اللهه صاعد اولدیلر * ومنبری قطیفه پوش اجلال ایلدیلر * لطیفهٔ لاحقه * خلفای عباسیه دن متوکل خلیفه برکون ندماسنه خطاب ایدوب حضرت عثمان حقنده خلقك لوم ایلدکلری مثالبك بریسی بودرکه * شیخین مکرمین حضرتلری تأدبا مقام رسول اللهده خطبه تلاوت ایتمیوب * حضرت عثمان مقر عالیده قرأت ایلرایدی دیجك عباده حاضر بالمجلس اولمغله * یا امیر المؤمنین * العجب که حضرت عثمان طرفنه تشکر ایلمکز لازم ایکن طرف دیکرده بولنورسز دیدی * خلیفه مدار تشکر اوله جق ماده یی استنطاق ایتمکله * عباده یا امیر المؤمنین * اکر حضرت عثمان دخی شیخین مکرمینه اقتفا بر له تدلی ونزول ایلسه لرایدی شمدی جناب خلافتماب بر له قعر چاه جلولاده خطابت ایدرلرایدی دیدی * چاه جلولا فارس ترابنده زیاده سیله عمیق بر قویدر * تکمله * معاویة بن ابی سفیان زمان تولیلرنده * طرفندن مستولی مدینه اولان مروانه خطابا منبر شریفی شامه ارسال ایلك باینده نامه تحریر ایتمکله * اولدخی قلعنه مبادرتده جو سماده بر بخار مظلم ظهور ایدوب روی عالم قلب منافق کبی دیجور اولدی * وجابجا کواکب نمایان اولمغه بشلدی * ازقه واسواقده خلق من حیث لا یبصر یری برینه متصادم اولورلرایدی * مروان بو حالتك مهیج شورش ونیترت اوله جغنی تفرس ایتمکله * اعمال لطائف الحیل ایدوب * همان نجار احضار ورواوچ قدمه دخی ضم * وقدمهٔ نبوی یی بالاسنه وضع ایتدردی * ومنبری ازعاجه بادی بودرکه * حضرت معاویه یکا تحریر ایلدیکه جماعت مسلمین متکثر اولمغله خطیبی کوروب وخطبه یی استماع ایلمک ایچون اوچ قدمه دخی ضم ایلیه سن * بندخی اکا بناء اولمقدار الحاق ایلدم دیو تسکین قیل وقال ایلدی * بعده امویه دن عبد الملك وولید دخی شامه نقلنی مراد ایدوب بنه حادثهٔ اولی هویدا اولمغله علی حاله ابقا ایلدیلر * بعد زمان عباسیوندن مهدی حج نیتیله عازم حرمین محترمین اولوب * مدینه یه وصولنده امام مالك حضرتلرینه منبرك هیئت اولی سنه اعاده اراده سنده اولدیغنی افاده ایلدکده * امام مالك دخی منبر مرقومك ماده سی ایلغین اغاجندن اولوب بعده بو اغاجلری دخی ضم ایلدیلر ال اورلدقده متهافت اولمق غالبدر دیمکله * مهدی دخی فراغت ایلدی * سفارت علاء بن الحضرمی * وسنهٔ مزبوره ده ملوك ثلاثه یه طرف هادی

السبلدن ارسال رسل بيورلدى * ابتدا جعرانه دن عودتده حاكم بحرين
منذر بن ساوى العبدى طرفنه ملك عديم الزوال اسلامه دعوتى متضمن
ديوان رسالتدن برقطعه نامهٔ سعادتعلامه تحرير * وعلاء بن حضرمى
رضى الله عنه وساطتيله تسيير بيورلدى * وصولنده نامه يى تسليم ايدوب *
فحواى هدايت احتواسى معلوم ابن ساوى اولنجق * در ساعت مسلمان
وقلمرو حكومتنده قاطن بعض زيردستان دخى داخل حوزهٔ ايمان اولديلر *
علايه كمال رعايت واجراى رسم مهماننوازى وحرمت ايلدكدنصكره *
دركاه معالى اشتمال طرفنه اقفال * وخاكپاى سدره ساى نبوى يه برقطعه
ضراعتنامه املال وارسال ايلدى * صورتى بودر * يا رسول الله ان الله
تعالى اعطانى بك نعمة الاسلام وقرأت كتابك على اهل البحرين فاسلم بعضهم
وابى بعضهم وفى ارضنا مجوس ويهود فمرنا كيف نعاملهم * مضمون نامه
معلوم سيد تهامه اولنجق * تكرار طرف منذره بو مضمون اوزره برقطعه
امرنامه تحرير اولنديكه * مطيع اولنلره شريعت مطهره يى تعليم * ويهود
ومجوس طائفه لرين جزيه يه قطع ومجوس ايله تناكحدن وذبيحه لرين تناولدن
منع ايليه * صورت شريفى بودركه زيب صحيفهٔ اثر قلندى * بسم الله الرحمن
الرحيم من محمد رسول الله الى المنذر بن ساوى سلام عليك اما بعد فانى اذكرك
الله عزوجل فانه من ينصح فانما ينصح لنفسه وانه من يطيع رسلى ويتبع
امرهم فقد اطاعنى ومن نصح لهم فقد نصح لى وان رسلى قد اثنوا عليك
خيرا وانى قد شفعتك فى قومك واترك للمسلمين ما اسلموا عليه وعفوت عن اهل
الذنوب فاقبل منهم وانك مهما تصلح لن نعزلك عن عملك ومن اقام على
يهوديته او مجوسيته فعليه الجزية ولا تناكحوا المجوس ولا تأكلوا من ذبايحهم
* سفارت عمرو بن العاص * رضوان الله عليه نه سال مرقومده ملك عمان جيفر
وبرادرى عبد ابنى الجلندى طرفنه خوان نهى النوال اسلامه دعوتى
مشتمل * دبير ديوان رسول والا كعب * ابى بن كعب خطيله مرقوم ومختوم
نامهٔ سعادتلزوم استصحابيله * بندهٔ [illegible] عمرو بن العاص روانه اولوب *
عبد كه برادرى جيفره نسبت صاحب رشد وروٴيت اولمغله * مقدم عبد ايله
ملاقات ايدوب نامهٔ مكارم علامه ايكيسنه خطاب اولديغنى اشراب
ايلدى * عبد برادرم جيفر بندن اكبر اولمغله * سنى اكا ايصال ايده يم
ديدكدنصكره * مادهٔ سفارتندن استفسار ايلدى * عمرو دخى سزلرى شريك
ونظيردن منزه ومبرا * واحد حقيقى ايمانه دعوت واتخاذ ايلديككز معبود
بيهوددن فراغت ايتمكى متضمندر ديجك * عبد سوزه كلوب يا عمرو سن

قومك بيننده نجل نجيب اولديغك معلوممدر * پدرك اهل ورع وصاحب
حيثيت بركسه ايدى * نه معامله ايلدى ديدى * عمرو دخى كفر وضلالله
رحلت ايلدى * كاشكى مسلمان اولمش اولايدى * بن دخى انك كبى آلودهٔ لوث
غوايت ايدم * بحمده تعالى صبابوقلكه شوى اسلامله پاك وپاكيزه اولدم
ديو اظهار شكران ايمان ايلدى * عبد مسلمان اولديغى محلى استفهام
ايلدكده * عمرو دخى نجاشى محضرنده نائل فياضهٔ اسلام اولديغنى تمام
القصه نقل واعلام ايلدى * عبد نجاشى جنابنك بوقدر قوم ورجال واساقفه
ورهبانه صاحبى ايكن مسلمان اولديغنى بغايت استغراب ايلدى * بعده
سوزه كلوب يا عمرو راست سويله كه آدمه دروغ ناروا واندن افضح برنقيصه
اولمديغى امضا كردهٔ پير وبرنادر ديجك * عمرو يا عبد بنم لسانم عن اصل آلايش
كذبدن پاكيزه تر * خصوصا تهمت كذب محظور شرع مطهردر ديدى *
پس عبد سؤال ايلديكه نجاشينك اسلامى قبول ايلديكى قيصرك معلومى
اولديمى * عمرو بلى حتى نجاشى طرف قيصره بهر سنه ويره كلديكى خراجى
دخى قطع ايلدكده * قيصر اصلا زبانه المبوب معامله بالسكوت ايلدى *
قيصرك برادرلرى نجاشى سنك بنده كانكدن ايكن خراجكى قطع * ودين
محمدى يه اتباع ايلدى * حالا سنك بورسمه مسامحه واغماضك نيه مبنيدر
ديو تعريض ايلدكلرنده * قيصر جوابنده بر دينه رغبت ايدن آدمه نه كونه
معامله ايده يم * خدا حقى ملكمه ضنتم اولمسيدى * بن دخى نجاشى ايله
همحال اولوردم ديدى ديجك * عبد ديديكه يا عمرو سويلديكك كلامى
برخوشجه تأمل ايله * عمرو خدا حقى راست سويلدم شائبهٔ كذب وخلافدن
بريدر ديدى * عبد بودفعه امر ونهى نبويدن استفسار ايتدكده * عمرو دخى
على التفصيل بيان ايديجك * زهى دين معقول واين مقبولدر * اكر برادرم
جيفر بوبابده بنمله همپاى موافقت اولسه * استمان ابدى الاجلاله واروب
بيعت واطاعت ايدردك * لكن معلوممدر كه اول ملكنه ضنت ايدوب متبوع
ايكن تابع اولمغه تنزل ايلمزديدى * عمرو اكر برادرك مسلمان اولورسه نه
سلطان انبيا حضرتلرى ملكنى كندوسنه ابقا * واغنياى رعاياسندن
صدقاتى الوب فقراسنه اعطا ايدرديجك * عبد صدقه ندر ديو سؤال
ايتدكده عمرو دخى بيان ايلدى * سوايمى دخى ذكر ايديجك عبد خودرو نبات
وشجردن رعى ومياه مبذوله دن سقى اولنان سوائم مواشيدن دخى النورمى *
بعيد المرمى ديارده اقامت واهل كثرت وحشمت اولان رعيتمز بوخصوصده
اظهار وجه امتثال ايليه جكارى عديم الاحتمالدر ديدى * عمرودن

مرويدركه * عبد قدومم خبرنی جيفره تبليغ وايصال ايلمشيكن * ملاقاته
رخصت اولنمامغله چند روز ابث واقامتدنصكره دستور صدوريله حضورنه
مثول ايلدم * مجلسنه دخولمده خداملر ايكی قولمدن اخذ ايدوب لاابالیانه
رفتاردن منع صددنده اوليجق اطلاقله امر ايتمكله * بندخی طريقهٔ معتاده
اوزره واروب برطرفه قعود ايلمك داعيه سنده اولديغمده * رضا ويرميوب
قائم اولديغم حالده باعث ورودمدن سؤال ايلدی * بندخی مكتوب شريفی
دست ادبله اخراج * واجرای لوازم تعظيم ايدرك جيفره تسليم ايلدم * بعده
فض الختام قرأت ايدوب * برادرينه دفع ايلدی * اولدخی قرأت ايدوب
واقف مفهوم ومزيت اولدی * عبارت شريفه سی بودركه بعينها طراز
صحيفهٔ منيفه قلندی * بسم الله الرحمن الرحيم * من محمد عبد الله ورسوله
الى جيفر وعبد ابنى الجلندی * السلام على من اتبع الهدى * اما بعد ادعوكما
بدعاية الاسلام * اسلما تسلما * فانی رسول الله الى الناس كافة لانذر من كان
حيا ويحق القول على الكافرين * وانكما ان اقررتما بالاسلام وليتكما وان ابيتما
ان تقرا بالاسلام فان ملككما زائل عنكما وخيلی تحل بساحتكما وتظهر نبوتی
على ملككما * نامهٔ عزتعلامه بوسياق اوزره قرأت اولندقدنصكره * قريشك
احوالندن استفسار ايلدی * عمرودخی كيمی طوعا وكيمی قهرا الحالة
هذه جمله سی فرمانبر سرور جن وبشردر ديدی * بعده حالا ملازم دركاه
محمدی اولان زمره دن استعلام ايلمكله * عمرودخی دهنكشای حسن
جواب اولوب * عامهٔ انام وكافهٔ خواص وعوام راغب دين اسلام اولوب *
هدايت رب العالمينله عقول سليمه واذهان مستقيمه لری نور وظلمت ورشد
وغوايی تمييز ايتمكله * قبول دين رسول الثقلين ايتمكله نائل سلامت
دارين اولديلر * حالا عظمای زمانده سزدن غيری كمسه قالمدی * اكر سز
دخی مسلمان اولمزسكز ملك فسيح الاطرافكز پازدهٔ خيل منيع الاكناف
اوله جغی بی اشتباه * ومسلمان اولديغكز صورتده رسيدهٔ سلامت دنيا
واخرت اولوب وينه مسند رياستكزده كما كان اتكا كزين وسادهٔ عز وعنوان
اوله جغكز وارستهٔ كافهٔ كواهدر ديدی * جيفر عمرودن بوجواب باصوابی
كوش ايديجك ملاحظه ايچون بركون استمهال ايلمكله * عمرودخی چيقوب
برادری عبد طرفنه متوجه اولدی * عبد ياعمرو برادرم مالكنه ضنت
ايلمزسه اسلامی قبول ايلمسی مرجو الحصولدر ديدی * فرداسی عمرو ينه
دركاه جيفره واروب رخصتيافتهٔ دخول اولمامغله * ينه عبد مجلسنه
عودت ايلدی * بعده عبد معرفتيله حضورنه داخل اولدقده * جيفر عمروه

بورمين اوزره خطاب ايلديكه * بن تحت يد تصرفده اولان ملكمی بيكانه يه
تفويض ايلديكم صورتده * ضعفای عرب عدادندن اوله جغم دركاردر *
قالديكه حضرت محمدك عسكری بعد مسافه سببيله بودياره وضع اقدام
ايتميوب * كلدكلری حينده مرزبوم حكومتم خلقی شديد الشكيمه جنكاور
دلاور اولمغله * لشكر اسلام انلره مقاوم اولميه جغی بديداردر ديجك *
عمرو جيفرك زواهر كلماتندن استشمام بوی يأس ايتمكله * على الصباح جانب
مغيض النجاحه عودت ايليه جكنی الماح ايلدی * عمروك رجعتنی تحقيق
ايديجك * برادری كندوسيله خلوت ايدوب * على السحر عمروی حضورنه
احضار * وبرادريله برابر رفع انكشت شهادت واقرار ايلدكدنصكره *
عمروك معيتنه عسكر تعيين وارسال ايدوب * بروجه شريعت غرا بينلرنده
حكم وصدقه وزكوتلرين اخذ خصوصنده * ومخالفت ايدنلرك زجر وتنكيلی
بابنده على الكمال اعانت ايلديلر * سفارت شجاع * ملك غسان جبله
ابن ايهم جانبنه سوربر سرور اسلامه دعوتی متضمن مكتوب شريفله شجاع
ابن وهب الاسدی رضى الله عنه مأمور اولوب * قرين وصول وتبليغ نامهٔ
رسول ايلدكدنصكره * بوسياق اوزره نصيحته اغاز ايلديكه * يا جبله سنك
قومك نبى امی مكی حضرتلرينی كندی ديارلری اولان مدينه يه نقل وايراد
ايدوب * دين مبينی قبول وجمله امورنده وسع وطاقتلرنده اولان ياری
ومعاونتلرين مصروف ومبذول ايلديلر * حالا منقلد اولديغك دين كندی
ابا واجدادك ايينی اولميوب * روم طائفه سنه مجاورتله جرجواری نصرانيت
ايلدك * اكر كسرايه مضاف ومجاور اوليدك البته مجوسيته متبادر اوله جغك
ظاهر ايدی * الحالة هذه شرفياب اسلام اولسكز باجمله اهل شام سكا
اطاعت وطائفهٔ اروام طرفكدن خوف وخشيت اوزره اولورلر * اكر انلاردن
بووضع معامله رونمون اولمزسه انلاره دنيای فانی مصيب * وسكا اخرت باقی
نصيب اولور * ثواب خدا خير وابقی درديجك * جبله يا شجاع خدا حق اكثر
خلايق خالق السموات والارض جل شانه امرنه اطاعت ايلدكلری كبی *
حضرت محمدك دخی حكم وفرماننه اظهار روی طواعيت * وقومك طرف
باهر الشرف محمديه انجذاب * وخدمات عليه لرنده بذل نقدينهٔ توان
وتاب * ايلدكلرندن بغايت محظوظ وممنون اولدم * بوندن مقدم رقعه سنده
قيصر بنی اهل اسلامله جنك والتحامه دعوت ايلدی * بن امتناع ايلدم *
قالديكه الحالة هذه حقيت وبطلانی معيار فهمده مرجح اولمامغله * برمقدار
دخی تأمل ايده يم ديو استمهال ايلدی * بعده مسلمان اولوب اسلامی مشعر

صوب معلاوب نبوی یه عریضه تحریر * وهدایای وافره تجهیز وتسییر
ایلدی * زمان خلافت فاروقی یه قدر مرکز اسلامده ثابتقدم اولوب *
اوخلالده معاذالله تعالی زایغ صراط سداد * یعنی افتادهٔ ورطهٔ ارتداد
اولدی * روایت دیکرده امیرالمؤمنین فاروق اعظم رضی الله عنه
حضرتلرینک زمان خلافتلرنده اسلامه راغب اولوب * طرف اشرفلرینه
ورود ایتمک ضمننده استیذان ایتمکله حضرت عمر دخی زیاده منبسط
ومسرور اولوب * قدوملرینه اجازت واظهار انبساط وبشاشت ایلدکله *
جبله دخی خواص ومقربلریله بنوب دارالخلافه طرفنه عزیمت ایلدی *
مدینه یه تقربلرنده امر ایلدی * بالجمله خدم وحشمی مرصع ومحتشم
آتلره سوار اولوب * البسهٔ فاخره ایله متزین اولدیلر * کندوسی دخی فرقنی
برعالمبها تاج پربها اجله آراسته واوزرنی ملوکانه جامه لر ایله پیراسته ایدوب
بورسمه دارات دلاروزوکوکبهٔ نظاره سوز ایله مدینه یه داخل اولدیلر *
مدینه نک صغیر وکبیری تماشاسنه چیقوب هرکس تعجب وتحسین
ایلدیلر * مقدمنی حضرت فاروق ترحیب ونوازش وتلطف ایله تطییب
بیوردیلر * دخول موسمده ادای حج شریف ایچون حضرت فاروق ایله معا
طواف بیت الله الحرام ایتمکه احرامبند مرافقت اولوب * مزاحمه
طواف اثناسنده بقضائه تعالی فزاره قبیله سندن بر بدوی جبله نک طرف
ازارنه بصوب نزع ایتمکله * جبله غضبه کلوب بر سله ایله فزاری مرقومک
دندان وخیشومنی مهشوم ایلدی * فزاری دخی پیشکاه عدالت دستکاه
فاروقیده بث شکوا ایدوب * جبله اوزرینه استعدا ایدیجک * حضرت
عمر جبله یه نیچون بویله ایلدک دیو استنطاق ایلدکده * جبله دخی قصد ایله
ازارمه بصوب منتزع ایلدی * اکر بیت عتیقک حرمتی اولمسیدی ضرب تیغله
روحنی ازهاق ایتمک مقرر ایدی دیدی * حضرت عمر یا جبله چونکه سن
اعتراف ایلدک یه ارضای خصم قبل * یاخود انقیاد قود ایدوب اول دخی
سکا بر سله اورسون بیوردی * جبله یا امیرالمؤمنین بو کسه سوقهٔ ناسدن
اولمغله * بکا تسویه اولنوب چهرهٔ ملوکانمه لطمه زن اولمق مناسب میدر دیدکده
حضرت عمر یا جبله بینکزی اسلام تسویه ایتمکله * من بعد فضل ومزیتک
تقوا ایله ثابت اولور دیدی * جبله یا امیرالمؤمنین بن امید ایدردمکه * شرف
اسلام ایله مشرف اولدیغم جاهلیتده اولان عزتدن افزون عزته نائل اولیم *
چونکه خلاف مأمول ظهور ایلدی * بن ینه تنصر ایدرم دیدی *
حضرت عمر یا جبله مقتضای اسلام بویله در * اکر تنصر ایده جک اولور ایسک

بندخی سنی بیدونلشکی بریدهٔ تیغ ایلک درکار دردیدی * پس جبله
بکا صباحه قدر مهلت ویر * یا ارضای خصم یاخود استرضای قود ایله
خشنود کاورم دیدی * حضرت عمر امهال خصوصنی بدخصمکده در
دیمجک * فزاری دخی مهلت ویردی * کیجه اولدیغی اتباع واشیاعیله
بنوب فرار * وقیصر روم اولان هرقل طرفنه واروب تنصر ایله کرفتار
خزی وخسار اولدی * هرقل قدوم جبله یی استعظام ایدوب * رغما علی
الاسلام ملوکانه اکرام ایلدی * منقولدرکه هرقل بحر سپید ساحلنده
لاذقیة العرب قربنده جبله نام قصبه یی که ابراهیم بن ادهم رحمه الله انده
آسوده در * جبله ایچون بنا ایلدی * مرسوم براعهٔ باهرالبراعه اولدیغی
اوزره قوم جبله دن مراد اوس وخزرجدرکه انصار کرامدر * اوس وخزرج
ابنا حارثة بن ثعلبه بن عمرو مزیقیا بن عامر ماء السماء بن حارثة الغطریف
اولوب * جبله دخی ابن جفنه بن عامر ماء السماء اولمغله * سلسلهٔ قرابتلری
عامره منتهی اولور * سال ولادتک اللی ایکنجی سنه سی مبدأ اسلام انصار
کرام بحثنده تفصیل اولندی * بانیٔ سد مأرب اولان سبا دخی بونلرک
اجدادندندر * قصهٔ سد مأرب * اطراف بوادی وجبالدن دمبدم خطهٔ مأربه
سیل عظیم ظهور ایتمکله * تخریب عمرانات ایتمکین * مرقوم سبا که ملک
مأرب ایدی * همت کثیره ایله حدید وحجردن مابین الجبلین بر سد سدید
بنا ایدوب * وقت حاجتده مزروعاتلرین اسقا ایچون بعضها فوق بعض نیچه
مخارق * ومقدار معلومدن افزون سیل کلدکده اطراف ارضه ودریایه صرف
واجرا ایلمک ایچون نیچه میازیب دخی ترتیب ایتمشیدی * اولادندن عمرو
مزیقیا که کمال کبر ونخوتندن ناشی بردخی اعاده یاخود احاد ناسدن بریسی
اکتسا ایلمسون ایچون هر روز وشب کیدیکی حله وکسایی پاره لیوب مزق
ایتمکله مزیقیا ایله ملقب اولمشیدی * جالس مسند حکومت اولدقده
بر کاهنه دن سدک انهدامیله مدینهٔ مأربک خراب اوله جغی زمان قریب الحلول
اولدیغنی استماع ایلمکله * علامتندن سؤال ایلدی * کاهنه دخی سدک
دیبنده جرز دیدکلری فاره که ترکیده کوستبک دیدکلری دویبه در * مشهود
اولورسه سدک خراب اوله جغی متقرب اولور دیدی * بر کون مزیقیا سدک
اطرافنده بر جرز عظیم کوردیکه الریله زمینی حفر وتقلیب صخر ایدر *
مزیقیا متحیر اولوب کاهنه یی تصدیق ایلدی * من بعد نقل وجلایه شد نطاق
عزم واعتنا ایدوب قبائل ازد ایله بند حرام ارتحال ایتدی * جامهٔ حیاتی
ممزق دست اجل اولدقده مذکوره اوغلی ثعلبه لابس خلعت امارت اولوب *

انلڭ زماننده قبائل ازدڭ شیرازهٔ جمعیتلری متفرق اولدی * همدان ودوس قبیله سی عراق طرفنه * وسائرلری شراة وعمان جانبلرینه عازم اولوب جفنه بن ماء السماء دخی شام طرفنه اعتزام ایلدی * انكدخی جفنهٔ عمری سرشار اولوب تماشای جمال حیاتدن غمض جفن ایلدكدنصكره * اوغلی حارثه متولی أمر قبیله اولوب * قیصردن استیحاشله اوغللری اوس وخزرجی الوب یثرب جانبنه فرار ایلدی * انصار كرام مزبورلرڭ نسلندن منشعب اولدیلر * بعده ارسال الهیله سیل العرم ظهور ایدوب سد مزبوری هدم * ومدینهٔ مأربی تخریب ایلدی * اهل مأرب پیغمبرلرین تكذیب ایدوب افتابه پرستش ایتملریله نكال مرقومه مظهر اولدیلر * قصهٔ لاحقهٔ جبله * جبله قیصر نزدنده نائل اعتبار اولوب بونڭ اوزرینه نیچه ایام مرور ایتدكدنصكره * حضرت عمر رضی الله عنه هرقلی اسلامه دعوت ضمننده سفیر ارسال ایدوب * سفیر عمر طرف قیصردن * مصالحه برله مجاب اولمغله * عودت وحضور رفاروقیده شرف مثولله كسب سعادت ایلدكده * عمر رضی الله عنه احوال روم وهرقلدن سفیری استنطاق ایدیجك سفیر یا امیر المؤمنین چونكه قیصردن مصالحه برله مجاب اولدم * عودوانصرافه استیذان ایلدیكمده قیصر دیدیكه * اثنای اعمامكزدن جبله نام بر كریم النسب كمسنه دیمزدراغب اولوب دیار رمزه كلدی * انكله ملاقات ایلدكمی بن لادیدم * پس قیصر واروب انكله ملاقی اولدقدنصكره عودت قیل دیدی * بناء علیه جبله نڭ اولدیغی محله واردم كوردم كه برسرای رفیع البنیان ومنیع الاركان قپوسنده یقباس دربان * وپرده داران صف بستهٔ عز وعنوان اولمشلر * ورب الكعبه یا امیر المؤمنین جبله نڭ قپوسنده كوردیكم حشمت وجمعیتی قیصرڭ قپوسنده كورمدم * وقتا كه مأذون اولوب ایچری یه دخول وحضور جبله یه مثول ایلدم * كوردمكه قوادیردن مصنوع برسریر زرین قوایم اوزره انواع زیب وزینت ملوكانه * وفر وحشمت پادشاهانه ایله مربع نشین صدر منقبت اولمش * بنی كوریجك مبشوش اولوب فمرحبا اهلا وسهلا دیو اكراما اوتوردیغی سریر اوزره تكلیف ایلدی * بن استعفا ایدوب رسول الله صلی الله علیه وسلم مكان مذهبده جلوسدن بزلری نهی ایلدی دیدم * جبله نعم صلی الله علیه وسلم ولكن نق قلبك من الدنس ولا تبال علی ما قعدت دیدی * وامر ایلدی بكا برخشب كرسی كتوردیلر قعود ایلدم * بعده موائد زرین ایله صحاف سیمین ایچره طعام كلوب وضع اولندی * بن تناولدن كف ید ایدوب تكلیف ایلدكده اوانی ذهب وفضه دن اكل وشربی فخر عالم صلی الله علیه وسلم

نهی ایلدی دیدم * جبله بنه نعم صلی الله علیه وسلم ولكن نق قلبك من الدنس وكل ما احببت دیدی * وبكا صحاف خلنج وزجاج برله طعام كتورتدی * بعد الطعام اون نفر خادم انواع جواهر ایله مرصع اون عدد كرسئ زرین كتوروب یمین وشماله وضع ایلدیلر * عقبندن اون حسنا جواری كلوب هر بری بر كرسی اوزره قرار ایلدی * بعده روی دلارامی شمس ضحادن اضحی بر كنیزك رعنا * باشنده مرصع تاج * وتپه سنده جم جامه ده بر مرغ وصاغ النده بر التون جام * درونی مسك وعنبر مفتوتله مملو * وصول النده بر كومش جام درونی كلابله لبریز * مقابلهٔ جبله یه كلیجك باشنده اولان مرغه صفیر ایلدی * درحال سرشار كلاب اولان جام سیمینه انوب پروبالنی كلابله ترایتدكدنصكره * جام زرینه ده كیروب ریش وجناحلرین تمام معنبر ایلدی * بعده طیران ایدوب تاج جبله اوزره موضوع اولان صلیب مجوهره قونوب بال وپرنده ملزوق اولان كلابله * مسك وعنبر منفوض اولنجه قدر ترفرف ایدرك جبله اوزرینه رش ونثر ایلدی * جبله شدت سروردن پیراهن حیات مستعاری اوله جق درینه صغمز اولوب * تمام مرتبه خنده كنان ایننده اوتوران جواری یه * بالله اضحكننا دیو خطاب ایلدی * انلار دخی عودلرین الله رینه الوب اشبو ابیاتله بلبل كبی ترنمه اغاز ایلدیلر

* لله در عصابة نادمتهم * یوما بجلق فی الزمان الاول *

* یسقون من ورد البریض علیهم * راحا تصفق بالرحیق السلسل *

* اولاد جفنة حول قبر ابیهم * قبر ابن ماریة الكریم المفضل *

* بیض الوجوه كریمة احسابهم * شم الانوف من الطراز الاول *

* یغشون حتی ما تهر كلابهم * لا یسئلون عن السواد المقبل *

جبله تمام مرتبه فرحناك اولوب بكا دیدیكه بو ابیاتڭ ناظمی معلومكمیدر بن لا دیدم * جبله رسول الله صلی الله علیه وسلم حضرتلرینڭ شاعری حسان بن ثابت رضی الله عنه دردیدی * بعده شمالنده اولان جواری یه بالله ابكیننا دیو خطاب ایلدی * انلار دخی سازلرین الوب بو ابیاتله تغنی ایلدیلر *

* لمن الدار اقفرت بعمان * بین اعلی الیرموك فی الصمان *

* ذاك مغنی لآل جفنة فی الدهر * محلا لحادثات الزمان *

* قد ارانی هناك دهر مكینا * عند ذی التاج مجلسی ومكانی *

* ودنا الفصح فالولاید ینظمن * سراعا مكلة المرجان *

* ثكلت امهم وقد ثكلتهم * یوم حلوا بحارة الجولان *

اولقدر بکا ایلدیکه اشك دیده‌سی صقالندن سیلان ایلدی * و بکا التفات
ایدوب بو ابیاتی دخی حسانکدر دیدی * و کندیسی کریه کنان بو ابیاتی انشاد
و ندامت صنیعنی ایراد ایلدی *

* تنصرت الاشراف من عار لطمة * وما کان فیها لو صبرت لها ضرر *
* تکنفنی فیها اللجاج و نخوة * و بعت لها العین الصحیحة بالعور *
* فیالیت امی لم تلدنی ولیتنی * رجعت الی الامر الذی قال لی عمر *
* و یالیتنی ارعی المخاض بقفرة * و کنت اسیرا فی ربیعة او مضر *
* و یالیتنی بالشام ادنی معیشة * اجالس قومی اذهب السمع والبصر *

بعده احوال حساندن سؤال ایلدی * بن دخی الیوم حیاتده در لکن ضعف
هرم و سن شیخوخیتدن ناشی و قلت ذات ید ایله عمایه مبتلا اولدی
دیدیکمده * برزمان متأسف اولوب صکره خزینه دارنه امر ایلدی *
بش یوز دینار هرقلیه * و بش ثوب اقمشه رومیه احضار * و کندی دوشنده
اولان قبای ملوکانه‌سن دخی علاوه ایدوب حسانه ایصال * و سلامنی
تبلیغ ایله دیو امانت ایلدی * اما یا امیر المؤمنین جبله‌نك بو حالنی مشاهده *
و حضرت رسول الله‌ك اسم شریفلری یاد اولندقجه تصلیه و تعظیم ایلدیکنی
ملاحظه ایدوب * هنوز محبت اسلام قلبنده جایکیردر * سیما * انشاد
ایلدیکی ابیات سوء فعلنه نادم اولدیغنه برهاندر دیو جسارت حاصل ایدوب
اسلامه رجعتی طمعیله ویحك یا جبله سن فضیلت اسلامی فهم و ادراك
ایلمشکن * عجبا در که ینه قبولندن امتناع ایدرسن * نیجه کسه‌لر سنك کبی
اولوب وجوه مسابقه‌سل سیف عدوان ایتمشلر ایکن * بعده ینه اسلامه
رجعت ایدوب و اسلاملری مقبول اولدی دیدیکمده * تبسم ایدوب یا اخ
العرب شمدنکرو اسلام بکا غایت بعیددر * مکر بو ایکی شرط ایله که بریسی
حضرت عمر کریمه‌سنی بکا تزویج * ایکنجیسی کندیدن صکره امر خلافت
بکا تقلید اولنمق اوزره ضامن اولورسن اسلامه رجعت ایدرم دیدی *
بن دخی تزویج ماده‌سنه راضی اولدم * لکن امر خلافته جسارت ایده
مدم دیو ختم کلام ایلدی * حضرت عمر رضی الله عنه امر خلافتده
منعم اولمق کرك ایدی دیو اظهار تأسف ایلدی * بعده حسانه دعوت
ایچون آدم ارسال اولنوب * سبب دعوت نه اولدیغی معلومی دکل ایکن
حضور عمره دخول ایتدکده * بن آل جفنه رایحه‌سنی استشمام ایده یورم
دیدی * حضرت عمر دخی نعم هنوز جبله بن ایهم طرفندن کلان آدم
حاضردر دیجك * حسان ای برادرزاده سنکله بکا مبعوث اولان هدیه‌یی

ویردیدی * سفیر سنك ندن معلومك اولدی بنده سکا هدیه اولدیغی دیجك *
حسان * جبله عصبه کرامدندر * جاهلیتده بن انی مدح ایتمشیدم اولدخی
عهد ایتمشیدیکه بنی یانلردن هر کیم ملاقی اولورسه بکا هدیه ارسال ایلیه *
ایفای عهودنده ثابتدر * البته سنکله ده بکا بر هدیه کوندرمشدر دیدی *
پس سفیر هدیه‌سنی حسانه تسلیم ایلدی * حسان محفل فاروقیدن بو ابیاتی
انشاد ایدرك منصرف اولدی *

* ان ابن جفنة من بقیة معشر * لم یغذهم اباؤهم باللؤم *
* لم ینسنی بالشام اذ هو ربها * کلا ولا متنصرا بالروم *
* یعطی الجزیل ولا یراه عنده * الا کبعض العطیة المذموم *

اما حضرت عمر سفیرك تقریرندن متأثر اولوب جبله‌نك اسلامه رجعتی
امیدیله سفیر مزبوری امر خلافته ده ضامن ایدوب تکرار قسطنطنیه‌یه
ارسال ایلدی * لکن سفیر قسطنطنیه‌یه دخول ایلدیکی کون * خلق
جبله‌نك جنازه‌سندن منصرف اولورلر ایدی سفیر بو حالی کوروب ان الشقا
غلب علیه دیه‌رك مدینه‌یه رجعت ایلدی * والله اعلم بحقیقة الامور *
الیوم ارنود طائفه‌سی جبله‌نك اتباع و اشیاعی ذریتندن اولمق اوزره
منقولدر * کویا جبله سفیره قومی الیهه عار علینا ان نعود دیوب کلام مزبور
تعبیر ایله ارنود اولمش اوله * تتمه * و تیره مشروحه اوزره جبله طرفنه شجاع
ابن وهب حضرتلرینك سفارتی اعلامدن ابن هشام و بعض فحولك مختاری
اولوب * بعض علما انما ارسل الی الحارث بن شمر الغسانی عبارتیله که ادات
حصر اولان انما کلمه‌سنی مشتمل اولمغله * حصر مقصود ایسه مضمون کلام
نفی و اثباتی متضمن اولمق ملابسه‌سی * سفارت شجاعی انجق حارث طرفنه
تخصیص و اثبات ایلیوب ماعدادن نفی ایتمشدر * بعضلر دخی الیهما عنوانیله
حارث و جبله‌یه ده عزیمتنه ذاهب اولمشدر * لکن ابن هشام قولی مثبت
اولمغله مقدمدر * و اکر حصر مقصود اولمز ایسه کلامین بیننده منافات اولمز *
قول ثالث که ایکیسنه ده عزیمتنی ناطقدر * مراد مکتوب واحد ایله یاخود
ایکی مکتوب ایله زمان واحدده که سنهٔ سابعه محرمنك اولیدر * ایکیسنه ده
اعتزام ایلمك ایسه معرض صحتدن دوردر * زیرا اول اوانده ملك غسان حارث
اولوب سال فتح مکه‌یه قدر مقام زندکانیده لابث ایدی * بعد وفاته جبله
جانشین اولدی * پس صواب اولان بزم ذکر ایلدیکمز اوزره شجاع بن وهب
سابعه‌ده حارثه * و ثامنه‌ده جبله طرفنه سفارتله عازم اولمشدر * والله اعلم
بحقیقة الحال

*هوازن مالك صدا ثعلب * ولد ابراهيم مات زينب*

وفد هوازن ومالك تقدير نده در* بيت سالفده واقع حضروا كلمه سنك ضمير
مبهم جمعی بالبدل بياندر *وبنو ثعلبه دن ترخيم ووزن ايچون تای تأنيث
حذف اولنوب بای موحده بعد الترخيم *اخر كلمه يه *منتظر اولميان مذهبه
نظرا وقافيه يه اقتفاء مضموم اولمشدر* بيت مرقوم التی لايحه يی مشتملدر*
وفد هوازن *وفود مالك *وفد صدا * وفد ثعلبه * ولادت ابراهيم بن
النبی عليه السلام *وفات زينب بنت الرسول عليه السلام *وفد هوازن*
وسنهٔ مرقومه ده دركاه رسالت دستكاه نبوی يه قبائل اطرافدن وفود
ورود ايدوب *ابتدامرسوم خامهٔ بديع البيان اولديغی اوزره *بعد تقسيم
الغنايم هنوز منزل جعرانه ده ايكن *هوازنيلر كلوب مسلمان اولمريله*
كرفتار سلسلهٔ اسر اولان التی بيك نفر ذراری ونسوانلری رد اولندی *
وفود مالك سلطان انبيا عليه اكمل الصلوات واجل التحايا حضرتلری جعرانه
دن منصرف اولوب هنوز مكهٔ مكرمه ده پرتو انداز عز وبها ايكن *
ماه ذی الحجه ده رئيس قبيلهٔ هوازن مالك بن عوف النضری وفود ايلدی *
باعث وفادتی بودركه *انك دخی مال وعيالی داخل كروه انفال اولمغله*
فخر عالم صلی الله عليه وسلم حضرتلری قبل القسمة مال وعيالنی افراز*
وبی ضربهٔ سهام مكهٔ مكرمه ده ساكنه عمه سی ام عبد الله بن ابی اميه
طرفنه ارسال بيوردیلر *بعد القسمة وجه مشروح اوزره هوازنيلر كلوب مال
وعياللری تماما تسليم اولندقدنصكره هوازنيلر مرقوم مالكه متعلق ذراری
واموالدن برنسنه كورمديله * يارسول الله مالك بزم سركرده مز اولمغله
حقنده استعطاف ايدرزديو استدعا ايتمريله صاحب اللطف والكرم
حضرتلری *بنا كا خبرمر ادايدرم بيوروب *بعده الان اولديغی محلی
سئوال بيوردیلر *انلار دخی حاليا طائفده عاكف اولديغنی خبر ويريجك
*اكر مالك كلوب مسلمان اولورسه عيال وماليني رد وتسليم ايلدكدنصكره
*يوز رأس دوه انعاميله ده تكريم ايدرم بيوردیلر *هوازنيلر معاداهٔ نبويله
مبتهج ومسرور عودت ايدوب * كلام نبی مفضالی سامعهٔ مالكه ايصال
ايلدكلرنده *شبنم خاطری افتاب اوج رسالت سمتنه منجذب اولوب همان
امرا ايلدی *راحله سنی اعدادا ايلديلر *بنو ثقيفدن نهان حصاردن بدر*
وروبرابجانب سيد البشر اولدی رخسای خاكپای نبوی اولدقده *رطب
اللسان كلمهٔ شهادت اولمغله *منبع كرم وعطا حضرتلری دخی * وعد كريمانه
لرين ايفا بيوروب * وقومندن بهره مند فياضهٔ اسلام اولان اهل سعادت

اوزرلرينه مولی تعيين بيوردیلر *بعد القفول بنو ثقيفله متصل حرب وقتال
اوزره اولوب *مرعالرندن دسترس اولديغی دواب ومواشينك خمسنی استمان
رسالته ارسال ايدر ايدی *وفد قبيلهٔ صدا *سنه ذی الحجه ده صاد مهمله نك
فتحی ودال مهمله نك تشديدی والفك قصريله صدا قبيله سی وفدی وارد
اولمشدر *سريهٔ قيس خلالنده ذكری سبق ايلدی *وفد ثعلبه كذلك جعرا
نه دن بعد الانصراف *بنو ثعلبه دن درت كمسه دركاه معالی اتصاف
نبوی يه وفود ايلديلر *حضرت رسول الله سعادتخانه لرندن افتاب اسا
طلوع ايدركن *قدم ميامن اشتمال عاليلرينه سرنهادهٔ ابتهال اولوب *
قوملری طرفندن مرسول ورتبهٔ والای اسلامه موصول اولدقلرنی اخبار
ايلديلر *حضرت رسول الله دخی انلاری اقرا *وهر برينه بشر وقيه كومش
اعطا بيورمغله *قوملری طرفنه فرح ومسرتله رجعت ايلديلر *ولادت
ابراهيم بن النبی عليه السلام *وسنهٔ مز بورده ذی الحجه سنده ماريهٔ قبطيه
فراشندن حضرت ابراهيم بن سيد الكونين *وامام الثقلين *وصاحب
القبلتين *وشفيع الدارين *المؤيد بالملائكه بيد روحنين *كلزار وجودی
برزيب وزين ايلديلر *قابله سی اولان سلمی نام جاريه لری زوجی اولان
ابورافع مژده ايتمكله *سرور انام حضرتلری مژده كانی برغلام انعام
بيوردیلر *يدنجی كونده ايكی قوچ عقيقه ايدوب ابو هند يديله سر سعادتلری
تراش اولمغله *موی عنبر بولری وزننده كومش تصدق بيوروب *واول
موی دلجوبلری دفن ايلديلر *واول كون اب رحيم جناب ابراهيم ايله
همنام بيوردیلر *وماريه فراغ بالله خدمت سعادت نبويده اولمق ايچون
انصار كرام رضاعی خصوصنه خواستكار *وبينلرنده خيلی منافسه كذار
ايدوب اخر كار اول شرفی ابو يوسف حداد زوجه سی ام سيف احراز ايلدی
م برده بنت منذر بن زيد الانصاری متكفل رضاع اولديغی دخی مرويدر
*وفات زينب بنت النبی عليه السلام * وسنهٔ مز بورده ده حضرت سيد
الكائنات اكبر بنات طاهراتی اولان زينب رضی الله عنها روضهٔ بقايه خرامان
وپيوستهٔ حور جنان اولمشدر *خاله زاده سی ابو العاص جنابنك درهٔ
سلك ازدواجی اولوب علی نام *بر فرزندد ابتدا ايله قرة العين اولمشيدی *
متناهز حد بلوغ اولدقده مهتر جانب عقبا اولدی *روز فتح مكه ده ردف
راحلهٔ نبوی اولديغی حالده *داخل بيت الحرام اولمشيدی *وكريمه لری
امامه جنابلری فاطمة الزهرا رضی الله عنها وفاتندنصكره *محرم شبستان
مرتضوی اولمشدر*

غزاة تبوك سبب سرى عيينة * ضحاك خالد وليد قطبة

غزا النبى غزوة تبوك فى السنة الثانية والستين موقعنده در * تبوك عجمه
وعلميته غير منصرفدر * موضع تأويليله انصرافى دخى جائزدر * شامه
موصل طريق مدينه ده برقلعه اسميدر * بيت مرقومده التى لايحه
مندرجدر * غزوهٔ تبوك * سريهٔ عيينه * سريهٔ ضحاك * سريهٔ خالد * سريهٔ
وليد * سريهٔ قطبه * غزوهٔ تبوك * ولادت باسعادتك اللى ايكنجى سال سعادت
اتصالنك كه تاسعهٔ هجريه در * رجب مرجبنك * بشنجى خميس كونى
تبوك غزاسى طرازسجل مغازى * پيغمبر حجازى اولمشدر * صحيح بخارى
شريفده غزوهٔ مرقومه حجة الوداعدنصكره ثبت اولنغله زيغ قلم ناسخه
محمولدر * بوغزايه غزوة العسرة دخى ديرلر * زيرا بوسفرده هوا غاية الغايه
گرمت اوزره اولوب * بعد مسافه سببيله زاد وذخيره يه قلت ونفاد عارض *
وبرقطره صوايسه اب روى بيحيا كبى ناياب وعسكر كفارا راجيف عصرمز
كبى بيحساب اولمغله عسكر اسلام جهد ومشقت عظيمه يه دوچار اولديلر *
مأكولات ومشروباتلرى قالمامغله * بالضروره دوه لرنى ذبح ايدوب
فرثنى عصر ونوش * وبقيهٔ رطوبتنى سينهٔ پر التهابلرينه طلا ايلديلر *
وبوغزاده منافقين زمرهسى مفتضح ورسوا اولمريله * غزوهٔ فاضحه ايله ده
نامدار اولمشدر * وقوعنه ايكى سبب داعى اولمشدر * بريسى بودركه مدينهٔ
منوره يه زيتون ياغى جلب ايدن انباط قافلهسندن مسموع نبوى اولديكه *
نصاراى عرب قيصر روم اولان هرقل طرفنه بومضمون هرزه نمون اوزره
برقطعه مزخرفنامه ارسال ايتمشلركه * كويا مدينه ده دعواى نبوت
ايدن ذات عاليشان * اقليم بقايه روان اولوب * والحالة هذه اولديارده
عظيم قحط وغلا پديدار اولمغله * اصحابى بالجمله عرضهٔ تلف وتباه اولمغين *
بروجه سهولت اول مملكتك بوندن اعلا ضبط وتسخير ايليه جك زمانى اولماز
بناءً عليه هرقل دخى لشكر بيكران جمع * وصناديدندن برنى مقدم قرق
بيك عسكرايله توجيه ايلمش * وسبب ديكرى بودركه چون * يا ايها الذين
امنوا انما المشركون نجس فلا يقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا
وان خفتم عيلة فسوف يغنيكم الله من فضله ان شاء ان الله عليم حكيم قاتلوا
الذين لا يومنون بالله ولا باليوم الاخر * ولا يحرمون ما حرم الله ورسوله
ولا يدينون دين الحق من الذين اوتوا الكتاب حتى يعطوا الجزية عن يد
وهم صاغرون كريمهسيله طائفهٔ مشركين مسجد حرامه فى جميع
المواسم تقربدن ممنوع اولمغله * بيغزان قريش بوندنصكره موسم حجده

اقطار واقطاندن متوارد اولان تجارت منقطع اولمغين عيشمز منغص اولور
ديو كلمات واهيه لرينه مبنى * وان خفتم عيلة اى فقرا فسوف يغنيكم الله
من فضله * بوجه آخر وعد كريمى مقتضاسى طرف طرف افاضهٔ سماويه *
حوصلهٔ زمينى سرشار نعمت وفيه ايليوب * اول اثناده اهل تباله
وجرش مظهر توفيق اسلام اولمريله * مكه يه فوق ما يتصوره الاوهام
اجناس ذخاير جلب وايراد * وهر طرفدن مسلمون يأتون من كل فج عميق
خواسى متوجه جانب بيت عتيق اولوب * باب غنايم دخى كف كريم
آسا كشاده اولمغله * بناءً عليه * قاتلوا الذين لا يؤمنون بالله الايه كريمه
سيله عامهٔ اهل اسلام قتالله مأمور اولديلر * پس روم طائفهسى اهل
كتاب اولوب وديارلرى دانى اولمغله نبى بالسيف حضرتلرى طائفهٔ مسفوره
اوزره سفر وغزايه نيت وشمشيربند عزيمت اولديلر * هنكام اعتزاملرنده
هوا غايتده حار وحامى اولوب مدينه نك درختلرى مبسوط الظلال وميوهلرى
رسيدهٔ كمال اولديغى زمان ايدى * سيد الابرار حضرتلرى اطراف واكنافده
اولان قبائل عربى استنفار * واولبابده نازل اولان * انفروا خفافا وثقالا
وجاهدوا باموالكم وانفسكم فى سبيل الله كريمهسنى جمله يه تبليغ ومالا وبدنا
جهاد وغزايه سوق بليغ برله اجراى امر جليل جبارده صرف اقتدار
بيورملريله * اوتوزبيكه قريب عسكر جمع وآماده اولدى * جملهدن مقدم
شيخ الفخم صديق اعظم * حضرتلرى مجموع مالملكى كه درت بيك درهمدن
عبارت ايدى * كتوروب تسليم ايلدى * حضرت فاروق دخى مالنك
نصفنى وحضرت عباس اكثر مالنى اعطا وطلحه دخى وسعى مرتبه
امداد ايليوب * عبد الرحمن بن عوف ايكيوز اوقيه كومش برله انجاد ايلدى
* حضرت ذو النورين تجارت ايچون ايكيوز دوه تجهيز ايتمش اولمغله جمله
اسبابيله مكمل كتوروب تسليم مهارا يتمكله * شاه سرير اصطفا
حضرتلرى * لا يضر عثمان ما فعل بعدها بيورديلر * سائر ثروتيان
دخى قدرتلرى مقدارى مدد واحسان ايلديلر * حتى نسوان مسلمين دخى
حليتلرين ارسال واهدا ايلديلر * مرويدركه لشكركش ابرار عليه صلوة
الملك الغفار حضرتلرى * هر بار برغزايه توجه كار اولدقلرنده * استرذهابك
قاعدهسى تعيين جهت بيورمزلر ايدى * لكن بوسفر بعيد الغور اولوب
حرارتك شدتى واعداد اعدانك كثرتى اولمغله * اسباب ومهماته
فوق العاده تقيد واهتمام اولنمق لازمهٔ حالدن اولمغله اعلان بيورديلر *
جد بن قيس كه مقدما بيعت رضوان شرفندن محروم ايدى * رسالتماب

حضرتلری اکا خطاب ایدوب باجد بزمله برابر بنو اصفر جهادنه عزیمت
ایدرمیسن بیورمغله * اول نامرد بو سیاق اوزره سرد جواب سردایلدیکه
* یارسول الله بن زندوست کمسه یم بنی اصفر نکارلرین کوریجك
عنان اختیارم ربوده دست هوا و کریبان اصطبارم چاکخورده پنجه
حسن وبها اوله جغی مجزوم اولمغله * افتاده ورطه افتتان اوله جغم عندمده
نمایان اولمغین * تخلفه رخصتکی نیاز ایدرم دیو استعفا ایتمکله * پیغمبر
ذیشان حضرتلری اندن روکردان اولدیلر * ومنهم من یقول ائذن لی
ولا تفتنی الا فی الفتنة سقطوا وان جهنم لمحیطة بالکافرین * کریمه سی انك
حال منافقانه سنی بیان ایلدی * واعراب قبیله غفاردن طقسان قریب
بد بختلر کلوب بو سفر سعادت اثردن تخلف ضمننده اعذار فاسده ایراد ایتملریله
سید الکائنات حضرتلری انلاردن دخی صرف روی التفات بیوردیلر
وجاء المعذرون من الاعراب لیؤذن لهم * کریمه سی انلار حقنده نازل اولدی
وبعض منافقین استیذان ایتیوب محضا جرأة علی الله والرسول تخلف
ونکول ایتملریله * وقعد الذین کذبوا الله ورسوله سیصیب الذین کفروا
منهم عذاب الیم * وعیدی انلار حقنده نازل اولدی * وفقرای اصحابدن
یدی کمسه کلوب یارسول الله رکاب مستطابده غزایه عزیمت اقصای
امنیتمز اولوب لکن راحله مز اولمامغله بردوه احسان بیورلمق مستدعادر
دیو نیازمند اولدقلرنده رسالتمآب حضرتلری سزلری ارکاب ایلیه جك رکاب
قالمدی بیورمغله * انلار نومید اولوب * سوز حسرتله بکا ایدرك عودت
ایلدیلر * ولا علی الذین اذا ما اتوك لتحملهم قلت لا اجد ما احملکم علیه تولوا
واعینهم تفیض من الدمع حزنا ان لا یجدوا ما ینفقون * کریمه سی انلار
شاننده شرفنزول ایلدی * بنابرین * اول طائفه کزین بکائین ایله ملقب
اولدیلر * ماحصل عده وعتاد سفریه مکمل اولوب * محمد بن سلمة الانصاری
اجلاس مسند خلافت * وحضرت مرتضی امهات مؤمنین امورنی
رؤیت ایچون تخلیف واقامت بیورلدقدنصکره حسب الامر لشکر اسلام
ثنیة الوداعده مجتمع اولدیلر * اوتوز بیك علی قول قرق بیك وعلی روایة
یتمش بیك مرد نیزه کذار اولوب * اون بیك نفری اسب سوار ایدی
رئیس المنافقین جهول ومخذول ابن ابی بن سلول کندینك اتباعی
ویهود ومنافقیندن خلفاسی برله معسکر همایونك مسفله سنده بشقه جه
قونمشیدی * موکب جلالت نهضته مبادرتده مخذول خزی ایین
ارجاف مسلمین قصدیله حضرت محمد بو عسرت حال وقلت منالله بو یله شدت

حرهوا دمنده بلاد بعیدة المرمی یه کیدوب بنی اصفر ایله محاربه داعیه سنده
اوله جقدر * انلارك جنککی ملاعبه ظن ایدر * اعتقادم بودرکه جمله سی
کرفتار زنجیر اسر اولورلر دیوب * اشیاع وهوادارلریله رجعت وسویلم نام
یهودی خانه سنده عقد جمعیت ایلدیلر * بو خبر بالغ سمع سید البشر اولیجق
بر مقدار مرد آتشین صوات برله طلحه بن عبد اللهی کوندروب اول
دوزخیلر اولدیغی خانه من بوری احراق بالنار ایلدیلر * ضحاك بن خلیفه
نام منافق ظهر داردن اقتحام ایدرکن * دوشوب ایاغی شکست اولدی *
ماعدا مخاذیل اشراربی سپرراه فرار اولدیلر * قرینه حال ضحاك مرسومك
انشاد اتدیکی مقالدر *

* وکادت وبیت الله نار محمد * یشیط بها الضحاك وابن ابیرق *
* ظللت وقد طبقت کبش سویلم * انوح علی رجلی کسیرا ومرفق *
* سلام علیکم لا اعود بمثلها * اخاف ومن تشتمل به النار یحرق *

منافقین زمره سی حضرت مرتضی مستقل سلطان الانبیا اولمغله * همراه
اولمدی دیو نشر اتدکاری اراجیفه واصل سمع مرتضوی اولیجق * سلاحنی
الوب موکب همایون جرف نام جایکاهه نزول ایلدیکی خلالده * معسکر
نصرت مقرونه ملتحق اولوب * بارکاه رسالتپناهه عرض اراجیف منافقین
ایلدی * سید المرسلین حضرتلری بیوردیلرکه * یا علی مسموعك اولان
مقاله اکذوبه منافقیندر * بن سنی ال کرام نظارتیچون تخلیف
وتوقیف ایلدم * دونوب مأمور اولدیغك خدمتده اهتمام ایله * یا علی راضی
دکلمیسن که سن بنم جهتمه نسبت هارون موسی منزلنده اوله سن * نهایت
بوندنصکره پیغمبر بوقدر بیورملریله * حضرت مرتضی متسلی ومنشرح
اولوب رجعت ایلدی * بوندن غیری غزوه ده تخلفلری واقع اولمدی *
فایحه * حضرت موسی علی نبینا وعلیه السلام میقاته توجهلرنده برادر
مکرملری هارون علیه السلام حضرتلرین استخلاف بیورمغله * حضرت
مرتضی دخی اول مرتبه یی احراز ایلدی * وبو سفرده خلصای مسلمیندن
کعب بن مالك * وهلال بن امیه ومرارة بن الربیع کبی برجمع بلا عذر
تخلف ایلدیلر * وخلال راهده واحدا بعد واحد تخلف ایدرلر ایدی *
حضرت رسول اللهه فلان دخی تولی ایلدی دیو خبرویرلدکجه * تقیدایلمکز
اکر انلارده خیر وار ایسه حق تعالی قریبا انلاری سزه الحاق ایدر *
والا انلاردن سزی تخلیص ایلدی بیورورلر ایدی * ومتهوم النفاق اولمیان
مخلصیندن ابو خیثمه اثنای طریقدن عائد اولوب * برروز پرسوزده خانه سنه

وارد اولدی ایکی زوجه‌سی اولمغله هر بری عریشلرین صولیوب سپورمشلر
وبوزکبی صوتبرید ایدوب ونفیس اطعمه ترتیب ایتمشلر* ابوحیثمه
بونی کوریجك لجهٔ غیرت دینیه‌سی هیجان ایدوب* رسول عالیجناب
حضرتلری الهوبهٔ هوای حامیه ایله بیتاب اولوب ابوحیثمه ظل بارد
وماء مهنا وبانوی حسنا برله صفایاب اولمق بیرون حدّ صوابدر دیوب*
زوجه‌لرینه خدای بیهمتا حقی موکب همایونه ملتحق اولدقجه
بریکزك عریشنه دخول ایتمك متصور دکلدر* همان بکا زاد طریق تدارك
ایلیه‌سز دیدی* انلار دخی اعداد ایتمکله* الوب نسیم اساوزیده* وتبوك
منزلنده معسکر همایونه رسیده اولدی* هنوز التحاقندن مقدم جمه اصحاب
کرام کوردیلرکه* عقب عسکردن برسواره توارد اولیور* سید الابرار
حضرتلرینه اخبار ایلدکلرنده* کن اباحیثمه بیوروب وصولنده
یارسول الله والله ابوحیثمه در دیدیلر* کلوب کیفیتی خبر ویریجك حقنده
خیر دعا بیوردیلر وابوذر غفاری‌نك راحله‌سی بیتاب اولمغله بماندهٔ موکب
جلالتماب اولوب* ناچار حوایج ضروریه‌سن استصحاب وعقب عسکردن
شتاب ایلدی* طرف رسالتمداره ابوذرك تخلفی اشعار ایلدکلرنده مقید
اولمکز اکر وجودنده خیر موجود ایسه حضرت ملك متعال انی سزه
ایصال ایدر والا سزی اندن مستریح البال ایلدی بیوردیلر* تبوکه نزول
بیورلدیغی آنده دوردن شبح ابوذر نمایان اولمغله* اصحاب کرام یارسول الله
بر پیاده کلیور دیدکلرنده* حضرت رسول الله کن اباذر بیوردیلر* متقرب
اولیجق والله ابوذر دیدیلر* حضرت لانبی بعده علیه السلام رحم الله اباذر
یمشی وحده ویموت وحده ویبعث وحده* یعنی حق جل وعلا ابوذره رحمت
ایلسون یالکز یورر* ویالکز وفات ایدر* ویالکز بعث اولنور بیوردیلر*
بدیعه* حضرت صدیق اکبر رضی الله عنه جانب عقباه نقل
وجود کرامت پرور ایلدکدنصکره* ابوذر شامه ارتحال ایدوب
حضرت ذی النورین خلافتنه قدر انده اقامت ایلدیلر* فی ذاته عالم وعامل
وحقکوی ومتصلب فی الدین* ولومهٔ لائمدن بی مبالات اولمغله والئ شام
اولان معاویه جنابنك بعض اطوارنه اظهار صورت استنکار ایتمکله*
خلیفه طرفنه شکایتنامه ارسال ایتمکین* حضرت ذی النورین ابوذری
ربذه‌یه اجلا* واندها اوزرا ایلدی* یاننده زوجه وغلامندن غیری برفرد
یوغیدی مرض موتنده شمع حیاتم پف زدهٔ صرصر ممات اولیجق بنی غسل
وتجهیز وتکفین ایلدکدنصکره* اخرین مرکب ناسوت اولان تابوتمی

سرراهه وضع* وابتدا عبور ایدنلره تعریف ایلیه‌سز دیو وصیت ایلمکله
انلار دخی وصیتی اوزره عمل ایلدیلر* مکر عبد الله بن مسعود رضی الله عنه
برجمع ایله عراقدن عمره قصدیله مکهٔ مکرمه‌یه عازم اولمشلر ایدی* تابوت
اوزرینه مرورنده غلام ابوذر اولدیغنی اعلام ایلمکله* ابن مسعود کریه
وزاری ایلیه‌رك* صدق رسول الله* تمشی وحدك وتموت وحدك وتبعث
وحدك دیوب جمله‌سی نزول ونمازنی ادا اول کنج تقوایی زیر خاکده رمس
واخفا ایلدیلر* تتمه* واثنای راهده راحلهٔ نبوی غائب* وبرطرفه هارب
اولمغله* برمنافق حضرت محمد ادعای نبوت ایدوب آسماندن سزلره خبر
ابلاغ ایدر* شمدی دوه‌سی قنده اولدیغنی ادراك ایلمز دیو هرزه‌لای اولمغله*
هذیان مرسوم نورنبوتله حضرت رسول اللهه معلوم اولمغین اصحاب کرامه
متوجه اولوب برکسه شوکونه تفوه ایلدی* قالدیکه* بکا بر نسنه‌یی عالم
الغیب جل شانه اعلام ایلمدکجه بنم معلومم اولمز* شمدی وحی الهیله متیقنم
اولدیکه دوه‌م فلان وادی شعبنده زمامی برشجره‌یه پیچیده اولمش طورر*
واروب کتورك دیو امر بیورملریله* واروب محل مشارده اول هیئت اوزره
بولوب کتوردیلر* وحسب الطریق کسر حای مهمله وسکون جیمله حجر نام
موضعه که دیار ثمود درمی ورلرنده* حضرت رسول الله ردای شریفلریله
سر سعادتلرین تسجیه ایدوب* وراحله‌لرین اسراع بیوردیلر* واصحاب
کرامه امر ووصیت بیوردیلرکه نفسلرینه ظلم ایدن قومك* دیارلرینه کذار
ایلدیککزده مصاب اولدقلری قهر ونکال ربانی سزه دخی اصابت ایتمامك
تضرع وابتهال ایله کریه‌ناك اولدیغکز حالده کذر ایلیه‌سز* القصه* اقبال وسعادتله
منزل تبوکه واصل اولوب انده اولان چشمه عین انصاف ابنای زمانه کبی*
واماندهٔ فیضان اولمغله* محسوس اولان چند قطره صویندن حضرت
رسول الله اغتراف ایدوب* بعد المضمضه ینه درون چشمه‌یه القا بیورمغله*
درساعت غلیان ایدوب اشك چشمم کبی روان اولمغه باشلدی* ومنزل
من بورده ایله نام بلده صاحبی یحنه بن روبه اهل جرباء واهل اذرح واهل
میناایله بارکاه رسالتده فرش جباه ضراعت ایلدیلر* اسلام عرض
اولندقدنصکره جزیه اوزره عقد مصالحه اولندی* یحنه طوبلهٔ جلیلهٔ
خاصه براستر نازکتر کشیده ایدوب سلطان الانبیا حضرتلری دخی بر برده
تشریفیله شرفنما بیوردیلر* وامر نبویله اشبو نمیقه ترقیم ویدینه تسلیم
اولندی* بسم الله الرحمن الرحیم* هذا امنة من الله ومحمد النبی رسول الله
لیحنة بن روبة واهل ایله واساقفتهم وسائرهم فی البر والبحر لهم ذمة الله ومحمد

النبي ومن كان معهم من اهل الشام واهل اليمن واهل البحر * فمن احدث
منهم حدثا فانه لا يحول ماله دون نفسه وانه طيب لمن اخذه من الناس وانه
لا يحل ان يمنعوا ماء يردونه ولا طريقا يريدونه من بر وبحر * وجرباء واذرح
اهالیسنه ده اشبو وثیقه تحریر بیورلدی * بسم الله الرحمن الرحيم * هذا
كتاب محمد النبي لاهل اذرح وجرباء انهم آمنون بامان الله وامان محمد وان
عليهم مائة دينار في كل رجب وافية طيبة والله كفيل بالنصح والاحسان
الى المسلمين * واهل مينا ربع اثمار سنويه لری اوزره عقد رشتهٔ مهادنه ایلدیلر *
فائده * ایله فتح همزه وسکون یای تحتانیه ایله طریق حجاج مصریه ده واقع
عقبه جنبنده بر بلده در * وجربا شامده بر قریه در * اذرح * فتح همزه وسکون
ذال معجمه وضم رای مهمله ایله کذلك شامده بر قریه در * میناد خی بر قریه در
* تتمه * چون تبوك منزلی قدوم لطافتلزوم نبوی ایله پر بهجت ورشکیدهٔ
کلزار جنت اولوب * یکرمی کونه قریب انده خیمه زن اقامت اولندقدنصکره
مهیج سفر اولان خبرك بی اساس اولدیغی معلوم اولمغله * شاه کشور
رسالت حضرتلری شام اوزره واریلوب * کفار ایله مقاتله اولنمق امرنده
اعیان اصحاب کرام ایله عقد انجمن مشورت بیورمغله * فاروق اعظم
حضرتلری یارسول الله اکر طرف رب العزتدن مأمور ایسه‌ڭز وارایسه
البته ارخای عنان عزیمت بیورلمق واجبه ذمتدر دیجك * حضرت رسول الله
یا عمر اکر مأمور اولیدم سزکله مشاوره ایلمزایدم بیوردیلر * پس حضرت
ابن الخطاب بو زمین اوزره دهنکشای جواب اولدیلرکه * یارسول الله لشکر
روم جمعیت اوزره اولوب * الحالة هذه انلاره قریب ورود ایلدك شوکت
وهیبتڭز قلوبلرینه ایراث خدشه وخشیت ایتمکله بو دفعه بو مقدار ترهیب
وترعیبله اکتفا اولنوب * بوندنصکره مترقب ظهور امر خدا اولمق مناسب
ظن اولنور دیجك * جوهر پاکیزه عیار رأی عمر سنجیدهٔ میزان خاطر خیر
البشر اولمغله * سفر شامدن فراغت * وطرف طیبه یه تحویل لجام معاودت
اولندی * خلال راهده تنین فلك اسا بر عظیم الجثه اژدها نمایان اولمغله *
خلق توحش ایدوب بر طرفه منحاز اولدیلر * اول اژدها راحلهٔ سلطان الانبیا
جنبنه کلوب وافر مدت پیشکاه رسالت دستکاه عالیده قائما لبث
ایلدکدنصکره کناره چکیلوب ینه قائما کویا که منتظر سلام اسلام
اولدی * پیغمبر جن وبشر علیه الصلوة ما طلع الشمس والقمر حضرتلری *
اصحاب کرامه متوجه اولوب بو اژدها معلومڭز اولدیمی دیو استقصا
بیوردیجق * انلار الله ورسولی اعلمدر دیدیلر * نبی ذیشان حضرتلری مکه ده

بکا

بکا کلوب قرآن کریم استماع ایدن سکز نفر جنیان کروهندندر *
بو نواحیده ساکن اولمغله حقوقه رعایتله کلوب تسلیم وتحیت ایلدی *
سزلره دخی عرض سلام ایچون ایستادهٔ مقام اکرامدر بیوریجق * اصحاب
کرام حضراتی وعلیه السلام ورحمة الله وبرکاته دیو تسلیم ایلدیلر * فایده *
کرچه اصحاب سیر * مکه ده وفود ایدن طائفهٔ جنی سکز نفر اولمق اوزره
ثبت ایلدیلر * لکن * روایت صحیحه اوزره یدی نفردر * ولادتك اللنجی
سنه سنده طائفدن رجوع بیوروب مکه یه بر مرحله مسافه نخله نام موضعه
تشریفلرنده نصیبین جنلرندن یدی نفر جن رخسای خاکپای خیر الناس
اولوب عودت ایلدیلر * قومنه ملاقاتلرنده خبرویرملریله اوچیوز نفر جن
کلوب مکه ده درکاه رسالتنه فرش جبین ایدوب حضرت سید المرسلین
جونده انلاره قرائت قرآن مبین ایلدیلر * تتمه * وینه خلال عودتده
منافقیندن اون ایکی علی قول اون درت یا خود اون بش نفر مخاذیل بدکهر
میانلرنده بو وجه اوزره مشورت واتفاق ایتدیلرکه * حسب الطریق
مدینه ایله تبوك بیننده اولان عقبه دن کذر ایدرایکن * بر تقریبله
راحلهٔ نبویه یه یناشوب زعملرنجه رسول عالیقدار حضرتلرین حاشا اشاغی
القا ایلیه‌لر * مسفورلرك بو داعیهٔ مفسدتلری وحی رب العزتله معلوم شاه
کشور بعثت اولمغله * شبهنکام عقبهٔ مرسوم دامننه ورودلرنده *
حسب الامر بو نسق اوزره ندا اولندیکه * تنهاجه سید حضور حضرتلری
عقبه دن عبور بیوروب * سائر اجناس سپاه اسهل واوسع اولمغله بطن
وادیدن رو براه اوله‌لر * پس سرور ملك رسالت حضرتلری عقبه دن عزیمته
مبادرت بیوروب * بر موجب فرموده عمار بن یاسر قائد وحذیفه سائق
اولدیلر * اثنای عقبه ده ناکاه ضبابه کبی غشیان محسوس اولوب *
کدکده لرندن راحلهٔ نبوی رمیده اولمغله * اوزرندن بعض امتعه دخی ساقط
اولدی شاه سریر لولاك حضرتلری غضبناك اولوب * حذیفه یه طرد
وتبعیدلری بابنده امر بیوردیلر * حذیفه بو مرتبه انفعال نبوی یی کوریجك
محجنه سیله اول مخاذیلك وجوه راحله لرینه الیکم الیکم یا عبد الله دیه رك
ضرب ایتمکه باشلدی * چون خدعه لری نمایان وترتیب ایتدکاری مقدمهٔ
مکیدت نتیجه پذیر اولمیه جغی عیان اولمغله * همان بطن وادی یه شتابان
اولملریله حذیفه دخی رکاب مستطابه رجوع ایلدی * پیغمبر عالیشان
حضرتلری یا حذیفه بو قوم مغتالی اذعان ایده بیلدکمی دیو استفسار
بیوردقده حذیفه شبهنکام اولوب وجهله‌ری برقع پوش اولملریله تشخیص

ایده‌مدم دیدی * پس برکزیدهٔ انام حضرتلری بیوردیلرکه یا حذیفه بونلار
منافقلردر * مراملری بو ایدیکه بکا مزاحمه ایدوب برتقریبله بنی دوه‌دن
دوشوروب زعملرنجه اعدام ایلیه‌لر * عالم السر والخفیات جل شانه بوندن
اقدمجه بو سریرهٔ شریره‌لرین بکا اعلام ایلدی * عنقریب انلاری سکا اخبار
ایدرم * وقتاکه صباح اولدقده اسید بن حضیر پیشگاه نبوی‌یه حاضر
اولوب * بطن وادیدن عزیمت ملایم سهولت ایکن عقبه‌یی اختیارلک سر
وحکمتندن استفسار ایلدکده * پیغمبر ذیشان حضرتلری یا اسید
منافقینک مکر ومکیدت داعیه‌سنده اولدقلری معلوممکمیدر دیوب وقعهٔ
شبانه‌یی نقل وبیان بیوردیلر * اسید امدی یا رسول الله اشبو معسکرده
اجناس ناس مجتمع اولمغله هر قبیله‌یه فرمان عالی اصدار بیورلسه درونلرنده
اولان اخلاط منافقین معلوملری اولمغله جابجا جمله‌سنک وجود کثیفلرندن
صفحهٔ زمینی تنظیف ایدرلر * واکر اذن شریفه موافق اولورسه اسملرینی
بونده کزه بیان برله اول ملاعین مکر آیینی تبیین بیوریلورسه * سنی حق
پیغمبر بعث ایدن خدای مستعان حقی سرنکبت اثرلرین مانند کوی چوکان
تیغمله خاکنای سعادت احتوایه غلطان ایلدکجه یرمدن حرکت ایلم
دیدی * فخر عالم حضرتلری بیوردیلرکه یا اسید طمعمه ملایم کلمزکه عربلر
محمد برقوم اعانتیله دشمنله مقاتله ایدوب اعداسی اوزره ظفریاب
اولدقدنصکره انلاری قتل ایلدی دیه‌لر * اسید ینه سوزه کلوب یا رسول الله
انلار اصحابدن معدود دکللردر دیدکده * سید الابرار حضرتلری
شهادت اظهار ایتمیورلرمی بیوردیلر * بعده مفخر الاخیار حضرتلری اول
شرذمهٔ اشراری احضار وداعیهٔ مفسدتلرین اخبار بیورمغله جمله‌سی *
حلف باللهله متشبث دامن انکار اولدیلر * یحلفون بالله ما قالوا ولقد قالوا کلمة
الکفر * الایه کریمه‌سی * وهموا بما لم ینالوا * کریمه‌سی اولبابده نازل اولدی
سلطان الانبیا حضرتلری انلاره دوچار عات دبیله اولمق بابنده دعا ایلدیلر *
فائده * دبیله جهینه وزننده جوفه متعلق بر آتشین علتدرکه اکتاف بیننده
ظاهر وسینه‌دن شراره‌سی متطایر اولور * ظاهر اشیرینجه علتیدر * تتمه *
حذیفه جنابلری اعلام نبویله اول کروه مکروهه واقف اولمغله * اصحاب
کرام حضراتی حذیفه محرم سر رسول الله‌در منافقینی کندودن غیری کمسه
بیلمزدیرلر ایدی * چون زرمنجوق علم همایون قرب مدینه‌ده شعشعه نمون
اولیجق * مدینه‌نک رجال وولدان ونسوانی عموما استقباله شتابان اولوب
منظور لقای سعد النقا اولیجق

طلع

* طلع البدر علینا من ثنیات الوداع * وجب الشکر علینا ما دعی لله داع *
زمزمه‌سیله رکاب نبی مطاعه اظهار شوق والتیاع ایلدیلر * سریهٔ عیینه *
ولادت باسعادتک التمش ایکنجی سنه‌سی محرم الحرامنده عیینة بن حصن
الفزاری سریه‌سی واقع اولدی * باعثی بودرکه شاه سریر اجتبا حضرتلری
بشر بن سفیانی بنو کعب صدقاتنی اخذ واستیفا ایچون ارسال بیوروب *
قبیلهٔ مرقومه بنی تمیم ایله ذی شطاط نام چاه اوزره خیمه زن آرام اولمغله *
وصول ومأموریتنی بیان ایلدکده بنو تمیم خلق بین العرب لئامت ذات
ودنائت صفاتله مشهور بر طائفهٔ زنیم وذمیم اولمغین استکثار ایلدکلرنده *
بنو کعب جواب ایلدیلرکه بر کرّ اکسیر هدایت رب الانام ایله نائل دستمایهٔ اسلام
اولدیغمز حسبیله مقتضای شریعتمز اوزره ذمتمزه لازم کلان صدقاتمزی
ادا فریضهٔ عهدهٔ بیچون وچرامزدر دیدیلر * بنو تمیم نهایت خسته‌لرندن
ناشی خدا * حق بنو کعبدن * بر رأس دوه دفعی خارج خطیرهٔ امکاندر
دیو خشونتله رد ایتملریله * بشر بن سفیان صفر الید عودت وکیفیتی عرض
درکاه رسالت ایدیجک * امر نبویله عیینه رضی الله عنه مهاجرین وانصاردن
ماعدا اللی نفر سوار ایله شبروانه ره پیما اولمغله * سقیا نام آرامکاهلرنده بغتة
اوزرلرینه هجمه ریز استیصال * واون بر نفر رجال واون بر یاخود یکرمی
بر نسا واوتوز اطفاللرین مقرنین فی الاغلال درکاه معالی اتصاله ایصال
ایلدی * وصولنده رمله بن حارث خانه‌سنده حبس اولنوب درعقب اول قبیلهٔ
سفیله‌دن بر جمع وفود ایلدیلر * وفود خلالنده عنقریب ذکر اولنور
انشاء الله تعالی * سریهٔ ضحاک * وسنهٔ مزبوره ماه ربیع الاولنده ضحاک
بن ابی سفیان الکلابی بنو کلاب اوزرینه اسرا اولنوب * وصوللرنده
ابتدا نواله شیرینکوار اسلامه دعوت ایدوب * اول شوریده مذاق وکنده
طبیعتلر امتناعه مجاسرت ایتملریله قتاله مبادرت ایلدیلر * یاوری رب غیور
زمرهٔ مجاهدین منصور * وفرقهٔ معاندین مقهور اولوب زد وبرد اثناسنده
اسلامیاندن بریسی پدر ضلالت پرورینه تصادف ایتمکله عنانکیر * واول
پیرغوایتسمیری راه هدایته سوق وترغیبله حق نبوتی افاده وارستهٔ نقیصهٔ
تقصیر اولدقده * فرزند ارجمندینه وحاشا اسلامه دشنام ایتمکله * همان اتنی
سکرلیوب معلق زن سطح خالک اولیجق * بر مسلم ورودنه مترقبا اخذ وامسالک
ایدوب عاقبت غزاتدن برینک سیف سطوتیله پردهٔ حیاتی چاک اولدی *
سریهٔ خالد بن ولید * وسنهٔ مزبوره رجب المرجبنده سیف الله خالد بن ولید
سریه‌سی واقع اولدی * موکب همایون تبوکده ایکن قائد جیش اسلامیان

عليه الصلوة فی كل الزمان حضرتلری خالد بن وليدی درتيوز يكرمی نفر
شهسوار ايله دومة الجندل حصارنه تعيين * وحصارمن قوم حاكمی اكيدر
ابن عبد الملكی كه متنصرهٔ عرب ايدندر * بقر وحش صيدنه مشغول ايكن
ملاقی اوله جقلرين تنبيه بيورديلر * حضرت خالد حسب الامر حصار
مرقوم جانبنه عامد اولوب * طی مراحل ايدرك برشب مهتابده حصارمن بور
سمتنه واصل اولديلر * اول كيجه اكيدر فراز حصارده كائن دروازه يه مشرف
قريه سنده بسترنشين راحت اولمغله * ناكاه بركاو كوهی كلوب شاخلريله
دروازهٔ حصاری حك ايتمكه باشلدی * خاتونی بونی كوريجك يا اكيدر
بوشكاركاه عالمده بويله اياغيله كلان شكار كوردكمی ديدی * اكيدر لا ديجك
خاتونی يه شمدی بوكونه بسملكاهه كلمش صيد عظيم تسبيب فضای اهمال
اولمق مناسب دكلدر ديدی * اكيدر لا والله ديوب برادری حسان وچند نفر
اتباعيله سوار اولوب حصاردن بدر * وعقبنجه بقر اولديلر * اول خلالده
سپاه اسلامه مصادف اولديله همان شير نركبی خالد اكيدری پنجهٔ استيصالنه
اختطاف * وحسان مقابله سوداسنده اولمغله وجودنی ازاله وازعاف ايليوب
بقيه سی درون حصاره هزار زور وزار ايله القای جان ايلديلر * خالد رضی الله
عنه اكيدره اكر استرسك جانكه امان ويروب سنی دركاه رسول اللهه كوتره يم *
اما حصاری آچوب بزه بردرلو عناد ومخالفت ايليه سن ديدكده اولدخی
راضی اولمغله * برابر زير قلعه يه كلديلر * اكيدرك مضار نام برادری درون
قلعه ده اولمغله قرنداشی بند اجره كوريجك قبولی اچقدن امتناع ايلدی *
اكيدر * طرف خالددن رجامند اولديكه برماده اوزره عقد صلح بيوريله *
تاكه برادری دروازه يی كشاد ايليوب ومعا جانب نبوی يه رونهاد اوله لر *
وامر نبوی نه كونه صادر اولور ايسه تسليم كردن انقياد ايليه لر * حضرت
خالد دخی قبول ايليوب ايكی بيك دوه وسكز يوز ات ودرتيوز كيم زره
ودرتيوز نيزه يه قطع ايتمكله فتح رتاج حصار ايلدی * بعده ايكيسنی دخی الوب
رخسای خاكپای سيد الورا اولديلر * حضور فائض النور نبويده التزام جزيه
ايتمكله ديوان رسالتدن يدلرينه وثيقه اعطا وسبيللری اخلا اولندی *
اكيدرك اسلامی خصوصنده بين اهل السير اختلاف واقع اولمشدر *
لكن مقدم اسلامه كلوب زمان خلافت صديق اكبرده مرتد اولمغله ميانه
قوالين توفيق اولنمشدر * حتی وقعهٔ مزبوره ده شرفياب اسلام اولديغی ديوان
عاليدن شرفيافتهٔ صدور اولان مكتوب سعادتمصحوبك بسم الله الرحمن
الرحيم من محمد رسول الله لاكيدر حين اجاب الى الاسلام وخلع الانداد

والاصنام مع خالد بن الوليد سيف الله فی دومة الجندل واكنافها عنوانيله
صادر اولمسی تأييد ايدر * خلافت صديقده معاذ الله تعالی مرتد اولمغله بنه
حضرت خالد اول بليد معاندی حصار وبعد الاخذ فرستادهٔ حصن بوار
ايلدی * سريهٔ وليد * وسال مرقومده وليد بن عقبه بن ابی معيطه سريه سی
واقع اولدی * سرور كزين عليه الصلوة ما تعزز دينه المبين حضرتلری
وليد بن عقبه يی استيفای مال صدقات ايتمك ايچون قبيلهٔ خزاعه دن *
بنو مصطلقه تعيين بيورديلر * وليدك قدومندن خبردار اولديق محضا مقدمنه
اظهار جذل وبشاشت * وامر الهی ونبوی يه تعظيم واطاعت قصديله
يكرمی نفر كسنه دوه وقيونلريله استقباله استعجال ايلديلر * كرچه جمله سی
مسلم اولوب مساجد شريفه بنا واظهار شعائر اسلام ايدرلر ايدی * لكن
وليد ايله بينلرنده معادات جاهليه اولمغله وليد بونلرك بوكونه جمعيتله
ورودلرين كوريجك ملاحظهٔ ديكرله متوهم اولمغين قبل اللقا عودت * ودركاه
رسالتنه فرش ناصيهٔ ضراعت ايلدكدنصكره بنو مصطلق بنی قتل قصديله
سلاحپوش تلقی ايلديلر ديو اخبار ايتمكله * حضرت رسول الله دخی اعتماد
بيوروب اوزرلرينه عسكر تعيين ايلمك اراده سنده اولمغله * بنو مصطلق استماع
ايديجك برقاچ نفر متعينلری استان مخلد الاقباله رومال ابتهال اولوب *
يا رسول الله وليدك قدومی مسموعمز اولديق محضا تكريما استقبالنه شتابان
اولنوب قبل الملاقات عائد جانب معدلت ايات اولمغله * حقمزده عجبا
برصدمهٔ صرصر حادثه ايله دريای خشم نبوی تموجنه مبنی امرنامه ورودیله
عودت ايلدی ملاحظه سيله مستغرق لجهٔ حيرت اولمشدرز * اتش قهر وغضب
الهی ورسول اللهيدن خدای متعاله استعاذه ايدرز ديو بسط كيفيت
ايلديلر * رسول بيهمال حضرتلری استطلاع حقيقت حال ايچون نهانی
خالد بن وليدی ارسال بيوروب انلارده علايم اسلام مشاهده ايدرسك
زكواتلرين اخذ واستيفا * والا كفاره اولان معامله يی حقلرنده
اجرا ايليه سن ديو تنبيه بيورديلر * خالد دخی هنكام غروبده مأوالرينه واروب
مغرب وعشاء اذانلری مسموعی اولمغله ايمان واسلاملرين تحقيق واذعان
ايتمكله * زكواتلرين جمع وقبض ايلدكدنصكره عودت ووقوع حالی *
تقرير سدهٔ سعادت ايليوب * اولوجهله وليدك حركتی محض توهمه مبنی
اولديغی متبين اولدی * يا ايها الذين امنوا ان جاءكم فاسق بنبأ فتبينوا *
كريمه سی بو بابده نازل اولدی * بعده پيغمبر ذيشان حضرتلری * عباد بن بشر
جنابلرين اخذ صدقات * وتعليم شريعت وقران ايلمك ايچون قبيلهٔ مرقومه

ارسال بیوردیلر * وایدموحی الیه حضرت عثمانک لام برادریدر * نوبت
خلافتلرنده کوفه یه والی نصب ایدوب صلوة فجری جماعته درت رکعت
قیلدردقدنصکره * استرسکرزدخی زیاده ایده یم دیدیکی بالغ سمع ذی النورین
اولمغله عزل ایلدیلر * سریهٔ قطبه * وسنهٔ مزبوره ده قطبه بن عامر بن حدیده
یکرمی نفر دلاورایله اعمال مکه دن ضم تای تحتانی وفتح رای مهمله ایله
تربه نام محله قریب بیشه ناحیه سنده متمکن خثعم قبیله سی اغارتنه نامزد
اولمغله * وصوللرنده بینلرنده عظیم محاربه واقع اولمغین * زخمدار اولمدق
کمسه قالمیوب اخرکار تأیید عزیز جبار ایله مجاهدین ابرار مظهر ظفر اولوب
اعدای بدکردار مقهور ومدمر اولملریله * قتی وافر کوسفند وجمال ونسوان
واطفال استلاب ایدوب * مراجع درکاه رسالتمآب اولدیلر * هر برینک
حصه سنه دردردوه اصابت وهر دوه اون قیون برله تعدیل اولندی *

* علقمة عكاشة علی هدم * آلی اج لاعن اثنین رجم *

سری علقمة * وعكاشة * وعلی بن ابی طالب * وهدم النبی مسجد الضرار
وآلی النبی علیه السلام * واج النبی ابابکر * ولاعن النبی ای امر باللعن *
ورجم اثنین ای حکم برجمهما تقدیرنده در * بیت مزبورده سکز لایحه
مندرجدر * سریهٔ علقمه * سریهٔ عكاشه * سریهٔ علی بن ابی طالب *
هدم مسجد ضرار * آیلاء رسول الله * احجاج ابی بکر الصدیق * امر لعان
مادهٔ رجم * سریهٔ علقمه * وسنهٔ مزبورده علقمه بن مجزز رضی الله عنه
سریه سی واقع اولدی * باعثی بودرکه جده خلقی دریاده برمقدار حبشه
قورصانلری کورملریله * استان جلالت اثار نبوی یه اعلام واخبار
ایلدکلرنده * سلطان کشور اجلال حضرتلری دخی اوچیوز مبارز ایله
علقمه یی ارسال بیوردیلر * سفینه لره بنوب طائفهٔ مرقومه طرفنه
بادبانکشای صولت * وجزیره لرینه قدر کشتی ران عزیمت اولدیلر * دوردن
سپاه اسلامی معاینه ایدیجک جمله سی متولی سوی ادبار اولملریله * طرف
طیبه یه امالهٔ سکان عودت ایلدیلر * حین رجعتده بعض اسلامیان استعجال
ایتملریله * علقمه حضرتلری * اوزرلرینه عبدالله بن حذافة السهمی
جنابلرین امیر نصب وتقدیم ایلدی * برمنزلده اصطلا ایچون آتش ایقاد
ایتملریله عبدالله ذاتنده مائل مزاح اولمغین بروجه لطیفه بکا اطاعتکز
وارایسه کندیکزی شو آتشه القا ایدر سزدیدکده * بعضلری جده
حمل ایله واقعا اول نار عظیمه اقتحام صددنده اولیجق * دامنگیر ممانعت اولوب
وجه لطیفه اولدیغنی اخبار ایلدی * درگاه رسالتنه کلوب وضع مزبور

معروض

معروض سدهٔ معالیمهری اولیجق * من امرکم بمعصیة فلا تطیعوه حدیث
شریفیله وعایهٔ معصیتده اولوا الامره اطاعتدن نهی بیوردیلر * سریهٔ عكاشه
وسنهٔ مرقومه ده عكاشة بن محصن * رضی الله عنه بنو عذره وبنو بلی
علی روایة عذره اشتراکیله بنو کلاب وبنو فزاره قرارکاهلری * اولان حباب
نام محله تعیین وارسال اولندی * ظاهرا وقعه یی مشتمل اولمیوب یاخود
اختلافاتی متضمن اولمغله * صاحب اصل بومقدار ایله اکتفا ایلمشدر *
سریهٔ علی بن ابی طالب * وسنهٔ مزبوره ربیع الآخرنده * اسد الله الغالب *
علی بن ابی طالب کرم الله وجهه * طی قبیله سنک ضم فا وسکون لام ایله
فلس نام صنملرین کسر * وقبیلهٔ مرقومه یی نهب ایتمک خدمتنه مأمور
اولمغله * حسب الامر یوز شترسوار * واللی اسب سوار * مردنامدار ایله
سیاه وسپید ایکی لوای سعید کشیدهٔ موکب ظفربدید * اولدیغی حالده
جانب مأموره عزیمت ایلدیلر * علی السحر اول قوم غفلت اثری تصوب صنم
مرسومی هدم واحراق ایلدکدنصکره * بیحد سبایا ایله اغنام وانعام کثیره یه
دسترزدهٔ اغتنام اولدیلر * بین العرب سخاوسماحتله ضرب مثل اولان
حاتم طاینک دختری سفانه دخی فرقهٔ سبایاده ایدی * بتخانه خزینه سنده
عرب میاننده نامدار ورسوب ومخذوم وعانی اسملریله قرین اشتهار اولان
اوچ قبضه تیغ تابدار * واوچ مرصع زره دخی بدست سپاه ابرار اولمغله *
رسوب ومخذوم طرف حضرت مصطفایه اصطفا اولنوب * بعده ثانی دخی
داخل عداد اسیاف خدادکانی اولمشدر * لشکر اسلام سالما غانما * استان
ثریا انتظامه واصل اولوب کیفیتی تقریر * وسبایایی عرض پیشگاه فلک مصیر
ایلدکلرنده * سفانه فی ذاتها رفاروزانت وتمکین وشهامت صاحبه سی
اولمغله * وضع متجلدانه ایله ایستادهٔ حضور نبوی اولوب * یا محمد بنی ازاد
ایتمکله بین العرب مستقر اولان ناموس خاندانمزی مصون شماتت
بیورمکزی نیاز ایدرم * زیرا بن دودمان اصالت یادکاری یم * بن حاتم طائی
دختری یم که پدرم ذماری یعنی عرض وناموسی حمایت * وکرفتار محنت
وعنایه فک ایله عنایت * وجایعلری اشباع * وعریانلری اکسا * ومهمانلری
اطعام ایلرایدی * وبرحاجتمندی قطعا مأیوسا اعاده ایتمدی دیجک * سرور
عالم صلی الله علیه وسلم حضرتلری بیوردیلرکه * ای جاریه بوذکر ایلدیکک
مؤمن خصالیدر * پدرک مسلما عازم دار البقا اولمش اولیدی * روحنه رحمتله
دعا ایدردم * بونک پدری مکارم اخلاقی سورایدی * مکارم اخلاق مقبولتر
درکاه حضرت خلاق اولمغله بونک سبیلنی تخلیه ایلیه سزدیو امر بیوردیلر *

بعد الاطلاق اکسا و زاد راهنی مهیا ایدوب اعاده بیوردیلر * شامده
بولدری عدی بن حاتمه ملاقی اولدقده سرکذشتنی بیان ایلدی * وفود
خلالنده برادرینک ورودی ذکر اولنور ان شاء الله تعالی * هدم مسجد ضرار *
سببی بودرکه محلهٔ قباده انصاردن بنو عمرو بن عوف نام * اخلاص پیشه
بطنله بنو غنم بن عوف نام نفاق اندیشه بطن ساکن اولورلر ایدی * جهول
ومخذول ابن ابی بن سلولک خاله زاده سی ابوعامر دخی اول کروه مکروه
داخلندن ایدی * ابوعامر مسفور جاهلیتده تنصر ایدوب پلاس تلبسیله
اظهار شعار تلبیس ایتمکله * ابوعامر الراهب ایله شهرتیاب اولوب * بعده
نبی صادق علیه السلام * اول منافقی ابوعامر الفاسق ایله تلقیب بیوردیلر
مقدما سلطان هردوسرا حضرتلری طیبه‌یه هجرتلرنده راهب مسفور
حضور سعادتموفور نبوی‌یه کلوب * جانب الهیدن کتوردیکک نه کونه
دیندر دیو سؤال ایلدکده * حضرت رسول الله دخی دین حنیف ابراهیمدر
بیوردیلر * لعین بی‌ملت حالا بن دخی اول شریعت اوزره‌یم دیدکده *
حضرت رسول الله بیوردیلر که سنک ظن ایلدکک دکلدر * بن بیضاء نقیه
اولدیغی حالده کتوردم * کافر مرسوم حضرت رب الانام کاذبی طریدا وحیدا
وغریبا اعدام ایلسون دیدی * فخر عالم صلی الله علیه وسلم حضرتلری
دخی نعم بیوردیلر * احد ملحمه سنده مرسوم ابوعامر کندی قومندن
اللی نفر کشتی ایله طرف رسالته کلوب * یا محمد سنکله مقاتله ایدن طائفه‌یه
البته معیت ومعاونت ایلمک لازمهٔ ذمتمدر کافر تمرد دیدی * واقعا
اول غوایت اوزره متثبت اولدی * تا که هوازنیلر وقعهٔ حنینده منهزم
اولدقده * اول تبه‌کار شام جانبنه فرار ایلدی واندن کندی قوم مستحق
اللومی اولان بنو غنم طرفنه نهانی بو مضمون اوزره مکتوب تحریر ایلدیکه *
بن قیصر طرفنه واروب بجد عسکر استصحاب ومدینه اوزره عزیمت ایلمک
قرارداده‌ٔ ذهن ملعنت انتسابم اولمغله * سزلر دخی مبلغ وسع ومقدرتکز
اولان ادوات واسلحه تدارک ایدوب حاضر ومهیا اوله‌سز * وبنمچون
بر مسجد که معناده دیر یخبر اوله چقدر بنا ایلیه‌سز * اول زمرهٔ دغل دخی
موجبیله عمل ایدوب شاه خطهٔ بعثت حضرتلری تبوک غزاسنه پادررکاب
عزیمت اولدقلری هنکامده اول طائفهٔ غیرخائفه درکاه نبالت پناهه کلوب *
یا رسول الله شدت شتاده مطر کیجه‌لرده اصحاب علل واعذار ایچون بر مسجد
مخصوص بنا ایلدک * آستان مکرمت بنیان نبویدن مسئولدرکه قدوم
مسعدتلزوملریله اول مسجدی شرفنما * وبزم ایچون خیر وبرکتله دعا

بیوره‌سز دیدیلر * صدر صفهٔ صدق وفلاح علیه التحیة فی المساء والصباح
حضرتلری * حالیا بن جناح سفر اوزره‌یم انشاالله تعالی بعد العود مأمولکز
انجاح اولنور بیوردیلر * غزوهٔ مزبوره‌دن رجعت اولنوب مدینه‌یه بر ساعت
مسافه ذی اوان نام منزله شرفورود لرنده * حضرت جبریل نازل اولوب *
والذین اتخذوا مسجدا ضرارا وکفرا وتفریقا بین المؤمنین وارصادا لمن
حارب الله ورسوله من قبل ولیحلفن ان اردنا الا الحسنی والله یشهد انهم لکاذبون
کریمه‌سنی درت آیته قدر ابلاغ ایلدی * هادم بنیان کفر وضلال حضرتلری
فی الحال مالک بن الدخشم ومعن بن عدی * وبرادری عامر بن عدی
جنابلرینه واروب * اهل ظالم اولان مسجد معهودی تخریب ایلیه‌سز دیو
امر وارسال بیورملریله * انلار دخی واروب احراق بالنار ایتملریله اهالیسی
متفرق اولدیلر * مهمه * مرقوم ذی اوان همزهٔ مفتوحه وواو والف
لینه ایله مضبوطدر * بکری علیه الرحمه‌دن منقولدرکه * محل مزبور
اروان نام چاهه نسبتله ذو اروان اولوب استعمالله رای مهمله ساقط اولمق
غالبدر * ومفسرین کرام ایت مرقومه تفسیرنده ذکر ایلدکلری معنای
شریفک مجملی بودرکه * زمرهٔ منافقین صورتا بر مسجد بنا ایدوب درونده
امام محراب دین حضرتلرینک ادای صلوة ایلمسنی نیاز ایلدیلرکه *
تصمیم کرده‌لری اولان فساد وکفر وعنادلک ترویجنه مدار اوله * لکن حق
سبحانه وتعالی رسولنی مشغلهٔ غزا سبیله انده نماز قیلمقدن مصون ایلدی *
قوله تعالی ضرارا * یعنی اول مسجد ایله اهل قبا مؤمنلرینه مضاره
ایتمک ایچون * وکفرا * یعنی اضمار ایتدکلری کفره تقویت ایچون * وتفریقا
بین المؤمنین * یعنی مؤمنلر بینینی تفریق ایلیه‌لر که انلار مسجد قباده
صلوة ایچون اجتماع ایدرلر ایدی * وارصادا لمن حارب الله ورسوله من قبل *
واندن مقدم الله تعالی ورسولنه محاربه ایدن ابوعامر فاسقه انتظار ایچون *
ولیحلفن ان اردنا الا الحسنی * یعنی انلار البته یمین ایدرلر که بز بنای مسجد
مزبور ایله انجق خصلت حسنا اراده ایلدک که صلوة وذکر ومصلینه توسعه‌در
والله یشهد انهم لکاذبون * الله تعالی شهادت ایدر که انلار یمینلرنده
کاذبلردر * وقعهٔ ایلاء * سنهٔ مزبوره‌ده قصهٔ ایلاء واقع اولوب حضرت
رسول الله بر ماه مدت ازواج مطهره‌دن عزلت بیوردیلر * ایلاء یمین
ایتمک معناسنه‌در * صورتی بودرکه برکون رسالتمآب حضرتلری حفصه
بنت عمر بن الخطاب حجرهٔ شریفه‌لرنده وساده پیرای عز واستراحت اولوب *
حفصه جنابلری بالاستیذان پدر مکرملری فاروق اعظم زیارتنه اعتزام

ایتمکله * رسول بیهمتا حضرتلری تنها قالمغین * جاریه‌لری ماریه قبطیه‌یی
طلب وانده خلوت بیوردیلر * بعده حفصه عودت وماریه‌یی نزد رسول
اللهیده رؤیت ایدیجک احساس کیفیت ایتمکله بیرون حجره‌ده توقف ایدوب
ماریه چقدقدنصکره ایچرویه دخول ایدوب * یا رسول الله ازواج سائره بیننده
بنم حجره‌مده وروز نوبتمده وفراشم اوزرنده ماریه ایله خلوتك وجهی ندر دیو
غیرتندن پرخشم اولوب گریه‌یه آغاز ایلدی * حبیب رب مجیب حضرتلری
حفصه‌یی تطییب قصدیله یا حفصه نرگس چشمك شبنم ریزنمرشك
اولمسون که * من بعد ماریه‌یی نفسمه تحریم ایلدم * سنك صفای خاطرك
بنم دلخواهمدر بیوروب * وبو سرك کتمانی ضمننده تحلیف بیوردیلر حوصلهٔ
حفصه‌یه بو مسرت کنجیده اولمیوب حضرت عائشه ایله بینلرنده کمال مصافات
اولمغله * یا عائشه بحمده تعالی ماریه‌دن رها بولدق دیو بطریق التبشیر کیفیتی
تقریر ایلدی * حفصه‌نك وجه مشروح اوزره افشای راز ایلدیکی * باوحی
الهی معلوم رسول اللهی اولمغله * بغایت منفعل اولوب برماه مدت جملهٔ ازواج
طاهراتدن عزلت بیورمق اوزره یمین ایلدیلر * یکرمی طقوزنجی کون حجرهٔ
صدیقه‌یی مقدم نضارت سرشتلریله رشك معلا قصر بهشت ایلدکلرنده *
حضرت صدیقه یا رسول الله حلف عزلت مدت یکماهه‌یه معلق اولمغله *
حالا بن یکان یکان سبحه شمار روزان وشبان اولمده‌یم * بوکون تمام یکرمی
طقوزنجی کوندر دیو تعجیل قدوملری حکمتندن پرسان اولیجق * حضرت
رسول الله یا عائشه بو آی یکرمی طقوز کوندر بیوردیلر * احجاج صدیق اکبر *
وسنهٔ مزبوره‌ده سرور انام علیه اتمی الصلوة والسلام حضرتلری صدیق اکبر
رضی الله عنه جنابلرین امیر الحاج الکرام نصب ایلملریله * ذی القعده‌ده
علی قول ذی الحجه‌ده اوچیوز نفر حجاج کرامله جانب بیت الله الحرامه احرامبند
اعتزام اولدیلر * بش رأس هدی دوه‌سی استصحاب ایلیوب * رسالتمآب
حضرتلری دخی یکرمی دوه همراه بیوردیلر * بر موجب امر عالی حضرت
صدیق عزم طریق ایلدکدنصکره * اوائل سورهٔ برأت نازل اولمغله * مجمع
حجاجده علی رؤس الاشهاد تلاوت ایتملك ایچون حضرت مرتضایی
عضبا نام ناقهٔ خاصه‌یه سوار * وعقب حجاجدن بعث وتسیار بیوردیلر *
بعض اصحاب کرام بو خدمتده صدیق اکبر مظهر اولمیوب مخصوص عهدهٔ
مرتضوی‌یه تفویض بیورلدیغنك سرندن استکشاف قلدقلرنده * حضرت ستوده
اوصاف آیات کریمه عهد ونبذی مشتمل اولمغله * کندی صنو محترمندن بریسی
تبلیغ ایتملك لازمدر بیوردیلر * واقعا عادت عرب بودرکه * بر ماده عهدی

باخود نقض عهدی متضمن اولسه اقاربدن برکسنه‌یی آکا متولی ایدرلر *
بو خصوصه سائر احکام علیه تبلیغنده چند دفعه عترت سنیه‌دن اولمیان صحابهٔ
کرام تعیین اولنمشدر * حضرت جابردن مرویدرکه صدیق اکبر معیتنده عرج
نام محله ورود * وجماعتله صلوة فجر اداسنه قیام اولنوب * تکبیرة الافتتاحه
رفع ایدیء مبادرت آننده وراءدن صوت عضبا مسموع اولمغله * بردن صکره
حضرت رسول الله حج ارادهسیله قادمه جنبان تشریف اولدیلر ملحوظیله
حضرت صدیق توقف ایلدیلر * جناب مرتضایی کوریجك امیرام رسول
تعبیریله جهت توجهلرندن استفسار ایتمکله حضرت مرتضی دخی
بل رسول بقرأة برأة علی الناس یوم الحج الاکبر دیو سورهٔ برأت قرأتنه
مأموریتله ورود ایلدیکنی اخبار ایلدی * بعده طی مراحل ایدرلك مکهٔ
مکرمه‌یه واصل اولوب * یوم ترویه‌دن برکون اول صدیق اکبر حضرتلری
علی ملاء الناس خطبه اوقیوب * امت محمدیه مناسك حج شریفی تعلیم ایلدیلر *
یوم نحرده اجناس ناس مناده مجتمع اولوب * انلرك بعضی مسلم وبعضی
مشرك ایدی * ومشرکینك بعضلریله میانه‌ده رشتهٔ عهد وپیمان منعقد
وبعضلری ردای عهد وپیماندن متجرد ایدی * وعهدلك بعضی مدتدن مطلق
وبعضی مدت محدوده ایله مقید ایدی * اول کون حضرت مرتضی جمرة
العقبه عندنده قیام ایدوب آواز بلند ایله * ایها الناس انی رسول رسول الله
الیکم دیو ندا ایلدی * خلق مادهٔ رسالتندن استقصا ایلدکده * حضرت
مرتضی سورهٔ برأت اولندن اوتوز علی قول قرق آیت کریمه تلاوت ایلدی *
بعده ابو هریره رضی الله عنه * بر بلوك صحابهٔ کزینله طرف طرف جنته انجق
مؤمن داخل اولور * بیت الحرامی عریانا کمسه طواف ایلمسون * وبو سنه
دنصکره کفار حج ایلمسون * ومیانه‌ده عهد اولمیوب یاخود عهدنی نقض
ایلمش یاخود هنوز عهدی استواردر * لکن مدتدن مطلقدر یاخود مدتله
مقیددر * اما منقضی اولمش یاخود درت آیدن نقصان قالمش اوله * ما حصل
اشبو اقسام خمسه‌یی مشتمل اولان طائفهٔ مشرکین مأمنلرینه واصل اولمق
ایچون درت آی امهال اولنوب * مدت عهدلری انقضاسنه درت ای یاخود
زیاده قالوب * وهنوز رخنه کیر نکث ونقض اولمیانلرك زمان عهدلری
تقریر * وابقا اولنمشدر دیو ندا ایلدیلر * ومقدما مشرکینله عهد عام بو سیاق
اوزره معقود اولمشیدیکه * بیت الحرامه متوجه اولنلری صد ومنع اولنمیوب *
واشهر حرمده فرد آفریده تخویف اولنمیه * بعده بنو ضمره وبنو کنانه‌دن
بر طائفه‌نك ماعداسی بالجمله بنای عهدی * هدم ایتمشلر ایدی * فسیحوا

فی الارض اربعة اشهر کریمه‌سی منطوقی اوزره ترخیص اولنان
درت آیك مبدأی روزندا اولان یوم نحردن اعتبار اولنمغله ذی الحجه‌نك
عاشرندن ربیع الآخرك عاشرنه قدر مدت اولور * بعضلر عندنده ذکر
اولنان آیات کریمه‌نك وقت نزولندن معتبردرکه ماه شوالدر * بوکه کوره
شوال وذی القعده وذی الحجه ومحرم اولور * لکن مذهب مرجوحدر * زیرا
آیات من قومه حضرت صدیقك خروجندن صکره نازل اولدی * حضرت
صدیقك خروجی وجه مشروح اوزره ذوالقعده‌ده یاخود ذوالحجه‌ده واقع
اولدی * ومنادات بابنده نازل اولان آیت واذان من الله ورسوله الی الناس
یوم الحج الاکبر کریمه‌سیدر * اذان اعلام معناسنه‌در * فعال وزننده افعال در
امان وعطا کبی * ویوم حج اکبردن مراد یوم عیددر * زیرا یوم مرقومده
تمام حج ومعظم مناسك وشعائری اعمال وادا اولنور * اعلام دخی یوم من بورده
واقع اولمشدر * حتی مرویدرکه حضرت برکزیدهٔ عالم صلی الله علیه وسلم
وداع سنه‌سی یوم نحرده جمرات عندنده واقف اولوب هذا یوم الحج الاکبر
بیوردیلر * وحج شریفدن فئهٔ مشرکین * یا ایها الذین امنوا انما المشرکون
نجس فلا یقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا * کریمه‌سیله ممنوع اولدیلر
طائفهٔ مشرکین ظاهرا وباطنا قذرلردر * زیرا ظاهرلری لوث کفر وضلالت
وباطنلری خبث کینه وعداوتله آلوده‌در * خذلهم الله تعالی * قصهٔ لعان *
وسنهٔ من بورده قصهٔ لعان واقع اولمشدر * فرمانفرمای ملکت بعثت علیه
افضل التحیة حضرتلری غزوهٔ تبوکدن عودت بیوردقدنصکره * والذین
یرمون المحصنات ثم لم یأتوا باربعة شهداء فاجلدوهم ثمانین جلدة ولا تقبلوا لهم
شهادة ابدا واولئك هم الفاسقون * کریمه‌سی نازل اولمغله خطیب منبر رسالت
حضرتلری جمعه کونی منبر اوزره علی رؤس الاصحاب تلاوت بیوردقلرنده
عاصم بن عدی الانصاری آیاغ اوزره قالقوب * یارسول الله نفسم سکا فدا
اولسون برکسنه زوجه‌سیله براجنبی آدم کوروب اول کسنه شاهد احضار
ایدنجه اول اجنبی اتمام مصلحتله عزیمت ایلیه جکی درکار * وغیره اخبار
ایلسه مظهر ضربات حد شرعی اولوب * ودین الاسلام فاسق ایله شهرت شعار
ومن بعد شهادتی ثبت سجل قبول اولمق فضاحتنه دوچار اوله جقدر * عجب
مشکلتر حالدر دیدی * جمعه آتیه‌دن مقدم عویمر بن حارث العجلانی الانصاری
عاصمه کلوب خاتونم خوله بنت قیس شریك بن سمحا برله زنا ایدرکن کوردم
دیدی * دردی دخی بنو اعمام ایدی عاصم استرجاع ایدرك حضور نبی مطاعه
کلوب یارسول الله جمعه کونی استصعاب ایلدیکم ماده شمدی بنم باشمه کلوب

خانمنده ظهور ایلدی دیوب عویمرك نقل ایلدیکی قضیه‌یی بیان ایلدی
سید الابرار حضرتلری اوچنی دخی احضار ایدوب * یا عویمر الله ذوالجلالدن
خوف ایلیوب عمزادهك اولان خاتونکه بهتان ایلمه بیوریجق * عویمر خدای
متعال حقی شریکی خاتونمك اوزرنده کوردم * ودرت آیدرکه اکا قربان ایلمدم
حالا زنادن حامله‌در دیدی * حضرت رسول الله خوله‌یه توجیه خطاب
ایدوب * یا خوله اللهدن خوف ایدوب ارتکاب ایلدیکك صنیعهٔ شنیعه‌یی بکا
خبر ویر بیوریجق * خوله سوزه کلوب یارسول الله عویمر ذاتنده مرد غیور
اولمغله بوکیجه شریکله طویل الذیل مسامره ایلدیکمی کوریجك غیرتندن
ناشی بکا بوکونه قذف ایلدی دیدی * بعده شریکدن دخی استنطاق
اولندقده اولدخی خوله‌یی تصدیق ایلمکله * رسالتمآب حضرتلری یا عویمر بینه
ایراد ایله یوخسه سکا حد قذف ایجاب ایدر بیورمغین * عویمر یارسول الله
خاتونیله تنها بریکانه مشهود اولسه بینه ایرادی نه کونه ممکن اولوردیدی * سید
الابرار حضرتلری بینه مقالی اولی تکرار بیوردیلر * آخرکار عویمر یارسول الله
سنی حق پیغمبر بعث ایدن خدای عدیم الانظار حقی دامن مقالم آلایش
افترادن پاکیزه‌تردر * طرف ربانیدن منتظرمدرکه بو بابده ظهرمی حد ضربه‌
سندن وارسته ایلیه جك آیت کریمه انزال بیوره‌لر * سرور انبیا حضرتلری دخی
اللهم افتح دعاسیله بو عقده‌نك انحلالنی درکاه عالم الخبایادن استدعا
بیورمللریله * والذین یرمون ازواجهم ولم یکن لهم شهداء الا انفسهم فشهادة
احدهم اربع شهادات بالله انه لمن الصادقین والخامسة ان لعنة الله علیه ان کان
من الکاذبین ویدرأ عنها العذاب ان تشهد اربع شهادات بالله انه لمن الکاذبین
والخامسة ان غضب الله علیها ان کان من الصادقین * کریمه‌لری نازل اولمغله
حسب الامر الصلوة جامعة نداسیله جماعت مسلمین مسجد شریفده جمع وصلوة
عصر ادا اولندقدنصکره * رسول منیع الجناب حضرتلری عویمره توجیه
خطاب ایدوب * یا عویمر خدای متعال جل عن الشبه والامثال سزك
خصوصده آیت کریمه انزال بیوردی دیوب قیام ایله امر بیوردیلر * عویمر دخی
ایستادهٔ مقام ابتهال اولمغله بالتلقین * اشهد بالله ان خولة لزانیة وانی لمن
الصادقین * اشهد بالله انی رأیت شریکا علی بطنها وانی لمن الصادقین * اشهد
بالله انها لحبلی من غیری وانی لمن الصادقین اشهد بالله ما قربتها منذ اربعة اشهر
وانی لمن الصادقین لعنة الله علی عویمر ان کان من الکاذبین * عبارتیله تحلیف
بیوردقدنصکره * خوله دخی قالقوب اشهد بالله ما انا زانیة وان عویمر لمن
الکاذبین * اشهد بالله ما رأی شریکا علی بطنی وانه لمن الکاذبین * اشهد بالله انی

لحبلى منه وانه لمن الكاذبين * اشهد بالله انه ما رأنى على فاحشة قط وانه
لمن الكاذبين * غضب الله على خولة ان كان من الصادقين * تعبيريله تحليف
اولندى * بعده میانلرین تفریق بیوردیلر مادۀ مرقومه عقدۀ اشتباهده
قالمغله حضرت رسول الله بیوردیلرکه * مشیمۀ خولهده مودوع اولان جنین
شو صفت اوزره متولد اولورسه عویمر صادق * وشو شمائل اوزره اولورسه
خوله نك مقالى واقعه مطابقدر * جنین معهود قدمنهادۀ ساحۀ وجود
اولدقده اوصافی ادعای عویمری مصدق اولمغله * سلطان انبیا حضرتلری
کوردکده بو بابده حکم قرآنی مسبوق اولمسیدی خوله یه معاملۀ دیکر اجرا
اولنمق مقرر ایدی بیوردیلر * مهمه * وتیرۀ مشروحه اوزره نفس لعانله فرقت
امام شافعی عندنده فسخ نکاحدر * امام اعظم عندنده تفریق قاضی ایله
طلاقدر * تتمه * وجه محرر اوزره لعان آیتنك سبب نزولی مادۀ عویمر اولدیغی
مختار بعض علمادر * قد انزل الله فیك وفی صاحبتك حدیث شریفنه تمسك
ایلدیلر * اما جمهور علما عندنده باعث نزول هلال بن امیه درکه غزوۀ تبوکدن
متخلف اولان اصحاب ثلثه دندر * زوجه سنی شریك بن سمحا ایله قذف
ایلمکله آیت لعان نازل اولوب واسلامده ابتدا لعان انلر حقنده عیان اولمشدر
وحدیث مرقومی قد انزل الله فیك وفی صاحبتك ما نزل فی حق هلال
معناسیله تأویل ایلدیلر * زیرا حکم قرآنی عام اولمغله خصوص سبب معتبر
دکلدر * امام نووی علیه الرحمه بو وجه اوزره توجیه ایلدیکه * آیت مرقومه
محتملدرکه هم عویمر وهم هلال ماده لرنده نازل اوله * ملحوظدرکه ایکیسیده
وقت متقاربده سؤال ایدوب * حضرت رسول الله هر برینك ماده سنده
اللهم افتح دعاسیله استفتاح اشکال بیورمغله * آیت کریمه نازل اولوب وهلال
لعان امرنده عویمره سابق واسلامده ابتدا مظهر حکم لعان اولان هلال اوله
منقولدرکه برکون سعد بن عباده درکاه نبویدن استفسار ایلدیکه * یا رسول الله
برکسنه زوجه سیله بر اجنبی یی زنا ایدر کوردکده اول اجنبی یی قتل ایتمکه
مساغ وارمیدر * سلطان الانبیا حضرتلری لا بیورمغله * سعد یا رسول الله
سنی حقله بعث ایدن خدای متعال حقی معاذالله بن اویلجه کورسم بی
تراخی قتل ایدرم دیدی * مفخر عالم صلی الله علیه وسلم حضرتلری صحابۀ
کرامه ایشیدیورمیسز سیدکزنه سویلیور بیوردیلر * سعدك بو جوابی حاشا
جانب نبوی یه جسارت ردو مخالفت اولمیوب * بلکه غیرت جبلیه سنی اخباردر
حق شاه کشور بعثت حضرتلری انه لغیور وانا اغیر منه والله اغیر منی
بیوردیلر * وغیرت الٰهی بابنده بو حدیث شریف دخی وارد اولمشدر * لا اغیر

من الله من اجل ذلك حرم الفواحش ما ظهر منها وما بطن * ولا احب الیه
العذر من الله ومن اجل ذلك ارسل الرسل مبشرین ومنذرین * ولا احب الیه
المدح من الله ومن اجل ذلك وعد بالجنة * لیکثر سؤال العباد ایاها والثناء
منهم علیه * بو بابده طرف مرتضوی یه معزو اولان فرائد ابیاتندندر
ان سعد الغیور * والنبی اغیر منه * واله العرش اغیر * هکذا اخبر عنه
وحمار الوحش یخصی * ابنه کیلا یحنه * جرد السیف لرأس * طارت النخوة منه
قصۀ رجم * وسنۀ مزبورهده ایکی کمسنه رجم اولنمشدر * بریسی ماعز بن
مالك درکه درکاه رسالت دستکاهه کلوب یا رسول الله بنی تطهیر قیل دیدکده
* حضرت سید الابرار و یحك رجوع واستغفار ایله بیوردیلر * برمقدار
کتدکدنصکره ینه عودت ایدوب کلام اولی تکرار ایلدی * ینه جواب
مرقومله مجاب اولدی * ما حصل درد نجیده یا ماعز سنی ندن تطهیر ایده یم
بیوریجق * ماعز دخی بنی زنادن پاك ایله دیدی * فخر عالم حضرتلری بو آدم
مجنونمیدر بیورمغله مجنون اولمدیغی خبر ویردیلر * خمر استعمال ایدرمی
بیوردقده حضاردن بری دهاننی استشمام ایدوب اثر بوی خمر اولمدیغنی
افاده ایلدی * پس سرور عالم حضرتلری یا ماعز بلکه اشارت ایلدك یاخود
تقبیل ونظر ایتدك اوله بیوریجق * ماعز لا دیدی * حضرت علیه السلام
امدی وقاعمی ایلدك بیورمغله * اول دخی نعم دیو اقرار ایتمکله * بر موجب
حکم شرعی رجم اولندی * ایکی یاخود اوچ کون مرورنده حضرت
رسول الله اصحاب کرامه متوجه اولوب ماعز بن مالك ایچون استغفار
ایلیه مز خدا حقی بر توبه ایلدیکه جملۀ امت محمد بینلرنده توزیع اولنسه مجموعنه
کفایت ایدر بیوردیلر * ایکنجیسی ازد قبیله سندن بر زن عامدیه درکه * استان
مخلد الاقبال نبوی یه کلوب * یا رسول الله بن زنا ارتکاب ایلدم نیاز
ایدرمکه بنی بو کناهدن تطهیر یعنی حد شرعی نه ایسه اجرا بیوره سز دیجك
مفخر عالم حضرتلری اول خاتونی رد ایلدی * فرداسی ینه کلوب قول اولی
تکرار وغالبا ماعز کبی بنی دخی تردید بیوریجقسز * خدای لم یزل حقی حالا بن
زنادن حامله دیدی * حضرت رسول الله وضع حمل ایدنجه قدر صبر ایله
بیوروب بعد الوضع اول خاتون طفلنی الوب حضور نبوی یه کلدی اشته وضع
حمل ایلدم دیو طفلنی ارأت ایلدی * حضرت علیه السلام کیدوب بو طفلی
ارضاع ایله بیورمغله دونوب کتدی * بعد الفطام ینه حضور سید الانامه
کلوب اول طفلك الندهٔ بر نان پاره اشته یا رسول الله سوددن کسلدی واتمك
تناول ایدر اولدی دیدی * پس صاحب شریعت حضرتلری اول طفلی

برمسلمانه تسلیم بیوردقدنصکره امر ایلدی * برحفره حفر ایلدیلر * اول خاتونی سینه سنه قدر رمس ایلیوب * سنکسار ایلدیلر * خالد بن ولید حضرتلری اول خاتونك باشنه برطاش اوروب کندی یوزینه قان مترشش اولمغله خاتونه دشنام ایدیجك * حضرت رسول الله بیوردیلرکه * یاخالد صقن سب ایلمه نفسم قبضهٔ قدرتنده محکوم اولان حضرت قیوم حقی اشبو خاتون برتوبه ایلدیکه اول توبه یه صاحب مکس یعنی باج وکرك الان کسه مظهر اولسه نائل مغفرت اولور بیوردیلر * بعده امر بیوروب تجهیز وتکفین اولندقدنصکره نمازنی پیشوای محراب دین حضرتلری ادا بیوردیلر * رضی الله تعالی عنها *

مات معاویة کسری ذوالبجا * ابن سلول ام کلثوم النجا

وفی سنة سب مات معاویة وکسری وذوالبجادین وابن سلول وام کلثوم والنجاشی تقدیرنده در * مصراع اول وثانی صنایع بدیعیه دن صنعت اکتفایی مشتملدر * زیرا ذوالبجا ذوالبجادین کلمه سندن * والنجا النجاشی لفظندن اکتفا اولنمشدر * بیت من قوم التی لایجه بی متضمندر * وفات معاویه * من دن کسری * وفات ذوالبجادین هلاك ابن ابی بن سلول * وفات ام کلثوم بنت الرسول علیه السلام وفات نجاشی * وفات معاویه * وسنهٔ مزبوره ده معاویة اللیثی رضی الله عنه جانب عقبایه عازم اولدیلر * سلطان انبیا حضرتلری غزوهٔ تبوکده اولدقلری اثناده مومی الیه مدینه ده متوجه دارالبقا اولوب * مفخر هردوسرا حضرتلری تبوك منزلنده صلوة جنازه سن ادا بیوردیلر * ابن کثیردن مرویدرکه * بیهقی علیه الرحمه بالاسناد انس رضی الله عنه حضرتلرندن روایت ایتمشدرکه * بزلر تبوك ملحمه سنده رکاب مستطابده موجود اولوب * برکون افتاب عالم ارا جمال جهانتاب رسول الله اسامسبوق اولمیان شعشعه وضیا برله طلوع ایتمکله * نیر برج اجلال حضرتلری جبریل امیندن حکمتنی سؤال بیورمغله * جبریل امین یارسول الله مدینه ده بوکون معاویه واصل لقای رحمانی اولمغله امر ربانیله یتمش بیك ملائکهٔ کرام نازل ونمازنه حاضر اولدیلر دیدی * حضرت رسول الله معاویه نك بومعامله تکریمه جهت استحقاقندن استکناه بیورمغله جبریل امین لیل ونهار سورهٔ اخلاص شریف تلاوتنه مواظبتکار اولمغله بوتشریفه سزاوار اولدی * اکرمرادعالی اولورایسه بساط ارضی طی ایده یم نمازنی ادا بیوره سز دیجك * نبی مفضال حضرتلری اقبال بیورمغله بامر خدا طومار ساهره منطوی اولوب نمازنی ادا بیوردیلر * بیهقی بوحدیثی طریق اخردن

دخی روایت ایدوب بعده تکارتیله حکم ایلدی * مردن کسری * وسنهٔ مزقومه ده اکاسرهٔ عجمدن شهریار بن شیرویه بی امراسی قتل ایدوب بوران نام دخترنی سریرسلطنته اجلاس ایلدیلر * وفات ذوالبجادین * وسال مزبورده تبوك منزلنده عبدالله ذوالبجادین المزنی قضای نحب زندکانی ایلدی * مومی الیه مزینه قبیله سندن اولوب مقدما مشعلهٔ هدایت جناب کبریا ایله دارالظلام کفرو ضلالدن رها بولمغله * قومی کندوسنه شصت واحددن سهام انداز عداوت وجملهٔ مالنی نهب وغارت ایتمشلریله همان اوزرنده بجاد نام برشال غلیظ قالوب * بالاخره آستان ابدی الاحتشام طرفنه اعتزام ایلدی * مدینه یه تقربنده بجاد مرسومی ایکی پاره ایدوب برنی ازار ودیکرنی ردا ایلدی * مدینه یه داخل اولدیغی کیجه مسجد نبویده بیتوتت ایدوب بعدصلوة الفجر شرفیاب دیدار سعادتمدار نبوی اولدقده * سید الابرار حضرتلری نام وشانندن استفسار بیوریجق مزنی عبدالعزی اولدیغنی اخبار ایتمکله * رسالتپناه حضرتلری اسمنی تغییر ایدوب عبدالله ذوالبجادین ایله تسمیه بیوردیلر * وکندوسنه بغایت توجه والتفات بیورمغله مظهر قرب مکانت اولوب * دائما حضور عزتمحصوره ملازمت وقران کریم تلاوتنه مثابرت ایلدی * موکب همایون معیتیله تبوك غزوه سنه عزیمت ایدوب انده حمایه مبتلا وچندروز صکره عازم دارالبقا اولمشدر * بالنفس شاه علیین مسند حضرتلری مزارنه ماننده قندیل رحمت نازل اولوب شیخین مکرمین حضرتلرینه برادریکزی بکا اسدال ایدك دیو امر بیورمغله * انلار دخی ایکی طرفندن طتوب آشاغی ادلا ایلدیلر * سلطان انبیا حضرتلری لحده ایداع بیوردقلری حالده * الهی بن عبدالله قولکدن راضیم سنده راضی اول دیو دعا ایلدیلر * عبدالله بن مسعود بوکلام شریفی ایشیدیجك کاشکی صاحب مزار بن اولیدم دیو تمنا ایلدی * هلاك ابن ابی بن سلول * وسنهٔ مزبوره ذی القعده سنده ابوالحباب عبدالله بن ابوالحارث بن عبدکه ابی بن سلول ایله مشتهر نفاق وملعنت مجبول کاب جهول قردفضول خنزیر مخذولدر منواریٔ خاك تیره نالهٔ هلاك اولدیغی منقولدر * سلول مرسومك والده سی اسمیدر * خزاعه قبیله سندن ام ابی مالك بن سالم بن غنم بن عمرو بن خزرج در مسفور ابن ابی بن سلول مسبوق الذکر اولان ابوعامر فاسقك ابن خاله سیدر حباب حای مهمله نك فتحیله هالك مرسومك فرزندیدرکه حضرت رسول الله عبدالله ایله تسمیه بیوردیلر * مسفور ابن سلول * جاهلیتده خزرج بیننده وقع وشان صاحبی اولمغله اهل قبیله کندوسنی حاکم ایتمك صددنده

اولوب * حق برمس صبح تاج مهيا ايلديلر * هجرت نبوی وقوعنده شرف
دنيوی اولان حكومت غائله سی باطل اولمغله جانب جلی المناقب محمدی يه
بغض وحسد ايتمكين منافق اولمشدی * نفاق سببيله شرف دينی وسعادت
اخرويدن دخی محروم اولمغله خسر الدنيا والاخره صدمه سنه مظهر اولدی سنهٔ
مرقومه شوالی اواخرنده خسته اولوب يكرمی كون اسير فراش اولمغله كاه وبيكاه
حضرت رسول الله خانهٔ مرسوم عاقبت تباهه تشريفله عيادت بيوررلر ايدی
حتی حالت احتضارنده دخی بولنوب يا عبد الله بن سنی يهود محبتندن
منع ايتمزميدم سوزمی اصغا ايلمدك * بر روايتده طائفهٔ يهوده محبت اخرسنی
هلاك ايلدی بيوريجق * اولدخی عبد الله بن زراره انلاره عداوت ايدر ايدی *
بنه پنجهٔ منشبهٔ موتدن رها ياب اولمدی * قالديكه حالا لوم وسرزنش وقتی
دكلدر * كرم ايدوب بنم غسلمه حاضر اولوب وجود بهبودكزه مماس اولان قميص
شريفكز ايله بنی تكفين * ونمازمی بالذات جناب جليل الصفات ادا *
وروحم ايچون استغفار بيوره سز ديو نيازكار اولدی * چون سنك راه خذلان
اولان وجود شقوت اقترانی منهج حياتدن مطرود اولیجق * رسول كريم *
صاحب خلق عظيم * عليه التحية والتسليم * حضرتلری مخذول مقهورك
رجاسنه اسعافله پيراهن ايمنلرين تكفين ايچون عنايت * ونمازنه ده مبادرت
بيوردقلرنده * فاروق اعظم حضرتلری * يارسول الله اول منافقك نمازنه
واقعا حاضر اولورميسز ديو مستغربانه سؤاله تصدی ايديجك * رسول جليل
الخطر حضرتلری يا عمر حق جل وعلا بو خصوصده بنی * استغفر لهم
او لا تستغفر لهم ان تستغفر لهم سبعين مرة فلن يغفر الله لهم * كريمه سی
موجبنجه مخير ايلدی * وانك ايچون يتمشدن زياده استغفار ايدرم بيوروب
نمازنی دخی ادا * ودفننده ده حاضر اولديلر * اول آنده * ولا تصل علی احد منهم
مات ابدا ولا تقم علی قبره انهم كفروا بالله ورسوله وماتوا وهم فاسقون *
كريمه سی نازل اولمغله * من بعد كروه مكروه منافقين اوزره نمازدن ممنوع
اولديلر * منقولدركه مقدما معركهٔ بدرده حضرت عباس مسلوب
اللباس اسير اولوب ستر بدن ايچون بر پيراهن اقتضا ايتمكله * بالا بلند اولمغين
بركسنه نك پيراهنی قامت والانهمتنه راست وموافق كلميوب * مرسومك
پيراهنی مطابق اولمغله اعطا ايتمشيدی * ستوده صفات عليه اصفی التحيات
حضرتلری قصد مكافاتله قميص سعادت سماتلرين احسان بيورديلر *
بو معامله سرندن اصحاب كرام استعلام ايلدكلرنده بنم پيراهن وصلواتم
اكا مغنی ومفيد اولمز * خدای مستعان حق اميدم بودركه بو سببله بيك منافق

مسلم مخلص اوله بيورديلر * فی الحقيقه طرف نبويدن بو معامله بالجمله
صدوری وسيله سبيله بيك منافق زمرهٔ مخلصينه لاحق اولديلر * بديعه
مرسوم ابن سلول يتمش باشنده حفرهٔ سعيره حلول ايلدی * نته كه صدر
الدين قنوی * عليه رحمة الملك القوی * حديث اتی البيان شرحنده ذكر
ايتمشدر * بينما رسول الله صلی الله عليه وسلم ذات يوم بالمسجد مع اصحابه
اذ سمعوا هدة * فقال اتدرون ما هذا * قالوا الله ورسوله اعلم * قال هذا صوت
حجر كان علی شفير جهنم * فسقط فيها منذ سبعين سنة يهوی والان وصل
الی قعرها * فاتم كلامه عليه السلام * حتی سمعوا الصراخ فی بيت عبد الله
بن ابی بن سلول * واذا عمره سبعون * يعنی بركون سرور انام عليه الصلوة
والسلام حضرتلری اصحاب كرامله مسجد شريفده حلقه بند ارام ايكن *
ناكاه بر عظيم طراقه مسموع اولمغله * مظهر مظاهر اسرار حضرتلری
بو طراقه ندر * بيلورميسز ديو استفسار بيوريجق * صحابهٔ كرام دخی
الله ورسولی بيلور ديو اديبانه استعلا ايلمرله * بلبل گلزار وما ينطق
عن الهوی حضرتلری * بيورديلركه جهنمك كنارنده بر حجر عظيم وار ايدی *
جهنمه دوشوب يتمش سنه دركه قعرنه واصل اولمامشيدی * شمدی واصل
اولمغله انك طراقه سيدر * بو كلام حكمت انتظاملری هنوز رسيدهٔ حرف
ختام اولمامشيديكه * ابن سلولك خانه سندن اواز نوحه ظهور ايلمكله *
اصحاب كرام واقف مزيت ومرام اولوب * حساب ايلديلركه ابن سلول يتمش
باشنده درك اسفله نزول ايلمش * اشبو اشارت عليه تأمل وامعان اولنسه
دقايق عديده يی مشتمل اولديغی متبين اولور * اولا ثم قست قلوبكم من بعد ذلك
فهی كالحجارة او اشد قسوة * كريمه سی موجبنجه مرسومك قسوت قلبنه
نظرا حجر ايله تعبير اولندی * زيرا قسوتك معناسی صلابته مقارن غلظتدر *
مادهٔ حجرده اولديغی كبی * بودكلو عبر وماثردن متأثر اولمامغله * تعريض
وكنايه دن عدول اولنوب عين حجر ايله حكم اولندی زيرا كفرنی اظهار ايدن
كافرك قلبندن منافقك خصوصا سكز سنه سكز ماه حضور رسول اللهه تردد
وملازمت * واصحاب كرامله اختلاط والفت ايدوب * قران كريم استماع وبو قدر
خوارق عادات ايات بينات معاينه ايتمشيكن * بنه قطعا قلب مكدرينه اثر
صفوت عارض اولميان منافق مسفورك قلبی اقسی واغلظ اولديغی بديهيدر *
طائفهٔ منافقين * كمال خباثتلرندن ناشی * ان المنافقين فی الدرك الاسفل
من النار ولن تجد لهم نصيرا * نص شريفی اوزره جهنمك طبقهٔ سفلاسنه
سزاوار اولديلر * طائفهٔ مزبوره اخبث فرقهٔ كفاردر * زيرا كفر وضلالت

اوزرینه استهزاء بالاسلام وخداع للمسلمین مکارهنی دخی ضمیمه ایتملریله * دوبالا کافر اولملریله جمله کفارك تحتنده مظهر عذاب ابدی اولدیلر * ثانیا * یتمش سنه دنبرو درون دوزخه هابط اولوب قعرینه شمدی واصل اولدی تعبیریله * مسفورك ولادتی کوننددنبرو تدلی فی النار موجب درجه نفاقده ترقیسنه اشارت بیورلمشدر * ثالثا * قعر جهنمه سقوطنده ظاهر اولان طراقه عالم دنیایه نظر محسوساتدن اولمیوب * امور معنویه دن ایکن جمله نك مسموعی اولمق ابدع بدایعدر * وهو القادر علی کل شیء * وفات ام کلثوم بنت النبی علیه السلام * وسنه مزبوره ده ام کلثوم بنت رسول الله علیه الصلوة والسلام روضه اریضه بهشته خرام ایلدی * همسر ذی النورین اولمغله بغایت محزون اولمغین * پیغمبر عالیشان حضرتلری * لو کان عندی ثالثة لزوجتکها یا عثمان بیوردیلر * تفصیلی ماده نکاحنده کذران ایلدی * وفات نجاشی * وسنه مزبوره رجبنده اصحمة النجاشی وداع خدم وحواشی ایتمکله * رسالتمآب حضرتلری اول کون اصحاب کرامه توجیه خطاب ایدوب برادرکز اصحمه ملك بقایه ارتحال ایلمکله نمازنی ادا ایلیه لم بیورمغله * حسب الاشاره جمله اصحاب کرام معیت سید الانامده مصلایه خروج * وترتیب صفوف اولنوب درت تکبیر ایله نجاشی ایچون صلوة الغیبه ادا بیوردیلر * نجاشی مرحومك تفصیل قصه سی سال ستینده کذرا ایلدی *

کتاب قیصر مخلفونا * وفودها تسع واربعونا

کتب کتاب قیصر ووجد مخلفون ووفودها تسع واربعون وفدا تقدیرنده * وفودها ضمیری سنه مزبوره یه راجعدر * اضافتی ظرفیه در * الف مخلفونا واربعونا اطلاقیه در * وفود وفدك جمعیدر * وفد اسم جمع وافددر * رکب وراکب کبی * امام نووی بیانی اوزره وفد اول جماعتدرکه عظما طرفنه ارسال ایچون اختیار اولنه * بیت مرقوم اوچ لایحه یی مشتملدر * مکتوب قیصر روم * احوال مخلفین * بیان وفود * مکتوب قیصر * وسنه مزبوره ده سپهسالار اسلام علیه الصلوة والسلام حضرتلری منزل تبوکدن حمص نام بلده ده متمکن اولان قیصر روم طرفنه نامه تحریر وتسییر بیوردیلر * نامه سعادتعلامه نك وصولنده دفعه اولی کبی جمله بطارقه واساقفه سنی جمع * وباب قصری بند ایدوب * ای کروه نصاری دعوای نبوت ایدن ذات شریف شمدی بو سمته قریب کلوب وطرفمزه نامه ارسال وبزلری اسلامه یاخود جزیه ویا قتاله دعوت ایلمش * قلدیکه کتب سماویه ناطق اولدیغی اوزره جمله کزك معلومی درکه * موعود بعثت اولان پیغمبر اخرزمان بو ذات عالیشاندر *

وما لکنکزی نزع ایلیه جکدر * حالا بزم ایچون ایکی طریق واردر * یا دیننه تبعیت یا خود جزیه وخراجه تسلیم رقبه طواعیت ایلمکدر دیدکده * جمله سی بردن قالقوب سن بزی نصرانیتی ترك ایدوب حجازدن کلمش بر مرد عربی یه بنده اولمغه سوق ودعوت ایده یورسن دیو تشنیع ایدرك * باب غرفه یه پویان اولدیلر * قیصر اول بدکهرلردن بو وضعی مشاهده ایدیجك طشره ده طائفه رومی افساد وبنیان سلطنتی برباد ایلیه جکلرنی تیقن ایلمکله * دامن مدارایه تشبث ایدوب * بنم مخاصمم ادم سزی امتحاندر * شمدی دینکزده ثبات وصلابتکز یقینا معلومم اولمغله طرفکزه دوبالا توجه ومحبت ایلدم دیو تحسین وثنا وهر برین رعایت ونوازش ایله اسکات وارضا ایلدی * اول شرذمه ضلال دخی اینانوب مجددا سر فرو برده زمین ابتهال اولدیلر * بعده بر مکتوب ترقیم ایدوب تنوخ قبیله سندن بر اعرابی یدیله فرستاده درکاه نبی کریم ایلدی * اول اعرابی یه امتحان کونه اوچ نسنه سپارش ایلدی * ابتدا ملاقات ایتدکده بکا مکتوب تحریر ایلدیکنی ذکر ایدرمی * ثانیا لیل ونهار بحثنی ایراد * ثالثا کتفینی بیننده اولان علامتی کشاد ایلرمی دیدی سفیر مرسوم دخی درکاه رسالتپناهه کلوب مکتوب قیصری تقدیم ایلدکده * شاه خطه مجد واجلال حضرتلری * مکتوبی زانوی مکرملری اوزره وضع ایدوب سن نه قبیله دن اولورسن دیو سؤال بیورمغله اولدخی تنوخ قبیله سندن اولدیغنی افاده ایلدی بعده * سید الابرار حضرتلری جدلری ابراهیم علیه السلام ملتی اولان دین اسلامه رغبتك وارمیدر دیو استفسار بیورمغله اولدخی بن بر قومك سفیری وبر قومك همدینییم * انلاره مراجعت ایلمدکجه دینمدن رجوع ایلمم دیجك * حضرت رسول الله تبسم ایدوب * انك لا تهدی من احببت ولکن الله یهدی من یشاء * کریمه سنی تلاوت بیوردقدنصکره * یا اخا التنوخ بن کسرای عجمه نامه کوندردم نامه می تمزیق ایتمکله * خالق الافلاك جل شانه ید قهر ونکالله عصابه وجود وسلطنتنی چاك چاك ایدر * وهرقل طرفنه مکتوب تحریر ایلدم * مکتوبمه تعظیم ایتمکله مکتوبم یاننده قالدقچه ملکی دخی پاینده اولور بیوریجق * سفیر هذه احدی الثلاث دیوب ترکشندن بر تیر اخراج واوزرینه قید ایلدی * بعده امر صاحب سعادتله معاویه جنابلری مکتوبی قرائت ایدوب یا محمد سن بزی عرضی سموات والارض اولان جنته دعوت ایده یورسن * امدی جهنم نیرده قالور دیو سؤال تحریر اولنمغله * حضرت رسالتپناه سبحان الله نهار تقادمنده لیل نیرده قالور بیوریجق * سفیر مرسوم اینی دخی ثبت ایلدی * بعده سید نبیل حضرتلری اصحاب کرامه

متوجه اولوب * يوسفيرى كيم نزيل ايدر يورمغله برمدانصارى الوب
برمقدار كيتدكدنصكره * سلطان انبيا حضرتلرى ياخ التنوخ ديوندا ايلمكله
اولدخى دونوب حضور ابهت محصوره مثولنده * مبارك ارقه لرندن حبوۀ
رداسنى حل ايدوب * سپارش اولنان ماده يه كلوب نظر قيل بيورمغله
سفيردخى كتفين مكرمين بيننه نكاه ايدوب * خاتم نبوتى مشاهده ايلديلر *
وعودتنده قيصره كيفيتى نقل ايدوب ملكنه شحاحنله پاينده كفر وضلالت
اولدى * احوال مخلفون * سنه مرقومه ده غزوۀ تبوكدن مدنى واعرابى
متخلفون قصه سى واقع اولمشدر * معلوم اوله كه مطلقا مخلفون
من بورون سكز صنفدر * صنف اول * تخلفله مأمور ومأجورلردر * بريسى
محمد بن مسلمه دركه مدينه ده اجلاس مسند خلافت اولندى * وبريسى
حضرت مرتضادركه * امور سعادتخانۀ نبوى تمشيتنه مأمور اولدى *
صنف ثانى * اصحاب عذردركه مالا وبدنا سفر براولمغه لياقت واقتدارلرى
اولميان فرقه در * جهينه ومزينه وبنو عذره قبيله لرى كبى كه مجموعى سكسان
ايكى نفر كسه لر ايدى * صنف ثالث * بكاؤن سبعه دركه فقراى متخلفيندن
معدود اولوب * لكن حزن وبكالرى سببيله انلاردن متميز اولمشلر ايدى *
طرازيدۀ كلك بديع النقش اولديغى اوزره هنكام عزيمتده حضور نبوى يه كلوب
ركاب مستطابده بولنمق نيازنده اولمجق * راحله قالمديغى اخبار بيورلمغله كريه
وزارى ايليه رك رجعت ايلديلر * ولا على الذين اذا ما اتوك لتحملهم قلت لا اجد
ما احملكم عليه تولوا واعينهم تفيض من الدمع حزنا ان لا يجدوا ما ينفقون *
كريمه سى انلارك شاننده نازل اولدى * بعده اول رهط عزتنصابدن ايكى نفرينى
حضرت عباس واوچنى حضرت عثمان وايكيسنى يامين بن عمرو النضرى تعهد
واستصحاب ايلديلر * صنف رابع مجترؤن دركه * بلا عذر ولا استيذان بلكه
جرأة على الله والرسول تخلفله مخذول اولديلر * عبد الله بن سلول وسائر
منافقين كبى * حين تخلفده ارجاف مسلمين ايچون القا ايلدكلرى هذيان
مقدما بيان اولنمشيدى * وقعد الذين كذبوا الله ورسوله * الاية كريمه سى
منطوقنجه قاعدون بونلاردر * صنف خامس * دخى بونلار كبى منافقوندر *
لكن تخلف ايچون اعذار فاسده ايراد ايلديلر * جد بن قيس كبى كه * شهسوار
عرصۀ ملت بيضا حضرتلرى جلاد بنى اصفرده بره همپا اولورميسن
بيوردقجه * اول نامردسيهكار بنو اصفر دخترلرين پيشدار اعتذار ايتمكله *
مظهر اعراض سيد الابرار اولمشيدى * بنو اسد وغطفان دخى عدم قدرت
وكثرت عيال كبى اعذار واهيه بيانيله متخلف اولمشلر ايدى * وجاء المعذرون

من الاعراب ليؤذن لهم كريمه سى منصوص اولان معذرون بونلاردر *
بعضلر عندنده بنو عامر بن طفيلدن بر طائفه دركه عزيمت صورتنده طى قبيله
سيله ميانمزده عداوت اولمغله * احراز فرصت ايدوب خانمانمزه هجوم وغارت
ايدرلر ديو بسط معذرت ايلديلر * فائده * ذكر اولنان آيت كريمه ده معذر لفظى
اسم فاعلدر تعذيردن مأخوذدر * يقال عذر فى الامر بتشديد الذال اذا اوهم
ان له عذرا ولا عذر له * يعنى عذرنده محق اوليانه معذر اطلاق اولنور *
يا خود اعتذاردن مأخوذدر * تا ذاله قلب اولنوب ادغام اولندقده حركتى
ماقبلنه ويرلمشدر * يقال اعتذر اى مهد العذر * صنف سادس * معترفون
دركه بو بابده صادر اولان زيغ واعتسافلرينه اقرار واعتراف ايتمشلردر * واخرون
اعترفوا بذنوبهم خلطوا عملا صالحا واخر سيئا عسى الله ان يتوب عليهم *
كريمه سى انلار حقنده نازل اولدى * وانلار يدى نفر كسه در * ابو لبابه
واصحابيدر * بلا عذر تخلف ايدوب متخلفين حقلرنده نازل اولان وعيد
شديدى علرى اولنجق كندولرنى اسطوانۀ مسجد نبوى يه بندايلديلر * شاه مسند
بعثت حضرتلرى غزادن عودت بيوردقده سنت سنيه لرى اوزره مسجده
داخل اولوب وراء لرنده ايكى ركعت نماز ادا ايلدكدنصكره * بونلرك احوالندن
استفسار بيورمغله * اصحاب كرام دخى بونلر متخلف اولمغين زجرا لانفسهم
كندولرين بو رسمه مربوط ومشدود * وانحلال خصوصنى ناخن عنايت
نبوى يه تعليقله رشتۀ عهد وپيمانلرين معقود ايلدكلرين اخبار اتدكلرنده *
سرور كزين حضرتلرى بنده دخى حقلرنده امر الهى صادر اولمدقجه حل ايلم
ديو يمين ايتملريله * او حال اوزره قالديلر * بعده ذكر اولنان ايت كريمه نازل
اولوب توبه لرينك مقبول بدركاه تواب اولديغى متحقق اولمغله * دست همت
مصطفويله رهاياب اولديلر * عسى كلمه سى كه ترجى معناسنى متضمندر طرف
الهيدن ايجابه دالدر صنف سابع * واخرون مرجون لامر الله اما يعذبهم واما
يتوب عليهم والله عليم حكيم كريمه سى موجبنجه مرجؤن دركه كعب بن مالك
ومرارة بن الربيع وهلال بن اميه در * كعب جنابلرندن مرويدركه * كريم
الخمائل حضرتلرى مدينه يه واصل اولدقدنصكره حضور عاليلرينه مائل اولدم
بنى كوريجك غضبانه متبسم اولوب بنى پيشكاه سعادتلرينه احضار *
وسبب تخلفمدن استفسار بيورمغله * بنده خى مرتعبا بوكونه بسط مقال
ايلدمكه يا رسول الله عز وسعادتله بو غزوۀ غرايه نهضت همايون وقوعنده *
قوت وقدرتم ازيد من الاقدم اولوب بر وجهله عذروعلتم يوغيدى * جناب
منيع الجنابدن ماعدا بركسه اوليدى فن جدلده مهارتم تقرير خطابيات

وشعر یاتدن بعض مقدمهٔ معذرت سردو بیانیله سر پنجهٔ مؤاخذه سندن تخلیص کریبان ایلك ممکن ایدی لکن خدا حق حضورمکرمتمداره قطعا بسط اعذار ایلم * زیرا معلوممدرکه اعذار واهیه ایرادیله قلب مکارم نهاد کزه اعتماد ویرسم * صاعقهٔ قهر وغضب الهیدن نجات بولمیه جغم درکار واکر طوغریسنی سویلرسم آزرده دل اوله جغکز بدیداردر * لکن بهمه حال عفو وعنایت رب لایزالدن مأیوس دکلم دیدکده * پیغمبر عالیشان حضرتلری سن راست سویلدك امدی وارکندی شغلکده اول کوره لم * حقکده نه کونه امر الهی صادر اولور بیوردیلر * ومرارة بن الربیع * وهلال ابن امیه دخی بو معامله اوزره جواب ایتملریله * امر سماوی نزولنه معلق اولدیلر * بعده دیوان رسالتدن بو سیاق اوزره فرمان عالی شرف صدور ایلدیکه بو اوچ کمسه ایله اهل اسلام معاشرت ومصاحبتدن تبری ایلیه لر * حسب الامر انلاردن جملهٔ مسلمین متجافی ومتجانب اولوب تصادف ایلدکلرنده کناره کیر اولورلر ایدی ناچار مراره وهلال خانه لرینه قپانوب قطعا بر یره چقمدیلر ولیل ونهار کریه وزاری ایدرك کوشه نشین اندوه واکدار اولدیلر * لکن کعب جماعته حاضر وازقه واسواقده سائر اولورایدی * بر کمسه کندوسنه عرض سلام وکلام ایتمزایدی * کعبدن منقولدرکه بو محنت عظمی وبلیت کبری وجه مشروح اوزره متمادی اولوب * فسحتسرای عالم باشمزه تنك وتار اولدی برکون عمزادهم وجملهدن زیاده محب مخلصم اولان ابو قتادهنك خانه سی دیوارینه چیقوب * السلام علیك یا اباقتاده دیدم * خدا حق رد سلام ایلمدی یا اباقتاده سکا یمین ویررمکه بنم الله ورسوله محبتم یوقیدر * سن بوکه شهادت ایتمزمیسن دیدم * قطعا شق شفهٔ جواب ایلمدی * اوچ دفعه تکرار مدنصکره آنی الله ورسولی بیلوردیو جواب ایلمکله کریان ونالان عود ایلدم * اندنصکره برکون بازارده کشت وکذار ایدرکن * اول هنکامده شامدن برمردنبطی ذخائر جلب وسوق مدینه ده فروخت ایدرایدی * بنی دلالتیله بولوب یدمه برمکتوب اعطا ایلدی * مطالعه ایلدمکه * ملك غسان حارث بن ابی شمر علی روایة جبله بن ایهم طرفندن مبعوثدر * مضمونی بودرکه حالا پیغمبرك سکا جفا اوزره اولوب احبا واشنالرکی سندن جدا ایلدیکی مسموعم اولمغله * سن ذلت وهوانه لایق وضیاع وخسرانه مستحق کمسه اولمدیغك معلومم اولمغین * بران اقدم طرفمزه وروده اهتمام ایلیه سن * بروجهله رعایت واحترامك جهتنده تقصیر وتوانی اولمز * مکتوب مزبوری سیاق محرر اوزره قرأت ایلدیکمده * بالکلیه سازوسلب شعورم پریشان وقبهٔ اسمان کویا که

منهار سر بی سامانم اولدی * بو دخی بلای دیکردیوب همان برنا نوادکانده احراق بالنار ایلدم * القصه بو دردو محنتله قرق کون مرور ایدوب بعده زوجه لرمزدن دخی اعتزال ایلك بابنده امر همایون صادر اولمغله * بکا تبلیغ ایدن کمسه یه زوجه می تطلیق ایده یمی دیو سؤال ایلدکده * اولدخی وقاع وقرباندن ممنوع اولدیغمزی افاده ایلدی پس بر موجب امر عالی زوجه لرمزه تقربدن دخی مباعده ایلدك * بو حال ضجرتمال اوزره اون کون دخی مرور ایدوب * اللی کون تمام اولمغله اللی برنجی کیجه سی که صاحب سعادت حضرتلری ام سلمه رضی الله عنها حجره سنده بیتوتت بیورمشلر ایدی * ثلث اخیرده توبه مزك مقبول وعفو وعنایت ارحم الراحمینه مشمول اولدیغمزی ناطق * وعلی الثلاثة الذین خلفوا حتی اذا ضاقت علیهم الارض بما رحبت وضاقت علیهم انفسهم وظنوا ان لا ملجأ من الله الا الیه ثم تاب علیهم لیتوبوا ان الله هو التواب الرحیم * کریمه سی نازل اولمغله ام سلمه جنابلری بنم طرفمه محسنه ومعینه اولمغله * سید الابرار حضرتلری توبه مزك قبولنی اخبار بیوریجق * اول انده تبشیرنی استیذان ایتمکله * مسندآرای نبوت حضرتلری هجوم ناس حضورکه مانع اولوردیو اجازت ویرمدیلر * سرور انام حضرتلری بعد صلوة الفجر توبه مزك قبولنی اصحاب کرامه اعلام بیورمغله * ابداع مسرتده تعجیل ایچون حمزه بن عمرو الاوسی برجبده دامان سرعت اولوب * جبل سلع اوزرندن آواز بلند ایله یا کعب مژده دیو ندا ایلدی * توبه مزك قبولنه بشارت اولدیغنی ادراك ایلیوب * همان سر برزمین شکران اولدم ارقه مده اولان ایکی جامه یی اکا مژده بها ایلدم * اندن غیری لباسم اولمامغله تیز ابو قتاده دن ایکی جامه استعاره ایلیوب حضور مستوجب الحضور همایونه شتابان اولدم * یولده کروه کروه اصحاب کرام کلوب توبه مزك قبولنی تهنیه ایدرلر ایدی * مسجد شریفه دخولمده کوردمکه صدر صفهٔ صدق وصفا علیه وعلی اله اصفی التحایا حضرتلری * ماهتاب اسا پیرایه بخش مسند معلا اولوب * صحابهٔ کزین مانند پروین اطراف معالی اکتنافنده مجتمع اولمشلر ایدی همان طلحه بن عبید الله قالقوب بنی استقبال * ورسم تهنیه ومصافحه یی اکمال ایلدی مهاجرینده اندن غیری برفرد بکا ترحیب ایلمیوب * وطلحه نك بو معامله سی اصلا خاطرمدن فراموش اولمز * ماحصل حضور همایونه مثول مده وجه وجیه نبویدن شعشعهٔ بشر ومسرت برق ولمعان ایدوب * کمال انشراحلرندن کل کبی خندان اولمشلر ایدی * بنی کوریجك یا کعب مژده سکا که حین ولادتکدنبرو بویله بریوم سعید اوزرینه دائر اولمدی بیوریجق بن دخی

یارسول الله بو منحت عظمی * وموهبت کبری * طرف اشرفکزدنمی یوخسه
جانب رب لطیفدنمی تجلی ایلدی دیدیکمده * رسول یمدانی حضرتلری
طرف ربانیدن شرف صدور ایلدی بیوروب * ذکر اولنان آیت کریمه یی تلاوت
بیوردیلر * یارسول الله اذن شریفکز برله بو عنایته تشکرا جملهٔ مالمی تصدق
ایده یم دیدم * یاکعب برمقدارنی نفقهٔ عیالك ایچون امساك وبرمقدارنی
انفاق ایله بیوردیلر * وسعد بن اسد هلال بن امیه یه * وسلطان بن سلامه
هلال بن ربیعه مژده رسا اولدیلر * صنف ثامن * ابتدا تخلف ایدوب بعده
معسکر همایونه ملتحق اولنلردر * ابوخیثمه وابوذر غفاری کبی * ننه که
حاللری بیان اولندی * بیان وفود * وسنهٔ مزبوره ده درگاه رسالت دستگاهه
هر طرفدن ایلچیلر متوارد اولمشدر * مجموعی التمشدن زیاده اولوب واکثری
سنهٔ مزبوره ده ورودایتمکله سنهٔ مرقومه یه نسبت اولندی * بو مختصرده
حسب التیسر قرق طقوزی ثبت اولندی چونکه قبائل عرب بینلرنده قریش
قبیله سی ارومهٔ نبیله وجرثومهٔ جلیله دن اولوب واهل حرم اولمغله جمله دن محترم
اولمغین اطراف قبائل انلرك سرانجاملرینه دوربین ودورشنیدا سادیده بلز
وسامعه پرداز اولمشلرایدی * وقتاکه اهل اسلامله حرب وقتالده افراغ
وسع ومجال ایدوب * اخر کارتأییدملك جبار ایله مغلوب ومدمر *
واهل اسلامه مکه نك فتحی میسر * وقریش وهوازن فرمانبر اولوب مسندارای
نبوت حضرتلری * عظمت بیکرانه وفروشوکت پیغمبرانه ایله تبوکدن
عودت بیورمغله * من بعد اسلامیانه مقاومت بیرون حوزهٔ مکنت اولدیغی *
جمله عندنده متحقق اولمغله * برموجب وعد ربانی فوج فوج گلوب قبول
فیاضهٔ اسلاملما استفاضهٔ کامرانی * واستفادهٔ شرف جاودانی ایلدیلر *

ثقیف عامر تمیم فروة رسوله ضمام کعب عذرة

قدم وفد ثقیف وبنی عامر وبنی تمیم * وقدم فروة بن مسیك المرادی *
ورسول فروة وضمام وکعب وقدم وفد بنی عذرة * تقدیرنده در * رسوله ضمیری
کرچه فروه یه راجعدر * لکن استخدام طریقیله مراد فروهٔ جذامیدر *
بیت مزبوره سکز لایحه مندرجدر * وفد ثقیف * وفد بنی عامر *
وفد بنی تمیم * وفود فروه * وفود سفیر فروه * وفود ضمام * وفود کعب *
وفد بنی عذره * وفد ثقیف * غزوهٔ تبوکدن عود اولندقدنصکره ماه صیامده
کرسی مملکت اسلام مدینة السلام طرفنه * وفد قبیلهٔ ثقیف ورودایلدی *
کذارش ذیر اولدیغی اوزره * سرخیل انبیا علیه اکمل التحایا حضرتلری *
محاصرهٔ طائفدن مراجعت بیوردقدنصکره عروه بن مسعود نهانی طائفدن

خروج ایدوب * عقب سپاه اسلامدن مدینه طرفنه شتابان اولدی * موکب
محتشم مدینه یه وصولدن مقدم ایریشوب * حضور سید الانامده اظهار
اسلام ایلدکدنصکره * قومنه مراجعت ضمننده استیذان ایلدی * نبی باهر
الاجلال حضرتلری بیوردیلرکه * یاعروه قومك اسلامکه راضی اولمیوب *
روی اقبالکه سل سیف عداوت وقتال ایدرلر عروه یارسول الله قومم بکا ابکار
لرندن یعنی اول اولادلرندن ازید مهربانلردر دیدی * پس اجازتله قومی جانبنه
رجعت ایدوب وصولنده برمحل مرتفعه صعود * وقومنی سرخوان اسلامه
دعوت ایلدی * هر طرفدن اوزرینه تیرباران ایتملریله * شهیدا عازم
دار الجنان اولدی * عروه نك شهادتی مسموع سعادت نبوی اولیجق *
عروه نك مثلی صاحب یس مثلنه موافقدر * زیرا قومنه اتبعوا المرسلین
دیمکله کندوسنی قتل ایتمشلرایدی بیوردیلر * بو وقعه دن چند ماه مرورنده *
بنو ثقیف کوردیلرکه اطراف واکنافلرنده اولان بالجمله قبائل کعبهٔ اسلامه
داخل اولوب * شوکت دین محمدی برمرتبه یه بالغ اولدیکه مقابله ومقاومت
حیز امکانده * ابراز صورت ایتمکدن قالدی * پس تدارك حال ایدوب بعض
معتبرانلرله کنانه بن عبدیالیلی استان دیموی الافضاله ارسال ایلدیلر * مدینه
جوارنه ورودلرنده مغیرة بن شعبة الثقفی یه تصادف ایتملریله * مغیره قدوملرین
اخبار ایچون شتابناکله درگاه رسالتعنوان طرفنه شتابان اولدی * اثنای
راهده صدیق اکبر حضرتلرینه دوچار اولمغله * حضرت صدیق باعث
سرعتندن استفسار ایلدکده * مغیره دخی اخبار ایتمکله کندولری تبشیر
ایتمك ایچون یمین ویرمکله مغیره بنه قادمین طرفنه رجعت * وصدیق اکبر
حضرتلری قدوم ثقفیانی عرض سدهٔ سعادت ایلدی * مغیره ثقفیلره
تحیت اسلامی تلقین ایدوب * انلرد أب جاهلیت اوزره عم صباحا تعبیریله
تحیت ایدرزدیو ابا ایلدیلر * استان منبع الارکان رسالته ورودلرنده * قرآن
کریم استماع * وصلوة اسلامی مشاهده ایتملر ایچون مسجدك برناحیه سنده
کندولره برقبه ضرب اولنوب انده ارام ایلدیلر * چند روز مرورنده مسلمان
اولوب طرف نبویدن نماز اسقاطنی نیاز ایتملریله * حضرت رسول الله نماز
اولمیان دینده خیر یوقدر بیوردیلر * بعده ربا وزنا وشرب خمردن ممنوع اولمامغی
رجامند اولملریله مساعده بیورلمیوب * بعده لات نام صنم نکوهیده انداملری
اوچ سنه یه قدر ابقا اولنمغی استدعا ایلدیلر * ابا بیوریلوب نهایت برایه متنزل
اولملریله اکا دخی روی رضا ارائت اولنمدی * بعده دستور ایله قوملری طرفنه
متراجع اولدیلر * کنانه رفقاسنه قوملرندن ابتدا کتم اسلام وتخویف قتال

واختصام ایلمك اوزره وصیت ایلمکله وصوللرنده * حضرت محمد صاحب السیف شدید الشکیمه اولمغله جمله یه ضرب شمشیر ایله غالب ومستولی اولوب * بزه ده لاتك هدمیله امر * وربا وزنا وخمردن نهی ایتمکله * برقبول ایلیجك قتاله اماده اوله سز دیدی * البته سپاه بیکرانله اوزرمزه کلمسی مقرر دردیدیلر * ایکی اوچ کون مرورنده ملاحظهٔ عاقبتله قلوبلری کام مور خشیت اولمغله انلاره ینه مدینه یه قفول ایدوب * مطلوب محمدی هرنه ایسه تلقی بالقبول ایلیه سز دیو التماس ایتمکله * اسلامه کلدکلرنی اخبار ایلدیلر * سبب کتمانی استفسار ایلدکلرنده حضرت حق سبحانه وتعالی * قلوبکزدن نخوت شیطانیه یی نزع ایتمك ایچون توقیف ایلدك دیدیلر * پس جمله سی موافقتله مسلمان اولدیلر * بعده طرف الملع الشرف نبویدن ابوسفیان بن حرب ایله مغیره تعیین اولنوب * ورودلرنده مغیره هدم صنم ایتمك ایچون یدنه برعظیم بالته الوب بتخانه طرفنه عزیمت ایلدی * نسوان طائف برهنه سر کریه وزاری ایدلیه رك شمدی مغیره البته لاتك لت قهرنه دوچار اولور اعتقادیله عقبندن روان اولدیلر * مغیره رفقاسنه متوجه اولوب شمدی ثقفیلری سزه اضحوکه ایده یم دیوب بالته ایله صنمك اوزرینه صعود وضربه ابتدارنده برصنعتله نفسی زمینه القا * وبیهوشانه بی حس وحرکت یاتوب قالدی * طائفیلرك ولولهٔ مسرتلری عالمگیر اولوب مغیره لاتك صدمه سنه دوچار اولدی دیو بری برینه تبشیر ایلدیلر * بعده مغیره نك باشی اوزرینه کاوب نه کونا مشاهده ایلدك هدمنه قادر اولدکمی * اکا معادات ایدنی هلاك ایدر دیمدکمی دیو طعن وتقریعه اغازلرنده * مغیره خنده زنان فالقوب هی ابتر ونادانلر بنم مرادم سزلری استهزادر * حق تعالی سزی تقبیح ایلسون * اصنام اطلاق ایلدیککز نسنه حجر ومدردن عبارتدر دیوب همان بتخانه نك قپوسنی کسر * وبالته ایله لاتی هدم ایدوب * نقد راموال وارایسه قبض ایلدکدنصکره مدینه یه کلدیلر * وفد بنی عامر * سنهٔ مزبوره ده وفد بنی عامر دخی وفود ایلدی * قبیلهٔ مزقومه نك رؤسا وابالسه لری اولان عامر ابن طفیل واربد بن قیس وجباری بن سلمی نام کسنه لر ایدی * مرسوم عامر طرفندن سوق عکاظده دائما برمنادی پیاده وارایسه ارکاب * وکرسنه وارایسه اشباع * وخائف وارایسه تامین ایده لم دیو ندا ایدر ایدی * وذاتنده صباحت ووجاهت صاحبی برشخص ایدی * طرف رسالتپناهیه غایت عداوتندن ناشی اثنای راهده رفیقی اولان اربد کراهله که اید نام برشاعر مشهورك برادریدر بورسمه مقاوله اتدیلرکه * عامر حضرت رسول الله ایله مکالمه ایدرکن

اربد غبله سیفله حضرت رسولی ضرب ایلیه * حضور نبوی یه مثول ایلدکده * ابتدا عامر انبان فتنه اولان دهاننه کشاد ویروب * بوزمین اوزره خرمهره پاش کلام اولدیکه * یا محمد بن طرفکزه شوق وآرزو ایله ورود ایلدم * بنی کندیکه یار وصدیق اتخاذ ایله دیدی * پیغمبر ذیشان حضرتلری وحدانیت حقه اقرار وایمان ایلمدکجه * بیرون درجهٔ امکاندر بیوردیلر * بورسمه ترهات مقالله حضرت پیغمبری اشغال زعمنده اولوب * واربدك حرکتنه مترصد ایدی * کوردیکه اربددن شائبهٔ عمل یوقدر ورازدان ملکوت حضرتلری دخی کلامنه جوابدن سکوت بیوردیلر * پس مأیوس اولوب امدی واروب لشکر عظیم جمع وکاوب سنکله اهنك قتال ایده یم دیوب کندی * ارقه سندن سید المرسلین حضرتلری اللهم اکفنی عامر بن الطفیل دیو تشییع نفرین ایلدیلر * لعین مرسوم طشره چقد قدنصکره اربده زبان سرزنشله نیچون قرار داده اولان نیرنگ مکیدته صورت ویرمدك روی زمینده بکا سندن مهیب ومهول کمسه کورنمز ایدی * بوندنصکره سندن قطعا استشعار ایلم دیو عتاب ایلدکده * اربد یا عامر تیغ بن ضربنه قصد وتوجه ایلسم سنی بنمله حضرت محمد بیننده متخلل کوردم دیدی * خلال طریقده عامر کردندن مطعون اولوب بنو سلولدن برخاتون خیمه سنده پلاس نشین مسافرت ایکن * دار البواره مسافر اوله جغنی تیقن ایتمکله * یا بنی عامر غدة کغدة البعیر وموت فی بیت سلولیة دیوب همان نیزه سن اخذ واسبنه سوار * وهرطرفه طرید وجولان ایدرکن معلق زن حفرهٔ نیران اولدی * فایحه * کلام مزبورین العرب مثل اولوب دفعهٔ ظهور ایدن ایکی بلیه موقعنده ضرب اولنور * تتمه * رفیقلری قومنه ملاقی اولدقده اربددن احوالی استفسار ایتدیلر * حضرت محمد بزی برمعبود عبادتنه دعوت ایلدی * حالا تمنی ایلرمکه یاننده اولوب برتیر ایله کندوسنی قتل ایدیدم دیدی * بریا خود ایکی کون مرورنده دوه سنی چکوب صحراده کیدرکن * ناکهان برصاعقهٔ اسمانی نازل اولوب دوه سیله برابر خاکستر اولدیلر * وفد بنی تمیم * وسال مزبورده وفد بنی تمیم دخی ورود ایلدی * اون نفر سرکرده لری که قیس بن عاصم وعطارد بن حاجب وزبرقان ابن بدر واقرع بن حابس دخی برابر ایدی * عیینة بن حصن سریه سنده ذکر اولندیغی اوزره * سبایا تخلیصی ایچون درگاه نبا التپناهیه کاوب * مسجد شریفه دخوللرنده * حضرت بلال اذان ظهر اوقیوب * جماعت مسلمین منتظر تشریف سید العالمین ایدیلر * مسندارای نبوت حضرتلری هنوز درون خانهٔ سعادتده اولمغله * مزبورون باب رفعتمآبه واروب *

اواز بلند ایله یا محمد طشره یورك تا كه سنكله مشاعره ایده لم * بزم * مدحمز زین
وقدحمز عار و شیندر دیدیلر * رسالتپناه حضرتلری بونلارك اصوات
كستاخانه سندن رنجیده دل اولوب افتاب وار مطلع دردن ابرازدیدار تابدار
ایلدیلر * بعد اداء الصلوة بونلاری حضور عزت ابا تلرینه احضار ایدوب *
سزكذب ارتكاب ایلدیكز انجق حضرت حقك مدحی زین وزمی شیندر *
قالدیكه بن شعر و فخر ایله بعث اولنمدم * امامنز متیسر اولدیغكزی تفوه ایدك
یورمغله * خطیبلری اولان عطارد قالقوب قبیله سنك شرف و مفخرتنی
متضمن بر خطبه انشاد ایلدی * انسان العیوندن نقل وثبت اولندیغی اوزره
صورتی بودر * الحمد لله الذی له علینا الفضل وهو اهله الذی جعلنا ملوكا
ووهب لنا اموالا عظاما نفعل فیها المعروف وجعلنا اعز اهل المشرق واكثرهم
عددا فمن مثلنا فی الناس السنا رؤس الناس واولو فضلهم فمن فاخر فلیعد
مثل ما عددنا ولو شئنا لاكثرنا وانما اقول قولی هذا لان یأتوا بمثل قولنا
وامر افضل من امرنا * بعد الفراغ امر سرور ملك بلاغ بر له ثابت بن قیس
ابن شماس رضی الله عنه بر خطبه قراءت ایدوب عطاردی حكم بلاغتله افحام
ایلدی * صورت خطبه بودر * الحمد لله الذی نحمده ونستعینه ونؤمن به
ونتوكل علیه ونشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریك له ونشهد ان محمدا عبده
ورسوله دعی المهاجرین من بنی عمه احسن الناس وجوها واعظم الناس
احلاما فاجابوه * والحمد لله الذی جعلنا انصاره ووزراء رسوله وعزا لدینه
فنحن نقاتل الناس حتی یشهدوا ان لا اله الا الله فمن قالها منع منا ماله ونفسه
ومن اباها قاتلناه وكان رغمه فی الله علینا هینا اقول قولی هذا واستغفر الله
للمؤمنین والمؤمنات * بعده قبیله مر قومه خلقندن بر شاعر دخی قالقوب
بو ابیاتی انشاد ایلدی *

* نحن الكرام فلا حی یعادلنا * نحن الرؤس وفینا یقسم الربع *
* اذا ابینا فلا یأبی لنا احد * انا كذلك عند الفخر نرتفع

امر پیغمبر عالیمرتبه له حسان بن ثابت حضرتلری دخی بو ابیات بر له اجابت
ایلدی *

* نصرنا رسول الله والدین عنوة * علی رغم عات من بعید وحاضر *
* واحیاؤنا من خیر من وطئ الحصا * واموا تنا من خیر اهل المقابر *

بعده اقرع بن حابس قالقوب بو ابیات مفخر تسمایله مترنم اولدی *

* اتینا لكیما یعرف الناس فضلنا * اذا خالفونا عند ذكر المكارم *
* فانا رؤس الناس من كل معشر * وان لیس فی دار الحجاز كدارم *

* بعده بنه اشارت سلطان الانبیا ایله حضرت حسان بو ابیاتله كویا اولدی *

* بنی دارم لا تفخروا ان فخركم * یعود وبالا عند ذكر المكارم *
هبلتم علینا تفخرون وانتم * لنا خول ما بین ظئر وخادم

بو رسمه مناشده اولند قدنصكره * خوانسالار مائده شریعت حضرتلری
انلاری سماط نعیم اسلامه دعوت بیوروب * قیس واقرع اجابت * ومتنعم
نوال عز ومنقبت اولدیلر * سید البشر حضرتلری قیس حقنده هذا سید
اهل الوبر بیوردیلر * منقولدر كه حلم ایله مثل اولان احنف بن قیس جنابلرینه
بو صفت حلمی كیمدن استفاده ایلدك دیو سؤال اتدكلرنده * قیس
ابن عاصمدن اخذ ایلدم دیدی * بر كون فنای دارنده محتبیا قومنه *
بر ماده نقل ایدر ایدی * ناكاه بر قاچ كمسنه اللری بغلو بر آدم كتوروب
حضورنده اقامه * و بو مغلول برادرزاده كدر كه فلان اوغلكی قتل ایلدی
دیو خبر ویردیلر * اصلا كندو سنه شائبه تغیر كلیوب * حبوه سنه انحلال
وكلامنه سكتة تخلل عارض اولمدی * بعد تكمیل المقال برادرزاده سنه
متوجه اولوب * سیئه ده بولنمش سن قطع رحم ایلیوب حقه عاصی اولمش
سن دیدكدنصكره * دیكر اوغلنه قالقوب عمزاده كی اطلاق وقرنداشكی
دفن ایله * ومادركه اوغلنك دیتنه بدل یوز دوه اعطا قیل دیدی * وینه
منقولدر كه زمان جاهلیتده بنو تمیم قحط وغلایه دوچار اولملریله * معمورهٔ
عراقدن بر طرفده ایوا ایلملك نیازیله * حاجب بن زراره یی كسری جانبنه
ارسال ایلدیلر * فساد ایدرلر ملاحظه سیله كسری دستور ویرمك طرفنده
اولیجق * حاجب بن متكفل اولورم دیدی * كسری سكا كیم متكفل اولور
دیدكده اشبو كمانم رهن اولسون دیوب كسری دخی قبول ایلدی * پس كمانی
ارهان ایدوب كندی * بر مدت تعیین اولنان محالده اقامت ایدوب بعده
مأوای قدیملرنده اثار عمار بدیدار اولمغله * نقل وعودت ایلدیلر *
وسرمو فسادلری ظهور ایلمدی * حین رحلتلرنده حاجب كلوب فك رهن
ایلدی * كسرادن اركان دولت حاجبك رهننی قبول جهتنی سؤال
ایلدكلرنده * پیكر حاجبده علایم صدق ووفا مشاهده ایلمشیدم دیدی *
بعض شعرا منتظر فا اشبو بیتله متغزل اولمشدر *

* تزهو علینا بقوس حاجبها * زهو تمیم بقوس حاجبها *

وفود فروه وسنه مر قومه ده فروة بن مسیك المرادی ملوك كنده دن مفارقت
ایدوب * رخسای دركاه رسالت اولمشدر * قبل الاسلام مراد قبیله سیله
همدان قبیله سی میاننده منازعه اولمغله * بینلرنده یوم الردم تعبیر اولنان روز

معهودده محاربه ایدوب همدان قبیله‌سی ظفریاب اولمغله مرادیلری وفق المراد
بربادا یتمشلرایدی ❋ سید الابرار حضرتلری فروه‌دن سؤال بیوردیلرکه روز
مزبورده قومکه اصابت ایدن بلیه‌دن متأثراولدکمی اولدخی یارسول الله اول
کون قومك دوچاراولدیغی نائبه کبی قومنه اصابت ایلسه متأثراولمزدیدی
حضرت رسول الله امان ذلك لم یزد قومك فی الاسلام الاخیرا بیوردیلر ❋
بعده فروه‌یی مراد وزبید قبیله‌لرینه عامل نصب ایدوب قبض صدقات ایچون
خالد بن سعید بن العاصی دخی ترفیق ایلدیلر ❋ حضرت سلطان الانبیا
متوجه جانب بقا اولنجه‌قدر خالد انده قالمشدر ❋ فروه آستان رسالتعنوانه
اشبو نشیده ایله زمزمه پیرا اولدیغی حالده قادمه جنبان ورود اولمشیدی ❋
❋ لما رأیت ملوك کندة اعرضت ❋ کالرجل خان الرجل عرق نسائها ❋
❋ فرکبت راحلتی اؤم محمدا ❋ ارجو فواضلها وحسن ثوائها ❋
وفود سفیر فروة الجذامی ❋ وسنهٔ مزبورده فروة الجذامی طرفندن سفیر وفود
ایلدی ❋ فروه رضی الله عنه مقدما قیصر روم طرفندن قلمروملکتنده اولان
مرزبوم عربده والی اولوب ❋ بعده شرفیاب اسلام اولمغله ❋ سدهٔ رسالتنه
برقطعه ضراعتنامه تحریر ❋ وفضه نام بربیاض استر ویعفور نام برحمار
معتبر وظرب نام براسب مفتخر ❋ وبرمقدار زربفت جامه هدیه‌سیله برسفیر
تسییر ایلدی ❋ قیصر فروه‌نك اسلامنی استماع ایدیجك طرفنه احضار
وحبسله ازار ایدوب دین محمدیدن رجوع ایدرسك سنه ولایتکی ابقا ایدرم
دیدی ❋ فروه ابا ایدوب ای ملك سنك دخی معلومکدرکه عیسی علیه السلام
قدوم سرورانامی تبشیر ایلدی ❋ انجق سن دولتکه ضنت ایدیورسن دیدی ❋
قیصر غضبه کلوب اول مرد سعیدی شهید ایلدی ❋ وفود ضمام بن ثعلبه ❋
وسال مزبورده ضمام بن ثعلبة النجدی وفود ایلدی ❋ سربرهنه ❋ صوتی
شنیده ❋ ومآل کلامی نافهمیده کسه ایدی ❋ دوه‌سنی پیشکاه مسجد شریفده
بغلیوب ایچری کیردی ❋ صاحب المقام المحمود حضرتلری میانهٔ اصحابده
متکئا قعود ایلمشلر ایدی ❋ ضمام کلوب حضرت رسول اللهی سؤال
ایلدکده اصحاب کزین دخی سید المرسلین طرفنه اشارتله هذا الامغر المرتفق
دیو ارأت ایلدیلر ❋ فائده ❋ امغر حمرته‌ده شرب ابیض معناسنه‌در ❋ مرتفق
دیرسکی اوزره مستند دیمکدر ❋ تتمه ❋ پس ضمام ایلری کلوب یا محمد طرف
اشرفکزدن مبالغه وجهیله بعض نسنه‌لر سؤال ایده جکم منفعل اولمیه
سزدیدی ❋ کریم السجیه علیه اکرم التحیه حضرتلری دخی رخصت ارزانی
بیورمغله ضمام بونسق اوزره فتح کلام ایلدیکه ❋ یا محمد بزه جانب شریفکزدن

سفیر کلوب الله ذوالجلال طرفندن مرسل پیغمبرم دیو دعوا بیورمشسز
واقعمیدر دیدی ❋ حضرت رسول الله واقعدر بیوردیلر ❋ بعده یا محمد سکا یمین
ویررمکه حضرت رب العزت سکا امر ایلدیمی که وحدانیت الهیه به اقرار
ایدوب اشراکدن مباعدت ❋ وآبا واجدادمزك معبود اتخاذ ایلدکلری
اصنامدن صرف وجههٔ عبودیت ایلملك بابنده بزلره امر ایلیه‌سن دیدی ❋
رسول اکرم حضرتلری اللهم نعم بیوردیلر ❋ اندن ضمام صلوة وصوم وحج
وزکوتله امر بیورلدیمی دیدی ❋ نبی محترم حضرتلری هربرنده نعم بیوردیلر ❋
جمله‌سندن فارغ اولیجق اسلامه کلوب قومی طرفنه رجعت ایلدی ❋
سرورانام حضرتلری ضمام حقنده فقه الرجل بیوردیلر ❋ ضم قافله صار فقیها
معناسنه درکسر ایله فهم معناسنه‌در ❋ قبیله‌سنه واصل اولدقده اول کلامی
لات وعزایه سب ودشنام اولدی ❋ قومی ایشیدیجك خموش اول یا ضمام ❋
اندیشه ایتمزمیسن که برص وجذام وجنون مرضلرینه مبتلا اوله‌سن
دیدیلر ❋ ضمام ای نادانلر حیف سزه که بویله جوهر شعور وادراکدن
بی بهره قالدیکز ❋ انلار نفع وضر وخیر وشره قادر دکلردر ❋ خدای متعال
حضرتلری جناب محمدی بزه ارسال ❋ وآکا کتاب انزال ایلدی ❋ وانکله تیه
ضلالتدن خلاص ایلدی بن شهادت ایدرمکه الله تعالی واحددر ❋ شریك
ونظیردن منزهدر ❋ ومحمد حق پیغمبردر ❋ طرف محمدیدن بن سزه نیجه
اوامر ونواهی کتورم دیدی ❋ قبیله‌سی خلقی بالجمله مسلمان اولوب
اول دیار دخی تابش خورشید دین محمدی برله مشرق الانوار اولدی ❋
وفود کعب ❋ وسنهٔ مزبورده کعب بن زهیر بن ابی سلمی وفود ایلدی ❋
پدری دائما اهل کتابله معاشرت ایتمکله ❋ انلاردن نبی مطاع حضرتلرینك
قرب مبعثلرین استماع ایتمشیدی ❋ برکیجه رؤیاسنده مشاهده ایدرکه آسماندن
بررشتهٔ درازنازل اولوب ❋ کندوسی اول رشته‌یی تناول قصد ایدوب
لکن دسترس اولمدی ❋ بعد الانتباه مدرك زمان رسول الله اولمامغله تعبیر
ایلدی ❋ واولادنه هنکام بعثت محمدی‌یه رسیده اولدقلرنده ایمان واسلامله
وصیت ایتمشیدی ❋ وقتاکه مسندارای رسالت حضرتلری طیبه‌یه مهاجرت
بیوردقده کعب ایله برادری بجیر رعی غنم ایدرلرایدی ❋ بجیر کعبه دیدیکه سن
غنم محافظه‌سنه اشتغال قیل بن محمده واروب احوالنی سنجیدهٔ میزان چشم
اعتبار ایده‌یم ❋ پس کعب قالوب بجیر طوغری درگاه رسالتنه کلدی ❋ واقف
حقیقت حال اولیجق بی توقف مسلمان اولدی ❋ بجیرك اسلامی بالغ سمع کعب
اولدقده اشبو ابیاتی تحریر وبجیره تسییر ایلدی

الا ابلغا عنی بجیرا رسالة * فهل لك فیما قلت ویحك هل لكا *

سقاك بها المأمون كأسا رویة * فانهلك المأمون منها وعلكا *

ففارقت اسباب الهدی واتبعته * علی ای شیء ویب غیرك دلكا *

علی خلق لم تلف اما ولا ابا * علیه ولم تعرف علیه اخا لكا *

فان انت لم تعرف فلست باسف * ولا قائل ان ما عثرت لعا لكا

مأموندن مراد فخر عالم حضرتلریدر * بینلرنده مأمون تعبیر ایدرلر ایدی * انهل انهالدن ماضیدر * اول مرتبه‌ده صوا بحورمك معناسنه‌در * علكا كلمه‌سنده عل عللدن ماضیدر * مرتبهٔ ثانیه‌ده ایچورمك معناسنه‌در * ویب ویل معناسنه‌در كلمهٔ عذابدر * لم تلف لم تجد معناسنه‌در * لعا لك بر كلمهٔ دعائیه‌در كه دوشن كمسنه‌یه سالما قالقه‌سن دیجك یرده استعمال اولنور * جبیر مكتوب كعبی سلطان اقلیم رسالته ارائت ایلیوب مأمون لفظنی استماع ایدیجك مأمون والله بیوردیلر * بوندنصكره انشاد ایلدیكی قصیده‌لرده امهانی بنت ابو طالبه تشبب ایتمكله * سرور انام حضرتلری نفیر عام ایدوب دمنی اهدار ایلدی * موكب سعادت طائفدن رجعت ایلدكده * بجیر اشبو ابیات نصیحت آیاتی تحریر و كعب طرفنه تسییر ایلدی *

من مبلغ كعبا فهل لك فی التی * تلوم علیها باطلا وهی احزم *

الی الله لا العزی ولا اللات وحده * فتنجو اذا كان النجاء وتسلم *

لدی یوم لا ینجو ولیس بمفلت * من الناس الا طاهر القلب مسلم *

فدین زهیر وهو لا شیء دینه * ودین ابی سلمی علی محرم *

ذیل ابیاته مكه‌نك فتح اولنوب واهالیسندن هجو رسول الله‌ه جسارت ایدن اشخاصلر قتل * وشعرای قریشدن بقیة السیوف زبعری وهبیره نام زبونلر بلاد بعیده‌یه گریزان اولمغله * كعبه دخی سمت خلاص خارج مفازهٔ امكان اولمغین اكر جوهر جانك سكا لازم ایسه كهف الامان اولان آستان عظمت بنیان نبوی‌یه التجا اول كعبة الاقبال طرفنه مانند كبوتر بال گشای اعتنا اوله‌سن * قبل الاسلام وقوعبافته اولان هفوات وزلاته نظر بیورمیوب جمله‌سنی عفو بیورورلر دیو تحریر ایلدی * كعبه بو مكتوب واصل اولیجق * مزینه قبیله‌سنه التجا ایدوب * انلاردن صورت قبول مشاهده ایتمامكله * قبائل سائره‌یه پناه آور اولوب برندن تلقی حمایته مظهر اولمامغله * فسحتسرای عالم باشنه طار * وروز روشن گوزنه شب تار اولدی هر طرفدن اعداسی دخی كعب مقتولدر دیه‌رك شماتت وارجاف ایتملریله * آخر كار مدینهٔ منوره‌یه القای جان وبرمه‌دجهنی خانه‌سنه مهمان اولدی * صاحبخانه دلالتیله مسجد شریفه

كلوب كوردیكه * عین الانسان علیه الصلوة مدی الازمان حضرتلری * انسان العین آسا پرتو انداز مقام عز واحتشام اولوب * اصحاب كرام دخی مانند حدقه * دائرهٔ زاهره‌لرنده حلقه‌بند مجد واحترام * وزهرة القمروار باصره‌لرین بدر جمال محمدی‌یه برداشته * وكشكول سامعه‌لرین مائدهٔ حدیث احمدی‌یه افراشته ایتمشلر * كعب طوغری نهال گلزار نبوت طرفنه متوجه اولوب * بی تكلف حضور عالیلرینه جلوس * ویدنی ید مؤید نبوی اوزره وضع ایدوب یا رسول الله كعب بن زهیر طرف اشرفكزه تائبا مسلما استیمانه گلمشدر * سطور نا موزون جرائمنده ضرب قلم صفح وعفو بیورلور ایسه * واروب خاكپای سعادته استحضار ایده‌یم دیدی * مفخر عالم حضرتلری دخی نعم بیورمغله * كعب اول بیچاره بوبندهٔ آواره‌دردیو موقف جلالته وضع جبین مسكنت ایدیجك * حضرت رسول الله شو مقالاتی تفوه ایدن كعبدر بیوردقدنصكره * طرف صدیق اكبره متوجه اولوب * بجیره ارسال ایلدیكی ابیاتی استنشاد بیورمغله * حضرت صدیق دخی قرائته آغاز ایدوب * ع * سقاك بها المأمون كأسا رویة مصراعنه گلدكده كعب بن اویله دیمدم بلكه * بیت * سقاك ابو بكر بكأس رویة * فانهلك المأمون منها وعلكا * دیدم دیدی * بنه حضرت رسول الله مأمون والله بیوردیلر * اول اثناده برمرد انصاری یا رسول الله بكا اذن ویرسه‌ڭز بو جنبانك دستور اولور سكز * اشبو دشمن خدانك دمنی هدر ایده‌یم دیدی * شاه سریر بلاغ حضرتلری اندن گوشه گیر فراغ اولملق واجبدر * زیرا تائبا نازعا گلدی بیوردیلر * بعده كعب نظم ایلدیكی قصیدهٔ نضیده‌یی كه مطلعی بودر

بانت سعاد فقلبی الیوم متبول * متیم اثرها لم یفد مكبول

حضور سعادتنهاد نبویده انشاد ایدوب نوبت قرائت اشبو

ان الرسول لسیف یستضاء به * مهند من سیوف الله مسلول

بیتنه رسیده اولیجق * پیغمبر عالیشان حضرتلری بر سبیل جائزه اوزرنده اولان بردهٔ مكرملرین احسان بیوردیلر * بناء علیه حالا قصیدهٔ مرقومه قصیدهٔ برده ایله نامداردر * فائده * معاویه جنابلری اول برده بدلی كعبه اون بیك درهم عرض ایدوب * كعب بن بردهٔ نبوی‌یی كمسنه‌یه ایثار ایلمم دیو ابا ایلدی * كعب قضای نحب ایلدكدنصكره * معاویه وارثلرینه یكرمی بیك درهم گوندروب اشترا ایلدی * ملوك امویه‌یه متوارث اولوب دولتلری منقضی اولدقدنصكره * اول خلفای عباسیه اولان سفاح خلیفه اوچیوز آلتونه اشترا ایدوب * بطنا بعد بطن متوارث اولدیلر * ركوب

وجلوسلرنده تبركا اموزلرینه الورلر ایدی * مقتدر بالله قتل اولندیغی حینده اوزرنده بولنمغله آلودهٔ خون اولمشیدی * روایت دیکرده خلفای عباسیه نك نائل اولدقلری بردهٔ شریفه * ایله اهلنه تبوكده اعطا بیوریلان امانتنامه یه مقارن احسان اولنان برده در * بوتقدیرجه كعبك بردهسی انقضای دولت بنی امیه ده مفقود اولمشدر * وخلفای عباسیه عندنده اولان برده تاتار وقعهسنده ضایع اولمق غالبدر * تتمه * كعب رضی الله عنه ذكر اولنان قصیدهده مهاجرین حضراتنی دخی ذكر ومدح ایدوب * انصار رسم اولندیغی اوزره مرد انصارینك كلامنه منفعل اولمغله * انصار كرامدن سكوت ایلیوب * بلكه السود التنابیل بیتنده نوعا امالهٔ لسان تعریض ایلادی * سلطان الانبیا حضرتلری یا كعب انصاری دخی ذكر ایتمش اولیدك زیرا انلار دخی محل مدح وثنادر بیورمغله * مخصوص مدیحهٔ انصاری متضمن برقصیدهٔ دلارا انشاد ایلدی مطلعی بودر *

* من سره كرم الحیوة فلم یزل * فی مقنب من صالحی الانصار *

وفد بنی عذره * وسنهٔ من بورهده بنو عذره قبیلهسندن اون ایكی كمسه دركاه سپهر اشتباهه وفود ایلدیلر * شاه تختكاه اجلال حضرتلری نام ونشانلرندن سؤال بیوردقده * قصی برادری عذره اولادندن اولدیغمز ملابسهسی مباغزده رابطهٔ رحم وقرابت وارد ردید كلرنده * نبی لطیف حضرتلری ترحیب وتلطیف بیوروب جملهسنی رطب هدایتله مرطوب الجنان * یعنی ذائقه كبرقا كیهٔ ایمان اولدیلر * سید الابرار حضرتلری عنقریب شاملك فتح اولوب قیصر روم اولان هرقلك متمنع بلادنه فرار ایده جكنی تبشیر واخبار بیوردیلر * بعده مظهر اجازه واكرام اولدقلری حالده دستور سید حصور ایله وطنلری طرفنه مراجعت ایلدیلر *

* داری بصری عبد اعشی مرة * عبس اذرح جرباء مینا ایله *

وقدم وفد داری تقدیرنده در * اثرانا ممنوع صرفدر * ووفد بصری ووفد عبد القیس * ووفد اعشی بن مازن * وقدم وفد بنی مرة * وبنی عبس ووفد اذرح * وجرباء * ومیناء * وایله * تقدیرنده در * اذرح فتح همزه ایله اولوب وزنا ایچون وصل اولنمشدر * بو بیتده اون لایحه مندرجدر * وفد داری * وفد بصری * وفد عبد القیس * وفود اعشی * وفد بنی مرة * وفد بنی عبس * وفد اذرح * وفد جرباء * وفد مینا * وفد ایله * وفد داری دركاه معالیجود نبوی یه ایكی دفعه وفد قبیلهٔ داری وفود ایلدی * دفعهٔ اولی هجرتدن مقدم یدی نفر كمسه كه ابوهند وتمیم وبرادری نعیم برابر ایدی *

رخسای خاكپای سعادت احتوا اولدقدنصكره * آفتاب شوكت محمدی جهانكیر * وشهاب شمشیر ایله اقطار اقطان ربع مسكون براوردهٔ قبضهٔ تسخیر اوله جغنی تیقن ایتملریله * خطهٔ شامدن برمقدار اراضی نیاز ایلدیلر * تعیینی رأیلرینه مفوض بیورلمغله * بینلرنده اعمال هندسهٔ مشورت ایلدیلر * تمیم قدس شریف ولایتنی التماس ایده لم دیدكده * ابوهند جواب ایلدیكه محل مزبور كرچه الحالة هذه مضافات ایالت عجمدن اولوب * وملك عرب اوله جغی بی شائبهٔ اشتباهدر * لكن بزلره ملك تمام اولمامق غالبدر * پس تمیم بیت حبرون قضاسنی استدعا ایده لم دیوب وجملهسی انده قرارداده اولمغله * شاه مملكت دوسرا حضرتلری برقطعه ادیم اوزره اول مرزبومك تملیكنامهسن تحریر بویدلرینه اعطا بیوردی صورتی بودر * بسم الله الرحمن الرحیم * هذا كتاب ذكر فیه ما وهب محمد رسول الله للداریین * اذا اعطاه الله الارض وهب لهم بیت عینون وحبرون والمرطوم وبیت ابراهیم علیه السلام الی ابد الابد * شهد بذلك عباس بن عبد المطلب * وخزیمة بن قیس * وشرحبیل ابن حسنه * بعده بووثیقه یی عندلرنده حفظ ایدوب مدینهٔ منوره یه هجرتنی استماع ایلدیكلرنده كله سزدیو تنبیه بیوردیلر * دفعهٔ ثانیه * بعد الهجرة دركاه رسالته كلوب شرفیاب دیدار سعادت اولدقلرنده * فرمانفرمای كشور اصطفا حضرتلری مجددا بو نمیقهٔ انیقه یی تحریر ویكندیلره اعطا بیوردیلر * بسم الله الرحمن الرحیم * هذا ما انطی محمد رسول الله لتمیم الداری واصحابه * انی انطیتكم بیت عینون وحبرون والمرطوم وبیت ابراهیم علیه السلام برمتهم وجمیع ما فیهم نطیة بت ونفذت وسلمت ذلك لهم ولاعقابهم من بعدهم ابد الابد * فمن اذاهم فیه اذاه الله تعالی * شهد بذلك ابو بكر بن ابی قحافه * وعمر بن الخطاب * وعثمان بن عفان * وعلی بن ابی طالب * ومعاویة بن ابی سفیان * بدیعه * تمیم داری جناب رسول پروردكاری یه بوسیاق اوزره بروقعهٔ غریبه نقل ایلدیكه * تطویح طایحهٔ قدر ایله بحر ابر جانبه بادبانكشای عزم وسفر اولوب * ع * تجری الریاح بما لا تشتهی السفن * فاصفهسی باد مخالف ظهورا ایتمكله * روی دریا لجهٔ خاطر مترجم بینوا كبی پرشورش وهیجان * وسفینهلری باشدن قره سپردهٔ دست روزكار بی امان اولوب * وافر زمان بوحال اوزره حیران وسرگردان دوران ایدوب * عاقبت كشتیكش جزرومد ایله برجزیره یه منتهی اولمغله جمله مز ساحل سلامته القای جان ایدوب * صو طلبیله هرسویی جستجو ایدركن * بدنی سراپا مو بین برشخص غریب الشكل وعجیب الهیئه یه تصادف اولنوب * نام ونشانندن استفسار

اولندقده * بکا جساسه دینوردیدی * بو جزیره ده سبب اقامتدن استخبار اولندقده بن سزه خبرویرمم لکن درون جزیره ده برشخص دیکر اولمغله اکا واروب استعلام احوال غریب المآل ایلیه سز دیمکله * جزیره درونته دخول اولنوب کوردلر که واقعا برشخص مهیب ومهول بند کرانله مغلول اولمش * بزی کوریجك حال ومحلمزدن استقصا ایلدی * یثرب زمیندن اولوب فورتنه سبیله بو جزیره یه ورودمزی بیان ایلدیکمزده * خطه مزبوره دن شعشعه بخشای ساحه امکان اولان پیغمبر عالیشانك احوالی نه کونه دردیدی * بزدخی شمدی عامه انام اکا ایمان واستسلام ایلدیلر دید یکمزده * حقلرنده محض خیر اولان خصلتله عمل ایلمشلردیدی * بعده بکاراست خبرویرك که نخل بیسان مثمر اولدیمی دیدی * بزدخی نعم حالا فائضة القطوفدردید یکمزده * برکره اهوکبی وثوب ایدوب بکا خروجه اذن اولیدی * بسیط غبرایه چیقوب طیبه دن ماعداروی زمینی پایمال ایدردم دیدی * حضرت نبی مطاع تمیمدن بومنقبه یی استماع بیوریجق امر بیوردیلر جمله جماعت اصحاب کرام شمعنه جمع اولوب * خطیب منبر رسالت حضرتلری برخطبهٔ بلیغه قرأت بیوردقدنصکره * تمیم داری بکا شوکونه برسرکذشت نقل ایلدی * تحدیث بیوروب طیبه دید یکی مدینه در * واول شخص دجالدر بیوردیلر * ابن عبد البر رحمه الله بو حدیث شریفی روایت ایلدکدنصکره * روایت الاکابر عن الاصاغر اولان احادیث شریفه دن اول تخریج اولنان بو حدیثدردیدی * وفد اهل بصری * وسنهٔ مرقومه ده بصری نام قریه اهالیسندن اون اوچ کسنه کلوب مقداد بن عمره نزیل اولدیلر * چند روز اقامت وتعلم احکام شریعت ایلدکدنصکره * طرف شاه رسالتدن مظهر تشریف خلعت اولوب وطنلرینه رجعت ایلدیلر * وفد عبد القیس * سنهٔ مزبوره ده عبد القیس قبیله سندن که بحرینده برقبیلهٔ عظیمه در اون التی نفر کسنه ورود ایلدیلر * جارود نام نصرانی که کتب سماوی یه انتسابی وارایدی داخل کروه وفد ایدی * مزبور تقدم ایدوب یا محمد بن دینمی ترك ایدوب سنك دینکی اختیار ایتمکله آثم اولمیه جغمه متکفل اولورمیسن دیدکده * حضرت رسول الله بن متکفلم جناب هادی المضلین سنی اندن افضل دینه قربن ایلدی بیورمغله * جارود ورفقاسی مسلمان اولدیلر * وفود اعشی وسال مرقومده اعشی بن مازن عبد الله الاعور درکاه جلالت اثر نبوی یه وفود ایلدی * ماه رجب المرجبده جلب ذخایر ایچون هجر جانبنه عزیمت ایدوب کندوسی اندمایکن * معاذه نام خاتونی خانه سندن فرار ومطرف

بن نهشله التجا ایلیوب انك یاننده قرار ایلدی * اعشی بعد العود خانه سنی خاتوندن خالی کوریجك * غب التتبع نزد مطرفده اولدیغندن خبردار اولمغله مطرفه واروب ای عم زاده خاتونمی بکا اعاده ایله دیو التماس ایلدی * اولدخی انکار ایدوب بنده اولسه ده ویرمز ایدم دیوروی طلب مطرفه سد باب اسعاف ایلدی * مطرف صاحب وقع وحیثیت اولمغله اعشی مصارعهٔ منازعه یه مقتدر اولمامغین * استان مخلد الاقباله رخسای ابتهال اولوب بو ابیات ضراعتنما الله عرضحال ایلدی *

* یا سید الناس ودیان العرب * اشکو الیك ذربة من الذرب *
* کالذئبة الغنساء فی ظل السرب * خرجت ابغیها الطعام فی رجب *
* فخالفتنی فی نزاع وهرب * اخلفت الوعد ولطت بالذنب *
* وقذفتنی بین عصر مؤتشب * وهن شر غالب لمن غلب *

رسول عالی نسب حضرتلری اخر مصراعده تصدیقا وهن شر غالب لمن غلب بیوردیلر * بعده دیوان نبوتدن خاتون مزبوره نك رد وتسلیمی بابنده مطرف طرفنه امرنامه اصدار بیوریلوب * وصولنده یا معاذه فرمانشاههٔ نبوی شرف صدور ایتمکله بهرحال سنی اعشی یه رد وتسلیم واجبهٔ ذمت ابتهالمزدر دیجك * معاذه دخی بنی رنجیده ایتمامك اوزره متعهد اولدقدنصکره تسلیم ایله دیوب * اعشی دخی برمنوال ملتمس متعهد اولمغله خاتونه دسترس اولدی * وفد بنی مره * سال مرقومده وفد بنی مره دخی وفود ایلدی * رئیسلری حارث بن عوف ایله اون اوچ کسنه کلوب بنو لوی بن غالب اولمغله * یا رسول الله جناب سعادتله میانمزده رابطهٔ قرابت وارد ردیدکلرنده * خازن کنجینهٔ اسرار عالم صلی الله علیه وسلم حضرتلری * جواهرپاش تبسم اولوب * دیارلری احوالندن استفسار بیوردیلر * انلاردخی جدب وغلادن اشتکا * وطرف نبویدن استدعای دعا ایتملریله * رسول کبریا حضرتلری دست سدره پیوستلرین برداشتهٔ درکاه مفیض الالاء بیوروب * اللهم اسقهم الغیث دیو استسقا ایلدیلر * بعده هربرینه اون اوقیه وحارثه اون ایکی اوقیه فضه احسان بیوریلوب دستور ایله منصرف اولدیلر وطنلرینه واصل اولدقده بالاستسآل تحقیق حال ایلدیلرکه * روز دعای رسول اللهده مدرار رحمت الهی نازل اولوب * مزارع ومرابعلری چهرهٔ کریمان آسا طراوتنما اولمش * وفد بنی عبس سال مزبورده وفد بنی عبس دخی وفود ایلدی عبس بای موحده ایله مضبوطدر * اما نونله عنس اسود العنسی قبیله سیدر * عنقریب انکدخی وفدی بیان اولنور انشاء الله تعالی * قبیلهٔ مزبوره دن

اون اوچ کسه کلوب یارسول الله طرف عالیکزدن تعلم قرآن ایدن قرالرمز کلوب هجرت ایتمین مسلملک اسلامی صحیح اولمزدیو خبرویردیلر* مدار معاشمز اولان اموال ومواشیمز اولمغله* اکرواقعا حال منوال مشروح اوزره ایسه انلاری بیع وهجرت ایلیه لم دیدکلرنده* سلطان انبیا حضرتلری* اتقوا الله حیثما کنتم فلن یلتکم من اعمالکم شیئا* یعنی قنده ساکن اولورسکز حضرت حقدن خوف وخشیت اوزره اوله سز* بوطور اوزره اولدقجه سزلک اعمالکزدن برنسنه نقص ایلمز بیوردیلر* بعده خالد بن سنان العبسی ذریاتندن سؤال بیورمغله* انلاردخی برکریمه سی قالوب اولدخی وفات ایتمکله سلسلهٔ سلالهٔ سلیله سی کسسته پذیر اولدیغنی اخبار ایلدیلر* حضرت خیر القدیم والحدیث اول ذات شریفک حالنی اصحاب کرامه تحدیث ایدوب وحقلرنده انه نبی ضیعه قومه بیوردیلر* فایده* لیس بینی وبین عیسی علیه السلام نبی متنیله برحدیث شریف دخی روایت اولنمغله* خالد وغیری حقلرنده وارد اولان حدیث شریفلرک صحتی تقدیرجه حدیث ثانیده واقع نبی عنوانی مرسل ایله تقیید اولنمغه محتاجدر* وخالد علیه السلام حضرتلرینک تفصیل حالی فصوص شیخ اکبرده فص محمدی قبیلنده مبسوطدر اکا وشروحنه مراجعت اولنه* وفد اذرح* وجرباء* ومینا* وایله* اردوی همایون تبوک منزلنده ایکن اذرح وجرباء ومینا وایله وفدی وفود ایلدیلر* تبوک وقعه سی خلالنده حاللری کشیدهٔ رقم قلم بدیع المقال اولمشدر*

کلاب حمیر اسد دومة زید حارث تجیب کندة*

وفد بنو کلاب* ورسول ملک حمیر* ووفد بنی اسد* وملک دومة الجندل* ووفد بنو زید* وبنو حارث وتجیب وبنی کندة تقدیرنده در* زبید صیغهٔ تصغیر ایله در تجیب ضم تای فوقانی وکسر جیم ایله در* کنده کسر کاف وسکون نون ایله در* بیت مزبورده سکز لایحه مندرجدر* وفد بنی کلاب* وفود رسول ملک حمیر* وفد بنی اسد* وفود ملک دومة الجندل* وفد بنی زبید* وفد بنی حارث* وفد قبیلهٔ تجیب* وفد بنی کنده* وفد بنی کلاب* وسنهٔ مزبورده وفد بنی کلاب وفود ایلدی* لبید بن ربیعه دخی داخل زمرهٔ وفد ایدی عتبهٔ فرقد فر نبوته فرش جبین استکانت ایلدکدنصکره* یارسول الله ضحاک رضی الله عنه جانب تابنا کدن کلوب بزی فاکههٔ لذیذ الطعم اسلامه دعوت ایلدکله* جمله مز اجابت ایدوب وبالفریضة الشرعیه اغنیامزدن صدقاتی اخذ* وفقرامزه اعطا ایلدی دیدیلر* وفود رسول ملک حمیر* وسنهٔ مزبورده ملوک حمیر طرفلرندن نائل کوکبهٔ اسلام اولدقلرنی

درکاه رسالته ضراعتنامه ایله اعلام ضمننده* مالک بن کعب مراده یی ارسال ایتملریله دیوان نبوتدن دخی جمله سنه بسمله وحمدله ایله مصدر اسلامه کلوب مشرکینی قتل ایلدیککز معلوم اولمغله* مظهر هدایت سبحانی اولمشسز* ومن بعد* صلاح وتقوا* اوزره اولوب الله ورسولنه اطاعت* وصلوة مفروضه یی اقامت* وزکواتی وخمس غنیمتی وسهم وصفی نبوی یی ایتا* ومؤمنین طرفنه عائد اولان موافقدن صدقه ومخالفدن جزیه یی اخذ واعطا ایلیه سز دیو امرنامه تحریر وتسییر بیورلدی* فائده* حمیر کسر حای مهمله وسکون میم وفتح یای تحتانیله یمن مالکنده برعظیم قبیله در سلطان یمن اولان سیف ذی یزن فوت اولدقدنصکره حارث بن کلال ونعمان ومعافر وهمدان وذرعه بن سیف ذی یزن تسلطن ایتملریله* طوائف ملوک اولدیلر* وفد بنی اسد* وسال مر قومده وفد بنی اسد وفود ایلدی* ضرار بن ازور وحضرمی بن عامر ووابصه بن معبد ومرض انتقال نبویده ادعای نبوت ایدن طلیحه بن عبدالله بر کروه اسدیانله استان جلالنشان نبوی یه کلوب* بعد التحیة والتسلیم حضرمی بوزمین اوزره فتح کلام ایلدیکه* یارسول الله دیارمز بلیهٔ قحط وغلایه دوچار اولوب* هنوز جانب جلی المناقبدن امر دعوت شرفورود ایلمامشیکن* بویله وقت تنکی وضجرتده بلادمزدن مفارقت ایدوب نیجه لیالی مظلمه ده قطع عقبات* وتحمل مقاسات ایلیه رک سدهٔ سنیه یه کلوب اسلامی قبول ایلدک دیو نوعا ایهام امتنان ایتمکله* یمنون علیک ان اسلموا قل لا تمنوا علی اسلامکم بل الله یمن علیکم ان هداکم للایمان ان کنتم صادقین* کریمه سی نازل اولدی* بعده طرف نبویدن عیافت وکهانت خصوصلرندن سؤال ایتملریله* صاحب شریعت حضرتلری انلاردن نهی بیوردیلر* فائده* عیافت طیور قسمیله تطیر قیلمق معناسنه در کهانت اخبار عن الغیب معناسنه در* تتمه* مقر نبوتده برمدت اقامت وتعلم احکام شریعت ایلدکدنصکره* مظهر تشریف رسول اللهی اولوب* وطنلری طرفنه رجوع ایلدیلر* وفود ملک دومة الجندل* وسنهٔ مزبورده دومة الجندل والیسی اکیدر بن عبدالملک الکندی النصرانی وفود ایلدی* غزوهٔ تبوک عقبنده خالد بن ولید سریه سی خلالنده احوالی کذران ایلدی* وفد بنی زبید* بین العرب شجاعت وجودت طبیعتله نامدار اولان عمرو ابن معدی کرب ایله* قبیلهٔ مزبوره دن برطائفه کلوب مسلمان اولدیلر* مقدما مومی الیه عمرو همشیره زاده سی قیس مرادی یه سن قومک میاننده صاحب عزت وشان اولدیغک حسبیله برابر مدینه یه عزیمت ایلیه لم* کوره لم

اکر حضرت محمد حق پیغمبر ایسه معلوم اولور * والا باری احوالنه اطلاع
حاصل ایدرز دیدی قیس ابا ایلدکدنصکره رأی عمروی تسفیه ایلدی * بعده
عمرو عازم سوی نبوی اولوب حضور ملمع النور مصطفویده نائل شرف اسلام
اولدی * خبر اسلامی قیسه بالغ اولیجق عمرولک اهلاکنه عزم ایدوب عمرو آکاه
اولدقده برقاچ ابیات دلپذیر انشا * وقیس جانبنه ارسال ایلدی اشبو *

* ارید حبوته ویرید قتلی * غدیرك من خلیلك من مراد *

بیتی اول ابیات جمله سندندر بعد زمان صنعای یمنده ادعای نبوت ایدن اسود
عنسی ایله سالك مضلهٔ ارتداد اولوب صکره ینه مسلمان * وثابتقدم مقام
ایمان اولدی * زمان خلافت شیخینده فتوحات کثیره ده بولنوب میدان
مبارزت دینیه ده ابراز غیرت وفیه ایلمشدر * وفد بنی الحارث * وسنهٔ مزبورده
نجراندن وفد بنی حارث بن کعب وفود ایلدی * مقدمجه مالك ملکت اجلال
حضرتلری خالد بن ولیدی اسلامه دعوت ایچون قبیلهٔ مرقومه یه ارسال
بیوروب * عناد ولجاجتلری تقدیرده رخصتبخش قتال اولمغله * حضرت
خالد دخی حسب الامر برمقدار سوار ایله واروب اول طائفه نك هر طرفنی
احاطه * وایها الناس اسلموا تسلموا دیه رك سرمنزل سلامت اسلامه سوق
ایتملریله * بی تردد جمله سی مسلمان اولدیلر * حضرت خالد برمدت انده
اقامت وتعلیم احکام شریعت ایلیوب * کیفیت حالی خاکپای نبوی یه عرض
ایلمکله * انلردن برقاچ نفر کسه اولوب کلملك بابنده دیوان رسالتدن فرمان
متحتم الاذعان صادر اولمغله * برموجب امر همایون چند نفر
متعیناتلریله که * ذو الغصه قیس بن حصین دخی برابر ایدی * سدهٔ سعادت
اشتماله رومال اولدیلر * سید الانام حضرتلری تلقی بالاکرام ایدوب خلال
صحبتده انلاردن استعلام بیوردیلر که * جاهلیتده سزکله طرح قرعهٔ خصومت
ایدنلره نه خصلتله تشبثله همیشه نقشبند ظفر اولور ایدیکز دیو سؤال بیورمغله *
یارسول الله ابتدا اتفاق آرای همکنان اولوب بنیان مرصوص کبی صورت
اتحادمز شائبهٔ رخنه وخللدن بری اولدقدنصکره * فرد افریده یه غدر وظلم
ایلیوب واغاز عداوت بزم طرفدن بدید اراولمزایدی * دیمکله حضرت
رسول الله تصدیق ایدوب بعده قیس بن حصینی اوزرلرینه امیر نصب بیوردیلر
وطنلرینه وصولدن درت ماه صکره رسول بیمدانی حضرتلری واصل القای
رحمانی اولدیلر * مزبور قیسك کردننده برغده اولمغله ذو الغصه اطلاق
ایتمشلر ایدی * وفد تجیب * وسال مزبورده تجیب قبیله سی وفدی وفود *
ایلدی * تجیب کنده دن برقبیله در * اون اوچ کسه کاوب مالارینك زکاتی

برابر کتوردیلر * صاحب سعادت حضرتلری اظهار بشاشت بیوروب
قدوملرین ترحیب ونوازش وتکریمله تطییب بیوردیلر * استصحاب ایلدکلری
مال زکوتلرین پیشکاه فلك دستکاه نبوی یه عرض وتقدیم ایلدکلرنده *
رسول بسیم حضرتلری ینه بونلاری دیارکزه کوتروب کندی فقرا
ومساکینکز بینلرنده تقسیم ایلیه سز بیورمغله یارسول الله فقرامزه قسمت
ایلدکدنصکره فضله سنی جانب معالی استناده ایراد ایلدك دیدیلر * ومدت
اقامتلرنده هربار احکام شریعت غرادن استفسار ایدرلك * زمان یسیرده تعلم
امور دینیه ایدوب منتهیٔ رجعت اولدقلرنده * باعث تکثر ایام ولیال *
حضرتلری * معجلهٔ عودتلرندن سؤال بیورمغله * قبیله مزه واروب دیدار
تابدار سید الثقلین برله قریر العین اولدیغمزی تبشیر شوقی جاذبهٔ درونمز اولمشدر
دیملریله انصرافلرینه رخصت ویریلوب * وفود سائره دن افزون اعزاز واکرامه
مقرون اولدیلر * هنکام وداعده سزدن کسه قالدیمی دیو استفسار بیورمغله *
رحلمز محافظه سنده برنورسته جوان قالدی دیمجك * پیغمبر عالیشان اول
جوانی بکا ارسال ایلیه سز بیورمغین * منزللرینه واریجق ارسال ایلدیلر *
رخسای خاکپای حاجتروای نبوی اولیجق * یارسول الله انقادرکاه ختمی پناه
عزته رومال اولان جماعت مسلمیندنم * انلارك مراملرینه مساعدهٔ علیه
شرف صدور بیورلمغله * بنم دخی دلخواه عاجزانه مه اسعاف کریمانه ارزانی
بیورلمق مستدعادر دیمجك * سید الانام حضرتلری مطلوبندن استعلام
بیوریجق * درکاه الهیدن بنم ایچون مغفرت وغنای قلب استدعا بیوره سز دیو
نیازکار اولمغله * صاحب سعادت حضرتلری علو همتنی ودنیایه عدم محبتنی
مشاهده بیوریجق * انبساط قلبله درکاه کبریایه دستکشای دعا اولدیلر *
مرویدر که حجة الوداعده مفخر عالم صلی الله علیه وسلم حضرتلری * اول قومی
کوروب جوان مرقوم احوالندن افحاص بیوردقده * یارسول الله انك کبی
صاحب قناعت کسه مشهود ومسموعمز اولمدی * ناس جملهٔ اموال
دنیایی بینلرنده اقتسام ایلسه لر * قطعا ماله نیمنکاه التفات ایلمزدیدیلر *
حضرت رسول الله انی لارجوان یموت جمیعا بیورمغله اولیس یموت الرجل
جمیعا یارسول الله دیو استنبا ایتملریله * سرور انس وملك حضرتلری تتشعب
اهواؤه وهمومه فی اودیة الدنیا فلعله یدرکه الموت فی بعض تلك الاودیة
فلا یبالی الله تعالی فی ایها هلك بیوردیلر * طوبای بهشت اصطفا حضرتلری
خرامان جانب عقبا اولدقدنصکره * اهل یمندن بعض کسه لر مرتد اولمغله *
جوان مومی الیه قبیله سی خلقنه حق واسلامی تذکیر * وجنت وجهنمله

تبشیر وتنذیرده اهتمام ایتمکله ✻ قبیلهسنك تثبت اسلاملرینه وسیله
اولدی ✻ بوکونه همت دینیهسی بالغ سمع صدیق اکبر اولیجق حضرموت ✻
والیسی زیاد بن ولیده جوان مرقوم حقنده تشکر یم و توقیری مشتمل توصیه
نامه تحریر بیوردیلر ✻ وفد کنده ✻ وسنهٔ مزبورهده وفد بنی کنده وفود
ایلدی ✻ اشعث بن قیس الکندی ایله سکسان علی روایة التمش سوار کلوب
حضور لامع النور نبوی یه مثولدن مقدم کیسولرین تسریح ✻ وارقهلرك معلم
ومطرز برودیمنی برله توشیح ایدوب داخل مسجد شریف اولدیلر ✻ سلطان سریر
بعثت حضرتلری انلاری بو هیئتله مشاهده بیوریجق ✻ سزلر مسلمان
اولمدیکزمی بیوروب انلار دخی المنة لله تعالی نائل شرف هدا اولمشدرز
دیو اقرار اسلام ایلدکلرنده ✻ رسالتمسیر حضرتلری به بولباس حریرندر
بیورمغله ✻ همان جملهسنی نزع وشق ایلدیلر ✻ برمدت اقامتدنصکره
وطنلرینه رجعت اتدیلر

✻ نجران غسان عدی فزارة ✻ همدان خولان بلی رفاعة ✻

وفد وفد نجران وغسان الی اخره تقدیرنده در ✻ بیت مزبور سکز لایحهیی
مشتملدر ✻ وفد نصارای نجران ✻ وفد قبیلهٔ غسان ✻ وفود عدی بن حاتم ✻
وفد بنی فزاره ✻ وفد قبیلهٔ همدان ✻ وفد قبیلهٔ خولان ✻ وفد قبیلهٔ بلی ✻
وفود رفاعه ✻ وفد نصارای نجران ✻ وسنهٔ مزبورهده نصارای نجران
وفدی ورود ایلدی ✻ نجران فتح نون وسکون جیمله بین الحرمین بر بلدهدر ✻
بانیسی اولان نجران بن زید بن یشجب بن یعرب ایله موسوم اولدی ✻ درگاه
نباهت پناه نبوی یه التمش نفر سوارلری کلوب ✻ سرور انام حضرتلری
انلاره عرض اسلام بیورمغله اول بیدولتلر ابا ایلدیلر ✻ صاحب شریعت
بیضا ✻ علیه اتم التحایا حضرتلری اول سیهدلانه اسلامدن امتناع ایلدیککز
صورتده سزکله مباهلهیه مأمورم بیوردیلر ✻ مباهله اولدرکه هر کیم
کاذب ایسه اللهك لعنتنه مظهر اولسون دیو احدهما اخره نفرین وبددعا
ایلمکدر ✻ پس بینلرنده ابراه زناد مشورت ایدوب ✻ بعضلری دیدیلرکه
معلوممکزدرکه حضرت محمد صحیح پیغمبردر ✻ برقوم پیغمبر ایله ملاعنه
ایلمدی الا که سرجمله هلاك اولدی ✻ خلاصه بینلرنده نیجه کفت وشنید واقع
اولوب آخرکار هر سنه صفر الخیر ورجب المرجبده بیکر حله وبیکر اوقیه فضه
ویرمك اوزره جزیهیه کردن دادهٔ تسلیم اولملریله یدلرینه عهدنامه اعطا اولندی ✻
حین مراجعتده بینلرنده تسویهٔ امور ومصالح ایچون برمرد مؤتمن رجا
ایتملریله ✻ سید المرسلین حضرتلری عبیدة بن الجراح رضی الله عنه جنابی

هذا امین هذه الامة تعبیریله تعیین بیوردیلر ✻ وفد غسان ✻ قبیلهٔ مرقومهدن
اوچ کمسنه کلوب حضور مهیج الحضور نبوی یده رفع انکشت شهادت ایدوب
مسلمان اولدیلر ✻ قوممز قرب قیصرده اولمغله املاك وعقاراتلرینه ضننله
بره عدم تبعیتلری غالب ملحوظدر دیدیلر ✻ واقعا قوملرینه واصل اولدقلرنده
جمال حاللرنده آب وتاب هدایت معیون اولمامغله اسلاملرین کتم ایلدیلر ✻
وفود عدی بن حاتم ✻ وسنهٔ مزبورهده عدی بن حاتم الطائی وفود ایلدی ✻
کندیدن منقولدرکه ✻ بن قوم وتبارم بیننده صاحب قدر واعتبار اولدیغم
حسبیله مربع که رسم جاهلیت اوزره ربع غنیمتدن عبارتدر بکا عائد اولور
ایدی ظهور دولت محمدی مسموعم اولدقچه لجهٔ درونم متکدر ✻ ومهجهٔ عیش
وحضورم منغص ومتغیر اولور ایدی ✻ وقتاکه دیارمزی پایمال خیل
دریاسیل ایلدکده ✻ بن همان زوجهمی الوب نصارای شامدن همدینم
اولان بعض اشنا طرفنه التجا ایلدم ✻ همشیرهم قالمغله اسیر اولوب شاه سریر
اجتبا حضرتلرینك معلوملری اولیجق اطلاق واکسا ✻ وزاد راهنی
معد ومهیا ایدوب تخلیهٔ سبیل بیورمشلر طرفه ورودنده بکا بو وجه اوزره
دهنکشای تقریع اولدیکه ✻ ای قاطع رشتهٔ رحم اولان غدار بیرحم ✻
خاتونکی استنقاذ ایدوب بقیهٔ والدینك اولان همشیرهکی ✻ بی ملجأ وملاذ ترك
وفدا ایلدك دیدی ✻ بسط اعذاره جای اقتدار اولمامغله ✻ ای خواهر سعد
اختر هر درلو طعن وتعییره سزاوارم دیو استعفا ایلدکدنصکره ✻ ذاتنده رشد
ورویت صاحبهسی اولمغله اطوار واخلاق محمدیدن استنطاق ایلدیکمده ✻
البته سکا طرف محمدی یه عزیمت ایلمك لازمهٔ ذمتدر ✻ زیرا اکر پیغمبر ایسه
احراز قصب السبق فضیلت ایتمش اولورسن ✻ واکر پادشاه ایسه ینهسن
حال قدیمکده ثابت ومقیم اولورسن دیدی بن دخی رأیی استحسان ایدوب همان
طرف طیبهیه روان اولدم ✻ استان معالیعنوان نبوی یه مثولمده عدی بن حاتم
اولدیغمی افاده ایلدیکمده ✻ قالقوب بنی سعادتخانهلرینه کوتردی ✻ خلال
طریقده بر عجوز ضعیفه شاه مملکت رسالتی توقیف ایدوب کندی مصلحتنه دائر
دور ودراز تکلم اتدی بن بو حالی کوریجك بو ذات شریف پادشاه دکلدر دیدم
بعده سعادتخانهلرینه داخل اولوب بکا بر وساده وضع وجلوسله امر بیوردیلر ✻
بن دخی رسم ادب واعظامه رعایتله سز بیورك دیو امتناع ایلدم ✻ تکرار تکلیف
بیورملریله بالاخره اوزرینه جلوس ایدوب ✻ کندولری جوهر کبی ساده
تراب اوزره تشریف قعود ایلدیلر ✻ بو دخی شیوهٔ ملوکانه دکلدر دیدم ✻
بعده بکا اوچ دفعه اسلم تسلم بیوروب وافر مکالمهدنصکره شرف اسلامله

نائل عزمالا کلام اولدم وفد بنی فزاره * سنهٔ مزبورده بنو فزاره وفدی دخی
وفود ایلدی * خارج بن حصن ایله که برادر عیینه بن حصن در *
وبرادرزادهسی جد بن قیس بن حصن ایله که اصغرلریدر * یکرمی یه قریب
کمسنه لر کلوب ایمان واقرار ایلدیلر * خارج تقدم ایدوب یارسول الله بلادمزه
قحط وغلا مستولی اولمغله * دواب ومواشیمز هلاک اولوب صحرالرمزده تاب
وطراوت نایاب * واولادوعیالمز اجلقدن بیتاب اولدیلر * بزه افاضهٔ مدرار
آسمانی ایچون ربکه دعا ایله وبزم ایچون ربکه شفیع اول * وربک دخی بزم ایچون
سکا شفیع اولسون دیونا بجنه کلام ایتمکله * رسالتپناه حضرتلری
سبحان الله بن ربمه شافع اولنجه کیدرکه ربم اکه شافع اوله * لا اله الا هو
العلی العظیم وسع کرسیه السموات والارض بیوردیلر * لاحقه * بو مناسبتله
اشبو لطیفه سانح اولمغله قید اولندی * ربا کاران زماندن بریسی مرحوم
ابراهیم پاشایه کلوب بو کیجه عالم رؤیاده حق جل وعلا حضرتلرین مشاهده
ایلدم سزلک ایچون دعا ایده یور ایدی دیدکده * ابراهیم پاشا سوزه کلوب
حضرت حق جل شانه دعا ایدیجک یه کیم قبول ایلیه جکدر دیو اول نادانی
تعزیره حواله ایلدی * تتمه * بعده صاحب المقام المحمود حضرتلری منبره
صعود ایدوب دم استسقاده عادهٔ عائد السعادهلری اوزره * بیاض ابطینی
بدیدار اولنجه قدر دست رحمت پیوستلرین * برداشتهٔ درکاه مفیض البر
والاحسان ایدوب * اللهم اسق بلادک وبهائمک وانشر رحمتک واحی بلدک
المیت * اللهم اسقنا غیثا مغیثا مریعا مسرعا مریعا طبقا عاجلا غیر آجل
نافعا غیر ضار * اللهم اسقنا رحمة ولا تسقنا عذابا ولا هدما ولا غرقا ولا محقا
اللهم اسقنا الغیث وانصرنا علی الاعداء دعاسیله استدعای فیض سما
بیوردیلر * ابولبابه رضی الله عنه بو کونه الحاح دعای نبوی یی کوریجک *
یارسول الله خرمالرمز هنوز مربدده دردیدی مربد اهل مدینهنک استعمالی اوزره
خرما قورتدقلری موضعدر * طرفیندن اوچ دفعه تکرار اولنمغله * اخرکار
نبی مختار حضرتلری اللهم اسقنا حتی یقوم ابولبابة عریانا یسد ثعلب مربده
بازاره * تعبیریله دعا ایلدیلر * ثعلب خرما اغاجی دیننده اولان خرق درکه اندن
مجتمع اولان ماء مطر جریان ایدر * مرویدرکه امر مدرالسحاب ایله همان جبل
سلع وراسندن سپر شکلنده برابر پاره ظاهر * وبالغ وسط سما اولدقده هر طرفه
منتشر اولوب * اول کون یوم سبت اولمغله اخر هفته یه قدر متصل سلسلهٔ
مطر متسلسل اولمشدر * ابولبابه بر وفق دعای نبوی خرمای صوکوترمک
ایچون ثعلب مربدنی سد ایلدی * بعده خارج کلوب یارسول الله کثرت

باراندن اموالمز هلاک * وسبل ومسالکمز منقطع اولدی دیمکله *
سید البشر حضرتلری ینه پرتوبخش فراز منبر اولوب * اللهم حوالینا
ولا علینا اللهم علی الاکام والظراب وبطون الاودیة ومنابت الشجر *
دعاسیله اول سرزمیندن غائلهٔ باراننک بر طرف اولمسیچون استرحام بیورمغله *
فی الحال نقاب سحاب وجه مدینهدن منقشع وچاکیده واطراف وانحایه
کشیده اولدی * وفد همدان * قبیلهٔ مرقومهدن مالک بن نمط ایله که مشاهیر
شعرادندر بر جمع اوزرلرنده مقطعات حبرات * یعنی قصیر اثواب علی قول
بر نوع مخطط البسه * وباشلرنده دستار عدنی رواحل نهیه ومهریه وارحبیه یه
سوار اولدقلری حالده درکاه رسالتپناهه کلوب رخسای سدهٔ علیا اولدیلر *
فائده * نهیه تشدید یا ایله سموزدوه یه دینور * مهریه عندهمهره نام قبیلهیه
منسوب دوهدرکه بغایت اعلا اولور * ارحبیه دخی همداندن ارحب
قبیلهسنه منسوب دوهدر * تتمه * مقدما شاه تختکاه نبالت حضرتلری
انلاری اسلامه دعوت ایتمک ایچون خالد بن ولیدی ارسال بیورمغله *
التی ماه مدت آنده اقامت * وسور پرسرور اسلامه دعوت ایدوب * قطعا
توجیه روی اجابت ایتمامشلر ایدی * بعده حضرت مرتضی یی تعیین وخالد
معیتنده اولان کمسنهلردن مراد ایلدیکنی الوب عودت ایلمک باینده امر عالی
اصدار بیورلمغله * حضرت مرتضی واروب معیتنده اولان اصحاب کرامی
خط مستقیم آسا صف واحد ایلدکدنصکره * تقدم ایدوب طائفهٔ
مرقومهیه نامهٔ سعادتی قرائت ایلدکده * جملهسی ادای مراسم سمع
والطاعت * ویکدهن زمزمهٔ شهادتی واصل چارجهت ایلدیلر * بو خبر
طرف حیدردن رسیدهٔ سمع سید البشر اولیجق * سجده گذار شکران
اولدقدنصکره السلام علی همدان دعاسیله حائز شرف بیپایان ایلدیلر *
وفد خولان * وسنهٔ مزبورده خولان قبیلهسندن اون نفر کمسنه کلوب *
یارسول الله بز زورامزده اولان قومنزاوزرینه نافذ الکلم اولوب * ووحدانیت
باری یه مؤمن ورسولنی مصدق * والحالة هذه طرف اشرفکزه ضرب آباط
جمال * وقطع اغوار وجبال ایلیه رک * المنة لله ولرسوله علینا ورود ایلمک
میسر اولدی دیدیلر * وفد بلی * سنهٔ مزبورده قضاعهدن بر قبیله اولان
علی وزنده بلی قبیلهسندن بر طائفه کلوب * رویفع بن ثابت البلوی یه نزیل
واندلالتیله دخیل مجلس سید نبیل اولدیلر * رویفع طائفهٔ مرقومه کندی
قومی اولدیغنی حضور معالی وفور نبوی یه عرض وبیان ایدیجک * نبی لطیف
حضرتلری مرحبا بک وبقومک تعبیریله ترحیب وتلطیف بیوردیلر * بعده

جمله‌سی مظهر نعمت هدا اولمغله * رسول خدا حضرتلری * الحمد لله الذی
هداکم للاسلام * تعبیریله درگاه کبریایه حمد و ثنا ایلدیلر * چند روز
اقامتدنصکره اعزاز و اکرامله وطنلری طرفنه اعتزام ایلدیلر * وفود رفاعه *
وسنهٔ مزبورده رفاعه بن زید مخزومی درگاه نبوت پناهه بر غلام هدیه‌سیله
رخسای اولوب * حضور پیغمبر ذیشانده مسلمان * و نائل عزت ایمان اولدی *
عودتنده طرف سلطان اقلیم بعثتدن قومنی دعوته مأمور بیورلدیغنی متضمن
بر قطعه برلیغ بلیغ پیغمبرانه ترقیم * وکندوسنه تسلیم اولندی * صورتی
بودر * بسم الله الرحمن الرحیم * من محمد رسول الله برفاعة انی بعثته الی قومه
عامة ومن دخل فیهم یدعوهم الی الله والی رسوله فمن اقبل منهم ففی حزب الله
وحزب رسوله ومن ادبر فله امان شهرین * قومنه وصولنده جمله‌سی اجابت
وتشبث دامن اسلامله احراز دستمایهٔ سلامت ایلدیلر *

* طارق سعد صرد بجیله * غامد ازد جرش حنیفه *

بیت مرقومده سکز لاینده مندرجدر * وفود طارق * وفد بنی سعد *
وفود صرد * وفد بنی بجیله * وفد بنی غامد * وفد ازد * وفد اهل جرش *
وفد بنی حنیفه * وفود طارق * وسنهٔ مزبورده طارق بن عبدالله قومیله
آستان سعادت نشان نبویه وافد * و داخل زمرهٔ موحد اولمشدر *
وفد بنی سعد * وسنهٔ مرقومه‌ده قضاعه‌دن بنو سعد بن هذیم وفدی
وفود ایلدی متعینلرندن نعمان ایله برجمع کلوب اول اثناده امام محراب دین
حضرتلری مسجد شریفده سهل بیضا جنابنک جنازه نمازنی ادایه مشتغل
اولمغله بر طرفه منحاز اولدیلر * مهمه * سرور انبیا حضرتلری مسجد شریفده
سهلدن غیری صحابهٔ کزین نمازنی ادا بیورمدیلر * تتمه * حضرت
مفخر الموجودات بعد اتمام الصلوة * طائفهٔ مرقومه‌یی کوریجک حضور
منقبت محصورلرینه دعوت ونام ونشانلرندن مسئلت بیوردقلرنده * بنو سعد
اولدقلرین اخبار ایتملریله * سید الابرار حضرتلری سز مسلم اولدیکزمی
دیو استفسار بیورمغله * انلار دخی اقرار ایلدیلر * امدی قرنداشکزک
نمازنه نیچون حاضر اولمدکز بیورمغله * یا رسول الله جناب منبع الجناب
رسالتنه بیعت ایتمزدن مقدم جائز دکل ظنیله متأخر اولدق دیدکلرنده *
حضرت رسول الله نیرده اسلامه کلدیکزایسه داخل عداد مسلمین اولدیکز
بیوردیلر * بعده اسلام اوزره بیعت * و وطنلری طرفنه رجعت ایلدیلر *
رحاللرنده بر طفل صغیر تخلیف ایتملریله بعد الوداع ینه درگاه ملائک اجتماعه
عودت * و اول طفلی شرف بیعت سعادتله حائز مفخرت ایلدیلر * انلار

یا رسول الله بو طفل ذاتنده صغیر اولدیغندن ماعدا خدمتکارمزدر
دیدکلرنده * حضرت رسول الله سید القوم خادمهم بارک الله علیه
بیوردیلر * نعماندن مرویدرکه اول طفل صغیر برکت دعای نبویله جمله‌مزدن
اقرأ و افضل اولوب * بعد زمان حضرت سید المرسلین * انی اوزرمزه امیر
نصب وتعیین بیوردیلر * وفود صرد * وسال مرقومده صرد بن عبدالله
الازدی وفود ایلدی * ازدشنوءه قبیله‌سنک افضلی اولمغله برجمع ایله آستان
رفیع الارکان مصطفویه فرش جبین ابتهال ایلدیلر * سلطان العالمین
حضرتلری صردی قومی اوزرینه امیر نصب وتعیین * و قرب و جوارلرنده
اولان مشرکین قبائل یمن برله حرب و قتال ایتمکه مأمور بیورملریله *
حسب الامر جرش نام بلده‌یی که انده یمندن قبائل عدیده ساکن ایدی *
برماه مدت محاصره ایلدکدنصکره رجعت ایلدی * اهل حصار عودتنی
هزیمته حمل ایله جمله‌سی سوار اولوب تعقیب ایلدیلر * شکر نام جبل قربنده
یتشدیلر * همان صرد بونلری کوریجک عطف عنان صولت ایدوب اکثرنی
پازدهٔ خیل خسارت ایلدیلر * مرویدرکه مقدمجه جرش خلقی درگاه
رسالتمداره ارتیاد اخبار ایچون ایکی کمسنه ارسال ایدوب * روز ملحمهٔ
مزبورده سید الابرار حضرتلری اصحاب اخیاره توجیه خطاب شکربار
ایدوب * عجبا شکر نام جبل نه دیارده اولور بیوریجق * اول ایکی کمسنه
قالقوب یا رسول الله بزم دیارده کشر نام بر جبل وار دردیدیلر * سید البشر
حضرتلری بلکه شکردر زیرا انده حضرت حقک نیچه قربانلری نحر
اولنمقده دربیوردقدنصکره * وقعه‌یی انلاره خبر ویردیلر وطنلرینه
رجوعلرنده حال بر منوال اخبار نبی به مآل اولدیغنی تیقن ایلیوب *
وقوملرینه وقعهٔ مرقومه‌یی پیغمبر لاریب حضرتلری عن ظهر الغیب نقل
وبیان بیوردیغنی افاده ایتمکله * سدهٔ سدره مکانته وفود ایلدیلر *
وفد بنی بجیله * وسنهٔ مزبورده بنی بجیله‌دن جریر بن عبدالله البجلی یوز اللی
نفر کمسه ایله مرجع انس و جان * و منتجع بر و احسان اولان موئل عظمت
بنیانه وفود ایلیوب * مظهر اکرام اسلام اولدیلر * ورودلرندن اقدمجه
سید الانام حضرتلری اصحاب کرامه بو طرفدن سزه بر خیرلو کمسنه وارد
اولیور * وجه وجیهنده مسحهٔ ملک واردر بیوروب * درعقب راحله‌سی اوزره
جریر ظهور ایلدی * مسحهٔ ملک ایله جمالندن کنایه بیوردیلر * نبی کریم علیه
التحیة والتسلیم حضرتلری انلاره احکام شریعت مطهره‌یی تعلیم
بیوردقدنصکره * جریری یمنده ذوالخلصه نام صنمک تخریبی خدمتنه نامزد

بیوردیلر * یوزاللی سوار ایله واروب صنم مرسومی کسر ایلدکدنصکره بنه
درکاه رسالته رجعت ایلدیلر * وفد بنی غامد * وسال مرقومده بنی غامد
قبیله‌سندن اون کسنه کلوب ابراز اسلام ایلدیلر * حین رجعتلرنده رسالتسمیر
حضرتلری انلاره احکام شرع منیری متضمن برقطعه قباله تحریر ویرکندیلره
تعلیم قران وامامت ایلمك ایچون ابی بن کعب جنابنی تأمیر بیوردیلر *
وفد ازد وسنهٔ مزبوره‌ده ازد قبیله‌سندن یدی نفر کسنه کلوب شرفیاب مجلس
رسالتمآب اولدقلرنده * رسول کردکار حضرتلری اسم ورسملرندن استخبار
بیورمغله * انلار دخی ازد قبیله‌سندن مؤمن اولدقلرین اخبار ایلدیلر * پیغمبر
ذیشان حضرتلری حقیقت ایمانلرندن استعلام بیوریجق * اون بش
خصلتدر بش خصلتنی طرف اشرفکزدن ورود ایدن رسولدن تلقی ایلدك *
وبش خصلتیله‌ده جاهلیتده بزلر متخلق اولمشیدك * وبش خصلتیله‌ده
عمل ایلمك بابنده جناب علی الجناب امر بیوردیلر * حالا جمله‌سنه اعتنا
واهتمام اوزره‌یز * تاکه جانب جلی المناقبکزدن برینك تنقیص وتغییرنه
دائر امر صادر اولنجه دیدیلر * حضرت صاحب سعادت اولا رسوللرمزه
ایمانله امر ایلدیکی بش خصلت ندردیدی * انلار دخی اللهه * وملائکه
سنه * وکتبنه * ورسلنه * وبعد الموت بعث وقوعنه ایمانله امر ایلدی
دیدیلر * ثانیا بزه عمل ایله امر ایلدیکم بش خصلت ندر بیوردقده * انلار دخی
لا اله الا الله کلمه‌سیله اقرار وحدانیت * ونماز پنجکانه‌یی اقامت * وزکوتمزی
ایتا * وصوم رمضانی ادا ومن استطاع الیه السبیل تعبیرواریسه حج بیت خدا
ایلمکدر دیدیلر * ثالثا جاهلیتده سجیه کز اولان بش خصلت ندر بیوریجق *
وسعت حالنده شکر * وبلا نزولنده صبر * وقضایه رضا * ومواطن لقاده
صدق ادا * وترك شماتت اعدا ایلمکدر دیدیکلرنده * سلطان انبیا حضرتلری
بونلر حکما وعلمادر * فقاهتلری سببیله احراز رتبهٔ نبوت ایتمکه قریب اولمشلر
بیوردقدنصکره * سزه بش خصلت دخی زیاده ایده‌یم * تاکه فعلکز قولکزه
موافق ایسه یکرمی خصلت سزده تمام اولور اولا اکل وتناول ایتمیه جککزی
جمعه مبادرت * وساکن اولمیه جغکز محلی بنا وعمارت * وفردا زائل
اوله جق نسنه ایچون منافست ایتمیوب * ومرجع ومصیرکز اولان حضرت
حقدن خوف وخشیت * وبرابر کیدوب وانده مخلد اوله جغکز عمله جد
ورغبت ایلیه سز بیوردیلر * بعده اجازتله وطنلرینه عودت ایدوب وصایای
نبویه‌یه رعایت * وعمل واعتنایه مواظبت ایلدیلر * وفد اهل جرش *
کنارشهر ولدیغی اوزره جرش خلقنك طرف ابهر الشرف رسالته ارسال

ایلدکلری

ایلدکلری ایکی کسنه کلوب * شکر نام جبلده وقوع بیافته اولان وقعه‌نك
زبان معجز بیان نبویدن استماع ایلدکلرنی بعد العود قبیله‌سی خلقنه افاده
ایلدکلرنده * استان معالی‌العنوان طرفنه شتابان اولدیلر * وصوللرنده
سرور انام حضرتلری * مرحبا بکم احسن الناس وجوها واصدقهم لقاء
والینهم کلاما واعظمهم امانتا انتم منی وانا منکم وحمی لهم حمی حول
بلدهم * تعبیریله ترحیب واکرام ایلدیلر * وفد بنی حنیفه * وسنهٔ مرقومه‌ده
بنو حنیفه‌دن اشخاص کثیره کلوب مسیلمة الکذاب دخی داخل ایدی *
حضرت محمد بنی خلف امر نبوت ایدرسه کندوسنه متابعت ایدرم ادعاسنده
ایدی * حضرت رسول الله یدمؤیدلرنده برجرید الوب ثابت بن قیس
بن شماس ایله مسیلمه‌نك اوزرنده طوروب * شو جریدی بندن التماس ایلسك
ویرملك احتمالی یوقدر وحقکده مبرم اولان امر الهیدن متجاوز اوله‌مزسن *
اکر مسلمان اولمیوب کیدرسن البته قهر الهی‌یه مظهر اوله‌جقسن * وبن عالم
رؤیاده مشاهده ایلدیکم شخص سن اولدیغك محققدر * سنك جوابك
ثابت بن قیس بن شماسه محولدر دیوب عود بیوردیلر * مقدما برکزیدهٔ
انبیا حضرتلری عالم رؤیاده مشاهده بیورمشلر ایدیکه * دست سعادت
پیوستلرنده کویا ایکی التون بلازك اولمغله * قلب تابناکلری متخدش اولوب
اول انده نفخلری بابنده امر اسمانی ظهور ایتمکله * همان نفخ بیوروب
ایکیسده یدمؤیدلرندن پران اولمشیدی بو مشاهده‌یی خرامان روضهٔ جنان
اولدقدنصکره ایکی کذاب خروجیله تعبیر بیورمشلر ایدی * بریسی صنعاء
عنده اسود العنسی * ودیکری مرسوم مسیلمه‌در * چون جمله‌سی حضور
فائض النور نبویده مسلمان اولوب وطنلرینه عودت ایلدیلر * وصوللرنده
مرتد اولوب مسیلمه ادعای نبوته دمساز اولدی * صنعتله برقاروره ایچره
بربیضه ادخال ایتمکله انی معجزه اتخاذ ایدوب * وزعم باطلنجه قران کریمه
نظیره پردازلق ایلدی * منقول اولدیغی بی مزه ومزیت کلاملری بری بودر *
لقد انعم الله الحبلی * فاخرج منها نسمته تسعی * من بین شغاف وحشی *
بریسی دخی سورهٔ کوثر نظیره‌سیدر * انا اعطیناك الجواهر * فصل لربك
وهاجر * ان مبغضك لرجل فاجر * بو جعزان قومندن نیچه سفها تبعیت
ایتمکله بازار ادعاسنه کرمیت کلوب * اخرکار زمان خلافت صدیق اکبرده
دیوان خلافتدن خالد بن ولید عسکر بیشمار ایله اول نابکار اوزره تعیین
بیورلمغله * محاربهٔ کثیره دنصکره لعین مرسوم منهزم اولوب * حربهٔ
وحشی ایله جهنمه انیس اولدی *

* منتفق محارب مزينة * طی سلامان نخع ثمامة *

بيت مزبور ده بيدى لايحه مندرجدر * وفود منتفق * وفد بنى محارب * وفد بنى مزينه * وفد بنو طى * وفد سلامان وفد نخع * وفود ثمامه * وفود منتفق * وسنهٔ مزبوره ده لقيط بن عامر بن صبره بن عبد الله المنتفق وفود ايلدى * وفد بنى محارب * وسنهٔ مرقومه ده وفد بنى محارب وفود ايلدى شاه سرير اصطفا * عليه اصفى التحايا حضرتلرى تبليغ احكام خدا ايدوب قبائلى كشت وكذار بيورد قلرنده * قبيلهٔ مزبوره سائردن زياده طرف نبوى يه غلظت * واظهار عداوت * ايتمشلر ايدى * بو دفعه انلاردن اون كمسنه كلوب حضور پيغمبر عاليمنزلتده اعلان شهادت وجائزه ايله عودت ايلديلر * وفد بنى مزينه * وسنهٔ مرقومه ده وفد بنى مزينه وفود ايلدى * نعمان بن مقرن المزنى ايله درت يوز نفر كمسه كلوب مسلمان اولديلر * هنكام رجعتلرنده سيد البشر حضرتلرى تزويدلرى بابنده فاروق اعظمه امر بيورمغله * حضرت فاروق يا رسول الله جزئى خرمادن غيرى زاد موجودم يوقدر كفايت ايليه جكى معلومم دكلدر ديدكده حضرت رسول الله سن انكله بونلارى تزويد ايله بيورمغله * حضرت عمر دخى جملهسنى الوب خانهٔ سعادتلرنده اولان غرفه يه اصعاد ايلدى * كورديكه اول اقل قليل خرما بركت نفس مفيض الالاء بر له جمل اورق كبى غرفه يى املا ايتمش * اورق لونده بياضه مائل سواد اولان دوه در * هركس بقدر الحاجه اخذ ايلديلر * نعماندن مرويدر كه جمله دنصكره بن اخذ ايلدم * كوردمكه هنوز بر خرما تنقيص اولنمامش * وفد بنى طى * وسال مرقومه ده وفد بنى طى وفود ايلدى * متعينلرى اولان زيد الخيل ايله برجمع كلوب خوان شهى النوال اسلامدن بهره دار اولديلر * زيدك بش رأس فرسى اولمغله زيد الخيل اطلاق اولنوب * بعده نبى وسيم حضرتلرى زيد الخير بر له توسيم ايلديلر * وحقنده بيورديلركه عربدن فضل ومزيتله مشتهر اولان كمسنهلر حضوره كلدكده جملهسنك شهرتلرين ذاتلرينه غالب بولدم * انجق زيدك ذاتى شهرتنه غالبدر * بعده وفود حقلرنده ارزان بيوردقلرى رعايت واكرام وتيره سى اوزره هر برينه بشر اوقيه * وزيد الخيره اون ايكى بچق اوقيه فضه اجازه بيوردقدنصكره * متمكن اولدقلرى خطه دن ايكى محلى دخى كندوسنه اقطاع * وتمليكنامه اعطا واعزاز واكرام ايله وطنلرينه ارجاع بيورديلر * بعد المفارقه زيد الخير حمايه دوچار * ومتأثرا عازم دار القرار * اوله جغنى اصحاب كزينه اشعار بيورديلر * واقعا خلال راهده حمايه مبتلا ومحموما بردوسلام جانبنه رهپيما اولدى * قبيصه بن اسود برسنه كاملا نوحه

ايدوب بعده رحل وراحله سنى الوب قبيلهسنه كتوردى * زوجه سى راحله سنى كورنجه برعظيم آتش ايقاد * وجملهٔ اثواب وانقالنى مكتوب نبوى دخى داخل اولمغله احراق بالنار ايلدى * وفد سلامان * وسنهٔ مرقومه ده وفد سلامان دخى وفود ايلدى * سلامان قبيلهٔ ازدو قبيلهٔ طى وقبيلهٔ قضاعه دن بر ربطندر * ما نحن فيهم بطن قضاعه در * خبيب بن عمر والسلامانى ايله يدى نفر كمسه كلوب مسلمان اولديلر * قحط وغلادن اشتكا ايتمرله وسيلهٔ امال برايا حضرتلرى * اللهم اسقهم الغيث دعاسيله دركاه كبريادن استسقا ايلدكلرنده * خبيب يا رسول الله يد مؤيدكز مرفوع سوى اسمان بيورلسه اطيب واكثر اولملق اقرب وجدان عاجزانمدر ديدكده * حضرت رسول الله تبسم ايدوب دست عنايت پيوست ساميلرين * بياض ابطينى نمودار اولنجه قدر برداشتهٔ دركاه مفيض الوطر بيورديلر * اوچ كون اقامتدنصكره هر برينه بشر اوقيه فضه انعام اولنوب * بالاجازه وطنلرينه عود ايلديلر * وصوللرنده روز دعاى نبويده باران رحمت نازل * وبرارى وبوادیلرنده چهرهٔ كريمان اساب وتاب وطراوت حاصل اولديغنى استيقان ايلديلر * وفد نخع * وسال مرقومه ده وفد قبيلهٔ نخع وفود ايلدى مقدما شرفياب اسلام اولوب معاذ بن جبل جنابنه بيعت ايتمشلر ايدى * بو دفعه ايكيوز كمسه كلوب خاكپاى مراحمنشاى نبوى يه بسط پيشانى ضراعت ايلديلر * متعينلرندن زراره بن عمرو يا رسول الله خلال راهده برقاچ غريب رؤياى هائله مشاهده ايلدم ديدى * سيد الابرار حضرتلرى استفسار بيورمغله * حالا قبيله ده تخليف ايلديكم خاتونم بطننده براسقع واحوى جدى متولد اولدى ديدى فائده * اسقع اول نسنه دركه سوادى حمرته مشرب اوله احوى شديد السواد اولميان نسنه در * جدى اوغلاق معناسنه در * تتمه * داننده سرائر ملكوت حضرتلرى سؤال بيورديلركه * جاريهٔ حامل تركك ايدوب كلديكزمى * زراره نعم ديدى * امدى سنك صلبندن برفرزند ظهور ايليه جكدر بيوردى * زراره يا رسول الله اسقع واحوى صفتلرينه دلالت ايدرديجك * صاحب مكارم سجيت حضرتلرى زراره يى تنهاسنه دعوت بيوروب * سراسنده مكتوم برص علتى وارميدر ديو سؤال بيورمغله * اولدخى سنى حق پيغمبر بعث ايدن خداى ذو المنن حق بنده اول علت واردر * لكن بركمسنه نك معلومى دكلدر ديدى * فخر عالم حضرتلرى ايشته اوصاف مزبوره انك علاميدر بيورديلر * بعده بنه سوزه كلوب يا رسول الله ملك عرب اولان نعمان بن منذرى كوردم كويا كه اوزرنده قرطان ودملجان ومسكتان

یعنی کونه لروباز وبندلر وفیل کمکندن بلا زکار وارایدی دیدی * شاه مسند
رسالت حضرتلری ملکت عربك حسن قیافت * وعمران * ونضارتنه دلالت
ایدر بیوردیلر * بعده کیسوسی دوموی برپیره زن مشاهده ایلدم که * زمیندن
سرزدهٔ ظهور اولدی دیدی * سلطان انبیا حضرتلری اول بقیهٔ دنیادر
بیوردیلر * بعده کوردم که ارضدن برآتش پیدا اولوب * بنمله اوغلم عمر ومیانه
سنه * حیلولت ایلدی * واول اتشدن لظی لظی بصیر واعمی اطعمونی اکلکم
واهلککم ومالکم دیوندا کلور ایدی * دیدی * نبی ذی المفاخر حضرتلری اول
برفتنه درکه اخر زمانده ظاهر اولور بیوردیلر * زراره اول فتنه نك بیان
حقیقت وکیفیتنی نیاز کار اولمغله صاحب البینات علیه ابین الصلوات
حضرتلری * یا زراره اول برفتنه درکه ناس امام‌لرنی قتل ایدریه وروب * میانهٔ
اصابع شریفه‌لرین کشف ایدرك خلق اولوقت اشجار واختلاف اطباق
نارکبی مشتجر ومختلف اولورلر * اول ماده ده سیئه ارتکاب ایدن احسان ایده
یورم ظن ایدر * ومؤمنك مؤمن عندنده دمی صوایچمکدن زیاده شیرین
اولور * اکر اوغلك فوت اولورسه اول زمانه سن مدرك اولورسن * والا اوغلك
ادراك ایدر بیوریجق * زراره اولدم برغمی عدم ادراك ضمننده استدعا ایتمکله
مفخر اصفیا حضرتلری * اللهم لایدرکها تعبیریله دعا ایلدیلر * واقعا
کندوسی وفات ایدوب اوغلی عمروکه تابعیدر * خلع وشهادت ذی النورین
وقعه سنده برابر بولندی * وفود ثمامة بن اثال الحنفی * وسال مرقومده
ثمامه بن اثال الحنفی قبراوجبراوفودایلدی * محمد بن مسلمه سریه‌سی
خلالنده بیان اولندی

سبع حجه موت ابنه سری علی * خالد الاشعری وثنی البجلی

فی السنة الثالثة والستین وقع حجه علیه السلام وموت ابنه * وسری علی *
وخالد * والاشعری * ووقع مرتین سری البجلی تقدیرنده در * بیت مرقومده
الی لایحه مندرجدر * حجة الوداع وفات ابراهیم بن النبی علیه السلام * سریهٔ
علی بن ابی طالب * سریهٔ خالد بن ولید * سریهٔ ابوموسی الاشعری * سریهٔ
جریر بن عبدالله البجلی دوباره * حجة الوداع ولادت باسعادتك التمش اوچنجی
ونبوتك یکرمی اوچنجی ورسالتك یکرمنجی وهجرتك اوننجی سنه سنده حجة
الوداع واقع اولمشدر * بالجمله امتنه حلال وحرامی وسائر احکام اسلامی بیان
ومناسك وشعائر حج شریفی بودفعه بندن علی الکمال تعلم واشکال وشبها
تکزی استکشاف ایلیه سزکه * بوسنه دنصکره ملاقی اوله‌مز سزدیو
ناسه وداع بیورملریله * حجة الوداع بریله تسمیه اولندی * ومأمور ابلاغ

اولدیغم احکام ربانیه یی سزه تبلیغ ایلدیمی دیو استفسار بیورملریله * حجة
البلاغ ایله ده نامدار اولدی * روز عرفه ده حضرت رسول الله موقفده ایکن *
الیوم اکملت لکم دینکم واتممت علیکم نعمتی ورضیت لکم الاسلام دینا *
کریمه سی نازل اولمغله * جمله ناس مسرور وشادان اولوب * صدیق اکبر
حضرتلری واقف دقیقه اولمغین * مستغرق بحر احزان اولدی * زیرا بو عالم
هستیده وجود بهبود محمدی تمام دین مبین ایچون مستقر اولوب * لدی
الاکمال حکمت اصلی رهین استحصال اولمغله * رفیق اعلی جانبنه ارتحال
بیوریله جغی معلوملری ایدی * بو جهتله حج مرقومه حجة التمام دخی اطلاق
اولندی * حضرت صدیقك بو بابده تفردی فضل ومزیتنه دلالتده کافیدر
کرچه مقدما سلطان انبیا حضرتلرینك حجج عدیده سی اولوب * لکن بوسنه
ذات جلیل الاوصافلرینه مضاف اولمشدر * زیرا جاهلیتده بهرسنه سال
شمسینك سال قمری اوزرینه زیاده سی اولان نسیء که اون برکوندر * تأخیر
اولنه رق اوتوز اوچ سنه ده بردفعه ینه مرکز قدیمنه رجوع ایتمکله * سنهٔ
مرقومه ده اوتوز اوچ سنه کامل اولمشدر * بنا برین سید المرسلین حضرتلری
ان الزمان استدار کهیئته یوم خلق الله السموات والارض بیوردیلر *
وفات ابراهیم بن النبی علیه السلام * وسنهٔ مزبوره ده نهال روضة الصفای
رسالت * غنچهٔ کلزار نجابت ونبالت * حضرت ابراهیم بن رسول
عالیمنزلت * زینندهٔ روضهٔ جنت اولمشدر * حقنده شاه مسند نبوت
حضرتلری * لو بقی کان نبیا لکنه لم یبق لان نبیکم لانبی بعده بیوردیلر *
واول کون بامره تعالی کسوف واقع اولمغله * ناس کسوفی وفات ابراهیمه
معلول ایتمکین * واقف سرائر زیروزبر حضرتلری * شمس وقر ایات
الهیه دن برر آیت عظمادر * برفردك موت وحیاتندن ناشی منکسف
اولمزلر * چون انلاری اول حال اوزره کوررسکز * کشایش بولنجه قدر دعایه
افتزاع ایلیه سز بیوردیلر * سریهٔ علی بن ابی طالب * وسنهٔ مرقومه ده
ولایت یمنده سرفرو بردهٔ مقام امتثال اولمیان قبائلی اسلامه دعوت *
ومخالفلری تقدیرده تازیانهٔ شمشیر ایله تعزیرلرینه مبادرت ایلمك بابنده *
درکاه رسالتدن اوچیوز نفر مردجنکاور ایله علی بن ابی طالب کرم الله
وجهه تعیین بیورلمغله * حسب الامر ملکت مرقومه وصوللرنده
سیل بیابان آسا هر طرفه اقن ایدوب * غنائم بیشمار تحصیل ایلدکدنصکره
قبائل مرقومه یی جمع * وضیافتخانهٔ اسلامه دعوت ایلدیلر * اول شوریده
مذاقان اجابتدن روکردان اولملریله * ابتدا بالمناضله اهنك مقاتله اولنوب *

بعده شیر غران کبی سپاه دشمنان اوزره حمله ایتملریله * بکرمی نفری معبر تیغدن
کذر ایدوب ماعداسی تاب آور مقاومت اولەمیوب * شرر متطایر کبی
هر طرفه منتشر اولدیلر * جناب حیدر عنان کش تعقیب اولوب * مجددا
اسلامه دعوت ایتدکلده * جملهسی اجابت و شرف هدایتله مظهر عز و سعادت
اولدیلر * اتمام مأموریتله عودت ایدوب سید الانام حضرتلرینک جانب بیت
الحرامه احرامبند اعتزام اولدقلری مسموعی اولمغله * مکه طرفنه عطف
عنان * و حجة الوداعده مستسعد لقای پیغمبر ذیشان اولدیلر * سریهٔ خالد
بن ولید * و سنهٔ مزبورهده خالد بن ولید رضی الله عنه سریهسی واقع اولمشدر
بنو حارث بن کعبی اسلامه دعوت ایچون نجرانه ارسال بیورلدی * تفصیلی
وفد بنی الحارث خلالنده کذران ایلدی * سریهٔ ابوموسی الاشعری * سنهٔ
مرقومهده ابوموسی الاشعری برله معاذ بن جبل رضی الله عنهما تعلیم
قرأن عظیم الشان ایلمک ایچون یمن دیارنه ارسال بیورلدی * ابوموسی غایتده
خوش اواز * و جید القرأه اولمغله * حضرت رسول الله بر کیجه مقدم قرأن
تلاوتنی استماع ایلدکله * کندیلرینه لورأیتنی وانا استمع قرأتک البارحة قد
اوتیت مزمارا من مزامیر ال داود بیوردیلر ابوموسی دخی یا رسول الله استماع
شریفکز معلوم اولیدی * دخی تزیین و تحسین ایدردم دیدی * والمراد من
مزامیر داود ما کان یتغنی به فی قرأة الزبور * سریهٔ جریر بن عبد الله البجلی
دوباره * و سنهٔ مرقومهده ایکی دفعه جریر بن عبد الله البجلی سریهسی واقع
اولدی * سریهٔ اولی کذارشپذیر اولدیغی اوزره ذو الخلصه نام صنم تخریبنه
مأمور اولدی * سریهٔ ثانیه * ملوک طوائف یمندن ذی الکلاع و الیمنی عرس
اسلامه دعوت ایلمکه مأمور اولوب * تبلیغ امر نبی عالیشان ایلدکده *
کندوسی و زوجهسی ضریعه بنت ابرهة الصباح اجابت ایدوب مسلمان
اولدیلر *

فی سد اسامة افترا طلیحة * عنسی سجاح مفتری الیمامة

فی السنة الرابعة و الستین سری اسامة ووقع افترأ طلیحة وافترأ رجل عنسی
و سجاح و مفتری الیمامة تقدیرنده در * وزن ایچون الف افترأ قصر و یای عنسی
تخفیف اولندی * بیت مرقومده بش لایحه مندرجدر * سریهٔ اسامه *
افترای طلیحه * افترای عنسی * افترای سجاح * افترای مفتری الیمامه *
سریهٔ اسامه * سال ولادتک التمش دردنجی و هجرتک اون برنجی سنهسی که
سنهٔ حقیقیهٔ ولادتک التمش اوچنجی سالیدر * حب ابن الحب اسامة بن زید
بن حارثه سریهسی واقع اولدی * سلطان الانبیا * برهان الاصفیا * علیه

اتم الصلوات واکمل التحایا حضرتلرینک تجهیز بیوردقلری سرایانک اخری
و خلیفهٔ رسول الله صدیق اکبر جنابنک تنفیذ ایلدکاری امورک
اولیدر * مرویدر که شاه مملکت اجتبا حضرتلری امر بیوردیلر که * سپاه
اسلام دیار رومه غزا ایتمک ایچون معد و مهیا اولهلر * فرداسی که
ماه صفرک یکرمی التنجی کونیدر * اسامه جنابلرین طلب و استحضار
بیوروب * حضور جلالتمحصورلرینه مثولنده سنی اشبو عسکره امیر
نصب ایلدم مصرع پدرک اولان ناحیهٔ بلقاده ضم همزه و سکون بای
موحده و فتح نون و مقصوره ایله ابنی نام محله کیدوب * علی السحر
اولقوم مستحق اللومی بازدهٔ خیل خسارت * و خانمانلرینه ایصال شعلهٔ اتش
صولتله موطن و مقطنلرین * عالم و عالمیانه عرصهٔ عبرت ایلیهسن * تأیید رب
الارباب ایله اول طائفهیه ظفریاب اولدیغک صورتده * انده چوق اقامت ایلمه *
و بی رهبر و دلیل عزم سبیل ایلمه و جاسوس تقدیمیله استطلاع حالدن خالی اولمه
دیو امر و توصیه بیوردقلری کونک فرداسی که یوم اربعادر مبتلای تابش حما
اولدیلر * ایرتسی خمیس کونی مبارک یداً مجدلریله بر لوای فلک فرسا عقد
ایدوب * اغز باسم الله فی سبیل الله فقاتل من کفر بالله وصیتیله اسامهیه
تسلیم بیوردیلر * اسامه اول لوای نصرت التوایی الوب ادای مراسم تودیع
ایلدکدنصکره * مدینهدن چیقوب جرف نام محله نزول ایلدی * ابوبکر
و عمر و سعد بن ابی وقاص و سعید بن زید و ابو عبیده و قتاده بن نعمان و سائر
وجوه مهاجرین معیت اسامهیه تعیین بیورلمشلر ایدی * بعض ذوات
کبار اصحاب اوزره اسامهنک امارتی خصوصنده کفت و شنید ایتملریله * سمع
شریف نبوییه رسیده اولیجق * مرأت خاطر فاخرلری غبار اندود انفعال
اولوب * کابرلک مزاج لطافت امتزاجلری پژمانیدهٔ باد حما ایکن * سر سعد
افسرلرین بر عصابه ایله صاروب * حجرهٔ مطهرهدن خروج * و نور چشم
اسافرازمنبره عروج بیوروب * درگاه کبریایه ادای حمد و ثنا ایلدکدنصکره *
اصحاب کزینه وجهه خطاب ایدوب * یا معشر الناس اسامهنک امارتی
خصوصنده بعضکزک تفوه ایلدیکی مقاله کوشزدم اولوب * مقدما پدری زید
موته ملحمهسنده مظهر تشریف امارت اولدیغنده دخی ضرب کلام
ایتمشیدیکز * خدای متعال حقی زید امارته لایق ایدی * کذلک اوغلی اسامه
دخی مستحقدر * و بنم سودکلرمدندر * سزلره لازم اولان بنم امرم اوزره اکا
انقیاد ایدوب خیارکزدن اولدیغی حسبیله اکا توسل برله استیصای خیر
ایلیهسز بیوردیلر * بعده منبردن نزول و سعادتخانهلرینه دخول بیوردیلر *

اول كون هجرتك اون برنجی سنه‌سی ربیع الاولنك اونجی سبت كونی
ایدی * تمام سربه خلافت صدیقده واقع اولدی * افترای طلیحه * وسنهٔ
مزبوره‌ده افترای طلیحه بن خویلد واقع اولمشدر * یعنی ادعای نبوت هذیانی
حادث اولمشدر * مرسوم طلیحه بنی اسد قبیله‌سنك سركرده‌سی اولوب * بین
العرب شجاعتله نامدار حتی هزار سواره معادل شمار اولنور ایدی *
مقدما قومندن بر جمله اشخاص رسالته كلوب مسلمان اولمشلر ایدی *
بعد الرجوع ینه طریق حقدن الحاد و حیدودتله دمساز ادعای نبوت
اولدی * سلطان هردوسرا حضرتلری ضرار بن ازدی اوزرینه تعیین
ایدوب * اول اثناده لقای صمدانی‌یه واصل اولمغله نفیر دعوای بی اصولی
برمقدار متغلغل اولدی * بعده طرف صدیق اكبردن خالد بن ولید قتال
مرتدینه تعیین اولنوب * یمامه‌یه وصولنده طلیحه‌نك حشرات مجتمعه‌سنه
دوچار اولمغله * طلیحه‌یی طلب بیوردیلر * هوادارلری بزم پیغمبرمزی تحقیر
وازار ایله دیو التماس ایلدیلر * نه حال ایسه طلیحه حضور خالده مثول ایلیوب
حضرت خالد یا طلیحه خلیفه مزك سپارش بیوردیغی وصیت اوزره ابتدا
سنی كما فی السابق شریك و نظیردن منزه اولان حضرت خالقك اقرار وحدا
نیتنه * و حضرت محمد عبد و رسولی اولدیغی تصدیقه دعوت ایدرم * قبول
ایدرسك بزده سنی قبول ایدوب سیوفمزی درنیام ایدرزدیدی * طلیحه دخی
یا خالد بنده شهادت ایدرمكه * الله تعالی واحددر * و بن اللهك رسولی‌یم
حضرت محمده جبریل نازل اولدیغی كبی بكاده ذوالنون نازل اولوردیدی *
زمان سعادت اقتران نبویده دخی ادعاسی بو وجهله اولمغله * مسموع
شریفلری اولیجق ملائكهٔ اسمائندن برملك عظیم ذكر ایدر بیورمشلر ایدی *
آخر كار محاوره مشاجره‌یه مؤدی اولوب بینلرنده قتال عظیم اولمغله * انجامنده
تأیید رب الانام ایله سپاه اسلام غالب و مظفر * و لشكر مخالف بدفرجام
مهزوم و مدمر اولوب طلیحه برتقریبله زوجه‌سنی الوب شام طرفنه فرار
ایلدی * زمان خلافت فاروقیده ینه دركاه خلافته كلوب مسلمان * و پایندهٔ
مركز ایمان اولدی * و ادای حج شریف ایلدكدنصكره قادسیه وقعه
سنده شهید املتحق قدسیان اولدی * افترای عنسی عنس فتح عین مهمله
وسكون نونله یمنده برقبیله‌در * وسنهٔ مزبوره‌ده اسود ذو الخمار عبهله بن
كعب عنسی كه بنی مدلج سركرده‌سیدر * ادعای نبوتی حادث اولدی * مقدما
اسلامه كلوب حجة الوداع عقبنده مرتد اولدی فن كهانت و شعبده
بازیده مهارتی اولمغله بعضا ناسه بعض امور غریبه و تخلیلات عجیبه

اظهار ایتمكله * اول كروه سبكسرانی اضلال ایدر ایدی ادعای نبوت
ایدوب بكا شهیق و شریق نامنده ایكی فرشته كلورزعمنده ایدی دائما
نقابپوش اولمغله ذوالخمار اطلاق اولنمشیدی * بعضلر خمار اول حاربد كرداره
مسلط اولان وسواس اسمیدر دیدیلر * صنعا والیسی باذان كه نصبكردهٔ
پیغمبر ذیشان ایدی * شب بخیر مجلس زندكانی دیجك لعین مسفور فرصت
بولمغله * رفع لوای شقاوت و اعوان كثیره پیدا ایتمكله * یمنده
نقاره‌زن عتو و فضاحت اولدی * جانب سلطان انبیادن مراد قبیله سنده
عامل اولان فروه بن مسیك بو ماده‌یی سدهٔ سنیه‌یه تحریر و اعلام ایلدی
معاذ بن جبل رضی الله عنه اول اثناده یمنده اولمغله * مأربده عامل اولان
ابوموسی الاشعری یه ملتجی اولدی * اندنصكره اول دوزخینك شرر شر
و طغیانی منطائر اولمغه بشلدی * و جبرواكراهله باذانك زوجه‌سی
اولان مرزبانی كه فیروز دیلمینك عم زاده‌سیدر تزوج ایلدی * سلطان
ملكت رسالت حضرتلری معاذ و ابوموسی و سائر یمن دیارنده اولان اهل
اسلامه بای وجه اسود نامنده اولان روسیاهك سواد فتنه‌سنی شعشعهٔ بیض
صوارمله ازاله ایلیه‌سز دیو فرمان اصدار و صنعاده بولنان ابنایه دخی
اسودك برتقریبله اعدامنه بذل اجتهاد * و اقتضا ایدرسه حمیر و همدان
قبیله‌لرندن استمداد ایلیه‌سز * و انلاره دخی امداد ایده‌سز دیو امرنامه‌لر
تحریر و تسیار بیوردیلر * ابنا دخی اسودك خاتونی مرزبانه سرا ملاقی اولوب
بو نه وضع بی غیرتیدر كه پدر و زوجنی قتل ایدن شخصه همسر اوله‌سن دیو طعن
و تشنیع ایلدكلرنده * مرزبان دخی عندمده اسوددن مبغوض كمسه
یوقدر * پنجهٔ استیلاسندن تخلیص كریبان ایلمكه چاره جوییم حالیا
درون قصرده تنهانشین بستر خواب اولوب لكن جوانب قصرده وافر
پاسبان اولمغله * شو حجره‌دن نقب لغم اولنسه صورت ظفر مقرردر دیو ارائت
طریق ایتمكله تیزدست محل مشاردن نقبه ابتدار و مبیتنه وصولده
فیروز دیلمی ایله دادویه تقدم ایلیوب * لعینی مسافر دار البوار ایلدیلر * حین
قتلده ملعون صیحه ایتمكله * پاسبانلر درون قصره شتابان اولیجق * مرزبان
پیغمبره وحی نازل اولیور دیو منع ایلدی * لعینه اغوا ایدن شیطانی
كلدكده سلمك عادت سیئه‌سی ایدی طلوع فجرده اذان محمدی اوقنوب
خلال اذانده اشهد ان محمدا رسول الله وان عبهلت كذاب دیوندا ایلدیلر
بعده عسكر اسلام مقهور مسفورك هوادارلرین بالجمله اعدام ایلیوب وقوع
حالی دخی عرض موقف اجلال ایلدیلر * مرویدركه حضرت رسول الله اسود

مسفورك ساعت قتلنده * كيفيت من بوره يه باوحى آسمانى آكاه اولمغله * اصحاب
كرامه بو كيجه اسودى برخاندان اصالت ودودمان نبالت بقيه سى اولان
برمرد مبارك قتل ايلدى بيورمغين * اصحاب كرام دخى استعلام ايتمكله سرور
انام حضرتلرى فيروز اولديغنى اعلام بيورديلر فرداسى نبى يمدانى حضرتلرى
متوجه ملك جاودانى اولمغله مكتوب وخبر زمان خلافت صديق اكبرده
واصل اولدى * فائده * ذكر اولنان ابنادن مراد اولاد فرسدر * اول زمانكه
حبشه ده نجاشى طرفندن والى اولان ابرهه يمن ملكتنه استيلا ايدوب *
ايدئ ملوك حميردن اول من زبومى انتزاع ايلدى * سيف ذى يزن كسراى
عجمه التجا واستمداد ايتمكله كسرا دخى سيفه عسكر وافر ويروب بنه ضرب
سيفله استرداد ايلديلر * اندنصكره سپاه فرس يمنده اقامت واهاليسيله
مخالطت ومعاشرت ايتمكله امتيازا ايچون اولادلرينه ابنا اطلاق ايتمشلر
ايدى * افتراى سجاح * مفتريلرك بريسى دخى سجاح نام برعورتدر * ادعاى
نبوت ايدوب مخصوص مؤذن وبواب ومنبر اتخاذ ايلدى * عطارد بن
حاجب اشبو بيتى انك حقنده انشاد ايلدى

* اضحت نبيتنا انثى نطيف بها * واصبحت انبياء الله ذكرانا *

افتراى مفترى اليمامه * مراد مسيلمة الكذابدر بودخى دمساز دعواى نبوت
اولوب * ذكر اولنان سجاح نام وقاحه نك اعوان وهوادارى كثرت
وبازار دعاسنه كرميت كليجك * عسكر بيكران تجهيز و مسيلمه ايله محاربه
ايچون يمامه طرفنه عزيمت ايلدى * وصولنده مسيلمه خبر ارسال ايلديكه *
تنهاجه ايكيمز مبحث نبوتلرمزى درميان ايليه لم كوره لم لياقت
وحقيت نه طرفده لايح اولور * سجاح واقعا شرط انصاف دخى بودرديوب
برخيمه ده اختلا * وهر طرفدن ادارهٔ كؤس محاورات هذيان احتوا ايدوب *
عاقبت سجاحى تزوج ومهرى مقابلى امتلرندن صلوة فجر وعشايى تنزيل
ايلدى * خالد بن وليد رضى الله عنه مسيلمه يى قتل ايلدكدنصكره سجاح
شرف اسلامله احتياز فلاح ايدوب بعده قومنه التحاق * ومعاويه وقتنه
قدر نعمت حياتدن تحصيل مذاق ايلدى * لطيفهٔ لاحقه * منقولدركه
سجاح ايله مسيلمه وجه مشروح اوزره خلوتده مباحثه ايدركن مسيلمه آيين
عريان اوزره بى سراويل اولوب و برقصهٔ درازه مالك اولمغله * خلال محاوره ده
سجاح معاينه ايلدكجه * رطوبت شهوانيه سى مجراى دهاندن فوران
ايتمكه بشليوب * عاقبت عنان اختيارى ربودهٔ سرپنجهٔ هوا اولمغله * انت
نبى وهذه معجزتك * ديوكير مقلقنى تلثيم وكندوسنى تسليم ايلدى

* مرض نقل للرفيق الاعلى * صلى عليه الله حيث خلا
وفى السنة الرابعة والستين مرض نقله عليه الصلوة والسلام تقديرنده در *
حيث خلا فى الدنيا اوفى البرزخ اوفى الاخرى سبكنده در * كيفيت مرض
نبوى خصوصنده مرويدركه * بركيجه سرور انام حضرتلرى ابومويهبه
نام غلامنه خطاب ايدوب * يا ابا مويهبه اهل بقيع ايچون استغفار ايلمكه
مأمور اولدم * بنمله برابر كيده سن ديو امر بيورمغله * برابر كيدوب
بقيعه واردقده السلام عليكم يا اهل المقابر ليهن لكم ما اصبحتم فيه مما اصبح
الناس فيه لو تعلمون ما نجاكم الله تعالى به اقبلت الفتن كقطع الليل المظلم يتبع
اخرها اولها الاخيرة شر من الاولى * عبارتيله تحيت وتسليم بيوردقدنصكره *
يا ابا مويهبه معلومك اولسونكه جملهٔ خزائن دنيانك مفتاحلرى ودنياده مخلد
اولمق وجنت بكا عرض اولنوب مفاتيح وخلود ايله لقاى رب العزت وجنت
بينلرنده تخيير اولندم بيورمغله * ابو مويهبه يا رسول الله پدر ومادرم نفس
نفيسكزه فدا اولسون دنياده خزائن وخلودى اختيار ايدوب * بعده جنته
دخولى اصطفا بيوره سز ديدجك * سيد الابرار حضرتلرى لا والله يا ابا مويهبه
بن لقاى رحمانى اختيار ايلدم ديدى فرداسى سر سعادتلرينه صداع طارى
اولوب حضرت عائشه حجره سنه منحرف المزاج تشريف ايلديلر * اول هنكامده
حضرت عائشه نك دخى صداعى اولمغله * وارأساه ديو انين واشتكا ايدر ايدى *
حضرت رسالتپناه بل انا وارأساه بيوروب لطيفه قصديله يا عائشه سكا نه ضرر
ترتب ايدر * اكر بندن مقدم وفات ايلسك بن سنى تجهيز وتكفين ايدوب
اوزركه نماز قيلسم ودفن ايلسم بيورمغله * حضرت عائشه جدهٔ حمل برله متأثر
اولوب واثكلاه خدا حقى مرادكز بودركه بن روضهٔ بقايه عزيمت ايدوب جناب
سعادت همايون اول كون بعض ازواجكز ايله حجرمده خلوت وصحبت بيوره لر
ديدى * صاحب رسالت حضرتلرى تبسم ايلديلر * وعبد الرحمن بن ابى بكر
الصديق حضور مكرمت مدار عاليلرينه احضار بيوروب * بكا برقطعه كتف
يعنى كورك كمكى ياخود برلوحه كتورتا كه بندنصكره ابوبكر حقنده اختلاف
اولنمامق بابنده وصيت نامه تحرير ايده يم بيورمغله * عبد الرحمن دخى
مأمورى احضار ايتمك ايچون حركته مبادرتده * بنه سلطان انبيا
حضرتلرى يا ابا بكر حضرت رب العالمين وكروه مؤمنين سنك حقكده
اختلافدن ابا ايلديلر بيوروب * بعده برخطبهٔ بليغه قرائت واصحاب كرام
بينلرنده فضل ومزيت صديق اكبرى بيان * وجمله يه اشاعت واعلان
ايلديلر * خطبهٔ مرقومه اراده بيوريلان وصيت نامه يه بدل اولمق غالبدر *

باكورۀ نخل روايتدركه مرضلرينڭ اشتدادنده اصحاب كزين مقر سعادتلرنده
مجتمع اولمغله * رسالتسمير حضرتلرى بكاقلم ودوات كتورڭ سزلره وصيت
نامه تحرير ايده‌يم * تاكه بندنصكره طريق حقدن اعتساف ايتميه‌سز
بيورمغله * فاروق اعظم وجود نبى اكرمى صبا نتاطبع لطيف نبوى
اشتداد درد ايله آزرده اولمغله * بزه قرآن كريم كفايت ايدرديدى * حضارڭ
كيمسى موافقت وكيمسى مخالفت ايلمكله * ميانلرنده قيل وقال پيدا اولمغين *
حضرت رسول الله طشره چقملرى بابنده امر بيورديلر * وصاحب مكارم
خليقت حضرتلرى هنكام مرضلرنده دخى قسم ازواج طاهرات خصوصنه
رعايت بيوررلرايدى * پك مشتد اولمجق بالجمله حلائل مكرماتى جمع ايدوب *
حضرت عائشه حجره سنده استقرار اولنمق ضمننده التماس بيورمغله *
جمله‌سى راضى اولوب * مبارڭ اللرين فضل بن عباس ايله حضرت مرتضى
دوشلرينه وضع ايدوب * رأس شريفلرى معصوب اياقلرين سوريه‌رڭ حجرۀ
عائشه‌يه تشريف بيورديلر * منقولدركه وجعلرى مشتد اولدقده برقاج
قويدن يدى قربه صو كتوردوب اوكيه‌لرين حل ايتمكسزين كتوروب
اوزريمه دوكه سزاوله‌كه برمقدار خفت بولوب امته وعظ ونصيحت ايده‌يم
بيورمغله * حسب الامر صولى احضار * وحجردن مصنوع برظرف ايچره
اجلاس ايدوب * اول صولرى مبارڭ بدنلرينه كفايت ايدرديجه‌قدر صب
ايلديلر * ماء مزبورڭ دفع سمومده مدخلى اولمغله خر انبيا حضرتلرى انكله
مداوا بيورديلر * رسول اكرم حضرتلرى وقعۀ خيبرده تناولنه ابتدار
بيوردقلرى شاة مسمومه‌نڭ اثر سمى جسمده مكرمنده باقى قالوب * اول اثناده
مشتد اولمشيدى * وسعادت شهادتى دخى احراز ايچون متأثر اعازم دار البقا
اولديلر * بعده سر سعادتلرى معصوبا مسجد شريفه تجلى بخش طلعت منير *
وفراز منبرى رشڭ سپهر اثير ايدوب * دركاه حضرت كبريايه اداى حمد
وثنادنصكره شهداى احد ايچون خيلى دعا واستغفار ايلديلر * بعده
حضرت حق سبحانه وتعالى عبادندن برنى دنيا ايله لقاسى بيننده تخيير
ايلمكله * لقاى رحمت التقاسنى اختيار ايلدى * ديدڭ حضرت صديق
اكبر ذات انورلرندن مكنى اولديغنه انتقال ايتمكله بكا ايدرڭ نفوس
واولادمز ذات مكارمنهادكزه فدا اولسون يارسول الله ديدكده * حضرت
رسول الله تأنى قيل يا ابابكر بيوردقدنصكره * اى معشر ناس صحبت ومال
جهتلريله جمله‌دن زياده ابوبكرڭ ممنونيم اهل ارضدن خليل اتخاذ ايلسم
ابوبكرى اتخاذ ايدردم بيورديلر * بعده مسجد شريفه كشاد اولان ابوابڭ

جمله‌سى سد اولنوب حضرت ابوبكرڭ قپوسى على حاله كشاده قالمق
بابنده فرمان ايليوب * ينه سعادتخانه‌لرينه تشريف ايلديلر * مرويدركه
مرض نبوى مشتد اولنجق انصار كرام سپنداسا آتش اضطرابه
دوشوب * سراسيمه وحيران * شعلۀ جواله كبى اطراف مسجدى
طوف ودورانه باشلديلر * حضرت على وعباس وفضل سروقت نبوى‌يه
داخل اولوب * انصارڭ احوال پرملاللرين اعلام ايلمريله * سيد الانام
حضرتلرى كد ومشقت تام ايله قيام * ومرتضى وفضل اموزلرينه اتكا
وعباس پيشكاهلرنده مبارڭ اياقلرين سوريه‌رڭ * مسجد شريفى غبرت دار
السلام * وقدم زرين منبرى همرتبۀ فلك ميناقام بيورمغله * اصحاب كرام
مسجده شتابان اولوب * درساعت شمع اقبالنه جمع اولديلر * دركاه واحد
بيهمتايه اداى حمد وثنادنصكره * اى معشر ناس مسموعم اولديكه بنم
ارتحالمدن خوف وتلاش ايدرايمشسز * اسلاف انبياى عظامدن بريسى
امتى بيننده مخلد اولديمى كه بندخى سزڭ ميانكزده مخلد اوله‌يم * معلومكز
اولسونكه بن حضرت حقه لاحق اوله‌جغم * وشرف لحوقه جمله‌دن زياده
مستحقم * سزه وصيتم اولدركه مهاجرين اولينه حرمت ورعايت ايليه‌سز *
ومهاجرينه وصيتم بودركه سزكه حسن زندكانى ومعاشرت ايليه
بيوردقدنصكره * والعصر سوره‌سن تلاوت بيورديلر * بعده اى مهاجرين
وانصار جريان آموز قضا وقدرت پروردكاره منوطدر * مؤجل اولان مرامى
تعجيلڭ فائده‌سى يوقدر حق سبحانه وتعالى فرد آفريده‌نڭ عجله‌سى ايچون
تعجيل ايلمز * وهركمسه كه قضاى الهى‌يه غالب اولمق هواسنده اوله *
بهرحال مظهر قهر ونكال ذوالجلال اوله‌جغى بى شائبۀ اشكالدر *
وزعمنجه طرف ربانى‌يه اخداع ايتمڭ سوداسنده اولورايسه لاجرم كندوسى
مخدوع ومخذول اولمق وارستۀ قيل وقالدرديوب * فهل عسيتم ان توليتم
ان تفسدوا فى الارض وتقطعوا ارحامكم * الايه كريمه‌سن تلاوت
بيورديلر * بعده اى معشر مهاجرين سزلره انصار حقنده وصيت ايدرمكه *
انلاره دائما معامله بالجامله اوزره اوله‌سز زيرا انلار سزلره احسان ايلديلر *
سزلرى ديارلرينه كتوروب مسكنلرنده ايوا * وجهت معيشتلرنده تشريك
ايدوب وتعيشده كمال عسرت ومضايقه‌لرى وارايكن سزلرى نفسلرى اوزره
ايثار واختيار ايلديلر * معلومكز اولسونكه هركيم انصار اوزره حاكم
اولورسه كركدركه انلارڭ محسنلرندن اعمال حسنه‌يى قبول * ومسيئلرندن
عفو وتجاوز ايليه * وجمله كزڭ معلومى اولسونكه بن سزه رؤف ومشفقم *

اوسزلرینه دکالاحق اوله جقسز * موعدمز حوضدر * هرکیم کنار حوضده
بکاملاقاتی ارزوایدرسه مالایعنیدن یدولسانی کف ایلسون * ای معشر
ناس لامحاله ذنب ومعصیت سبب تغییر نعمت وموجب نقض رزق
وقسمتدر * اکرخلق یاروطیع اولورایسه پادشاه ووالیلری دخی اول صفت
اوزره اولور * واکرعاصی وفاجراولورلرایسه کذلك انلارده اول اطواروآخلاق
اوزره اولورلر * وبنم حیاتم حقکزده خیراولمغله * کذلك مماتم دخی خیردر
بیوردیلر * فائده * خیرلفظی صفت مشبهه اولوب افعل تفضیل بنیه سیله
اولمامغله مفضل علیه اقتضاسیله اشکال وارد اولمز * تتمه * بعده بنه
سعادتخانه لرینه تشریف بیوردیلر * مرضلرینه تمام ثقلت عارض اولوب
مسجدده تشریفه مکنتلری اولمیجق امامتی حضرت صدیقه تفویض بیورمغله
اون یدی وقتده امامت ایلدی صلوة فجرك رکعت ثانیه سنده مقتدای
جمله اوراحضرتلری دخی اقتدا * ورکعت اولایی منفرداادا بیوردقدنصکره *
برپیغمبرامتندن برینه اقتداایلمدکجه قبض اولنمدی بیوردیلر * انس رضی
الله عنه جنابندن مرویدرکه * سیدالوراحضرتلرینك واصل لقای رفیق
اعلااولدقلری کون که * ماه ربیع الاولك اون ایکنجی مبارك اثنین کونی *
خلق صلوة فجره شروع ایدوب * حضرت صدیق امرنبویله امامت ایدر
ایدی * سیدالبشرحضرتلری * پردهٔ درسعادتلری رفع بیورمغله *
کوردمکه مبارك وجه وجبهلری کاغده دونمش * صف اندرصف امتك
قائم سجادهٔ عبادت اولدقلرنی کوریجك بغایت منبسط اولوب تبسم بیوردیلر
جماعت مسلمین دیدارسیدالمرسلینی حس ایدیجك کمال فرحلرندن ناشی
نمازدن منحرف اولوب * طرف اشرفلرینه شتابان اولمغه اغازایدیجك *
ثبات واتماملری ضمننده اشارت بیوروب * وپردهیی اسجاف ایلدیلر *
درةٔ کلیل روایتیدرکه سبت کونی بریدوحی جلیل حضرت جبریل
علیه السلام نازل اولوب * یامحمد حضرت رب العزت بنی سکاارسال ایدوب
حالکه سندن اعلم ایکن تشریفاوتکریما مزاج سعادتکی استفسار بیوردیلر *
حالك نیجه دردیوادای خدمت عیادت ایلدکده * حضرت رسول الله
یاجبریل بك مغموم ومکروبم بیوردیلر * بعده احدکونی کلوب ینه
کالاول سئوال خاطرایلیوب * واول جوابله مجاب اولدی * اثنین کونی
قابض الارواح عزرائیل علیه السلام ایله برابرکلوب * حضرت عزرائیل
قپودهٔ بکلش وحضرت جبریل سروقت سعادته مثول ایلدی * استفسار
حال وخاطردنصکره * حضرت عزرائیلك قپوده اولوب اذن شریفلرینه

منتظراولدیغنی * وجناب عالیلرندن ماعدا فرد افریده دن بورسمه
استیذان واقع اولمدیغنی افاده بیوریجق اذن شریف صادر اولمغله *
حضرت عزرائیل دخی داخل حضورنبیل اولوب * عرض تحیت
وتسلیم ایلدکدنصکره * یامحمد حق تعالی بنی جناب رفیعکزه ارسال
ایدوب * وامر بیوردیلرکه فرمانکه امتثال ایلیم * رضای یمن اقتضای
منیفکزاولورایسه * روح پرفتوحکزی قبض ایده یم * والا رجوع ایده یم
دیجك * حضرت رسول الله بویله میدر بیورمغله * حضرت عزرائیل
دخی نعم بویلجه مأمورم دیجك * سید جلیل الخطر حضرتلری جبریل
امین طرفنه نظر بیورمغله * یارسول الله حضرت باری عزشانه لقای
شریفکزه مشتاقدر دیجك سلطان انبیا حضرتلری امدی یاعزرائیل
مأموراولدیغك امری اجراقیل بیورمغله * شهپر تعظیم واجلال اوزره
روح مطهرنبی پیمالی * اعلای علیینه ایصال ایلدی * علیه الصلوة
والسلام * الی قیام الساعة وساعة القیام * دم احتضارده حضرت عائشه
وصفیه وفاطمه ابوبکر وعمر وعلی طرفلرینه آدملر ارسال ایدوب *
اتفاقی برسیده حاضر اولمدی * حکمت خداهیرتده مدینه یه دخوللری
وقت که عقب زوال اثناپدر * پرتو بخش عالم بقا اولدیلر * وآخر کلاملری *
الصلوة وماملکت ایمانکم * قول شریفی ایلمشدر * مرویدرکه اول جان
جهان واصل عالم جان اولنجه * مخدرات مطهرات ناله وزار ونوحهٔ خارا
کذاره دمساز اولوب * اوازهٔ نعی وفغانلری مسجد شریفده بولنان اصحاب
کرامك مسموعلری اولیجق * جمله سی آشفته وحیران ودمبسته وسرکردان
اولوب * کیمی لایعقل کیمنك لسانی منقبض وکیمنك عقلی مختل ومغشوش
اولمغله * مجنون کبی هذیان سویلمکه بشلدی * اصحاب کزینك کویاکه
باشلرینه قیامت قوپدی * فاروق اعظم حضرتلری سراسیمه ومدهوش
ایاغ اوزره قالقوب خداحقی سیدالکائنات حضرتلری وفات ایلمدی *
زمرهٔ منافقینك ایدی والسنه سن قطع ایلمدکجه اقلیم بقایه عزیمت ایلمزلر *
هرکیم رسول الله وفات ایلدی دیرایسه طعمهٔ شیر شمشیر ایدرم * بلکه
موسی علیه السلام مناجاته عزیمتنده اکا دخی وفات ایلدی دیمشلرایدی *
قرق کوندنصکره رجعت ایلمکله * حضرت رسول الله دخی رجعت
بیوررلر دیو طرف طرف صیحه زن ایعاد وتخویف اولورلرایدی * حضرت
عثمانك دلی طوتیلوب لال اولدی حضرت مرتضی زمینکیر آساحرکتدن بیمجال
اولوب اولدیغی محلده قالب بیجان کبی قالدی * اول هنکامده مکر حضرت

صديق كندى محله سنده ايدى * بوخبر دلدوز وپيام عالمسوز مسموعى
اولنجق چشمهٔ چشملرندن نهر سرخاب اسا اشك خونين روان ايدرك كلوب
جمال با كمال سلطان هردوسرادن رفع ردا * وجبين مبينلرينه بابى وامى
طبت حيا وميتا ديه رك جبهه فرسا اولدقدنصكره * ال وازواج مطهراتك
ومسجد شريفده اولان اصحاب كرامك كانون فؤادلرينه آب افشان تسليت
اولمغله * ملتهب اولان آتش اندوهلرين نوعا تسكين * وقلوب خافقه لرين
برمقدار توطين ايلدى * بعده منبره چيقوب حمد وثنايى محتوى برخطبه
انشاد ايلدكدنصكره * ايها الناس من كان يعبد محمدا فان محمدا قدمات ديوب
وما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم على
اعقابكم ومن ينقلب على عقبيه فلن يضر الله شيئا وسيجزى الله الشاكرين
كريمه سن تلاوت ايلديلر * فاروق اعظمدن مرويدركه خدا حقى كويا كه
بو ايت كريمه يى بن اصلا استماع ايلامشيدم * بوندنصكره جمله اصحاب
انتقال رسول رب الاربابه اعتقاد واطلاعله استرجاع ايلديلر * بعده منبردن
نزول ايدوب اهل بيتى تعزيه وتسليه ايلدى * اول خلالده باجمله اصحاب كزين
صديق اكبر جنابنه بيعت ايدوب مسند خلافته تمكين ايلديلر * امر
خليفه ايله تجهيز وتكفين خدمتنه مبادرت اولنوب * حضرت مرتضى
وعباس وفضل وقثم غسل خصوصنه مباشر اولديلر * محلهٔ قباده غرس
نام قويينك صويى بغايت لطيف اولمغله حضرت رسول الله دائما اندن
نوش ايدرلر ايدى * اول صودن كتوروب يدى مشك صو ايله غسل ايلديلر *
اولا اوچ دفعه خالص صو ايله ثانيا سدر ثالثا كافور ممزوج صو ايله غسل
ايدوب * سحوله نام قريهٔ عائده معمول وپنبه دن منسوج اوچ عدد
بياض ثوبله تكفين اولندقدنصكره * تعيين بيوردقلرى موضعه نقل
وسرير اوزره ابقا اولنوب * كنجيدهٔ خانهٔ سعادت اوله جق اصحاب ابرار *
فوج فوج كلوب منفردا نماز كذار اولديلر * ابتدا رجال احرار بعده نساء
احرار * بعده اطفال * بعده عبيد * بعده اماء * كلوب هر برى درر در
تكبير ايله ادا ايلديلر * دعا خصوصنده اصحاب كرام مشاوره ايدوب بعده
شان رسالته شايان اولان اشبو دعا اوزره قرار داده اولديلر * اللهم
انا نشهد انه صلى الله عليه وسلم * قد بلغ ما انزل اليه * ونصح لامته *
وجاهد فى سبيل الله حتى اعز الله دينه * وتمت كلمته * فاجعلنا الهنا
ممن يتبع القول الذى انزل معه * واجمع بيننا وبينه * حتى نعرفه وتعرفنا به *
فانه كان بالمؤمنين رؤفا رحيما * لا نبتغى بالايمان به بدلا ولا نشترى به ثمنا *

ابوطلحه زيد بن سهل كه حفار انصاردندر لحد ايدوب ابو عبيدة بن
الجراح كه حفار مهاجرينندر قبرده شق ايدر ايدى * صحابهٔ كرام كيفيت
حفرده اختلاف ايتمكله * حضرت عمر على رواية حضرت عباس
ايكيسنه ده ادم ارسال ايدوب * كيم اول بولنورسه مرقد امجد نبويى
اول حفر ايلسون ديدى * ابوطلحه سبق ايتمكله لحد ايدوب اول كنج
رسالتى انده دفن * وطقوز كرپج ايله بنا * وامر تدفينى
رسيدهٔ حد انتها ايلديلر * صلى الله عليه وسلم *
وشرف وكرم ومجد وعظم دائما ابدا الآبدين
وعلى آله وصحبه الماجدين * وذريته
وازواجه واصهاره وانصاره وعشيرته
وجميع امته * وادخلنا فى شفاعته
واحشرنا فى زمرته تحت لوائه *
وادخلنا معه الجنة * كما
اعظم به المنة
امين
م

هذا آخر ترجمة سير الحلبى المشتملة على اخبار خير البرية واصحابه ذوى
النفوس الزكية وقد تم طبعها واينع طلعها بمطبعة صاحب السعادة
الابديه والهمة العلية مولانا الحاج محمد على باشا ادام
الله دولته وايد عنايته وصولته على يد مصححها الفقير
احمد افندى قرق كسه وى فى اواسط شهر ذى الحجه
سنة الف ومائتين ثمان واربعين من هجرة
من له العز والشرف